

# دائرۃ المعارف بزرگ طب اسلامی



کیا ہاں داروبی



آیت اللہ مصطفیٰ نورانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نورانی، مصطفی  
دایرةالمعارف طب اسلامی / مصطفی نورانی  
۱۲ ج  
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا  
کتابخانه به صورت زیر نویس  
۱. پزشکی اسلامی - دایرةالمعارف ها. الف. مرکز نشر میراث مکتوب.  
ب. عنوان.  
۲ د ۹ ن / ۱۲۸/۳ R ۶۱۰/۹۱۷۶۷۱

---

### دائرةالمعارف بزرگ طب اسلامی ج ۳

---

ناشر: فخر دین  
آیه الله مصطفی نورانی  
ویراستار: علی بیات  
حروفچینی و صفحه بندی: احمد قلی پور  
نوبت انتشار: اول  
تاریخ انتشار: ۱۳۸۴  
تیراژ: ۵۰۰۰  
قیمت: ۳۵۰۰ تومان  
شابک: ۹۶۴-۷۰۳۱-۰۰-۴

---

کلیه حقوق برای مؤلف محفوظ است

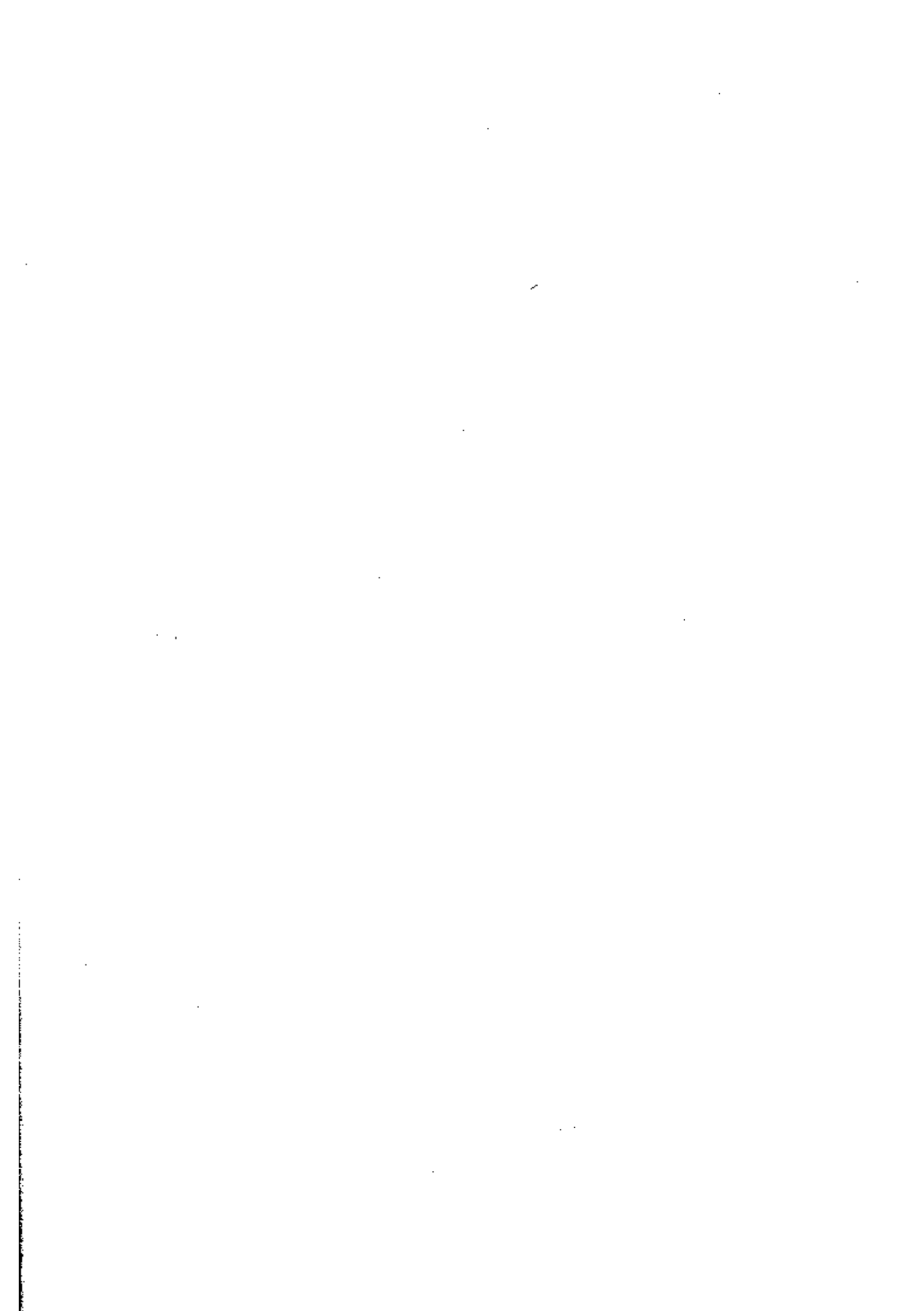
دايرة المعارف طب اسلامي

ج ٣

حروف ر، ز، ژ، س

تأليف

آية الله مصطفى نوراني



## ((فهرست))

|    |       |
|----|-------|
| ۵  | فهرست |
| ۱۱ | مقدمه |

### ● حرف ر

|    |                  |
|----|------------------|
| ۱۵ | رأس خادم         |
| ۱۵ | راتینج - راتیانه |
| ۲۱ | راج              |
| ۲۳ | رادین            |
| ۲۳ | رازقی            |
| ۲۵ | رازک             |
| ۳۳ | رازیانہ          |
| ۵۴ | راسن             |
| ۶۲ | راش              |
| ۶۷ | راقویہ           |
| ۶۸ | راولقیا          |
| ۶۹ | رُب extract      |
| ۷۱ | رتم              |
| ۷۵ | رته              |
| ۷۷ | رجل الاسد        |
| ۷۸ | رجل الجراد       |
| ۸۱ | رجل الحمام       |

- ۸۳ ..... \* رجل الحمامه
- ۸۴ ..... \* رجل الذئب
- ۸۶ ..... \* رجل الراعى
- ۸۸ ..... \* رجل الغراب
- ۸۸ ..... \* رجل القبط دويبيه
- ۹۰ ..... \* رجل القبط
- ۹۲ ..... \* رجله
- ۹۳ ..... \* رزان
- ۹۵ ..... \* انگور فرنگى خازندار
- ۹۶ ..... \* انگور فرنگى سياه
- ۹۷ ..... \* انگور فرنگى قرمز
- ۹۹ ..... \* رزك، تميس
- ۱۰۱ ..... \* رصاص
- ۱۰۱ ..... \* روباه، ثعلب
- ۱۰۳ ..... \* روغن
- ۱۷۰ ..... \* روينه
- ۱۷۱ ..... \* ريحان
- ۱۸۵ ..... \* ريشه ايريسا
- ۱۸۷ ..... \* ريشه بيخ شب بو
- ۱۸۹ ..... \* ريشه جتيانا
- ۱۹۰ ..... \* ريشه ختمى
- ۱۹۰ ..... \* ريشه خردل (ترب كوهى)
- ۱۹۱ ..... \* ريشه شقاقل (زردك ريش بزي)
- ۱۹۱ ..... \* ريشه زرشك
- ۱۹۲ ..... \* ريشه زعفران
- ۱۹۳ ..... \* ريشه شاه توت
- ۱۹۴ ..... \* ريشه كاسنى
- ۱۹۴ ..... \* ريواس
- ۲۰۴ ..... \* ريوند
- ۲۱۵ ..... \* ريه، بوزه ارمتى

● حرف ز

|     |                             |
|-----|-----------------------------|
| ۲۱۹ | ..... * زاج                 |
| ۲۲۶ | ..... * زاد مهران zadmahran |
| ۲۲۷ | ..... * زالزالک             |
| ۲۴۰ | ..... * زالو                |
| ۲۴۱ | ..... * زان                 |
| ۲۴۳ | ..... * زیان پس قفا         |
| ۲۴۴ | ..... * زامور               |
| ۲۴۶ | ..... * زیان سگ             |
| ۲۴۸ | ..... * زیان گنجشک تلخ      |
| ۲۵۹ | ..... * زیان گنجشک کاذب     |
| ۲۶۴ | ..... * زیدالبحر            |
| ۲۶۶ | ..... * زبل                 |
| ۲۶۷ | ..... * زیب                 |
| ۲۶۹ | ..... * زبل المعیز          |
| ۲۷۰ | ..... * زروار               |
| ۲۷۱ | ..... * زدوار               |
| ۲۷۳ | ..... * زراوند              |
| ۲۷۹ | ..... * زردآلو              |
| ۲۸۶ | ..... * زردالان             |
| ۲۸۸ | ..... * زردچوبه             |
| ۲۹۳ | ..... * زرشک                |
| ۲۹۸ | ..... * زرنب                |
| ۳۰۳ | ..... * زرنیخ               |
| ۳۰۸ | ..... * زرنیاد              |
| ۳۱۱ | ..... * زریره               |
| ۳۱۱ | ..... * زرین درخت           |
| ۳۱۲ | ..... * زعفران              |
| ۳۲۱ | ..... * زغال اخته           |
| ۳۲۳ | ..... * زفت                 |



|     |                 |
|-----|-----------------|
| ۳۲۴ | * زقوم          |
| ۳۲۶ | * زلف پیر رسمی  |
| ۳۲۸ | * زمرد          |
| ۳۲۹ | * زئبق          |
| ۳۳۰ | * زنبور         |
| ۳۳۱ | * زنجبیل        |
| ۳۳۴ | * زنجار - زنگار |
| ۳۳۵ | * زنیان         |
| ۳۳۷ | * زوفا          |
| ۳۴۲ | * زہرہ - مرارہ  |
| ۳۴۴ | * زیبا          |
| ۳۴۴ | * زیرقون        |
| ۳۴۶ | * زیتون         |
| ۳۵۲ | * زیرہ          |

### ● حرف ژ

|     |                 |
|-----|-----------------|
| ۳۵۷ | * ژاپورانندی    |
| ۳۵۹ | * ژاڑ           |
| ۳۵۹ | * ژالاب         |
| ۳۶۰ | * ژلاتین دریایی |
| ۳۶۱ | * ژین سنگ       |

### ● حرف س

|     |             |
|-----|-------------|
| ۳۶۵ | * سادج      |
| ۳۷۱ | * ساج       |
| ۳۷۲ | * ساییزج    |
| ۳۷۴ | * ساداوران  |
| ۳۷۷ | * سالاد     |
| ۳۷۸ | * سبزی      |
| ۳۸۳ | * سالیسیلات |

- \* سرخ مرز ..... ۳۸۴
- \* سبوس sabus ..... ۳۸۴
- \* سبوس گندم ..... ۳۸۵
- \* سبوس برنج ..... ۳۸۶
- \* سبزآب ..... ۳۸۶
- \* سپستان ..... ۳۸۸
- \* سپیدار ..... ۳۹۱
- \* سداب ..... ۳۹۵
- \* سدر ..... ۳۹۹
- \* سرب ..... ۴۰۲
- \* سریوله ..... ۴۰۵
- \* سرخس ..... ۴۰۵
- \* سرخس تر ..... ۴۱۰
- \* سرخ و لیک ..... ۴۱۱
- \* سرطان ..... ۴۱۱
- \* سرخاب کولی ..... ۴۱۲
- \* سرکه ..... ۴۱۴
- \* سنبل الطیب ..... ۴۲۳
- \* سنبل ختایی ..... ۴۲۷
- \* سنیاده ..... ۴۳۰
- \* سنجد ..... ۴۳۲
- \* سنجد تلخ ..... ۴۳۷
- \* سنجسویه ..... ۴۳۸
- \* سندروس ..... ۴۳۸
- \* سندوس ..... ۴۴۱
- \* سنگ خوارک ..... ۴۴۱
- \* سنگریزه ..... ۴۴۲
- \* سنگدان ..... ۴۴۲
- \* سنگ مغناطیس ..... ۴۴۲
- \* سنگ لاجورد ..... ۴۴۲

|     |                         |
|-----|-------------------------|
| ۴۴۳ | * سنگ محک               |
| ۴۴۴ | * سنگ خواره             |
| ۴۴۴ | * حجرالیهود             |
| ۴۴۵ | * سنگ عقاب              |
| ۴۴۸ | * سنگ کارد، سنگ ساب     |
| ۴۴۹ | * سنگ کارد، سنگ فسان    |
| ۴۵۰ | * سنگ حمام              |
| ۴۵۱ | * باز انواع سنگ‌ها      |
| ۴۵۲ | * سنگ حجری              |
| ۴۵۵ | * سورنجان               |
| ۴۵۹ | * سوید                  |
| ۴۶۰ | * سوسمار                |
| ۴۶۲ | * سوبق                  |
| ۴۷۰ | * سویا یا سوژا یا لوییا |
| ۴۷۱ | * زنبق (سوسن آزاد)      |
| ۴۷۶ | * سوس                   |
| ۴۷۶ | * سوسنبر                |
| ۴۸۵ | * توسه سیاه             |
| ۴۹۵ | * سیب                   |
| ۵۰۳ | * سیب زمینی             |
| ۵۰۹ | * سیر                   |
| ۵۲۱ | * سیسبان                |
| ۵۲۱ | * سیسالیوس              |
| ۵۲۲ | * سیکدامن               |
| ۵۲۲ | * سیکاس                 |
| ۵۲۳ | * سیون                  |
| ۵۲۳ | * سیمارویا              |
| ۵۵۱ | * منابع و مأخذ          |

## □ مقدمه

از جمله کتابهایی که از سوی مؤسسه مکتب اهل بیت علیهم السلام - علاوه بر کتب درسی و فقهی - منتشر می شود طبی است که با استفاده از آیات، روایات و کلمات انبیای عظام و پیشوایان دین در بهداشت و درمان تألیف می شود. هدف اولیای مؤسسه از این فعالیتها بهتر شناساندن دین برای مردم و جامعه است. اسلام علاوه بر فوائد اخروی، فوائد دنیوی را نیز مورد توجه قرار داده است، لذا لازم است پژوهشگران به حقایق دین بیشتر توجه کنند و آنها را مطالعه نمایند و بدانها عمل کنند. ما با سعی وافر اینگونه حقایق را از لای لای کتب دینی به دست آورده در اختیار جامعه می گذاریم، باشد که گیاهان دارویی شفا بخش و نافع که قبلاً حکیمان و طبیبان از آنها استفاده می کردند اکنون نیز آنها به منظور مقاصد پزشکی و سلامتی مورد استفاده قرار گیرد چرا که علم داروسازی با منشأ گیاهی - شیمیایی می باشد.

اولین فارماکوپه داروسازی توسط شاهپور سهیل در دانشگاه جندی شاپور ساخته شد و اکنون نیز در کشورهای چین و هند و پاکستان و دیگر کشورهای شرق و همچنین غرب استفاده از داروهای گیاهی برای درمان بیماران رواج بیشتری یافته است ولی در ایران

هنوز آنطور که انتظار می‌رفت، پیشرفت نکرده است، در صورتی که گیاهان می‌توانند زیربنای تولید باشند. همچنین می‌بایست از صدور گیاهان دارویی جلوگیری نمایند تا از مزایایی چون خودکفایی و ایجاد اشتغال و ارزآوری بهره‌مند شوند و با تجربیاتی که در ایران از قدیم و جدید وجود داشته نیز در عصاره‌گیری و اسانس‌گیری و خالص‌سازی ماده و غیر اینها اکنون استفاده شود چنانکه در داروسازی نیز قدمهایی برداشته شده است و لازم است وزارت کشاورزی و وزارت بهداشت و درمان گامهای مؤثر فراتری بردارند.

این کار سبب می‌شود که مردم از گل و گیاه طبیعی و عصاره آنها به جای قرص و کپسول و آمپول‌های شیمیایی، که بعضاً زمان ساخت آنها قدیمی بوده است، استفاده کنند. اکنون کشور آلمان و انگلیس و فرانسه نیز کارهای اساسی در سنتز گیاهان و دیگر کارهای تحقیقی و آزمایشی انجام می‌دهند و اگر در ایران نیز از فرآورده‌های گیاهی مانند فرآورده‌های نفتی استفاده شود، ارزش بیشتری عاید کشور خواهد شد.

توفیق همگان را در استفاده طیبی از این نعمتهای بی‌پایان الهی، که در بیابانها خشک می‌شود یا زیر پای انسان و حیوان لگدمال می‌شود، خواستارم. از خداوند متعال می‌خواهیم تحولی در این زمینه به وجود آید تا مردم بتوانند از نعمات الهی استفاده بهینه برای سلامتی و سعادت خود بنمایند. ان شاء الله.

قم - مصطفی نورانی - ۱۳۸۱

# حرف

د



### \* رأس خادم

رأس خادم دانه نیلوفر هندی است که سرد و خشک است در درجه اول، طبیعت را می بندد و رطوبت معده بچیند، خاصه که بریان کرده باشند و خون حیض، سجع، اختلاف دم و اسهال را ببرد.<sup>۱</sup>

### \* راتینج - راتیانه

راتینج یا راتیانه نوعی از انگم صنوبر است.  
مزاج: تا سوم گرم و در اول خشک است.  
خاصیت: در سخت تنان گوشت می رویاند و نرم تنان را بدرد آرد اگر با گلنار و چیزهایی از این قبیل باشد در علاج قرحه مفید است.<sup>۲</sup>  
راتینج صمغ صنوبر است و سببش بهتر می باشد و از شاهی آن که با زرد زند تسخین و

۱- الاینه عن حقایق الادویه، ص ۱۶۷.

۲- قانون در طب، کتاب دوم، ص ۳۰۵.



تحلیل کند و گوشت اندر ریش‌ها برویاند و گرم و خشک است در درجه دوم قوی.<sup>۱</sup>  
 جویدن راتیانج برای خارش بدن و التیام جراحات مفید است جویدن آن برای سرفه  
 رطوبتی و جذب فضول دماغ نافع است برای جنبیدن مغز سر باید ۱۶ نخود  
 اسطوخودوس را با آب عسل میل کنند.

دستور ساختن آب عسل آن است که اول یک سیر عسل و آب را به اندازه عسل با  
 آتش ملایم جوشانیده کف عسل را جمع کنند، آن قدر بجوشد تا آب نصف شود این آب  
 عسل دارای خواص بسیار است.

راتیانج یا راتیانه را برخی از طبیبان جداگانه نوشته‌اند ولی ممکن است همان راتیانج  
 باشد، یا از خانواده آن بوده باشد، محققین محترم باید آن را مورد دقت قرار دهند.<sup>۲</sup>

راتیانج را بعضی راطینج گویند و آن صمغ درخت تاز است چون درخت خرد بود و آن  
 را راطانا و راتیانا و قلقونیا گویند و به پارسی سندروس گویند و به لغت سریانی روسا  
 گویند و به لغت هندی سجرش گویند و به آن مختلف الانواع گویند و یک نوع راتیانج را  
 بطم تعریف کرده‌اند و نوع دوم را راتیانج خرنوبی گویند و این نوع در غایت تری و نوع  
 سیم آن است که به زیت مشابهت دارد و گفته‌اند: این نوع در ناودانهای سفالین متولد  
 شود و یوحنا در علاج آن ذکر کرده است که صمغ درخت حبة الخضرا که آن را راتیانج  
 گویند سود دارد، راتیانج صمغ درخت صنوبر است و از درخت نیز حاصل می‌شود.

راتیانج صنوبری خوش رنگ می‌باشد و یک نوع از آن به رنگ سپید می‌باشد و  
 دیگری به لون روغن که بوی آن خوش و پاکیزه بود و نیک سرخ نبود به لون بلکه به موم  
 مشابهت دارد و جرم آن زود شکسته شود.<sup>۳</sup>

در روغن تربانتین و روغن مواد اسیدسولفوریک مکمل حل می‌شود، با اسیدسولفوریک  
 رنگ آن سرخ می‌گردد o,shaughnessy ریزین را در روغن تربانتین حل کرده به آن محلول

۱. الابنه عن حقایق الادویه، ص ۱۶۷.

۲. راه نجات از مرگ مصنوعی، ج ۵، ص ۱۳.

۳. گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۲، ص ۱۲۱؛ صیدنه، ج ۱، ص ۳۲۰.

pottash اضافه کرده و آن را جوشانده تا حدی که تریاتین تبخیر شده و یک محلول ریزین، پتاس باقیمانده که در آب زود حل می شود.

church تجزیه تخم آن را به این نحو بیان کرده است:

water 10.8%

albumenoids 8.0

starch 62.7

oil 14.8

fibre 1.4

ash 2.3

نسبت از صد حصه<sup>۱</sup>

راتیانه: shorea robusta gartn.f

انگلیسی: the resin ral\_the saul tree

درخت سال را به سنسکریت سالال، اسواکارنا می گویند پیروان مذهب (بده) آن را مقدس می دانند که هنگام تولد گوتم بده شاخه آن درخت در دست مادر او بوده است و همچنین گوتم بده تمام عمرش شبها زیر این درخت می خوابیده است.

این درخت در هند زیاد می روید و اطبای هندی آن را ملطف، قابض و صاف کننده می دانند، بعضی ها آن را برای استعمال داخلی با عسل، یا شربت، یا شکر مخلوط می کنند برای استعمال خارجی آن را در مرهم و ضماد شامل می کنند، نیز برای ضد عفونی اتاق بیماران از بخور آن استفاده می کنند قبایل جنگلی هند در ایام قحطی تخم سال را با گل چکان می خورند.

انسلی سه نوع resin را بیان کرده است در بعضی مناطق هند آن را با شکر برای مرض اسهال استعمال می کنند در منطقه مالابار از تخم آن روغن استخراج می کنند.

و آن یک رزین خوشبو است رنگ آن قهوه ای تند و عنببری است و دارای ذائقه بی مزه

می باشد از ۱/۰۴۷ تا ۱/۱۲۳ گرین قابل حل است. در الکل کم حل می شود ولی در اتر بیشتر قابل حل می باشد.

راتینج، راتیانه، راتیانج، ریتیانج، راطینا.

نوعی صمغ درخت بطم است بعضی آن را بنام رال نوشته اند.

رال به یونانی: قیقهر، قیقهن، قنقهر.

به فارسی: لعل معیری، لعل مصری گویند.

سانسکریت: رال، سال ترماس، سرجرس، دیودھوپ، کلکل.

انگلیسی: resin, rosin, colofony

لاتین: resina, shorea robusta, resinus

صمغ درخت سال است.<sup>۱</sup>

به اردو: رال.

هندی: دامر.

راتینج، راتیانه: به فتح راء و الف و کسر تاء فوقانی و سکون یای تحتانی و فتح نون و سکون جیم که راتیانج نیز گویند اسم رومی است و آن را راطینا و به یونانی ابیسون و نزد عامه اندلس رخینه و به فارسی راتیانه می نامند.

به قول شیخ الرئیس نوعی از صمغ شجر بطم است واضح و مشهور صمغ شجر صنوبر است و آن سه قسم است: ۱- سیال غیر منعقد مثل قطران و بعضی آن را قطران و بعضی زفت رطب می نامند، ۲- نرم، غیر سیال منجمد مانند صمغ دیگر بعد بر آمدن از تنه درخت خود بدون طبخ منجمد و منعقد می گردد ۳- سوم سخت و آن بعد از طبخ به آتش، منجمد می گردد و این را قلقونیا و به شیرازی زنگباری می نامند.

ابن سنجون می گوید: که راتینج صمغ صنوبر کبار است و قلقونیا صمغ صغار آن و آن صنوبر نر است دیسقوریدوس گفته که: راتینج علك صنوبر است و اگر بجوشانند و صاف کنند آن قلقونیا است و بهترین راتینج سفید رنگ مایل به زردی اندک است و در آن

بوی صنوبر می آید و در جوش کرده آن صفا کمتر و مایل به سرخی و سیاهی است و بسیار گرم و خشک است.

### خواص درمانی:

گرمترین اقسام آن قلقونیا است و آن مسخن مجفف، محلل، حابس است و مسکن اعصاب و نافع اورام بلغمی و مصلح قروح خبیثه است و ضماد آن جهت التیام و جراحات و ازاله حکنه و جرب و خشونت جلد و باگلنار جهت شکافتن رگها و نواصیر و باگلنار و زردچوبه و غیر آن التحام قروح عارض در عروق و اعصاب می کند.<sup>۱</sup>

راتینج صمغ درخت تاژ است چون درخت خرد بود و آن را راطانا و راتیانا و قلقونیا می گویند و به پارسی سندروس و به لغت سریانی ریوسا می گویند و یوحنا در علاج فلج آن را ذکر کرده است که صمغ درخت حبة الخضرا که آن را راتینج می گویند و سود دارد و نیز گفته اند: راتینج صمغ درخت صنوبر است و نیکوتر آن باشد که بوی خوش می دهد و پاکیزه بود و نیک سرخ نبود و جرم او زود شکسته می شود.<sup>۲</sup>

صمغی است که از درختهای ساج به وسیله شکاف دادن به دست می آید و از آن بوی تارپس می آید.

رنگ: سفید مایل به زردی.

ذائقه: تلخ بودار.

مزاج: گرم و خشک در درجه ۳.

مقدار خوراکی: ۲ گرم می باشد.

۲. فرهنگ داروها، ص ۱۷۳.

۱- محیط اعظم، ج ۲، ص ۱۴۰ تحفة حکیم مؤمن، ص ۱۲۵.

### خواص:

دافع تعفن قابض، محلل اورام، مواد را می‌پزد زخمها را صاف می‌کند گرد آن را با شکر مخلوط نموده خوراکش با آب نافع اسهال و کثرت حیض و بیچش شکم و جریان منی را مفید است در سرفه کهنه و مرض دق روغن راتینج را با نبات و شکر مخلوط نموده می‌خورانند استعمال داخلی بر ریه اثر دارد. دافع تعفن و منفث بلغم است ولکن در طب جدید استعمال داخلی نمی‌کنند.<sup>۱</sup>

اسم آن راتینج و قهقر نوشته شده است و بیشتر در مرهمها بطور دواي خارش، بهق و بواسیر استعمال می‌کنند و مخلوط آن با کره و طلايش نافع ترک پا است و در مرض ضيق النفس دود آن نافع است.

نفع خاص: منفث بلغم و مقوی بصر.

مصلح: شیر و روغن، مضر برای گرم مزاجها و بدل آن برای چشم، انزروت مقدار خوراک از ۱ تا ۲ گرم می‌باشد.<sup>۲</sup>

اسم فارسی آن رالعل معیری و به هندی دهونا مصلح آن را اشیای چرب و شیر نوشته‌اند همچنین مقوی دماغ و بصر است، همراه شربت سکنجبین اگر ۲ گرم آن را بخورند بدن را لاغر می‌کند خوراکش با عسل مدر حیض است و در مرض استسقاء و رعشه مفید است مالیدن آن در دهان مقوی لثه است سرمه‌اش مقوی چشم است برای پرکردن زخم خیلی مفید است.<sup>۳</sup>

و نیز اسم طبی آن را *shorea robusta resin* بیان کرده‌اند که با صمغ عربی قرص درست کرده برای اسهال مزمن و ضعف معده و زخم روده‌ها استعمال کرده‌اند و نسخه مرهم معروف مرهم باسلیقون که برای تحلیل ورم و التهاب و زخمها فایده دارد و اجزاء آن مرمرکی زفت رومی، بهروزه خشک (صمغ درخت صنوبر) روغن کتان و موم می‌باشد در آن نیز راتیانه جزئی مهم می‌باشد و نیز مرهم راتیانه که با کافور و کات و روغن و موم درست می‌شود برای

۲- مخزن المفردات، ص ۱۹۴.

۱- المفردات، ص ۲۵۷.

۳- بستان المفردات، ص ۱۴۶.

زخمها استفاده شده است و نیز معجون بواسیر توصیف کرده‌اند.<sup>۱</sup>

دستور بریتانی اسم آن را *ceratum\_resine* بیان کرده است که از آن مرهم درست می‌شود و برای امراض جلدیه استعمال کرده‌اند. اقسام این از درختهای مختلف بیان شده است و مطلقاً اسم آن را *colophony* نوشته‌اند که از درخت *pinus palustris\_mirrer* و از اقسام این درخت گرفته می‌شود که روغنها هم برای استعمال خارجی استعمال شده است و رزین فرانسوی را *galipot* می‌گویند که این محلول مجموعه بعضی اسیدها مثل *1\_ abietic 2\_ sylvic 3\_ pimaric\_acid* و مجموعه *anhydrids* آن می‌باشد و این را در مرهمها و صابون و پلاستر برای استعمال خارجی استعمال کرده است و بعضی رزینها بعد از عملیات درست کردن *tar* (قطران) از ذغال حاصل می‌شود که آنها به جای خودشان توصیف خواهند شد و نیز رزینهای صمغی از درخت مر و حلثیت حاصل می‌شود و همانطور که قبلاً بیان کردیم روغن تارپین محصول شده صمغ است که در عملیات شیمیایی راتینج از صمغ جدا می‌شود و باقیمانده آن روغن تارپین می‌باشد.<sup>۲</sup>

### \* راج

راج درخت یا درختچه همیشه سبزی است که ارتفاع آن بین ۱-۵ متر و بندرت تا ۱۲ متر است برگهای آن چرم مانند، با سطح فوقانی سبز تیره و سطح تحتانی سبز روشن است. این برگها بیضوی یا مخروطی است و حاشیه کم و بیش موجی و خاردار دارد گل‌های آن کوچک سفید یا سفید مایل به سرخ دو پایه، نر و ماده روی گیاهان جداگانه قرار دارد میوه‌اش کاملاً سرخ است.

در فاصله ماههای اردیبهشت تا خرداد گل می‌دهد قسمت مورد استفاده این گیاه دارویی برگ تازه یا خشک می‌باشد.

زیستگاه: خاس یا راج در بیشه‌ها جنگلهای کنار دریا و بندرت در اراضی جنگلی یا

۱- همدره انگلیسی، ۲۶-۲۵۶-۲۵۴-۲۲۱-۱۰۳.

۲- دستور بریتانی، ص ۱۱۰۲-۵۰۸-۴۷۰-۱۰۷۷.

جنگلهای گیاهان سوزنی برگ مشاهده می شود. بطور معمول در اروپای غربی و جنوبی و در بریتانیا می روید در ایران این گیاه در جنگلهای نواحی شمالی ایران و سراسر ارتفاعات آستارا می روید.

ترکیبات: تنها ترکیب شناخته شده فعال برگهای این گیاه، تانن و یک ماده تلخ است.

### اثرات درمانی:

خاصیت تب بر دارد سرفه را تسکین می دهد و یک پیشاب آور ملایم است به ترشح صفرا کمک می کند دانه های آن تهوع و اسهال شدید ایجاد می کند اساساً تیزاب این گیاه برای درمان آنفلوآنزا، التهاب برونش ها (برونشیت) و ذات الریه مصرف می شود.<sup>۱</sup>  
فارسی من راج است ولی در اطراف رشت به من خج و خج در آستارا هس، در دیلمان خاس و خاش در شهسوار کنگه می گویند.

عربی من شرابه طیم و عودالخیر است میوه من به اندازه آلبالو و قرمز رنگ می باشد و دارای سه یا پنج هسته است و طعم تندی دارد از بافتهای زیر پوست من پس از سائیدن نوعی چسب بدست می آید که مانند سریش است.

برگهای من همیشه سبز بوده و خزان نمی کنم، گلهای درشت من به صورت مجتمع سفید یا صورتی است، از مشخصات برگ های من خاردار بوده و نوک تیز آنهاست، برگ من دارای جوهر مازو، (تانن) کمی قند و صمغ و کمی موم است، برگ های من به علت داشتن جوهر مازو و یک ماده دارویی پیشاب آور ملین مقوی و تب بر است.

و در معالجه تب و لرز تجویز می شود، میوه درخت من قی آور و مسهل است مقدار خوراک برگ من یک فنجان تا سه فنجان از دم کرده سی تا شصت در هزار است گرد برگ خشک من به مقدار ۴ تا ۱۵ گرم بطور جوشانده یا محلول در شربت داده می شود.<sup>۲</sup>

## \* رادین

رادین، در پوست خشخاش ماده تریاک تعداد الکلوئیدهای آن (الکلوئیدهای تریاک) که تاکنون از آن استخراج گردید شامل ۲۵ نوع است که از بین آنها منحصرأ ۶ الکلوئید مهم زیر به مقدار نسبتاً زیاد در آن یافت می شود شامل مرفین کدئین، نارسین، ناکوتین، تباکین، پاپاورین.<sup>۱</sup>

## \* رازقی

تعریف:

فرانسه: gasmin d, arabie

انگلیسی: sumbac jasmnine, arabian jasmine

ایتالیایی: gelsomino d, arabia

آلمانی: sambac jasmín

فارسی: گل رازقی، رازقی.

گیاهی بوته مانند دارای اعضای چوبی و برگهای نازک و متقابل بیضوی یا تخم مرغی گل‌های سفید، پرپر، بسیار معطر منفرد یا مجتمع به تعداد ۲-۳ تایی دارد رازقی پر از گل‌های زینتی زیبا و گران قیمت است.

قسمت مورد استفاده این گیاه از نظر درمانی، ریشه، برگ، گل و گاهی کلیه اعضای آن می باشد.<sup>۲</sup>

رازقی بر وزن عاشقی نوعی از انگور است که دانه‌های آن کوچک می باشد و بعضی گویند تخم کتان است و از آن روغن می گیرند و بعضی دیگر می گویند: سوسن سفید است و دیگری می گویند: رازقی زنبق سفید است.<sup>۳</sup>

۲- همان، ج ۲، ص ۲۰۷.

۱- گیاهان دارویی، دکتر زرگری، ج ۱، ص ۱۲۷.

۳- برهان قاطع، ص ۵۷۸.



### خواص درمانی:

گل‌های رازقی طعم تلخ دارد و در ناراحتی‌های هضمی منشأ صفر است که با تلخی دهان و تهوع همراه است. در درمان اولسرها، بیماریهای پوستی، خارش و غیره مفید واقع می‌گردد. بررسیهای دیگر نشان داده است که گل رازقی اثر ملین، ضد استفراغ و تقویت‌کننده قوی مغزی دارد، خیسانده برگ خشک رازقی، اگر بر روی اولسرها، مقاوم و دیر علاج قرار گیرد سرعت التیام آنها را فراهم می‌آورد.

مصرف گل رازقی باعث کم شدن شیر و توقف ترشح آن می‌گردد، از این جهت اگر پس از زایمان تراکم شیر در پستان موجبات سنگینی آن و تورم غدد مترشحه را فراهم آورد می‌توان از رازقی استفاده کرد، برای این کار چنین معتقدند که مقدار یک یا دو مشت گل له شده رازقی را بدون خیس کردن بر روی سینه در دو سمت آن باید قرار داد و در صورت لزوم یک بار دیگر این عمل را در روز تکرار کرد. با انجام این کار، ترشحات شیر در مدت ۲۴ ساعت کم می‌شود گاهی نیز نتیجه این کار پس از گذشت ۲ تا ۳ روز ممکن است حاصل شود.<sup>۱</sup>

### خواص شیمیایی:

اسانس‌گیری از گل‌های معطر آنها در نواحی مختلف معمول است. اسانس این گیاه اثرات درمانی غیر مهم ولی مصارف صنعتی زیاد در عطر سازی، تهیه محلولات معطر یا فراورده‌های زیبایی و غیره دارد.

رازقی به منظور استفاده صنعتی و دارویی بیشتر در فرانسه، الجزیره، ترکیه و اخیراً در سیسیل معمول می‌باشد. رازقی در ایران به عنوان زینت باغها پرورش می‌یابد.<sup>۲</sup>  
از اسانس رازقی جهت معطر کردن چای استفاده به عمل می‌آید و در ایران پرورش می‌یابد.<sup>۳</sup>

۲- همان، ج ۲، ص ۶۱۸

۱- گیاهان دارویی، ج ۲، ص ۳۰۷

۳- همان، ج ۲، ص ۳۰۷

## \* رازک

تعریف:

عربی: حشيشة الدينار.

لاتین: lupulus

انگلیسی: hops گیاهی است که میوه آن در طب حدیث استعمال می شود.<sup>۱</sup>

جنجل: houblon (f) hum

ulus lupulus (l)

شم (رز): مقتطف و احمدندی از آن نام برده اند و لوکلر آن را مشابه هلیون گفته است. در ترجمه مفردات آمده که مردم در صحبتها از آن استفاده می کنند چون خوشبو است و آن گیاهی است که عمر طولانی دارد و در بیابانها می روید و امروزه در اروپا آن را می کارند و از گل آن برای معطر کردن بعضی نوشابه ها استفاده می کنند و دانه های کوچک آن را مانند هلیون می خورند. نوع دیگر آن جنجل ژاپن، هوبلون دو جابون یا همولاس جاپونیکاس است.<sup>۲</sup>

اسم طبی آن humulus می باشد و نیز آن را hops می نامند و در دستور بریتانی اسم طبی آن را (fam horaeae) humulus lupulus linne نوشته است که برای قوت هضم استعمال می شود و مقدار آن را ۲ گرم نوشته است و از آن نیز رب بیان شده است و یک جوهر نمکی بنام lupuline نیز از آن حاصل می شود و آن را به طور extrhct برای امراض هیستریک و اعصاب استعمال می کنند مقدار خوراک آن ۲ سی سی می باشد و آن را مسکن اعصاب توصیف نموده اند.<sup>۳</sup>

گیاهی است (فر.) houblon, (.U) humulus lupulus از تیره گزنه ها از دسته شاهدانه ها بوی گلهايش معطر و مطبوع و شبیه بوی سنبل الطیب و طعم آنها تلخ و با احساس سوزش و

۲- لسان العرب، ص ۱۲۶.

۱- لاتانی لغات الادویه، ص ۱۰۴.

۳- دستور بریتانی، ص ۱۲۷۳-۱۰۶۶-۱۰۸۴-۴۳۳.

گرما همراه است. حشیشه‌الدینار، جنجل، همل.<sup>۱</sup>  
 رازک گیاهی است که از در و دیوار بالا می‌رود و ارتفاع آن به پانزده متر می‌رسد  
 گل‌های ماده رازک در طب به صورت دم‌کرده استعمال می‌شود. این دم‌کرده دارای خواص  
 تلخ، تقویت‌کننده و مقوی معده است. هنگامی که ترشی معده زیاد باشد مصرف  
 دم‌کرده رازک، ترشح ترشی را کم می‌کند و در نتیجه معده سالم و عادی می‌شود. این  
 دم‌کرده مسکن تمایلات جنسی است و کسانی که به این تسکین احتیاج دارند می‌توانند  
 از آن استفاده نمایند.

مقدار مصرف آن سی گرم گل‌های ماده آن در یک لیتر آب است که باید ده دقیقه آن را  
 جوشانید و یک فنجان قبل از صرف غذا یا هر روز دو یا سه فنجان از آن را نوشید.<sup>۲</sup>  
 جنجل: تخم کاکنج است و گویند که آن برگ سبز شلجم است و گیلانی گوید که:  
 قسمی از هلیون دمشقی است. گرم و تر در اول، مولد خون اندک و محمود و ملین طبع و  
 موافق گرم مزاجان و بدل آن هلیون است.<sup>۳</sup>

جنجل قسمی از هلیونست و از دمشق خیزد و در افعال مثل اوست.<sup>۴</sup>  
 رازک: به فارسی و در کتب طب سنتی با نامهای رازک، رزک، ککیمور و  
 حشیشه‌الدینار نامبرده می‌شود.  
 مشخصات:

رازک گیاهی است چند ساله با ساقه‌های یک‌ساله، دویپایه با ساقه‌های زاویه دار و  
 موجی که چرخش موج آن از راست به چپ است. بلندی آن ۱۰۵ متر است. برگهای آن  
 خیلی شبیه برگ مو، دارای ۵۳ قسمت و پوشیده از کرکهای خشن است، گل‌های ماده آن  
 کوچک سفید به شکل خوشه که در تابستان تمام می‌شود.  
 رازک بطور خودرو در جنگلهای پرپشت، کنار چپرها و پرچینها می‌روید. در مناطق  
 شمال ایران: گرگان، مازندران، گیلان، در سواحل دریا به طور خودرو فراوان دیده  
 می‌شود. در اغلب مناطق دنیا بطور وسیع برای تولید لوبولن کاشته می‌شود.

۲- گلها و گیاهان شفا بخش، ص ۱۱۱.

۴- تحفة حکیم مؤمن، ص ۷۵.

۱- فرهنگ فارسی دکتر معین، ج ۲، ص ۱۶۲۰.

۳- محیط اعظم، ج ۲، ص ۸۸.

## فاکتورهای ایمنی مصرف رازک:

سازمان نظارت بر خوراک و دارو fda امریکا رازک را به طور کلی در لیست گیاهان بدون خطر آورده است و بجز برای زنان باردار و مادران شیرده و کودکان زیر دو سال مصرف آن را برای سایر افراد که از مسکن دیگری استفاده نمی کنند، بدون مانع می داند رازک باید با نظر پزشک مصرف شود و اگر در جریان مصرف ناراحتی های کمی از قبیل خارش، یا ناراحتی معده و اسهال ایجاد شود، مصرف آن کم، یا بطور کلی قطع شود.<sup>۱</sup>

دم کرده گل رازک دارای خواص تقویت کننده، مقوی معده بوده و ترشی معده را کم می کند. این دم کرده مسکن تمایلات جنسی است. مقدار مصرفی آن سی گرم است. گل های ماده آن را در یک لیتر آب مدت ده دقیقه جوشانیده و یک فنجان قبل از غذا یا هر روز دو یا سه فنجان از آن را باید نوشید.<sup>۲</sup>

## ترکیبات شیمیایی:

مخروطهای ماده رازک دارای ۳ تا ۵ درصد تانن (اسید هوموتانیک)، تری متیل امین، مواد پکتیکی، املاح پتاسیم و لوپولن است. لوپولن دارای ۱ تا ۲/۵ درصد اسانس، ۵۵ درصد رزین، یک ماده تلخ با ترکیب شیمیایی نامعین، به مقدار ۱۰ درصد موم، به مقدار جزئی کولین، اسپاراژین و غیره است.

اسانس مذکور که ماده اصلی لوپولن را تشکیل می دهد، بر حسب آنکه از مخروطهای جوان و تازه یا از مخروطهای مسن به دست آمده باشد. رنگ مایل به سبز یا مایل به قرمز دارد و بوی آن معطر، واکنش آن خنثی و دارای ۸۰ تا ۹۰ درصد هومولن است. این اسانس بر اثر نگهداری در طول زمان فاسد شده، دارای اسید والرینیک می باشد که خود از تغییر شکل اتر والرینیک نتیجه می شود. بر اثر این گونه تجزیه هاست که اسانس مذکور در طول زمان بوی ناپسند پیدا می کند.

۲. گلها و گیاهان شفا بخش، ص ۱۱۰.

۱. معارف گیاهی، ج ۵ ص ۲۳۵.

### خواص درمانی و کاربرد:

مخروط ماده رازک اثر مقوی معده، آرام کننده و ضد تشنج دارد و به علاوه مدر، معرق، تصفیه کننده خون، ضد کرم، تب بر، خواب آور و برطرف کننده التهاب است.

خواص درمانی رازک از قدیم الایام مورد شناسایی طبای قدیم بوده است، مانند آنکه cizim آن را دارویی اشتها آور و محرک دستگاه هاضمه و تقویت کننده عمل کلیه دستگاههای بدن دانسته است. مصرف مداوم آن مشروط بر آنکه به مدت طولانی به کار نرود و به علاوه بی رویه صورت نگیرد. فعالیت دستگاه گردش خون و ترشح ادرار را زیاد می کند و موجب می گردد که در مواقع ضعف مفرط، کلیه عوارض از بین برود و بیمار احساس سلامتی کامل نماید. با توجه به این خصوصیات است که از این گیاه می توان در موارد ضعف مفرط، ضعف عمل دستگاه هضم، لتفاتیسم، کم خونی دختران جوان، نرمی استخوان، آب آوردن انساج، اسهال، اسکوربوت، حالت زردی مشروط بر آنکه با تحریک مجاری صفراوی همراه نباشد، نقرس، ترشح مخاط، بیماریهای جلدی مزمن مخصوصاً سودا، وجود کرم و غیره استفاده کرد. طبای قدیم کشور انگلستان جو شانده آن را به عنوان خواب آور به مبتلایان به بیماریهای رماتیسمی و غیره در طی دوران بیماری می دادند و برای این منظور نیز حصاره گیاه را تجویز می کردند و حتی چنین عقیده داشتند که اگر مقداری از مخروط ماده گیاه در زیر سر بیمار جای داده شود ایجاد خواب می کند عده ای نیز برای آن اثر ایجاد خواب ملایم قائل بودند و چنین عقیده داشتند که با مصرف آن یک حالت سستی و چرت زدن پیش می آید، یا آنکه خواب بیمار را سنگین تر و مداوم تر می سازد.

رازک اثر تسکین دهنده، تحریکات شهوانی دارد و این اثر ضمن یک سلسله آزمایشهای دقیق به اثبات رسیده در این مورد با آنکه عقاید مختلفی توسط اطباء ابراز شده که خود قضاوت را مشکل ساخته است، توجه به این نکته که مخروط ماده رازک اگر مدتی در حدود ۹ ماه نگهداری شود اثر درمانی آن کاسته می شود تا حدی این امر را روشن می کند، زیرا در هر حال بنا به تجربیات اثر مسکن لوپولن را بر روی دستگاه تناسلی نمی توان نادیده گرفت. در میان مردم برای مخروطهای ماده رازک، اثر رفع سردردهای یک طرفه، میگرن

قاعدگی دردناک، فلج مثانه و عدم تعادل عصبی قائل هستند. I. kroeber در سال ۱۹۳۴ از مخلوط رازک و سنبل الطیب نتایج مفید در تعدیل رفلکس‌ها به دست آورد. آن را دارویی ضد تشنج، خواب‌آور و رفع‌کننده اختلالات جنسی و منشأ عصبی ذکر کرده است به علاوه آن را در بی‌خوابیها و ناراحتی‌های قلبی ناشی از اختلالات عصبی و اختلالات هضمی که از بهم خوردن تعادل عمل اعصاب نتیجه شده باشد مؤثر می‌دانسته است.

در استعمال خارجی برای آن اثر آرام‌کننده درد مفاصل، تومورهای سرد و اولس‌های غانقراییی قائلند و از این نظر برگ و سرشاخه‌های جوان گیاه را پس از آنکه در آبجو جوشانیدند بر روی محل دردناک قرار می‌دهند. پماد حاصل از لوبولن در بواسیر و حتی برخی سرطان‌ها اثر تسکین‌دهنده درد دارد.

دم‌کرده گل رازک دارای خواص تقویت‌کننده، مقوی معده و ترشی معده را کم می‌کند. این دم‌کرده مسکن تمایلات جنسی است، مقدار مصرف آن سی گرم گلهای ماده آن در یک لیتر آب ده دقیقه آن را جوشانید و یک فنجان قبل از غذا یا هر روز دو یا سه فنجان از آن را نوشید. <sup>۱</sup> گلهایش به صورت دم‌کرده مصرف می‌شود و این دم‌کرده مقوی معده، مسکن تمایلات جنسی و کاهش‌دهنده ترشی معده است.

### صور دارویی رازک:

مخروطهای ماده رازک که دارای لوبولن می‌باشد اصولاً اثر درمانی دارد و بقیه اندامهای گیاه فاقد اثر درمانی، یا دارای آن، ولی با تأثیر کمتر، است. تیزاب ۱۰ تا ۱۵ در هزار مخروط ماده گیاه که به طریق خیساندن به دست آمده باشد به مقدار یک فنجان قبل از هر غذا، دم‌کرده ۱۵ تا ۲۰ در هزار به عنوان مقوی و به مقدار یک فنجان قبل از هر غذا و ۱۵ تا ۴۵ در هزار آن به عنوان مسکن می‌باشد از برگ و ریشه گیاه نیز به صورت جوشانده ۲۰ در هزار به عنوان تصفیه‌کننده خون و مدرّ به مقدار ۳ فنجان در فاصله غذاها می‌توان استفاده کرد. گرد لوبولن به مقدار ۰/۵۰ تا یک گرم به عنوان آرام‌کننده و

به مقدار ۱ تا ۲ گرم به عنوان خواب آور به صورت مخلوط در عسل و یا بشکل حب و غیره به کار می رود.

از لوپولن به عنوان یک ماده تلخ و معطر نیز استفاده به عمل می آید ولی همواره باید توجه داشت که مصرف مقادیر زیاد و بی رویه لوپولن ایجاد ناراحتیهایی مانند تهوع و سرگیجه می کند.

#### محل رویش رازک:

نواحی شمالی ایران بین گرگان و سواحل دریای خزر، گرگان، بندرگز، زرین گل، مازندران، بین چالوس و تنکابن و گیلان: بین رشت و لاهیجان، رشت و آستارا.<sup>۱</sup>

#### مقدار مصرف آن:

۳۰ گرم در یک لیتر آب، این مقدار را ده دقیقه جوشانده و بنوشید.<sup>۲</sup>

گیاهی است دو پایه علفی و بالارونده که اعضای آن از تارهای خشن پوشیده است دارای برگهای متقابل. در پایه نر آن گلها به شکل خوشه های خاص و در پایه ماده گلها به حالت مجتمع شبیه مخروطهای تقریباً کروی ظاهر می شود. میوه رازک فندقه ای است که در سطح و قاعده آن تارهای ترشخی زیادی وجود دارد.

#### ترکیبات و اثر آن:

تارهای موجود در قاعده و سطح میوه رازک حاوی آلکالوئیدی به نام لوپولین lupulin است. علاوه بر این مخروطهای ماده رازک دارای تاننی به نام اسید هموتانیک، مواد بکتینی روغن فرار و مقدار زیادی مواد ازت دار می باشد. دارای خواص ادرار آور، آرام بخش و ضد تشنج است و نیز برای تسکین دردهای

عادات ماهانه زنان مؤثر است.<sup>۱</sup>

رازک در شمال فرانسه و در آلزاس فراوان می‌روید و به آن تاشمال می‌گویند. ساقه رازک می‌خزد و بالا می‌رود و اغلب از چپ به راست دور درختان می‌پیچد. برگهای آن دندانه دار و سبز تیز است و بی‌شبهت به برگه‌ای درخت انگور نیست. گل‌های نر آن زرد رنگ و دارای پنج گلبرگ است ولی گل‌های ماده آن به شکل مخروط سبزی است که میوه آن را به وجود می‌آورد، وقتی رسید رنگ آن زرد مایل به قرمز می‌شود. از ماه شهریور تا ماه مهر میوه رازک می‌رسد و به رنگ کاملاً زرد و قرمز یا قهوه‌ای درمی‌آید که در آن وقت هنگامی که باران نمی‌بارد باید آنها را بچینید و بعد آنها را از هم جدا کنید و در سبزی که در جای هوادار و خشک قرار داده‌اید بریزید تا خشک شود.

#### خواص دارویی:

رازک مقوی کبد و معده و آرام‌بخش اعصاب و قلب است. به علاوه مصرف آن برای خانمهایی که در دوران قاعدگی دچار درد و تشنج می‌شوند توصیه شده است. رازک اشتها آور و تصفیه کننده خون است.

از خواص مهم رازک این است که: در عین حال که نیرو بخش است آرام کننده نیز می‌باشد به همین جهت داروی موثری برای سیستم اعصاب است.<sup>۲</sup>

رازک گیاهی است خنک کننده و مدر که خواص دارویی آن بسیار است. پیش از هر چیز دافع مواد زاید، مدر، مقوی، اشتها آور و تقویت کننده معده است.

#### طرز مصرف:

۱۰ گرم از میوه مخروطی رازک را در یک لیتر آب جوش به مدت ۱۰ دقیقه دم

۲- نسخه‌های تدرستی، ص ۲۴۶-۲۴۷.

۱- گیاهان دارویی، پروفیسور فلوک، ص ۱۸۴.



می‌کنند این دم‌کرده اشتها آور و مقوی است، اگر برای تسکین یافتن یا خوب خوابیدن مصرف شود بهتر است که ۲۰ تا ۴۰ گرم از میوهٔ مخروطی را به مدت ۱۵ دقیقه در یک لیتر آب جوش دم کنید.<sup>۱</sup> طعم تلخی دارد. مدز و معرق و ضد کرم و خواب آور است و شهوت را تسکین می‌دهد در طب عامیانه برای رفع میگرن از دم‌کردهٔ رازک گل‌های مخروطی آن استفاده می‌نمایند.<sup>۲</sup>

رازک از گیاهان بسیار مفیدی است که مصارف مختلف درمانی و صنعتی دارد. از نظر درمانی دارای اثر مقوی، آرام‌بخش، اشتها آور، مدر و تصفیه‌کننده خون است در صنایع غذایی نیز از آن برای معطر و خوش طعم ساختن آشامیدنی‌ها استفاده به عمل می‌آید و از این نظر باید گفت هیچ گیاهی با آن قابل رقابت نیست.

از مصارف دیگر صنعتی آن استفاده از الیاف فیبری گیاه در ساختن طناب و پارچه‌های خشن شبیه کرباس و غیره می‌باشد. پرورش آن به علت مصارف زیادی که اعضای مختلف گیاه دارد در غالب نواحی مساعد معمول است.

رازک گیاهی پایا، پیچنده دو پایه و از تیره شاهدانه *cannabinaceae* است. طول ساقه آن ۳ تا ۴ متر است ولی در نواحی مساعد انواع پرورش یافته آن به طول ۱۰ متر نیز می‌رسد. رازک برگ‌هایی متقابل مرکب از ۳ تا ۵ لوب نامساوی و دو نوع گل یکی نر و دیگری ماده دارد گل‌های نر آن کوچک به رنگ تقریباً سفید و مجتمع به صورت خوشه‌های متقابل در محور ساقه یا در قسمت‌های انتهایی آن می‌باشند.

### قسمت مورد استفاده رازک:

مجموعه گل‌های ماده آن است که به مخروط‌های ماده *cone de houblon* موسوم است و از گیاه پرورش یافته به دست می‌آید.<sup>۳</sup>

۲- بهداشت تغذیه، ص ۴۶۰.

۱- آشنایی با گیاهان دارویی، ص ۵۸

۳- گیاهان دارویی، ص ۵۹۲

## \* رازیانه

عربی: رازیانج، بذر رازیانج.

فارسی: رازیانه، بادیان، تخم بادیان، بادتخم، جوللو، والان بزرگ.

یونانی: مارویون، مارسیون، برهلیا، قومارئون.

رومی: شمر، شمار.

مغربی: بسباس.

سنسکریت: ستا، مدهورکا، مادهری.

انگلیسی: fennel fruit

لاتین: pimpinalla anisun foeniculam vulgare

عرق آن را در عربی ماء الرازیانج، به فارسی عرق بادیان، به هندی: سونف کارکه در

انگلیسی: aqua foeniculi, fennal water می نامند.<sup>۱</sup>

حکمای عرب مطابق نوشته‌های اهل یونان در باره رازیانه نوشته‌اند و hippocrates و

دیسقوریدوس آن را مدر، مدر حیض و عصاره آن را مقوی چشم گفته‌اند.

pliny, nicander رازیانه هندی کوچک و راست و با نوع اروپایی تفاوت دارد. اهالی

هند آن را برای خوراک و جهت خوشبو کردن ادویه استعمال می‌کنند از آن عرق بادیان

درست می‌کنند بعضی در انیسون و بادیان مشابهت می‌دهند در ایران بیشتر اطباء هر دو

را رازیانه نوشته‌اند در هندی بادیان را سونف و دومی را انیسون می‌گویند نیز در

انگلیسی بادیان را foe nicum vulgare و انیسون را anise erva\_dos می‌نامند.

در میوه رازیانه ۳ درصد روغن فراری که جوهر آن  $c^{16}h^{12}o$  anethol یا anise

campher وجود دارد بیخ آن هم به عنوان دارو استعمال می‌شود wernecke از میوه آن

۷/۲۵ درصد خاکستر گرفته است.<sup>۲</sup>

رازیانه گیاه دارویی ارزنده‌ای است که در تغذیه و صنعت عطر سازی نیز از آن

استفاده فراوان به عمل می‌آید، مانند آنکه از اعضای مختلف آن در درمان بیماریها به

۲- فارماکوگرافیا، ج ۲، ص ۱۲۴.

۱- لاتینی لغات الادویه، ص ۱۵۱.

عنوان نیرو دهنده زیاد کننده ترشحات شیر و قاعده آور استفاده می شود.  
میوه آن نیز به مصارف معطر ساختن اخذیه یا تهیه بعضی از لیکورها می رسد،  
به علاوه از آن نوعی صابون آرایشی ساخته می شود که مورد توجه قرار دارد اسانس  
گیری نیز از میوه های رسیده گیاه آن به عمل می آید.<sup>۱</sup>

آب مقطر انیس یا رازیانه رومی: جهت تهیه این آب مقطر میوه تازه رسیده و خشک  
شده گیاه پیمپنلا انیسوم *anisum pimpinella* از تیره چتریان مورد استفاده قرار می گیرد  
اسانس آن نباید کمتر از ۲ درصد و پودر میوه گیاه آن نباید کمتر از ۱/۷ درصد اسانس  
داشته باشد.

آبهای مقطر انیس جهت انبار کردن مناسب نیستند و باید همواره به اندازه نیاز و تازه  
تهیه گردند.

#### مصرف:

آب مقطر انیس یک داروی ضد نفخ و خلط آور ملایم است. عمدتاً این آب مقطر را  
جهت تولید اسانس آن تهیه می نمایند.<sup>۲</sup>

خوردن رازیانه شیر را زیاد می کند رازیانه سرشار از ویتامین های A,B,C فسفر و  
آهک است. دم کرده تخم رازیانه به مقدار ۱۵ گرم در یک لیتر آب با هر غذا یک فنجان  
آب صرف شود شیر را زیاد و سریع الهضم می کند.<sup>۳</sup>

دم کرده تخم رازیانه قاعده آور است برای دل درد، گاز معده و روده ها، یبوست مزاج  
در قاعده های ماهیانه مصرف آن تجویز شده است.<sup>۴</sup>

ریشه رازیانه هر قدر تازه باشد ادراک آورتر است. جوشانده رازیانه مقدار ۲۵ گرم در  
یک لیتر آب هر وعده یک فنجان مصرف شود.<sup>۵</sup>

۱- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۳، ص ۵۷۸.

۲- مفردات پزشکی، دکتر آئینه چی، ص ۱۱۰۴.

۳- میوه ها و سبزیهای شفا بخش.

۴- میوه ها و سبزیهای شفا بخش، ص ۵۶.

۳- اعجاز خوراکیها، ص ۱۱۰.

رازبانه به علت خاصیت مدزّی که دارد برای اشخاصی که نقرس و رماتیسم دارند و ضعیف البنیه شده‌اند تجویز می‌شود.<sup>۱</sup>

رازبانه سلسله اعصاب و دستگاه هاضمه را تقویت می‌کند. اگر به مدت طولانی مصرف کنند کرم‌های روده را دفع می‌کند.<sup>۲</sup>

اگر آب رازبانه را با سرمه آمیخته کرده و بر چشم بکشند شب‌کوری را از بین می‌برد.<sup>۳</sup>

رازبانه گیاهی است خوشبو، دارای گل‌های زرد چتری و بلندیش تا یک متر می‌رسد. برگ‌هایش شبیه به برگ شبت، تخم‌های آن ریز و معطر می‌باشند در میان کردها آن را برای افزایش شیر مادر و بی‌خوابی کودک و دل‌درد به مصرف می‌رسانند.<sup>۴</sup>

قسمت مورد استفاده رازبانه ریشه، برگ و میوه آن است و این گیاه در تغذیه و صنعت عطر سازی نیز از آن استفاده فراوان به عمل می‌آید مانند آن که از اعضای مختلف آن در درمان بیماریها به عنوان نیرو دهنده و زیاد کننده ترشحات شیر استفاده می‌شود میوه آن نیز به مصارف معطر ساختن اغذیه یا تهیه بعضی از لیکورها می‌رسد.<sup>۵</sup>

دم‌کرده آن برای رفع سرگیجه و میگرن به کار می‌رود. خوراک آن روزی ۳ مثقال همراه با غذا، شهوت را کم می‌کند و دافع بادهای معده است. خوراک آن با گشنیز نافع یرقان است، نیز با دیگر ادویه‌ها رفع عطش می‌کند.<sup>۶</sup>

آب رازبانه: آب رازبانه که از فشردن تمام قسمت‌های گیاه به دست می‌آید به آب سبزی‌های دیگر به منظور تقویت اثر مدر و خاصیت ضد رماتیسم، ضدکرم و زیاد کننده ترشحات شیر افزوده می‌شود.<sup>۷</sup>

رازبانه رومی یا اینس سبز: گیاهی یکساله از تیره جعفری umbelliferac است ساقه بدون کرک و برگهایی با ظاهر متفاوت در قاعده ساقه و قسمت‌های مختلف طول آن

۳- رشته مروارید، ج ۴، ص ۱۹۵.

۱- همان، ص ۵۴. ۲- همان، ص ۵۵.

۴- طب سنی در میان کردان، ص ۹۲.

۶- حکیم اسفندیاری.

۵- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۳، ص ۶۱۳.

۷- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۱، ص ۶۸۰.

دارد.

گل‌های سفید رنگ آن به صورت چترهای مرکب مجتمع می‌باشند. میوه‌اش کوچک و به رنگ سبز مایل به خاکستری یا زرد مایل به سبز و دارای مصارف درمانی است. تکثیر انیس سبز یا رازیانه رومی به وسیله دانه میوه در زمین‌هایی که در پاییز و زمستان ۳۰ مرتبه آن را شخم زده باشند صورت می‌گیرد.

از میوه انیس سبز جهت تهیه مربا و کنسرو استفاده می‌شود به علاوه، اسانسی از آن تهیه می‌گردد که سمی است. میوه انیس سبز اثر هضم کننده غذا، مدر و معرق دارد.<sup>۱</sup> گیاهی علفی و پایا از تیره جعفری است. ساقه‌ای به ارتفاع یک یا یک و نیم متر و برگ‌های منقسم به قطعات باریک رشته‌ای شکل دارد. گل‌های زرد آن به صورت چتر مرکب در انتهای شاخه‌های گیاه ظاهر می‌شوند. میوه‌اش کوچک و معطر است. قسمت مورد استفاده رازیانه ریشه و برگ و میوه آن است.<sup>۲</sup>

به فرانسوی: fennel

به انگلیسی: fenouij

به آلمانی: fencnel

به ایتالیایی: finocchio

به عربی: مثار و معرب آن رازیانج و اغلب با رازیانه انیسون که anis نامیده می‌شود اختلاف دارد و در فارسی بادیان هم گفته می‌شود.

نام علمی آن عبارت از foeniculumseulgare و از خانواده چتریان می‌باشد. ظاهر آن شبیه به شوید بوده ولی بوی معطر و مطبوع و ساقه‌های ضخیم و بلند آن کاملاً آن را از شوید جدا می‌سازد.

خواص بتانیکمی:

گیاهی است به ارتفاع یک تا دو متر و علفی بوده و برگ‌های آن نخعی شکل و به حالت

وحشی چندین ساله بوده ولی به صورت اهلی که کشت شود دو ساله می باشد.  
 گل‌های آن مجتمع و زرد رنگ و دارای چندین اشعه چتری می باشد میوه آن کوچک و  
 حدود ۶-۱۲ میلی متر درازا و ۲-۴ میلی متر پهنا می باشد. برگ‌های رازیانه سبز رنگ است  
 و موقعی که کاملاً برسد آن را می چینند.

ریشه آن دوکی شکل و رنگ آن سفید و دارای بوی معطر و مطبوع است. میوه رازیانه  
 دراز و استوانه‌ای و باریک و ابعاد آن مختلف می باشد. سطح آن بی کرک و رنگ آن سبز  
 روشن و در بعضی نمونه‌ها زرد روشن بوده و طعم آن معطر و کمی شیرین است.

#### مناطق کشت:

در نواحی شمالی ایران و بخصوص نواحی مختلف البرز در ارتفاعات بین ۷۰۰-۷۵۰  
 متری شمال هرزویل در مسیر رودخانه مشاهده می شود.

#### خواص رازیانه:

رازیانه دارای ویتامین A, B, C و مقداری فسفر و آهن است و برای مبتلایان به  
 رماتیسم و ناتوانی تجویز می شود.  
 رازیانه علاوه بر اینکه دافع کرم‌های روده بوده، اگر ۱۵ گرم تخم رازیانه را در یک لیتر  
 آب دم کرده و هر روز یک فنجان مصرف شود برای اعصاب و دستگاه هاضمه فوق‌العاده  
 مفید و مؤثر است.

جوشانده ساقه و برگ آن را چنانچه به حالت گرمی روی پستان زنان شیرده قرار دهند  
 رفع التهاب نموده و از بند آمدن مجاری شیر جلوگیری می نماید.  
 برای رفع سرفه و آسم باید از میوه نیم‌کوب آن به اندازه یک قاشق قهوه خوری در  
 یک فنجان آب جوش ریخته و کمی هم عسل به آن اضافه نمایند.  
 دم‌کرده میوه نیم‌کوب آن بادشکن قوی بوده و از میوه رازیانه نوعی شربت درست  
 می نمایند که برای درد گلو و گرفتگی صدا ثمره بخش است.

عموماً گیاهان خانواده چتریان مسکن اعصاب و ادرارآور و دارای خواص ضد سرطانی و تومور می‌باشند.<sup>۱</sup>

نژادهای مختلف رازیانه میوه‌هایی شیرین یا تلخ یا گس دارد. میوه رسیده خشک و بندرت ریشه خشک شده رازیانه مورد استفاده دارویی قرار می‌گیرد.

زیستگاه و کشت: رازیانه گیاه بومی مناطق مدیترانه‌ای است و به مقدار زیاد در مناطق گرم کاشته می‌شود. کشت آن بوسیله دانه در ردیفهای ۱۵ سانتی متری جداگانه انجام می‌گیرد.

رازیانه در نواحی شمالی ایران و نواحی مختلف البرز می‌روید.

#### مصرف:

به شکل تیزان نیم لیتر آب سرد را بر روی یک قاشق غذاخوری از میوه له شده آن بریزید و بجوشانید برای رفع التهاب برونش‌ها، بادهای روده و افزایش ترشح شیر مصرف می‌شود. یک مسهل ملایم است و معمولاً برای این منظور از گرد آن مخلوط با شیرین بیان و برگ سنا (گرد شیرین بیان مرکب) استفاده می‌شود. لوسیون آن را بندرت برای از بین بردن التهاب چشمها به کار می‌برند.

رازیانه دارای خواص بادشکنی، تحریک اشتها و پیشاب‌آوری ملایم است. یک محرک ملایم اعمال روده‌ای است با مقادیر بسیار زیاد سبب مسمومیت می‌شود.<sup>۲</sup>

محلل ریح (بادها)، مشهی، ضد کرم، زیادکننده شیر و محرک قوه بیه است. رازیانه برای درمان اسهال و یرقان نیز به کار می‌رود.

دانه‌های رازیانه با پرسیاوشان و گل‌گاوزبان در درمان خفقان و تنگی نفس به کار می‌رود.<sup>۳</sup>

این گیاه دارای آنتی‌تول، استروگول، متیل اوژنول، آلدئید آنیزیک، استین آنیزیک،

۱- راز گیاهان شفا بخش، ص ۱۳۲-۱۳۷.

۲- گیاهان دارویی، پروفیسور هانس فلوک، ص ۱۰۸.

۳- اصول درمان طبیعی، ص ۷۰.

کامفن، دیپاتن و غیره است.

رازبانه مدر، قاعده آور، مقوی معده، مشه‌ی، بادشکن و آرام بخش اعصاب بوده، در بیماری‌های آسم، سرفه، درد پهلو و سنگ کلیه و قولنج مصرف می‌شود.  
اگر مادران شیرده دچار انسداد مجاری شیر شده باشند قرار دادن جوشانده تمام گیاه رازبانه روی پستان باعث جاری شدن شیر می‌گردد.<sup>۱</sup>

جوشانده برگ رازبانه رومی، مخلوط با نعنای صحرایی ضد عفونی کننده بوده و اگر گرم در موقع خوابیدن نوشیده شود زکام را درمان کند دم‌کرده برگ آن به عمل گوارش کمک و اسیدیتة معده را رفع می‌کند رازبانه رومی بادشکن بوده و یک داروی مقوی شکم و معده به شمار می‌رود.<sup>۲</sup>

اسم من رازبانه است به من بادیان، شمار، شمره، سونف و بسباس هم گفته‌اند. اعراب مرا معرب کرده رازیانج می‌گویند. زادگاه اولیه من ایران و سرتاسر دریای مدیترانه و حبشه بوده و اکنون در بیشتر نقاط دنیا کاشته می‌شوم.

برگ من معطر و طعم آن شیرین و مطبوع است در میان حیوانات مار به خوردن من علاقه زیاد دارد، وقتی مرا می‌خورد چشمهایش براق و درخشان می‌شود.

ریشه من ضخیم و دوکی است و پیشاب آور می‌باشد.

شیره برگ‌های من پوست بدن را قرمز کرده و تولید تاول می‌نماید. بذر من دارای دوازده درصد روغن، کمی قند، کمی صمغ و چهار تا شش درصد اسانس است و در ماه‌های مهر و آبان می‌رسد.

میوه من بادشکن، مقوی، ضدکرم، قاعده آور و زیادکننده شیر است.

آب مقطر برگ مرا اعراب مقوی باه می‌دانند. پاک کننده مجاری سینه، طحال، کلیه و مثانه است و درد آنها را تسکین می‌دهد. آب مقطر من اگر تازه باشد بازکننده ادرار، قاعده آور است، مخصوصاً اگر آن را با گل‌گاوزبان بجوشانند.

جوشانده من سیاه سرفه را نیز درمان می‌کند ضماد بذر من و کمپرس جوشانده آن



ورم پستان را فرو می‌تشانند.<sup>۱</sup>

بادیان که دم‌کرده آن را همراه با نبات یا قند مصرف می‌کنند موجب ترشح صفرا، فعالیت سلول‌های صفراوی، فعالیت گلو مروزول‌های کلیوی و در نتیجه ترشح بیشتر ادرار و دفع کرم بدن می‌شود بادیان یا رازیانه موجب فعالیت کبد و دستگاه گوارش می‌شود در دفع سموم بدن از راه روده‌ها و کلیه‌ها نقش یک دارو را بازی می‌کند این گیاه خون را رقیق می‌سازد داروی رقت خون و فعال‌کننده کلیه و کبد است.<sup>۲</sup> رازیانه محلل ریاح، مشه‌ی، ضد کرم، زیاد‌کننده شیر و محرک قوه باه است. رازیانه برای درمان اسهال و یرقان نیز به کار می‌رود. دانه‌های رازیانه با پرسیاوشان و گل‌گاوزبان در درمان خفقان و تنگی نفس به کار می‌رود.<sup>۳</sup>

نام علمی رازیانه در کتابهای گیاه‌شناسی *foeniculum vulgare miller gaertner* ذکر شده است. رازیانه به صورت سبزی خوراکی، یک ماده غذایی بسیار مفید سهل الهضم، آرام‌کننده معده روده و کمی ملین است.

فرآورده دارویی این گیاه اشتها آور، محرک، مقوی و آرام بخش بوده در دفع انواع انگلها مؤثر است. دم‌کرده دانه رازیانه را برای دفع کرم و جهت خواب کردن بچه‌های ناآرام به کار می‌برند. رازیانه در عمل مجاری تنفسی نیز تأثیر مثبتی دارد و موجب تسکین سرفه، سیاه سرفه و آسم می‌شود و اندامها را پاک می‌کند. استعمال خارجی آن به صورت مایع غرغره جهت تسکین گلو درد، کمپرس کردن جهت رفع درد معده و سرانجام به صورت قطره چشم متداول است.<sup>۴</sup> به رومی: مالثرون و انانوس گویند.

به یونانی: فیا و فرنوس گویند.

۲- فرهنگ خوراکیها، ص ۲۹۱.

۱- زبان خوراکیها، ص ۲۴۹-۲۵۰.

۳- طب النبى ﷺ و الاثمه الطبیه، ص ۱۳۶.

۴- صد گیاه و هزار درمان، ص ۱۵۱-۱۵۲.

به لاتینی: فنیکی گویند.

به پارسی: رازیانه گویند.

به لغت سیستان: باد تخم گویند.

به هندی: سوب و سوی گویند.

به سریانی: زرع سامرا گویند.

یک نوعش آن است که تخم آن پهن بود به شکل دانه انجدان و کاشم جز آنکه دانه انجدان به مقدار بزرگتر است.

بوی رازیانج تیز می باشد و معدن این نوع در بست می باشد.<sup>۱</sup>

رازیانج یا رازیانه در درجه سوم، گرم بوده که همیشه خشک است. در یک درجه بول را از کرده و مثانه می راند و منفذ خون حیض و همچنین سده ها را بگشاید و مضرت زهر گزندگان را چون عقرب کژدم و زنبور و امثال آن رفع کند و درد کرده را تسکین دهد و آنچه از آن خشک بود تبهای کهنه را ببرد و تری آن شیر را زیاد کند. اگر آب تخم آن در چشم کشیده شود روشنایی را زیاد کند و آبی که طبقات چشم فرود آید و روشنایی را حایل شود سود دهد و رازیانه دشتی در گرمی و خشکی زیادت باشد از بستانی و سنگ مثانه را بشکند و بول را بزند و سده های جگر را بگشاید و تب های مزمن را سود می کند.<sup>۲</sup>

درختچه ای است به بلندی ۳ تا ۴ متر پوست آن سفید، برگهایش مقاوم، آویخته صاف و درخشنده است. گلهای منفرد بزرگی دارد، میوهی آن تک دانه سبز رنگ است که پس از چیده شدن و خشک شدن به رنگ خرمایی درمی آید. پوسته این میوه سرشار از آنتول است و بوی رازیانه را می دهد.

بادیان برای تحرک اشتها، هضم غذا و ترشح آنزیم های گوارشی بسیار مؤثر است رازیانه اگر به مدت طولانی مصرف شود کرم های روده را دفع می کند. تخم رازیانه اگر به

۱- میدنه، قسمت اول، ص ۳۱۴-۳۱۵.

۲- همان، قسمت دوم، ص ۸۶۳-۸۶۲.

صورت دم کرده مصرف شود برای سلسله اعصاب و دستگاه هاضمه تقویت کننده خوبی به حساب می رود و نیز تخم رازیانه تا عده آور و در مورد سر دردهای شدید نیمه سر، انواع سرگیجه ها، اختلالات عصبی، دل دردهای گاز معده و روده ها مفید است. شیر را نیز زیاد می کند<sup>۱</sup> تخمش به تخم کرفس می ماند.

### مزاج:

رازیانه بیابانی بسیار گرم و خشک تر از کاشتنی است و در سوم ملایم تر است رازیانه کاشتنی در دوم گرم است.

### خاصیت:

بند آمده را بگشاید، شیره رازیانه دیده را قوی کند، رازیانه کاشتنی با ترنجبین شیر پستان را افزایش دهد، اگر با آب سرد خورند برای دل بهم آمدن و التهاب معده مفید است رازیانه دیر هضم و بد غذا است رازیانه بیابانی سنگ را خرد کند، بیخ رازیانه را با تخمش بخورند شکم را بند آورد.

در علاج تب های مزمن مفید است. اگر رازیانه را در الکل بیزند پادزهر نیش حشرات است بیخش را بکوبند و برگزیده سگ هار مانند مفید است.<sup>۲</sup>

در کتب طب سنتی با نام رازیانه نام برده شده است در ایران در مناطق مختلف رازیانه و بادیان سبز گفته می شود، به لغت رومی کهن شمار و به عربی شمر نامند.

به فرانسوی: anis doux, aneth, fenouil officinal, fenouil

و به انگلیسی: fennel می گویند.

گیاهی است از خانواده umbelliferae نام علمی آن foeniculum vulgare mill و مترادف های آن anethum و f. officinale all, foeniculum capillaceum gilib و foeniculum l. است.

۱- مجموعه طب سنتی و گیاهی، ص ۱۷۷-۱۷۸.

۲- قانون در طب، بوعلی، کتاب دوم، ص ۳۰۴-۳۰۵.

بین اسامی فوق نام *f.vulgare* مربوط به رازیانه تلخ است که به فرانسوی *fenouil amer, aneth* گویند.

برگهای رازیانه به عنوان ادویه با غذا مصرف می شود و نام *f.officinale* مربوط به رازیانه شیرین است که به فرانسوی *fenouil doux* گویند.

در اسناد گیاه شناسی امریکایی نام علمی رازیانه *f.vulgare gacrtm* آمده است ولی سایر گیاه شناسان ایرانی و هندی و غیره نام *f.vulgare mill* را نام اصلی ذکر می کنند. تکثیر: رازیانه از طریق کاشت بذر آن در بهار انجام می گیرد. زمین آفتابگیر و با زهکش خوب را دوست داشته و به آبیاری زیاد در فصل گرما احتیاج دارد.

برگ رازیانه را پس از رشد کامل و بی رنگ قبل از آغاز ظهور گلها یا در شروع باز شدن اولین گل برداشت می کنند. یعنی در حدود ماه خرداد تخم رازیانه را که مهمترین قسمت دارویی آن است، وقتی که میوه ها زرد رنگ می شوند و برای این کار سرشاخه های میوه دار را ظرف ۳-۴ هفته بتدریج که می رسند می چینند و تخم آن را می گیرند. ریشه رازیانه ضخیم و مخروطی شکل به رنگ سفید و معطر است و موقع خارج کردن از زمین خوب شسته، تمیز کرده و قطعه قطعه نموده و خشک می کنند.

رازیانه در اروپا و آسیا بخصوص در مناطق با آب و هوای مدیترانه انتشار دارد. در ایران در مناطق شمالی ایران در دامنه های البرز در ارتفاعات ۷۵۰ متری و در شمال هوزویل در مسیر رودخانه به طور خودرو دیده می شود.

### ترکیبات:

از نظر ترکیبات شیمیایی تخم رازیانه دارای یک اسانس روغنی فرار است که قسمت عمده آن آنتول در حدود ۶۰ درصد است و به علاوه اسانس رازیانه دارای قند لعاب، مقدار کمی تانن، روغن ثابت لیماراز *limarase* و همچنین مواد فنچون *fenchon* فلاندرن *phelandrene* لیمونن، دیپتن، کامفن، پینن، متیل چاوبکول، اتیسیک اسید *anistic acid* تیموهایدر و کیتون *thymo hydroquinone* ائیستون *anice tone* و سرانجام ویتامین A می باشد.

در هر یک صد گرم برگ خام تازه رازیانه که به عنوان ادویه یا غذا خورده می شود مواد زیر موجود است:

آب: ۹۰ گرم، پروتئین: ۲/۸ گرم، چربی: ۰/۴ گرم، هیدرات کربن: ۴/۵ گرم، کلسیم: ۱۰۰ میلی گرم، فسفر: ۵۱ میلی گرم، آهن: ۲/۷ میلی گرم، پتاسیم: ۳۹۷ میلی گرم، ویتامین A ۳۵۰۰ واحد بین المللی و ویتامین C ۳۱ میلی گرم.

کاربرد رازیانه:

به طور کلی تخم رازیانه معطر، محرک و مقوی معده و بادشکن و قاعده آور است برگ های آن مدر و ریشه آن ملین و مسهل است و روغن تخم آن کرم کش و ضد انگل است در چین از جوشانده تمام گیاه به عنوان ضد قوی و آشفته گی استفاده می شود و برای معالجه فتق و برای ازدیاد بینایی چشم مفید است.

برای ازدیاد ترشح شیر خیلی مؤثر است و دم کرده ۴-۱۰ گرم تخم رازیانه در ۳-۴ فنجان آب جوش می تواند خیلی مفید باشد برای رفع سرفه و آسم چند گرم تخم را در یک فنجان آب جوش ریخته مدت ۱۵ دقیقه دم می کنند بعد به آن عسل می افزایند و می خورند خیلی مسکن و مؤثر است.

رازیانج از نظر طبیعت طبق نظر حکمای طب سنتی نسبتاً خیلی گرم و خشک است تخم آن گرمتر از برگ آن و شیر آن گرمتر در سایر اعضای گیاه است.

در مجموع بازکننده گرفتگی ها، انسداد مجاری سینه، کبد، طحال، کلیه، مثانه و برای تسکین دردهای آنها که از سردی باشد مفید است. مقوی قوه بینایی چشم، معده و محلل بادهای، اخلاط غلیظ، ازدیادکننده ترشح شیر، بویژه تازه آن مدر و قاعده آور است. خوردن دم کرده تخم آن با گل گاوزبان برای خفقان مؤثر است و دم کرده تخم آن با پرسیاوشان و انجیر برای رفع سرفه و تنگی نفس و سخت نفس کشیدن و دم کرده تنها تخم آن یا با گیاهان و داروهای گیاهی مناسب دیگر برای تحلیل بادهای، درد پهلو و لگن خاصره، رفع بلغم ترش، رفع اسهال مزمن و دم کرده تخم آن با زیره سبز برای رفع اسهال و تقویت معده و با عسل و سکنجبین برای تبهای کهنه مفید است. دم کرده تخم آن با سرکه برای گزیدگی جانوران سمی مانند عقرب و زنبور مفید است.

مالیدن گرد آن بر شکم اطفال برای رفع نفخ مفید است. عصاره برگ تازه آن برای افزایش بینایی چشم مفید بوده و بخور برگ تازه آن که در آتش اندازند نیز برای چشم مفید است.

آن را در فرانسه دم کرده مدری در موارد سنگ مثانه مصرف می کنند به این ترتیب که ابتدا یک مشت کاکل ذرت را در یک لیتر آب جوشانده و سپس در این جوشانده دو قاشق قهوه خوری تخم رازیانه ریخته دم کرده، پس از دم کردن می گذارند که سرد شود ۲-۳ فنجان از این دم کرده را در روز می خورند آثار مفیدی دارد.<sup>۱</sup>

اسم بادیان را *foeniculum vulgare* نوشته اند که در نسخه های مقوی معده مقوی روده و جگر و قابض و مدر استعمال کرده اند. عرق بادیان برای امراض شکم بیان شده است روغن بادیان بادشکن و اشتها آور و نیز در امراض معده استعمال شده است و آن جزء شربت اسطوخودوس می باشد و در بعضی نسخه های امراض جگر و مثانه و کلیه استعمال می شود و با گل گاوزبان و عناب و خاکشیر شربت برای سرخک و آبله و تب نوبه داده می شود و نیز در خیلی از نسخه های سوء هضم و معده و جگر و بادشکن اضافه شده است.<sup>۲</sup>

محمد بن سنان از امام رضا علیه السلام روایت می کند که آن حضرت فرمود: روزی موسی بن جعفر از مرضی شکایت نمود اطباء آمدند برای برخی از داروها اوصاف و عجائب وصف نمودند آن حضرت پرسید: کجا می روید فرمود: این داروها را کفایت کنید هلیج،

۱- معارف گیاهی، حسین میرحیدر، ج ۲، ص ۳۳۰ تا ۳۳۴.

۲- همدرد انگلیسی، ص ۹۱-۱۳۹-۱۴۲-۱۷۱-۱۷۵-۱۸۲-۲۰۰.

رازیانج و شکر در نزدیکی تابستان سه ماه در هر ماه سه مرتبه و در نزدیکی زمستان سه ماه در هر ماه سه مرتبه و به جای رازیانه مصطکی هم می‌گذارند که جز مرض مرگ مریض نمی‌شود یعنی در زمستان به جای رازیانه مصطکی مصرف می‌شود. رازیانه را مالثریون، انیسون، رازیانه، بادیان هم می‌گویند. تخم رازیانه مانند تخم گشنیز است.

رازیانج، رازیانه: گیاهی است از تیره چتریان که دو ساله می‌باشد. بعضی گونه‌هایش پایا بوده و در سراسر نواحی بحرالروم و حبشه و ایران می‌روید ارتفاع آن بین ۱ تا ۱/۵ متر است، برگ‌هایش متناوب و دارای بریدگی بسیار و دم‌برگش شامل غلافی است که ساقه را فرامی‌گیرد برگش معطر و طعمش مطبوع و کمی شیرین است رازیانج، شمار شمره، سونف، بادیان، بسیاس.<sup>۱</sup>

رازیانه گیاهی است علفی و معطر که همه جا کشت می‌شود. قسمت مستعمل دانه آن است که از آن اسانس نیز گرفته می‌شود رازیانه را نیروبخش مقوی معده، اشتها آور، آرام‌کننده، قاعده آور، زیاد کننده شیر و بادشکن دانسته‌اند.<sup>۲</sup>

بادیانه اسم فارسی است و به فارسی عامه رازیانه که معرب آن رازیانج است و والان بزرگ نیز می‌گویند و به شیرازی جوللو و به سیستانی بادتخم و به یونانی ماردیون و مارسیون و به رومی شمار و به مغربی بسیاس و به انگلیسی اینسیپد و به هندی سونف و بریانی می‌نامند و آن بستانی و بری می‌باشد بستانی آن مزروع و ساقه آن یک ذرع و گل آن زرد می‌باشد و همه نبات آن مستعمل است. بری آن خودرو و بسیار سبز و کوچکتر از بستانی و چون آن را بخایند زبان را خدر می‌کند و بهترین آن بستانی تازه آن است گرم و خشک است.<sup>۳</sup>

شیخ می‌فرماید: رازیانج، رازیانه، تخمش به تخم کرفس می‌ماند. رازیانه بیابانی بسیار گرم و خشک تر از کاشتنی است بند آمده را بگشاید، بقراط عقیده دارد که حشرات تخم رازیانه سبز را می‌خورند تا دید قوی یابند و مار افعی بعد از گذشتن فصل زمستان که

۲- طب النبی و الائمة الطاهرة، ص ۱۸۰.

۱- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۲، ص ۱۶۲۰.

۳- محیط اعظم، ج ۱، ص ۲۵۳.

می‌خواهند بیرون آیند چشم به رازیانه سایند که چشم روشن شود. رازیانه و بویژه شیرهاش دید را قوی کند در علاج تبهای مزمن مفید است کسانی که از اثر تب به التهاب معده یا دل‌پیچه روبرو هستند رازیانه را با آب سرد بخورند سود بینند بیخس را بکوبند و برگزیدهٔ سنگ‌هار بمالند مفید است.

رازیانهٔ رومی را انیسون می‌گویند و نام وی به سریانی درغادسمو خوانند.  
به پارسی: رازیانه.

تخم رازیانه به تخم گشنیز می‌ماند و یک نوع از آن تخمش پهن است و به شکل دانه انجدان و کاشم.

و آن دو نوع است: ۱- بستانی ۲- بری دشتی یا بیابانی و به اصطلاح خودرو بستانی را مارثون و بری را قومارثون گویند بهترین نوع بادیان یا رازیانه نوع بستانی کاشتنی است.<sup>۱</sup> با محلول تخم رازیانه التهاب چشم‌ها را برطرف و با آب آن چشمها را با پنبه تمیزی شستشو دهید.<sup>۲</sup>

رازیانج تر و گرم است و خشک در درجه اول و تخمش گرم‌تر و خشک‌تر است و بهترین آن بستانی است. نازهٔ آن شیر را زیاد می‌کند و چون اندر چشم کشی آب را که اندر چشم همی آید سود کند. تاریکی از چشم ببرد و ادرار البول و حیض آرد. بادها بگشاید و عصاره‌اش سود کند چون بخورند و سوء المزاج و جگر سرد را و صاحب استسقاء و زخم حیوانات موذی را و تب‌های مزمن و درد کلیه را نیک بود و تخمش و بیخس هر دو یکسان است و رازیانه را انیسون نیز گویند.

زخم همهٔ هوام را نیک بود، نفخ بگشاید، شکم ببندد و آن در ناه بیفزاید و ادرار البول آرد و چون زیر بینی بر سوزنه صداع بنشانند که از سردی و تری بوده باشد و سدد را بگشاید و کلیه و مثانه و رحم را پاک بکند و آن گرم و خشک در آخر درجهٔ دوم و مانند تخم رازیانه می‌باشد لیکن از آن کمتر است و نام آن را به سریانی درغادسمو می‌خوانند

۱- فرهنگ داروها و واژه‌های دشوار. ص ۱۷۴-۱۷۳.

۲- تغذیه طبیعی بهترین مساله جهان، ص ۱۶۱-۱۶۰.



و رازیانه نیز ادرار البول آورد و مثانه را پاک کند و معده را از بلغم لزج بشوید و کودک زنده را از شکم بیرون می آورد و تازه ترش بهتر بود.<sup>۱</sup>  
رنگ: زرد مایل به سبز.

ذائقه: شیرین.

مزاج: گرم و خشک درجه دوم.

مقدار خوراک: ۵ تا ۷ گرم.

محل حصول: هند، پاکستان، ایران، ترکیه، اسپانیا.

خواص:

مدر بول و حیض، هاضم، بادشکن، شیر تولید می کند، سده ها را باز می کند نافع اسهال و پینچش شکم زمستانی است باین صورت که ۲۴ گرم بادیان و ۶۰ گرم مریای گل قندی را مخلوط کرده جوشانده می خورند در امراض بلغمی و سوداوی مفید است بیخ آن را که اصل رازیانه می گویند سفید مایل به زردی است و خیلی شیرین، مزاج آن مثل خود بادیان است و خوراکش هم همینطور است. محلل اورام و ریاح، هاضم، قولنج و درد پشت را نافع است. رطوبت های اضافی معده را صاف می کند و در امراض بلغمی مفید است.<sup>۲</sup>

اسم هندی آن را بروالان نوشته اند ذائقه اش را تیز و شیرین نوشته اند و مزاج آن گرم سه درجه، خشک ۱ درجه نوشته شده است. برای گرم مزاجها مضر بدلتش: تخم کرفس مصلحش: گشتیز و صندل سفید، مقوی چشم و معده و همچنین آن پادزهر سم می باشد جویدن برگش بینایی را زیاد می کند، به بچه های شیرخوار گرد آن را می دهند نافع نفخ

شکم آنها است. جوشانده اش با گل گاوزبان خفقان و وحشت را دفع می کند.

برای زیاد کردن شیر، آن را همراه با شیر گاو توصیه نموده اند. مواد شیر است، چشم را قوی می کند. بیخ آن مدر بول و حیض است و نیز نوعی بادیان ختایی که رنگ آن سیاه است. مزاج: گرم و خشک، خواص آن مقوی معده، بادشکن، هاضم و مدر است و بیشتر آن را با چای ختایی جوشانده می خورند مضر است، زیرا سردرد می آورد، مصلحش: باید سرخ نمود و خورد بدلش: بسپاسه است.<sup>۱</sup>

میوه خشک درخت *foeniculum vulgare miller (fam umbelliferax)* بیان شده است و این میوه ۵٪ روغن طبی و ۱۰٪ روغن عمومی دارد و آن برای ملین و اسهال استعمال شده و این روغن در فوائد انیسون است و جوهر این میوه مثل جوهر انیسون بوده و آن  $\text{anethol c}^{10}\text{h}^{12}\text{o}$  می باشد و نیز آن را در امراض معده استفاده می کنند.<sup>۲</sup>

نسخه های درمانی: داروی بادشکن قوی

گل بابونه: یک قسمت.

برگ بادرنجبویه: یک قسمت.

میوه رازیانه: یک قسمت.

میوه انیسون: یک قسمت.

میوه زیره: یک قسمت.

طرز تهیه و مقدار مصرف:

یک قاشق چای خوری از مخلوط فوق را در یک فنجان آب جوش ریخته و می گذارند

ده دقیقه دم بکشد، سپس روزی یک الی دو فنجان قبل از غذا مصرف می نمایند.<sup>۳</sup>

داروی ضد گاستریت و ضد نفخ:

گل اسطوخودوس: دو قسمت.

ریشه ژانسیان: ۵ قسمت.

۲- دستور بریتانی، ص ۱۰۴۵.

۱- مخزن المفردات، ص ۵۷ بستان المفردات، ص ۱۷۸.

۳- درمان با گیاه، مانی نسخه پیچی گیاهی، ص ۴۸.

- گیاه قنطاریون: ده قسمت.
- ایزم اگیرترکی: ۵ قسمت.
- دانه زیره: ۱۰ قسمت.
- دانه رازیانه: ۱۰ قسمت.
- دانه انیسون: ۱۰ قسمت.
- گل بابونه: ۱۰ قسمت.
- گیاه بومادران: ۲۰ قسمت.
- برگ نعناع: ۱۳ قسمت.
- ریشه سنبل الطیب: ۵ قسمت.
- طرز تهیه و مصرف:

مقدار یک قاشق غذا خوری از مخلوط فوق را در یک فنجان آب جوش مخلوط کرده و به مدت ده دقیقه آن را دم می کنند، سپس روزی دو بار هر بار یک فنجان نیم ساعت قبل از غذا میل شود.<sup>۱</sup>

#### داروی مقوی معده:

- دانه انیسون خرد شده: یک قسمت.
- دانه شوید خرده شده: یک قسمت.
- دانه رازیانه خرد شده: یک قسمت.
- دانه زیره خرد شده: یک قسمت.
- برگ نعناع خشک شده: یک قسمت.
- طرز تهیه و مصرف:

یک قاشق غذا خوری از مخلوط فوق را با ۱۲۵ سی سی آب جوش مخلوط کرده و نیم ساعت قبل از صرف غذا جرعه جرعه همراه با غذا میل شود.<sup>۲</sup>

داروی ضدسرفه:

گل‌سنگ ایسلندی: یک قسمت.

ریشه شیرین بیان: یک قسمت.

ریشه ختمی ۲/۵ قسمت.

دانه رازیانه: یک قسمت.

گیاه صعتر: ۳ قسمت.

گیاه بارهنگ: ۱/۵ قسمت.

طرز تهیه و مصرف:

مقدار یک قاشق غذا خوری از مخلوط فوق را با یک فنجان آب جوش مخلوط کرده

و به مدت ده دقیقه دم نموده، سپس روزی ۳ بار، هر مرتبه یک فنجان میل شود.<sup>۱</sup>

دارو جهت سیاه سرفه و سایر بیماری‌های عفونی برنشها:

دانه کتان: ۱/۵ قسمت.

تخم انیسون: یک قسمت.

تخم رازیانه: یک قسمت.

گیاه صعتر: ۱/۵ قسمت.

طرز تهیه و مصرف: مقدار دو قاشق مرباخوری فوق را با یک فنجان آب جوش

مخلوط کرده و به مدت ده دقیقه آن را دم نموده و سپس صبح‌ها و شب‌ها هر بار یک

فنجان میل شود.<sup>۲</sup>

داروی مسهل:

برگ سنا: ۶۰ قسمت.

برگ رازیانه: ۱۰ قسمت.

برگ انیسون: ۱۰ قسمت.

ریشه شیرین بیان: ۲۰ قسمت.

طرز تهیه و مقدار مصرف: مقدار یک قاشق چای خوری از مخلوط فوق را با یک فنجان آب جوش مخلوط کرده و می جوشانند، سپس می گذارند تا سرد شود و صبح ها و شب ها قبل از خواب یک فنجان میل می نمایند.<sup>۱</sup>

دارو جهت برونشیت:

میوه انیسون: یک قسمت.

ریشه شیرین بیان: یک قسمت.

برگ ختمی: یک قسمت.

میوه رازیانه: یک قسمت.

برگ یاخوری: یک قسمت.

طرز تهیه و مقدار مصرف:

یک قاشق مربا خوری از مخلوط فوق را با یک فنجان آب مخلوط کرده و می جوشانند، سپس حاصل آن را با عسل یا شکر سرخ شیرین نموده و روزی سه بار، هر مرتبه یک فنجان به صورت گرم میل شود.<sup>۲</sup>

دارو جهت ذات الجنب:

عصاره شیرین بیان: ۳۰ گرم.

گیاه بنفشه: ۳۰ گرم.

نشاسته: ۱۰ گرم.

کتیرا: ۱۰ گرم.

تخم خطمی: ۱۰ گرم.

میوه رازیانه: ۱۰ گرم.

لعاب دانه کتان: مقدار کافی.

طرز تهیه و مقدار مصرف:

داروهای فوق را کوبیده و الک نموده سپس با لعاب دانه کتان مخلوط و به صورت حب در آورده و سپس در هر نوبت ۱۰ گرم آن با شربت ساده میل شود.

داروی صاف کننده خون:

میوه انیسون: یک قسمت.

گل‌های رازیانه: ۴ قسمت.

میوه زیره: ۴ قسمت.

برگ سنا: ۸ قسمت.

طرز تهیه و مقدار مصرف: مقدار ۲ قاشق مربا خوری از مخلوط فوق را در یک فنجان آب جوش حل کرده و صبح‌ها و شب‌ها هر بار یک فنجان میل شود.<sup>۱</sup>

داروی آرام بخش اعصاب:

گل بابونه: یک قسمت.

گیاه اسطوخودوس: یک قسمت.

برگ نعناع: یک قسمت.

ریشه سنبل‌الطیب: ۲ قسمت.

میوه رازیانه: ۳ قسمت.

گل و برگ یاخوری: ۳ قسمت.

طرز تهیه و مقدار مصرف: یک قاشق مربا خوری از مخلوط فوق را با یک فنجان آب جوش مخلوط کنید و دوبار در روز هر بار یک فنجان میل شود.<sup>۲</sup>

۱- درمان با گیاه، مبانی نسخه پیچی گیاهی، ص ۶۷.

۲- درمان با گیاه، مبانی نسخه پیچی گیاهی ص ۷۴.

### داروی ضد دل درد:

دارو: میوه یا تمام گیاه رازیانه.

مقدار مصرف: بزرگسالان ۲ تا ۴ گرم اطفال بر حسب سن ۰/۵ تا ۱/۵ گرم.

طرز تهیه: به صورت دم کرده یا جوشانده ملایم.<sup>۱</sup>

بادیان را اگر یک مثقال بکوبند و بخورند نور چشم را زیاد و قوت باه را بسیار و باد

معه را دور می سازد.<sup>۲</sup>

### درمان ریزش موی سر:

بابونه را جوشانده صاف کنند و با روغن کنجد دوباره بجوشانند تا آب تمام شده

روغن بماند، صبح و شب بر مو مالیده مالش بدهند. با گل ارمنی، بادام تلخ، قیصوم

(بومادران) را گرفته بسوزانند و خاکستر آن را با روغن زیتون حل کرده بمالند ریزش مو

را درمان می کند.<sup>۳</sup>

## \* راسن

عربی: سوسن جبل، زنجبیل شامی، قلموج، نبات الملانکه.

یونانی: قلموموس.

سریانی: ریه.

فارسی: نانران، راسن.

اهل مغرب: جناح.

اندلس: کلموخ.

سانسکریت: ناگلی، سرسا، راسنا، سرب گندها و غیره.

هندی: راسن، راسنا، بای سرنی.

۱- همان، ص ۷۴. ۲- اعجاز طب و درمان، ص ۴۶۲.

۳- همان، ص ۴۱۴.

لاتینی: *vanda rox burghii*

*plochia lanceolata*

*mimosa oxtrandra*

*ophixylon*

*cymbidium tessaloids*

بیخ راسن بوی خوب دارد، در ذائقه تند و تلخ است.<sup>۱</sup>

انگلیسی: *elecampane.inul*

فرانسه: *aromate germanique, enule campagne, grande aune*

آلمانی: *alant\_aster, helenakraut, alant*

ایتالیایی: *erba de dolori, antiveleno, elona, enula campana, elenio*

فارسی: زنجبیل شامی.

عربی: زنجبیل شامی، جناح رومی، راسن.

گیاهی است علفی پایا، زیبا و به ارتفاع ۱/۷۵ تا ۲ متر که غالباً در چمنزارها و نواحی مرطوب به حالت خودرو می‌روید.

قسمت مورد استفاده این گیاه فقط ریشه آن است که پس از خارج کردن گیاه ۲ یا ۳ ساله از زمین، آن را همراه با ریزوم کوتاه و گوشتدارش به قطعاتی تقسیم نموده در گرمای خورشید خشک می‌کنند.

ترکیبات شیمیایی:

ریشه این گیاه دارای ۴۰ درصد اینولین است که مقدار آن در پائیز به حداکثر می‌رسد از تقطیر ریشه این گیاه مقدار کمی اسانس مخلوط با توده چسبنده‌ای مرکب از آلانتولاکتون *alantolactone* ایزوآلتولاکتون و آلانتول *alantol* حاصل می‌شود ماده‌ای بنام هلنینه *helenine* به مقدار ۱ تا ۲ درصد که به غلط هتروزیدی تصور می‌شد در واقع

۱- لاتانی لغات الادویه، ص ۱۲۱.



از ایزوآلانتولاکتون مرکب می باشد.

از نظر ترکیبات شیمیایی گیاه دارای اسانس و یک ماده عامل تلخ و بتزوئیک اسید می باشد در ریشه آن مواد اینولین، پزودواینولین و اینولنین وجود دارد. در گزارش ریشه راسن آمده است که در آن یک ماده رزینی گس نرم و قهوه‌ای رنگ، یک اسانس ماده‌ای به نام هلثین یا کافور راسن و در آخر اینولین وجود دارد. ماده اینولین در حدود ۴۰ درصد ریشه را تشکیل می دهد. اینولین یکی از هیدراتهای کربن است شبیه به نشاسته و به شکل گرد سفید با وزن مخصوص ۱/۳۵ که در آب جوش حل می شود و به طور طبیعی از ساقه زیرزمینی راسن، کوکب، غده سیب زمینی ترشی و... به دست می آید.

#### خواص درمانی:

ریشه این گیاه دارای اثر مقوی، نیرودهنده نسج مخاطها، مدر، معرق، اشتها آور، ضدباکتری و ضد عفونی کننده است. اثر ضد عفونی کنندگی آن نیز مربوط به آلانتول یا هلثین است.

بررسیهای de korah طبق اظهار dr.h.leclerc نشان داد که فراورده‌های این گیاه از تکثیر و رشد باسیل کخ جلوگیری به عمل می آورد ضمناً به علت خشکاندن ترشحات ریه موجبات رفع سرفه را فراهم می آورد.

دانشمندانی نظیر parisot,hammoniac,delens,vilet اثر درمانی آن را در رفع ترشحات زنانگی مخصوصاً ناشی از لنفاتیسم و ورم رحم به اثبات رساندند.

مصرف فراورده‌های ریشه این گیاه در موارد قطع حالت قاعدگی زنان جوان توصیه گردیده، در تنظیم این حالت در دخترهای جوان مؤثر ذکر شده است.

ریشه این گیاه در رفع بیماریهای پوستی مانند: سودا، التهاب و ورم پوست بروز دانه‌های جلدی و همچنین در معالجه خنازیر، مؤثر تشخیص داده شده است ضمناً به علت آنکه در عین حال مدر مقوی و ضد باکتری است در رفع نفرس نیز می تواند مفید

باشد.

ریشه این گیاه خاصیت ضد کرمی نیز به مقدار ۱ تا ۵ گرم در اطفال دارد.  
گیاه راسن در اروپا شمال آسیا و جنوب غربی چین بطور خودرو می‌روید و در ژاپن کاشته می‌شود. در چین و ژاپن ریشه آن را به عنوان قابض، مقوی معده، نرم کننده سینه و مقوی عمومی برای بیماران سل به کار می‌برند.

ریشه راسن از نظر طبیعت طبق نظر حکمای طب سنتی ایران خیلی گرم و خشک است خوردن آن فرح بخش است و دارای نیروی تریاقیه و مبارزه با آثار مسمومیت می‌باشد. مقوی قلب، دهانه معده، هاضمه، نیروی جنسی و مثانه است. مالمخولیا و احساس وحشت و ترس را دفع می‌کند و انسداد مجاری کبد و طحال را از بین می‌برد و گاز و نفخ را تحلیل می‌برد. مسکن دردهای سرو کبد و درد مفاصل و روماتیسم و سیاتیک و درد پشت می‌باشد.

سقراط راسن را برای تحریک فعالیت مغز، کلیه، معده و رحم تجویز می‌کرده است تحقیقات دانشمندان اروپایی نشان می‌دهد در راسن ماده‌ای وجود دارد به نام آلاتنوان که شدیداً برای اخراج انگلها و کرمهای روده‌ای مؤثر است و همچنین معتقدند این گیاه برای کشتن تعدادی از باکتری‌ها و قارچهای بیماری‌زا در روده‌ها مفید می‌باشد.

صور دارویی:

در استعمال خارج، جوشانده ۱۰ تا ۵۰ در هزار ریشه در رفع بیماریهای پوستی اثر می‌نماید به طوری که کمپرس گرم آن سبب تسکین خارش در سودا می‌شود.

دم‌کرده ۱۵ تا ۴۰ در هزار ریشه به مقدار ۳ فنجان در روز قبل از هر غذا جوشانده ۱۰ تا ۳۰ در هزار به علت تلخ بودن کمتر به کار می‌رود.

از گرد ریشه این گیاه به نسبت ۲۰ گرم با ۱۰ گرم پیه خوک نوعی پماد تهیه می‌شود.

### محل رویش:

آذربایجان: افشار، اطراف ارومیه، کوههای سبلان، بانه، جنوب غربی سقز، همدان، حیدره، اراک: گردو، لرستان: اشتران کوه، درود.<sup>۱</sup>

گیاه راسن به نام *inula helenium* در نسخه‌ای درج ۱، ص ۳۲۳، گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری وارد شده است.

سوسن کوهی، زنجبیل شامی، غرسا (فر.) *helenium(y), aunee*<sup>۲</sup>

زنجبیل شامی: گیاهی است *inula helenium(y)* زیبا از تیره مرکبان که ارتفاعش بین ۱/۷۵ تا ۲ متر می‌رسد و غالباً در چمنزارها و نواحی مرطوب بحالت خودرو می‌روید.<sup>۳</sup> راسن را گویند لغتی هندی است و آن را سوسن جبلی و زنجبیل شامی نیز گویند و به عربی قلموج و به یونانی نیسون و قلموس و به سریانی ریه و به مغربی جناح و به فارسی نانران و به هندی عامه راسین گویند و آن بیخی است چوبی، خوشبو، تند، تلخ، یا قوتی رنگ مائل به سبزی است. گویند آن باغی و کوهی است و منظور از آن باغی می‌باشد شیخ آن را سوسن کوهی دانسته است.

در طب قسمت مورد استفاده آن بیخش می‌باشد و در تابستان آن را جمع‌آوری کرده و خشک می‌کنند و دیسقوریدوس گفته است که قوتش تا دو سال باقی می‌ماند راسن در سوم گرم و خشک است و شیخ آن را در دوم گرم و خشک دانسته است و در رطوبت مناسب است. جالینوس گفته: آن نافع جمیع دردهای ناشی از سردی و سستی اعضای بدن می‌باشد. برگ راسن سرد و خشک است و اگر بر موضع ضرب دیده با آرد جو ضماد سازند تسکین درد و تحلیل ورم آن می‌نماید و آن موی را برویاند و سیاه گرداند و ضمادش نافع سستی مفاصل و مقوی آن می‌باشد و چون عصاره برگ را با آب پخته‌اش در گوش چرک‌دار بچکانند منفعت بخشد و مضمضه با آب آن مقوی لثه و دندان و نشستن در آب پخته‌اش نافع خروج مقعد و رحم و سیلان خون می‌باشد پخته برگ

۱- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۲، ص ۱۲۰-۱۲۲.

۲- همان، ص ۱۷۵۲-۱۶۲۳.

۳- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۲، ص ۱۷۵۲-۱۶۲۳.

همانند پخته ریشه در منافع یکی است و آشامیدن آن نافع مایخولیا به اخراج خلط متعفن و نافع توحش عارض از ضعف دهانه معده و دافع غم و اندوه و مفرح قلب است لیسیدن یک درم آن با عسل جهت سرفه کهنه و تنگی نفس نافع و تنقیه سینه از بلغم و رطوبت می کند و به قول رازی آن هاضم غذا و دافع باد و آروغ آور می باشد و پرورده آن در سرکه از گرمیش کم می کند. خوراک راسن نافع سلس البول و تقطیر البول و شب شاشی است و اگر در روغن پخته و بر آلت بمالند هیجان بیه نماید. آن نیز نافع عرق النساء و درد مفاصل است، مقدار خوراکش تا یک و نیم مثقال و مضر گرم مزاجان و استعمال زیادش مفسد خون و محرق منی و مانع شهوت جماع است و دافع ضرر آن سرکه و نیز انار ترش می باشد. بدلش به وزن آن ایرسا یا قسط شیرین است.<sup>۱</sup>

راسن، رومیان آن را ترب شناسند و گویند که گندنای رومی است درد تهیگاه را نیک بود، سدد را بگشاید و خلطهای غلیظ از سینه بیرون می کند.<sup>۲</sup>

راسن، زنجبیل شامی از آغاز بهار تا پاییز می روید و در طبیعت می توان آن را در گودال ها و جنگلهای مرطوب پیدا کرد.

راسن یکی از گیاهانی است که از قدیم به عنوان گیاه شفابخش در ایران، آتن، روم و نقاط دیگر جهان مورد استعمال بوده و برای درمان بیماریهای نظیر برونشیت، سرفه، سیاه سرفه، ذات الریه و بیماریهای قلب به کار رفته است در آلمان از آن شربت تهیه می شود که برخی معتقدند برای درمان طاعون مفید است. راسن معرق بوده و موجب دفع مواد عفونی می گردد و خون را تصفیه می کند. این گیاه محرک اشتها و مقوی معده و مانع تهوع است.

به اندازه نیم مشت ریشه نرم گیاه را در یک لیتر آب دم کرده هر روز دو تا سه فنجان میل شود.<sup>۳</sup>

راسن یا زنجبیل شامی: *elecampane*

۱- محیط اعظم، ج ۲، ص ۴۳؛ تحفه حکیم، ص ۱۱۲۴ قانون در طب، ج ۲، ص ۳۰۵؛ قراپادین کبیر، ص ۲۱۷.

۲- الاینه، ص ۱۶۴. ۳- صدگیاه و هزار درمان، ص ۱۵۵.

گیاهی است زیبا و پایا به ارتفاع تا دو متر، در ریزوم غده‌ای بزرگ، ساقه آن مستبر است که در بخش بالایی منشعب می‌شود و کرکدار است.

برگ‌های قاعده این گیاه که درازای آن به بیش از ۵۰ سانتی متر می‌رسد، بیضوی است و رأس تیزی دارد، در سطح فوقانی تارهای کمی دارد و در سطح زیرین تارهای ریز فراوانی دیده می‌شود.

حاشیه برگ‌ها دندانه‌های ریزی دارد، برگ‌های فوقانی ساقه نیز همین شکل را دارند متنها کوچکترند. کاپیتول بزرگ آن تا ۷ سانتی متر هم می‌رسد، گل‌های زیانه‌ای در یک ردیف‌اند و زیانه باریک و زردی دارند، گل‌های لوله‌ای فراوانند و زمان گل دادن خرداد تا شهریور است.

قسمت مورد استفاده، ریشه و ریزوم خشک شده آن است.

زیستگاه و کشت: بومی ایتالیا و کشورهای بالکان است. این گیاه در آذربایجان، کردستان، اراک و لرستان می‌روید.

این گیاه در چمنزارهای مرطوب و نقاط باتلاقی شمال آسیا در خاور میانه، اروپا و ایران به طور خودرو می‌روید. در ایران در مناطق شمالی غرب و مناطق مرکزی مانند اراک دیده شده است.

مقدار مصرف:

مهمترین خاصیت راسن جلوگیری و مبارزه با کرمها و انگلهای روده‌ای است. عنوان داروی دفع انگل و همچنین برای کاهش فشار خون می‌توان از جوشانده و یا از تنطور آن استفاده نمود. برای تهیه جوشانده ۲-۱ قاشق مرباخوری از گرد خشک ریشه گیاه را در ۳ پیمانه ۶۰۰ گرم آب مدت ۳۰ دقیقه بجوشانید، طعم آن قدری تلخ است و هر بار ۲-۱ قاشق سوپ خوری بزرگ مخلوط با کمی عسل میل شود به طوری که روی هم ۲ پیمانه ۴۰۰ گرم در روز خورده شود.<sup>۱</sup>

## مصرف:

بیشتر به شکل تنطور مصرف می شود، ۲۰-۳۰ قطره را ۳-۴ بار در روز با کمی آب می خورند. بندرت به شکل تیزان ۱-۲ قاشق مرباخوری از گرد نرم ریشه را با ۵/۰ لیتر آب بجوشانید و بگذارید بماند یا به شکل گرد یک نوک چاقو مصرف نمایید. معمولاً برای درمان بی اشتهايي، اختلالات معدي و بیرونشیت مداوم مصرف می شود.<sup>۱</sup>

راسن گرم است و لطیف، اندر درجه دوم. رومیان آن را ترب می شناسند و می گویند که گندنای رومی است. اندامهای سرد را گرم و درد تهیگاه را نیک بود و درد بندگشایها را که از رطوبت باشد و معده های تر را نیک بود و سدد بگشاید و بسیار خوردن از آن خون را به فساد آرد و منی کم می کند و چون روغن بپزند و بر عرق النساء نهند سود می کند و وجع المفاصل را که از سردی باشد ببرد و خلطهای غلیظ از سینه بیرون افکند و اندر این کار تاثیری نیک بکند.<sup>۲</sup>

راسن بر وزن دامن نام درخت بیل گوش است و آن دارویی باشد نافع جمیع آبله ها و دردها، خصوصاً دردهایی که از رطوبت و سردی بود و گزندگی جانوران را سود دارد و آن را قسط شامی و زنجبیل شامی نیز می گویند و غرسا همان است. بیخ آن را اصل الراسن و تخم آن را حب الراسن می خوانند و بعضی می گویند نباتی است که بوی آن به بوی سیر می ماند و بعضی دیگر می گویند علفی است که آن را ترکان قیچی گویند و با ماست می خورند. به لغت رومی راسن را قیعالا می گویند و به سریانی رسنا گویند و بیخ راسن بزرگ می باشد.<sup>۳</sup>

و رنگ آن سیاه می باشد و بوی آن خوش بود و تیز و هریک از بیخ آن، شاخه ها زده است در زمین و به تازی عکرس می گویند و عکرس نوعی است از شوره که به نبات ثیل می ماند.<sup>۴</sup>

۲- الابنیه عن حقایق الادویه، ص ۱۶۴.

۱- گیاهان دارویی، دکتر فلوک، ص ۱۵۶.

۴- فرهنگ داروها و واژه های دشوار.

۳- برهان قاطع، ص ۵۷۸.

راسن گرم و خشک است در درجه دوم، طبیعت را بر دفع اخلاط غلیظ که بر نواحی سینه و قصبات شش بوده معونت می‌کند و بیماری عرق النساء را مفید می‌باشد و درد پیوندها را که از رطوبت بوده سود دارد و هر نوع علت کهنه که از سردی باشد دفع می‌کند.<sup>۱</sup>

به لغت رومی راسن را قیعالا می‌گویند و به سریانی ریسنا گویند و بیخ راسن بزرگ می‌باشد و رنگ آن سیاه باشد و بوی آن خوش بود و تیز و هر یک از بیخ آن، شاخه‌ها زده است در زمین، به لغت سنجری آن را نیو می‌گویند و جالینوس می‌گوید: آن را هیلانیون می‌نامند و محمد زکریا الانیون می‌گوید.

و قراطس می‌گوید: نوعی از نبات باشد در زمین مصر و شاخه‌های این نوع به اندازه یک گز بوده و نبات آن بر روی زمین گسترده می‌باشد.<sup>۲</sup>

### \* راش

فرانسه: hêtre

آلمانی: rothbuche

انگلیسی: buck, beech

قسمت مورد استفاده این درخت، پوست، چوب، میوه و قطران چوب آن است که از آن کرثوزوت استخراج می‌گردد دانه گیاه دارای روغن قابل مصرف، مرکب از تری‌گلیسریدهای پالمیتیک و اولئیک است. مصرف مقدار زیاد دانه آن ممکن است ایجاد مسمومیت بکند.

### خواص درمانی:

پوست درخت راش اثر قابض و تبیر دارد و سابقاً به عنوان اشتها آور مصرف می‌شد. پوست درخت به مقدار ۲۵ تا ۳۰ گرم به عنوان مسهل قوی آور و جهت درمان

رماتیسم، نقرس، استسقاء و بیماریهای پوستی دیر علاج تا سنوات اخیر مصرف داشته است.

چوب راش مانند چوب درختان کاج، بلوط، تبریزی و زیرقون، در تهیه زغال گیاهی به کار می رود. این زغال به حالت خشک قدرت جذب مقدار زیادی از گازهای آزاد مانند  $sh^2, co^2$  و غیره را دارد، به علاوه چون اثر ضد عفونی کننده دارد از تخمیرهای غیر طبیعی جلوگیری به عمل می آورد و از این نظر است که از آن در رفع سوء هضم های ناشی از نفخ التهاب و ورم معده، روده، پیدایش قند در ادرار، اختلالات معدی، کبدی رفع نفخ و جلوگیری از پیدایش گاز در دستگاه هضم، اسهال، تب تیفوئید و در تمام موارد پیدایش تخمیرات در معده یا روده و مواقعی که مدفوع بوی تعفن می گیرد و همچنین برای رعایت بهداشت دهان و تهیه گرد دندان و غیره استفاده به عمل می آید.

از زغال گیاهی به عنوان پادزهر در کلیه مسمومیت ها مخصوصاً مسمومیت از فسفر و قلیائیات می توان استفاده به عمل آورد. در استعمال خارج برای پانسمان اولسرهای متعفن و چرکین و زخمهای ملتهب و چرکین به کار می رود.

کرنوزوت از تقطیر قطران چوب راش پس از چند بار تصفیه به دست می آید و مرکب از کرنوزول مقدار زیادی گایاکول، کوزیلول، فلورول و غیره است.

کرنوزوت افی سینال مایعی است بی رنگ که به سهولت در مجاورت هوا و تحت اثر نور رنگ زرد پیدا می کند. بوی مخصوص و طعم سوزاننده محرق دارد، کرنوزوت خالص و رقیق نشده اگر بر روی پوست بدن اثر داده شود ناراحتی و برافروختگی شدید و در صورت ادامه عمل، سوختگی و کبودی و حتی زخم ایجاد می کند. کرنوزوت در مصارف داخلی فقط در صورتی اثر تحریک کننده بر روی مخاط معده نخواهد داشت.

مصرف مقدار زیاد آن در بعضی اشخاص عوارض عدم تحمل نظیر رخت، سستی، سرگیجه مستانه، کم شدن حرارت بدن، احساس سرما و عرق مفرط ایجاد کرده، ادرار را به رنگ تیره در می آورد و اگر مصرف کرنوزوت ادامه پیدا کند باعث فساد مخاط معده می شود.



از کرئوزوت افی سینال سابقاً به عنوان از بین برنده میکروب در درمان بیماری سل روی استفاده به عمل می آمد. با مصرف کرئوزوت، ترشحات برونش ها تغییر می یابد اشتها تحریک می شود و تغذیه به خوبی صورت می گیرد.

کرئوزوت در استعمال خارج به عنوان ضد عفونی کننده به صورت بخور یا استنشاق پماد جهت رفع یا تزریقات روغنی برای رفع cheloide (نوعی بیماری پوستی) یا به صورت میکستور در دندان پزشکی یا اثر دادن موضعی در بیماریهای رحمی و غیره به کار می رود.

#### مقدار مصرف:

مقادیر درمانی کرئوزوت که با حداکثر مقدار مصرف آن تفاوت زیاد ندارد ۰/۵ گرم در هر دفعه و ۱/۵ گرم در ۲۴ ساعت برای اشخاص بالغ است ولی برای این که مقدار مذکور عوارض ایجاد نکند باید بطور تدریجی و به دفعات ۰/۱ تا ۰/۲۵ گرمی به کار می رود که به صورت حب های ۰/۱ گرمی یا محلولات روغنی یا گلیسرینه، الیکسیرهای یک درصد، الکل یک درصد و در موارد ضروری به صورت تنقیه تا میزان ۴ گرم و یا تزریقات زیر جلدی به صورت محلولهای روغنی و در اشخاص بالغ می تواند مصرف گردد.

در استعمال خارج بیشتر محلولات، ۱۰ درصد آن در آب الکل دار یا گلیسرین دار به صورت استنشاق یا بخور یا پماد و غیره به کار می رود.

کرئوزوت دارای مشتقات زیر می باشد:

کرئوزوتال، کرئوزال، فسفات کرئوزوت.

#### محل رویش:

درخت راش ایران در دامنه های البرز، آستارا، طوالش، دیلمان تا کلاردشت، نور، کجور، ارتفاعات عمارلو، چرمکش، کبوتر خچاک، داماش و ارتفاعات امام زاده ابراهیم

می روید.

درخت راش در نور به چلر، چهلر، در مازنداران به مرس در درخک و طوالش آلاش، الوش در گرگان رود به قزل آخاج در آستارا به قزل گز موسوم است.<sup>۱</sup>  
 راش درخت تنومندی است که در مناطق وسیعی از جنگلهای شمال ایران گسترش دارد و در نواحی مختلف با اسامی مختلفی شناخته می شود.

#### مشخصات:

راش درختی است بسیار بلند، تنه اصلی آن استوانه‌ای راست و بلندی آن تا ۳۵ متر می رسد. پوست تنه آن به رنگ فیلی یا خاکستری مایل به سبز نازک، لیز و صاف است. تاج آن تخم مرغی پرشاخه و برگهای آن ساده بیضی با دندانه‌های ریز در کنار برگهای دارای مژه و تارهای کوچک سفید براق است جوانه‌های راش دراز و نوک تیز است، میوه آن مثلی و به شکل چهار وجهی و نوک تیز است. ریشه درخت راش خیلی وسیع و گسترده و در قسمت بالای خاک مستقر است.

گل‌های آن نر و ماده، گل‌های نر به صورت شاتون قرمز و ارخوانی و آویزان و گل‌های ماده دو به دو در داخل محفظه‌ای قرار گرفته‌اند که در نتیجه دو عدد دانه در هر میوه تشکیل می شود. گلها از اوایل بهار ظاهر می شوند و معمولاً در پاییز می رسد و جنبشی می شود.

درخت راش در ایران در ارتفاعات شمالی البرز از آستارا، دیلمان و طوالش تا کلاردشت، نور، کجور و گرگان دیده می شود.

درخت راش در توده جنگلی پس از سن ۷۰-۸۰ سالگی شروع به میوه دادن می کند ولی در خارج از جنگل در سنین ۴۰-۵۰ سالگی نیز ثمر می دهد.

### ترکیبات شیمیایی:

در دانه‌های راش در حدود ۱۵-۷ درصد روغن ثابت قابل استخراج وجود دارد و در تقالیه باقیمانده آن ماده‌ای به نام فائین یافت می‌شود. ماده فائین سمی است و خوردن آن برای حیوانات خصوصاً اسب ایجاد مسمومیت می‌کند و در انسان نیز اگر دانه راش بیش از حد مجاز خورده شود مسمومیت ایجاد می‌نماید روغن دانه راش دارای طعم مطبوعی است ولی نگهداری آن مشکل است، زیرا خیلی زود اکسیده و فاسد می‌شود.

### خواص و کاربرد راش:

راش از نظر طبیعت طبق نظر حکمای طب سنتی گرم و خشک است و تمام اعضای گیاه شامل پوست، تخم، قطران چوب و زغال چوب آن قابض و از نظر طبیی مورد توجه است. از قطران چوب راش، کرونوزوت گرفته می‌شود و مصرف کرونوزوت یا مصرف ماده حامل آن به نام گایاکول در مصارف خارجی اثر ضد عفونی کننده زخم دارد و در مصارف داخلی نیز به مقدار کم مجاز برای ضد عفونی مجاری تنفس، بخصوص در موارد سل ربوی اثر مفیدی دارد و همچنین برای ضد عفونی و معالجه زخمهای مجاری ادرار به کار می‌رود.

در استعمال داخلی، معمولاً به صورت گربنال گایاکول تجویز می‌شود، زیرا برای خوردن قابل تحمل تر از سایر ترکیبات آن است کرونوزوت در استعمال خارج به عنوان ضد عفونی کننده به صورتهای بخور در موارد استنشاق پماد یا روغن در موارد مختلفه مصرف می‌شود.

در استعمال خارج به صورت محلول ۱۰ درصد در آب الکل دار یا گلیسرین دار برای تهیه بخور یا پماد به کار می‌رود. پوست راش قابض است و اثر تب بر و اشتها آور دارد. زغال چوب راش به عنوان بادشکن، ضد نفخ، و برای مقابله با سوء هاضمه‌های ناشی از نفخ و برای جلوگیری از اسهال و در موارد التهاب و ورم معده و روده و در مواقعی که مدفوع بوی تعفن می‌گیرد و همچنین به عنوان تزیاق و ضد سم در مسمومیت بخصوص

در مسمومیتهای فسفوری و قلیایی استفاده می شود. در استعمال خارجی گرد زغال چوب راش برای پانسمان زخمهای متعفن و چرکین به کار برده می شود.<sup>۱</sup>

درخت راش یکی از بهترین و ارزنده ترین درختان جنگل های شمال ایران است و از سایر درختان جنگلی فراوان تر است و از درختان گروهی است و جامعه های خالص راشستان یا جامعه مختلط با درخت ممرز به وجود می آورد.

درخت راش سایه پسند است و طالب خاکهای هوموس شیرین می باشد چوب راش سخت و سنگین است چوب بیرون آن سفید رنگ و چوب درون آن قهوه ای روشن است و در بین نجارها به نام مرس یا چوب جنگلی مشهور است.<sup>۲</sup>

راش اروپایی: *fagus sylvatica* (f: he tre e, beech) (در بعضی از کتب راش را جزو تیره *fagacees* تقسیم بندی نموده اند).

راش: درخت جنگلی است که میوه آن به مصرف خوراک خوک می رسد، پوست ساقه آن صاف و خاکستری رنگ است و لبه برگها دارای کرکهای ریز پیچ دار است. از میوه یا آرد میوه روغنی استخراج می شود که از تری گلیسیریدهای مختلف اسید الئیک و پالمیک، تشکیل یافته و غالباً به جای روغن زیتون به کار می رود.

گاهی اوقات مصرف کنجاله ای که همراه با پوست دانه است موجب مسمومیت هایی از قبیل دل درد، اختلالات عصبی به صورت تشنج، تحریکات حسی و حرکتی و بالأخره مرگ در نتیجه خفگی شده است.<sup>۳</sup>

### \* رافویه

رافویه یا رافونه بر وزن بابونه را می گویند و باین معنی به جای فا، قاف و به جای تون، تای قرشت هم به نظر آمده است که راقوته می باشد.<sup>۴</sup>

۱- معارف گیاهی، ج ۱۷، ص ۱۳.

۲- جنگل های ایران، دکتر حبیب الله ثابتی، ص ۱۱۱.

۳- گیاهان سمی و تأثیر مسمومیت آنها در حیوانات، ص ۱۱۶.

۴- برهان قاطع، ج ۱، ص ۵۸۰.

## \* راولفیا

گیاهی است هندی به نام *rauwolfia* یا *rauwolfia* که داروی معروفی برای کاهش فشارخون و آرامش از آن گرفته می‌شود.

گیاهی است از خانواده *apocynaceae* دارای گونه‌های مختلفی است که معروفترین آنها عبارتست از:

۱- *rauwolfia serpentina* که در هند، در دامنه‌های هیمالیا و در ایالت مدرس و در شمال و نواحی مرکزی بنگال انتشار دارد. در برخی مناطق امریکا به آن *snakewood* نیز می‌گویند زیرا ساقه و ریشه‌های پیچیده آن شبیه مار است.

۲- *r. canescens* L. و مترادف آن *r. hirsuta* jacq. که همراه با گونه یاد شده تقریباً در همان نقاطی که آن گونه می‌روید در هند انتشار دارد و بیشتر نقاط گرم و مرطوب را ترجیح می‌دهد.

۳- گونه *r. verzeillata* (lour.) bail و مترادف آن *r. chinensis* (hance) hemsl. و در چین زیاد مورد توجه و مصرف است. نام این گیاه به افتخار گیاه شناس آلمانی *leonhard rauwolf* گذارده شده است.

### مشخصات:

راولفیا گیاهی است بوته‌ای شکل با ساقه‌ای راست و بالا رونده به بلندی تا یک متر که ریشه‌های آن پیچیده به هم می‌باشد برگ‌های آن بزرگ به طول ۷-۱۸ و عرض ۲-۶ سانتی متر، بیضی از دو سر باریک به رنگ سبز براق است. گل‌های آن سفید یا سفید مایل به بنفش است میوه آن کوچک به ابعاد ۲-۳ میلی متر تخم مرغی شکل به رنگ سیاه مایل به ارغوانی، این گیاه تابحال در ایران دیده نشده است.

### ترکیبات شیمیایی:

جمع آلکالوئیدهای موجود در ریشه گیاه در حدود ۱/۳ درصد بوده است که شامل آلکالوئیدهای: *ajmaline* اجمالین *ajmaline* اجمالی نین *ajmalinine* اجمالیسین *agmalicine*

راولپین rauuolpine رزرپین reserpine آلکالوئیدهای زردرنگ سرپانتین ser pentine سرپانتی نین serpentinine و بازهای بی شکل در آن مشخص شده است. علاوه بر آلکالوئیدهای فوق در ریشه گیاه اولتورزین oleoresin یک استرول و سرپوسترول serposterol وجود دارد.

### خواص کاربرد:

در هند از ریشه این گیاه در گونه هندی آن به عنوان خواب آور آرام بخش و کاهش دهنده فشار خون و از جوشانده آن در موقع زایمان برای ازدیاد انقباض رحم و تسریع زایمان استفاده می شود.

در چین از ریشه گیاه گونه r.serpentina برای رفع ناراحتی ها و دردهای مربوط به اعضای داخل شکم از قبیل کولیک، اختلالات صفراوی، ویا، اسهال خونی و انگل های معده تجویز می شود و در چین به عنوان داروی آرام بخش تب بر و رفع اختلالات عصبی و حمله و غش های صرع به کار می رود.

آلکالوئیدهای ریشه این گیاه سمی هستند و در صورتی که بیش از حد مجاز مصرف شود احتمال مرگ دارد. آلکالوئیدهای رزرپین reserpine برای کاهش و ریشه این گیاه داروی افزایش نیروی جنسی است به علاوه مقوی و نیروبخش می باشد.

به منظور تقویت قلب و افزایش نیروی جنسی، از آلکالوئید ایبوگائین به صورت ملح کلریدرات آن به مقدار ۱-۳ میلی گرم در روز برای اشخاص بالغ تجویز می شود برای رفع خستگی اعصاب و برطرف کردن عوارض دوران نقاهت نیز مفید است.<sup>۱</sup>

### \* رُب extract

رب آب میوه های (انگور، انار و غیره) جوشانده، عصاره، شیر، جمع رباب،

## ربوب<sup>۱</sup>

رب به ضم اول و تشدید بای موحده در عرف عام میان رب و شربیت تفاوتی نیست لیکن نزد اطباء مراد از آب میوه‌ها یا نبات است که پخته و به قوام آورند و بعضی می‌گویند که آب مذکور بعد از طبخ به یک چهارم تقلیل پیدا می‌کند.

رب اکثر ادویه در نام آنها مسطور است.<sup>۲</sup>

رب (اکستراکت) در طب روز به دو صورت می‌باشد یک نوع به شکل گرد است که ماده دارو یا گیاه را ساییده و صاف کرده گردی که حاصل می‌شود دارای اثر مضاعف می‌باشد، نوع دوم اکستراکت که به صورت رب معمولی است ماده‌ای را آنقدر می‌جوشانند که این محلول غلیظ شود و اکثر گیاهان مانند بلادون و شیرین بیان و رواند و جنطیانا را به همین صورت اکستراکت می‌کنند.

درست کردن اکستراکت با آب می‌باشد که با تنطور فرق دارد و بسیاری از اطباء که رغبتی به استعمال تنطور (محلول الکلی) نیستند یا در آن اشکال شرعی می‌دانند به جای تنطور، اکستراکت استعمال می‌کنند.

رب حماضش اسهال صفراوی و قی را سود دارد و شهوت بجنابند و به رب حماض لیمو نزدیک می‌باشد.<sup>۳</sup>

رب حصرم سرد و خشک است، صفرا بشکنند، تشنگی بنشانند و قی ببرد و طبیعت بیندد و درد کلیه و مثانه را نیک می‌باشد.<sup>۴</sup>

رب تفاح ساده ترش و شیرین اصل صفرا ببرد و طبیعت بیندد و قی صفراوی باز می‌کند.<sup>۵</sup>

رب نارنج که در اثر جوشاندن و غلیظ کردن آب نارنج به دست می‌آید. رب نارنج یک مرهم ضد زخم، ضد انگل و ضد میکروب می‌باشد و در گذشته کچلی را با آن

۱- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۲، ص ۱۶۳۲.

۲- محیط اعظم، ج ۲، ص ۵۰.

۳- الابنیه عن حقایق الادویه، ص ۱۰.

۴- همان، ص ۲۲۶.

۵- همان، ص ۷۶.

معالجه می‌کردند رب نارنج را برای از بین بردن چربی که مقدمه طاسی است استفاده می‌کنند.

آب مرکبات اذزار را زیاد می‌کند و کلیه و مثانه را زهکشی می‌نماید، برای رژیم لاغری اثری بسیار مطمئن و بی‌ضرر است.<sup>۱</sup>

طرز تهیه رب گوجه فرنگی: گوجه فرنگی‌ها را می‌شوئیم و از ماشین یا چرخ گوشت رد می‌کنیم. بعد از گرفتن پوست و تخم آن، آن را در بشقاب‌های کم عمقی می‌ریزیم و زیر آفتاب می‌گذاریم وقتی که رب تقریباً به غلظت ماست شد مقداری نمک در آن می‌ریزیم بعد از غلظت لازم در شیشه‌های گشاد دردار ریخته و در یخچال نگهداری می‌کنیم.<sup>۲</sup>

رب السوس: در ریشه گیاه شیرین بیان ماده قندی و لعابداری وجود دارد که در آب حل می‌شود و خاصیت خلط‌آور و نرم‌کننده سینه دارد. در عفونت‌های گلو و بیماری‌های معدی مصرف می‌شده، جوشانده آن را به طور موضعی در التهاب‌های پوستی، اوزام چشم و گلو و بینی نیز مصرف می‌شود.<sup>۳</sup>

### \* رتم

فرانسه: sarcthamnus scoparius, genetier, sarothamne

انگلیسی: broom

آلمانی: besercisters, besenkleestrauch, besenpfriem

ایتالیایی: emero, ginster

عربی: رتم retem

این درختچه ساقه‌های متورم و منشعب دارد شاخه‌های جوان آن زاویه دار و به رنگ سبز است، برگهای آن در قاعده از ۳ برگچه و یا دو زوج برگچه با یک برگچه انتهایی

۲- هنر خوب زیستن، ص ۵۶

۱- مجموعه طب سنتی و گیاهی، ص ۱۷۵-۱۷۶-۱۷۷

۳- طب النبوی والائمة علیها السلام، ص ۱۸۰، بخش لغت نام دارویی ص ۱۸۱



تشکیل می‌یابد ولی در قسمتهای فوقانی برگها به صورت ساده دیده می‌شود. گلهایش بزرگ و به رنگ زرد طلایی است. مادگی گل آن شامل تخمدانی پوشیده از کرک و منتهی به یک خامه ماریچی شکل است و زیر کلاله کمی پهن می‌گردد. میوه‌اش به صورت نیام و پوشیده از کرکهای بلند است.

گلهای این گیاه یا شاخه گلدار آن را معمولاً در فاصله ماههای اردیبهشت و خرداد می‌چینند و با دقت به صورت قشر نازکی در سایه می‌گسترانند تا تدریجاً خشک شود. با این روش رنگ گلهای بدون آنکه تغییر یابد خشک می‌شود، چون اغلب گیاهان دیگر این تیره مانند *Spartium unguiceum* L. (گل طاوس) به طور تقلب به گلهای گیاه مذکور افزوده می‌شود.

#### ترکیب شیمیایی:

قسمتهای مورد استفاده این گیاه دارای الکلوئیدهای مختلف مانند اسپارتین، ساروتامین، ژنيس، یک هتروزید، یک ماده رزینی، اسانس و یک ماده با اثر تنگ کنندگی مجاری عروق است. مقدار نسبی اسپارتین به تناسب فصول مختلف سال در گیاه تغییر می‌نماید. حداکثر مقدار آن در گیاه در ماه مرداد است به طوری که اگر از مقدار معینی گیاه در دو ماه مرداد و اسفند استخراج الکلوئید به عمل آید، مقدار نسبی آن در ماه اسفند به مراتب کمتر از ماه مرداد خواهد بود.

از گلهای این گیاه ماده دیگری به نام اسکویارید نیز *Stenhouse* به دست آمده، اثر سمی اسکویارید بسیار کم است و به علاوه مدر می‌باشد.

علاوه بر مواد فوق از عصاره کلیه قسمت‌های گیاه، ماده‌ای به نام اوکسی‌نیرامین به دست آمد. تحقیقات بعدی تیره شدن میوه گیاه را مربوط بدان نیست. گلهای این گیاه به طوری که در کتب دارویی بومی منعکس است شکل یک ماده رزینی و یک اسانس متبر می‌باشد.

ساروتامین، الکلوئیدی به فرمول  $C^3H^5N^4$  به وزن ملکولی ۴۷۷/۷۲ است، از

سرشاخه‌های استخراج شده است.

ساروتام به حالت متبلور به دست می‌آید. نقطه ذوب آن در گرمای ۱۷۳-۱۷۴، مقدار نسبی آن در گیاه نسبت به اسپارتین خیلی کمتر است.

ژنیس تین پروتول به فرمول  $C^5H^{10}O^5$  به وزن ۱۷۰/۲۳ است. ژنیس تین ماده غیر گلوسیدی است از ئیدروئیز ژنیس تین و سوفریکوزید حاصل می‌شود و ژنیس باز نیز توسط آن بدست می‌آید.

ژنیس تین علاوه بر گیاه مذکور از گونه‌های مختلف *pranus* و همچنین از گیاهی به نام ازتیره نیز استخراج گردیده است سنتز آن توسط *rbeinson, buker* انجام گرفت، ژنیس تین به صورت بلورهای مستطیل شکل یا میله‌های شش‌گوش، در الکل ۶۰ درجه ولی به شکل بلورهای سوزنی شکل و شاخه و برگ‌دار (دندریت‌دار) به دست می‌آید.

در آب غیر محلول ولی در قلیائیات رقیق می‌گردد و محلولی زرد رنگ ایجاد می‌نماید تری استات آن به فرمول  $C^5H^7O^5CH^2CO$  و به صورت بلورهای سوزنی شکل مجتمع در الکل بدست می‌آید و در گرمای ۲۰۲-۲۰۰ درجه ذوب می‌شود.

از حلال‌های مواد آلی حل می‌گردد ولی در قلیائیات غیر محلول می‌باشد.

اسکول پارین به فرمول  $C^{12}H^{22}O^{11}$  و به وزن ملکولی ۴۶۲/۴۰ می‌باشد.

از برگ گیاه مذکور توسط *stenhouseide* بدست آمده است. اسکوپارین به صورت بلورهای سوزنی شکل در متانول ۸۰ درجه بدست می‌آید. در گرمای ۲۵۳ درجه ذوب می‌شود و در آب سرد، اتر، کلروفرم و بنزین غیر محلول است، ولی در آب خیلی گرم، اتانول، متانول، اسیداستیک، استات اتیل، استس و پیریدین محلول می‌باشد.

فراورده‌های گلها این گیاه به علت دارا بودن رزین و اسکوپارین اثر مدزّی و مسهلی دارند از این جهت در موارد آب آوردن رماتیسم مزمن و همچنین در نقرس از آنها استفاده به عمل می‌آید. در مصارف درمانی بیشتر، الکالوئید مؤثر آن اسپارتین است و به صورت ملح سولفات به کار می‌رود.

## مشخصات:

درختچه‌ای به ارتفاع ۲ تا ۵ متر دارای شاخه‌های متعدد به رنگ سبز مایل به آبی است. از خصوصیات آن این است که از نظر کلی به علت دارا بودن برگهای بسیار کم عاری از آن به نظر می‌رسد. گل‌های درشت و به رنگ زرد طلایی و معطر آن به صورت خوشه‌های بسیار کم دارد.

ساقه‌های متعدد و سبز رنگ آن عمل کربن‌گیری را به علت فقدان برگ کافی در گیاه به عهده دارند. میوه‌اش نیام به طول ۶ تا ۸ سانتی‌متر و به پهنای ۵ تا ۶ میلی‌متر است. گل‌های درشت آن طبق بررسی‌های *g. bonnier* دارای نوش فراوان است و زنبور عسل علاقه زیاد بدان دارد ولی دیگران در مورد آن و گیاه قبلی خلاف این عقیده را دارند مسمومیت آن در مواردی که گل‌های طاووس به جای گیاه قبلی مورد استفاده قرار گرفته باشد پیش می‌آید.

## خواص:

گل آن مقدار کمی اثر مدری و مسهلی دارد. دانه آن همین اثرات درمانی را داراست ولی مصرف آن خطرناک است.

دم‌کردهٔ ۸ در هزار گل آن اگر به مقدار یک قاشق در هر دفعه و به دفعات در روز مصرف گردد اثر مدری ظاهر می‌کند. مصرف این دم‌کرده در صبح ناشتا اثر مسهلی نیز دارد. با توجه به اثر سمی اعضای مختلف این گیاه استفاده از آن یا آن که در زمانهای قدیم کم و بیش معمول بوده امروزه متروک گردیده است.

محل رویش: این گیاه در نواحی مختلف ایران پرورش می‌یابد.

## تعریف:

در کتب طب سنتی به چند گیاه رتم گفته می‌شود که از خانوادهٔ *leguminaseae* تیرهٔ *papilionaceae* هستند. به‌طور کلی به فرانسوی *cenet* نامیده می‌شوند.

چند گونه از آنها که در زیر شرح داده می شود در طب سنتی مصرف دارویی دارند.  
 گونه ۱. *genistatinctoria* و مترادفهای آن.  
 از نظر ترکیب شیمیایی در گیاه علاوه بر تانن لعاب و یک ماده تلخ در برگ و تخم آن،  
 در گلهای آن وجود دو ماده رنگی به نامهای لوتولین و ژنیستین گزارش شده است و در  
 تخم آن ماده سمی به نام سیتی زین وجود دارد.<sup>۱</sup>  
 از گلهای این گیاه رنگ زردی می گیرند که با رنگ آبی به نام woad مخلوط کرده و  
 رنگ سبز ثابتی برای رنگرزی به دست می آید.  
 گیاه رتم سفید از نظر طبیعت خیلی گرم و خشک است و در مورد خواص آن معتقدند  
 که قابض، ملین و مسهل و قی آور و مدر است.  
 اگر هفت عدد از دانه آن روزانه تا سه روز پی در پی خورده شود مسهل است و مانع  
 بروز دمل می شود و ضد کرم است و برای اخراج جنین مرده و یا سقط جنین زنده و  
 اخراج ترشح بول و ادرار بسیار مؤثر است. چون تخم آن شدیداً سمی است در خوردن  
 آن باید احتیاط کرد و در صورت ضرورت با تجویز و زیر نظر پزشک خورده شود.<sup>۱</sup>

### \* رته

در علاج و اسهال شدید مفید و خوردن دو درهم از آن معده سرد را سرحال می آورد  
 خوردنش درد زهدان را دوا کند، فرزجه از محلولش بردارد، حیض را ریزش دهد، بچه  
 را بیرون آورد، اگر افشوره اش را خورند علاوه بر راه انداختن حیض و بیرون آوردن بچه،  
 مراره سودایی و بلغم و مواد آبکی و صفرا را بدون هیچ فشار بکلی از بدن بیرون ریزد و  
 تا حدی است که برص و براقان و لکه های سیاه پوست و غیره را نیز شفا دهد و قولنج را  
 تحلیل می برد. نسخه دارویش برای اسهال این است: از این دارو که مجموعاً هجده  
 قیراط می شود با شربت شیرین یا سکنجبین تناول شود یا با کرفس و تخم زردک بیابانی  
 بخورند و اگر در مقابل هر یک (درخمی) از این سه (اونولوس) سقمونیا بیارند و با آن

مخلوط کنند و بخورند اثر اسهال بیشتر گردد.

دو درهم از این دارو را بکوبند و در شربت شیرین یا سکنجبین بریزند و مدتی بگذارند و بعداً آن شربت یا آن سکنجبین را با عدس یا جو و همراه گوشت مرغ خانگی بپزند و کمی سقمونیا به آن بیامیزند و از آن آبگوشت بخورند. در علاج تبها و بویژه تب ربع سه اندر میان مفید است، پادزهر نیش کژدم و رتیل می باشد.<sup>۱</sup>

اگر ورم باشد و یا سرکه بر خنازیر بمالند مفید بوده و داروی گری و خارش است، باد آزار دهنده مفاصل پشت را از بین می برد، دهن کجان به بینی کشند بسیار سود بینند و در علاج سردرد و سردرد نصفی و بیهوشی و گیجی و صرع و دیوانگی و مالیخولیا سودمند است بر دهن کج شده ای آزمایش کردند سه روز به بینی کشید بلغمی بسیار بیرون داد و آب از بینی سرازیر شده و در روز سوم بیماری نماند، باید کج دهنان که این را به کار بیندند در خانه تاریک بنشینند و بیرون نیایند و باید خام این گیاه را به کار ببرند.

افشرداش و بویژه افشرده قسم کوچکش را در چشم کشند در علاج آب چشم مفید است. اگر با آب مرزنگوش به بینی کشند چشم در سبل و تیرگی چشم را علاج کند با سرمه به چشم کشند برای لوچ خوب است. دو درهم از آن را در شربت بریزند و بخورند در معالجه ذات‌الجنب سرد، برنشیت، سرفه مزمن و خون برآوردن مفید است، زیرا نوعی گیرندگی دارد. در علاج قی و اسهال شدید مفید می باشد.<sup>۲</sup>

رته را حرض صینی می خوانند و آن چند آلوی کوچک استخوانی می باشد. کوچک و گرد و سیاه رنگ که از زمین صین می آورند بیماریهای سرد را سود می کند، زهرها را منفعت دهد و او گرم و خشک در درجه دوم.<sup>۳</sup>

رته را بندق هندی گویند. رته میوه ای است به اندازه فندق و جرم آن نرم و مغز او هموار باشد و در میان آن آواز دهد و چون جرم آن شکافته شود مغز آن سپید بیرون آید

۱- قانون در طب، ۳۰۳. ۲- قانون در طب، ۳۰۳.

۳- روضة الانس و منفعة النفس، ص ۱۶۷.

و در رنگ به نارجیل ماند و پوست آن به پوست فندق می ماند. گرم و خشک است به طبع و مضرت نیش عقرب را سود می کند چون با «نبید» شربت کنند و بخورند و بی «نبید» هیچ نافع نباشد و اگر در بینی بریزند لقوه را منفعت می کند.<sup>۱</sup>

## \* رجل الاسد

### اصطلاحات:

گیاهی است که در کتب فارسی با نامهای پای شیر و رجل الأسد آمده است که شاید ترجمه ای از اسامی خارجی آن باشد.

به فرانسوی: *alchemille*

به انگلیسی: *lions foot*

گیاهی است از خانواده: *rosaceae*

نام علمی آن: *alchemilla vulgaris L*

### مشخصات:

گیاهی است کوتاه به بلندی ۲۰-۳۰ سانتی متر چند ساله و علفی، قسمت ساقه زیرزمینی آن نسبتاً ضخیم و به رنگ قهوه ای است. برگهای پنجه ای مدور که دارای ۱۱-۷ قسمت است.

این گیاه در اروپا بخصوص در فرانسه در ارتفاعات کوهستانهای پوشیده از چمن و جنگل می روید و خیلی مورد توجه مردم است، در مناطق مختلف آسیا نیز می روید. در مورد وجود آن در ایران عده ای می گویند در منطقه اطراف تهران و قسمت شمالی تجریش می روید.

### ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی گیاه دارای مقدار زیادی تانن است. به همین دلیل برای تقویت معده و در موارد خونریزی برای بند آوردن خون مفید است. به علاوه وجود الاجیک اسید، لوتیک اسید، پالمیتیک اسید و یک ماده تلخ در آن تأیید شده است.

### خواص کاربرد:

قسمت مورد استفاده دارویی این گیاه بیشتر ریشه آن است که برای تقویت معده و بند آوردن خونریزی به کار می رود.

گونه دیگری از همان خانواده با نام رجل الأسد صغیر آمده است که گیاهی است خیلی کوچک و بلندی آن حدود چند سانتی متر، برگهای آن شبیه گونه قبلی و کوچکتر است.

از نظر ترکیبات شیمیایی مقدار تانن آن بیشتر است. خواص آن شبیه گونه قبلی است ولی در بند آوردن خون اثر بیشتری دارد. در قطع خونریزی بین دو عادت ماهیانه مؤثر است. ضمناً مدر، ضد عفونی کننده و نوع مصرف و مقدار خوراک آن مشابه گونه قبلی است.<sup>۱</sup>

## \* رجل الجراد

### اصطلاحات:

در کتب طب سنتی با نامهای زرنب، رجل الجراد، شجرة الفشاع آمده است. در ایران با نامهای محلی از جمله در مازندران و گرگان: سرخدار و سخدار در کتول گرگان، سوختال در رودسر و آستارا: سیردار و در ارسباران: جیوا می نامند.

به فرانسوی: Ifcommun

به انگلیسی: commun

درختی است از خانواده: taxaceae

## مشخصات:

سرخدار درختی است دو پایه از سوزنی برگان که رشد آن بسیار کم است و طول عمر آن بسیار زیاد، معروف است که تا ۲۰۰۰ سال عمر می‌کند، ارتفاع آن بندرت از ۲۰ متر تجاوز می‌کند ولی قطر آن تا ۳ متر نیز دیده شده است. برگهایش باریک و دراز نوک تیز که روی آن به رنگ تیره و براق و زیر برگ سبز روشن می‌باشد پوست تنه درخت فلسی و قرمز رنگ است و به همین علت آن را سرخدار می‌گویند.

سرخدار بومی اروپا و شمال افریقا است و در اغلب جنگلهای شمال ایران از آستارا تا گرگان در کنول زیارت، رامیان، د...های امامزاده ابراهیم در گیلان دیده می‌شود.

## ترکیبات شیمیایی:

درخت دارای الکلوئید تاکسین می‌باشد که ماده عامل سمی و تلخ گیاه است و در تمام قسمت‌های درخت وجود دارد مقدار الکلوئید گیاه به حداکثر می‌رسد، الکلوئید تاکسین یک سم شدید قلبی است. مقدار دوز مهلک تاکسین که داخل ورید تزریق می‌شود برای خرگوش بین ۲-۳ میلی گرم برای هر یک کیلو وزن دام است که موجب ضعف و سرکوب شدن قلب و دستگاه تنفسی می‌شود.

## خواص و کاربرد:

برای صاف کردن صدا، تسکین سرفه، تنگی نفس، سکسکه، تقویت هاضمه، افزایش اشتها، تحلیل باد و نفخ، گاز و بند آوردن اسهال، رفع کمی ترشح ادرار و سردی مثانه نافع است. مقدار خوراک از برگ آن  $\frac{1}{3}$  - ۵ سانتی گرم است، جانشین آن از نظر خواص چند برابر وزن آن دارچین و هل است.<sup>۱</sup>

رجل الجراد سرخدار: کار باقلی یمنی را می‌کند، نفس: در علاج سل مفید است. تبه: پخته شده‌اش در علاج تب ربع و تب فراگیرنده مطبوقه و تب طریطاوس کار سرمک را می‌کند و بسیار سودمند است.<sup>۲</sup>



درختی است کوچک پرشاخه و به ارتفاع ۵ تا ۱۵ متر است. برگهایی باریک و دراز به رنگ سبز تیره و شفاف در سطح فوقانی پهنک ولی به رنگ سبز روشن در سطح تحتانی پهنک دارد. طول برگهای آن به ۲ تا ۳ سانتی متر و عرض آنها به ۲ تا ۳ میلی متر می رسد. از مشخصات همیشه به نظر می رسند گل‌های این درخت عاری از کاسه و جام و به دو صورت نر و ماده واقع بر روی دو پایه جداگانه اند. گل نر آن ۴ تا ۱۲ پرچم فشرده و گل ماده آن شبیه یک جوانه کوچک است، منحصرأ یک تخمک برهنه واقع در درون محفظه‌ای به صورت پیاله دارد که تدریجاً گوشتدار و قرمز رنگ شده منظره یک میوه را که در قسمت انتهایی باز است پیدا می کند. چوب، پوست، شاخه‌ها، دانه و برگ آن سمی اند ولی میوه عاری از دانه آن سمیت ندارد. این درخت در منطقه مدیترانه آسیا و ایران به صورت وحشی می روید.

میوه عاری از دانه گیاه اثر نرم کننده، رفع سرفه و ملین دارد. شربت و ژاله مخصوص آن جهت رفع سرفه‌های مزمن، سیاه سرفه و حتی دفع سنگ کلیه و رفع نزله، به بیماران می دهند شیره آن به مقدار ۲۰ تا ۲۵ گرم اثر مدری و به طور ملایم ملینی دارد، برگ دم کرده آن جهت رفع بیماری قند استعمال می گردد. مصرف فرآورده‌های آن جهت رفع روماتیسم، زردی، باز شدن قاعدگی (زمان حیض) نر می استخوان، اسکوربوت، صرع و دیفتری توصیه می گردد، مصرف آن برگی ۰/۵ تا ۰/۳۰ گرم ذکر شده است.

محل رویش:

جنگلها و نواحی شمال ایران گرگان: تربت، کتول، ریاط قزاق، زیارت، رامیان، گیلان: دامنه‌های مقابل امامزاده ابراهیم (عبدالعلی غائب)، مازندران: دره هراز، مغرب عمارت در ارتفاعات ۱۴۰۰ متری، مازندران و گرگان به سرخدار و سخدار، در کتول به سوختال و درخت سر و در آستارا به سیه‌دار موسوم است.<sup>۱</sup>

مشخصات:

نوعی است از انواع ثره‌ها و بعضی رجل الجراد زرنباد را می گویند و به بقله الیمانیه

می ماند همچنین در تپها مفید است و نبات او به سرخی مایل باشد و برگ او به برگ زردآلو می ماند و مابینت میان او و بستان افروز آنست که نبات در بستان افروز سرخ باشد و نبات منج سبز و تخم هر دو به یکدیگر می ماند. ساقه و شاخه او سرخ بوده و ساقه و اطراف او درازتر می باشد و بعضی این نوع را منج نر گفته و آن دیگر را ماده می گویند.

**خواص:**

خاصیت او سردتر است در درجه دوم و سرفه را که از حرارت بود سود می کند و تشنگی را که از صفرا باشد بنشانند. گرم و خشک است در درجه دوم، دل و معده را قوت دهد و طعام را هضم کند و سده دماغ را بگشاید و خفقان را سردمند است و هر علتی که دل را حادث شود و ماده او سردی باشد منفعت می کند و بیماریهای سودایی و بلغمی را نافع می باشد و داروی منفعت و قوت مفرح است در علاج سل مفید است. پخته شده اش در علاج تب ربع و تب فراگیرنده مطبوقه و تب طریطاروس کار سرمک را می کند و بسیار مفید می باشد.<sup>۱</sup> زرنب<sup>۲</sup> گرم و خشک است در درجه دوم. لطیف و خوشبو است، طبیعت ببندد، بادها براند، نفخ بنشانند، معده و جگر سرد را نیک می باشد.<sup>۳</sup>

## \* رجل الحمام

فارسی: شاه پسند و حشی.

عربی: رعی الحمام، رجل الحمام.

گیاهی است علفی پایا و دارای ساقه چهارگوش و زاویه دار به ارتفاع ۳۰ تا ۸۰ سانتی متر که به حالت خودرو در کنار جاده ها، دشتها و مزارع نواحی مرکزی و جنوبی اروپا و آسیا می روید. قسمت مورد استفاده این گیاه برگ یا کلیه اندامهای آن است، طعم آن گس، تلخ و بوی آن در صورت مالش دادن معطر و کاملاً محسوس است.

۱- الصیدنه، قسمت اول و دوم، ص ۳۰۲؛ قانون در طب، ص ۲۸۲.

۲- بر وزن مذهب: گیاهی است خوشبوی که به عربی رجل الجواد گویند.

۳- الالبیه عن حقایق الادویه، ص ۱۷۶.

### ترکیبات شیمیایی:

در اعضای این گیاه موادی نظیر تانن، موسیلاژ، ساپونین‌ها یک ماده تلخ، انورتین، امولسین و یک گلوکزید غیر سمی به نام ورینالین یا ورینالوزید یافت می‌شود.

### خواص درمانی:

اعضای مختلف این گیاه به علت دارا بودن تانن اثر قابض دارد و چون به‌طور خفیف مقوی، ضد تشنج و تب بر است از این جهت سابقاً از آن در درمان بیماریهای مختلف استفاده به عمل آمده است.

از عصاره آبی این گیاه اثرات مفیدی در معالجه برخی اشکال خفیف دردهای عصبی مربوط به عصب تری ژومو به دست می‌آید.

### صور دارویی:

دم‌کرده<sup>۱</sup> ۳ تا ۴ گرم گیاه بر حسب هر فنجان و ۳ مرتبه در روز، جوشانده<sup>۲</sup> ۴۰ تا ۵۰ گرم گیاه در یک لیتر آب یا شیر در (استعمال خارج).

### محل رویش:

این گیاه در منطقه وسیعی از نواحی شمال، مخصوصاً در اماکن مرطوب سواحل دریای خزر و حاشیه جنگلها می‌روید. در نواحی مختلف البرز اطراف تهران، کرج، قزوین، گیلان، بین رشت و لوشان، آستارا، لاهیجان، گرگان، بندرگز، فارس: شیراز، پرسپولیس، کرمان: جیرفت، خراسان: بین شیروان و بجنورد و بین مشهد و سلطان‌آباد سبزوار، کاشان: قمصر، آذربایجان: ارومیه، کردستان: شمال سنندج در ارتفاعات ۲۰۰۰ متری.<sup>۱</sup>

## \* رجل الحمامه

اصطلاحات:

در کتب طب سنتی با نامهای ابوخلسا، شنکار، شنجار، حناء الفول، خس الحمار، رجل الحمامه و شجرة الدم آمده است.

به فرانسوی: orcanette.

به انگلیسی: orchanet

گیاهی از خانواده گاوزبان: boraginaceae

نام علمی آن: *alkannatinctoria tausch*.

مشخصات:

گیاهی است چند ساله کوچک پوشیده از تارهای زیر. برگهای آن متناوب شبیه برگ کاهو بدون دمبرگ کوچک خشن به رنگ خاکستری تیره مایل به سیاه، گل‌های آن آبی و بندرت قرمز ارغوانی و سفید است در ایران این گونه تا به حال دیده نشده است.

ترکیبات شیمیایی:

در ریشه ابوخلسا ماده عامل رنگی به نام الکانین یا آنخوزین وجود دارد.

خواص و کاربرد:

ابوخلسا از نظر طبیعت طبق آرای حکمای طب سنتی گرم و خشک است و از نظر خواص معتقدند که ریشه آن محلل اخلاط تلخ است و اسهال را بند می‌آورد و قاعده آور است اگر عصاره یا پخته آن با سرکه رقیق خورده شود برای تسکین درد طحال کبد نقرس و کلیه و همچنین برای خوردن سنگ مثانه یرقان و تب‌های کهنه مفید است مالیدن آن با سرکه برای تحلیل خنازیر با روغن گل برای سوختگی آتش جراحتهای و ترک خوردن پوست و با آرد جو برای باد سرخ نافع است خوردن برگ آن با سرکه رقیق برای بند آوردن اسهال مفید می‌باشد ابوخلسا بخصوص در گرم مزاجان سردرد می‌آورد.

ریشه گیاه ابوخلسا معمولاً از چین به سایر کشورها صادر می‌شود، در چین از آن به عنوان معرق و محلل و برای فروکش کردن تاولهای آبله مصرف می‌شود.<sup>۱</sup>  
شنکار<sup>۲</sup> در درجه اول گرم و خشک است. خنازیر بگشاید، چون با پیه و روغن بکوبی و بر آن نهی و نیز همه ریشهای کهن را بسوزاند و چون با سرکه بر بهق طلاکتی منفعت کند و کهریا را بدورنگ دهند و آن را به پارسی چوب<sup>۳</sup> خو<sup>۴</sup> می‌گویند.<sup>۲</sup>

## \* رجل الذئب

اصطلاحات:

در کتب طب سنتی با نام رجل الذئب و در برخی کتب پای گرگ نوشته می‌شود.

به فرانسوی: lycophe

به انگلیسی: club\_moss

گیاهی است از دسته گیاهان نهانزاد و آونددار pteridophytes

نام علمی آن I. lacopdium clavatum

مشخصات:

پای گرگی‌ها از دسته گیاهان بی گل ولی دارای ریشه و ساقه و برگ هستند. تکثیر آنها مانند سرخسها از طریق هاگ یا اسپر انجام می‌شود. پای گرگ گیاهی است چند ساله به حالت خزننده و قائم، بلندی آن به ۵۰ سانتی متر می‌رسد. این گیاه در جنگلهای مرطوب و اغلب مناطق مناسب اروپا امریکای شمالی و آسیا و افریقا انتشار دارد و معمولاً در مناطق معتدله می‌روید.

طبق نظر گیاه‌شناسان به نظر می‌رسد که در ایران وجود داشته باشد.

۱- معارف گیاهی، ج ۷، ص ۲۸۵.

۲- بفتح اول معربش شنجار در لغت می‌نویسد نوع از سرخ مرز و سفی که به عربی شجرة الدم گویند و در مخزن است که عربی ابوخلساء و خناء الفول و خس الحمار و رجل الحمامه است و به فارسی هوجویه نیز گویند.

۳- ظاهراً صورتی از هوجویه است که می‌نویسند نامی از شنگار است.

۴- الابیه عن حقایق الادویه، ص ۲۰۶.

ترکیبات شیمیایی:

از گیاه پای گرگ هیمالیا که مورد بررسی قرار گرفته سه آلکالوئید به نامهای لیکوپودین، کلاواتین و کلاواتوکسین جدا شده است.

خواص و کاربرد:

گرد هاگهای گیاه لیکوپود مهمترین قسمت آن است که به عنوان دارو مصرف می شود و چون خاصیت جذب رطوبت دارد در داروسازی برای اینکه قرصها و حبها به هم نچسبند از این گرد استفاده می کنند. از جوشانده قسمت فوقانی ساقه که حامل هاگدانها می باشد به عنوان مقوی و تونیک و به عنوان بی حس کننده و برای کاهش درد مفاصل، درد پشت و کمر مصرف شده و به صورت کمپرس برای شستن عضو دردناک استفاده می شود.

جوشانده گیاه به عنوان مدره ضد اسپاسم، ضد احتلام شبانه و منظم کننده عادت ماهیانه استفاده می شود. <sup>۱</sup> m.p.e.se.a

تعریف:

عربی: مسکنه، رجل الذئب، کبریت نباتی.

فارسی: پای گرگ.

گیاهی پایا و دارای ساقه طویل به دو صورت خزننده و راست به رنگ سبز روشن است ساقه خوابیده آن از برگهای ریز که در دو ردیف ظاهر می شوند پوشیده می باشد و بر روی آن ساقه های راست که حامل تعداد کمی از برگهای کوچک اند پدید می آیند.

قسمت مورد استفاده این گیاه هاگهای آن است که پس از پاره شدن جدار نازک هاگدانها، از درون آنها خارج می شوند. به علاوه ساقه خالی از سنبله های هاگزای نیز به مصارف درمانی می رسد این گیاه در جنگلها و نواحی مساعد غالب نقاط اروپا، آسیا، امریکای شمالی و افریقای جنوبی می روید و به نظر می رسد که در ایران نیز وجود داشته باشد.

### ترکیبات شیمیایی:

گرد لیکوپود که در واقع هاگهای گیاه است دارای ۴۷ تا ۵۰ درصد ماده روغنی با بوی مطبوع و طعم ملایم طعم آن تدریجاً تند و تلخ می شود همراه با کمی موم، قند، موسیلاژ، رزین، اسیدسیتریک مالیک و نشاسته است. در آن به مقدار بسیار جزئی از یک نوع الکالوئید به نام لیکوپودین پیدا شده که طبق عقیده دیگران مشکوک ذکر گردیده است. خواص درمانی:

کلیه قسمت‌های گیاه عاری از سنبه‌ها، خاصیت ملین، بادشکن، مدر و ضد احتقان دارد. به علاوه دارای اثر اختصاصی بر روی کبد و دستگاه دفع ادرار است. با مصرف لیکوپود می توان به طور قاطع عدم دفع ادرار را که با تشنج همراه باشد رفع کرد، به علاوه نزله مثانه را در بزرگسالان معالجه نمود. در استعمال خارج جوشانده گیاه برای رفع انقباضات دردناک و غیر ازادی ماهیچه‌ها، رماتیسم و غیره به کار می رود.<sup>۱</sup>

## \* رجل الراعی

### اصطلاحات:

در کتب طب سنتی با نامهای خریق اسود و رجل الراعی و به فارسی خریق سیاه نامبرده می شود ریشه گیاهی که گیاه آن ورد المیلاد و ورد الشتاء نامیده می شود.

به فرانسوی: rose de noel

به انگلیسی: black hellebore

گیاهی است از خانواده ranunculaceae

نام علمی آن: helleborus niger

### مشخصات:

گیاهی است علفی چند سباله کوتاه، بلندی آن معمولاً در حدود یک وجب است و

بندرت به یک متر می‌رسد شاخه‌های آن سبز مایل به بنفش و برگهای بزرگ دائمی، سبز رنگ، بیضوی دندانه‌دار و نوک تیز است. گل آن منفرد درست به رنگ صورتی در انتهای ساقه گل دهنده، در فاصله ماههای آخر زمستان ظاهر می‌شود و ریشه آن ضخیم است. خربقها در ایران تا به حال دیده نشده‌اند. موطن اصلی آنها در مناطق مختلف اروپا در ایتالیا، سوئیس، فرانسه در نواحی سایه‌دار سنگلاخ می‌باشد.

### ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی در گیاه خربق سیاه گلوکوزیدهای هلیبورین و هلیبورئین مشخص شده است. قسمت زیرزمینی گیاه دارای گلوکوزید هم‌طراز کونوالاتوکسین می‌باشد. دوز کشنده آن برای گربه‌ها ۰/۱ میلی‌گرم برای هر کیلوگرم وزن گربه است.

### خواص و کاربرد:

از داروهای تقویت قلبی است، برای بیماریهای پوست و در موارد فلج ناگهانی ناشی از خونریزی مغزی تجویز می‌شود. طبیعت ساقه زیرزمینی خربق سیاه خیلی گرم و خشک است و از نظر خواص آن معتقدند که مسهل قوی سودا و بلغم و صفرای آمیخته با بلغم است و رافع رطوبت می‌باشد و برای استسقاء و بیماری‌های سرد بسیار مفید است، نزول آب در چشم را بند می‌آورد و برای پاک کردن سینه و آلات داخل شکم مثانه و رحم نافع است، برای کلیه مضر است و از این نظر باید با کتیرا، پونه و مصطکی خورده شود.

مقدار خوراکی: ۱-۲ گرم، خوردن حدود ۱۰ گرم آن مهلک است به علت سمی بودن گیاه مصرف آن باید زیر نظر پزشک انجام گیرد.<sup>۱</sup>



### \* رجل الغراب

رجل الغراب قازیاغی: اگر بیخ این گیاه را بپزند علاج اسهال همیشگی است. پولس و غیره می‌گویند: در علاج قولنج خوب است و کار سورنجان را انجام می‌دهد و زیانی نمی‌رساند.<sup>۱</sup>

### \* رجل القط دوپایه

در کتب فارسی با نام رجل القط دوپایه آمده است و گل‌های گیاه در بازار به نام پنجه گربه و پای گربه عرضه می‌شود.

به فرانسوی: gnaphale, herbe blanche, pied de chat, antennaire

به انگلیسی: purple moun tain cottondeed, cats foot

خانواده compositae و نام علمی آن *antennaria dioica (L.) gaertn* است

نوعی از این گیاه که در گل‌کاری به عنوان گیاه زینتی پرورش داده می‌شود به فرانسوی

*immortelle blanche* نامیده می‌شود.

#### مشخصات:

گیاهی است چند ساله خیلی کوچک به بلندی ۵ - ۲۰ سانتی متر پوشیده از کرک‌های پنبه‌ای سفید به طوری که از دور گیاه سفید به نظر می‌رسد برگ‌های کوچک بدون دم‌برگ ساقه را در آغوش گرفته و تقریباً به شکل برگچه یا فلس‌های درشتی در اطراف ساقه پوشیده از کرک می‌باشد.

گل دوپایه است که در بهار در انتهای ساقه گل‌دهنده ظاهر می‌شود. پایه نر به رنگ سفید یا صورتی (رجل القط سفید) و در پایه‌های ماده به رنگ قرمز مایل به قهوه‌ای یا ارغوانی است. (رجل القط ازغوانی) در پایه‌های نر مادگی در گل رشد نکرده و عقیم

است ولی در پایه‌های ماده مادگی گلها شامل یک تخمک است که رشد می‌کند و پس از رسیدن به دانه تبدیل می‌شود. میوه آن استوانه‌ای شکل کوچک که در رأس آن یک دسته تار به شکل کاکل قرار دارد.

این گیاه در بالای کوهها و در چمنزارهای ارتفاعات و دامنه‌های آفتاب‌گیر در اروپا و آسیا و در سبیری در ارمنستان و قفقاز و در برخی مناطق کوهستانی امریکای شمالی می‌روید در ایران تا به حال دیده نشده است.

### ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی در طبق گل‌های گیاه که مستعمل در طب سنتی است مقداری لعاب تانن و کمی اسانس و... وجود دارد، پایه‌های ماده عطر بیشتری دارد و از نظر دارویی نیز ترجیح داده‌اند در سرشاخه‌های گلدار گیاه نوعی آلکالوئید مشخص شده است.

### خواص کاربرد:

گل‌های این گیاه از داروهای وارداتی است که در بازار ایران عرضه می‌شود به علت لعابی که دارد نرم کننده است و تب‌بر می‌باشد، ترشح صفرا را زیاد می‌کند دم‌کرده ۲۰ گرم خشک در ۱۰۰۰ گرم آب جوش یا جوشانده مقدار بیشتری گل در ۱۰۰۰ گرم آب برای تسکین سرفه افزایش ترشح صفرا در مورد بیماری‌ها و دستگاه صفرا و رفع یرقان و نرم کردن سینه مفید است. در بیماری‌های سینه معمولاً مخلوطی از گل بنفشه، گل خطمی، گل پنیرک، گل شقایق، گل رجل القبط *a.dioica* پای خر *tussilagofarfara* و بوسیر *verbascum thapsus* به نسبت مساوی مخلوط کرده و دم‌کرده ۵ گرم از این مخلوط در ۱۰۰۰ گرم آب جوش برای بیماری‌های سینه به عنوان خلط‌آور قوی تجویز می‌شود.<sup>۱</sup>

### \* رجل القط

گیاهی است پایا به ارتفاع ۵ تا ۲۵ سانتی متر و پوشیده از کرکهای پنبه‌ای با ظاهر سفید رنگ که به حالت وحشی در دشتهای خشک، جنگلهای غیر انبوه، تپه‌های شنی و دامنه‌های آفتابگیر، کوهستانها، غالب نواحی اروپا و آسیا مانند سبیری، ارمنستان قفقاز و همچنین رشته کوههای رشوز و برخی نواحی امریکای شمالی می‌روید به علاوه پرورش نیز می‌یابد. قسمت مورد استفاده این گیاه کاپیتولهای آن است که انواع نر و ماده آن به صورت مخلوط در بازرگانی عرضه می‌شود.

#### ترکیبات شیمیایی:

کاپیتولهای این گیاه دارای موسیلاژ، تانن، به مقدار بسیار جزئی از اسانس و نوعی الکلوتید است. کاپیتولهای این گیاه اثر نرم کننده، قابض، تب‌بر، صفرابر و التیام دهنده دارد. دم‌کرده آن برای تسکین و رفع سرفه همچنین درمان بیماریهای نزله‌ای در حالات مزمن به کار می‌رود. در استعمال خارج، له شده آن در رفع کوفتگی‌ها و آماس اثر مفید ظاهر می‌نماید.

#### صور دارویی:

دم‌کرده ۱۵ تا ۳۰ در هزار، جوشانده ۱۰۰ گرم کاپیتول در یک لیتر آب به عنوان صفرابر مصرف می‌شود.<sup>۱</sup>

به عربی: رجل القط

به فرانسوی: pied de chat, pattedechat, hispidule

به انگلیسی: purple.cottonweed, mountain everlasting

به آلمانی: engelblchen, katzendapplein, bergruhrkraut

به ایتالیایی: *ispidula, piedigatto, gnafalio, piede di gatto*

ساقه زیر زمینی منشعبی دارد که از آن ساقه‌های خزنده متعدد منشأ می‌گیرد. هر یک از ساقه‌های اخیر نیز به یک دسته از برگهای گسترده در سطح زمین ختم می‌شود. برگ‌های طول ساقه این گیاه باریک و بدون دمبرگ می‌باشد در حالی که برگهای قاعده ساقه آن بیضوی شکل و درشت‌تر است. کاپیتول‌های آن ۲ پایه است، کاپیتول‌های نر را *pied de chat blanc* و پایه‌های ماده را *pied de chat rouge* می‌نامند. میوه آن فندقه تقریباً استوانه‌ای شکل بی‌کرک و منتهی به یک دسته تاز در ناحیه راس است.

#### خواص درمانی:

کاپیتول‌های این گیاه اثر نرم‌کننده، قابض، تب‌بر، صفرا بر و التیام‌دهنده دارد. دم‌کرده آن برای تسکین و رفع سرفه و هم‌چنین درمان بیماری‌های نزله‌ای در حالات مزمن به کار می‌رود.

مصرف آن ترشحات صفرا را افزایش می‌دهد.

در استعمال خارج له شده آن در رفع کوبیدگی‌ها و آماس اثر مفید دارد، این گیاه در ایران نمی‌روید.<sup>۱</sup>

در کتب مختلف با نام *رجل القط و رجل القط* زرد آمده است. در برخی مدارک تویی نام برده شده، به فرانسوی *gnaphale* و به انگلیسی *jerceg, cottonweed, cat's foot, everlasting flower, cudwood* نامیده می‌شود.

گیاهی است از خانواده *compositae* نام علمی آن *album l. gnaphalium luteo* می‌باشد.

این گیاه در ایران و افغانستان موجود است، وارسته‌ای از این گیاه تا ژاپن هم پیش

می رود این وارسته بعدها به نام *gnaphalium multiceps wall* نامیده شده و ظاهراً این همان گیاه است که قبلاً در ژاپن به نام *gnaphalium affine d.don* نامیده می شده است.

### خواص و کاربرد:

در هندوستان از این گیاه به عنوان مدره، قابض، تب بر و برای افزایش ترشح صفرا به روده ها و التیام دهنده زخم ها استفاده می شود. کرکهای گیاه به عنوان ضد محرک در موارد نقرس به کار می رود. در چین و کره از تمام گیاه به عنوان تب بر بخصوص در موارد تب مالاریا استفاده می شود.

و همچنین ضد سرفه است، در مورد بیماریهای ریه به عنوان داروی مفیدی به کار می رود. برای پایین آوردن فشار خون و برای معالجه زخم معده و زخم روده خورده می شود. در مصارف خارجی برای التیام زخم کاربرد دارد.<sup>۱</sup>

## \* رجه

او را باسیوس می گوید: خرفه را که به لغت تازی به بقلة الحمقا تعریف کنند اندر حنا می گویند و به لغت رومی اموسطا و انبسطا می خوانند.

و فزاری می گوید: خرفه را به لغت هندی لونیه و نیز لونک می گویند و بعضی از پارسیان فرینه و به زبان تازی فرغ و رجه می گویند و بعضی فرین و اهل جرجان پریهن گفته و فریر عرب بنفشه را می گویند و به سنجری خرفه را و شفنگ گفته و به بغداد مبارکه می گویند و به سبب بسیار منفعت آن و بعضی آن را به فاطمه - رضی الله عنها - اضافت می کنند و به این معنی او را بقلة الزهراء نیز می گویند.

و ابوریحان گوید: آن دو نوع است بستانی و بیابانی، جالینوس می گوید: تخم فرغ دشتی مسهل است، چون نباتی که آن را يتوع می خوانند.<sup>۲</sup>

رجه: بفتح اول و آخر که لام است و به سکون ثانی سماروغ می باشد و آن گیاهی

است که در زمین نمناک و دیوارهای حمام می‌روید و آن را می‌خورند و شیره آن جلای بصر می‌دهد و به عربی خرفه را می‌گویند.<sup>۱</sup>

گیاهی است که به فارسی خرفه، بضم اول، می‌گویند، لیکن در فرهنگ فارسی بر وزن صرفه ضبط شده و از نامهای اوست: پریهن و فرغ و رجه و بقله‌لینه و اما بقله المبارکه ترکیبی است نه فارسی و نه عربی و بهتر آن است که بقله مبارکه یا البقله المبارکه یا لا اقل بقله مبارک یا بقله المبارکه بگویند.<sup>۲</sup>

### \* رزان

از انگور، در کتب فارسی و در کتب طبی سنتی یا نامهای مو، تاک، رز، تنگ، کرم، عنب، انگوز و حشی، بوداره، آماسلوقی، کرم‌بری و شجرة العنب نام برده می‌شود.

به فرانسوی: *vigne*

به انگلیسی: *grape vine*

درختی است از خانواده *vitaceas*

نام علمی گونه وحشی آن: *vitis vinifera* L.

گونه‌هایی از درخت انگور وحشی در جنگلهای ایران به طور خودرو می‌رویند و نامهای محلی آنها از جمله در گیلان: رز، دیورز و تله رز، در مازندران: غوره و ماله غوره در ارومیه: غوره در سردشت: میو و در کردستان: رش و تره رش می‌باشد.

مشخصات:

تکثیر مو مانند اغلب گیاهان به‌طور کلی از طریق بذر، قلمه، خوابانیدن و پیوند امکان دارد ولی روشی که بیشتر معمول است از طریق کشت، قلمه و خوابانیدن و پیوند نهال جدید می‌باشد.

### ترکیبات شیمیایی:

یک خوشه انگور به طور کلی شامل قسمتهای زیر است:

۱- دم خوشه و دم حبه ها که ۳-۴ درصد خوشه را تشکیل می دهد.

۲- گوشت داخل حبه ها (پولپ) که ۸۶-۸۸ درصد خوشه انگور را تشکیل می دهد.

۳- پوست حبه ها که ۷-۹ درصد خوشه انگور را تشکیل می دهد.

۴- دانه داخل حبه ها که ۱-۵ درصد خوشه را تشکیل می دهد.

۱- در دم خوشه انگور مواد زیر مشخص شده است:

تانن ۱-۲ درصد، مواد رزینی ۱-۱/۵ درصد، تارتتر ۱-۰/۵ درصد، مواد معدنی

۱/۷-۲/۸ درصد و سایر مواد.

۲- در گوشت داخل حبه یا پولپ انگور که کاملاً رسیده باشد:

آب ۷۰-۸۰ درصد مواد قندی قابل تخمیر (گلوکز و لولوز) ۱۷-۲۴ درصد،

بی تارتارات دوپتاسیم ۷/۵۰/۰ درصد و اسیدهای آزاد ۳/۴۵۰/۰ درصد، اسید

تارتاریک، اسید مالیک و... مواد ازته، مواد معدنی، مواد چربی و اسانس روغنی خیلی

متغیر و کم و به علاوه در حدود ۵/۰ میلی گرم آرسنیک در هر ۱۰۰ سانتی متر مکعب آب

انگور وجود دارد.

در هر یک صد گرم قسمت قابل خوردن انگور خام حبه انگور مواد زیر موجود است:

آب ۷۵-۸۰ درصد، پروتئین ۱/۳ درصد، مواد قندی ۱۵-۲۲ درصد بسته به وارته،

کلسیم ۱۲ میلی گرم، فسفر ۲۰ میلی گرم، آهن ۴/۰ میلی گرم، سدیم ۳ میلی گرم، پتاسیم

۱۷۳ میلی گرم، ویتامین A ۱۰۰ واحد بین المللی، تیامین ۰/۰۵ میلی گرم، رایبوفلاوین

۳/۰ میلی گرم و ویتامین C ۴ میلی گرم.

۳- در پوست حبه ها مواد زیر مشخص شده است:

تانن ۱/۶-۱/۲ درصد، تارتتر ۱/۳-۰/۵ درصد، اسیدهای آزاد ۹/۳۰/۰ درصد،

مواد معدنی ۱/۹-۱/۲ درصد و سایر مواد.

۴- در دانه یا تخم انگور تانن و مقداری روغن قابل استخراج به رنگ زرد مایل به سبز

وجود دارد.

در برگ مو، موادی از جمله ساکاروز، لولوز، اینوزیت، تانن، کوثرسی تین، کوثرسیتین، کاروتن، اسیدهای آلی، تارتر و... مشخص شده است.

### خواص و کاربرد:

انگور طبق نظر حکمای سنتی از نظر طبیعت گرم و تر می باشد و در مورد خواص آن معتقدند که منضج یعنی اعتدال دهنده اخلاط است، بسیار مغذی و مقوی است، تولید خون صالح کرده و خون را صاف می کند، مواد سوداوی و سوخته را دفع می کند، برای سینه و ریه خوب است. آب انگور برای معده های تر و نفخی مضر است و ایجاد گاز و نفخ می نماید، در این موارد باید با زیره و رازیانه مصرف شود.

روغن انگور بسیار محلل و گرم کننده بدن و نرم کننده پوست است.

دانه یا هسته انگور از نظر طبیعت طبق نظر حکمای طب سنتی سرد و خشک است پوست حبه انگور از نظر طبیعت طبق نظر حکمای طب سنتی سرد و خشک و خیلی دیر هضم است. برگ مو مقوی و قابض و مدر است، جوشانده ۳۰ گرم برگ در هزار گرم آب برای قطع اسهال جلوگیری از خونروی از دیواره ترشح ادرار، نقرس و واریس مصرف می شود.<sup>۱</sup>

### \* انگور فرنگی خاردار

مشخصات:

انگور فرنگی خاردار درختچه ای است خاردار با خارهای سه شاخه، ساقه درختچه خاکستری و ارتفاع آن کمتر از ۲ متر است. برگهای آن قلبی نوک تیز با قاعده ای گرد با دمبرگهای دراز دارای ۳-۵ قسمت که کنار هر قسمت با دندان و پشت و روی برگها را کرکهای خزی پوشانیده است، گلهای متمایل به سبز یا متمایل به ارغوانی.



میوه آن قدری در ابعاد یک نخود به رنگ سبز مغز پسته‌ای، پوست خارجی میوه صاف کرکدار است، تکثیر این درختچه از طریق قلمه آن معمول است. این درختچه در افریقای شمالی و قفقاز تا مناطق هیمالیا انتشار دارد. در ایران در ارتفاعات بالای جنگلهای شمال در جنگلهای نور و کجور و گدوک و دره تالار در ۲۴۰۰ متری از سطح دریا دیده می‌شود.

### ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی در برگهای تازه گیاه وجود اسید سیانیدریک HCN گزارش شده است. انگور فرنگی خاردار به فارسی: انگور فرنگی و به ترکی: فرنگ اوزومی گفته می‌شود، در اصطلاح مازندران در نور و کجور گالش انگور و گالش انگورک و در رودسر دیوانگوری نامیده می‌شود.<sup>۱</sup>

## \* انگور فرنگی سیاه

### اصطلاحات:

انگور فرنگی سیاه: گونه دیگری از انگور فرنگی است.

به فرانسوی: cassis

به انگلیسی: black currant

### مشخصات:

درختچه‌ای است شبیه درختچه انگور فرنگی معمولی با این اختلاف که رنگ میوه آن سیاه است. این گیاه بیشتر در جنگلهای مرطوب و عمق دره‌های جنگلی و دره‌های مرطوب می‌روید در اروپا انتشار وسیعی دارد. به احتمال زیاد در ایران در جنگلهای مرطوب شمال وجود دارد ولی تا حال گزارشی از محل دقیق آن داده نشده است.

### ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی در غنچه‌ها و جوانه‌های گیاه اسانس روغنی فرار وجود دارد. در اسانس جوانه‌های آن نوپینن، ال‌سابی‌نن و دی‌کاریوفلین یافت می‌شود.

### قره غات:

درختچه‌ای است بی‌خار، برگهای آن گرد قله‌ای که ۳ - ۵ قسمت دارد و به ابعاد ۵/۵×۴/۵ سانتی‌متر است دنداندار و دارای دم‌برگ است، پشت و روی برگ کرک غده‌ای دارد و دارای گل‌های زرد رنگ است و میوه آن در ابعاد انگور فرنگی به رنگ سرخ و شاداب است که با کرک‌های ریز غده‌ای پوشیده شده، این گیاه را در ارسباران قره‌غات می‌گویند در جنگلهای ارسباران و در دامنه‌های جنوبی البرز در کردان و در رودبار و در کوه هزاران در ارتفاع ۴۵۰۰ متر از سطح دریا دیده شده است. وارینه‌ای از آن نیز در آب گرم دماوند و زیارت‌گرگان می‌روید که نام علمی آن *ribes orientale var* می‌باشد از نظر خواص میوه‌های این درخت که شبیه انگور فرنگی قرمز است مسهل است و لینت آن از سایر انواع انگور فرنگی است.

### \* انگور فرنگی قرمز

#### اصطلاحات:

به فرانسه: *groseiller a grappes*

به انگلیسی: *red currants*

نام علمی: *ribes rubrum l.*

#### مشخصات:

درختچه‌ای است شبیه و در ابعاد درختچه انگور فرنگی تیغدار *ribes uvacrispa* گل‌های آن سفید و رنگ میوه آن که به صورت خوشه است قرمز می‌باشد و در بعضی ارقام آن رنگ میوه آن سفید می‌باشد.

انگور فرنگی خوشه‌ای بومی آسیای شمالی و آمریکای شمالی است. میوه آن در اوایل تابستان می‌رسد، این گونه انگور فرنگی در ایران کاشته می‌شود و به حالت خودرو دیده نمی‌شود.

### ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی از برگهای تازه این درختچه اسید سیانیدریک hcn جدا شده است ترکیبات شیمیایی آن نظیر میوه انگور فرنگی خاردار یا تیغدار است در میوه این نوع انگور ماده رنگی به نام سیانیدرین گلوکوزید گزارش شده است!

### تیره مو:

مو به عربی: شجرة العنب، کرم، عنب.

گیاهان تیره مو معمولاً به صورت درختچه‌های بالارونده‌اند، مجموعاً شامل ۱۲ جنس و تقریباً ۷۰۰ گونه می‌باشند که عموماً در مناطق معتدل و گرم کره زمین پراکندگی دارند. نمونه‌های زینتی زیبا نیز در بین آنها وجود دارد که در غالب نواحی معتدل و گرم همچنین در ایران پرورش می‌یابند.

قسمت مورد استفاده آن برگ شیره گیاهی و میوه آن است. درخت مو دارای آفات متعددی از رسته قارچها و حشرات است. از آفات مهم قارچی آن، بلاک روت، میلدیو و اوئید بوم را باید نام برد.

برگ مو: دارای اثر مقوی، قابض و مدر است، پیچک مو نیز اختصاصات درمانی برگ را داراست. برگهای جوان مو به صورت تیزاب دم‌کرده یا جوشانده در رفع دیسانتری، شکم‌روشها، خونروها، عدم دفع ادرار، نفرس، زردی، استفراغ، اختلالات خون مربوط به زمان بلوغ یا یائسگی، پیدایش برافروختگی در صورت، ناحیه بینی، زنخدان و گونه‌ها و همچنین در واریس مصرف می‌شود.

جوانه مو: شیره جوانه‌های تازه مو را پس از تبخیر به کمک الککل به صورت عصاره در آورده مجدداً تبخیر می‌کنند، ماده بدست آمده که در بعضی نواحی به عنوان قابض و مدر و ضد تشنج مصرف می‌شود.<sup>۱</sup>

## \* رزک، تمیس

### اصطلاحات:

در شمال ایران و در سایر نقاط با نامهای محلی مختلفی شناخته می‌شود از جمله اطراف رشت: تمیس، در کردستان: بمبلی زو، در لاهیجان: رزک و در برخی نقاط شمال ایران تال نامیده می‌شود در کتب عربی آن را اصل الکرمة السوداء نامیده‌اند.

به فرانسوی: herbe aux femmes, battues, tamier commun, tamier

و به انگلیسی: beaten\_woman's herb, bluck brgon گفته می‌شود.

گیاهی است از خانواده dioscoreaceae نام علمی آن tamus commus 1 می‌باشد.

### مشخصات:

تمیس گیاهی است علفی چند ساله با ساقه باریک دراز سبزرنگ و بالارونده، برگهای آن متناوب نسبتاً بزرگ قلبی شکل نوک تیز شبیه برگ مو که با دمبرگ درازی به ساقه متصل می‌شود. گل‌های آن کوچک به رنگ سبز روشن به شکل خوشه در کنار محور ساقه گل دهنده ظاهر می‌شود میوه آن ارغوانی کوچک و تخم مرغی شکل است و طعم آن ابتدا ترش و سپس تند و سوزان می‌شود. قسمت زیرزمینی گیاه ضخیم و متورم به طول ۴۰-۶۰ سانتی متر و ضخامت آن در بعضی موارد تا ۲۰ سانتی متر است که وزن آن چند کیلوگرم می‌شود در طب سنتی معمولاً قسمت زیر زمین گیاه با ریشکهای آن

مستعمل است. این گیاه مخصوص نواحی معتدل است و در مناطق وسیعی از اروپا و آسیا در مناطق جنگلی و در کنار جویبارها می‌روید. در ایران در مناطق جنگلی شمال ایران در گرگان، مینودشت و در مازندران: در نوشهر، سخت‌سر، دره هزار، در گیلان: در آستارا در ارتفاعات ۱۰۰۰ متری، در خراسان در گلی داغ، رزین گل و در غرب ایران: در جنگلهای مناطق خشک کردستان و لرستان به طور خودرو دیده می‌شود.

### خواص کاربرد:

تمام اعضای مختلف گیاه شامل میوه، برگ، جوانه و غده زیرزمینی، همه سوزاننده، قی آور و مسهل می‌باشند. معمولاً از قسمت متورم زیر زمینی گیاه در طب سنتی استفاده می‌شود و به سبب خاصیت سوزانندگی آن هیچ وقت نباید تازه مصرف شود زیرا خطرناک است و باید در استعمال خارجی قبل از استفاده آن را کوبیده و له شده آن را جوشانیده و به صورت ضماد استفاده نمایند.

معمولاً غده زیر زمینی له شده و جوشیده آن در آب را به صورت ضماد بر روی مواضع ضرب خوردگی و کوفتگی و خون‌مردگی اعضای بدن می‌مالند خیلی مؤثر است و به همین دلیل است که نام قدیمی آن به انگلیسی و فرانسوی «علف مخصوص زنهای کنک خورده» می‌باشد. غده زیر زمینی گیاه مدر و قی آور و مسهل است و اگر تازه مصرف شود خطرناک است و ایجاد التهاب و تورم در مخاط اعضای داخلی می‌نماید، لذا همیشه باید آن را پخت یا جوشاند یا فقط در استعمال خارجی از آن استفاده کرد اگر در مواردی طبق نظر پزشک لازم شد که به عنوان مدر و قاعده آور از غده در مصارف داخلی استفاده شود باید آن را بپزند و دو سه بار آب آن را عوض کنند و مجدداً بجوشانند تا حتی الامکان عوارض آن کاسته شود، مقدار خوراک آن پس از این اصلاحات حداکثر ۴ گرم در شبانه روز است.<sup>۱</sup>

## \* رصاص

«ارزیز» سرد است و در او رطوبتی است که به واسطه آن آماسها را بنشانند و ماده غلیظ را لطیف کند و اگر ارزیز را به روغن «ریت» خوش یا «گل» با بعضی از عصارات چون عصاره «هندبا» یا عصاره بقله الحمقا یا عصاره عصاء الراعی یا عصاره عنب الثعلب یا عصاره حی العالم یا آب غوره به هم بیامیزند و آماسها و ریش مقعد و ورمهای گرم را که برعانه و خصیتین و پستانهای زنان باشد به او علاج کنند منفعت می کند و منفعت در علت سرطان عظیم تر باشد و عظیم بلیغ می باشد و ریشها را نیکو می کند و گوشت برویاند. و اگر بی آدمی در عضوی از اعضا گره شود پاره ای ارزیز را که جرم او تنگ باشد بر آن موضع بنهند گره گشاده می شود و مستقیم می گردد و اگر بر پشت بسته شود قوت باه را تسکین می دهد.<sup>۱</sup>

در رصاص قوتی آبی است و چون بر سنگ بسایند با الکل و زیت آماسهایی که بر زهار و بر مقعد باشد بکند و چون بسوزند و بشویند دارویی باشد که تحفیف می کند بی تبشی و ریشهای چشم را منفعت می دهد و نیز رطوبتش بچیند و بیاکنده و جراحتش بهتر می کند و اگر از او صحیفه ای بر پشت بندند باه را ساکن می گرداند.<sup>۲</sup>

## \* روباه، ثعلب

روایت از جابر بن حیان:

روباه جانوری است از رده پستانداران گوشتخوار از نوع سگ پوستش به رنگهای سیاه، سرخ یا زرد و بسیار نرم است و آن را آستر لباس می کنند، دمی بزرگ و پر مو دارد

۲- الألبیه عن حقایق الادویه، ص ۱۶۶.

۱- صیدنه، ص ۲ ص ۸۶۴.

به حيله گری مشهور است زرد، آفتاب، خورشید.<sup>۱</sup>

روباه اسم فارسی است.

وبه عربی: ثعلب.

به یونانی: فرجی.

به هندی: لومرطی و لوکهرطی می گویند.

به انگلیسی: fox.

حیوانی است صحرائی و معروف و بهترین آن روباه سفید است و سپس از آن سیاه، گوشت آن شبیه به گوشت خرگوش است و می گویند معتدل در حرارت و برودت و گرم و خشک و پوست آن در گرمی مانند سمور است.

مالیدن پیه آن بر دست و پا در سردی هوا، در سفرها از سرمازدگی جلوگیری می کند خوردن گوشت آن برای کسانی که مزاج سرد و تر دارند و پیران و کسانی که سردی بر آنان غالب شده باشد و برای لقوه و جذام و استسقاء نافع و چون زهره آن را با اشق و آب کرفس هر سه به اندازه مساوی گرفته و مشخص جذامی هر ده روز یکبار سعوط نماید اگر ابتدای جذام باشد نفع می بخشد. مالیدن ریه خشک آن با پوست تخم مرغ سوخته مو در داء الثعلب برویاند. خوردن خایه آن نافع صرع است، ریه آن را که در سایه خشک کرده باشند و با آب یا ماء العسل سفوف کرده به مقدار یک مثقال از آن بخورند سرفه و ربو و تنگی نفس را نفع دهد و زهره آن را چون بر پای نقرس بینندند فی الحال ازاله درد می نماید.<sup>۲</sup>

ابوعلی سینا در «قانون» می گوید: ثعلب، روباه، خاصیت گدازندگی دارد. پوستین روباه برای ترمزاجها بسیار خوب است، زیرا گرم است و رطوبت را برچیند. روباه را در روغن زیتون بپزند برای رفع درد مفاصل بسیار قویتر است پیه آب کرده روباه را در گوش

بچکانند برای دردگوش مسکن است، از ربه خشک کرده رویاه به وزن یک درهم بخورند در علاج ربو مفید است.<sup>۱</sup>

آشامیدن یک مثقال از شیر آن که خشک کرده باشند با آب و غسل جهت ربو و سرفه مفید و مالیدن پیه آن بر چوبی و نصب کردن آن در موضعی از خانه سبب اجتماع کیک بر آن چوب می شود.<sup>۲</sup>

### \* روغن

برخی از دوستان امام ابی الحسن از زیادی جرب، (خارش زخم) به آن حضرت شکوه نمود، فرمود: جرب از بخار کبد است، برو خون بگیر از پای راست و مواظب باش که دو درهم روغن شیرین با آب کشک بخور و از ماهی ها و سرکه پرهیز کن خوب می شوی انشاءالله.<sup>۳</sup>

به امام صادق علیه السلام عرض کردم برایت حلوا بسازم فرمود: آنچه برایم حلوا بسازید از روغن بسازید. سپس فرمود: چه خورشت خوبی است روغن ولی من آن را جهت پیری دوست ندارم و فرمود: روغن در تابستان بهتر است تا زمستان.<sup>۴</sup>

سمن، روغن، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: گوشت گاو مرضی است و روغنش شفاست و شیرهاش دواء است و هیچ چیزی مانند روغن داخل در شکم نمی شود.<sup>۵</sup>

امام صادق علیه السلام فرمود: روغن خورشت است

و شاه از حماد بن عثمان نقل می کند: که نزد امام صادق علیه السلام بودم مرد پیری با آن حضرت صحبت می نمود، حضرت به وی فرمود: چرا کلام تو تغییر پیدا کرده؟ عرض کرد دندانهای جلوی دهنم افتاده، حرفم ساقط می شود. امام علیه السلام فرمود: بعضی از دندانهای من نیز افتاده و شیطان گاهی با من وسوسه می نماید و می گوید: اگر باقی

۱- قانون در طب، ج ۲، ص ۳۳۲.

۲- نحة حکیم، ص ۶۸ ابن البطار ص ۱۵۰.

۳- مکارم الاخلاق، ص ۸۵.

۴- بحار، ج ۶۶، ص ۸۸. ۵- دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۱۲.



دندانهایز بیفتد با چه چیز غذا می‌خواهی بخوری، من هم می‌گویم  
 لاحول ولا قوه الا بالله، بعد حضرت به وی فرمود: بر تو باد تلیت که بر تو صلاح است و از  
 چربی پرهیز کن که با پیرها سازش ندارد و آن حضرت فرمود: روغن گاو شفا است.<sup>۱</sup>  
 ماده‌ای چرب که از شیر و دنبه یا پیه گاو و گوسفند یا از حیوانات نیاتی مثل بادام،  
 کرچک، آفتابگردان، زیتون، پنبه دانه و غیره می‌گیرند.

روغن بابونه: روغنی که از بابونه استخراج می‌شود.

روغن بادام: روغنی که از مغز بادام گرفته می‌شود.

روغن بزرک: روغن دانه‌های کتان که در تقاشی به کار می‌رود.

روغن بلسان: روغنی که از بلسان گرفته می‌شود یا روغن مصری.

روغن پنبه تخم: روغنی که از پنبه دانه می‌گیرند.

روغن تخم: روغنی که از دانه‌های گیاهان مختلف گرفته می‌شود، مانند: روغن پنبه

دانه و روغن کنجد.

روغن حیوانی: روغنی که از انساج و پیه‌های حیوانی می‌گیرند، معمولاً این نوع روغن

را به نام پیه می‌خوانند.

روغنی که از جوشانده و تصفیه کره به دست می‌آید و به نام روغن زرد به بازار عرضه

می‌کنند.

روغن خاکستری: روغنی است مرکب از یک جزء جیوه و چهار جزء پیه گوسفند و آن

را برای تحلیل اورام غده بر روی پوست می‌مالند.

روغن خشخاش: روغنی که از دانه‌های خشخاش می‌گیرند و خوراکی است.

روغن زیتون روغنی که از میوه درخت زیتون می‌گیرند و خوراکی است.

روغن شاهدانه: روغنی که از میوه شاهدانه می‌گیرند و مصرف صنعتی دارد.

روغن کرچک: روغنی که از دانه‌های کرچک استخراج می‌شود.

روغن کنجد: روغنی که از دانه‌های کنجد می‌گیرند و مصرف خوراکی دارد.

روغن گردو: روغنی که از مغز گردو می‌گیرند. هم مصرف خوراکی و هم مصرف صنعتی دارد.

روغن ماشین: روغنی که از محصولات نفتی گرفته می‌شود و برای چرب کردن ماشین‌ها به کار می‌رود و آن اقسام مختلف دارد که برخی جامدتر و پاره‌ای مایع‌ترند.  
روغن ماهی: روغنی که از جگر ماهی در مورد استخراج می‌شود، برای تقویت بدن و مداوای برخی امراض به کار می‌رود.

روغن کوکنار: همان روغن خشخاش است.

روغن مغز: به معنای عقل و تدبیر است.

روغن منداب: روغنی که از دانه‌های گیاه منداب می‌گیرند و مصرف صنعتی دارد.  
روغن نارگیل: روغنی که از درون میوه نارگیل می‌گیرند و جزو روغن‌های خوراکی است.

روغن نباتی: روغنی که از دانه‌های گیاهان مختلف استخراج می‌شود که برخی خوراکی و بعضی هم مصرف دارویی یا مصرف صنعتی دارند.

روغن وازلین: همان وازلین معمول است.<sup>۱</sup>

کره حاصل شده از روغن در ۱۰ گرم کره ۸/۵ گرم چربی می‌باشد و قوت کالری آن ۷۶ کالری است و دارای ویتامین A می‌باشد و نیز ویتامین‌های A, D, B هم از آن حاصل می‌شود و لکن در خود روغن فقط ویتامین A, D موجود است.<sup>۲</sup>

روغن اسم فارسی است، به عربی دهن و سمن می‌نامند و دهن شامل روغن نباتات و حیوانات است چنانچه در دهن مسطور شد و سمن روغنی است که از شیر حیوانات به عمل می‌آورند و در اینجا همین مراد است و آن را به فارسی روغن گاو و روغن زرد و به هندی گهی می‌نامند و افعال و خواص این به قول هندیان در گهی بیاید و بهترین آن روغن گاو و گوسفند و بز جوان فربه است و روغن گاو از همه افضل و الطف و روغن میش و

گاو میش و خصوصاً صحرائی آن از همه غلیظتر و همه آن گرم و تر است.<sup>۱</sup>  
روغن کرچک و روغن ترب یک تأثیر دارند و هر دو گدازنده هستند و روغن کرچک  
از روغن ترب قوی تر است و روغن ترب از روغن کرچک گرمتر می باشد و شبیه روغن  
زیتون کهنه است.

روغن ترب در دوم گرم و خشک است.

روغن سوسن و یاسمن در سوم گرم و خشکند.

روغن گزنه و کاجیره در اول گرم و در دوم ترند.

روغن نرگس در اول تر و در دوم گرم است.

روغن هیری و روغن حبالبان و روغن بادام تلخ در اول ترند.

روغن شاخه تاک و روغن گل و سیب در سردی رسانی و قبضی به هم نزدیکند و

روغن به هم همین حال را دارد.

روغن بابونه معتدل الحرارة و روغن شبت شبیه آن است و گرمتر.

روغن نرگس در اثر بخشی شبیه روغن شبت است لیکن بویی تندتر از بوی روغن

شبت دارد و چون روغن شبت با سر سازگار نیست روغن بنفشه قبوضیت ندارد لیکن

چیزی از سردی با او است.

روغن سداب گدازنده است، ما در این جا خواص آنها را بیان می کنیم.

روغن بادام و بویژه بادام تلخ باز کننده است.

روغن سیب و به هم قبض و هم سردی بخشند.

روغن بابونه مسکن درد، برنده غلظت، تراکم و تحلیل برنده بخار است.

روغن سوسن ملین است و اندامان را توان بخشد و رساننده است و درد را تسکین

دهد.

روغن آس اندامان را محکم می کند و نیرو می بخشد و از روغن به، سردی بخش تر

است و ماده های تراونده را باز می دارد.

روغن سداب همانند روغن غار، باد را بکلی از بین می‌برد و از روغن غار گرم‌تر است و هر دو روغن بادشکن و مسکن درد هستند، روغن غار علاج داء‌الثعلب است.

روغن آس ریشه مورا محکم می‌کند و تقویت می‌دهد و سیاه می‌گرداند.

روغن کوشنه جوانی مورا نکه دارد روغن شنبلیله علاج بد رنگی است بویژه اگر در اطراف چشم پدید آید.

روغن سوسن سخت شده‌های کهنه را می‌گدازد و از بین می‌برد.

روغن شنبلیله کچلی و امراض پوستی را از بین می‌برد.

روغن گل در علاج التهاب دماغ بسیار مؤثر است، ورم‌هایی که در حال پیدایش هستند باز می‌دارد، تقویت مغز می‌کند و هوش را افزایش می‌دهد و مزاجش نزدیک به معتدل است و از این رو جالینوس در باره روغن گل می‌فرماید: تن بسیار سرد را گرم و تن گرم را سرد می‌گرداند و نظریه من در این باره این است که: در معتدل گردانیدن تن گرم مزاج مؤثر است تا سرد مزاج.<sup>۱</sup>

روغن تازه بهتر است، رنگ: سفید و زرد. مزاج: گرم و تر. خواص: دافع تعفن، مسکن درد، از بین برنده ورم‌ها، مقوی بدن، مانع بعضی زهرها در بدن است. خوراکش با نبات نافع سرفه خشک و خشونت حلق است. مقوی باه و چاق کننده بدن است، خوراک زیادش ملین است خوراکش در روز نباید بیش از ۵۰ گرم باشد، در مسمومیت زرنیخ و تریاک و مارگزیده روغن را در شیر مخلوط نموده به مریض می‌دهند قی آور است و زهرها را بیرون می‌ریزد. برای خشونت و خشکی و خارش آن را طلا می‌کنند (می‌مالند) در مرهم‌های طبی بیشتر روغن گاو استفاده می‌شود و اگر آن را به مدت زیادی بخواهند نگاه دارند در آن مقداری نمک اضافه می‌کنند تا سالم باقی بماند.<sup>۲</sup>

روغن گاو را بهتر دانسته‌اند در مرهم‌ها تقریباً آن را ۱۰۰ مرتبه در آب می‌شویند بعد استعمال می‌کنند، مضر برای معده است. مصلحتش: جوارش (معجونی که به جهت هضم غذا می‌خورند، بدلس: شیر و کره است و طریقه شستن روغن: در یک سینی گشاد

روغن و آب را مخلوط نموده بعد آب را از آن جدا می‌کنند.<sup>۱</sup>

ذائقه: روغن خوشمزه و چرب است، مزاج: روغن کهنه خشک است. مضر: دیر هضم و برای تب‌ها ضرر دارد. نفع خاص: چاق‌کننده بدن و دافع یبوست است، دماغ و سینه را صاف می‌کند. با بادام تلخ و شکر نافع یرقان و درد طحال است، روغن کهنه با سورنجان علاج بواسیر است. با گرد خنا مخلوط نموده نافع خارش و امراض جلدیه است، روغن شسته شده را نباید خورد و کتاب همدرد آن را در بعضی نسخه‌های مقوی معده استعمال کرده است.<sup>۲</sup>

البته عموماً روغن گاو با گوسفند و بز برای خوراکی استعمال می‌شود.<sup>۳</sup> اما بعضی حیوان‌های حلال گوشت که غیر از این صنف هستند هر یک جداگانه دارای خواصی می‌باشند. اما حیوانات درنده و حرام گوشت که گوشت آنها خورده نمی‌شود، چربی و روغن آنها به‌طور دارویی مصرف خارجی دارد که اثر گرمی و سردی و تندید و شیمیایی دارند.

اما روغن‌هایی که از نبات یا بعضی تخمها به دست می‌آید دارای همان اثر نبات یا تخم می‌باشد که مطابق اثر آن گیاه یا گل یا تخم در طب استعمال می‌شود. نیز روغن معمولاً با زردچوبه و نمک مخلوط نموده برای شکستگی و پیچ خوردن استخوان از آن استفاده می‌شود.

امام صادق: امیرالمومنین علی علیه السلام فرمود: روغن گاو شفاست.

امیرالمومنین علی علیه السلام فرمود: روغن دواست و روغن تابستان بهتر از روغن زمستان است و هیچ خوراکی بخوبی روغن در شکم وارد نشده است.

کسی که به پنجاه سالگی رسید در شب، هنگام خواب نباید در شکمش روغن باشد. روغن‌ها موادی هستند جامد یا مایع به رنگ مایل به زرد که دارای حالت روغنی مخصوص و اغلب بی‌مزه هستند. روغن‌ها را به دو دسته گیاهی و حیوانی تقسیم

۲- ستان المفردات، ص ۲۴۸.

۱- مخزن المفردات، ص ۳۳۶.

۳- همدرد، ص ۷۲.

می‌کنند. حداکثر مواد چربی که باید در ۲۴ ساعت مصرف شود ۷۰ گرم است و هر چه از این مقدار کمتر باشد بهتر است. دانشمندان امروزه معتقدند که بهتر است کالری لازم از مواد پروتیدی تأمین گردد، زیرا مازاد آنها در بدن به مصرف سازندگی می‌رسد ولی زیادی چربی اگر در بدن تولید بیماری تصلب شرایین (آرترئواسکلروز) نکند دفع می‌شود. هر چه سن بالاتر می‌رود مصرف چربی باید کمتر شود و برای اشخاص مسن حداکثر ۴۰ گرم چربی در ۲۴ ساعت کافی است که این مقدار از مصرف غذاهایی از قبیل گوشت، پنیر، ماهی، شیر، بادام و سایر مواد چربی‌دار تأمین می‌شود. عده‌ای از متخصصان مواد غذایی معتقدند که روغن‌های نباتی به علت داشتن اسیدهای چرب اشباع شده قابلیت جذب ندارند و برای اشخاص مسن بر روغن‌های حیوانی که دارای چربی قابل جذب هستند برتر می‌دارند.<sup>۱</sup>

#### طرز تهیه و خواص درمانی روغن بابونه:

گل بابونه را در چهار برابر روغن زیتون خیس کرده در آفتاب بگذارند و هفته‌ای یک مرتبه روغن آن را تجدید کنند و یا آنکه آن را با مقداری آب بجوشانند تا روغن بماند و آب تبخیر شود و بعد صاف کنند روغنی که به دست می‌آید معروف به روغن بابونه است این روغن ورم را فرو می‌نشانند و زخم‌های چرکی و آبکی را خشک می‌کند، ترک پوست را که در اثر سرما باشد معالجه می‌کند، چکاندن این روغن در گوش درد آن را ساکت می‌کند، سرخ شدن دست و پا را می‌توان با مالیدن روغن بابونه برطرف کرد.<sup>۲</sup>

#### روغن یونجه:

بذر یونجه را در روغن زیتون ریخته و می‌جوشانند، این روغن جهت لقوه و رعشه مفید است و برای این کار باید روغن را به بدن فالج و رعشه‌ای بمالند و بگذارند در حمام بنشینند تا عرق کند.<sup>۳</sup>

۲- زبان خوراکیها، ج ۱، ص ۲۶۸.

۱- خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها از نظر پیشوایان علم و دین، ص ۶۵.

۳- همان، ص ۲۲۴.

### روغن نخود:

روغن نخود از جوشاندن نخود در روغن زیتون به دست می آید. مقوی مو و شهوت می باشد و جهت تسکین درد دندان و دردهای سرد و جذام بسیار مفید است. خوردن دانه های من جهت امراض نامبرده و باز شدن رنگ رخسار و آواز و مالیدن من جهت تقویت قوه بیه مفید می باشد.<sup>۱</sup>

### روغن ترب:

چنانچه آب برگ ترب قبل از آنکه بذر پیدا کند گرفته و در روغن زیتون ریخته بجوشانند و آن را صاف کنند و مجدداً بجوشانند تا آب آن از بین برود و به شرط آنکه روغن نسوزد این روغن گرم کننده بوده و کسانی که می خواهند دست و پا و عضلات خود را گرم کنند از آن می توانند استفاده نمایند.

خوردن روغن ترب جهت فلج و لقوه مفید است و ضد سم عقرب و سایر حشرات سمی است. این روغن جهت رفع زبری پوست پینه و برص نیز تجویز شده است.<sup>۲</sup>

### روغن پسته:

روغن پسته در عطر سازی مصرف فراوان دارد مالیدن مخلوط آن با مشک جهت درمان لقوه و تقویت حافظه توصیه شده است و چکاندن آن در دماغ آن را پاک می کند مخلوط روغن پسته با عنبر جهت درمان وسواس تجویز شده است.<sup>۳</sup>

### روغن آراشید:

روغن آراشید یکی از روغن های سبک و مرغوب است، مخصوصاً اگر از انواعی گرفته شود که پوست خارجی آنها نازک بوده و بخوبی جدا می شود. از روغن آراشید در صنعت داروسازی برای تهیه روغن کافوری استفاده می کنند.<sup>۴</sup>

۳. همان، ص ۲۹۹.

۲. همان، ص ۱۸۶.

۱. همان، ص ۲۲۰.

۴. همان، ص ۳۰۳.

طرز تهیه و خواص درمانی روغن بابونه صغیر یا بابونه رسمی:

طرز تهیه: در حدود ۴۵۰ گرم گل بابونه را گرفته و با حدود ۲ کیلوگرم روغن زیتون یا روغن کنجد مخلوط می‌کنند، اگر این مخلوط را ۴۰ روز در آفتاب بگذارند آماده مصرف است.

روش دیگر در داروسازی این است که این مخلوط را با آتش ملایم حرارت می‌دهند تا آب آن تبخیر شده در روغن بماند البته نسوزد.

خواص روغن بابونه صغیر: قطره این روغن در گوش برای تسکین درد بسیار نافع است و مالیدن این روغن برای لقوه، پیچیدگی عصب و ورم قسمت سفلی بدن، مقعد، رکتوم و سفتی رحم و تسکین درد روماتیسم نافع است و برای نرم کردن ورم‌های سخت نیز مفید می‌باشد. اگر چند قطره آن در بینی ریخته شود برای بی‌خوابی افراد پیر مؤثر است.<sup>۱</sup>

### روغن بابونه رومی:

طرز تهیه: گل آن را در ۴ برابر وزن آن روغن کنجد ریخته و با دو برابر آن آب می‌جوشانند تا آب آن بکلی تبخیر شود و روغن بماند البته باید احتیاط کرد که روغن آن نسوزد.

خواص درمانی روغن بابونه رومی: مالیدن روغن آن برای تحلیل ورم‌های سرد و تحلیل باد و گاز در اعضای مختلف و کاهش درد کمر و درد مفاصل و نقرس نافع بوده و قطره آن در گوش برای کاهش درد گوش و رفع سنگینی شنوایی مفید است.<sup>۲</sup>

روغن پنبه‌دانه:

در دانه پنبه بر حسب ارقام مختلف ۱۸-۳۰ درصد روغن ثابت قابل استخراج یافت می‌شود. در روغن تخم پنبه، ماده گوسیبول که سمی است وجود دارد و برای مصرف



پروتئین تخم پنبه و همچنین روغن آن باید قبلا این ماده سمی حذف شود.<sup>۱</sup>  
 مغز فندق دارای ۵۰ تا ۶۰ درصد ماده روغنی است که بوی معطر آرامی دارد و به مصرف تغذیه و عطرسازی می‌رسد، می‌گویند فشار خون را کمی زیاد می‌کند.  
 گردو یکی از مغزهای روغنی است که دارای مواد معدنی از قبیل زنگ مس و آهن و غیره است، روغن آن برای مالش اعضاء و موی سر بسیار عالی است.  
 روغن فندق مقوی معده و تقویت کننده دماغ و نیروی شهوانی است.  
 روغن زیتون نرم کننده و ملین است و برای رفع عوارض کلیه‌ها و سنگهای صفراوی و قولنج‌های کلیوی و کبدی و رفع یبوست بسیار نیکو است.  
 روغن زیتون ضد سم سرب است، خوردن روغن زیتون جهت باز کردن رنگ‌های تیره معجزه می‌کند. چکاندن روغن زیتون در چشم برای تقویت نیروی باصره اثر نیکو دارد و ریزش آب چشم را بر طرف می‌سازد. روغن زیتون را گرم کنید و در جای نیش عقرب بمالید درد آن را تسکین می‌دهد، برای مصارف خارجی یعنی روغن مالی پوست و مو کهنه آن بهتر از تازه است و روغن کهنه که هفت سال مانده باشد در تسکین آلام مفاصل بهتر از روغن بلسان است یکی از خواص روغن زیتون، تازه آن است که چون آن را با عسل مخلوط کرده و سه روز بجای آب بیاشامند پیران را باعث هیجان و قوه باه می‌گردد.

چرب کردن موی سر با روغن زیتون کهنه از سفید شدن و ریختن مو جلوگیری می‌کند.<sup>۲</sup>

درمان ضعف بصر (کم‌بینی): روغن بنفشه، روغن کدو، روغن نیلوفر بر سر بمالند و در بینی بچکانند. هر شب روغن بادام شیرین در چشم بچکانند ضعف بصر را درمان می‌کند.<sup>۳</sup>

مالیدن روغن کنجد و نارگیل و زیتون و گردو با مالش نیکو که بخورد آلت دهد بعد از

۱- همان، ج ۴، ص ۳۹۵. ۲- اسرار خوراکیها، ص ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۱۰، ۳۱۱.

۳- اعجاز طب و درمان، ص ۸۷.

این که آلت را با پارچه‌ای ضخیم بطوری که سرخ شود بمالند باعث قوت آلت مرد می‌شود. چرب کردن آلت با روغن بلسان بعد از شستن آن با آب گرم این عمل را در روز چند بار تکرار باعث قوت آلت مرد می‌شود.<sup>۱</sup>

روغن گایا کره خالص گاو را که بخورند زهر را دفع کند اگر چه مار باشد و سرفه را قطع نماید و درد روده را به سرعت ساکت می‌گرداند.<sup>۲</sup>

روغن گاو را اگر با فلفل سائیده به کسی که زهر خورده باشد بدهند زهر را برگرداند.<sup>۳</sup> کره را اگر هر روز به تن بمالند بدن را فربه می‌نماید و اگر بر ورمی که بر کشال ران باشد بمالند ورم آن را فرو می‌نشانند.<sup>۴</sup>

روغن‌های نباتی مایع ویتامین‌های B, A, K و اسیدهای چربی قابل جذب را فراهم می‌سازند روغن پسته زمینی (آراشید) منبع و سرچشمه گرانبه‌های اسیدهای چربی است.<sup>۵</sup>

### دستور ساختن روغن گل سرخ:

برگ گل سرخ را با روغن کنجد در شیشه کرده چهل روز در آفتاب گذارند یا مستی گل سرخ را در پیاله آب جوشانده صاف کنند و نصف آب آن روغن کنجد اضافه کرده بجوشانند تا نصف شود. روغن گل سرخی که در آفتاب تهیه شده باشد به مراتب قوی‌تر از جوشانده آن می‌باشد.<sup>۶</sup>

مالیدن روغن گل سرخ بر پیشانی سردردی که از ضعف اعصاب دماغ باشد را رفع می‌کند.<sup>۷</sup>

مالیدن روغن بادام روغن کنجد بر سر و چکاندن روغن بنفشه یا روغن نیلوفر در بینی سردردی که از قوت دماغ و زیادی فکر باشد را درمان می‌کند.<sup>۸</sup>

۱- همان، ص ۲۷۷. ۲- معارف گیاهی، ج ۴، ص ۴۵۳.

۳- همان، ص ۴۶۰. ۴- همان، ص ۴۶۹.

۵- فرهنگ خواص خوراکی‌ها، ص ۱۰۵. ۶- اعجاز طب و درمان، ص ۲۸.

۷- همان، ص ۲۷. ۸- همان، ص ۳۸.

درمان تمدد راست ماندن و خشک شدن عضوی از اعضا: عضو علیل را بسیار گرم بدارد، مسهل یا ملین موافق طبع بخورد، روغن پیه خرس یا کفتار بمالد اگر نباشد روغن های گرم مانند روغن سداب، روغن زنجبیل، روغن گردو و زیتون طبیعی و روغن گل سرخ بمالد.<sup>۱</sup>

### روغن بادام شیرین:

روغن بادام شیرین، دماغ را تازه و برای کسانی که مبتلا به سرسام و سینه پهلو شده باشند نافع است. برای رفع بی خوابی مفید بوده و خواب آور است. خوردن آن با کمی کتیرا و شکر جهت سرفه‌ی خشک و باز شدن صدا و قصب الریه و نرم کردن روده‌ها سودمند است. از روغن بادام شیرین جهت ضرر مسهل‌ها مخصوصاً مسهل‌های شیمیایی استفاده می‌شود.

خوردن روغن بادام شیرین جهت پیچش شکم و دل درد و نرم کردن روده‌ها مفید بوده و معالج قولنج و سختی ادرار است. روغن بادام شیرین در اخراج سنگ‌های کلیه و مثانه کمک می‌کند، مخصوصاً اگر آن را با کمی حجرة الیهود مخلوط نمایند.

### روغن بادام تلخ:

روغن بادام تلخ ضد عفونی کننده است، اخلاط لزج و چسبنده و لیزابه را از معده و روده پاک می‌کند، چکاندن آن در گوش جهت تسکین درد آن مفید است و گوش که صدا می‌کند دارویی بهتر از این ندارد.<sup>۲</sup>

روغن تخم کدو برای تسکین درد بواسیر نافع است.<sup>۳</sup>

روغن نخود که باقی‌مانده به دست می‌آید بغایت مقوی موی و مبهی و جهت تسکین درد دندان و امراض قند نافع است.

۲- زبان خوراکیها، ج ۱، ص ۱۹۵.

۱- همان، ص ۶۲.

۳- راز گیاهان شفا بخش، ص ۱۳، ۱۷، ۱۱۷، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۵۴.

طرز تهیه روغن کنجد: نخست دانه را پاک و تمیز نموده تا مواد رنگی آن جدا گردد سپس آن را در داخل آب خیس نموده تا پوست آن جدا شود و بعداً آن را کمی خشک کرده و با فشار قوی بدون دخالت گرما روغن آن را می‌گیرند که معمولاً بین ۳۵-۶۰ درصد روغن حاصل می‌شود.

روغن کنجد بدون بو و دارای رنگ زرد می‌باشد و در زمستان سفت و محکم نمی‌شود. وزن مخصوص آن با آب کمتر و حدود ۰/۹۲۵ می‌باشد. روغن کنجد دارای ۷۵-۸۰ درصد گلسیرید اسیدهای چربی مایع مانند اولئیک و غیره و حدود ۱۵ درصد گلسیریدهای جامد می‌باشد.

برای آواز خوب و رفع خشمونت گلو مفید است و ملین بسیار خوبی برای روده‌ها و نشیمنگاه می‌باشد و خوردن آن با الکل جهت گزیدن افعی دافع است. بطنی الهضم بوده و معده را مست و از جوش می‌اندازد. علاجش آب لیمو، آبکامه و امثال آن است به علت اینکه تند نمی‌شود در مصارف درمانی به جای روغن زیتون می‌توان استفاده نمود. از نوع ناخالص روغن کنجد در صنعت جهت تهیه صابونهای مختلفه و چرب کردن ماشین آلات و تهیه بریاتین استفاده می‌نمایند.

روغن بابونه که از دیزسیتون گل آذین آن در روغن خشخاش به دست می‌آید برای رفع دردهای روماتیسمی باید بر اعضا مالید.

روغن بابونه که برای دردهای روماتیسمی و نورالژی (درد اعصاب) معجزه می‌کند. برای به دست آوردن روغن بابونه ۲۵ گرم گل خشک بابونه را در ۱۲۵ گرم (۵ مقابل) روغن زیتون مخلوط نموده و مدت ۲ ساعت در زمستان و ۱/۵ ساعت در تابستان روی آتش قرار می‌دهند تا گرم و داغ شود، در ظرف سر بسته‌ای ریخته و محکم تکان می‌دهند تا کاملاً مخلوط شود سپس آن را صاف نموده و ۲۰ گرم کامفر هم به آن اضافه نموده در نقاطی که درد می‌کند می‌مالید تا آرام گیرد و روغن بابونه بدون کامفر دردهای معده را آرام می‌کند.<sup>۱</sup>

### روغن نباتی:

از دانه‌های روغنی به شرح زیر تهیه می‌گردد.

۱- روغن تخم پنبه. cotton seed oil

۲- روغن سویا بین. soya bean oil

۳- روغن زیتون. olive oil

۴- روغن ذرت. maiz oil

۵- روغن تخم آفتابگردان. sun flower

ابتدا روغن مایعی به دست می‌آید که قابل خوردن و مصرف می‌باشد و از عمل شیمیایی با مخلوط نمودن هیدروژن و catalyst جامد می‌گردد، فقط تفاوت این است که روغن مایع در درجه حرارت معمولی به صورت آبکی است مگر روغن جامد در حرارت عادی جامد می‌ماند.

طرز تهیه آن بدین صورت است که اول روغن را صاف نموده و برای برطرف کردن رنگ آن از گل سفید طین قیمولیا chalk استفاده می‌کنند و با بخار تند آن را گرم کرده که بوی تند آن زایل گردد برای بیشتر صاف کردن روغن کاستک سودا یا سودا اش soda ash استعمال می‌کنند و بعد روغن به دست آمده را حرارت می‌دهند که ذرات هوا و رطوبت در آن باقی نماند بعد از آن در آن ماده نیکل nickel با فشار مخلوط می‌کنند و در 45.36 کیلوگرم روغن از 0.22 تا 0.67 کیلوگرم nickel مورد نیاز است بعد از آن هیدروژن مخلوط می‌کنند بعد دوباره صاف کرده آن را جامد می‌کنند.

اما روغن حیوانی طبیعی از کره حاصل شده از شیر گاو، گاو میش، بز و گوسفند تهیه می‌گردد که به آسانی بدست می‌آورند و دارای ویتامین‌های A، D و مواد مغذی است و نیز در باره بعضی روغن‌های حیوانی مانند ماهی و روغن‌های نباتی دارویی مانند کتان، نارگیل و غیره در باره آنها بحث جداگانه خواهد شد و آن را adeps می‌گویند و در روغن سازی استفاده می‌شود.

روغن، روغن زرد.

به عربی: سمن، دهن.

هندی: گهی، گهرت، گهیو.

انگلیسی: clarified butter.

لاتینی: batyrum depuratum.

در فارسی و عربی روغن و دهن برای روغن حیوانی و نباتی هر دو استعمال می شود، مثلاً می گویند دهن البقر که از درست کردن ماست، کره به دست می آید و در هندی آن را مسکه می گویند.<sup>۱</sup>

### روغن ماهی و حیوانی:

روغن ماهی دارای مقدار زیاد ویتامین A,D توصیف شده است که خیلی مفید برای سینه است و بیشتر ویتامین A,D طبی از روغن ماهی حاصل می شود و نیز مالیدن آن برای امراض جلدی بخصوص سوختگی ناشی از آتش خیلی مفید است و اسم طبی آن را cod liver نوشته است و ماده butyrum که از شیر گاو حاصل می شود. یک ماده ای به رنگ زرد است و آن ۳۰٪ جوهری به نام olein دارد و ۶۸٪ ماده palmitin در آن موجود است و در صنعت صابون سازی هم بعضی جاها روغن استعمال می شود.<sup>۲</sup>

روغن حیوانی بعضی از اسیدها را دارد که آن را fatty acids می گویند و نیز روغن معدنی که آن هیدروکربون می باشد که از نفت گرفته می شود و کره که ماده چربی شیر حیوانی می باشد دارای اصل جوهر روغن می باشد و استفاده اش از روغن بیشتر است.<sup>۳</sup>

### روغن زنبق سفید:

روغن زنبق سفید که آن را رازقی یا یاسمن سفید می گویند در بینی چکائیده شود شفای هفتاد درد است.<sup>۴</sup>

۲- دستور برتانی، ص ۱۳۳۰-۱۲۸۲.

۴- حلیة المتقین، ص ۱۱۶.

۱- لائانی لغات الادویه، ص ۲۳۳.

۳- فرهنگ طبی انگلیسی، ص ۴۸۶-۱۱۶.

### روغن خردل:

روغن چرب ثابت موجود در دانه خردل سفید به رنگ زرد طلایی است و دارای بو و طعمی تند و بیشتر مصارف صنعتی دارد و فقط خالص و سفید رنگ آن ممکن است در آشپزخانه مصرف شود.<sup>۱</sup>

### روغن بلسان:

طرز تهیه: شاخه و برگ و میوه و چوب درخت بلسان را گرفته با روغن زیتون مخلوط کرده می جوشانند تا وزن مجموع ربع شود و تبدیل به مریا گردد.

روغن بلسان از نظر طبیعت طبق نظر حکمای طب سنتی گرم و خشک است و دارای نیروی تریاکی و ضد سمی می باشد. مقوی دماغ و اعصاب است و برای تقویت دید چشم مفید است، برای بیماری های ناشی از سردی دماغی و اعصاب نظیر فلج، لقوه، کزاز، صرع، سرگیجه، رعشه، سستی بدن، زخم های سرد، دردهای مفاصل، درد دندان، سیاتیک، تقرس و همه دردهای سرد و مرطوب مفید است. برای رفع سنگینی گوش حاصل از سردی و رطوبت، تنگی نفس، سرفه، زخم های ریه و ضعف معده، طحال، کبد، کلیه و مثانه و خورد کردن سنگ کلیه، مثانه، سستی آلت تناسلی مرد، رفع بیماری های زخم و دردهای آن و برطرف کردن چرک از هر نوع که باشد بسیار نافع است به عنوان تریاق سم نیش عقرب و سایر سموم سرد مصرف می شود، ضماد آن که با ایرسا تهیه شود برای خارج کردن خار و استخوان مفید است. ضمناً برای مداوای اغلب بیماری های چشم تحلیل ورم ضربه وارده، زخم و... به کار می رود.<sup>۲</sup>

### روغن زیتون:

روغن زیتون عبارت از روغن ثابتی است که از میوه های رسیده گیاه اولنا اورویه آ از تیره اولناسه به دست می آید.

مشخصات: روغن زیتون با اتراتیلیک، سولفور کرین، کلروفرم قابل اختلاط و در الکل کمی محلول است. وزن مخصوص آن ۰/۹۱۰ تا ۰/۹۱۵ در ۲۵ درجه حرارت است در اثر سرد شدن روغن زیتون کدر می شود و در صفر درجه حرارت به صورت توده سفید دان دان در می آید.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: روغن زیتون بخورید زیرا روغن زیتون صفرا و سودای بدن را متعادل می کند، بلغم را از بین می برد، اعصاب را قوی و انسان را خوش اخلاق و نیک نفس و غم و اندوه را برطرف می نماید.

امام صادق علیه السلام: فرمود: روغن زیتون بخورید و با آن بدن را چرب کنید زیرا از شجره مبارکه (درخت مبارک) است.

روغن زیتون اثر نرم کننده، ملین و صفرابر دارد و از آن در رفع سنگهای صفراوی رفع یبوستهای مزمن، قولنج های ناشی از نفرت استفاده می شود.

روغن زیتون در استعمال خارجی، آرام و خنک کننده پوست بدن بخصوص در موارد آفتاب زدگی است. در رفع مسمومیت های ناشی از گزش مار و حشرات نیز اثراتی نیکو دارد بهتر است که روغن زیتون را مخلوط با آب لیمیا سرکه مصرف کرد.<sup>۱</sup>

برای استخراج روغن زیتون، میوه ها را بدون آنکه هسته آنها خرد شود در آسیاب له می کنند سپس خمیر حاصل را در داخل کیسه هایی که از الیاف گیاهی بافته شده است جای داده تحت اثر فشار ملایم بدون مداخله گرما قرار می دهند روغنی که بدین وسیله تهیه می گردد مرغوب ترین نوع روغن زیتون خوراکی است و به روغن خالص یا huile vierge و یا huile surfine موسوم می باشد طعم آن ملایم و رنگ آن روشن است به طوری که از زرد روشن مایل به سبز تا زرد طلایی تغییر می کند.

از روغن زیتون فشار اول منحصرأ استفاده دارویی می شود. در باقی مانده فشار اول با افزودن مقداری آب جوش یا بدون آن و تحت اثر فشار زیاد روغن دیگری حاصل می شود که همان روغن زیتون معمولی huile ordinaire است

۱- خوردنی و آشامیدنی ها از نظر پیشوایان علم و دین: ص ۶۸۶۷.



افزودن آب جوش برای به دست آوردن این روغن بدان علت است که اولاً مواد آلومینوئیدی موجود در روغن متعقد شود و ثانیاً مواد چرب حاصل از فشردن باقی مانده فشار اول بهتر جریان یابد. مایعی که بدین نحو در فشار دوم به دست می آید در ظروفی جمع آوری می گردد تا پس از قرار گرفتن روغن در سطح آب به طریق کج کردن ظرف روغن از آن جدا شود.

روغن فشار دوم نیز قابل مصرف است ولی ارزش آن به مراتب کمتر از روغن فشار اول می باشد روغن فشار دوم را قبل از عرضه شدن به بازار تجارت تحت اثر اسید سیتریک یا اسید تارتریک قرار می دهند. این عمل بدان خاطر است که رنگ روغن فشار دوم کهربائی شود.

از باقی مانده فشار دوم تحت اثر فشار زیاد، روغن فشار سوم تهیه می شود که طعم نامطبوع دارد و به مصارف صنعتی و تهیه صابون می رسد.

از پس آب فشار سوم نیز روغنی بنام huile d'enfler استخراج می شود که منحصرأ به مصارف صنعتی می رسد.

از نیم کوب هسته زیتون تحت فشار روغنی به دست می آید که اگر انجام آن بدون مداخله گرما صورت گیرد رنگ زرد روشن دارد ولی اگر با مداخله گرما انجام شود رنگ متمایل به سبز پیدا می کند این روغن را روغن هسته زیتون می نامند.

روغن زیتون مایعی به رنگ زرد روشن مایل به سبز تا زرد طلایی است و حالت زلال، شفاف و چسبنده دارد روغن زیتون مرغوب اگر به مدت طولانی نگهداری شود نباید در گرمای ۱۵ درجه رسوبی باقی بگذارد روغن زیتون در گرمای ۱۰ درجه شروع به کدر شدن می کند و در صفر درجه تدریجاً حالت انجماد پیدا می نماید و دان دان می گردد در منهای ۲۰ درجه نیز کاملاً می بندد.

معمولاً به روغن زیتون خالص، روغن های کم ارزش نظیر روغن پنبه کنجد و آراشید و غیره اضافه می کنند.

## خواص درمانی روغن زیتون:

روغن زیتون علاوه بر مصارف تغذیه اثر نرم کننده، ملین و صفرا بر دارد و از آن در دفع سنگهای صفراوی مرفع یبوستهای مزمن، قولنجهای ناشی از تقریت و مسمومیت از سرب استفاده به عمل می آید.

## ترکیب شیمیایی:

اگر چه ترکیبات شیمیایی در روغن زیتون نسبتاً متغیر است ولی دو نوع روغن زیتون از روی نسبت اسیدهای موجود در گلسیریدهای آنها شناخته شده اند. روغن زیتون ترکیه که نسبتاً فراوان است دارای ۷۵ درصد اسید اولئیک، ۱۰ درصد اسید پالمیتیک و ۹ درصد اسید لینولئیک و مقادیر جزئی اسیدهای استئاریک، میرستیک، هگزادی سن اولئیک و آراشیدیک می باشد روغن زیتون ایتالیایی که نسبتاً کمیاب تر است حاوی ۶۵ درصد اسید اولئیک، ۱۵ درصد از هر کدام از اسیدهای پالمیتیک و لینولئیک و مقادیر کمی اسیدهای دیگر می باشد.

۷۳ درصد روغن زیتون را اولئین مخلوط با پالمیتین تشکیل می دهد، به علاوه دارای مقدار بسیار کم استئارین، آراشیدینیک، فیتوسترول و غیره است.

## مصرف:

روغن زیتون ماده ای است نرم کننده و همچنین دارای خاصیت مغذی و ملین. در صنایع دارویی جهت تهیه صابون و مشمع و غیره به کار می رود و همچنین از نظر غذایی به عنوان روغن سالاد مصرف می شود.<sup>۱</sup>

برای تسکین دردهای روماتیسمی ۱۰۰ گرم بابونه را در یک لیتر روغن زیتون به مدت ۲ ساعت در بن ماری قرار دهید و از روغن به دست آمده برای مالیدن موضعی استفاده کنید.<sup>۲</sup>

برای تهیه روغن ضد روماتیسم که به طور موضعی مصرف می شود چنین عمل

۲- آشنایی با گیاهان دارویی، ص ۳۵.

۱- مفردات پزشکی جدید، (فارماکوتوزی) ۱۹۷۳، ص ۲۲۵.

می‌کنند: ۱۰۰ گرم برگ خشک غار را در ۱۰۰ گرم الکل به مدت ۲۴ ساعت در یک ظرف در بسته می‌خیسانند، سپس یک لیتر روغن زیتون به آن اضافه می‌کنند و به مدت ۶ ساعت بی آنکه بجوش بیاید در بن‌ماری قرار می‌دهند و پس از صاف کردن مصرف می‌کنند.<sup>۱</sup>

روغن کنجد دیر فاسد می‌شود، روغن کنجد برای جلای مو بسیار نافع است و بهترین روغن‌هاست.<sup>۲</sup>

ارزش غذایی آراشید یا پسته زمینی از تجزیه آن معلوم می‌گردد، به طوری که دارای ۲۸ درصد و ۳۷ درصد مواد ازته و ۵۱ و ۷۵ درصد مواد روغنی و ۱۷ و ۶۶ درصد هیدرات دوکربن می‌باشد به علاوه دارای ویتامین‌های A, D, B می‌باشد، دارای اسیدهای آمینه ارژی‌نین، هیستیدین، سیستین، لئیدین می‌باشد ولی نباید در خوردن آن افراط کرد زیرا فاقد مواد سلولزی می‌باشد و در نتیجه تولید یبوست می‌کند، اعراب پسته زمینی را بهترین مقوی قوه باه می‌دانند.<sup>۳</sup>

اشخاصی که یبوست دارند به طور مداوم روغن زیتون استفاده کنند، یعنی برای همیشه پس از نهار و شام یک قاشق سوپخوری روغن زیتون بخورند، مفید است. روغن زیتون برای مبتلایان به یبوست سه خاصیت دارد:

- ۱- کبد آنها را در صورت مریض بودن معالجه می‌کند.
  - ۲- آن‌که مزاج آنها را لینت می‌دهد.
  - ۳- آن‌که موجب خواهد شد که قطرات منی در حین قضای حاجت از آنها دفع شود.<sup>۴</sup>
- روغنی را که از هسته هلو استخراج می‌شود و به شکل محلول روی برآمدگی بواسیر و ورم آن می‌مالند آن را معالجه می‌کند.<sup>۵</sup>
- چکانیدن روغن زیتون در چشم، اولاً ریزش آب چشم را برطرف و در ضمن تقویت هم می‌کند.<sup>۶</sup>

۳- همان، ص ۳۱.

۲- همان، ص ۴۹.

۱- طبیب خانواده، ص ۳۸.

۶- همان، ص ۲۴۵.

۵- همان، ص ۱۸۳.

۴- همان، ص ۱۸۰.

روغن هسته هلو، گوشی را که صدا بدهد فوراً ساکت می‌کند.

اگر هزارپا در گوش رود روغن بچکانید تا بیرون بیاید.

اگر کری از بلغم باشد روغن ترب صبح و شام در گوش بچکانید.

طرز تهیهٔ روغن ترب: ۸۰ مثقال آب ترب را با ۳۰ مثقال روغن کنجد بجوشانید تا آب بسوزد و روغن بماند.<sup>۱</sup>

چکانیدن روغن بنفشه در دسر را زائل، دماغ را به اصلاح می‌آورد و هم چنین روغن زیتون و کنجد.<sup>۲</sup>

آب کاهو با روغن گل سرخ جهت صداع جاز مفید است که بر پیشانی بمالند.<sup>۳</sup>  
برای رفع صدای سر: مقداری بادام در روغن دنبه سرخ کنید که به رنگ قهوه بشود و بکوبید روغن آن را بگیرید و بر سر بمالید.<sup>۴</sup>

روغن فندق بو داده تقویت کنندهٔ دماغ است نیروی شهوانی را هم زیاد می‌کند.<sup>۵</sup>  
یکی از خواص روغن زیتون تازه این است که چون آن را با عسل مخلوط کرده سه روز بجای چای و آب بیاشامند پیران را باعث هیجان و قوهٔ باه می‌گرداند.<sup>۶</sup>  
روغن فندق تقویت کنندهٔ نیروی شهوانی است و فندق بو داده روغنی بیشتر دارد و طعمش گوارا است.<sup>۷</sup>

اگر روغن زیتون را به انگشت زده و لثه و دندان بچه‌ها را با آن مالش دهید برای کمک به درآوردن دندانها مفید است.

حنای خشک با روغن کهنهٔ گاو بر محل دندان اطفال بمالید رویدن دندان سهل شود.<sup>۸</sup>

اگر انگشتان خود را به روغن زیتون آغشته کنید و لثهٔ دندانها را محکم مالش دهید باعث تقویت لثه‌ها و دندان خواهد شد.<sup>۹</sup>

|                     |                 |                 |
|---------------------|-----------------|-----------------|
| ۱- همان، ص ۳۴۸-۳۴۹. | ۲- همان، ص ۳۵۳. | ۳- همان، ص ۳۵۳. |
| ۴- همان، ص ۳۵۳.     | ۵- همان، ص ۳۵۶. | ۶- همان، ص ۳۹۳. |
| ۷- همان، ص ۳۹۴.     | ۸- همان، ص ۴۳۳. | ۹- همان، ص ۴۳۸. |

### یک مطلب در باره روغن حیوانی:

دو نفر بنام‌های پرفسور لمبکه و دکتر فرام آلمانی عقیده دارند: چون روغن‌های حیوانی از اجزاء حلقوی ترکیب یافته‌اند به سهولت در روده‌ها جذب و حل می‌شوند و روغن نباتی فاقد چنین خاصیتی است و به علت اینکه دارای مقدار زیادی اسید لینول می‌باشد برای سلامتی مضر می‌باشد. دو دانشمند مذکور همچنین اعلام داشته‌اند: تصور اینکه روغن‌های حیوانی موجب افزایش کلسترول در خون می‌شود از نظر علمی بی‌اساس است و به علاوه هم اکنون یکی از پزشکان اظهار عقیده داشته رسوب کلسترول در جدار عروق بدن، یک عمل دفاعی بدن بوده، رگهای بدن که به علت بیماری گشاد شده‌اند بدن به دفاع پرداخته با رسوب کلسترول آنها را تنگ‌تر و معتدل می‌سازد.

### مطلبی از روغن نباتی:

بیشتر روغن‌های نباتی مایع هستند مگر اینکه با نشانیدن هیدروژن (هیدرژناسیون) روی اتصال مضاعف روغن مایع در صنعت مارگارین و روغن جامد به دست بیاورند. روغن‌های نباتی مایع دارنده ویتامین A می‌باشند چون تبدیل به جامد شوند قسمت اعظم آن تغییر شکل می‌یابد.

امروزه از گردو، کنجد، منداب، میخک، الفت *colza* و... روغن نباتی تهیه می‌شود و از همه بهتر روغن زیتون است در صورتی که با فشار اول به دست آمده باشد.

روغن زیتون مانند اغلب روغن‌های نباتی مخلوطی از گلیسریدهای مخلوط و اسیدهای چرب با وزن مولکولی زیاد می‌باشد جمع کل اسیدهای چرب به دست آمده مثلاً از روغن زیتون تونس ۱۳-۳۱/۴ درصد است.

در روغن زیتون، تری‌اولئین‌دیک، الئومارگارین *margarineoleo* و کمی الئومونوپالمیتین *di.oleomonopal mitine* درصد قسمت روغن زیتون ۳۷ درصد آن اولئین است که در صفر درجه از آن جدا می‌شود ولی کمی استئارین و پالمیتین همراه است و قدری آراشید

و قسمتی که صابونی نشده و از یک درصد تجاوز نمی‌کند فتوسیتترین و مقدار ویتامین a,e که کم و بیش در موقع گرما و تصفیه از بین می‌رود و دارای مقداری لسیتین و مقداری سبزینه و گزانتوفیل که رنگ سبز و زرد روغن زیتون مربوط به آنهاست دیاستازهایی نیز در روغن زیتون بوده و گلوکزید تلخی در روغن زیتون می‌باشد.

روغن زیتون دارای ماده‌ای رزینی است به نام ویریدین viridine و به‌طور کلی اسیدهای چرب روغن زیتون کاملاً تصفیه و محتوی مواد زیرند:

تراس اسید میری‌سیتیک acid mgristique

۶/۹ اسید پالمیتیک acid palmitique

۲/۳ اسید استئاریک acid stearique

۰/۱۰ اسید آراشیدیک arach acid idique

تراس اسید هگزاد سنوئیک acid hexadecenoique

۸۴/۴ اسید اولئیک acid oleique

۴/۶ اسید لینولئیک acid linoleique

در مغز زیتون ۲۸/۵۲ درصد در میوه ۷۰ درصد روغن وجود دارد.

روغن زیتون آن نواحی که خاک آهکی دارد بهتر از مناطق خاک رس است و در خاک رس روغن کمتر و تلخ‌تر به دست می‌آید.

رنگ روغن زیتون از زرد پریده تا سبز تیره تغییر می‌کند و نوع مرغوب خوراکی آن زلال و شفاف و زرد طلائی یا کمی سبز است. مزه روغن به دست آمده از میوه نارس، ناگوار است. مزه روغن باید ترش و تند نباشد.

روغن زیتون در برابر عوامل آب و روشنائی و اکسیژن تغییراتی می‌یابد.

زیتون سرشار از ویتامین‌های a,b,c و مواد روغنی مغزی می‌باشد.

روغن زیتون را اگر با سیرکوبیده، مخلوط و مرهمی تهیه نمایند برای انواع دردهای

رماتیسمی بسیار خوب است و اگر بر ستون فقرات بمالند خستگی را دفع می‌نماید.

خوردن روغن زیتون جهت باز کردن رنگهای تیره نافع است و ضماد از برگ زیتون

لکه‌های ناخن را می‌گیرد.

روغن زیتون به مدت ده روز بر سر مالند برای ریزش مو مفید است.

روغن زیتون گرم را به جای عقرب زده بمالند تسکین می‌دهد.

مالش تن کودکان مبتلا به راشیتیس و کم خونی سبب می‌شود زودتر بهبود یابد و

کمک مؤثری برای درمانهای دیگر خواهد بود یعنی درمان تقویتی می‌باشد.<sup>۱</sup>

### روغن آفتابگردان:

مغز روغن دار میوه آفتابگردان را به وسیله ماشین‌های مخصوص از پوسته سخت و

خارجی آن جدا نموده به وسیله دستگاه‌های فشار از آن روغن استخراج می‌کنند.

روغن فشار اول مغز دانه‌های آفتاب گردان که بدون مداخله گرما به دست می‌آید

معادل ۱۸ تا ۲۰ درصد وزن کلی آنهاست. پس از آن بلافاصله تحت اثر گرما روغن

دیگری معادل ۱۲ تا ۱۵ درصد استخراج می‌گردد از تفاله باقیمانده نیز روغن نامرغوب

فشار سوم استخراج می‌شود که به علت ناخالص بودن منحصرأً به مصارف صنعتی

می‌رسد.

روغن فشار اول که بدون مداخله گرما به دست می‌آید رنگ زرد روشن طعم ملایم و

بوی مطبوع دارد ولی روغن‌هایی که تحت فشار اثر حرارت به دست می‌آید دارای رنگ

تیره و بوی مشخص می‌باشد.

روغن آفتابگردان دارای ۵۷ درصد لینولین، ۳۲ درصد اولئین و به مقدار کم از

پالمیتین، استئارین، آراشیدین و لینوسرین است.

روغن فشار دوم آفتاب گردان در صنعت به مصرف تهیه صابون و همچنین ورنی‌های

فاسد نشدنی می‌رسد.<sup>۲</sup>

۱- اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۹، ص ۱۵۲-۱۴۴.

۲- گیاهان دارویی، ج ۲، ص ۲۰۲-۲۰۴.

## روغن کنجد:

روغن کنجد را اگر از کنجد پوست نگرفته بگیرند آن را دهن الحل نامند و خیلی لزج است، ولی اگر از کنجد پوست گرفته بگیرند، لزوجت آن کمتر است. ساییده و کوبیده کنجد را بدون اینکه روغن آن را استخراج کنند ارده نامند.

روغن کنجد از نظر طبیعت طبق نظر حکمای سنتی گرم و تر است و قدرت خواص آن تا هفت سال می ماند خوردن آن با داروهای مناسب بازکننده گرفتگی ها و انسداد است و لینت مزاج می دهد و مرطوب کننده است برای رفع تنگی نفس و سرفه خشک و زخم ریه و تشنج خشک از خود دانه کنجد قوی تر است، از نظر رفع سوزش مجرای بول خاصیت آن نظیر دانه کنجد می باشد.

در آتش رسوب مریضها، بعد از روغن بادام مفیدترین روغن هاست.

مالیدن روغن کنجد به صورت، موجب درخشانی و نرم شدن و شفافیت پوست صورت می شود. مالیدن روغن کنجد برای زخم آبله و سوختگی آتش مفید است جانشین روغن کنجد از نظر خواص، روغن بادام شیرین است.<sup>۱</sup>

به عربی: دهن السمسم samsim

برای استخراج روغن کنجد ابتدا دانه را به خوبی تمیز و پاک نموده در آب می شویند تا مواد رنگی پوسته دانه که موجب رنگین شدن روغن می گردد از آن خارج شود سپس دانه ها را له کرده در آب وارد می سازند تا پوسته دانه در سطح آب شناور و از آن جدا شود مغز دانه های جدا شده را پس از خشک شدن در کمی آب جوش به صورت خمیر درمی آورند و تحت فشار بدون مداخله گرما از آن روغن استخراج می کنند. با این روش از دانه کنجد به تناسب نوع آن معادل ۳۸ تا ۵۰ درصد روغن به دست می آید از باقی مانده فشار اول تحت اثر گرما و فشار نیز روغنی حاصل شده که منحصراً به مصارف صنعتی و تهیه صابون و غیره می رسد.

روغن کنجد خوراکی که از دانه های عاری از رنگ و بدون مداخله گرما تهیه می شود



فاقد بو و به رنگ زرد روشن با طعمی ملایم است از امتیازات آن این است که در زمستان تحت اثر برودت انجماد حاصل نمی‌کند و اگر در تهیه آن دقت کافی به عمل آمده باشد به طور خفیف ممکن است تند گردد.

وزن مخصوص روغن کنجد در گرمای ۱۵ درجه بین ۰/۹۲۳ و ۰/۹۲۶ است.

نقطه انجماد آن ۴ تا ۶ درجه می‌باشد اندیس صابونی آن بین ۱۰۰ و ۱۰۴ است.

از امیرالمومنین علیه السلام: روغن کنجد در تابستان بهترین روغن برای تهیه غذاهاست. از امام صادق علیه السلام: بهترین خورشت‌ها روغن کنجد است. برای مردمی که سنین عمرشان از پنجاه بگذرد روغن کنجد مایه توانایی و نشاط خواهد بود.<sup>۱</sup>

#### ترکیبات شیمیایی روغن کنجد:

روغن کنجد مرکب از ۷۵ تا ۸۰ درصد گلسیریدهای اسیدهای چرب اولئیک و لینولئیک و ۱۵ درصد از گلسیریدهای اسیدهای چرب جامد پالمیتیک، استئاریک و آراشیدیک درصد لسیتین و غیره است.

#### روغن گیاهان:

۱- روغن آراشید: که از بادام زمینی یا بادام چینی گرفته می‌شود در طب‌اخی و صنعت مورد استفاده است و نباید او را با پسته زمینی که نام دیگرش مشک زمینی است اشتباه گرفت.

این روغن دارای ازت و ویتامین‌های  $a, b^1, b^2$  مقدار مواد بر حسب آب و هوای کشورها و مناطق مختلف فرق می‌کند. روغن آراشید یکی از روغن‌های سبک و مرغوب است که از آن روغن کافوری استفاده می‌شود.

۲- روغن مرزنگوش یا مرزنجوش: طرز تهیه: صد گرم مرزنجوش خشک را کوبیده و در نیم لیتر روغن زیتون بریزید و دو ساعت ظرف آن را در ظرف دیگری که پر از آب

جوش و روی آتش است بگذارید و به هم بزنید، پس از آن با پارچه یا صافی مخصوص آن را صاف کنید در شیشه در بسته‌ای بریزید و حفظ کنید و هر وقت درد رماتیسم یا سیاتیک بر بدن شما غلبه کرد با دست به محل درد بمالید و چند روز که این کار کردید بهبودی محسوس در حالت خود احساس خواهید کرد.

۳- روغن مصطکی: مقدار یک اوقیه که ۷ مثقال و نیم باشد، مصطکی در یک رطل ۹۰ مثقال به قدر مضاعف به این معنی که دو ظرف که یکی آب داشته باشد روی آتش بگذارید تا آب در او بجوشد و ظرف دیگری که روغن و مصطکی در او باشد در میان آن ظرف آبدار گذاشته تا از حرارت آب مصطکی در روغن حل گردد.

۴- روغن ترب: چنانچه آب برگ ترب را قبل از آنکه بذر پیدا کند گرفته و در روغن زیتون ریخته بجوشانند تا آب آن از بین برود به شرط آنکه نسوزد این روغن گرم کننده بوده و کسانی که می‌خواهند دست و پا و عضلات خود را گرم کنند از آن می‌توانند استفاده کنند. خوردن این روغن جهت فالج و لقوه مفید است، ضد سم عقرب و حشرات سمی است و نیز می‌توان آن را بر عضلات خواب رفته و بی حس مالید. این روغن جهت رفع زبری پوست پینه و برص نیز تجویز شده است. اسانس او مانند خردل است، گرد خشک ریشه او خواص خود را از دست نمی‌دهد. از این جهت است که در بعضی از کشورها قوانین دارو سازی اجازه می‌دهد که پودر ترب را جای پودر خردل به کار ببرند.

۵- روغن ریحان: ریحان را در آب جوشانده تا خوب پخته شود، سپس صاف کرده و آب آن را با روغن کنجد مخلوط نموده بجوشانید تا آبها بخار شده و روغن خالص بماند. همچنین در روغن ریحان موقع جوشانیدن روغن یا آب دقت شود که آتش پر حرارت نباشد که روغن‌ها را به خارج پراکنده می‌کند.

۶- روغن سیاه دانه: یک سیر سیاه دانه را در نیم لیتر آب بجوشانید تا نصف آب بخار شود، سپس صاف نموده و آن آب را در روغن کنجد یا زیتون مخلوط نموده با آتش نرم آنقدر بجوشانید تا آبها بخار شود و روغن بماند، سپس بردارید و در شیشه بریزید.

۷- روغن بنفشه: گل بنفشه را در سه برابر وزن گل در روغن کنجد مخلوط کرده بعد از

پنج روز صاف نماید و مجدداً گل بنفشه تازه را اضافه کنید و بعد از پنج روز صاف نمائید تا رنگ و بوی بنفشه به خود بگیرد.

۸- روغن گل سرخ و گل مادران و شبت یا شوید: هر سه روغن را می توان جدا جدا به شرح زیر روغن گرفت: گل را ۲۴ ساعت در آب بخیسانند بعد بجوشانند، سپس صاف کنند و آب آن را در روغن زیتون یا کنجد به قدری بجوشانند که آب بخار شود، روغن بماند. دقت شود که آتش ملایم باشد که روغن خارج از ظرف نپزد و یا آتش گرفته تماماً نسوزد.

۹- روغن مرزه و سایر سبزیها: مرز یا صعتر خشک شده را در آب خیس کرده به مدت یک شب، و اگر سبزی تازه باشد خیس کردن لازم نیست، به قدری که آب روی سبزیها را گرفته باشد، سپس بجوشانید تا آب به نصف برسد بعد صاف کنید و جرم سبزیها را دور بریزید. آن آب را مجدداً با روغن کنجد یا زیتون به قدری بجوشانید که تماماً آب داخل روغن تمام شود فقط روغن بماند، می گویند: روغن مرزه.

۱۰- روغن کدو و خواص آن: کدوی پوست کنده را با ماشین آب گیری آب گرفته و یک چهارم آن روغن زیتون یا کنجد بجوشانید تا آب تماماً بخار شود و روغن بماند، طبیعتش سرد و تر است بدن را رطوبت دار می کند و این روغن برای مبتلایان به تب دق و مالیخولیا و حرارت و یبوست دماغ، مغز، تشنج یابس و سرفه حار و نرم کردن غدد و امثال آن بسیار مفید است.

۱۱- روغن گاو: لطیف ترین روغن هاست. محلل، منضج، مقاوم سموم و مانع رسیدن سم افعی به قلب و ملین جلد و پوست بدن و پاک کننده بشره و فضولات دماغی و سینه و چاق کننده خشونت سینه و یرقان و طحال و سنگ. یک اوقیه یا نیم اوقیه شکر جهت بند آوردن ادرار با آب گرم خوردن و قی کردن جهت دفع سموم و تنقیه با آب خاکستر جهت زخیره و زخم روده و حمول او با پیه مرغ پاک کننده رحم و قاطع بواسیر و شقاق جهت ریزش خون مالیدن روغن مکرر محلل اورام و مانع به هم آمدن دهان زخم های کهنه یا با حنا جهت خارش بی عدیل است و چون با شیر بجوشانند جهت درد مفاصل بغایت

مؤثر است در محرورین و مرض معده ضعیف و بلغمی مزاج و مضعف هاضمه مصلح آن در ترشیاها است.

۱۲- روغن سنا: جوشانده ۴ گرم برگ سنا در ۱۶ گرم روغن زیتون که به نصف برسد می شود روغن سنا.<sup>۱</sup>

### روغن کرچک:

در دانه کرچک روغنی ثابت به نام روغن کرچک وجود دارد که محصول اصلی این گیاه است و بسته به ارقام مختلف مقدارش از ۶۰ - ۳۵ درصد وزن دانه را تشکیل می دهد.

خوردن روغن کرچک اشتها را از بین می برد و ممکن است موجب آشفته گی و درهم ریختن حال عمومی شود، تهوع آور است و برای اصلاح آن می توان آن را با نعناع، کتیرا و مصطکی خورد. از روغن کرچک به عنوان مسهل و جهت تنقیه استفاده می شود.<sup>۲</sup>

از فشردن دانه های بدون پوسته تهیه می شود. امروزه از دانه کرچک ۴ نوع روغن: روغن فشار اول، روغن کرچک دارویی، روغن فشار دوم و روغن سولفوریه تهیه می کنند. روغن کرچک مایعی است غلیظ، زلال، چسبنده، بی رنگ یا به رنگ کمی زرد و دارای بو و طعم ناپسند که در گرمای ۱۵ درجه دارای وزن مخصوصی بین ۰/۹۵۰ تا ۰/۹۷۰ است.

روغن کرچک دارای استئارین، به مقدار کم پالمیتین، بخصوص ریسینوئیلین ricinoleine، گلیسرید اسید ریسینوئیلیک و گلیسریدهای دیگر است. به علاوه دارای مقدار کمی اسید دی اوکسی استئاریک و اسید ایزوریسینوئیلیک به فرمول  $C^{18}H^{34}O^3$  می باشد.

دانه کرچک دارای نوعی ترکیب البومین با اثر سمی شدید به نام ریسین ricine است.

۱- مجموعه طب سنتی و گیاهی، ص ۱۸۳-۱۸۴-۱۸۵-۱۸۶-۴۳۲.

۲- معارف گیاهی، ج ۶، ص ۴۱۵-۴۱۷-۴۱۸.

خواص درمانی: روغن کرچک دارای اثر ملین و مسهلی است. مصرف آن با تحریکات روده همراه نیست و به علاوه می‌توان آن را مناسب‌ترین مسهل در طی دوران آبستنی دانست. به عنوان رفع یبوست عادی نیز می‌توان روغن کرچک را مورد استفاده قرار داد.

روغن کرچک در مصارف داخلی به عنوان ملین به مقدار دو تا ده گرم و به عنوان مسهل به مقدار ده تا شصت گرم، در اشخاص بالغ دو گرم بر حسب هر یک از سنین عمر در اطفال مصرف می‌شود.

برای رفع طعم بد روغن کرچک آن را به صورت مخلوط در آبجیا قهوه و یا آب نارنج مصرف می‌کنند.

### روغن پالمیست:

میوه درخت نخلة الزیت محتوی مغز روغن‌داری است که در بازار تجارت تحت نام پالمیست palmiste در معرض استفاده قرار می‌گیرد.

از میوه این درخت دو نوع روغن به شرح زیر تهیه می‌شود:

۱- روغنی که از پولپ میوه به دست می‌آید و به روغن نخل huile de palme موسوم است.

۲- روغنی که از مغز دانه استخراج می‌شود و huile de palmiste نامیده می‌شود.

طرز استخراج روغن: برای استخراج روغن ابتدا میوه‌های متعدد آن را جدا می‌سازند سپس آنها را به مدت چند روز به حال خود باقی می‌گذارند تا تخمیر حاصل کنند. بعداً آنها را بر روی یکدیگر فشار می‌دهند تا قسمت گوشتدار میوه (پولپ) از بقیه جدا گردد، در این موقع پولپ‌ها را در یک ظرف محتوی آب جوش وارد می‌کنند تا مواد روغنی آن جدا گردد و در سطح آب شناور شود، با کج کردن ظرف محتوی آب و روغن، روغن را از آن جدا کرده جهت تصفیه مجدد تحت اثر آب جوش قرار می‌دهند تا روغن حاصل به صورت نوع مرغوب درآید.

روغن نخل *huile de palme* در درجه حرارت ۴۰ درجه حالت مایع دارد، رنگ آن نارنجی است و در حالت تازه به طور ملایم بوی بنفشه از آن استشمام می شود. این روغن چون به سهولت تند می گردد قابلیت نگهداشتن ندارد و فقط خود محل پس از استخراج از آن جهت تغذیه استفاده می کنند از مصارف مهم روغن نخل صابون سازی و چرب کردن چرخ ماشین آلات است که در مورد اخیر باید آن را با پیه یا لسیود و سود مخلوط کرد. *huile de palmiste* از مغز درون هسته پس از شکستن آن به دست می آید. برای این کار مغز درون هسته را ابتدا جدا کرده بخوبی خشک می کنند، سپس تحت اثر فشار زیاد و گرما معادل ۴۰ تا ۴۵ درصد روغن از آن استخراج می نمایند. این روغن رنگ سفید دارد و در گرمای بیشتر از ۲۵ درجه حالت روان به خود می گیرد.

از آن منحصراً برای مصارف تهیه صابون و تهیه شمع استفاده می شود. ترکیب شیمیایی این روغن تقریباً مشابه بورد و کوکو است. در آن پر از ویتامین های A, B, R، کاروتن همراه با لیکوپن *lyco pene*، تئولیکوپن و غیره یافت می شود. درخت نخلة الزيت در ایران نمی روید.

#### روغن روسی *huile de russe*

از قطران به دست آمده از پوست درخت توس یا خان (به عربی شجرة التامول)، اگر تحت اثر تقطیر جزء به جزء قرار گیرد اسانس به نام اسانسی بولو *eccence de bouleau* یا روغن روسی می دهد که رنگ زرد و چسبندگی ملایم دارد. بوی آن مطبوع و مرکب از نوعی الکل به نام بتولول *betulol* است که ۴۵ تا ۵۵ درصد آن به حالت آزاد و ۳۰ درصد به حالت اتریفید با اسید استیک است. از این اسانس یا روغن در پزشکی و همچنین در صنعت برای تهیه پوست استفاده می شود.<sup>۱</sup>

## روغن کاد:

روغن کاد نوعی قطران گیاهی مایع است که بین مردم و در کتب دارویی به روغن کاد huile de cade موسوم گردیده است.

این قطران که از نظر دارویی بیشتر به مصارف درمانی بیماریهای جلدی می‌رسد از یکی از گیاهان تیره کاج است. روغن کاد در درمان بیماریهای جلدی و جهت دفع طفیلی‌ها بخصوص در دامپزشکی مورد استفاده قرار می‌گیرد، بوی ناپسند آن را با افزودن ژرانیوم کاهش می‌دهند. از روغن کاد امروزه بیشتر در درمان آگزما، داءالصفد و بیماریهای جلدی دیگر مانند جرب، کچلی و غیره استفاده به عمل می‌آید. در مصارف داخلی بندرت به منظور دفع کرم‌های روده به مقدار ۲۰ قطره در هر کپسول مصرف می‌شود روغن کاد مخلوط با روغن بادام شیرین جهت رفع آگزما و مخلوط روغن کاد و زرده تخم مرغ و عصاره روان کیلایا qiullaga و آب به مقدار کافی جهت رفع آگزما و بیماریهای مزمن جلدی استفاده به عمل می‌آید.<sup>۱</sup>

## روغن کروتون huile de croton

از دانه کروتون روغنی به نام روغن کروتون تهیه می‌شود. روغن کروتون را به طریق ساده از دانه‌های عاری از پوسته و بو داده تحت اثر فشار به دست می‌آورند یا آنکه دانه‌ها را خرد کرده در بین صفحات فلزی و گرم دستگاه فشار قرار داده، روغن آن را استخراج می‌کنند طریقه صنعتی با انجام طریقه اخیر روغنی به دست می‌آید که موثرتر از روغن روش اول است.

روغن کروتون که به طریقه فشار به دست آمده باشد به صورت مایعی زلال به رنگ زرد روشن کمی چسبنده و دارای فلئورسانس است، ولی روغنی که به طریقه لیکسیاسیون حاصل گردیده باشد غلیظتر و دارای رنگ تیره‌تر با واکنش اسیدی بیشتر است بوی آن ضعیف و طعمش بسیار تند و سوزاننده است. در اثر، سولفور دو کربن و

۱- گیاهان دارویی، ج ۳، ص ۳۵۸-۳۵۹-۳۶۰-۳۶۱-۳۶۲.

کلروفورم حل می‌گردد.

روغن کروتون دارای ۶۰ درصد از گلیسریدهای اسیدهای اشباع شده مانند اولئیک و لینولئیک است. از روغن کروتون به علاوه یک ماده روغنی به نام کروتونول (crotonol)، یک گلوکزید به نام کروتونوزید (crotonoside) و یک فیتوتوکسین به نام کروتونین (crotonine) یا کروتین (crotine) نیز استخراج کرده‌اند.

**خواص درمانی روغن کروتون:**

روغن کروتون دارای اثر مسهلی بسیار قوی است به طوری که اگر یک تا ۲ قطره آن مصرف گردد بعد از نیم ساعت اثر آن ظاهر می‌شود و ۵ تا ۱۰ دقیقه حس احتیاج به دفع به انسان دست می‌دهد در دفعات اول مدفوع حالت جامد است ولی تدریجاً روان می‌شود.

مصرف روغن کروتون: در مصارف داخلی، تولید ناراحتی، صدهائمی در امعاء و احساس سوزش در ناحیه مقعد می‌کند، هر قطره روغن کروتون از نظر مسهلی برابر با ۳۰ گرم روغن کرچک عمل می‌کند. باید توجه گردد اصولاً برای مبتلایان به التهاب روده بیماریهای مثانه، بواسیر و برای زنان باردار تجویز نشود.

روغن کروتون اگر بر روی پوست اثر داده شود ایجاد قرمزی می‌کند ولی ادامه این عمل با احساس درد و تولید تاول و بثورات همراه می‌باشد.

از این روغن در استعمال خارجی اگر موردی پیدا نشود می‌توان در سیاتیک، روماتیسم، ذات الریه، ورم مفاصل، برونشیت و غیره استفاده کرد ولی در هر حال در استعمال خارجی نیز باید روغن کروتون با یک روغن بی اثر مانند روغن زیتون رقیق شود برای این کار نیز معمولاً آن را با ۵ تا ۱۰ برابر وزنش روغن زیتون مخلوط می‌کنند.

استعمال مقدار کم روغن کروتون حتی پس از ایجاد تاول عوارضی به وجود نمی‌آورد یعنی پس از بهبود تاول اثری از آن بر روی پوست باقی نمی‌ماند ولی اگر به مقادیر زیاد استعمال بشود یا مقادیر نسبتاً کم آن تکرار گردد عوارض جلدی مذکور بر روی پوست باقی خواهد ماند.<sup>۱</sup>



### روغن کورکاس:

روغن کورکاس از دانه‌های عاری از پوسته گیاه دندبری *dand barri* تحت اثر فشار و بدون مداخله حرارت به دست می‌آید.

این روغن رنگ زرد روشن دارد و در صفر درجه انجماد حاصل می‌کند.

خواص درمانی روغن کورکاس: روغن کورکاس دارای اثر مسهلی قوی است به طوری که ۶ تا ۷ گرم آن معادل ۴۵ گرم روغن کرچک تأثیر می‌کند.

روغن کورکاس اثر تحریک کننده بر روی پوست بدن ندارد از این جهت در صابون‌سازی از آن استفاده می‌کنند.

گیاه دندبری یا حب الملوک در ایران نمی‌روید.<sup>۱</sup>

### روغن گردو:

روغن گردو رنگ زرد روشن مایل به سبز و طعم ملایم و مطبوع دارد و هر قدر نیز تازه‌تر باشد مصرف آن برای طب‌بخشی بهتر خواهد بود از معایب آن این است که به سهولت تند می‌شود. روغن گردو چون از روغن‌های خشک شونده است برای مصارف نقاشی و تهیه صابون و ورنی از آن استفاده می‌شود.

روغن گردو مرکب از مخلوطی از تری‌گلیسریدهای اسیدلینولئیک، اولئیک و لوریک است.<sup>۲</sup>

### روغن چوب:

از تنه درختان مختلف *drghalanops* مانند *d.turbinatus gaertn* در جاوه و *d.zeglanicustw.* سیلان *d.angustifolius.w.a* کشنشن و مخصوصاً از *d.alatus roub* واریته‌های آن نوعی اولئورزین به نام بم دو گورژون *baume de gurjun* به صورت زیر استخراج می‌گردد:

در قاعده ننه درخت و به فاصله کمی از سطح زمین سوراخ بزرگی به وجود آورده در داخل آن آتش روشن می کنند با این عمل اولئورزین مذکور جریان یافته در ظروفی جمع آوری می گردد بدین نحو از هر درخت تنومند معادل ۸۰ لیتر از ماده مذکور که روغن چوب huile de bois هم نامیده می شود به دست می آورند که دارای حالت روان چسبناک و رنگ خاکستری مایل به سبز است این عمل به مدت شش سال متمادی می تواند در درختان فوق انجام گیرد از اولئورزین مذکور روغن چوب در تهیه ورنی و برای مصارف نقاشی استفاده فراوان به عمل می آید از نظر درمانی گاهی به جای بم دوکوپاهو به کار می رود.<sup>۱</sup>

### روغن خردل سیاه:

این روغن از دانه های خردل سیاه تحت فشار به دست می آید. روغنی متفاوت از روغن خردل سفید و دارای رنگ زرد مایل به قهوه ای است. طعم آن ملایم و بوی آن به طور محسوس همان بوی آرد خردل است. در ۱۷ درجه می بندد به مصارف صنعتی و تهیه صابون می رسد ولی اگر تصفیه گردد قابل خوردن است.

از گونه دیگری از این گیاه مانند brassica juncea cosson روغن قابل مصرفی به مقادیر زیاد در روسیه تهیه می شود.<sup>۲</sup>

### روغن خشخاش:

معمولاً از var.mgrum(galls)teh که ساقه ای نسبتاً منشعب و گل‌هایی به رنگ بنفش یا قرمز با یک لکه سیاه در قاعده هر گلبرگ دارد به دست می آید. این وارته دانه‌هایی به رنگ سیاه، قهوه‌ای یا مایل به آبی دارد و از آنها بر اثر فشار ولی بدون مداخله گرما روغنی بی رنگ یا به رنگ سفید مایل به زرد یا زرد روشنی به مقدار ۳۵ درصد به دست می آید که به مصارف تغذیه می رسد و در دارو سازی نیز از آن استفاده می گردد روغن فشار دوم آنکه تحت اثر فشار و گرما حاصل می شود به خلاف روغن فشار اول به رنگ

قهوه‌ای یا قرمز حنائی است و منحصرأ به مصارف صنعتی می‌رسد.

روغن خشخاش دارای ۶۵ درصد لینولئین، ۳۰ درصد اولئین و ۵ درصد لینولئین linolenine است.

در داروسازی از روغن خشخاش برای مصارف هدیده مانند تهیهٔ بم‌ترانکی huile camomile و پماد آنتی‌پسوریکی p.antipsorique استفاده به عمل می‌آید.<sup>۱</sup>  
روغن کوکوم:

g.indica chois درختی است که در شبه جزیرهٔ مالاکا می‌روید. از دانه‌اش روغنی به نام روغن کوکوم huile de kokum، بوردوکوکوم beurre de kokum به دست می‌آید که رنگ سفید و حالت کره مانند دارد. بو و طعم آن شبیه بورد و کاکائو است، در تهیهٔ اوتکان‌ها به عنوان اکسیپیان مورد استفاده قرار می‌گیرد.<sup>۲</sup>

روغن کولزا huile de colza:

مهمترین وارسته آن var.oleifera dc می‌باشد که رشته‌های باریک با تورم نسبتاً کم داشته و کولزا colza نامیده می‌شود از دانهٔ آن روغن استخراج می‌گردد، روغن کولزا huile de colza، وارسته دیگری از آن به نام var.escolantha dc با ریشهٔ متورم وجود دارد که به مصارف تغذیه می‌رسد.<sup>۳</sup>

دهن الجوز:

دهن الجوز (گردو) است و او گرم است و در کلیه و معده را سود کند و مرطوبات را نیک بود و روغن پوستش گرکهن و (جرب کهنه) را و درشتی اندام را نیک می‌باشد.

دهن اللوز:

روغن بادام تلخ گرمتر است از شیرین آن و سدد بگشاید در جگر و سپرز.

### دهن القرطم:

روغن قرطم تخم کاجیره یا کازیره و تخم کافشه و خشکدانه و به عربی حب العصفر است شکم فراز آرد یعنی بیندد و اسهال را رفع می کند و رطوبت را نیک می باشد و بندلش بسوی داء ثعلب زفت تر است.

### دهن الخروع:

روغن خروع را بید انجیر می گویند. گرم است و لطیف، معده را پاک کند، از رطوبت قوتش مانند قوت روغن زیت بوده و لیکن گرمتر و موافقتر از روغن زیت است. از بهر آن برداء ثعلب به کار می برند و برای دیگر مرهم ها به کار می برند و بیامیزند چون روغن غار و روغن بادام و زیت کهن و طبیبان این را بسیار استعمال می کنند و جالینوس چنین می گوید که وی حیض می آورد.

### دهن الخردل:

روغن اسپندان گرمتر از بزر است و نیز غلیظتر و همه رطوبت ها را نیک می باشد.

### دهن الفجل ترب:

روغن ترب گرم است و لطیف. تحلیل می کند و درد گوش را که از سرما و باد باشد سود می کند نیک و این روغن به جای روغن خروع بیستد (صورتی از بایستد که همزه اش به قیاس بر همزه بیفتند و بیندازد بدل بیان شده است) ولیکن از او گرمتر است و هر چه کهنتر بهتر.

### دهن البزر الکتان:

روغن بزرکتان گرم و خشک است در درجه دوم.

### دهن الحبه الخضرا:

روغن حبه الخضرا (روغن دانه بنه یا بن) سنگ از مثانه بیرون می کشد و همه رطوبت ها را نیک بود.

### دهن الفستق (روغن پسته):

روغن پسته گرم و نرم است و سینه و شش را نیک باشد و روغن فندق همچنین.

### دهن البلسان:

روغن بلسان گرم و تیز است. فالج و لقوه و استرخاء و رعشه و خدر و تشنج و همه بیماریهای سرد را نیک بود و بدش: روغن کاذی، گیاه درختی است چون نخل لیکن کوتاهتر که در عمان و یمن و هند فراوان بوده، خام است و فیثاغورس و بعضی دیگر طیبیان می گویند بدش روغن رازقی نوعی از سنبل است و گل رای بیل را نیز می گویند و رای بیل گلی است خوشبوی که در هند و بنگاله و دکن بسیار است و از آن روغن می گیرند کهنه است، یک وزنش و نیم وزن روغن نارچیل و یک چهارم وزنش روغن زیت کهنه و روغن بلسان را حرارت و خشکی قوی است، تحلیل قوی می کند و همه بیماریهای بلغمی دیرگشای را سود می کند و سنگ را در مثانه خرد کرده و اگر زنی نمی تواند آبستن بشود به زیر برگیرد آبستن می شود و کسی را که خاتق النمر خورده باشد یا فطر (قارچ) یا افیون چون نیم در مسنگ از او بخورد با آبی که اندر او نمانخواه بجوشانیده باشد سود می کند و بهترین آن تازه تر و قوی و بوی تر باشد و او را از مصر می آورند و هر چه را بوی ترشی آید نیک نباشد و اگر اندکی از او بر بسیار شیر زنند شیر را بفشراند و اگر در آب کنند همچون شیر شود و آنکه در او غش باشد بر سرآب افتد و دیگر آزمایش وی آنست که کندوزی یا برگ گندناپی در او زنند و به آتش فراز دارند آتش بگیرد و او گرم و خشک است در درجه سوم و می گویند که جز به مصر جایی دیگر یابند که آن جای را عین الشمس نام محلی از مصر را می گویند، می خوانند و فرعون لقب مخصوص پادشان مصر است. خادمان و پاسبانان را بر او نگهبان کرده بودی تا کس آن را نبرد.

### دهن الغار:

روغن غار نام درختی است که یونانیان محترم می دارند و میوه قسمتی از آن درخت را

به فارسی دهمشت و دهمست بر وزن سرمست می‌گویند. گرم است، درد جگر را که از رطوبت برخاسته باشد نیک می‌کند و آن را که از سرما خیزد چون او در مسنگ از او با پنج در مسنگ شربت ریحانی بخورند، ادرارالبول و حیض آرد، مفصی که از بادها بود بنشانند و ضیق‌النفس را که از بلغم بود سود دارد و زخم کژدم را نیک بود و به رومی و به سریانی وی را مستحادریتا می‌خوانند و به تازی دهن الغار و دهن الخطار (دهن الخطار روغنی است که از ادویه خوشبوی با روغن زیتون می‌گیرند).

### دهن نوی لخوخ:

روغن استخوان شفتالو و زردآلو درد گوش را که از سردی باشد یا از باد نیک می‌کند، سدد بگشاید، خداوند رطوبت را نیک باشد و سنان ثابت می‌گوید استخوان زردآلو همچو روغن بادام تلخ است بواسیر و زحیر را نیک بود.

### دهن الحنطة:

روغن گندم، گر و شیرینه و داء ثعلب را نیک بود.

### دهن الحمص:

روغن نخود، بهق و گر و شیرینه را نیک بود و بدل وی روغن گندم است.

### دهن النارجیل:

روغن نارجیل گرم کننده است نیک بود کسی را که باهش نقصان آورده بود آزموده و غایت است باه را.

### دهن حب الاترج:

روغن دانه‌های ترنج سود می‌کند بواسیر را چون بر او طلا کنند و با زهرها برابر می‌کند چون از او نیم در مسنگ بخورند با پنج در مسنگ الكل.

### دهن قشر الاترج:

روغن پوست ترنج گرم و خشک است، حرارتی قوی دارد همه بیماریهای سرد قوی بلغمی را سود می‌کند و عصب را که سرد و سست شده باشد منفعت می‌دهد و نیز درد کلیه و مثانه را که از سردی بوده و درد دندان را نیز که از سردی باشد چون بر او طلاکنی و صداعی که از سردی باشد همه را منفعت می‌کند و چون بر جایی طلاکنی که موی دیر بر آرد زود برویاند و اگر بر شرح کون طلاکنی بواسیر را که باشد منع می‌کند.

### دهن حب الحنظل:

روغن دانه حنظل، فالج و لقوه و خدر و رعشه و تشنج را سود می‌کند و همه رطوبت‌ها را و امتلا را خاصه سست شدن عصب را و همه بیماریهای سودا را نیک بوده و بهترین آن باشد که از پوست بیخس بگیرند که آن به جای روغن بلسان کار می‌کند و تازه‌تر بهتر بود.

### دهن الصنوبر:

روغن صنوبر فالج و لقوه و خدر و رعشه و استرخاء و تشنج را و همه بیماریهای سرد و بلغمی را نیک بود و فعلش به فعل روغن بلسان نزدیک است و هر چه کهنتر بهتر بود.

### دهن القرع:

روغن کدو که از دانه‌های شیرین می‌کنند، سرد است. هر دردی را که از گرمی بود سود می‌کند و خواب می‌آورد، بدلش روغن بادام شیرین است.

### دهن البان:

روغن بان گرم و لطیف است، عصب را نرم می‌گرداند و چون به فتیله‌ای به زیر برگیرند خام را اسهال می‌کند و تراک (شکاف، ترک) پای را که از سردی باشد سرد می‌کند و فالج و لقوه و استرخای عصب را نیک می‌باشد.

### دهن الیاسمین:

روغن یاسمین گرم است و لطیف، درد عصب را نیک، کلیه سرد را و خداوند فالج و رعشه را منفعت می دهد و نیز اندام های ضعیف را چون بر او بمالی و سردی رحم را نیز سود می کند.

### دهن السوسن:

روغن سوسن را یوحنا می گوید که: گرم است و لطیف، سردی عصب را نیک می باشد و نیز رحم را و ماسرجو می گوید: گرم است، تحلیل می کند و منفعت می کند رحم سرد شده را و درد گوش را که از سردی باشد و ضعف اندام ها را و عیسی بن سهار بخت می گوید که: منفعت می کند رحم تنگ سرد شده را و قولنج را ولیکن درد پشت می آورد و کلیه و مثانه را بد می باشد.

### دهن الورد:

روغن گل لطیف است، منفعت می کند صداع را که از حرارت می خیزد، چون با آب سرد و اندکی سرکه بیامیزند و اگر طلا کند بر خارش بنشانندش و چیزهایی را که از اندام بر جهد خشک می گردانند و بواسیر را سود می کند که بر گذرگاه مقعد طلا کنی و یوحنا می گوید که: گل مانند بنفشه است در گل اندکی قبض است و منفعت می کند وی ریش و گر را اندرون و بیرون تن؛ آن را که اندرون بود بخورندش و آن را که از بیرون باشد طلا می کنند و بدل وی روغن بنفشه است و او سرد و خشک است در درجه اول.

### دهن البنفسج:

روغن بنفشه سرد و تر است، مغز را قوت دهد و صداع را که از حرارت و خشکی بود سود می کند و خواب می آورد و خداوند سرسام را سود دارد و مالیخولیا را که به بینی بازافکنند و بر روی آن بیاندازند با کوچکی سرکه (اندکی سرکه) و ابن المسیح می گوید:



همه روغن‌های ساده و خوش غلظ (غلیظت) از اندام‌ها بگشاید و بپزند و اگر پیروری با داروی دیگر قوت آن دارو بستاند، و یوحنا می‌گوید: روغن بنفشه سرد است و لطیف، حرارت را سود می‌کند ریش‌های رودگانی ببرد و تب بنشانند و خواب می‌آورد، خواهی بینی بازافکن، خواهی بر زیر پای بمال و او سرد و تر است در درجه اول، بدلتش روغن نیلوفر است.

#### دهن النرجس:

روغن نرگس معتدل است و در او قوت تحلیل و حرارت است، کمتر از آنکه روغن سوسن می‌کند. سینه و پهلو را سود می‌کند و نرم می‌گرداند.

#### دهن النیلوفر:

روغن نیلوفر سردتر است از روغن بنفشه، خواب می‌آورد، چون بینی باز افکنی یا زیر پای بمالی و گرمی را از مغز بچیند و او سرد و تر است در درجه اول. مانند روغن بنفشه است لیکن فعلش قویتر است.

خاصه در صداع گرم و سرسام را و درشتی گلو را و قصبه شش را و سعال را و مثانه و کلیه را که گرمی رسیده باشد نیک می‌کند و تبش معده بنشانند.

#### دهن الخیری:

روغن خیری گرم و نرم است در درجه اول و ماسرجه و یوحنا گویند: معتدل است و همه مزاجی را به هر وقت موافق است.

#### دهن الجمسفرم:

روغن جمسفرم (ریحان) چون زنبق است لیکن زنبق قویتر است و یوحنا می‌گوید: یاسمین است و یاسمین از او گرم‌تر بوده و او گرم و خشک است در درجه دوم.

### دهن المرزنگوش:

روغن مرزنگوش گرم و لطیف است، سردی مغز و شقیقه و پادهاپی که در سر باشد ببرد، چون بینی باز افکنی و او گرم و خشک است در درجه سوم.

### دهن الحنا:

روغن حنا معتدل است، گرمی و سردی دردها بنشانند، رنجگی را ببرد، موی را سیاه و قوی می گرداند.

### دهن الآش:

روغن مورد سرد است، موی را قوی می کند، سستی از بندگشاها ببرد، ریش تر که بر سر باشد ببرد، نیز عرق و بول ببندد و گرمی از سر بکشد.

### دهن بابونج:

روغن بابونه گرم است، تحلیل کند، لرز و رنجگی را نیک بود و عیسی می گوید: تشنج را نیک باشد که وی اندامها نرم می کند و درد رحم ببرد.

### دهن المیعة:

روغن میعه (صمغ یا شیری است خوشبوی که از درختی گیرند) گرم است، وجع المفاصل (درد مفاصل) را سود کرده و همچنین سردی اندامها را گرم می گرداند و مثانه و کلیه را نیز و همه آماسها بگشاید و مادهها از بندگشادهها ببرد و عضله را گرم می گرداند و آماسهای سرد و رحم سرد و کلیه و مثانه سرد را سود می کند.

### دهن الافستین:

روغن افستین گرم است، اندامهای سرد را قوی می کند و گرم و معده را قوت می دهد و نیز سدد جگر بگشاید.

### دهن المصطکی:

روغن مصطکی گرم است و قابض، آماس بن دندان بنشانند و درد دندان ببرد و آماس معده و ضعفش را سود می‌کند.

### دهن شبت

روغن شبت (شوید) گرم است، تحلیل‌کنند و رنجگی بنشانند.

### دهن الحسک:

روغن حسک (خارحسک) کسی را که بول بسته بود بگشاید و درد تهیگاه و کلیه، وجع المفاصل را نیک باشد و آب گونه (آب و رنگ) روی نیکو گرداند و اندر باه بیفزاید و بر جماع حریص می‌کند و کلیه و مثانه و پشت درست می‌گرداند. چون از او مقدار یک اوقیه هر روز بخورند یا با چیز متناسب بر پلک چشم آلایندهم سود دارد.

### دهن سذاب:

روغن سذاب سردی کلیه و مثانه را و درد پشت و رحم و بادها را سود می‌کند.

### دهن الحیة:

روغن مار، پیسی و شیرینه (نوعی جوش) و مقعد مسست را نیک باشد.

### دهن القسط:

روغن قسط (کوشنه) درد جگر و سردی بندگشاها و مسست شدنش را سود دارد و موی را بپاید محکم و بادوام می‌کند و سدد بگشاید و معده و جگر قوی می‌گرداند و گونه‌ی روی نیکو کند و مسست شدن اندام را نیز چون فالج نیک بود و موی برویاند و قوی باشد. چون طلاکنی عصب را سخت بکند و قوی می‌گرداند.

### دهن الناردین:

روغن ناردین (سنبل رومی که یکی از دو نوع سنبل است) درد جگر و معده و قولنج و درد گوش و صداع و شقیقه را سود می‌کند و سستی مثانه ببرد، چون به سر احلیل بازافکنی و همه اندام‌ها که سرد شده باشد و درد شکم را چون بخوری یا به ضماد کنی یا حقنه کنی درد رحم را چون زن بدو حقنه کند و درد گوش را چون اندر او افکنند که آن درد از باد و سردی بود این همه را نیک می‌باشد و صداع و شقیقه را چون ببینی بازافکنند و هر دردی که از سردی و باد بود در اندام‌های باطن ببرد و رحم را گرم می‌گرداند و قولنج و مغض و بادهایی که اندر معده و رودگانی گرفتار محبوس بود همه را منفعت می‌کند و مثانه سرد را نیز چون به احلیل بازافکنی.

### دهن الشیشغان:

روغن شیشغان، اطلاق شکم بازگیرد و ضعف معده را نیک بود و کسی را که طعام همی دشوار گوارد منفعت می‌کند و فالج و لقوه و استرخای عصب را نیک بود.

### دهن القنقلاد:

روغن قنقلاد، سستی معده و فالج و لقوه و قولنج و وجع المفاصل را نیک می‌باشد.

### دهن الكلانج:

روغن کلانج، فالج و لقوه و قولنج و درد معده و بندگشایها و نقرس و سستی عصب و استسقاء و سکنه و سردی کلیه را و مقعد ضعیف شده از سردی و درد پشت را که از سردی بود سود دارد، ادرار حیض می‌آورد.

### دهن البیض:

روغن خایه موی درمی‌آورد.

### دهن الزعفران:

روغن زعفران سختی رحم را نیک باشد و عصب را نرم می‌کند و تشنج را منفعیت می‌دهد و حرارت غریزی را قوی کرده و گونه نیکو و دل را قوی می‌گرداند.

### دهن الساطع:

روغن ساطع، سردی از جگر و معده ببرد و فالج و لقوه و همه علت‌های سرد و خفقان را و درد رحم را سود می‌کند و خوشبوی بود به جای طیب به کار می‌آید.

### دهن المعشوق:

روغن معشوق را منفعیتی چون منفعیت روغن ساطع است، علت‌های سرد را سود می‌کند.

### دهن سنبراس:

روغن سنبراس، دوائی هندی است. موی را سیاه و قوی و دراز می‌گرداند و جلوگیری از ریزش می‌کند و این داروی هندی برای این کار سودمند است.

### دهن الاشنه:

روغن اشنه علت‌های رحم را سود می‌کند که بزیر برگیرند و نیز سددش بگشاید و حیض می‌آورد و گرم و خشک است در درجه دوم.

### دهن الفوتنج:

روغن فوتنج چنان باید که پودنه را بگیرند پس به روغن زیت بپزند و او حیض بگشاید چون بزیر برگیرند یا مقدار دو درم‌سنگ با شربت ریحانی بخورند.

### دهن عاقرقرحا:

روغن عاقرقرحا موی برویاند و سیاه گرداند و نگذارد که بیفتند و قوی می گرداند.

### دهن السعتر:

روغن سعتر (آویشن) درد گوش را که از سردی و باد باشد، بنشانند.

### دهن السفرجل:

روغن سفرجل، جگر را قوی می کند و گرمی از وی ببرد و از معده نیز و تن ضعیف را جای می آورد.

### دهن الاملج:

روغن آمله و شقایق (لاله) و لادن، رطوبتی غلیظ و چسبناک و بسیار خوشبو که از ساقه و برگ درختی کوهی بیرون می آید، موی را نگذارد که بیفتند و هر سه یک طبع دارند.

### دهن الاذخر:

روغن اذخر (گزنه دشتی) همه اجناس کته (خارش) را سود می کند در سر و رنجگی ببرد.

### دهن الافحوان:

روغن افحوان (بابونه گاو چشم) گرم کند و جراحاتها را که بر عضله بود موافق است و عصب را نیز که بر یکدیگر افتاده بود و چون پشمی در آن نهی و بر آنجای طلاکتی نیکو باز کند و عرق و بول آورد و حیض بگشاید چون بزیر بگیرند و هم آماس مقعده و رحم را ببرد و سختیش نیز ببرد چون زیر بگیرند و آماسهای بلغمی بنشانند چون در رحم بود.

### دهن السنبل:

روغن سنبل، معده سرد را نیک بود چون بر جایگاهش طلا کنند.

### دهن الخلاف (بید):

روغن بید سدد در جگر بگشاید و یرقان را سود می کند و سرد و تر است در درجه دوم، چون بوی کنند صداعی که از حرارت بود بنشانند و درد سپرز ساکن گرداند و آماس و سددش نیز، و دل قوی می گرداند و مغز و همه سدها بگشاید.<sup>۱</sup>

### روغن بزرگ:

از دانه کتان، روغنی به نام روغن بزرگ استخراج می شود. رنگ این روغن اگر بدون مداخله حرارت تهیه شده باشد زرد روشن و اگر به کمک گرما به دست آمده باشد مایل به قهوه‌ای است و اختصاصاً مصرف صنعتی دارد.

روغن بزرگ دارای گلیسریدهای اسیدهای چرب مانند لینولئیک، لینولئیک اولئیک و به مقدار کم استئاریک و پالمئیک است.

خواص درمانی روغن بزرگ: نرم کننده خوبی است و در رفع یبوست‌ها از آن استفاده می شود روغن بزرگ به علت دارا بودن اسید لینولئیک در رفع بیماریهای جلدی اثر مفیدی دارد.<sup>۲</sup>

### روغن پنبه:

از دانه‌های پنبه تحت اثر فشار بدون مداخله گرما و بعداً تحت اثر فشار و وارد کردن آب جوش روغن مذکور به دست می آید.

روغن پنبه مایعی است که قبل از تصفیه شدن رنگ زرد تیره داشته در گرمای ۲ تا ۴

۱- الاینه عن حقایق الادویه، ص ۱۳۸-۱۵۳.

۲- گیاهان دارویی، ج ۱، ص ۴۱۱-۴۱۲-۴۱۳.

درجه انجماد حاصل می‌کند. نوع تصفیه شده آن دارای رنگ زرد کاهی فاقد بو و طعم است.

روغن پنبه دارای مصارف خوراکی است مشروط بر اینکه به‌خوبی تصفیه گردد و عاری از استئارین، پالمیتین، گلیسریدهای جامد و گوسیپول gossypol<sup>۱</sup> شود.

### روغن تخم کدو:

روغن تخم کدو برای رفع بی‌خوابی و بی‌بوست دماغ مغز و صفراوی درد معده از صفرا و سل و تب‌های حاره بی‌عدیل است مقدار خوراک آن از مغز تخم کدو و روغن تخم کدو تا هفت مثقال است اگر تخم کدو و روغن تخم کدو میسر نشد بدلتش مغز تخم هندوانه است.<sup>۲</sup>

### فوائد روغن‌ها:

۱- روغن ترب: گرم است، درد گوش را نافع باشد و باد که در گوش بود دفع می‌کند. طرز تهیه: آب ترب سه جزء و یک جزء روغن کنجد بجوشانند تا آب برود روغن بماند.

۲- روغن کدو: بوئیدن و مالیدن آن سرسام و مالیخولیا را نافع می‌باشد. طرز تهیه: کدوی تازه بستانند و پوست آن بخراشند و با تخم و شحم بکوبند و آب آن بگیرند چهار جزء از آن و یک جزء روغن کنجد مخلوط کرده بجوشانند تا آب برود و روغن بماند.

۳- روغن ریحان: فالج و درد زانو را نافع است. طرز تهیه: آب ریحان دو جزء و روغن کنجد یک جزء بجوشانند تا آب برود و روغن بماند.

۴- روغن لاله: معده سرد را گرم می‌کند.



طرز تهیه: برگ لاله از نبات آن جدا کرده و در شیشه می‌کنند، روغن زیتون به رویش بریزند و یک ماه در آفتاب بیاویزند.

روغنی که درد گوش از گرمی باشد زایل می‌کند، طرز تهیه این روغن: روغن گل ۱۰ مثقال روغن بادام شیرین ۵ مثقال، سرکه کهنه ۳۰ مثقال با یکدیگر مخلوط کنند و بجوشانند تا سرکه برود و روغن بماند و در گوش بچکانند.

۵- روغن مصطکی: معده را قوت می‌دهد.

طرز تهیه: روغن زیتون ۵۰ مثقال در شیشه کنند، ده مثقال مصطکی به رویش بریزند و یکی را تا نیمه آب کنند و آن شیشه را در میان آن دیگ آویزند و آتش کنند تا آب بجوشد تا اینکه مصطکی گداخته شود.

۶- روغن مورد: موی را نگاه دارد و آنچه ریخته باشد برویاند.

طرز تهیه: آب مورد سه جزء و روغن زیتون یک جزء و با یکدیگر بجوشانند تا نزدیک آنکه آب برود و روغن بماند قدری لادن اندازند تا بگذارند و فراگیرند.

۷- روغن دیگر که موی را محافظت کند.

طرز تهیه: پوست هلیله کابلی سازد و برگ مورد از هر یک مساوی و در شراب ریحانی یک شبانه‌روز بخیسانند سپس بپزند و بپالایند و یک جزء روغن کنجد بریزند و در هر صد مثقال ده مثقال روغن لادن در وقت فرو گرفتن بیندازند تا بگذارند و فروگیرند شب مو را چرب کنند و صبح در حمام بشویند.

۸- روغن آمله: موی را سیاه کند و قوی می‌گرداند.

طرز تهیه: آمله مقشر، برگ مورد، پوست بیخ صنوبر مساوی ریخته و صاف کنند و همچنان روغن کنجد اضافه نمایند و بجوشانند تا روغن بماند.

۹- روغن بنفشه: در مدت دو هفته بر هر موضع که بماند موی برویاند.

طرز تهیه: یک عدد خربزه را سوراخ کنند و دانه‌هایش بیرون ریزند و سی عدد زرده تخم مرغ در آن بریزند با ۵ سیر روغن زیتون و برگ مورد کوبیده و براده آهن صلایه کرده و از هر یک ده درم و سوراخ خربزه را محکم کنند و در گل حکمت گیرند و یک شب در

تنور نهند روز دیگر بیرون آورند و گل را از آن جدا کنند و آن خربزه را با روغن زیتون بمالند تا نرم شود و نگاهدارند.

۱۰- روغن به: معده را قوت می‌دهد و حبس عرق می‌کند و اگر به روی کشکاب (کشک سائیده شده با آب که نان ترید کنند) بریزند و بخورند اسهال را باز بندد.

### روغن مرزه:

روغن مرزه برای جمیع امراض بارده، امراضی که در رطوبت تولید شده مثل فالج و لقوه و رعشه و سستی اعضاء و درد کمر و مفاصل سربندهای استخوان‌ها مخصوصاً قولنج و امراض نواحی و امعاء روده بهتر از روغن‌های دیگر است.

طرز تهیه روغن مرزه: اگر مرزه خشک باشد یک شب در آب خیس کنند و اگر تازه می‌باشد در آب خیس کردن لازم ندارد با قدری آب روی سبزیها بریزند که آب بالای سبزی باشد بعد سبزی‌ها را با آب به قدری بجوشانند آبی که داخل سبزی‌ها می‌باشد نصف شود بعد صاف کنند و جرم سبزی‌ها را دور بریزند. آن آب صاف شده را با روغن کنجد یا روغن زیتون بقدری بجوشانند که آبش برود فقط روغن باقی بماند، آن روغن مرزه می‌گویند اگر خود مرزه میسر نشد تخم مرزه به طوری که به عرض رسید استعمال کنند.<sup>۱</sup>

روغن بادام شیرین یا روغن زیتون را با هم‌وزنش آب اسفناج مخلوط کرده و مصرف شود برای رفع بند آمدن ادرار مفید است.<sup>۲</sup>

### روغن آراشید:

روغن دانه آراشید یا بادام زمینی از روغن‌های نباتی پرارزش بشمار می‌رود. اما خوب است بدانیم که خواص روغنی این روغن در مناطق کشت مختلف، متفاوتست.

مثلاً دانه‌های آراشید که در فرانسه کشت می‌شود از نوع دانه‌های افریقایی است که مقدار اسید لینولئیک یا ویتامین F آن بیشتر بوده و این اسید یا ویتامین F ۲۱ درصد آن را تشکیل می‌دهد.

برای تهیه روغن آراشید ابتدا پوست سخت میوه بادام زمینی را به کمک ماشین مخصوص شکسته از دانه‌ها جدا و سپس به دقت خرده‌های آن را از دانه خارج می‌کنند به نحوی که دانه عاری از هر گونه ناخالصی گردد. پس از انجام این عمل پوسته نازک روی دانه‌ها را نیز از لپه‌ها جدا می‌سازند، زیرا وجود آن موجب می‌گردد که تصفیه روغن به اشکال صورت پذیرد و لپه‌های دانه از یکدیگر جدا گردیده چنین بین لپه‌ها آزاد شود پس از انجام اعمال فوق، لپه‌های عاری از چنین را در ماشین مخصوص خرد نموده و آن را به صورت خمیری درآورده در دستگاه فشار قرار می‌دهند.

روغن آراشید که بدون مداخله گرما به دست آمده باشد مایعی است زلال و دارای بو و طعم ملایم شبیه فندق، رنگ آن در گرمای ۱۵ درجه از زرد روشن تا زرد کاهی تغییر می‌نماید.

روغن آراشید صنعتی رنگ قهوه‌ای مایل به قرمز و طعم و بوی مخصوص دارد. ترکیبات شیمیایی: روغن آراشید دارای گلیسریدهای چند اسید چرب اشباع شده و یا اشباع نشده به نسبت‌های مختلف است.

خواص درمانی: روغن آراشید برای تهیه روغن کامفره *huile camphree* و فرآورده‌های دارویی دیگر به کار می‌رود.

از روغن آراشید مخلوط با سولفات نیکوتین، اسید اولئیک، محلول آمونیاک و آب باران نوعی امولسیون جهت دفع حشرات شته و غیره تهیه می‌شود که در کشاورزی مورد استفاده قرار می‌گیرد.<sup>۱</sup>

روغن ذرت:

روغن دانه ذرت روغن نباتی پرارزشی است که علاوه بر اسید چرب یا ویتامین F

مقدار زیادی ویتامین e نیز در آن وجود دارد روغن ذرت در برابر روشنایی سریعاً اکسیده می‌شود و خواص خود را از دست می‌دهد بدین جهت معمولاً روغن مزبور را در شیشه‌های تیره و پاک نگهداری می‌کنند تا از فساد آن جلوگیری شود.

### روغن سویا:

این روغن نباتی نیز از اسیدچرب لینولئیک یا ویتامین F و ویتامین E سرشار است. روغن سویا در برابر حرارت حساس است و چنانچه در پختن غذا مورد استفاده قرار گیرد خواص خود را از دست می‌دهد و بنابر این برای بهره‌مند شدن از خواص آن باید بر روی غذای پخته ریخته و مصرف شود.

### در توضیح خواص ویتامین f:

اسیدهای چرب در متابولیسم یا سوخت و ساز سلولی نقش عمده‌ای بازی می‌کند بهترین اسید چرب اسیدلینولئیک نام دارد که در بعضی از مکتب‌های تغذیه آن را ویتامین f می‌خوانند این اسید با ویتامین در پیش‌گیری از عفونت‌های پوستی و مخاطی بدن نقش اساسی و اصولی دارد همچنین به سبب وجود همین اسید چرب است که زخم‌های جلدی زود التیام می‌پذیرد.

میزان ویتامین f یا اسیدلینولئیک در تخم آفتابگردان، دانه آراشید، بادام زمینی و سویا از همه بیشتر است به تعبیر دیگری سه دانه نباتی موصوف از این اسیدیا ویتامین سرشار است. مورد اشاره است که این اسید یا ویتامین در مقابل حرارت حساس بوده و امکان دارد که ارزش ویتامینی خود را در مقابل حرارت از دست بدهد. ویتامین f یا اسیدلینولئیک از ایجاد گلیسرید در خون و بالا رفتن گلیستروکل آن جلوگیری می‌کند و این خاصیت را به عنوان اثر درمانی آن ذکر می‌کنند.<sup>۱</sup>

روغن فشار اول را برای مصرف بیماران، بهتر آن است که با زغال حیوانی صاف و

زالال نمایند. روغن کرچک ملین و مسهل خوبی است، در معده و روده‌ها ایجاد تحریک نمی‌کند و به همین جهت است که بهترین مسهل برای زنان باردار می‌باشد.

از روغن کرچک برای عکسبرداری از معده به عنوان بهترین مسهل استفاده می‌شود. روغن کرچک بوی بد و طعم ناگوار دارد، برای رفع این عیب معمولاً آن را با زرده تخم مرغ و آب به هم زده و مخلوط نیم محلولی درست می‌کنند.

مالیدن روغن کرچک به سر شوره را از بین می‌برد و مو را تقویت می‌کند روغن کرچک به عنوان ملین و مسهل استفاده می‌شود.<sup>۱</sup>

### روغن بابونه:

کسانی که مبتلا به رماتیسم یا نورالژی درد اعصاب هستند و از آن رنج می‌کشند اگر روغن بابونه را به جاهای دردناک بدن خود بمالند درد آنها آرام خواهد شد.

برای به دست آوردن روغن بابونه باید ۲۵ گرم گل خشک بابونه را در ۱۲۵ گرم روغن زیتون مخلوط کنید و آن را در تابستان یک ساعت و نیم و در زمستان دو ساعت روی آتش بگذارید تا گرم و داغ شود سپس آن را در ظرف سر بسته‌ای ریخته و به شدت تکان دهید و بعد آن را صاف کنید و ده تا بیست گرم کامفر را هم به آن اضافه نمایید هنگامی که درد رماتیسم در ناحیه‌ای از بدن شروع می‌شود با این روغن دست خود را آغشته کنید و محکم به آن بمالید و مالش دهید فوراً ساکت خواهد شد خوردن دو تا پنج قطره روغن بابونه بدون کامفر دردهای معده را آرام می‌کند.<sup>۲</sup>

روغن زیتون برای معالجه یبوست و همچنین به کار انداختن کبد مفید است و باید صبح ناشتا یک قاشق سویخوری روغن زیتون را خالی یا با آب پرتقال یا لیمو خورد و این کار را ادامه داد تا وقتی که یبوست بکلی برطرف گردد.

اگر انگشتان خود را به روغن زیتون آغشته کنید و لثه و دندانها را محکم مالش دهید

۱- زبان خوراکیها، ج ۳، ص ۱۰۸-۱۰۹.

۲- گلها و گیاهان شفا بخش، ج ۲، ص ۵۶.

باعث تقویت لثه‌ها و دندانها خواهد شد.

هنگام سینه پهلو و حتی سل ربوی، اگر سینه و پشت را با روغن زیتون مالش دهند باعث تسریع در شفای بیماری خواهد شد مالش روغن زیتون برای تمام بدن بچه‌های ضعیف مفید است و هنگام درد کبد نیز این ماساژ روغن زیتون باعث تخفیف و تسکین درد می‌گردد.<sup>۱</sup>

### روغن ماهی:

روغن ماهی مقدار زیادی ویتامین D و A وجود دارد، هر چه روغن ماهی کهنه‌تر شود مقدار ویتامین آن نیز نقصان می‌یابد.<sup>۲</sup>

### خواص روغن بادام:

در سرفه‌های عصبی، برونشیت حاد، حبس‌بول، قولنج‌های کلیوی، سنگ مثانه، هماتوری، دردهای زایمانی، دل‌پیچه کودکان و تشنجات روده‌ای مفید است.<sup>۳</sup>

### خواص روغن گل:

مقوی، محلل و مفتح است. استعمال زیاد آن مسهل مصرف خارجی آن مخصوصاً در سردردها، اوجاع اعضاء و زخمها خاصه در جوشهای پوست مفید است.<sup>۴</sup>

### روغن‌ها:

روغن را باید دور از نور و در ظروف مناسب نگه داشت. تابش نور به شیشه‌های روغن بخصوص روغن‌های مایع مثل روغن زیتون و غیره موجب فساد و اکسیده شدن روغن می‌شود.

۲- فرهنگ خوراکیها، ص ۲۱۹.

۱- همان، ص ۱۰۵.

۴- طب النبی و الاطعمه، ص ۱۸۱.

۳- طب النبی و الاطعمه، ص ۱۸۱.

هر نوع روغن وقتی زیاد داغ می‌شود در آن ماده سمی شامل ثنوبرومین، کافتین و کاکائونین به وجود می‌آید. بنابراین موقع سرخ کردن دقت کنید که خیلی زیاد داغ نشود. روغن‌ها بعد از مدتی مانند زربه تدریج کهنه می‌شوند.

بهترین نوع روغن‌های خوراکی برای سنین بالا، روغنهای مایع مثل روغن زیتون، کنجد، بادام زمینی و غیره می‌باشد. روغن بادام تلخ سمی است. روغن زیتون حاوی مقدار قابل توجهی از اسیدهای چرب اساسی است.<sup>۱</sup>

### روغن نارگیل:

روغن خالصی که از تقطیر گوشت نارگیل به دست می‌آید برای معالجه بیماری‌های دندان (پتلو) و بیماری‌های پوست (گرو) بسیار مفید است.<sup>۲</sup>

### روغن ترب وحشی:

روغن ترب وحشی بسیار گرم است و در اکثر امراض جانشین روغن زیتون کهنه و روغن بلسان است و محلل بسیار قوی است. خوردن آن برای فلج، لقوه، رفع ناراحتی سم‌گزش عقرب و سایر گزندگان نافع است و قطره آن در گوش برای تحلیل بادهای گوش و رفع درد آن مفید است و مالیدن آن به عضوی نیز برای فلج، لقوه و مستی اعضا نافع است.

طرز تهیه روغن ترب وحشی: برگ ترب وحشی را در آغاز تخم بستن و تبدیل گل به تخم چیده و آب آن برگ را با آب تخم ترب گرفته و با دو برابر وزنش روغن زیتون یا روغن کنجد تازه با آتش ملایم بپزند تا آن برود و روغن بماند البته باید دقت کرد که نسوزد.<sup>۳</sup>

۲- معارف گیاهی، ج ۲، ص ۲۳۱.

۱- بهداشت تغذیه، ص ۳۹۵ الی ۳۹۷.

۳- همان، ص ۲۸۸.

### روغن زیتون تلخ و چریش:

روغن زیتون تلخ: روغنی که از تخم زیتون تلخ گرفته می‌شود.

روغن چریش: روغنی که از دانه چریش گرفته می‌شود.

خواص روغن زیتون تلخ شبیه روغن چریش است. این دو روغن را می‌توان به‌عنوان ضد عفونی کننده روی زخمها مالید و به‌عنوان ضد انگل و پارازیت برای معالجه بیماریهای پارازیتی پوست نظیر بیماری اسکابیز مالیده می‌شود.<sup>۱</sup>

### روغن نخل روغنی:

از میوه نخل روغنی دو نوع روغن می‌گیرند: یکی روغنی که از گوشت داخل میوه یا از بولپ آن گرفته می‌شود که روغن نخل یا huile de palme نامیده می‌شود و دیگری روغنی که از مغز دانه یا به اصطلاح بادام آن گرفته می‌شود که آن را huile de palmiste می‌گویند. رنگ گوشت روغن نخل، زرد نارنجی و وقتی که تازه گرفته شود کمی بوی بنفشه می‌دهد ولی بزودی در مجاورت هوا اکسیده و تند می‌شود لذا در مصارف داخلی و خوراکی فقط از تازه آن می‌توان استفاده کرد.

رنگ روغن هسته نخل سفید و در حرارت بالاتر از ۲۵ درجه سانتیگراد مایع است. مصارف روغن گوشت نخل: اثر ضد عفونی کننده و التیام دهنده دارد و به صورت روغن مالیدنی در موارد روماتیسم و کوفتگی به کار می‌رود در استعمال داخلی به جای روغن کبد ماهی برای جبران کمبود ویتامین A مصرف می‌شود و در صنعت به‌طور کلی در صابون‌سازی و چرب کردن آلات فلزی ماشین آلات مصرف دارد.

مصارف روغن هسته نخل: برای مصارف صابون‌سازی و مشمع‌سازی استفاده می‌شود کنگاله حاصل پس از روغن‌گیری برای چاق کردن دام بسیار مورد توجه است.<sup>۲</sup>



### خواص درمانی روغن بادام شیرین و تلخ:

روغن بادام شیرین از میوه بادام گرفته می‌شود.  
روغن بادام شیرین جهت رفع التهاب دستگاه گوارش (از دهان تا روده بزرگ)، درمان برونشیت و اختلالات دستگاه ادراری به کار می‌رود.  
روغن بادام شیرین در یک جوشاننده مخلوط گل ختمی و گل شقایق که همراه کمی عسل و زرده تخم مرغ میل شود، به عنوان یک داروی ضد کرم بخصوص برای کودکان توصیه شده است در استعمال خارجی روغن بادام شیرین را در موارد خارش، زخم، سوختگی، دیسانتری و ورم‌های سطحی به کار می‌برند.  
هیچ چیز بهتر از روغن بادام برای سوختگی‌ها، ورم‌ها و سوزش پای بچه‌های قنداقی وجود ندارد.

در استعمال خارجی از روغن بادام تلخ به عنوان ضماد روغن مالیدنی و پانسمان استفاده می‌شود که موجب تسکین درد و بویژه در مورد میگرن، کولیک کبدی و کلیوی، رماتیسم، زیادی ترشح اسید معده دردهای عصبی استعمال می‌گردد.<sup>۱</sup>

### خواص درمانی روغن فندق هندی و روغن گل سرخ:

روغن تخم فندق هندی نرم‌کننده است و به عنوان روغن مالیدنی برای رفع چروک صورت و قطع خروج چرک از گوش استعمال می‌شود.<sup>۲</sup>  
روغن گل سرخ: برای تهیه روغن گل سرخ، گلبرگ‌های تازه بدون گلبن را چیده در روغن کنجد تازه یا روغن زیتون تازه می‌ریزند و در آفتاب می‌گذارند و همین‌که رنگ گلبرگ‌ها سفید شد آن را فشرده و تفاله را خارج می‌سازند و مجدداً گلبرگ تازه در آن می‌ریزند، باز پس از سفید شدن فشرده و تفاله را بیرون می‌ریزند و این عمل را تا هفت بار تکرار می‌کنند تا روغن گل سرخ به دست آید.  
روش دیگر این است که برگ تازه را با هم وزن آن روغن کنجد یا زیتون مخلوط کرده

و روی آتش ملایم می جوشانند آنقدر که فقط روغن بماند این روغن را دهن ورد مطبوخ یا روغن گل پخته می گویند.

روغن گل از نظر طبیعت مرکب القوی و معتدل است و خواص آن: قابض و محلل و بازکننده گرفتگیها و انسداد مجاری می باشد و در عین حال مسهل است. اگر به تنهایی یا با سرکه به پیشانی بمالند برای رفع درد سر و تقویت دماغ و رفع بیخوابی مفید است و مصرف قطره آن در گوش برای تسکین درد گوش و درد سر و مضمضه آن مسکن درد دندان است. مسکن التهاب معده و زخم روده ها و دل درد و دل پیچه نیز می باشد و شکم روش را بند می آورد. روغن گل سرخ با سرکه برای رفع عرق بدن نافع است.<sup>۱</sup>

### روغن فندق:

روغن فندق گرم و خشک است و برای سرفه سرد و درد سینه و کبد که از سردی باشد و مالیدن آن برای رفع سموم نیش عقرب و رتیل نافع است.<sup>۲</sup>

روغن گردو پماد خوبی برای بیماری های پوستی است.<sup>۳</sup>

روغن نخود که از جوشانده نخود در روغن زیتون به دست می آید، مقوی و موجد شهوت می باشد و برای دردهای سرد و جذام بسیار مفید است.<sup>۴</sup>

اگر روغن کنجد را با تخم ریواس مخلوط نمایند جرب و حکک و خارش را دور می کند.<sup>۵</sup>

اگر فندق را بسوزانند و بسایند و با روغن زیتون بیامیزند و چند روز بر فرق سر طفل نوزاد که چشم آبی یا ارزق یا کم رنگ داشته باشد گذارند چشمش را سیاه می نماید.<sup>۶</sup>

خوردن روغن بادام شیرین جهت پیچش شکم و دل درد و نرم کردن روده ها مفید بوده و آرام بخش است.<sup>۷</sup>

۲- همان، ج ۱، ص ۴۴۵

۵- همان، ص ۱۱۲

۴- طب النبیذ، ص ۱۱۱

۷- همان، ص ۱۳۲

۱- همان، ص ۳۹۱-۳۹۲-۳۹۳

۳- همان، ج ۱، ص ۴۵۰

۶- همان، ص ۱۱۹

روغن بذر یونجه که از جوشانده بذر یونجه در روغن زیتون به دست می آید، جهت لقوه و رعشه مفید است. برای این کار باید این روغن را به بدن فالج و رعشه ای بمالند و بگذارند در حمام یا آفتاب بنشینند تا عرق کند.<sup>۱</sup>

اگر زرنیخ را با موم و روغن کنجد مرهم ساخته بر زخم داخل بینی بمالند بزودی بهبودی آورده و برای همیشه آسوده می نماید.<sup>۲</sup>

خوردن بادام شیرین دماغ را تازه می نماید و برای کسانی که مبتلا به سرسام و سینه پهلو شده باشند نافع است.<sup>۳</sup>

فلفل ساییده را اگر با روغن گاو به کسی که زهر خورده باشد بدهند زهر را برگرداند. روغن گاو یا کره خالص گاو را که بخورند زهر را رفع کند اگر چه زهر مار باشد و سرفه را قطع می نماید و درد روده را بسرعت ساکت می گرداند.

مالیدن روغن فندق جهت درمان گزیدن عقرب و رطیل نافع است.

چنانچه آب برگ ترب قبل از آنکه بذر پیدا کند گرفته و در روغن زیتون ریخته بجوشانند و آن را صاف کنند و مجدداً بجوشانند تا آب آن از بین برود به شرط آنکه نسوزد. این روغن گرم کننده بوده و کسانی که می خواهند دست و پا و عضلات خود را گرم کنند از آن می توانند استفاده کنند. خوردن این روغن جهت فلج و لقوه مفید است. این روغن جهت رفع زبری پوست و پینه و برص نیز تجویز شده است.

مالیدن فلفل سیاه با روغن جهت فلج و بی حسی توصیه شده است.

یک قاشق سوپ خوری روغن مایع زیتون برای اشخاصی که از کبد می نالند داروی شفا بخش ممتازی است و باید صبح ناشتا آن را بخورند. یک قاشق سوپ خوری روغن زیتون اگر صبح ناشتا خورده شود علاوه بر این که هیچ گونه دل دردی به وجود نیاورد مجاری روده را چرب کرده و به توده اغذیه ای که در آنجا جمع شده اند اجازه می دهد راه عادی خود را آهسته آهسته طی کنند. از طرف دیگر روغن زیتون وقتی صبح ناشتا خورده شود کمک به کبدهای تنبل می کند و کیسه صفرا هم به فعالیت افتاده و از تولید و

۱- طب الکبیر: ص ۱۴۲.

۲- طب البقید: ص ۱۴۹.

۳- همان، ص ۱۶۱.

تکثیر میکروب‌ها در امعاء جلوگیری می‌نماید کسانی که نمی‌توانند مصرف روغن زیتون را صبح ناشتا تحمل کنند و آن را با میل بخورند با آب لیمو آن را مخلوط سازند.<sup>۱</sup>  
 روغن گردو شصت گرم روغن گردو را در سالاد سیب زمینی بریزید و به جای شام مصرف کنید و چند شب این کار را ادامه دهید، دواي موثري بر ضد کرم کدو است.  
 هسته زردآلو را کوفته در روغن بادام تلخ شیره کشیده در گوش بچکانند خارش گوش را درمان می‌کند.

درد گوش اگر از خون باشد روغن بادام و گلاب و سرکه در گوش بچکانند، اگر صدایی در گوش باشد روغن بادام و آب بایونه هر کدام باشد در گوش بچکانند و اگر هزارپا در گوش رفته باشد روغن کنجد بچکانند تا بیرون آید.  
 اگر کرمی گوش از بلغم باشد روغن ترب صبح و شام در گوش بچکانند.  
 چکاندن روغن بادام تلخ در گوش جهت تسکین درد آن مفید است و گوشي که صدا می‌کند دارویی بهتر از روغن بادام تلخ ندارد.

روغن زرده تخم مرغ برای رویانیدن موی بغایت مفید است.  
 چند عدد زرده تخم مرغ را (هر چند زیاد باشد خوب است) در ظرفی قرار دهند و روی آتش پر حرارت بگذارند تا زرده تخم مرغ بسوزد. همین که سوخت روغن از او آید بهتر است که ظرف را اندکی کج بنهند تا روغن پایین آید و در آنجا جمع شود.  
 روغن مالی کردن موی سر با روغن زیتون صحرائی از سفید شدن آن جلوگیری می‌کند.

برای جلوگیری از ریزش مو، مصرف روغن زیتون پی در پی ده روز و شستن سر با آب گرم و صابون مارسی مفید است.<sup>۲</sup>

مخلوط کردن روغن زیتون و روغن اوکالیپتوس بطور مساوی و محکم به سر مالیدن از ریزش مو و طاسی سر جلوگیری می‌کند. با این دو روغن باید سر را هم شب و هم

۱- همان، ص ۱۸۵-۲۱۹-۲۲۴-۲۳۴-۲۳۵.

۲- همان، ص ۲۳۹-۲۵۴-۲۵۶-۲۷۰-۲۷۱.

صبح ماساژ داد.

۵۰۰ گرم روغن زیتون را با ۵۰۰ گرم صمغ کاج در ظرفی بریزید و آن ظرف را در دیگری که آب جوش دارد روی آتش بگذارید، آهسته آهسته به هم بزنید تا صمغ کاج خوب در روغن حل شود و این مخلوط را روی محل درد نقرس بمالید و مالش دهید، درد نقرس تسکین خواهد یافت.

کشیدن روغن خر برای ورم بیضه مفید است و در تبریز مشهور و به تجربه رسیده است و عطارهای قدیمی روغن خر را برای ورم بیضه می فروختند.

گل سرخ را در آب خیس کنند بعد بجوشانند به قدری که خاصیت گل در آب برود بعد صاف کنند و آن آب را در روغن کنجد یا زیتون به قدری بجوشانند که آب بخار شود و روغن بماند می شود روغن گل سرخ و تهیه روغن بومادران و شوید نیز به همین دستور است.<sup>۱</sup>

روغن گل نسترن و روغن گل همیشه بهار برای موی سر که ریزش دارد بسیار نافع است.

بهترین روغن جهت موی سر روغن طبی است که همه از دانه های نباتی به دست آمده باشد که برای سرو مو و پیاز نافع و مفید است.

روغن بادام شیرین، روغن بادام تلخ، روغن کرچک، روغن زیتون، روغن کنجد، روغن نارگیل از هر کدام به مقدار مساوی و اسانس انیسون ۱۰ قطره مخلوط نموده روزی یک مرتبه به سر بمالند.

روغن بنفشه بادام (هویل گوموله) در بینی بچکانند درد پیشانی در اثر ضربه شدید را رفع کند.

روغن بادام تلخ در گوش ریخته و قدری پشم گرم نمود در جلوی گوش بگذارند و گوش را ببندند آب رفتن در گوش را رفع می کند.

یا روغن کرچک را در یک قاشق ریخته و داغ نموده و چند قطره در گوش ریخته آب

رفته در گوش را رفع می‌کند.

مرمکی را در آب حل نموده با روغن کنجد یا روغن زیتون مخلوط نموده در گوش بچکانند، آمدن چرک زیاد از گوش را دفع می‌کند.

اگر انسان تمایل به سلامتی دائم گوش خود دارد باید هر ۱۵ شب یکی چند قطره روغن بادام تلخ موقع خواب در گوشهای خود بچکانند.

زرده تخم مرغ را با روغن زیتون به صورت روزی سه بار بمالند در مورد کک و مک بهبود می‌یابند.<sup>۱</sup>

برای درمان سینوزیت دماغ، روغن بنفشه بادام (هوبل گومنوله) را روزی سه مرتبه هر مرتبه دو قطره در بینی بچکانند.

برای درمان باد دماغ، روغن بادام تلخ را روزی ۳ مرتبه هر مرتبه یک قطره در بینی بچکانند و روغن بنفشه بادام شبها موقع خواب در بینی بچکانند.

برای درمان اریون، روغن اکتیول را با روغن خاکستری مخلوط نموده بمالند. طرز تهیه روغن خاکستری: پیه بز را در ظرف مسی بالای آتش گذارده تا پیه آب شود در هر ۱۰۰ گرم پیه، ۱۰ گرم جیوه با سیماب ریخته شروع نمایند مخلوط نمودن، آنقدر به هم بزنند که کاملاً جیوه در پیه کشته شده و رنگ پیه از سفیدی مبدل به رنگ تیره و خاکستری رنگ می‌شود. برای کلیه گلودردها و مخصوصاً اریون و مالش دادن بعضی اعضاها بسیار نافع است.

برای مداوای خنازیر از خارج گل سرخ (گل محمدی) را نرم بسایند و با روغن خمیر نموده بر روی زخم بمالند.

برای درمان آب‌ریزش بینی در بینی روزی ۵ تا ۷ بار باید روغن بنفشه بادام بچکانند.<sup>۲</sup>

برای درمان باد دماغ طفل نوزاد روغن بنفشه بادام یا روغن بادام در بینی طفل بچکانند.

برای رفع آب ریزش چشم طفل مقدار کمی روغن ویکس به ملاح طفل بمالند.  
 برای درمان بواسیر بادی شب‌ها موقع خواب به قدر یک قاشق مرباخوری حناء را با  
 روغن زیتون خمیر نموده در وقت شب بگذارند و صبح‌ها با آب گرم طهارت بگیرند.  
 برای درمان ورم بیضه روغن خاکستری را به بیضه بمالند تسکین می‌یابد یا روغن  
 اکتیول را به بیضه بمالند.<sup>۱</sup>

انواع روغن‌ها بسیار است و خاصیت آنها مختلف است.  
 روغن بلسان گرم است در دو درجه و خشک است در درجه اول و در قوت تحلیل  
 است.

جالینوس می‌گوید: قوت روغن ترب و قوت روغن بید انجیر یکسان است جز آنکه  
 تخم ترب گرم‌تر از روغن بید انجیر است.

و هیچ روغن به زیت کهنه در منفعت از او نزدیک نیست و به این معنی روغن ترب را  
 بدل (روغن زیت) در وقت تغذیه استعمال می‌کنند.

و دهن الغار (روغن غار) گرم است و لطیف و دافع است مرءاء الثعلب را به مواظبت.  
 جالینوس می‌گوید: بدل او را علاج داء الثعلب زفت تر است.

و روغن سومن گرم و خشک است در درجه دوم و بدل او دهن الغار است.  
 و روغن انجره گرم است و لطیف و بدل او روغن تخم معصفر است جز آنکه روغن  
 معصفر در قوت کمتر است از انجره و روغن انجره گرم است در دو درجه و طبیعت را  
 نرم کند.

و بدل روغن حنا روغن مرزنجوش است.

و بدل روغن نیلوفر، روغن بنفشه است و هر دو سرد و تر در یک درجه هستند.

روغن یاسمین گرم است در سه درجه.

و روغن نرجس گرم است در دو درجه.

و روغن بادام تلخ، گرم و خشک است در دو درجه و ورم‌ها را بنشانند.

و روغن زیت مختلف الانواع است زیت خشک و گرم و تر است در یک درجه.  
 و روغن شیره گرم و تر است در یک درجه و طبع را نرم می کند.  
 و روغن گل سرد و خشک است در یک درجه.  
 و روغن بادام شیرین گرم و تر است در یک درجه.  
 و طبع و خاصیت روغن ها مشابهت دارد انواع حبوب را که از او حاصل شود یا چیزی که در او پرورده شود.  
 ابوریحان می گوید: زنبق و رازقی، روغن یاسمین را می گویند و از انواع او نیکوتر آن است که او را از دارابجرد یعنی دارابگرد به اطراف نقل می کنند.  
 و در عراق روغن یاسمین را زنبق می گویند.  
 و رازقی به لغت عرب کتان را می گویند.  
 و روغن عسلی را نیز گفته و می گویند در زمین سور، یا درختی است که از او روغن بیرون می آید که به صورت عسل ماند بلکه از عسل جرم او سخت تر باشد و او مسهل است و اعضاء را ماده (مانده) کند و اندام را سست می گرداند.<sup>۱</sup>  
 روغن فشار اول زیتون بهترین روغن خوراکی است. چرب کردن موی سر با روغن زیتون کهنه از سفید شدن و ریختن موی جلوگیری می کند.  
 در میوه های چرب و غلات به اندازه کافی چربی موجود است و احتیاجی به خوردن روغن در کار نیست همچنین از روغن هایی که به طریق سرد به دست می آید مانند روغن زیتون تصفیه نشده و روغن غلات استفاده می شود که در آنها تمام ویتامین ها به حد و فور وجود دارد. روغن خشخاش، آفتابگردان، کتان، کنجد، بادام زمینی و مانند آنها با خواص متعدد و ممتاز برای بدن بسیار مفید است.<sup>۲</sup>  
 دارچین دارای یک نوع روغن مایع قرّار و دارای خواص مقوی و ضد درد معده است.  
 روغن ذرت در رفع اگزما، بیماریهای جلدی اطفال نوزاد مفید است.



روغن مغز شفتالو در درمان سودا و تسکین درد بواسیر استعمال می شود.  
میوه کرچک پوشیده از خار و محتوی سه دانه روغن دار است. کرچک انواع مختلف  
با مشخصات متفاوت دارد که از آنها روغن استخراج می شود.

روغن کرچک دارای اثر ملینی و مسهلی است. مصرف آن با تحریکات روده همراه  
نیست و به علاوه می توان آن را مناسب ترین مسهل، در دوره آبستنی دانست. به عنوان  
رفع یبوست عادی نیز می توان روغن کرچک را مورد استفاده قرار داد و در میان کردها از  
روغن کرچک برای یبوست استفاده می کنند.

روغن کنجد را به عنوان داروی دفع یبوست استفاده می شود و از این روغن به علت  
خاصیت تند نشدن آن می توان در مصارف درمانی به جای روغن زیتون استفاده به عمل  
آورد و از نظر درمانی اثر ملینی دارد.

روغن نخود مقوی شهوت می باشد و جهت تسکین درد دندان و دردهای سرد و  
جذام بسیار مفید است.<sup>۱</sup>

برای رفع ترک دست باید با آتش ملایمی، ۱۵ گرم روغن مایع بادام را با روغن کاکائو  
در هم مالید و روی جاهایی که ترک خورده است گذاشت.

اگر پوست دست و پای شما ترک خورده است برای معالجه آن به اندازه مساوی  
گلیسیرین و روغن زیتون را مخلوط کرده پوست خود را روغن مالی و چرب کنید.

اگر برگهای اسفناج را در روغن زیتون بپزند ضماد خوبی است برای معالجه  
سوختگی در هر دفعه به اندازه مورد احتیاج درست کنید، اضافه آن را نگه ندارید.

خوردن روغن زیتون با غذا اشتها را زیاد می کند.

روغن زیتون نرم کننده و ملین است برای رفع عوارض کلیه ها و کیسه های صفرا و  
قولنج کلیوی و کبدی.

برای درمان یبوست: روغن زیتون ۱۲ مثقال، روغن بادام شیرین دست افشار ۸ مثقال  
مخلوط نموده نصف آن را شب موقع خواب و نصف دیگر را صبح ناشتا میل کنید.

روغن گل نسترن و روغن گل همیشه بهار برای موی سری که ریزش دارد بسیار مفید است.

روغن کنجد برای جلای مو بسیار مفید و بهترین روغن‌ها می‌باشد.

یک گلوله کوچک از جمعری نمک زده با روغن زیتون را در سوراخ دندان بگذارید.

چکانیدن روغن زیتون در چشم نیروی باصره را تقویت و ریزش آب چشم را هم برطرف می‌کند.

روغن بادام تلخ را در گوش بچکانند و قدری پشم گرم نموده در جلوی گوش بگذارند و گوش را ببندند، درد گوش را رفع می‌کند.<sup>۱</sup>

اگر کری گوش از بلغم باشد، روغن ترب صبح و شام در گوش بچکانند. دستور ساختن روغن ترب: ۸۰ مثقال آب ترب را با ۳۰ مثقال روغن کنجد بجوشانید تا آب بسوزد و روغن بماند. اگر هزارپا در گوش رفت روغن بچکانید تا بیرون آید.

روغن فندق بو داده تقویت کننده دماغ است، نیروی شهوانی را هم زیاد می‌کند. برای درمان آب ریزش بینی روزی ۵ تا ۷ بار روغن بتفشه بادام در داخل سوراخهای بینی بچکانید.

ترب دارای یک روغن گوگردی است، خاصیت آن نرم کننده و اشتها آور است، ضد عفونی کننده و برای سرفه‌های کهنه مفید است.<sup>۲</sup>

نصف شیشه روغن بادام شیرین را روی یک مشت برگهای تازه علف ماهور بریزید تا خوب بخیسد و آن را نگه دارید هر وقت احتیاج داشتید هر دو روز یک بار و هر بار سه قطره از آن را در چشمان خود بریزید تا تحریکات چشم شما بکلی برطرف گردد.

خیس کرده گل هزارچشم در روغن زیتون همان مرهم معروفی است که قرن‌هاست شهرت دارد و انواع زخم‌های جلدی را معالجه می‌کند.

طرز تهیه روغن هزار چشم: ۵۰ گرم گل‌های خشک هزار چشم را در مخلوطی از یک

۱- نسخه‌های حکیم باشی یا بدون طیب زندگی کنیم، ص ۲۹۵-۳۱۰-۳۳۱-۳۹۱-۴۴۴-۴۴۸-۵۶۶-۵۷۰.

۲- همان، ص ۵۷۱-۵۷۲-۵۷۸-۵۸۱-۵۸۷.

لیتر روغن زیتون و ۰/۵ لیتر الکل سفید بریزید و ظرف محتوی آن را توی ظرفی که دارای آب جوش بوده و روی آتش می جوشد بگذارید و صبر کنید آنقدر بماند تا الکل سفید بخار شده و تمام شود. بعد ظرف را از روی آتش بردارید و بگذارید بماند تا سرد شود. سپس آن را صاف کنید و در شیشه های کوچکی که دارای دهانه تنگ می باشد بریزید و هر وقت احتیاج داشتید یکی از آنها را مصرف نمایید زیرا باز کردن در آن خواص آن را از بین می برد و آن را خراب می کند. برای معالجه زخمهای سوختگی گاز پارچه ای را با آن خیس کنید و آن را روی زخم بگذارید و روی گاز هم پنبه بگذارید و ببندید. روغن هزارچشم برای معالجه خراشیدگی پوست هم بسیار مؤثر و مفید است و خیلی زود زخم آن را التیام می بخشد.<sup>۱</sup>

روغن های نباتی ویتامین های b<sup>۶</sup> (ب ۶) e (ای) k (کا) و اسیدهای چرب قابل جذب را فراهم می سازد.

روغن پسته زمینی (آراشید) منبع و سرچشمه گرانبهای اسیدهای چرب است. پس شما تمام روغن های مایع نباتی را مصرف کنید و آن را نه تنها در مس های سالاد بلکه در تمام سبزیهایی که سرعت سرخ می کنند استعمال نمایید. تمام مواد روغنی و چربی باید در جایی خنک و تاریک حفظ شوند. چربیهای سفت مثل کره و روغن های نباتی را بهتر است در یخچال بگذارید.<sup>۲</sup>

### \* روینه

روینه گیاهی است چند ساله به ارتفاع ۱۰۰-۳۰ سانتی متر ساقه آن افراشته، برگها متناوب، باریک، بیضی، دراز، نوک تیز...  
این گیاه در جنگلهای مناطق معتدل اروپا و آسیا و آمریکا می روید و در ایران در دامنه های البرز در کندوان و در گیلان نیز دیده شده است.

۱- نسخه های تدرستی، ص ۳۱۶-۳۳۰-۳۳۱.

۲- چه باید خورد چگونه باید پخت، ص ۴۰۶-۴۰۵.

### ترکیبات شیمیایی:

در ترکیبات شیمیایی این گیاه، ساپونین یافت می شود و نیز فلاونول گلوکزید، کوئرسیتین، که برای التهاب کلیه که همراه با خونریزی می باشد. گفته می شود در چین از دانه های این گیاه برای حل کردن خون و تحلیل نفخ و گاز معده استفاده می کنند و نیز برای معالجه خونریزی های داخلی و جراحی های اختلالات، عادت ماهانه، ویا و اسهال تجویز می شود.

در هند از این گیاه به عنوان بادشکن، ضد عفونی کننده، مدر و دفع کننده سنگ مثانه استفاده می شود. در اروپا برای استسقاء تجویز می شود برای قطع اسهال کودکان به اندازه ۵۰ - ۱۰ گرم سرشاخه گلدار گیاه یا ریشه آن در هزار گرم آب می جوشانند و روزانه ۳-۵ فنجان بین دو غذا می خورند در مورد کودکان از شربت آن استفاده می شود، به این ترتیب: ۵۰ گرم سرشاخه گلدار گیاه خشک را در یک لیتر آب جوشانده و در حدود ۱۵۰۰ گرم قند به آن اضافه می نمایند و از این شربت یک قاشق سوپ خوری هر ساعت به کودک می دهند.<sup>۱</sup>

رئین: رئین از ترکیبات شیمیایی روپاروب می باشد گلوکزیدهای رئین اترون است و روپاروب را رئوم نیز گفته<sup>۲</sup> و روین را قوت الصباغین می گویند.<sup>۳</sup>

### \* ریحان

«فاما ان كان من المقربين فروح و ریحان و جنة نعیم».

اما اگر از مقربان باشد پس برایش روح و ریحان و جنت و نعمتهاست.

وقال الله تعالى: «والحبُّ ذُو العَصْفِ و الرِّيحان».<sup>۴</sup>

در آنجا دانه شاخه آور و ریحان است.

و فی صحیح مسلم عن النبی ﷺ: «من عرض علیه ریحان فلا یرده: فانه خفیف المحل

۲- مفردات پزشکی، دکتر آینه چی.

۱- معارف گیاهی، ج ۱۴، ص ۳۷۲.

۴- واقعه: ۸۹.

۳- سیدنه، ج ۱، ص ۳۲۳.

طیب الرائحة»<sup>۱</sup>.

«کسی که برایش ریحان داده شود آن را نباید رد کند، زیرا ریحان وسیله اش سبک و بویش پاک است».

حضرت صادق علیه السلام فرمود ریحان کوهی سبزی انبیاء است و در آن هشت خصلت است گوارا، سدها را باز، نفس را طیب، باد را پاکیزه، طعام را لذیذ، بیماری را به آسانی خارج و امان از خوره است و چون در شکم انسان استقرار پیدا کند تمام بیماریها را زائل می کند.<sup>۲</sup>

ریحان: به فتح را و سکون یای تحتانی و فتح های مهمله و الف و نون، اسم جنس و ریاحین خوشبو است. جمع آن ریاحین و می گویند که اسم عربی ریحان الملك است و آن شاهسفرم باشد که معرب شاهسپرم فارسی است به معنی سلطان الریاحین و نیز به فارسی نازبو معروف به ریحان مطلق است و آن را حبق کرمانی و به یونانی انیتس و مرسیا و به فرنگی اسمیم و به عربی ضیمران و به فارسی اسپرغم و اسفرم و به هندی نازبو و نگندباری و تلسی می نامند و بعضی غیر تلسی دانسته اند و آن نباتی است که در باغها می نشانند و از جایی به جای دیگر نقل مکان می کنند و شاخه های آن بسیار بود و از یک بیخ می روید. برگ آن شبیه به برگ آلو، باریک، تیز بو، خوشبو و آن را خرشته است که در آن تخم آن می باشد و برگ این نوع در زمستان و تابستان نمی ریزد و قسمی از آن کوچک برگ با سبزی مائل به زردی و آن بهترین اقسام آن است و این را به فرنگی اسمیم باروم یعنی برگ کوچک می گویند و گیلانی گفته که: اول از هر دو قسم اجود و اعظم است و نوعی از آن بادروجی بزرگ، برگ سبز تیره و این را به فرنگی اسمیم ماکتوم یعنی برگ بزرگ می نامند و به قول صاحب اختیارات بهترین سعتری بود که کرمانی می نامند و ریحان یزدی نیز گرم در اول و خشک در دوم است بهترین آن تند بو است مفتوح سده دماغی و محلل اورام جمیع اعضا است و بوییدن دائم آن مقوی اعضای دماغیه و چون بر آن آب پاشیده ببینند صداع حار را نفع می کند.

بوی آن آورنده خواب و مفتح سدد دماغ و نافع دماغ بارد و محلل فضول آن است  
عصاره آن با شکر جهت رفع درد سینه و ربو و سرفه نافع و نافع بواسیر، مصلح آن نیلوفر  
است یا گلاب و یا آب سرد، قاطع اسهال کهنه است می‌گویند که تخم آن تافع جهت  
وحشت است.<sup>۱</sup>

ریحان گیاهی است مشهور و دو نوع دارد ریحان برای باد کردگی معده مفید است،  
ریحان را بکوبند و روغنش را بگیرند و روغن مرهم شود و بر بواسیر مانند نافع می‌باشد.  
ریحان سلیمانی: این گیاه در کوه‌های اصفهان پیدا می‌شود به شبت سبز می‌ماند،  
می‌گویند: برگش به گیاه خطمی شبیه و شکوفه‌هایش کوچک و همچون لبلاب به درخت  
می‌پیچید شاید در این روایات اختلافی می‌باشد و شاید منظور از خطمی همان گیاه  
جمسفرم باشد چه عوام عقیده دارند که هم سلیمان خاصیت لطیف و خشک‌کننده است با  
سرکه بر باد سرخ و ورم بلغمی می‌ماند و برگ و روغنش نیز داروی ورم بلغمی است. با  
سرکه بر قرحه ساری می‌ماند مفید است بر تقرس می‌ماند سودمند است، در علاج کج  
دهنی مفید است با روغن گل بردارند در زهدان تسکین یابد بر نیش زده کژدم بمالند  
خوب می‌باشد.<sup>۲</sup>

ریحان: خوراک آن نافع زکام و با گشنیز نافع یرقان و ضماد آن نافع داءالفیل است  
خوراک تخم ریحان با شیرین بیان نافع امراض سینه است.<sup>۳</sup>

ریحان: از خانواده نعنائیان است که نام لاتین آن اوسیموم بازیلیکوم *ocimum*  
*basilicum* و فارسی آن شاهسپریم یا شاهسپرغم و هندیش تلی است، گیاهی است علفی  
و کوچک و سبز رنگ به درازای ۵۰ - ۱۰ سانتی متر دارای برگهای متقابل که معطر  
می‌باشد ساقه‌های آن اغلب به صورت چهار ضلعی است. این گیاه را معمولاً به دو نوع  
تقسیم می‌کنند دارنده برگهای بزرگ سبز تیره و برگهای کوچک سبز مایل به زرد.  
گل‌های ریحان معمولاً کوچک و نامنظم و به رنگ سفید و گلی و گاهی بنفش و کمی

۲- قانون در طب، ص ۳۰۲

۱- محیط اعظم، ج ۲، ص ۱۳.

۳- حکیم اسفندیاری.

شبهه گل‌های تیره میمونیان و دارای ۵ کاسبرگ و جام لوله‌ای شکل می‌باشد انواع مختلف ریحان که تعدادشان بالغ بر ۱۶۰ نوع می‌باشد اختصاص به نواحی حاره و معتدله دو نیم کره داشته به حالت خودرو در این نواحی بخصوص در افریقا می‌روید که چند نوع آنکه از نقطه نظر اسانس داشتن قابل توجه‌اند، عبارتند از: اوسیموم گراتی‌سیوم، اوسیموم ویریدیس ویلد، اوسیموم سانکتوم، اوسیموم باسیلیکوم که نوع اخیر آن در ایران به حالت وحشی می‌روید و روزانه مقدار زیادی از آن به مصرف تغذیه می‌رسد و از آن شرح می‌دهیم:

قسمت مورد مصرف آن برگ و سرشاخه‌های گلدار آن است ولی برای تهیه اسانس از تمام گیاه تازه استفاده می‌شود از هر دو کیلو ریحان یک گرم اسانس به دست می‌آید که زرد روشن و دارای بوی ملایم و معطر است.

ریحان در نقاط نیم خشک لرستان و سفید دشت و گیلان و منجیل می‌روید. این گیاه سردرد و دل پیچه را برطرف می‌سازد و میکروب اسهال و وبا را می‌کشد و بوی آن پشه و مگس را فرار می‌دهد. خوردن بذر آن مقاومت بدن را در برابر سموم زیاد می‌کند. ریحان: هر گیاه خوشبو، اسپرغم، اسپرم. گیاهی است علفی از تیره نعناعیان که یک ساله و معطر است و دارای ساقه‌ای منشعب از قاعده می‌باشد.<sup>۱</sup>

به عربی ضیمران و به فارسی اسپرغم، اسفرم و به هندی نازیو و نگندابری و تلسی می‌نامند. صاحب منهج گفته که بهترین آن تندبو است و طبع آن گرم و خشک در دوم است نفع آن برای گرم مزاج و صاحب صداع و ناراحتی از حرارت آفتاب و سفر و عدم اضرار آن به صاحبان سرسام و چنین نیست و آن مفتح سده دماغی و محلل اورام جمیع اعضا است.<sup>۲</sup>

شیخ می‌گوید: گویند این همان شاهسفرم حمام است. مزاج: این ماسویه می‌گوید: گرم و در دوم خشک است. بسیاری از اطباء گفته‌اند سرد است، بر سوختگی نهند سودمند است و در علاج زخم دهان مؤثر و راه‌بندانه‌های مغز را می‌گشاید.<sup>۳</sup>

۲. محیط اعظم، ج ۲، ص ۷۳.

۱. فرهنگ معین، ج ۲، ص ۱۷۰۱.

۳. قانون در طب، ج ۲، ص ۳۵۲.

### خواص درمانی:

برگ ریحان جهت معطر ساختن اغذیه به کار می‌رود، به علاوه به حالت خام مصرف می‌گردد. دم‌کرده ۲۰ تا ۵۰ در هزار آن اثر ضد تشنج، نیرو دهنده، مقوی و مدر دارد. مصرف آن برای رفع سردردهای یکطرفه، سردردهای عصبی، تقویت عمل دستگاه هضم از بین بردن نفخ، سرگیجه، دل‌پیچه‌ها و سرفه، آنزیم و غیره توصیه شده است. ریحان اثر زیاد کنندگی ترشحات شیر را دارد و از این نظر از قدیم الایام مورد استفاده بوده است.

جوشانده‌های غلیظ ریحان جهت رفع آفت Aphic، به صورت حمام دهان مصرف دارد.

دانه ریحان لعاب فراوان دارد و چون نرم کننده است در رفع ورم کلیه و ترشحات زنانگی مورد مصرف قرار می‌گیرد. w.bohn کلیه قسمت‌های گیاه را یک دارویی مؤثر جهت رفع التهاب‌های دستگاه مجاری ادرار اعلام داشته است.

اسانس ریحان به مقدار ۵ تا ۶ قطره بر روی یک حب قند، اثر قاطع در رفع تشنجات معدی و سردردهای با منشأ ضعف عمل دستگاه هضم دارد.

خشک آن مخرج بلغم و مقوی معده، برگ‌هایش دافع تب و زکام و تخم‌هایش، ملطف، مغلظ و چسب‌دار می‌باشد در هند هندوها این را با احترام نگه می‌دارند و به همین سبب این را در انگلیسی holybasel می‌گویند که معنای holy (هولی) در انگلیسی مقدس است. در تبها با فلفل سیاه سائیده آبش را می‌خورند در سوزش و خراش گلو یا غسل می‌لیسند نیز این گیاه حشرات ارضی را دفع می‌کند با زنجبیل، مخلوط نموده قولنج بچه‌ها را مفید می‌باشد. چکانده آب برگش نافع درد گوش می‌باشد. محلل اورام، دافع بادها است ضعف معده و فساد خون را علاج می‌کند. جوشانده‌اش را با شیر و شکر عوض چای می‌خورند، خستگی را دور می‌کند، آب برگ آن را با آب لیمو سائیده نافع لکه‌های سیاه صورت بوده و مالش آب برگش بر بدن دافع پشه‌ها از بدن می‌باشد به همین جهت هر مکانی که پشه‌هایی که مرض مالاریا را می‌آورند پیدا می‌شود خوردن



آب آن با سه عدد فلفل سیاه آدم را از تب محفوظ نگه می‌دارد. دکتر هندی کرنل چوپرا در کتاب خود نوشته است که خوراک برگ آن با عسل نافع سرفه کهنه بچه‌ها می‌باشد در برگهای آن یک روغن سبز مایل به زردی می‌باشد که اگر هوا بر آن بوزد منجمد می‌شود.<sup>۱</sup> برگهای ریحان را سبز و تخمهایش را سیاه نوشته‌اند. ماهیت برگ آن تیز مایل به تلخی و تخم آن لعابدار می‌باشد، مضر برای معده می‌باشد. بدل آن: ریحان دشتی و تخم مرو، مصلح آن گشنیز و قند سیاه می‌باشد.

### محل رویش:

شمال غربی ایران، آذربایجان: تبریز، کرمان: میناب، خراسان: خواف و اطراف تهران، ریحان در نواحی مختلف ایران کاشته می‌شود به علاوه به حالت نیمه وحشی نیز در نواحی مذکور دیده شده است.<sup>۲</sup>

ریحان را در اردو تلسی می‌گویند و اسم طبی آن را *ocimum sanctum* و در عرفی انگلیسی آن را *holybasel* می‌گویند بوته آن از یک تا دو فوت بلند می‌شود، برگهای سه گوش کناره دار و بر هر شاخه یک گل دارد و نازبویک قسمی از آن می‌باشد، برگ و شاخ نازبو قرمز می‌باشد و گلش نیلی مایل به سیاه و سرخ و خیلی خوشبو می‌باشد. تخمهایش سیاه لعابدار که آن را تخم شاهسفرم می‌گویند رنگ برگ ریحان سبز است. ذائقه: قدری تند.

مزاج: گرم و خشک دو درجه.

مقدار خوراک: تازه آن ۴ گرم و خشک آن از نیم تا یک گرم می‌باشد.

محل رویش: همه جا پیدا می‌شود و مخصوصاً هندوها آن را در معبدشان می‌کارند.

### نفع خاص:

دافع بیج معده مغلظ منی می باشد. خوراک تخم‌ش ۹ گرم و برگش: ۱۲ گرم می باشد نیز برای تقویت اعضای بدن مفید است بر کردن آن سده‌های دماغی را باز می نماید درد سر را مفید گرد، آن با صمغ به بول نافع پیچش شکم است، آب برگ آن نافع سرفه، ضیق گلو و درد سینه می باشد و خوراک آب آن با قند سیاه، مغلظ منی و ممسک می باشد.<sup>۱</sup> و کتاب همدرد اسم تخم آن را *ocimum pilosum* نوشته است و در امراض معده و اسهال شکم به کار برده است.<sup>۲</sup>

دستور بریتانی اسم آن را *ocimum basilicum* نوشته است و نیز ماده طبی *thymol* تایمول که از نعناع به دست می آید در ریحان هم پیدا می شود و فوائد آن: نافع سینه و معده می باشد.<sup>۳</sup>

عربی: حبق کرمانی، ضیمران.

یونانی: انیتس، مرسیا.

فارسی: اسپرغم، اسفرغم، اسفرم، نازبو.

سانسکریت: تلسی، ویشنوی، برندا، سگندها، امرتا.

نوع سیاه را: کرشن و کرشن تلسی گویند.

انگلیسی: *white beeze, purple stalked beeze*

لاتین: *ocimum album, ocimum sanctum*

در باغها و جنگلها می روید، این گیاه از وسایل عبادت هندوها می باشد و آن را تبرک می دانند.

ریحان جنگلی به عربی: بادروج، بلوروج، چوک.

فارسی: تره خراسانی.

یونانی: اوقیمن.

۳. دستور بریتانی، ص ۱۰۴۱.

۲. همدرد انگلیسی، ص ۵۱.

۱. بستان المفردات، ص ۹۷.

سانسکریت: ارجک، چهدر تلسی، مکهارجک.<sup>۱</sup>

انگلیسی: holy basyl

هندی: تلسی.

گیاهی مقدس نزد هندوها است که داستانهای مفصلی در بارهٔ ریحان در کتاب مقدس هندوها نوشته شده است. چون بحث ما در باره تاریخ و مذهب نیست به طور مختصر برای اطلاع عموم ذکر می‌کنیم:

این گیاه بسیار عزیز و دلپسند اولیاء برهمنان هندو بوده که در تمام مناسبات مذهبی و عبادی آن را استعمال می‌کرده‌اند هنوز هم برای تقدس در معابد و حتی در منازل کاشته می‌شود و شبها هم باید حتماً چراغی کنار آن روشن باشد. ریحان دو نوع است: سبز و مایل به سیاه.

به قول: raga.nirghanta ریحان سردی را دور می‌کند و کرم روده را خارج می‌نماید ارواح بد را از انسان دور کرده و قی را بند می‌آورد. برگ آن خارج کننده بلغم است و برای زکام مفید است و برگ خشک آن به طور عطسه آور در مرض بدبویی بینی استعمال می‌شود.

انسلی می‌گوید که: جوشاندهٔ بیخ آن برای تب مفید است در بعضی مناطق آن را با فلفل سیاه و گیاهی هندی به نام کهمهی برای تب صفراوی استعمال می‌کنند برای مرض روماتیسم هم مفید است و تخم آن لعابی و نرم کننده است.<sup>۲</sup>

انگلیسی: seet basil

فرانسوی: grand basilie

در ایران و پاکستان می‌روید، از تخم و برگ آن به عنوان دارو استفاده می‌شود هندوها بوی آن را نمی‌پسندند ولی مسلمین زیاد بوی آن را دوست دارند. عرب آن را ریحان و ایرانی شاهسفرم و تازبو می‌گویند به سبب داشتن بوی لطیف آن را حبق کرمانی هم می‌گویند.

۱- لافانی لغات الادویه، ص ۷۴.

۲- فارماکوگرافیا، ج ۲، ص ۸۶.

نویسنده کتاب مخزن الادویه آن را *ocimum* گفته است که نامی اروپایی است. برگ بزرگ ریحان را *ocimum magnum* و ریحان برگ کوچک را *ocimum parvum* می‌گویند. ریحان را گرم و خشک، بادکش، محرک و صاف کننده خون گفته‌اند، از تخم آن بیشتر به دلیل مواد لعابی که در آن وجود دارد استفاده می‌شود.

شکسته تخم ریحان اثر قابض دارد و سیلان روده‌ها را می‌بندد از عصاره برگ ریحان برای تنقیه دماغ سعوط می‌گیرند.

نوعی ریحان از *pliny* ذکر شده که برای جلوگیری از قبض معده به اسب می‌دهند و نوعی ریحان به نام *ocimum basilicum* از دیسکوریدوس ذکر شده است.

*de gubernatis* بیانی لطیف از ریحان ذکر کرده است او می‌گوید: در ایتالیا دختران آن را در کمر می‌گذارند و خانمهای ازدواج کرده بر سر می‌بندند.

در اروپا ریحان به عنوان سبزی خوردن مصرف می‌شود و آن را همانند نعناع و صعتر می‌شناسند ریحان را برای امراض اعصاب و هیستری مفید گفته‌اند، در شهر بوئنوس آیرس عصاره تازه آن را برای دفع کرم معده استعمال می‌کنند.

در هند ۳ نوع ریحان روئیده می‌شود: نوعی مانند نعناع است که در باغها می‌روید. نوعی دیگر به نام *pilosum roxburgh* که بوی آن مانند لیمو است و نوع سوم که بوته‌اش کوچک است و عموماً در باغها و زمینهای کنار آب می‌روید و بوی آن شبیه بوی نعناع است ولی با *ocimum canum* فرق دارد.

آب مقطر برگ آن ۱/۵۶ درصد روغن سبز مایل به زرد دارد. از آب رقیق و در حالت جامد شدن آن ماده *basil campher* حاصل می‌شود از آن به کمک الکل روغنی جامد به فرمول  $C^{20}H^{10}HO^6$  به دست می‌آید.<sup>۱</sup>

ریحان یکی از سبزیهای خوردنی، معطر و خوشبو است که دارای ساقه نازک و برگهای درشت است و خام آن خورده می‌شود. در میان برگها دم‌کرده آن را برای دفع سردرد سرفه و سیاه سرفه به مصرف می‌رسانند.<sup>۲</sup>

ریحان گیاهی است علفی یک ساله، معطر و دارای ساقه منشعب از قاعده و به ارتفاع پانزده تا چهل و پنج سانتی متر که امروزه در غالب نواحی پرورش می یابد.

برگهایی متقابل بیضوی، نوک تیز با کتاره دنداندار و گلهایی معطر به رنگهای سفید گلی و گاهی بنفش و مجتمع به صورت دستجات چهار تا شش تایی در طول قسمت انتهایی ساقه دارد. برگ آن جهت معطر ساختن اغذیه به کار می رود و نیز به حالت خام مصرف می گردد، دم کرده آن اثر ضد تشنج، نیرو دهنده، مقوی معده و مدری دارد. مصرف آن برای رفع سردردهای یک طرفه، سردردهای عصبی، تقویت عمل دستگاه هضم، از بین بردن نفخ، سرگیجه، دل پیچه ها، سرفه، آنژین و سیاه سرفه توصیه شده است.<sup>۱</sup>

ریحان، این سبزی معطر در هر یکصد گرم ۲/۴ میلی گرم کلسیم، ۳۰۰ واحد ویتامین A، ۲۰۰ واحد ویتامین C، ۱۴۸ میلی گرم کلسیم و ۹/۸ میلی گرم آهن دارد.

دم کرده برگ ریحان اثر ضد تشنج، نیرو دهنده، تقویت کننده معده و مدری دارد برای این منظور ۲۰ تا ۵۰ گرم آن را در یک لیتر آب دم می نمایند از همین دم کرده برای رفع سردردهای یک طرفه، سردردهای عصبی، تقویت عمل دستگاه هاضمه، از بین بردن نفخ، سرگیجه، دل پیچه، سرفه، آنژین و سیاه سرفه استفاده می شود.

ریحان اثر زیاد کننده ترشح شیر دارد و از زمانهای قدیم برای زیاد کردن شیر زنان شیرده از آن استفاده می کردند، ریحان کوهی (بادروج) بالنگو شیرازی کم و بیش شبیه یکدیگر می باشند.

تخم اینها وقتی در آب ریخته می شود لعابی می دهد که از آن برای نرم کردن سینه، رفع ورم کلیه و غیره استفاده می شود و چون در عین حال معطر نیز می باشد از آنها در شربت هایی به نام تخم شربتئی استفاده می کند. ریحان به افزایش اشتها کمک و در هضم مؤثر است.<sup>۲</sup>

ریحان گیاهی یکساله معطر و از تیره نعناع است. ساقه منشعب از قاعده به ارتفاع ۱۵

تا ۴۵ سانتی متر و برگها متقابل بیضوی، نوک تیز با کناره دندانه دار دارد. گل‌های آن به رنگ‌های سفید گلی و گاهی بنفش و مجتمع به صورت دسته‌های ۴ تا ۶ تایی در قسمت‌های انتهائی ساقه‌اند. برگ و سرشاخه‌های جوان آن به مصارف تغذیه و معطر ساختن خوراکی‌ها می‌رسد.<sup>۱</sup>

شاه اسپرم را عرب ریحان می‌گویند، و شاه اسپرم از انواع ریحان است که برگ او خرد بوده و نبات او خوشبوی می‌باشد و مورد، اسپرم آن را می‌گویند. از انواع او: که برگ او به برگ مورد می‌ماند و نوعی از او به نبات سعتر بوده و او را سعتری می‌گویند و نوعی را از او نعناع می‌گویند به سبب مشابهت او به نبات نعناع و نوعی را از او طرخونی گفته و نوعی از او را صنوبری می‌گویند به همین معنی که برگ او به برگ این نبات‌ها مشابهت دارد. به پارسی ریحان، سپرم را می‌گویند و در اصل اسفران بوده است و اسفران شادمانی دایم بود، نام دیگر ریحان حمام است معرب است از لفظ هم به هم.

او را معنی چنین باشد به لغت تازی که (هااناذا) یعنی چنانستی که نبات ریحان چون از زمین پدید آید می‌گوید: اینک من اینم و مراد از این، شهرت او باشد، چنانکه کسی ندا دهد و خود را تعریف کند و حمام در انواع یمن بسیار است و نبات بستانی بود.<sup>۲</sup>

و ریحان سلیمان را، نظم می‌گویند و معدن او در کوه‌های اصفهان بوده و چوب او به چوب شبت می‌ماند و برگ او به برگ خطمی و شکوفه‌ها خرد می‌باشد و نبات او به درختان که در جوار او بودند تعلق می‌کند، چنانکه لبلاب و او را هم اسپرم می‌گویند. ابوریحان می‌گوید: در کتابی از کتاب عطر، چنان یافتیم که یکی از انواع ریحان آنست که مثبت او در بلاد عرب می‌باشد و او را شاد اسپرم و به بادرو غلط است.<sup>۳</sup>

در اروپا بازلیک، در عربستان سلطان الریاحین گفته می‌شود. ریحان باعث تقویت معده بادشکن، ضد عفونی کننده دهان و دستگاه گوارش، مدر و ضد تشنج است، همچنین بوی بد دهان را از بین می‌برد. یکی دیگر از کارهای ریحان این که دماغ را باز

۲- صیدنه، ج ۱، ص ۲۲۳.

۱- گیاهان دارویی، ج ۳، ص ۶۴۰.

۳- همان، ج ۱، ص ۳۲۴.

می‌کند و عصاره آن با شیر برای درمان زکام و درد سینه و سرفه به کار می‌رود مضمضه جوشانده غلیظ و جویدن ریحان جهت رفع آفت دهان و بو کردن ریحان برای رفع سردرد مفید است و اگر سوار هواپیما و کشتی هستید در صورتی که حالتان به هم بخورد و دچار سردرد و دل‌پیچه می‌شوید اگر ریحان را بو کنید دیگر دچار آن نمی‌شوید، همچنین میکروب وبا و بوی آن مگس و پشه را فراری می‌دهد. خوردن بذریحان مقاومت بدن را زیاد می‌کند، ریحان دارای ویتامین K است و برای دماغ و بواسیر خونی سودبخش می‌باشد، جهت از بین بردن بوی بد زیر بغل مفید است.

برگ و تخم ریحان، روده‌ها را قوت داده و مالیدن آب آن برپایی که چون پای فیل کلفت شده باشد علاج می‌سازد.<sup>۱</sup>

حضرت علی علیه السلام: پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله از میان سبزیها از ریحان خوشش می‌آید.

حضرت صادق علیه السلام: ریحان سبزی پیغمبران است و بدانید که هشت خاصیت در آن موجود است غذا را گوارا می‌کند منفذها را باز می‌نماید دهان و آروغ را خوشبو می‌کند اشتها به غذا را افزایش می‌دهد مرض را از بین می‌برد از بیماری جذام شخص را ایمن می‌کند.

و بالاخره موقعی که در شکم آدمی قرار گرفت همه امراض را ریشه کن می‌سازد. اگر قبل از غذا و بعد از غذا ریحان بخورید دیگر نگران بیماری نباشید. ریحان باعث خوشبویی دهان می‌شود و همچنین سنگینی غذا را از بین می‌برد دانه ریحان به علت داشتن لعاب فراوان نرم کننده است چکاندن ۵ تا ۶ قطره اسانس ریحان بر روی یک حبه قند اثر قاطعی در رفع تشنجات معدی و سردردهای ناشی از ضعف عمل دستگاه هاضمه دارد.<sup>۲</sup>

ریحان را می‌توان در تمام فصول به دست آورد ریحان دارای آهن است و کم‌خونی را دواست ریحان دارای کلسیم و فسفر لازمه رشد کودکان است در ریحان پتاسیم وجود دارد که باعث می‌شود اشتها زیاد شود.

ریحان جلوگیری می‌کند از دست نیروی سالمندان و فشار خون ریحان در تحریک و تقویت عضله قلب نقشی ارزشمند دارد.

مادرانی که رنجور و بی حال هستند با خوردن ریحان تقویت می‌شوند. کسانی که ضعف چشم، ناراحتی کبدی و ضعف دستگاه گوارش دارند با خوردن ریحان برطرف می‌شود.

ریحان به فرانسه: basilic pasilic.

انگلیسی: sweetioasil, basil

فارسی: ریحان، نازیو.

عربی: ضیمران.

#### مشخصات:

گیاهی یکساله به بلندی ۶۰ سانتی متر است. گل‌های آن کوچک مایل به سبز یا ارغوانی یا سفید می‌باشد، پشت برگ‌های آن سبز خاکستری و روی برگ‌های جوان آن سبز روشن به شکل بیضی، نوک تیز با دندان‌های ریز و معطر است تخم آن سیاه ریز کمی زیر می‌باشد تکثیر آن با کشت به سادگی انجام می‌گیرد.

#### ترکیبات شیمیایی:

گیاه دارای اسانس روغنی فرار است گیاه تازه در حال گل کردن اسانسی دارد که شامل تعدادی الکل نظیر لینالول که ۵/ درصد اسانس را تشکیل می‌دهد و به علاوه در اسانس آن سینئول و اوژنول و سسکی‌ترین و دی، ترین یافت می‌شود.

گیاه رسیده در حدود ۴/ درصد اسانسی روغنی فرار دارد. برگ‌های آن در حدود ۵/ درصد اسانس دارد که شامل ۵۶/۶ درصد سینامت و ۴/۳۶ درصد ال لینالول و ۸۰ درصد ترین است <sup>۱</sup>.g.i.m.p.



اسانس ریحان مرکب از ۳۰ تا ۵۷ درصد استراگون یا متیل کائوباکول، لیناکول، سینثول، سینامات دومتیل، اوژنول، اوژنول و غیره است.

### خواص:

ریحان، طبیعتی گرم و خشک دارد باز کننده گرفتگی های دماغ و محلل ورمهای جمیع اعضا و برای ضعف معده و بادهای غلیظ مفید است. عصاره آن با شکر برای رفع درد سینه و تنگی نفس و سرفه و مضمضه و جویدن آن برای زخمهای دهان و بوییدن آن برای رفع سردرد گرم مزاجان نافع است. کوبیده تخم ریحان با صمغ عربی برای قطع شکم روش نافع است و جوشانده ۴۰ گرم در هزار گرم آب آن نیز برای اسهال نافع است که خورده شود.<sup>۱</sup>

تشنج، نیرو دهنده، مقوی و مدر برای رفع سردردها یک طرفه، سردردهای عصبی، تقویت عمل دستگاه هضم، از بین بردن نفخ، سرگیجه، دل پیچه ها، سرفه، آنژین و سیاه سرفه توصیه شده است. ریحان ترشحات شیر را زیاد می نماید.

جوشانیده غلیظ آن جهت رفع aphte به صورت شستشوی دهان مصرف دارد دانه ریحان لعاب فراوان دارد و چون نرم کننده است در رفع ورم کلیه و ترشحات زنانگی مورد استفاده قرار می گیرد.

اسانس ریحان به مقدار ۵ تا ۶ قطره بر روی حب قند اثر قاطع در رفع تشنجات معدی و سردردهای با منشأ ضعف عمل دستگاه هضم دارد.

خواص سبزی ریحان بسیار است از جمله: مقوی معده، بادشکن، ضد عفونی کننده دهان و دستگاه گوارش، مدر، ضد تشنج و به علت داشتن سبزینه و اسانس مخصوص که خود مخلوط از چند اسانس است بوی پیاز و سیر را از دهان می برد و روی همین بازاری پیاز زیاد می زنند و مقداری هم با آن می خورند ناگزیر شود ریحان دماغ را باز می کند.

عصاره او با شیر برای درمان زکام درد سینه و سرفه به کار می رود مضمضه جوشانده

و غلیظ و جویدن خود ریحان جهت رفع آفت دهان و بو کردن ریحان برای رفع درد سر مفید است ریحان میکروبهای اسهال و ویا را می کشند بوی خوش آن مگس و پشه را فراری می دهد چند شاخه از ریحان را در باغچه منزل بکارید و به این ترتیب با حشرات مزاحم مبارزه نمایید خوردن تخم ریحان مقاومت بدن را در برابر سموم زیاد می نماید خوردن تخم را نباید کوبید و به طور مستقیم به کار برید. ریحان در موقع کوبیدن لعاب دانه های گیاهی از بین می رود و بهتر است به طور مستقیم به کار برید ریحان دارای ویتامین k (کا) بوده و برای خون دماغ و بواسیر خونی سودبخش می باشد سابقاً تخم او را با شکر کوبیده جهت رفع بوی زیر بغل استعمال می کردند به نظر من تنها ساییده کافی است احتیاج به شکر نمی باشد.<sup>۱</sup>

ریحان برای بادکردگی معده مفید است، ریحان را بکوبند و روغن را بگیرند و روغن مرهم نشود و بر بواسیر مانند نافع است، با سرکه بر قرچه ساری بمالند مفید است، بر نقرس بمالند سودمند است. در علاج کج دهنی مفید است، با روغن گل بردارند درد زهدان تسکین می یابد بر نیش زده کژدم (عقرب) بمالند خوب است.<sup>۲</sup>

## \* ریشه ایریسا

### خواص ریشه ایریسا:

ریشه یا بیخ ایریسا، بیخ سوسن آسمانی رنگ، در کوهها سبز می شود و آن خوشبو و بهن دراز بقدر یک انگشت یا زیادتر و پرگره و پوست آن کبود سرخ می باشد و رنگ آن پررنگ است و مغز آن مایل به زردی و سرخی و بعضی مغز آن بسیار سفید می باشد و بهترین آن مایل به سرخی گره دار آنست که خوشبو و بسیار بلند نباشد و زبان را اندک بگذرد و بوی آن در موقع کوبیدن قوی باشد و به قوت عطسه آور و سست و خالدار نبوده و کهنه و گرم خورده و سوراخ دار نباشد.

۲- قانون در طب، ص ۳۰۲

۱- مجموعه طب سنتی و گیاهی، ص ۱۸۶

طبیعت ریشه ایریسا در آخر درجه دوم گرم و خشک و خواص آن لطیف، مسحن و مفتوح و منضج یعنی تغییر حال به اخلاط فاسد می دهد. اگر اخلاط فاسد و غلیظ است رقیق می کند و اگر رقیق است غلیظ می کند و جالی است (جلادهنده) و منقی (یعنی پاک کننده) مسهل ماده صفرا یعنی مرض (استسقاء وقی) و مره سودا و بلغم غلیظ، گفته اند: قوت اسهال کهنه آن زیادتر است.

خوردن سه تا پنج مثقال ریشه ایریسا با آب عسل اسهال (کیموس غلیظ و بلغمی) دستور آب عسل که سابق گفته شده، ضماد ریشه ایریسا با سرکه یا روغن گل سرخ به سر بمالند برای درد سر کهنه و به همین دستور جوشانده آن خواب آور (طبخ ریشه ایریسا) یعنی آب جوشانده ایریسا بخورند برای اختلاج یعنی بریدن اعضاء بدن خدر، بمعنی (خواب رفتگی اعضاء بدن و سستی) رعشه و سکت و فالج و استرخاه یعنی (سستی) و گریه کردن اطفال و نسیان و فراموشی و زیادی قوت حافظه، عطسه آوردن، جرم ریشه ایریسا برای جلب خون و رطوبت زیادی از چشم است. دستورش: جوشانده ریشه ایریسا یک قطره با سرکه در گوش بچکانند برای قطع نزلات بارده و صدای گوش نافع است مضمضه کردن برای درد دندان که از رطوبت و سردی تولید شده باشد نافع است ریشه ایریسا را بکوبند و الک کنند با آب بجوشانند آن آب را با جرم ریشه بار شده انگور بخورند برای درد سینه، ریه، تنگی نفس و ذات الریه و خناق بلغمی، دیفتری که از بلغم تولید شده باشد و دفع فضولات غلیظ مثل گلوله و سنگ شده و در جگر و پرز بارد استسقاء و یرقان و بواسیر، باز کردن دهن رگهای بواسیر که خون جاری شده و تسکین درد شود و عرق النساء (سیاتیک) درد پا و درد مفاصل و معض (درد باطن) و برای امناسک منی و کثرت احتلام و جریان منی بدون جماع. خوردن آب جوشانده ریشه ایریسا به دستور نامبرده ۳۲ نخود آن را بخورند. با الکل برای امراض رحم و انشقاق و ترکیدن تفتیح سده (بازکننده) که در رحم تولید شده و بازکننده حیض که بند آمده، ریشه ایریسا با سرکه برای گزیدن جانوران و داروهای سمی و ورم سده سپرز و لزوجات تبها ضماد پخته ریشه ایریسا برای درد رحم و غلیظی خلط بسته شده به انضمام فم (دهن) آن

هنگامی که بند شده به سبب غلظت جرم خود و تلین اورام سخت مزمنه و کهنه و خنازیر و جوش لبنیه زخمهای چرک دار.

ریشه ایریسا را با سرکه از خارج بر بدن بمالند برای پرز و استسقاء و گزیدن جانوران، تحلیل اورام و قطع رطوبات زخمهای رطوبت دار و تحلیل آنها و رفع لک سفید بدن، ریشه ایریسا با عسل برای زخمها «گرد یک ذره که بر روی زخم می پاشند» برای رویانیدن گوشت بر استخوان و التیام زخمهای بدبو، نشستن در آب جوشنیده و ریشه ایریسا برای سخت شدن رحم و مقعد و امراضی که از سردی تولید شده است، تنقیه آب جوشانده برای درد (سیاتیک) و بدبویی بواسیر و زخم های باطن و بردن گوشت زیاد نواسیر فرزجه یعنی زنان از جلو بردارند با عسل برای اخراج جنین و شیاف نمایند کرمهای معدی و روغن مالیدن روغن ایریسا برای تشنج امتلائی (یعنی تشنج از ثقل معده) برای رفع سمیت قارچ و گشنیز کوهی، نافع تبها و خوردن هفت مثقال ریشه ایریسا مهمل قوی می باشد خرغره آن با آب عسل برای خشونت قصبه الریه می باشد.<sup>۱</sup>

### \* ریشه بیخ شب بو

ریشه بیخ شب بو می تواند شش تا هفت سانتی متر پیش برود و دارای تارهای زیادی است و مغز آن قهوه ای و گاهی به رنگ بنفش است وقتی آن را ببرند بوی میخک از آن استشمام می شود. در اواخر ماه مرداد گل های زرد بر انتهای ساقه ها نمودار می گردد و در این موقع است که باید ساقه برگ و گل آن را چید. ریشه بیخ شب بو را باید در ماه مهر از زمین درآورد.

### درمان تصلب شرایین:

سی تا شصت گرم ریشه بیخ شب بوی خشک را در یک لیتر آب سرد بریزید و ظرف محتوی آن را یک ساعت بگذارید خیس بخورد، بعد آن را روی آتش بگذارید تا یک یا

دو دقیقه بجوشد سپس آن را روی آتش بردارید و بگذارید خنک شود، سپس آن را صاف کنید و با عسل شیرین سازید و بعد از هر غذا یک فنجان از آن را بنوشید تا تصلب شرائین شما برطرف شود.

### درمان اسهال و ورم روده‌ها:

صد گرم ریشه بیخ شب بو را که خشک کرده‌اید و به صورت گرد درآورده‌اید در یک لیتر الکل شصت درجه، پانزده روز بخیسانید، بعد آن را صاف کنید و در بطری بریزید. اگر مبتلا به اسهال معمولی و یا ورم روده شدید بیست تا سی قطره از این تنطور را قبل از هر غذا بخورید یا بهتر است در هر روز بعد از غذا سه فنجان جوشانده ریشه بیخ شب بو را بنوشید. برای تهیه این جوشانده باید سی تا شصت گرم ریشه بیخ شب بو را در یک لیتر آب سرد به مدت یک ساعت بخیسانید و بعد ظرف محتوی آن را روی آتش بگذارید یک یا دو دقیقه بجوشد. سپس از روی آتش بردارید و بگذارید خنک شود. با عسل شیرین کنید و به دستوری که قبلاً داده شده مصرف نمایید.

### درمان خونریزی لثه‌ها:

برای درمان ورم لثه‌ها که منجر به خونریزی آن می‌شود، جوشانده ریشه بیخ شب بو که طرز تهیه آن را قبلاً در مورد اختلالات جریان خون شرح دادیم بسیار مؤثر است، باید قبل از اینکه این جوشانده سرد شود دهان را با آن شستشو داد. شستشوی دهان با جوشانده ریشه بیخ شب بو، لثه‌های متورم را محکم کرده و از خونریزی و بوی بد دهان جلوگیری می‌کند.

### درمان میگرن، درد اعصاب صورت:

ده تا چهل گرم ریشه بیخ شب بو را که خشک کرده‌اید و به صورت گرد درآورده‌اید در یک لیتر آب خیلی جوش بریزید و پانزده دقیقه دم کنید و به هنگام درد میگرن یا درد

اعصاب نورالژی آن را مصرف کنید. معالجه زخمها و جراحات: ۵۰ گرم ریشه بیخ شب بو را که خشک کرده‌اید ریز ریز کنید و در یک لیتر آب شیر سرد بریزید و ظرف محتوی آن را روی آتش بگذارید تا به جوش آید و دو دقیقه بجوشد، سپس آن را از روی آتش بردارید، وقتی نیم گرم شد پارچه‌ای را در آن بخیسانید و روی زخمها کمپرس کنید و پانزده دقیقه آن را روی زخم نگه‌دارید و هر روز سه بار آن را تجدید کنید.<sup>۱</sup>

### \* ریشه جنتیانا

از این گیاه سه گونه یاد شده است که از نظر خواص دارویی مشابه هستند و بدون تفاوت ریشه هر یک یا مخلوطی از ریشه‌های آنها به مصرف می‌رسد معمولاً ریشه این گیاهان در پاییز جمع‌آوری می‌شود. ریشه تلخ و خنک کننده است و برای معالجه بیماریهای کبد، زردی، قرمزی چشم، ورم و التهاب گلو، خشکی و تلخی دهان و خارش مواضع خصوصی مشخص تجویز می‌شود به علاوه ریشه گیاهان فوق مقوی معده است؛ ضد کرم شکم و تب‌بر و داروی مناسبی برای عرق کردن شبانه می‌باشد. در منچوری ریشه این گونه از داروهای معروف برای مواردی است که درجه حرارت و صفرا بالا می‌رود.<sup>۲</sup>

این گیاه ریشه دراز کمی ضخیم ناهموار و ساقه استوانه‌ای شکل و کم مقاومت دارد برگهای قسمت تحتانی ساقه آن متقابل کامل به رنگ سبز زیبا و دم‌برگ کوتاه ولی برگهای فوقانی آن عازی از دم‌برگ بیضوی مدور در قاعده و نوک تیز است به علاوه بر روی پهنک آنها ۵ تا ۷ گلبرگ حلولی متمایز دیده می‌شود. گل‌های آنکه در اردیبهشت تا اواسط خرداد ظاهر می‌شود رنگ زرد دارد و به تعداد نسبتاً زیاد در کنار برگها پدید می‌آید.<sup>۳</sup>

ریشه جنتیانا گیاهی است که ریشه آن به اشکال و صورتهای پتجگانه زیر برای تولید اشتها، تحریک مخاط معده و نیز به عنوان تب‌بر مورد استفاده قرار می‌گیرد.<sup>۴</sup>

۲- معارف گیاهی، ج ۷، ص ۲۹۳.

۱- نسخه‌های تندرستی، ج ۱، ص ۱۸۰-۱۷۹-۱۷۸-۱۷۷.

۴- فرهنگ خوردنی‌ها، ص ۳۰۰.

۳- گیاهان دارویی، ج ۲، ص ۳۷۲.

- ۱- هید دوله پنج درصد گرم در لیتر برای افراد سالمند.
  - ۲- به شکل گرد به مقدار نیم تا ۲ گرم برای بزرگسالان.
  - ۳- به صورت عصاره به مقدار یک تا ده گرم.
  - ۴- به شکل تئوریک پنجم به مقدار ۱ تا ۲۰ گرم در روز.
  - ۵- به صورت محلول در الکل به میزان ۱۲۰ گرم در روز.
- قسمت مورد استفاده من بیشتر ریشه گیاه من است که تبیر بوده و سابقاً برای  
معالجه های هاری استفاده می کردند.<sup>۱</sup>

### \* ریشه ختمی

دارای ۳۵ درصد لعاب، ۳۷ درصد آمیدون، ۱۰ درصد ساکارز، ۷/۸ درصد قند  
تبدیل یافته، ۱۰ تا ۱۱ درصد مواد پکتیک، ۱/۷ درصد ماده روغنی، ۸ درصد  
آسپاراژین، تبائین، آلومین، لسیتین، نوعی آنزیم، یک ماده معطر فرار، اسید مالیک،  
تانن، به مقدار ۷ درصد مواد معدنی و فسفات است.

### \* ریشه خردل (ترب کوهی)

ترکیبات:

ریشه آن حاوی گلوکزیدی است که پس از خرد شدن روغن خردل که مزه تند و تیز  
دارد آزاد می کند. ویتامین C و یک ماده آنتی بیوتیکی نیز در آن وجود دارد، از طریق  
خارجی ریشه آن محرک پوست و تاول زاست. از راه خوراکی با مقادیر کم محرک  
دستگاه گوارش است و نیز برای سرفه مصرف می شود با مقادیر زیاد سبب التهاب  
مخاط دستگاه گوارش می شود.

**مصرف:**

از طریق خوراکی برای درمان برونشیت یا به عنوان یک تونیک استفاده می شود ریشه خرد شده آن را می توان خورد یا از آن یک شربت سرد تهیه کرد برشهای نازکی از ریشه را با شکر می جوشانند مایعی که به دست می آید شربتی است که روزانه ۱-۳ قاشق غذاخوری از آن می خورند از طریق خارجی از برشهای ریشه برای رماتیسم یا روی دملها و کورکها استفاده می شود.<sup>۱</sup>

**\* ریشه شقاقل (زردک ریش بزی)**

اسم من شقاقل است و به فارسی به من زردک ریگی و همچنین زردک ریش بزی می گویند ریشه من پرگه بوده و موقعی که آن را از خاک در می آورند جدار آن چسبیده و پررنگ است و عنوان زردک ریگی من به علت همین موضوع است. من سیخک ندارم و مغز و ریشه من یکنواخت بوده سفید رنگ و به کلفتی انگشت و دراز بوده و طعمی شیرین دارم. ساقه های من هم با زردک فرق دارد و دارای گره زیاد بوده و بر روی هر گره برگی می روید و چون این گیاه مانند ریش بز از هم فاصله دارند مرا در فارسی و فرنگی ریش بزی لقب داده اند، میوه بوته من آبدار و سیاه رنگ و به اندازه یک نخود است.

ریشه من سنگین و دیر هضم است ولی وقتی که با شکر و عسل به صورت مربا در پیایم هضم من آسان شده و براحتی خورده می شوم. در بین حیوانات خرس به خوردن من علاقه زیاد دارد و از این جهت به من خرس گیاه هم می گویند.<sup>۲</sup>

**\* ریشه زرشک**

۲۰ تا ۲۵ گرم پوست خشک ریشه های درختچه زرشک را در نیم لیتر آب سرد بخیسانید ۱۰ یا ۱۵ دقیقه بگذارید خوب خیس بخورد و بعد ظرف آن را روی آتش



بگذارید تا به جوش آید و سپس آن را از پارچه نازکی رد کنید تا صاف شود بعد آن را شیرین کنید و بعد از هر غذا یک فنجان از آن را بنوشید کسانی که ناراحتی کبد دارند این جوشیده بر آنها داروی مؤثر و مفید است و عمل کبد را مرتب می‌کند.<sup>۱</sup>

### \* ریشه زعفران

اسم من زردچونه است به من عروق الصباغین، عروق الصفرة، ریشه زعفران و زعفران هندی هم می‌گویند. زادگاه اولیه من هند است ولی در چین و بعضی از کشورهای دیگر هم می‌رویم در ایران کشت من تحت مطالعه است.

در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم پس از کشف مواد رنگی مصنوعی عده‌ای سودجو علیه من قیام کردند و نه تنها تمام خواص مرا منکر شدند بلکه ماده رنگ کننده مرا بیماری‌زا و خطرناک معرفی کردند.

این تبلیغات سوء سرعت در جهان انتشار یافت و کار به جایی رسید که عده‌ای خوردن مرا تحریم کردند ولی چیزی نگذشت که دانشمندان علم شیمی و غذا شناسی به حمایت من برخاستند و به کمک علم مواد عامله مرا پیدا کردند و ثابت نمودند که من چندین اسانس و مواد سودمند جمع شده دارم و آنچه را دارو سازان و پزشکان قدیم ایران و هند در وصف من گفته‌اند صحت دارد و در مقابل ثابت شد که تعداد زیادی از محصولات رنگین مصنوعی که معاندان در مقابل من علم کرده بودند مولد سرطان می‌باشد. من عامل درمان کیسه صفرا و ناراحتی‌های کبدی هستم. محرک دستگاه گوارش بوده غذا را رنگین و معطر می‌نمایم.

مضمضه جوشانده من جهت درد دندان مفید است، من مقوی معده و بادشکن می‌باشم من دارای نشاسته، یک روغن فرار که خاصیت تشعشع دارد، مواد رزینی و یک ماده رنگی و چند ترکیب دیگر هستم. ادرار را زیاد می‌کنم و اشتها آور هستم علاوه بر رنگین کردن غذا در صنعت نیز برای رنگ کردن نخ و پشم به کار می‌روم، یک نوع من در

مالزی و هند و چین به عمل می‌آید که برای دفع کیسه صفرا و سنگهای صفراوی داروی ارزنده‌ای است. من شفاف کننده چشم و درمان استسقاء و یرقان می‌باشم. چون هفت گرم مرا با همین مقدار انیسون در یک لیتر الکل خیس نمایند مضمضه کردن این محلول مسکن درد دندان و بازکننده پیله و ورم لثه می‌باشد. در هند بعد از حجامت بلافاصله کمی گرد کوبیده مرا روی محل حجامت می‌باشند تا زخم آن زودتر التیام پیدا کند. زیاده روی در خوردن من برای قلب خوب نیست، گرچه در ریشه من ترکیباتی شبیه جوهر سنبل الطیب وجود دارد. مقدار خوراک من تا ده گرم می‌باشد.<sup>۱</sup>

### \* ریشه شاه توت

ریشه درخت شاه توت را هشت مثقال در آب بجوشانند برای اخراج کرم کدو خصوصاً که برگ شفتالیا هلو اضافه کنند، بهمین منوال ریشه درخت نیم کوب نموده و در نود مثقال آب جوشانیده که یک چهارم آب باقی بماند. آن آب را با شکر یا عسل یا انجیر که در آن پخته باشند بخورند برای سمیات و جنون و درد کمر و پشت که از خلط خام تولید شده باشد بغایت نافع است. جوشانده برگ شاه توت همین اثر را دارد، غرغره آن برای خنازیر نافع، ضماد ریشه درخت شاه توت و جوشانده ریشه آن پنج مثقال و بیست مثقال انجیر که قوی است در نود مثقال آب پخته باشد تا آب به نصف برسد، خوردن آن مسهل قوی برای سودا می‌باشد. مضمضه و ضماد و نطول به معنی «آبی که در آن داروها بجوشد یا عضوی را یا آن شستشو بدهند» برای درد دندان و تحلیل ورمهای بزرگ نافع مضمضه رب شاه توت برای ورمها و جوشهای دهن غرغره نافع با آن برای حلق و دیفتری آب جوشانده برگ درخت شاه توت یا پوست درخت جهت درد دندان نافع ضماد آن با سرکه در حمام برای شری یا شرمزمن و زخمهای خبیثه (بدخیم)، عصاره آن و برگ آن با روغن زیتون برای زخمهای سوختگی از آتش ضماد برگ آن به تنهایی ساییده برای جوشها و زخم اکثر اعضا و جرب و تب یابس نافع است.<sup>۲</sup>

۱- زبان خوراکیها، ص ۱۷۸.

۲- مجموعه طب سنتی و گیاهی، ص ۱۸۷.

## \* ریشه کاسنی

در ریشه کاسنی علاوه بر گلوکوزید سی کوری نین دو ماده تلخ به نامهای لاکتوسین lactucin و اینتی بین intybin و ارسنیک در حد ۰/۰۱ میلی گرم در ۱۰۰ گرم ریشه یافت می شود و به علاوه دارای مواد قندی رزین، تانن، لعاب، اسانس و پکتین بوده و ریشه و برگ کاسنی تلخ می باشد.

دم کرده ریشه کاسنی: ۲۰-۳۰ گرم ریشه کاسنی را با هزار گرم آب جوش دم کرده صاف نمایند برای تقویت معده و ناراحتی کبد یک فنجان قبل از هر غذا مصرف نمایند. در چین از ریشه آن به عنوان تونیک و قابض و تب بر و محلل استفاده می شود.<sup>۱</sup> در تحلیل و پاک کردن اخلاط اثر زیاد دارم، زهکش مجاری غذا و بول بوده، جهت تصفیه خون و رفع ورم احشاء و استسقاء و درمان تبهای کهنه و درد مفاصل و زیاد شدن شیر و ادرار سودمند می باشم و در سایر افعال خواص من مانند برگ است. مقدار خوراک من از گرد ساییده ۳/۵ گرم تا پنج گرم و جوشانده آن از پانزده گرم تا ۴۵ گرم می باشد.<sup>۲</sup>

## \* ریواس

به فرانسه: rhubarbe

به انگلیسی: rhubarb

آلمانی: rhabarber

ایتالیایی: rabarbaro

فارسی: ریواس، ریوند چینی.

عربی: ریوند.

تحت نام روبرب قطعات ریزوم متورم، گونه های مختلف rpeum در بازرگانی عرضه می شود این گیاهان را از نظر کلی می توان به دو دسته زیر تقسیم نمود.

۱- انواع غیر دارویی که غالباً زینتی بوده، دمبرگ جوان بعضی از آنها به مصرف تغذیه و تهیه کمپوت و مربا می‌رسد. به علاوه کمی ملین است مانند گونه‌های زیر:

rh. ribes l. rh. compactum l. rheum undulatum l.

گونه اخیر در منطقه وسیعی از دشتها و نواحی کوهستانی ایران می‌روید و به ریواس یا ریباس موسوم است.

۲- انواعی که دارای اثر مسهلی و مصارف درمانی در پزشکی می‌باشند و مهمترین گونه‌های آنها به شرح زیر است:

rh. palmatum l. (ریوند چینی) rh. officinale h.bn

ریوند چینی گیاهی با رشد زیاد و دارای ساقه‌ای به طول متجاوز از ۲ متر است ساقه زیرزمینی آن مانند گونه‌های دیگر این گیاه درون زمین باقی می‌ماند و موجبات پیدایش برگ و اعضای هوایی گیاه را در هر سال فراهم می‌آورد. برگهای آن بسیار و دارای ظاهر پنجه‌ای موجدار کامل یا دنداندار و یا لوب‌دار است.

روبارب‌های افی سینال، گل‌هایی به رنگ مایل به زرد یا قرمز دارند. برگهای آنها اکثراً بزرگ ولی در هر حال دارای شکل متمایز در گونه‌های مختلف است.

### برداشت محصول:

زمان برداشت محصول در نواحی مرتفع معمولاً ماه شهریور است. عمل خشک کردن قطعات در برخی از مناطق مرطوب، درون کلبه‌های چوبی با افروختن آتش صورت می‌گیرد. عده‌ای معتقدند که برداشت محصول باید از ریزوم‌های ۱۰ ساله صورت گیرد ولی آنچه که متداول است استفاده از ریزوم‌های گیاه ۶ ساله می‌باشد.

### صور دارویی:

ریوند چینی برای مصارف مختلفی به شرح زیر مورد استفاده‌های درمانی قرار می‌گیرد به عنوان مقوی، ملین و مسهل.

مقدار مصرف ریوند چینی:

برای اطفال: گرد به مقدار ۰/۲ گرم بر حسب هر یک از سنین عمر به عنوان مقوی تلخ و ۰/۰۵ گرم به عنوان ملین، شربت روبارب کمپوزه به عنوان ملین به مقدار ۱ تا ۳ قاشق قهوه خوری در اطفال خیلی کوچک و به مقدار ۲ تا ۶ قاشق قهوه خوری در اطفال خیلی کوچک و به مقدار ۲ تا ۶ قاشق قهوه خوری در اطفال ۱ تا ۶ ساله.

از بین rheum های مذکور منحصرأگونه rh.ribes در نواحی مختلف ایران به شرح زیر می روید که به نام ریواس موسوم است.

محل رویش:

آذربایجان: نزدیک ارومیه، کوه بلقیس. کردستان: ۲۱ کیلومتری غرب سنندج، دژ شاهپور در ۱۳۰۰ تا ۱۶۰۰ متری کرمانشاه: کوه پارو. مهران گنج نامه، حیدره، کوه الوند، ۳۰ کیلومتری جنوب غربی همدان.<sup>۱</sup>

اصطلاحات:

در کتب طب سنتی با نامهای ریوند، ریوند چینی یا ریوند تاتار نامبرده می شود ساقه زیرزمینی گیاهی است که از تیره هفت بند polygonaceae جنس rheum به فارسی گونه اهلی آن را ریواس و وحشی آن را راوند و در اصطلاح محلی بلوچستان به گونه ای از آنکه در آن خطه می روید راواش و فیل گوش می گویند. به عربی ریاس و ریباج و به هندی آن را ریوند چینی می نامند. گیاه را به فرانسوی: rhubarbe

به انگلیسی: rhubarb

و به لاتین: reubarbarum به معنای ریشه بربر نامیده می شود.

## مشخصات:

ریواس یا زاوند گیاهی است چند ساله دارای ساقه‌ای بلند تا یک متر و بیشتر ساقه زیرزمینی متورم و ضخیمی دارد. برگهای آن بزرگ، پهن، پنجه‌ای، کناره آنها دندانه‌دار است و به صورت مجتمع در قسمت قاعده گیاه قرار دارند.

ریوند گیاه کوهستانهای سرد است ولی در دوره ریش احتیاج به آفتاب دارد. بنابراین باید در نقاط آفتابگیر کاشته شود دوران رویش بسته به شرایط اقلیمی ۵ تا ۴ ماه است یعنی از اواسط بهار تا اوایل زمستان ولی برای رشد کافی ساقه‌های زیرزمینی به سرمای زمستان احتیاج دارند معمولاً در خاک مرغوب و زراعت خوب از هر گیاه ۶-۸ کیلو گرم ساقه زیرزمینی ضخیم برای مصارف دارویی می‌توان تهیه کرد. گیاه در دوران رویش احتیاج به آب فراوان دارد.

## ترکیبات شیمیایی:

روبارب‌های افی سینال دارای تاننوئیدهایی *tannoides* با ترکیب شیمیایی در هم گلوکزیدها و مواد دیگر است.

در قطعات روبارب مشتقات آنتراکینونیک متعددی یافت می‌شود که مهمترین آنها عبارت از اسید کریزوفانیک، امودین یا امودول است ماده اخیر در پوست بوردن کاسکارا و نریرن نیز وجود دارد.

علاوه بر مواد مذکور مواد کم اثر یا بی اثر نظیر املاح مختلف، مواد چرب، مواد پروتئیک، قندها، اسیدهای آلی، اسانس به مقدار ۰/۰۵ درصد و غیره نیز در روبارب وجود دارد.

ریوند چینی اگر به مقادیر کم یعنی ۰/۱۰ تا ۰/۳۰ گرم مصرف شود اثر مقوی، تلخ، اشتها آور، محلل و محرک اعمال هضم ظاهر می‌کند مقادیر زیادتر و درمانی آن اثر ملینی - مسهلی ملایم دارد به طوری که پس از ۸ تا ۱۲ ساعت نتیجه آن ظاهر می‌گردد. در ریوند چینی به طور کلی یک ماده تلخ به نام راپونتی سین یک ماده رنگی به نام

رئین، آهک و پتاس و اکسالیسک اسید و مالیک اسید، سولفوریک، اسید کریزوفانیک اسید و سرانجام صمغ، نشاسته، تانن و اسانس یافت می شود اسید اکسالیسک در زیوند به شکل بلورهای اکسالات آهک درآمده و بلورهای آن زیر دندان صدا می کند.<sup>۱</sup>

ریواس دارای ویتامین های c, b است. آن را به شکل کمپوت و مربا تهیه می کنند خنک، مقوی، ملین، گرم کش است.

کمپوت ریواس به هر معده ای می سازد و حتی بچه ها هم می توانند آن را هضم کنند. به همین جهت است که مصرف آن در بی اشتهاهی، درد معده بیمارهای کبدی تجویز شده است.

ریواس دارای اسیدهای چندی است که با کلسیم ترکیب شده و جذب بدن می گردد به همین علت توصیه شده در موقع تهیه مربای ریواس وقتی پختن آن تمام شد در مقابل پانصد گرم مربای ریواس یک فاشق چایخوری کوچک گچ نرم آسیا شده در آن بریزند. برگهای ریواس دارای مقدار زیادی اسید اوکسالیسک می باشد و آن سم قوی است و از خوردن آن پرهیز کنید.

اگر ساقه های ریواس را قبل از پختن در آب جوش بیندازید بسیاری از مواد ترشی خود را از دست خواهد داد و قند کمتری برای شیرین کردن آن مصرف خواهید کرد. در آب ریواس ماده ای است که در آب هیچ یک از میوه ها نیست و این ماده سلامتی دندانها را حفظ می کند.

آب ریواس علاوه بر دندانها، برای همه اعضاء بدن غذایی بسیار عالی است و اثری معجزه آسا دارد.<sup>۲</sup>

ساقه های ضخیم، برگهای ریواس، دمبرگها که طعمی مطبوع و ترش دارند در بعضی نقاط کشور بخصوص حوالی نیشاپور به دست می آیند. در نیشاپور از آنها شربت مطبوعی تهیه می کنند.

۱- معارف گیاهی، ج ۱، ص ۹۲.

۲- فرهنگ خواص خوراکیها، ص ۱۰۶.

در یکصد گرم ریواس ۹۵ گرم آب، ۱۶ کالری انرژی، ۰/۶ گرم پروتئین، ۰/۱ گرم چربی، ۳/۷ گرم گلوکوسید، ۰/۷ گرم سلولز، ۱۸ میلی گرم فسفر، ۰/۸ میلی گرم آهن، ۲۵۱ میلی گرم پتاسیم، ۹۶ میلی گرم کلسیم، ۱۰۰ واحد ویتامین A، ۹ میلی گرم ویتامین C و مقداری ویتامین های گروه B دارد، اما ریواس به جهت داشتن اسید اگزالیک فراوان (۲۷۵/۰ گرم درصد) اگر به مقدار زیاد خورده شود خطرناک است. اسید اگزالیک در بدن نمی سوزد و با کلسیم رسوب می دهد و رسوب آن با کلسیم ممکن است در کلیه ایجاد سنگ کند.<sup>۱</sup>

ریباس، زیوند (ریوند زراعی) به علت داشتن اسید اکسالیک در حیوانات مسمومیت به وجود می آورد این دسته گیاهان ضمناً حاوی هتروزیدهای آنتراکینونیک نیز می باشند. گونه های دیگری از گیاهان این تیره مانند پودرواش پارسا، علف هفت بند پارسا که در آنها شیره تند و زنده ای وجود دارد موجب تحریک روده و معده در حیوانات می شود.<sup>۲</sup>

گل ریباس، گر و کنه را و ریشهای تن را نیک باشد و برگش زهر دارد و ریباس هر چه سطبرتر بهتر و او سرد است، حرارت را بشکند، تشنگی ببرد و طبیعت ببندد، معده و جگر را قوی می گرداند و منش گردا بنشانند و بیهوشی را که از حرارت دل بود منع کند و آبش با آرد جو چون بر حمزه و نمله طلا کنند سود دارد و تخمش سرد و خشک است، قابض خلقه ای مزمنه را سود می کند همچنان که تخم حُمَاض کند.<sup>۳</sup>

### مشخصات بتانیکی:

گیاهی است درختچه مانند با شاخه های قهوه ای رنگ، برگهای آن شبیه به برگ مو و دنداندار می باشد گلهای آن سفید رنگ و مجتمع و به صورت خوشه آویزان است. میوه آن قرمز و اغلب به طور وحشی در آسیا و اروپا می روید مانند زوفا. یکی از گیاهان مورد

۲- گیاهان سمی، ص ۲۱۷.

۱- بهداشت تغذیه، ص ۴۵۹.

۳- الالبیه عن حقایق الادویه، ص ۱۶۳.



علاقه زنبور عسل است.

از ریواس در انگلستان نوشابه مطبوعی درست می‌کنند. ۱۰ کیلو ریواس را به مدت ۸ روز در ۲ لیتر آب خیس می‌نمایند و هر دو سه روز یک بار به هم زده و پس از هشت روز صاف نموده و داخل چلیک می‌نمایند و پوست چند عدد لیمو را در آورده با ۳ کیلو شکر به آن مخلوط نموده و بعداً آب به آن اضافه می‌کنند تا حجم آن ۵۰ لیتر شود که نوشابه بسیار خوبی خواهد بود. روی هم رفته هم شربت و هم مربا و هم خام آنکه مصرف می‌شود برای معده و روده‌ها و دستگاه گوارش مفید و نافع است.<sup>۱</sup>

ریواس دارای پروتئین، قند، چربی، کلسیم، آهن و ویتامین‌های A, B, C است این سبزی برای درمان یرقان و بیماریهای عصبی مفید است ولی مصرف زیاد آن تولید قولنج می‌کند و تأثیر معکوس روی اعصاب دارد برای تقویت بینایی چشم چند قطره آب ریواس خام را در چشم بچکانند.<sup>۲</sup>

یکی از خواص ریواس آن است که لوزالمعده را وادار به ترشح انسولین نموده و قند خون را کم می‌نماید برگ آن دارای چندین نوع ترشی است و چون آن را با کمی قند بجوشانند طعم مطبوعی پیدا می‌کند و از سردی آن کاسته می‌شود و به همین جهت است که شربت آن در بین ایرانیان دوستان فراوان دارد.<sup>۳</sup>

ریباس و کماه را به لغت تازی نامی ندانسته‌اند و به سریانی یعمیصا گفته و به پارسی ریواج و نیز چکری هم می‌گویند.

وریباس معموری منسوب است به عمر نیشابوری و آن نخستین کسی است که ریباس پرورش داده است.

و ابوریحان می‌گوید: بیخ ریباس تا به آب نرسد برگ آن پدید نیاید. و در بعضی مواضع چون نیات آن رسته شود، سی سال باید تا برگ آن پدید آید و در

۱- راز گیاهان شناخت، ص ۱۹۵.

۲- خواص میوه‌ها و خوراکیها و داروهای گیاهی، ص ۱۵۴.

۳- مجموعه طب سنتی و گیاهی، ص ۱۸۰.

این مدت به تدریج آن در زمین بزرگتر شود تا مقدار بیخ درخت خرما شود، در بزرگی آن را ریوند می‌گویند.<sup>۱</sup>

ریواج: ریواس، ریباس گیاهی از تیره ترشکها، هفت بندها که گونه خوراکی ریوند چینی است. ساقه‌های هوایی و دمیرگهای آن محتوی مواد ذخیره‌ای و اسیدی است و بدین جهت مورد استفاده خوراکی قرار می‌گیرد. ریباس، اشغریغ، اشطیاله: شربت‌ی که با عصاره ریواس تهیه کنند.<sup>۲</sup>

گیاهی است که بهاران بر کوهساران می‌روید و همقوت ترشاب ترنج و غوره است. مزاج: در دوم سرد و خشک است.

#### خاصیت:

خاموش کننده گرمی، بند آورنده خونریزی، تسکین دهنده گرمی، در علاج طاعون مفید است. افشرداش را در چشم کشند دید را قوی کند، برای اسهال صفراوی مفید است، برای حصبه و آبله و طاعون سودمند است.<sup>۳</sup>

در هدایه به جای ریواس ریواج آمده است و صاحب اغراض چنین می‌نویسد: ریواج، ریباس بوده و همچون غوره است صاحب تحفه در ذیل ریواج می‌نویسد: انسم فارسی بوده و معروف و مشهور است و بیخ آن ریوند می‌باشد. ریباس معرب نامهای فارسی: ریواس، ریویز، ریویج، ریواج است.<sup>۴</sup>

اسم من ریواس است اعراب مرا معرب کرده ریباس و ریواج می‌گویند در فارسی به ساقه زیرزمینی من که عده‌ای به خلط آن را ریشه می‌دانند ریوند و اعراب به آن راوند می‌گویند. زادگاه اولیه من ایران، چین و تبت است.

در حالی که ایرانیان بهترین نوع طبی مرا ریوند چینی می‌دانند فرانسوی‌ها نوع ایرانی را مرغوبتر دانسته و آن را سفید و سلطنتی می‌خوانند.

۱- صیدیه، ج ۱، ص ۳۲۶. ۲- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۲، ص ۱۷۰۷.

۳- قانون در طب، ص ۳۰۷. ۴- فرهنگ داروها و واژه‌های دشوار، ص ۱۸۱.

من در بین ایرانیان دوستان فراوان دارم. مسرت بخش، قابض، مقوی معده و روده‌ها هستم. پاک کننده جگر، اشتها آور، برنده صفرا و مانع قی می‌باشم. مستی و خماری را برطرف می‌سازم، برای تنگی نفس و بواسیر مفید می‌باشم در امراض ویایی شکل و اسهال توصیه و تجویز شده‌ام، مداومت در خوردن من باعث پاکی خون می‌شود و دمل را درمان می‌نماید، عصاره من جهت تقویت نیروی باصره و از بین بردن لکه‌های سفید چشم تجویز شده است، ضماد من با آرد جو جهت باد سرخ، مورمور شدن بدن و آبله مفید است. ساقه‌های زیرزمینی نوع طبی من که به ریوند معروف است مسهل قوی بوده و معده را ضد عفونی می‌کند و پادزهر سموم بخصوص سم عقرب است. در خوردن ریوند نباید زیاده روی کرد، در پاره‌ای از معده‌های ضعیف پس از عمل مسهلی، ایجاد بیوست می‌نماید.

#### مقدار خوراک:

ریشه من از ۵ گرم تا ۷ گرم است.

من مسرت بخش هستم، اگر اشتهایی صاف می‌خواهید به سراغ من بیاید. مواظب باشید در خوردن من زیاده روی نکنید در ریشه‌ام خواص بسیاری نهفته است، اگر از ریشه‌ام ضماد فراهم آورید برای محکم شدن استخوان مفید است.<sup>۱</sup>

کمپوت ریواس به هر معده‌ای می‌سازد و حتی بچه‌ها هم می‌توانند آن را هضم کنند به همین جهت است که مصرف آن در بی‌اشتهایی، درد معده و بیماری‌های کبدی تجویز شده است.<sup>۲</sup>

ریواس: با ثانی مجهول و بای ابجد بر وزن گیلاس رستنی باشد خودروی و مردم آن را می‌خورند. طعم آن میخوش است و بغایت نازک می‌شود و آن را ریواس هم می‌گویند.<sup>۳</sup>

ریواس دارای ویتامینهای B و C است به شکل کمپوت و مربا اگر تهیه کنند خنک،

مقوی ملین و کرم کش است. مصرف آن در بیماریهای کبدی و بی‌اشتهایی تجویز شده، ریواس با کلسیم ترکیب شده و جذب بدن می‌گردد.<sup>۱</sup>

اگر کبد حساس باشد یک لیوان آب ریواس تازه و یک قاشق ملاس سیاه را قبل از ناشتا یا با صبحانه بتوشید.<sup>۲</sup>

این گیاه دارای ساقه‌های سفید و ستبر، بلندیش تا یک متر می‌رسد و در سر ساقه آن برگ بزرگ و پهن شبیه به پنجه مرغابی می‌روید. ریشه آن تا چند متر در زمین فرو می‌رود، در میان کردها جوشانده ریواس را برای تسکین درد و دفع کرم و صفرا به مصرف می‌رسانند.<sup>۳</sup>

ریواس برای رفع صفرا، تنگی نفس، بواسیر، امراض وبایی شکل و اسهال توصیه و تجویز شده است. عصاره آن جهت تقویت بینایی و از بین بردن لکه سفید چشم مفید است ساقه‌های زیرزمینی نوع طبی آنکه به ریوند معروف است درد کلیه و مثانه، خفقان و سردرد را تسکین می‌دهد.

گرد ریشه آن را اگر با لعاب بهدانه ساییده و حب نمایند و زیر زبان نگاهداشته و آب آن را فرو برند برای سرفه کهنه، زیادی صفرا، درد شقیقه، سرگیجه و جنون نافع است.<sup>۴</sup> ریواس مسرت بخش و اشتها آور است خون را از سموم پاک می‌کند در فعالیت و نیروی دید اثر دارد و کیسه صفرا را فعال می‌سازد.

ریواس این رستنی بهاری به خاطر وجود ویتامین C و مواد معدنی گرانبها واجد ارزش حیاتی است زیرا که با فعال ساختن غده‌های ترشحی معده تولید اشتها می‌کند و به سبب خاصیت تصفیه کنندگی خون خستگی جسمانی را برطرف می‌سازد و به مصرف کننده خود نشاط و شادمانی می‌بخشد. ویتامین‌ها و کلسیم موجود در ریواس سبب می‌شود که قوه بینایی شخص تقویت گردد و کیسه صفرا فعالیت لازم را به دست

۱- میوه‌ها و سبزیهای شفا بخش، ص ۶۶

۲- چگونه باید پخت و چگونه باید خورد، ص ۴۸

۳- طب سنتی در میان کردان، ص ۹۶

۴- زبان خوراکیها، ص ۴۱-۳۹

آورد.

این رستی خوش طعم می تواند در رفع نارسایی کبد، تیرگی رنگ چهره و تلخی دهان نقش درمانی ایفا کند.

همچنین ریواس به سبب خاصیت شویندگی خون از سموم به برطرف ساختن بوی ناخوشایند بدن و حرق بدبو کمک می کند.<sup>۱</sup>

### \* ریوند

گیاهی (فر.) *rheum officinalis(u),rhubarbe* از تیره ترشکها (هفت بندها) که در حدود ۲۰ گونه از آن شناخته شده است و همه متعلق به نواحی معتدل خصوصاً آسیای مرکزی و غربی هستند. گیاهی است پایا و دارای ساقه خزنده زیرزمینی از ساقه خزنده آنکه به نام ریشه ریوند موسوم است و همچنین برگهای آن استفاده طبی کنند گونه خوراکی این گیاه به نام ریواس موسوم است؛ راوند.<sup>۲</sup>

#### روایت از جابر بن حیان:

ریوند، به کسر رای مهمله و یای مجهول و فتح واو و سکون نون و دال مهمله اسم مشهور راوند است و آن را به یونانی رایون و راء می گویند و به فارسی نیز به اسم ریوند مشهور است و بیخ چکری نیز می نامند و در انگلیسی: روبرط و به هندی روبرط چینی می گویند و آن بیخ ریواس است که در دامنه کوههای چین و خطا و تبت و ترکستان و خراسان و بعضی بلاد هند به هم می روید و اکثر چوپانان و مردمی که بدان نواحی می باشند و آن را می شناسند بیخ آن را برمی آورند و می گویند که بعد از حفر زمین اول بیخ باریک سیاه رنگ ظاهر می گردد و از آن ریشه ها به اطراف در زمین رفته چون دوسه دست دیگر بکارند بر سر آن ریشه ها گره ها به شکل شلغم بزرگ و کوچک برمی آید که

۱- فرهنگ خوردنی ها، ص ۲۹.

۲- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۲، ص ۱۷۰۷.

آنها ریوند است راوند انواع مختلف می باشد که می گویند بهترین آن قسم چینی آن است که در تخلخلی شدیدتر و در قبض کمتر، زعفرانی رنگی مائل به سیاهی و گرم ناخورده است.

مزاج: گرم و خشک است.<sup>۱</sup>

شیخ می فرماید: راوند، ریوند چینی به عقیده بعضی ریوند، بیخ بهمن است و ره آورد چین است و به مملکت ما می آید کلاه بردارانی هستند که راوند را در آب می جوشانند و ماده آبکی را جدا می کنند و افشیره اش خشک می شود و گوهرش را می خشکانند و می فروشند که در این صورت متراکم است و بیشتر گیرنده است و اگر خالص باشد متخلخل است و کمتر گیرندگی دارد و در خائیدن زعفرانی می باشد.

خواص درمانی:

اگر با سرکه بیامیزند و بر پوست بمالند لکه های سیاه و اثرهای ماندگار بر پوست را می زداید و ماده به وجود آورنده لکه ها را بیرون می دهد. با بعضی از داروهای تر ضماد شود و بر ورم گرم گذارند مفید است. با سرکه مخلوط کنند و بر پوست بمالند داروی قوه باه است. برای افتادن و ضربت خوردن بسیار مفید است. مالیدن روغنش در علاج گسستگی ماهیچه، درد ماهیچه کشیدگی مفید است. راوند در مداوای فتق سودمند است در علاج درد و ناتوانی کبد و معده، درد باطنی سکسکه مفید است. و سپرز را لاغر می کند علاج فساد معده و پیچش و درد روده و دیسانتری و درد کبد و آبدان و زهدان و خونریزی است.<sup>۲</sup>

ریوند، راوند، قسی، ریواس، گیاهی از تیره ترشکها یا هفت بندها است که در حدود ۲۰ گونه از آن شناخته شده و همه متعلق به نواحی معتدل خصوصاً آسیای مرکزی و غرب هستند. گیاهی است پایا و دارای ساقه خزنده زیر زمینی و گلهای تر و ماده که در

۱- محیط اعظم، ج ۲، ص ۱۷۸؛ صیدنه، ج ۱، ص ۳۲۴؛ فرهنگ داروهای ۱۸۲؛ تحفه حکیم ص ۱۳۰؛ ابن بیطار ص ۱۲۹.

۲- قانون در طب، ج ۲، ص ۳۰۴.

انتهای ساقه مجتمع می شوند. از ساقه خزانده آنکه به نام ریشه ریوند موسوم است و همچنین برگهای آن استفاده طبی می کنند.

### ترکیبات شیمیایی:

روبارب های افی سینال دارای تان نوئیدهایی با ترکیب شیمیایی درهم، گلوکزیدها و مواد دیگر است. تان نوئیدهای روبارب طبق تحقیقات oilson عبارت از کاشین، گلوکوگالین یا گلوکوگالوزید است که از تجزیه اش گلوکز و اسید گالیک حاصل می شود، تترارین یا تتراروزید جسمی است متبلور که بر اثر هیدرولیز، موادی مانند گلوکز، اسید گالیک سینامیک و رتوسمین می دهد، اسید گالیک آزاد و غیره است.

در قطعات روبارب مشتقات آنتراکینونیک متعددی یافت می شود که مهمترین آنها عبارت از اسید کریزوتانیک امودین یا امودول است ماده اخیر در پوست بوردن کامسکارا و تریرون نیز وجود دارد علاوه بر مواد مذکور مواد کم اثریابی اثر نظیر املاح مختلف مواد چرب، مواد پروتئیک، قندها، اسیدهای آلی، اسانس به مقدار ۰/۰۵ درصد و غیره نیز در روبارب وجود دارد.

ریوند چینی اگر به مقادیر کم یعنی ۰/۱۰ تا ۰/۳۰ گرم مصرف شود اثر مقوی تلخ اشتها آور، محلل و محرک اعمال هضم ظاهر می کند مقادیر زیادتر و درمانی آن اثر ملین و مسهلی ملایم دارد بطوری که پس از ۸ تا ۱۲ ساعت نتیجه آن ظاهر می گردد.

ریوند چینی برای مصارف مختلفی به شرح زیر مورد استفاده های درمانی قرار می گیرد.

الف - به عنوان مقوی تلخ:

گرد ریوند به مقدار ۰/۱۰ تا ۰/۳۰ گرم به شکل کاشه یا قرص قبل از غذا، عصاره آبی به مقدار ۰/۵ تا ۰/۲۰ گرم به صورت حب تیزان حاصل از خیساندن ۵ تا ۱۰ گرم ریزوم گیاه در یک لیتر آب:

ب - به عنوان ملین و مسهل:

گرد ریوند چین به مقدار ۰/۵۰ تا ۵ گرم به صورت کاشه و عصاره به مقدار ۰/۲۵ تا یک گرم به صورت حب، تنطور به مقدار ۵ تا ۱۵ گرم در یک پوسیون یا شربت.

مقدار مصرف ریوند چینی برای اطفال: گرد به مقدار ۰/۲ گرم بر حسب هر یک از ستین عمر به عنوان مقوی تلخ، و ۰/۵ گرم به عنوان ملین و شربت روبارب کمپوز یا شبکوره کمپوز به عنوان ملین به مقدار ۱-۳ قاشق قهوه خوری در اطفال خیلی کوچک، و به مقدار ۲ تا ۶ قاشق قهوه خوری در اطفال ۱ تا ۶ ساله.

نسخه برای رفع بی‌اشتهایی:

تنطور روبارب ۵ گرم، تنطور نواوومیک ۵ گرم، تنطور بلادون ۵ گرم به مقدار ۴۰ تا ۶۰ قطره قبل از غذا.

ناسازگاری: آب آهک، امتیک، دم‌کرده‌های قابض، اسیدهای غلیظ، سوبلیمه‌ها، سولفات آهن و سولفات روی، ریوند در ایران نمی‌روید.<sup>۱</sup>

این گیاه که بیشتر در دامپزشکی مصرف می‌شود دارای اثر مقوی، تقویت معده، قابض و به مقادیر زیاد مسهل است در استعمال خارج اگر ساقه پخته شده آن بر روی آبسه‌های سرد و دمل قرار گیرد باعث باز شدن و بهبود آنها می‌شود. مصرف ریوند چینی باید خیلی محدود باشد، زیرا ایجاد احتقان و تجمع خون در اعضا می‌نماید از این جهت برای مبتلایان به بواسیر و یبوست‌های دائم و کسانی که بعد از مصرف یک ملین دچار یبوست بعدی می‌گردند نباید تجویز شود.

باید توجه داشت که ریوند چینی به علت دارا بودن اکسالات فراوان برای مبتلایان به سنگ کلیه و نزله مثانه خطرناک می‌باشد شیر مادرانی که آن را استفاده می‌کنند در نوزادان ایجاد حالت مسهلی می‌نماید.

از بین rheum های مذکور منحصراً گونه rh.ribes در نواحی مختلف ایران به شرح زیر می‌روید که به نام ریواس موسوم است.



### محل رویش:

آذربایجان: نزدیک ارومیه، کوه بلقیس، کردستان: مغرب سنندج، کرمانشاه: کوه پارو  
 مهران، گنج نامه حیدره، کوه الوند، اراک: کوه رزونند، لرستان، خرم آباد.<sup>۱</sup>  
 آن بیخ ریاس است با جویدن در دهن رطوبت دهن را زرد می کند و ثابت شده است  
 در آن جوهری به نام کرائی سوفینیک اسید می باشد. ریوند چینی علاوه بر هند و پاکستان  
 در چین خیلی زیاد روئیده می شود ولیکن آن ریوند چینی که در بازار فروخته می شود  
 ریوند دوایی هست که آن را گوسفندها و گاوها می خورند ولیکن اصل ریوند چینی را در  
 بازار طبی آن را ریوند ختایی می نامند و گرد آن زرد و براق می باشد و آن از چین می آید و  
 ریوند عادی گرد آن زرد خاکستری رنگ می باشد و ریوند هند و پاکستان را به درجه  
 کمتری حساب می کنند. رنگ: زرد مایل به سرخ.  
 ذائقه: تیز و بدمزه.

### مزاج:

مرکب القواء، اول اسهال می آورد بعد از آن قبض پیدا می کند.  
 مقدار خوراک از ۱ تا ۱/۵ گرم می باشد محل حصول: در کوههای بلند ۶۰۰۰ تا  
 ۱۰۰۰۰ فوت پیدا می شود.  
 ریوند، مقوی و محرک جگر می باشد و تبی که از خرابی جگر باشد آن را با نوشادر  
 می دهند که مفید است مدر بول و حیض بازکننده سدها و محلل ریح بوده و این دوا  
 مخصوص جگر است و تبهای کهنه را مفید می باشد.  
 بر زخمهای بزرگ ریوند چینی را با کمی صابون محلی سائیده بر آن با پنبه می گذارند  
 مواد را صاف و زخم را می بندد مردم منطقه آسام آن را بطور خوراک استعمال می کنند.<sup>۲</sup>  
 راوند چند قسم است که بیشتر از چینی آن استفاده می شود برای استعمال خارجی  
 جلاکننده و خراش دهنده می باشد. مسکن درد است به طور خوراکی بلغم را از ریه

خارج می‌کند، معده و امعاء را قوی می‌گرداند، خوراک زیاد آن اسهال رقیق و زرد رنگی می‌آورد، بر لکه‌های پوست با سرکه می‌مالند که آن لکه‌ها را از پوست دور می‌کند، در سرفه و تنگی نفس داده می‌شود، برای بستن اسهال به مقدار کم می‌دهند، در مرض یرقان و استسقاء، ورم جگر، ورم طحال و تب به طرق مختلف استعمال می‌کنند و مسکن درد کلیه و مثانه است که به طور جوشانده می‌خورند و استفاده می‌کنند.

#### مقدار خوراک:

برای قبض کردن از ۱۲۰ میلی‌گرم تا ۳۶۰ میلی‌گرم می‌باشد و برای اسهال آوردن از ۱/۵ تا ۲ گرم می‌باشد.<sup>۱</sup>

همانطور که قبلاً گفته شد ریوند چینی بیخ ریواس می‌باشد که آن را در فارسی هم ریواس و در انگلیسی rhubarb می‌گویند. این درخت تا ۱ متر بلند می‌شود و ساقه‌هایش تقریباً برابر ۲ انگشت کلفتی دارد و یک پوست سبز رنگ بر آن می‌باشد و آن سر ساقه که به پوست متصل می‌باشد به رنگ سفید و نیلی است. ریواس که بیشتر ترش و آبدار بود بهتر می‌باشد.

#### مقدار خوراک:

به مقدار مصرفی هر کسی دافع صفرا است، ملطف است، مقوی گرم مزاجها و دور کننده وسواس و خفقان می‌باشد و مشابهت هم با بیخ دارد البته فوائد طبی در بیخ بیشتر است.<sup>۲</sup>

و در کتاب بستان المفردات تمام خواص ریوند را نوشته است ولیکن نفع خاص آن را نافع سرفه و مدر بول نوشته‌اند و مقدار خوراک را از ۴ تا ۷ گرم، نیز تریاقی برای سمهای سرد می‌باشد. قرص آن و مکیدنش نافع سرفه و تنگی نفس می‌باشد، اگر هیچ دوايي نتواند اذرا را باز کند ریوند چینی با تخم خربزه و خارخسک مخلوط نموده می‌دهند

ادرار را باز می‌کند و نیز ریواس را سرد و خشک ۲ درجه نوشته‌اند ضرر آن برای سینه و باه.

مصلحتش: انیسون و شربت عود.

صمغ تیول و کتیرا و لعاب بهدانه می‌باشد. بدلتش برای امراض معده و جگر، گل سرخ.

بدلتش: آبغوره و ترشی اترج می‌باشد.

### نفع خاص:

مقوی معده و مفرح، خوراک آب ریواس: از ۲۴ تا ۸۰ گرم می‌باشد، مشهی است و نیز نافع آبله، یرقان و تب گرم و تب صفراوی می‌باشد.

عصاره‌اش به طور سرمه مقوی چشم می‌باشد ضمادش با آرد جو نافع سرخ‌باد می‌باشد.<sup>۱</sup>

اسم طبیبی ریوند چینی را rheum emodi نوشته‌اند که در نسخه‌های امراض و قوت مثانه با دیگر دواها استعمال نموده‌اند و نیز قرص یرقان که برای مرض یرقان مفید است، ریوند چینی نیز یکی از اجزاء آن قرص می‌باشد روغنی به نام روغن عقرب برای مرض بواسیر ساخته شده است که ریوند چینی یکی از اجزاء آن می‌باشد و نیز برای مرض سوزاک و ادرار و اسهال آور از آن نسخه درست کرده است و در قرص برای خارج کردن کرمهای معده با دیگر دواها نیز ریوند چینی را به کار برده است.

معجون برای علاج لقوه و فلج و درد شکم و جگر درست کرده است که ریوند چینی یکی از اجزاء آن می‌باشد و نیز یکی از اجزاء نسخه فرح بخش روح هم می‌باشد.<sup>۱</sup>

در جنوب شرقی تبت و چین می‌روید، بیخ آن مورد استعمال می‌باشد. نام طبیبی

آن ریوند چینی است چینی‌ها از قدیم آن را به‌عنوان دارو استعمال می‌کردند. در تاریخ چین مرقوم است که در زمان شاهی به‌نام shen\_nung که به پدر طب و زراعت چین معروف است و ۲۷۰۰ سال پیش از مسیح حکومت می‌کرده و در کتاب طبی به‌نام pen\_king آمده است این دارو را در لغت چین huang\_hang نوشته‌اند که نوع زرد آن بهترین نوع آنست، نوع دیگر به‌نام ta\_huang می‌باشد.

نام اول در کتب جغرافیایی چین نیز ذکر شده است و آمده که ریوند چینی یکی از صادرات استان si\_ning\_fu می‌باشد.

دیسقوریدوس و پلی‌نی هر دو عملاً و با تجربه از ریوند بحث کرده‌اند. ریواس نام درختی است و بیخ ریوند را می‌گویند و در زبان زند به راری معروف است. که سابقاً و امروزه نیز این اسم در ایران بخصوص در گیلان معروف می‌باشد.

aitchison نوشته که در بعضی از مناطق به‌نام rheum ribes و ریوآش و ریوند و چکری معروف است ساقه‌های آن را می‌خورند و از بیخ آن برای رنگ کردن چرم استفاده می‌کنند و نقل کرده که در شمال پاکستان در منطقه هریرود به‌نام ریوآش دیوانه معروف است و به‌عنوان مسهل مورد استفاده قرار می‌گیرد. این سینا در سال ۴۷۸ گیاه ریباس را فارسی ریوآش و دارو را ریوند نوشته و مزه آن ترش است و دارو را به‌نام چینی نوشته است. mesue در قرن یازدهم در باره فرق بین ریوند چینی و خراسانی بحث کرده است لکن حاجی زین العطار در سال ۱۳۶۸ نوشته که ریوند و ریباس یک جنس است. این جزله نویسنده کتاب منهاج می‌گوید: که ریوند چینی و خراسانی دو نوع است. در خراسان به آن ریوند الدواب می‌گویند که برای معالجه حیوانات مورد استفاده قرار می‌گیرد و بعدها چینیها آن را برای معالجه انسانها معرفی کرده‌اند. نوع چینی قسم خوب آن است که بعد از ساییدن به رنگ زعفران می‌شود. ۳ نوع ریوند معرفی شده است: چینی، خراسانی و هندی. مسیح mesue می‌گوید که ریوند گرم در درجه سوم و خشک در درجه اول می‌باشد نویسنده مخزن الادویه که خود از اهالی خراسان است در باره ریباس می‌نویسد: آن را در فارسی، ریواس، ریواج و

چکری می‌گویند. از داخل ساقه سفید است و نرم و پیر از عصاره ترش می‌باشد که قابض است گل آن سرخ است و ذائقه آن ترش و شیرین است. این گیاه در کوه‌های سرد و برفی می‌روید بهترین نوع آن ایرانی است که سفید، لذیذ و ترش و شیرین است بیخ آن را ریوند می‌گویند. ریوند را ریباس معموری نیز می‌گویند به سبب آنکه شخصی معمر از اهالی نیشابور کاشف آن گیاه و علاج آن بود.

برای تاریخ ریوند در اروپا در کتابها مفصل بحث شده است شناخت خواص دارویی ریوند از هندی‌ها نیست ولی امروزه آن را از مسلمین و اهل اروپا آن را یاد گرفته و استعمال می‌کنند. در باره استعمال طبیی آن مسلمین از کسانی چون paulus oribasius\_gallen و رازی و ابن سینا و مسیح ذکر کرده‌اند.

در هند آن را برای امراض شکم مقوی و کمی ملین معده استعمال می‌کنند.

ریوند هندی نوع خوبی نیست، مزه آن تلخ و کمی اثر مسهل دارد. آن را برای امراض شکم و به عنوان مقوی استعمال می‌کنند.

انواع ریوند که در هند در کوه‌های هیمالیا می‌روید عبارت است از:

1\_ rheum emodi

2\_ rheum moorcro ftiamum

3\_ rheum webbianum

و آنها دو نوع هستند بزرگ و کوچک لکن نوع اول مشابه ریوند چینی می‌باشد که از چین می‌آید و هیچ فرقی ندارد و تشخیص دادن آنها از یکدیگر کار مشکلی می‌باشد.

جوهری که در ریوند وجود دارد و مسهل می‌باشد cathrtic acid نام دارد و یک گلوکوزید است که کuby در سال ۱۸۶۰ میلادی آن کشف کرد این ماده بهمراه کلسیم و مگنزیوم در سناه هم موجود است.

امروزه ثابت شده که در بسیاری از گیاهان که خاصیت مسهلی دارند این ماده موجود است در ریوند همچنین chrysophanic و ماده مخصوصی به نام  $C^{13}H^{10}O^5$  emodin و یک تانن به نام  $C^{26}H^{26}O^{15}$  rheo\_tanic وجود دارد.

نیز مقداری ریزین، موسیلاژ، آلومینوئید، مالیک اسید، چربی و کمی شکر هم در آن موجود است. fluckiger, hanbury از دو نمونه ریوند چینی خشک شده در حرارت ۱۰۰ درجه سانتی‌گراد از آن ۱۳/۸۷ تا ۱۲/۴ درصد خاکستر حاصل کرده‌اند. نمونه دیگری از آن ۴۳/۲۷ درصد خاکستر داشت و در خاکستر آن potassium, calcium carbonate وجود دارد.

انواع مختلفی از خانواده rumey vesi carius linn در آسیا می‌روید که به آن چوکا چکرا می‌گویند این گیاه از نوع حماز است و به سبب دارا بودن مواد طی معروف است عصاره آن برای تسکین درد دندان مفید است، اشتها آور است، این دارو را بسیار سرد گفته‌اند و برای سردی معده توصیه می‌کنند.

در استعمال خارجی، مسکن درد ناشی از گزیدگی حشرات می‌باشد. دانه آن هم تمام خواص گفته شده را دارا می‌باشد، همچنین سرخ کرده آن را برای مرض دیسانتری استعمال می‌کنند. پادزهر سم عقرب نیز می‌باشد، بیخ آن نیز دارو است میوه آن را گل حماض می‌گویند.

ریوند: صینی و خراسانی و مردم را صینی گفته. و اما خراسانی را ریوند اسپان می‌گویند و به خراسان آن را ریوند گرگانی می‌گویند.<sup>۱</sup>

بیخ چکری بر وزن کرکسی به معنی ریاس یا ریواس را می‌گویند و از جمله انواع چینی نیکوتر بود و جرم این نوع صلب بوده و نرم و هموار و طعم او تلخ می‌باشد. و یک نوع دیگر از او خطایی است و... چینی به رنگ زردتر باشد از خطایی و جرم او درشت‌تر باشد و چوبهای او باریک‌تر بود و نوع دیگر از ریوند آن است که منبت او در بلاد کشمیر است و کشمیری در غایت زردی باشد و جرم او سبک بود. نوع دیگر ریوند جرجانی است در نیشابور است و او را از نیشابور به جرجان برده‌اند.<sup>۲</sup>

در هدایة‌المتعلمین از ریوند و ریوند چینی هر یک جداگانه یاد شده است. صاحب اغراض‌الطیبه می‌نویسد «در ریوند را طعم تیزست» الی آخر ص ۶۳۴. ریوند، راوند

است (تحفه ۱۳۰) صاحب تحفه در ذیل ریاس چین می گوید: معروف و مشهور است و بیخ او ریوند است (ص ۱۳۰).

برخلاف آنچه صاحب الالبیه می نویسد که ریوند را دو نوع مهم است: یکی چینی و دیگری خراسانی، لاویر lauler معتقد است که فقط یک نوع ریوند داریم آن هم ریوندی است که در قرن چهارم هجری از ایران به چین برده اند.

دلیل به این معنی آنکه در زبان چینی واژه ای که برای ریوند به کار می رود بیش از یک هجا دارد و حال آنکه نامهای گیاهان بومی چینی مطلقاً یک هجائی است.

بیخ ریواس غده ای است بشکل شلغم که در زیر زمین در اطراف ریشه ریواس تولید می شود، آنها را از زمین بیرون می آورند و ریز ریز و خشک می کنند. بهترین نوع آن ریوند چینی است که در چین به دست می آید و دیگر ریوند خراسانی که در بعضی نقاط خراسان منجمه کوههای نیشابور بهم می روید. رنگ بیخ جگری هم گفته اند، به عربی نیز زوند یا راوند می گویند.<sup>۱</sup>

اگر گرد ریوند چینی را به مقدار دیا سه گرم عسل مخلوط کنند داروی ملین را به دست می آید که تولید دل درد نکرده، معده و روده ها را هم خسته نمی کند.<sup>۲</sup> ریوند به قدری برای کبد مفید است که آن را روح و قلب زندگی خوانده اند ریوند علاوه بر این که یک مسهل ملایم است ناراحتیهای معده و روده را هم بر طرف می کند.<sup>۳</sup>

جوشانده آن نافع امراض سینه، خوراک آن با شیرین بیان نافع برونشیت و بخور آن نافع زکام است.<sup>۴</sup>

دافع اخلاط غلیظ می باشد، برای افراد ضعیف و لاغر مضر است، زیرا اسهال آور می باشد.

۱- مجموعه طب سنتی و گیاهی، ص ۱۸۲-۱۸۳.

۲- میوه ها و سزیهای شفا بخش، ص ۶۶.

۳- ...

### \* ریه، بوره ارمنی

روایت از جابر بن حیان:

ریه به کسر رای مهمله ویای تحتانی مجهول و خفای ها اسم هندی نمکی است که رختشویها با آن لباس می شویند. سانسکریت: اشناچار، یعنی بسیار شور و نشاچار یعنی تشنگی افزا یا موجم یعنی دافع دردها و پاکپا او شر هم یعنی برای دفع دردها این نمک دواى مشهوری است و می گویند آن نزد هندیان سرفه و کلانی شکم و درد آن و نفخ و سرفه و کف و دملها را نافع برای تحلیل ریح و دفع درد ریخی شکم و غیره مفید است.<sup>۱</sup>

ریه: بکسر اول و سکون ثانی ظهورها بمعنی خاک شور و شوره می باشد.<sup>۲</sup>

برحسب تحقیقات و شناخته شدن انواع نمک ریه مطابقت می کند با بوره ارمنی که آن را در هندی پاپری، نمک و در هندی، کاربلون می گویند و چون این نمک از ارمنستان وارد می شود بدین جهت در فارسی او را بوره ارمنی می گویند و این یک قسم نمک بود که از خاکهایی که مایل به شوریست است آن را در آب حل کرده خشک می کنند و این نمک را می سازند شکل آن مشابه نمک دریا است. رنگ آن سفید، ذائقه شور.

مزاج:

گرم و خشک در درجه سوم و در بعضی ولایتهای شمال شرقی هند کارخانه هایی هست که این نمک را درست می کنند.

خواص:

مخرج بلغم، محلل ریح، قاطع اخلاط غلیظه و جلا دهنده است و نیز نافع سرفه بلغمی و تنگی نفس است. مخلوط آن در روغن یاسمین و مالش آن بر ذکر انسان برای

۱- محیط اعظم، ج ۲ ص ۸۱

۲- دهان، قاطع، ج ۱ ص ۶۱۹



قوت و ایستادگی مفید است، سرمه آن با عسل مقوی چشم است. بعضی‌ها بورق و نوشادر را به این نام نامیده‌اند که آن غلط است و شیخ‌الرئیس آن را به نام نظرون نامیده که آن هم صحیح نیست.<sup>۱</sup>

رنگ بوره ارمنی را سفید و سوراخدار نوشته‌اند و آن را نمک زمین شور تخصیص داده‌اند، مضر برای معده است.

### نفع خاص:

مقوی باه نوشته شده است، خوراکش تا ۷ گرم می‌باشد و نیز پادزهر سمها دافع قولنج و کرم‌کش می‌باشد. مالش آن بر جسم مورا می‌زداید، کتاب همدرد اسم انگلیسی آن را *armenian\_salt* نوشته است.<sup>۲</sup>

که در بعضی از سرمه‌های چشم آن را استعمال کرده‌اند.<sup>۳</sup>

خاکی است نمکی که در هند با آن لباس می‌شویند.

سانسکریت: اشاچار، نشاچار، آویهدو، پانثو، پاکپاوشرهم.

انگلیسی: *fossil earth*

لاتین: *nitrate of soda*<sup>۴</sup> impure

بوره ارمنی یا بورق که *sodium burate* نام دارد غیر از ریه می‌باشد و ریه *soda*

*nitrate* است که در شیمی با هم فرق دارند.

۳. همدرد انگلیسی، ص ۲۲۱.

۲. بستان المفردات، ص ۸۳.

۱. المفردات، ص ۱۳۶.

۴. لاتینی لغات الادویه، ص ۱۲۹.

حرف

ذ



## \* زاج

### مشخصات:

عربی اصطلاحی: زاج ابيض

عربی روان: شَب

اردو: پیت کری

هندی: پهتکری.

یونانی: قلقدیس، شهرآ.

سنسکریت: ویمالی، سپهتی، شوتیا.

انگلیسی: alum\_alumen

زاج المطبوخ: زاج اخضر را می‌پزند و بعد منجمد کرده استعمال می‌کنند.

زاج القاطر زاج المقطر: مایعی که از معدن زاج قطره قطره افتاده و جمع می‌شود

بعضی آن را زاج اخضر گفته‌اند.

شَب الاساکفه: زاج کفشگران نوعی زاج است که کفشدوزان برای رنگ زدن کفش از

آن استفاده می کنند.

همچنین زاج احمر، زاج اخضر، زاج اصفر، زاج البحر، زاج بلوری، زاج الحامد، زاج سوری، زاج لاری و زاج کرمانی از انواع زاجها ذکر شده است.<sup>۱</sup>

زاج اخضر: زاج سبز: به هندی هیراکسیس نامند و به یونانی مسیق و بهترین آن قبرسی طلائی شبیه به لمع کواکب است که آن را مالیطرنا گویند و چهار قسم است: ۱- در بالای معدن مس شبیه برف منجمد می گردد ۲- بالای معادن یافت می شود. ۳- مخلوط به خاک می باشد (امتزاج ارضیت) ۴- در معادن مختلف یافت می شود. زاج اخضر گرم تر و خشک تر از سایر اقسام آن است نافع نواصیر بینی و منقی گوش و نافع دردهای ناشی از سردی و قاتل کرم است.

زاج اصفر: زاج زرد: آن را قلفطار گویند زاج زرد بهترین اقسام زاجها است و افضل آن طلائی و درخشنده آن است مزاج آن گرم و خشک در درجه سوم است و گوشت زائد جراحی را بخورد و بسوزاند لطوخ آن قروح بینی را نفع دهد و اورام لثه را دور کند زاج الاساکفه: به فارسی زاج کفشگران می گویند.

انواع دیگر زاج، زاج اسود، زاج البحر، زاج بلوری، زاج الجامد، زاج سوری، زاج قبرسی، زاج لاری، زاج المطبوخ، زاج المقطر می باشد.<sup>۲</sup>

زاج بر وزن یاج معرب زاک است و آن جوهری باشد کانی شبیه به نمک.<sup>۳</sup> حمزه گوید زاج (روی) زمین را گویند و اهل آذربایجان (سرب) را (ازاگنده) خوانند و منشأ و اشتقاق (زاگ) اوست.

و به لغت رومی (ستفتریا) گویند.

و (شب یمانی) از جمله زاگها نیکوتر است و لطیف تر و گفته اند: هر زاکی که پاکیزه باشد او را شب یمانی گویند.

و بعضی را لون (رنگ) زرد بود و بعضی را سیاه و بعضی سرخ.

۲- محیط اعظم، ج ۲، ص ۸۴-۸۳.

۱- لائانی لغات الادویما، ص ۲۹-۶۶-۱۵۸-۲۰۵.

۳- برهان قاطع، ج ۱، ص ۶۲۱.

و زاج سیاه آن است که کفشگران به کار برند و آن سه نوع است: یکی را قلقطار گویند و دیگری را قلقند و قلقند هم گفته‌اند و سوم را ققدیس گویند. و از نیکوترین آن باشد که به رنگ ابرش باشد که او را در شلیثا و تریاق به کار برند و بدن قلقطار است و قلقطار زاگ رومی را گویند.

و در اجزاء او بعضی زود باشد در قوت با قلقطار یکسان باشد.

و زاج سوری زاگ اجزاء سرخ را گویند.

در بعضی از کتب کیمیا هفت نوع آن را یاد کرده‌اند و گفته‌اند: لون قلقدیس سرخ باشد که به رنگ آتش ماند و قلقند سبز بود به لون قلقطار زرد باشد و شب یمانی سفید بود و زاگ کفشگران به لون سیاه بود و زاگ جبر سرخ بود که به سیاهی زند و به لون جگر نام بود و به این معنی به زاگ کفشگران ماند و نیکوتر از انواع او آن است که به لون آسمان باشد و اجزاء او فراهم آمده به همدیگر و فوت او تمام باشد و صاف بود و ذوب شده این نوع را گویند.

جالینوس گوید: قلقدیس را از موضع خود نقل کردم چون بیست سال بر آن بگذشت آنج بر زبر او بود قلقطار شد.

اگر به عضوی زخمی رسد که از خون بیرون می‌آید چون زاگ بر او بیاشند خون را از سیلان منع کند.<sup>۱</sup>

شب یمانی از جمله زاگ‌های نیکوتر بود، بعضی زرد است و بعضی سیاه و بعضی سرخ.<sup>۲</sup>

قانون گوید: زاجها بر چند نوع است: سفید، سرخ، سبز، زرد، قلقدیس، قلقند، زاج سوری، قلقطار که زاج زرد است قلقدیس زاج سفید و قلقند زاج سبز و زاج سوری زاج سرخ است، زاجها گوهر یا ماده‌ای هستند که هر گاه با سنگی آمیخته باشند و سنگ آب شدن را نپذیرد زاج گداختن را می‌پذیرد و معلوم می‌شود که گوهر زاج قبلاً سیال بوده و سپس منعقد شده است. هر یک از انواع زاج مزاجش به چیزی شبیه است که بنا وی

همرنگ است. زاج سبز مصری از قبرسی قویتر است. اما نوع قبرسی در مداوای بیماریهای چشم از زاج مصری بهتر است، زاج ناسوخته قویتر از سوخته است و زاج سوخته لطیفتر از ناسوخته است زاج سفید و زاج سبز از همه لطیفترند و زاج زرد از همه معتدلتر است پر مایه و متراکمتر در میان آنها زاج سرخ است و از این رو در آب حل نمی شود.

بهترین نوع زاج زرد آن است که زود خرد شود و به رنگ مس و صاف و تازه باشد و بهترین زاج مرکب جیر آن است که سخت است و رنگ طلایی آن بدرخشد و هم قوت زاج زرد است.

و می گویند: بهترین نوع زاج سرخ آن است که ره آورد مصر باشد و چون شکسته شود سیاه دیده می شود.

#### روایت از جابر بن حیان:

زاج، زاک: از املاح معدنی می باشد که بلوری شکل است و ترکیب آن عبارت است از سولفات مضاعف آلومینیوم با یکی از فلزات قلیایی این اجسام همه متحدالشکل و به صورت سیستمهای منظم با ۲۴ مولکول آب متبلور می شوند، مزه آنها شیرین و قابض است و معمولاً در آب حل می گردند زاج زرد بهترین قسم زاج است و افضل آن به رنگ طلایی و درخشنده و سوخته آن لطیفتر است.<sup>۱</sup>

زاج به فتح زای معجمه و الف و سکون جیم معرب از زاک فارسی است آن را به رومی سنقریا و در انگلیسی: سولفید اف رن و به هندی: کسپس می گویند و آن از معدنیات است و غیر شب است دارای اقسام مختلفی می باشد سفید و سرخ و سبز و زرد و سیاه و هر واحد از آنها جدا جدا مسطور شد و نزد جالینوس قلقطار که آن زاج زرد است و قلقدیس که آن سفید است و زاج سوری که سرخ است و همه املاح رسوبی آن آب است که متعقد و منجمد گشته و در آب جوشان حل می شوند اما غیر

از سوری که سریع الانجماد می‌باشد.<sup>۱</sup>

زاج بسیار گونه است و مصری بهترین گونه بود و او قابض است و لطیف موزنده و گرم و خشک است اندر اول درجه چهارم، چرب تر را خشک کند رعاف ببرد و سعه را ببرد و خون که از جراحت همی باز بایستد نیز ببرد.<sup>۲</sup>

مکیدن زاج به مقدار ۱ نخود در روز نافع اسهال کهنه است مالیدن و پاشیدن پودر آن بر محل زخم جلوگیری از خونریزی می‌کند مالیدن زاج با شیرین بیان نافع بیرون زدن ناف از محل خود است و شیاف آن با زیتان و شیرین بیان و سریش مقعد بیرون آمده را بر جای خود استوار می‌دارد مالیدن آن بر دندان زردی دندان را پاک می‌کند و خونریزی را قطع می‌گرداند و خوردن زاج سبز دافع کرم شکم است.<sup>۳</sup>

زاج ابیض: به فارسی زاک سفید و به یونانی فلل الفیس و به قول شیخ قلع‌دیس زاج ابیض است صاحب مخزن درباره زاج مطلق نوشته که: آن غیر شب است و در زاج ابیض گفته که آن را به عربی شب و به هندی پهنکری نامند و آن چیزی است سفید و اندکی مایل به زردی و سبک وزن می‌باشد و بهترین آن مصری براق شبیه به زرنیخ بدخشی است که چون در دست بمالند زود ریزه گردد.

زاج سفید که در آن اندکی ترشی باشد گرم و خشک است در اول سوم و مایل به اعتدال و بسیار قابض و جالی و در جمیع افعال قریب به زاج زرد است چون به سرکه ساییده بر اورام صلب طلا کنند تحلیل نماید گویند: خوردن آن به قدر ثلث درم تا نیم درم با دو برابر آن نبات سفید و نوشیدن شیر گاو تازه دوشیده شده و به مقدار آن با آب آمیخته در موقع نهار و شام استعمال نمایند، تا یک هفته جهت دفع سوزاک و زخم کلیه و مثانه و تحلیل ریاخ آن‌ها نافع است.

زاج احمر: قسمی از زاج سفید است که مایل به سرخی می‌باشد زاج احمر را قلع‌دیس و به یونانی حلقیس و به رومی قلقت و به سریانی شیوغار و سوری می‌نامند.

۱- محیط اعظم، ج ۲، ص ۱۸۱ تحفه حکیم، ص ۱۳۱ صیدنه، ج ۱، ص ۳۲۸ فرهنگ داروها، ص ۱۸۲.

۲- حکیم اسفندیاری.

۳- الابیه عن حقایق الادویه، ص ۱۷۶.



### مزاج:

مزاج آن گرم و خشک در درجه چهارم است و چون آن را با ادویه مناسب مانند تخم کتان و حلیه بیامیزند و بر او رام بلغمی بنهند تحلیل نماید و چون آن را در آب حل کنند و بدان پشم پاره آلوده در بینی چکاتند تنقیه سر نماید و شیخ در قانون نوشته که اطبای قبل از ما و در زمان ما تجربه کرده اند که خوردن یک درم زاج سرخ موی سفید سر را می ریزاند و بجای آن موی سیاه می رویند ولی شخص قوی المزاج مرطوب آن را تحمل می کند چون بسیار قوی است.

### خواص درمانی:

زاج زرد در علاج باد سرخ و ورم های مسری نافع است. همه انواع زاج در علاج گری تر و سعه مفیدند زاجها عموماً و زاج زرد خصوصاً بازدارنده خون دماغ است و همه انواعش داروی خوره و ورم های لته هستند اگر گرد زاج را در گوش فوت کنند مفید واقع خواهد شد. زاج سرخ که به سوری مشهور است دندانهای لق را محکم می کند و زاج سوخته را با سورنجان مخلوط کنند و زیر زبان بگذارند ضفده را شفا دهد.

ربه را می خشکاند ولی بعید نیست که انسان را هلاک کند، از آنجا که ربه را می خشکاند می توان آن را از سموم شمرد.<sup>۱</sup>

زاج یک داروی قدیمی است که نمکی و مثل شیشه تکه تکه می باشد. زاج از کوه های یمن می چکد و جمع شده، منجمد می شود. رنگ آن سفید و سرخ، مزه شیرین و بد مزه، مزاج: گرم دو درجه و خشک ۳ درجه، مقدار خوراک از یک تا دو گرم می باشد. قابض، مجفف، مسکن، حابس خون، رافع تب نوبه می باشد. ۲۵۰ میلیگرم از آن را در ۳۰ گرم عرق گلاب حل کرده، نافع آشوب چشم است. مالیدن آن نافع امراض لته و دهان می باشد. حمل آن در رحم از خونریزی جلوگیری می کند. در سیلان رحم، یک قاشق کوچک زاج را در یک پارچ آب ریخته، با آن رحم را شستشو می کنند. برای کسی

۱. قانون در طب، ج ۲، ص ۱۳۵ و ابن البیطار، ص ۲۲۵.

که ضربه خورده باشد آن را با شیر مخلوط نموده، می خوراندند. نیز در مرض سوزاک به اندازه خوراک می دهند. برای صاف کردن زخم از چرک آن را بر زخم می پاشند گذاشتن آن در بینی از خونریزی بینی جلوگیری می کند آب خاک آلود را صاف می کند.<sup>۱</sup>

درستان المفردات دو نوع زاج بیان شده است یکی سفید و دیگری سرخ و زاج سفید مضر برای ریه و امعاء نوشته شده.

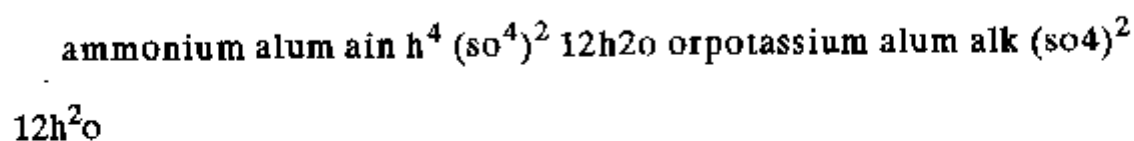
نافع چشم و کلیه و مثانه جلا دهنده و قابض است خوراک آن به مدت ۲۰ روز سنگ کلیه و مثانه را می شکند، زاج قرمز هم تمام خواص زاج سفید را دارا می باشد مقدار خوراک آن ۱ گرم است.<sup>۲</sup>

زاج نافع سیاه سرفه است خوردن آن جنین و جفت جنین را خارج می کند و در مرض سیلان رحم و سوزاک و صاف کردن زخمها و زخم لثه و خون آمدن از لثه و ورم حلق زاج سفید است.

مقدار خوراک آن از ۱۲۰ تا ۲۵۰ میلی گرم نوشته شده است.<sup>۳</sup>

در کتاب همدرد سه نوع زاج بیان شده است یک نوع زاج رنگ گلابی که آن را pink alum نوشته اند قسم دوم آن را زاج خام که آن را alum نوشته اند و قسم سوم آن را زاج سفید که white alum نوشته اند و آن را در بیماریهای چشم به صورت قطره استعمال کرده اند زاج صورتی را در نسخه های مقوی جگر و باه و امراض رعشه و لقوه و رماتیسم و عرق النساء استعمال کرده است زاج خام را در مرض بواسیر همراه با بعضی داروها استعمال کرده است.<sup>۴</sup>

در کتاب دستور بریتانی آن را alum یا alumen نوشته اند که دارای ۹۹/۵ درصد:



می باشد محصول پتاسیم آلم آن کمتر است و بیشتر از آن آمونیوم آلم به دست

۱- المفردات، ص ۱۶۷. ۲- استان المفردات، ص ۸۹.

۳- مخزن المفردات، ص ۱۰۳.

۴- همدرد، ص ۲۲۵-۲۶۱-۷۵-۱۰۵-۱۰۶-۱۹۰.

می آورند چون ارزانتر است و نیز soda alum به طور تجارتنی برای استعمال پخت و پز فروخته می شود.

خواص دیگر آن: قابض قوی و میکروب کش است، خوردن یک قاشق چایخوری از آن قوی آور است در بسیاری از محلولها و آمپولها جهت جلوگیری از فاسد شدن و برای ضد عفونی به کار می رود، خوراک آن از ۳۰۰ تا ۱۳۰۰ میلی گرم بیان شده است از alum با عملیات شیمیایی آلومونیم سولفات و آلومونیوم کلراید و آلومونیم هیدروکساید درست می شود که در امراض مختلف مورد استعمال قرار می گیرد و در محلول های استعمال خارجی، مخصوصاً در قطره های چشم به کار رفته است.<sup>۱</sup>

در کتاب دستور ادویه عراقی محلول شستشویی برای چشم بیان شده که ۱ گرم زاج با ۱۰۰ گرم آب مقطر حل کرده برای شستشوی چشم مفید است، نیز برای شستشوی دهان غرغره ۶ گرم زاج با ۳۰۰ گرم آب ولرم نوشته شده است.<sup>۲</sup>

### \* زاد مهران zadmahran

دارویی که در نوشدارو کنند. زاد مهران دارویی است که آن تریاک باشد، یعنی خاصیت پادزهر دارد و در نوشداروها داخل کنند.

در قرابادین از قانون ابن سینا از زاد مهران صغیر و زاد مهران کبیر به عنوان معجون مقاوم سموم یاد شده است و آن نوعی از ترکیبات افیونی است.<sup>۳</sup>

زاد مهران در لغت فارسی زامهران و زامهرون چون ناقرمان و آزریون وبه معنی تریاک پادزهر خاصیت ضبط شده و در مخزن رامهران و زامهران و رمهران و زمهران آورده شده و آن نوعی از ترکیبات افیونی است.<sup>۴</sup>

۲- دستور ادویه عراقی، ص ۱۲.

۱- دستور بریتانی، ص ۷۲۸-۱۴۲.

۳- فرهنگ داروها و اژهای دشوار، ص ۱۸۴.

۴- الالبیه عن حقایق الادویه، ص ۱۹۷.

## \* زالک

مشخصات:

به فرانسوی: aubepine

به انگلیسی: magtree گویند.

درختچه‌ای است از خانواده rosaceae

از جنس: crataegus

نام علمی و مشخصات ارقام مختلفه آنکه اغلب در ایران می‌رویند در آخر این بخش آمده است.

به فارسی در مناطق غیر جنگلی ایران معمولاً زالک و در مناطق جنگلی به طور کلی (ولیک) و بسته به رنگ میوه سرخ و لیک و سیاه و لیک گفته می‌شود ولی نام محلی آن در هر یک از مناطق کشور متفاوت است، از جمله در لاهیجان (کمار)، در رامسر و شهنسوار (کجیل)، در دیلمان و رودسر (مارخ)، در گرگان و بعضی نقاط بختیاری (ولک، بلک، وولیک)، در شهنسوار (کت کتی)، در اطراف تهران و همدان و اصفهان (کوچه)، در خلخال و آذربایجان (گیج - یمیشان)، در باختران و همدان و پشتکوه (گوییج)، در سردشت (گیویژ، گوژوکوشیک)، در فارس (کیالک) و در ارسباران (آت گتی) نام برده می‌شود ولی در خواص مشابه هم هستند.

به گونه‌هایی که دارای میوه سیاه هستند در آستارا و گرگان رود (قره‌گیله)، در شفا رود (سیاه لبله)، در اطراف رشت (سیاه کوتی و سیاه کوتیل)، در طالش (مون برو)، در شهنسوار (سیاه کوت کوتی)، در دره کتول (سیاه و لیک)، در نواحی ترک زبان منجیل، رامیان، طوالش، قزوین و خراسان (یمشان) گفته می‌شود.

به گونه‌هایی که دارای میوه سرخ رنگ هستند در نور (شال و لیک)، در کتول (سرخ و لیک)، در گرگان رود (کمیر)، در شفارود (سرالالا)، در اطراف رشت (سنگ کامپوره)، در شهنسوار (ولیک) و در سردشت (گورزه سوره) گفته می‌شود، در کتب طب سنتی با نامهای (خفچه)، (زعرورالادویه) نام برده شده و در بعضی کتب هم

تفاح برّی آمده است.

این گیاه به شکل درختچه یا درخت کوچک با ارتفاع متوسط است، شاخه‌های آن دارای تیغهای تیزی به بلندی ۱/۵ سانتی متر است، با پایه برگها و کم و بیش لوبهای عمیق دارد، برگهای گونه *c.monoggna* لوبهای عمیق تری دارد، شکوفه‌های آنکه در ماه اردیبهشت و تیر در می آید به طول ۱ - ۱/۵ سانتی متر ۵ گلبرگ سفید و ۲-۳ خامه سبز مایل به سفیدی دارد، در گونه *c.monoggna* یک خامه وجود دارد، میوه‌اش بیضوی به قطر ۱۲ - ۸ میلی متر، قرمز روشن و به ندرت زرد یا مایل به سفیدی است.

زالزالک میوه‌ای بسیار قابض است و می توان آن را در مورد اسهال و اسهال خونی خورد، زیرا زیاد جوهر مازو یعنی تانن و دارای کلسیم و مختصری ترشی آلی و پکتین است که برای تقویت قلب بسیار توصیه شده است و نیز در مواقع کم خونی و سل اثر نیکو دارد. قراسیا به زعرور مانند، از بعلبک خیزد و اندر او قبض امت معده را دبغه کند و قوی گرداند و صمغش خشونت قصبه شش ببرد و سنگ اندر مثانه خرد کند چون به آب رازیانه بخورند یا به آب اصول، و آب میوه‌اش لطیف است. اسهال صفرا کند و تبهای صفراوی را سود دارد و سرد و خشک است اندر درجه اول.<sup>۱</sup>

زالزالک را در استان فارس کیل، در اصفهان کویچ، در تنکابن و مازندران کرجیل و در مشهد علف نوری می گویند.

در آن دارای مقدار زیادی تانن هست و در اثر پیوند خوب رسیده و شیرین می شود، مرهم سینه، برطرف کننده التهاب معده و صفرا می باشد.

میوه نارس آن دارای طعم گس بوده، رطوبت معده را جمع و اسهال را درمان می نماید. این میوه دارای ویتامینهای A, B, C و جوهر لیمو است و برای مبتلایان به ورم روده بزرگ زیاد تجویز و توصیه شده است و برای تقویت قلب و کم خونی و سل اثر نیکوئی دارد.

رنگ زرد و صورتی آن همانند جوهر زردک است و در بدن تبدیل به ویتامین A

می شود گل زالزالک ضد تشنج بوده و حرکات نامنظم قلب را تنظیم می کند، دارویی مفید خصوص ضد طپش قلب و ضربان شدید آنست.

مشخصات گونه های مختلف زالزالک و نام علمی آنها:

۱- زالزالک گونه *C. aronia (L.) Bosc.* این گونه در فارس (کیالک) و در دره قاسملو آذربایجان غربی (کوشک اسبی) و در سردشت (گوززرده) گفته می شود، به فرانسوی: *epinedespegne* و به انگلیسی: *azerole* نامیده می شود، درختچه ای است با خارهای کوتاه به طول یک سانتی متر و ارتفاع درختچه در حدود ۷ متر، شاخه های جوان آن خزی نمدی و سپس صاف و سفید مایل به قهوه ای می شود. برگهایش بادبزنی شکل تخم مرغی که قسمت انتهایی آن معمولاً به قسمتهای عمیقی تقسیم و به چند قسمت می شود. دنداندار است و به طور کلی شبیه برگ جعفری با تقسیمات پنجه ای می باشد میوه آن گوشتی گرد زرد مایل به سرخی به قطر ۲-۱/۵ سانتی متر، دارای چندین هسته است. طعم آن ترش و شیرین می باشد. این گونه در خاورمیانه از سوریه، لبنان، آناتولی و ایران و ترکستان انتشار دارد، در ایران در ارتفاعات زاگرس، همدان، اراک، باختران لرستان و در فارس در (کتل پیرزن)، کازرون (تل خسرو) و (تخت جمشید) و نیز در دامنه های استپی البرز، در ارتفاعات دره کرج - زنجان، کوهین، در سیاه بیشه و چالوس دیده می شود.

۲- زالزالک گونه *crataegus atrosanguinea pojark* درختی است کوتاه به بلندی ۱۰-۱۲ متر، میوه آن سرخ رنگ با خالهای سفید و دارای دو هسته است، این درخت در ارمنستان و ایران و عراق انتشار دارد نیز در ایران در دره چالوس، ارسباران، کردستان، تربت حیدریه و در کرج و راه جورد قم پراکنده است.

۳- زالزالک گونه *c. meger pojark* درخت کوچک یا درختچه ای است به بلندی تا ۴ متر، میوه آن تخم مرغی گرد و سرخ رنگ است، به قطر ۲-۱ سانتی متر و پا یک آن ۱۰-۳ سانتی متر است، این درختچه در ترکیه ارمنستان و ایران می روید. در ایران در ارتفاعات البرز - زاگرس از دربند دره چالوس، کلاردشت و دشت نظیر و پل زنگوله و ارسباران تا ارتفاعات بختیاری و لرستان و جبال بارز کرمان انتشار دارد.

۴- زالزالک گونه *c. microphylla c. koch* درختچه‌ای است خاردار، میوه آن تخم مرغی، کوچک به درازای ۱۶-۹ میلی متر است. این درختچه در جنگلهای شمال ایران از رامیان تا رودبار و آستارا و اردبیل و همچنین در غرب ایران در ماهیدشت و باختران و در لرستان در درود و در خراسان در کوه بسک انتشار دارد.

۵- زالزالک گونه *c. monggna jacq* درختی است با خارهای محوری به طول ۱-۲ سانتی متر، گل‌های آن سفید یا صورتی میوه آن تقریباً گرد و سرخ رنگ و قطر آن در حدود ۱ سانتی متر است. این گونه که دو وارسته در ایران دارد، در ارتفاعات زاگرس و در اصفهان و سپیددشت لرستان و جاده قم به تهران در ارتفاع ۱۰۰۰ متر دیده می شود.

۶- زالزالک پرپر *c. monoggnna jacq. var yubro plen* درخت زیبایی است که در باغها کاشته می شود، در بهار شکوفه‌های پرپر صورتی رنگ زیبایی دارد.

۷- *c. pentaggnna waldst* درختی است به بلندی ۸ متر با خارهای معدود و کوتاه میوه آن سیاه یا ارغوانی تیره کروی به قطر ۱ سانتی متر و دارای چند وارسته و تحت گونه است و در جنگلهای شمال ایران از گرگان و رامیان تا آستارا انتشار دارد.

۸- *c. persica pojark* درختی است به بلندی ۶-۵ متر میوه آن تخم مرغی به رنگ سرخ به طول ۱/۵ سانتی متر، این درخت در ارتفاعات بختیاری دیده می شود.

۹- زالزالک گونه *c. pontica c. koch* در بختیاری و جبال بارز کرمان انتشار دارد و در چالوس در ارتفاع ۹۰۰ متر از سطح دریا نیز دیده می شود، درختی است به بلندی ۱۰ متری خار شاخه‌های آن خزی، میوه آن تقریباً گرد و زرد رنگ به قطر ۱۲-۸ میلی متر است.

۱۰- *c. pseudoambigua pogark* درختی است بدون خار، میوه آن تخم مرغی و به رنگ ارغوانی تیره می باشد. در ایران در کوه‌های هزارمسجد خراسان و در دامنه‌های البرز در شیرپلا دیده می شود.

۱۱- *c. sinaica boiss* دارای میوه کشنده و سرخ رنگ به قطر ۱۰-۸ میلی متر در ایران در کوه دنا انتشار دارد.

۱۲- *c.pinnatifidus bge* درختی است بی خار، میوه نارس آن کرکدار و پس از رسیدن سرخ و صاف می شود، این درخت در کرج انتشار دارد.

برای تکثیر زالزالک تخم آن را قبل از زمستان در لای ماسه می خوابانند و پس از کاشت آنها در خزانه نهالهای سال دوم و سوم را به محل باغ منتقل می نمایند، برای به دست آوردن ارقام زینتی باید روی پایه زالزالک وحشی پیوند زد.<sup>۱</sup>

گیاهی است (*crataegus melanocarpa, c. oxyacantha*، اوبین، *aubepine*، *u.*) از تیره گل سرخیان جزو دسته گل سرخ‌های اصلی در بعضی کتب آن را جزو دسته سیب‌ها آورده‌اند، میوه آن خوراکی است و در اغلب نواحی معتدل می‌روید. کیالک، کویج، عوسج نیز گویند.

زالزالک گل: گونه‌ای از زالزالک (*c.monogyana* *u.*) که دارای میوه‌ای قرمز رنگ است، سرخ ولیک.<sup>۲</sup>

در کتب گلها و گیاهان شفابخش، ص ۱۲۶ و درمان با سبزیها و میوه‌ها ص ۹۸ *aubepine* را نام فرانسوی سرخ ولیک نوشته‌اند و عوسج، سفیدخار است.<sup>۳</sup>

در کتاب زبان خوراکیها، ص ۱۹۸ و قانون در طب، ج ۲، ص ۱۴۱ زعرور را همان زالزالک نوشته‌اند که در این جا مختصری از خواص زعرور را بیان می‌کنیم و کامل آن را در بخش الف در موضوع ازگیل ذکر کرده‌ایم، چون در بعضی کتب زعرور را ازگیل نقل کرده‌اند.

زعرور (زالزالک): دیسکوریدوس گوید: زالزالک درختی است خاردار و برگش به برگ درخت لوقوراش می‌ماند، میوه‌های کوچک سیب مانند دارد و از سیب کوچکترند رنگش سرخ و خوشمزه است و در هر یکی از میوه‌هایش سه هسته موجود است و از این رو بعضی از مردم زالزالک را طریقونیکون نامیده‌اند که به معنی دارای سه هسته است، نوعی دیگر از زالزالک هست که یونانیان آن را هیغلمون و ساطیون نامند و گاهی آن را سیب بیابانی نامند. بیخ و میوه این نوع مستدیرالشکل



است و میوه‌اش خوردنی و گس است پایین میوه‌اش پهن است و رنگش زرد می‌باشد.

### مزاج:

مزاج آن سرد و تر است و قبض آن از سنجید بیشتر، صفرا را دفع و در بند آوردن مواد مایع بدن از هر میوه‌ای اثر بخش‌تر بوده، مایه سردرد و با معده ناسازگار است.<sup>۱</sup>

### ترکیبات شیمیایی:

کاملاً شناخته نیست ولی دارای گلیکوزیدهای فلاونی و کاتشین است، ترکیبات این گیاه جریان خون را در سرخرگهای کرنر قلب تسریع کرده و حال عمومی بیمار مبتلا به بی نظمی قلب را بهبود می‌بخشد، این اثر تنها پس از یک دوره درمان طولانی دیده می‌شود و هیچ گونه اثری بر روی بیماریهای ارگانیک قلب ندارد. از نظر ترکیبات شیمیایی طبق گزارش علمی که در *g.i.m.p* آمده است در گونه *crataegus omgacantha* مواد زیر مشخص شده است: اکسالیک اسید و در ساقه‌ها و جستهای جوان و سبز زالزالک *hcn* گلوکوزید و ماده عامل تلخ به نام کراتگین که مشابه اسکولین است.

و در مورد قلب پستانداران اثر سمی دارد، میوه تازه زالزالک دارای سیتریک اسید و تارتاریک اسید و کراتگوس اسید، پکتین، روغن چرب قندهای گلوکوز و فروکتوز است.

در هسته آن ماده آمیگدالین وجود دارد در گل‌های آن در حدود ۰/۱۵۷ درصد اسانس و همچنین تری میتل آمین کوئرستیرین و کوئرستین یافت می‌شود.

در گزارش دیگری در *s.g.i.m.p* آمده است که ماده عامل زالزالک در گونه *c.ougantha* ماده کراتگوس لاکتون است که مفتح قلبی است یعنی موجب باز

شدن و گشاد شدن رگهای کرر قلب می‌گردد، بنابراین داروی قلبی است در برگهای آن بیشتر از میوه آن ماده فلاونوئید مشخص شده است.

در گزارش دیگری که در m.p.e.s.e.a منتشر شده آمده است که در میوه زالزالک گونه‌های *crataegus pinnatifidus* و *crataegus monoggnus* مواد کراتگولیک اسید و تانیگ اسید و قندهای میوه وجود دارد (چیو).

### خواص و کاربرد:

در چین عصاره‌ای از گرد ریشه خشک شده‌ی گونه *c.monoggnus* تهیه می‌کنند که دارای خاصیت مفتح و بازکننده شریانهای قلب می‌باشد (واتانابه).

در کره میوه زالزالک گونه *c.pinnatifidus* برای رفع ناراحتی‌های گوارشی است (چونگ)، در اسهال (ایشی دویا) به کار می‌رود در ملاحظات (استوارت) آمده است که در چین مردم معمولاً زالزالک را در سطح گسترده‌ای به عنوان میوه می‌خورند، بنابراین نمی‌تواند اثر فیزیولوژیکی شدید نامناسبی برای سیستم بدن داشته باشد.

به‌طور کلی خواص میوه زالزالک را ضد کرم، ویتامین C، ملین، مقوی معده، مفتح و بازکننده گرفتگی‌ها و محرک می‌دانند. برخی معتقد هستند که زغال میوه زالزالک (میوه را می‌سوزانند که زغال شود)، یک زغال گیاهی بسیار مفید است و برای معالجه سوءهاضمه و بخصوص برای بند آوردن اسهال خیلی نافع است، در هندوستان از عصاره آبی میوه زالزالک به عنوان مقوی و برای تقویت قلب می‌خورند و برای معالجه بیماریهای ارگانیک و فونکشنال قلب نظیر دیس پنوثا (تنگی نفس که ناشی از ضایعات قلبی باشد) و هایپرتروفی (بزرگ شدن قلب) و ضعف قلب تجویز می‌شود، حکمای طب سنتی ایران زالزالک را از نظر طبیعت سرد و خشک می‌دانند و از پوست درخت آن به عنوان تب‌بر استفاده می‌کنند، به‌طور کلی دم‌کرده گل‌های زالزالک یا گرد گل خشک شده آن به مقدار ۸ - ۵ گرم در روز برای ضعف قلب، آثرین، ورم آشورت، اختلالات عصبی از جمله نگرانی، بی‌خوابی، سرگیجه، احساس صدا در گوش و نظایر آن مفید است.

در فرانسه یک قاشق سوپ خوری گل زالزالک را در یک فنجان آب جوش دم می کنند ۲-۳ فنجان از آن را در روز به عنوان ضد اسپاسم، رفع کننده بی خوابی و ناراحتیهای دوران یائسگی می خورند.

زالزالک دارای ویتامین های A,B,C و جوهر لیمو است و برای مبتلایان به ورم روده بزرگ تجویز شده است و نافع کم خونی و سل و مقوی قلب می باشد.  
گل آن در داروسازی مصرف زیاد دارد و ضد تشنج بوده و حرکات نامنظم قلب را تنظیم می کند، یک داروی مفید بر ضد طپش قلب و ضربان شدید آن است. مقدار خوراک آن به صورت کوبیده دو تا چهار گرم گرد آن است و به طور تئور سی قطره تا هفتاد قطره در شبانه روز می باشد.

میوه زالزالک مقوی معده و اشتها آور بوده و جهت رفع اسهال و تقطیر البول مفید است. ضماد گوشت میوه جهت ورمهای سخت و باد سرخ تجویز می شود، نوع کوهی زالزالک کوچکتر از بستانی و قابض تر از سنجید بوده، از قی و خونریزی معدی جلوگیری می کند، در بجنورد به زالزالک دولانا گویند.<sup>۱</sup>

در کتاب زبان خوراکیها بین ازگیل و زالزالک نسبت برادری داده شده است.  
زالزالک در مورد کم خونی تجویز شده است.

زالزالک برای تقویت قلب بسیار توصیه شده و دارای کلسیم است

زالزالک قابض است و برای اسهال سل و اسهال خونی مفید می باشد.<sup>۲</sup>

زالزالک درمان تنگی جدار روده ها و معده می باشد، ضد خونریزی و برای پاک کردن رحم تجویز می شود.<sup>۳</sup>

من بچه زالزالک هستم در فارس به من (کیل)، در اصفهان به من (کویج)، در تنکابن و مازندران کرجیل می گویند. در کتب گیاه شناسی قدیم لقب من زعرور بود و اکنون به زالزالک معروف شده ام و این نام جدید از موقعی روی من گذاشته شد که فروشتدگان دوره گرد مرا بچه زال تصور کردند، در فارسی به میوه درخت سدر

بستانی (کنار) و به نوع کوهی آن زال می‌گویند چون میوه‌های ما به هم شباهت دارند و عده‌ای مرا بیجه زال و زالزالک صدا کرده‌اند، ما دو میوه شیه به هم بوده و در خواص یکسان می‌باشیم ولی هیچ گاه با هم نسبت نداریم. من میوه‌ای ایرانی هستم ولی از قدیم علاوه بر ایران در قسمت‌های معتدل اروپا و آسیا مرا کاشته‌اند، در ایران فقط از میوه من استفاده می‌کنند ولی در اروپا از گل من که مصرف داروسازی دارد بیشتر بهره‌برداری کرده و مجال میوه شدن را به من نمی‌دهند. میوه من پیش قراول پاییز است، در آخرین روزهای فصل تابستان به بازار می‌آیم و برادر بزرگتر من ازگیل کمی دیرتر می‌رسد. در کشاورزی معمولاً از تنه درختهای ما دو برادر به عنوان پایه برای پیوند میوه‌های شاداب استفاده می‌کنند و بهترین نوع در اصفهان در نتیجه پیوند با درخت من به عمل می‌آید. میوه من و ازگیل هر دو خنک بوده و دارای مقدار زیادی تانن هستیم، در اثر پیوند خوب رسیده و شیرین می‌شویم، مرهم سینه و برطرف کننده التهاب معده و صفرا می‌باشیم. میوه نارس و غیر پیوندی ما دارای طعم گس بوده، رطوبت معده را جمع و اسهال را درمان می‌نماید.

در ایران ما را موقعی از درخت می‌کنند که کاملاً رسیده و شاداب باشیم ولی فرنگی‌ها میوه ازگیل را کال چیده روی گاه انبار می‌کنند و موقعی که در اثر ماندن رسید و رنگ آن قهوه‌ای شد، جهت فروش به بازار می‌آورند. از نظر غذاشناس کار ایرانیان پسندیده‌تر می‌باشد، میوه ما دارای ویتامینهای A, B, C و جوهر لیمو است و برای مبتلایان به ورم روده بزرگ تجویز و توصیه شده‌ایم. برای تقویت قلب و کم‌خونی و سل اثر نیکویی داریم، رنگ زرد و صورتی میوه من همانند جوهر زردک است و در بدن تبدیل به ویتامین A می‌شود.

گل من کمی معطر است و برای مصرف داروسازی آن را قبل از آنکه غنچه آن کاملاً باز شود می‌چینند، دارای عوامل مهم شیمیایی است و ترکیباتی که از آن استخراج می‌شود در طب جدید و داروسازی مصرف فراوان دارد. این گل ضد تشنج بوده و حرکات نامنظم قلب را تنظیم می‌کند، یک داروی مفید و خصوصی بر ضد تپش قلب و ضربان شدید آن است. مقدار خوراک آن به صورت کوبیده ۲ تا ۴

گرم گرد آن است و به طور متوسطی قطره تا ۷۰ قطره در شبانه روز می باشد و عصاره مایع آن ۲۰ قطره تا ۳۰ قطره در ۲۴ ساعت داده می شود.

میوه من مقوی معده بوده اشتها را زیاد می کند، جهت رفع اسهال و قطره قطره آمدن پیشاب توصیه شده است. نوشیدن شربت من با شکر جهت سردرد شدید نافع است، ضماد گوشت میوه من جهت اورام سخت و باد سرخ تجویز می شود. نوع کوهی من کوچکتر از بستانی و قابض تر از سنجید بوده، از قی و خونریزی معدی جلوگیری می کند، در بجنورد به من دولانا گویند.<sup>۱</sup>

هر یک صد گرم زالزالک ۷۷ کالری (۷۸ گرم) آب، ۰/۶ گرم پروتئین، ۰/۳ گرم چربی، ۱۸ گرم مواد گلووسیدی، ۲/۱ گرم سلولز، ۷۲ میلی گرم آهن، ۱۱۸۰ میلی گرم ویتامین A و ۱۹ میلی گرم ویتامین C و مقداری ویتامین های گروه B دارد. زالزالک کمی قابض است و از نظر داشتن ویتامین C ارزش دارد.

سرخ ولیک میوه درختی است نزدیک به زالزالک که آن نیز اثر قابض و ضد اسهالی دارد و از جوشانده میوه آن در آئزین به صورت غرغره استفاده می کنند.

زالزالک *crataegusougantha l.* مانند گیاه نسترن، تمشک کمبود و سیب به تیره گیاهی گل سرخیان تعلق دارد، بلندی این درخت به پنج متر و گاهی بیشتر می رسد انشعابات شاخه های آن درهم رفته، ساقه آن پوست خاکستری روشن دارد و برگ های آن سبز رنگ یا لبه های بریده بریده است، گل های زالزالک به رنگ سفید و گاهی گلی روشن بوده، بوی نسبتاً نامطبوعی دارند، میوه های گرد آن در پاییز می رسند و به رنگ سرخ هستند.

زالزالک یک ماده مهم دارویی است که مصرف آن از قرن ها پیش تا امروز برای درمان نقرس ورم حجاب حاجز خونروشها و ترشحات زنان توصیه شده است، پوست ساقه آن را جهت رفع تب، میوه آن را جهت رفع اسهال و گلهای آن را جهت تنظیم کار قلب و فشار خون به کار برده اند، همچنین زالزالک جهت تسکین تشنجات عصبی، آرترئواسکلروز، آئزین سیته ای و جلوگیری از چاقی استعمال شده است،

زالزالک یکی از بهترین گیاهان آرام کننده است، تمام کسانی که احساس خستگی می کنند و کسانی که نیروی شان به تحلیل رفته است، آنان که بد خواب هستند، راحت تنفس نمی کنند و کسانی که به سرگیجه، طپش قلب و حالت اضطراب گرفتارند و در گوش خود صداهای مبهمی احساس می کنند و کسانی که دچار استرس می باشند و سرانجام آنان که خود را از عواقب کله‌سترین و سخت شدن جدار رگها می خواهند مصون بدارند و کسانی که از ناراحتی های قلب رنج می برند همه می توانند بدون دغدغه خاطر از زالزالک استفاده کنند. درمان باززالک باید در مدت نسبتاً درازی انجام گیرد تا سرانجام موفقیت حاصل شود، اگر تأثیر زالزالک بر قلب بطنی تر از تأثیر گل انگشتانه است در عوض علاوه بر قلب در رفع ناراحتیهای مجموعه سیستم گردش خون بیشتر از آن تأثیر می نماید و علاوه بر آن زالزالک فاقد هر نوع خاصیت سمی است.

#### صور دارویی:

جوشانده آن جهت رفع تب تهیه می شود که هم خوراکی است و هم جهت حمام پا به کار می رود، برای تهیه آن ۲۰ گرم از پوسته ساقه را در یک لیتر آب می جوشانند و روزانه دو تا سه فنجان از آن می نوشند یا دو سه بار پا را حمام می کنند جوشانده میوه خشک کرده آن را جهت رفع اسهال می نوشند، در تهیه آن ۲۰ گرم میوه را در یک لیتر آب جوشانده و آب باقی مانده را در مدت ۴۸ ساعت کم کم می نوشند.

#### مصرف:

اصولاً به شکل تنطور تهیه شده از میوه و شکوفه مصرف می شود، ۱۰-۳۰ قطره در نصف لیوان آب سه بار در روز؛ تیزان آن اثر کمتری دارد، از گیاه فوق در بیماریهای قلبی یا منشأ عصبی استفاده می شود که به عنوان یک مسکن عمومی اثر می کند. همچنین برای درمان افزایش فشار خون و ناراحتیهای یائسگی مصرف می شود.<sup>۱</sup>

### دم کرده:

دم کرده گل این گیاه برای رفع تشنجات و اختلالات گردش خون مصرف می شود، برای تهیه آن ۴ گرم از گل را در یک فنجان آب جوش ریخته می خورند، این کار روزانه دو تا سه بار چند روز که لازم است انجام می گیرد، اما بعد از چند روز مصرف منظم باید چند روزی قطع شود و در صورت احتیاج مجدداً مصرف گردد.

### حمام دست و پا:

نظیر نسخه دم کرده ۲۰ تا ۴۰ گرم از گل خشک کرده گیاه را در یک لیتر آب ریخته روزانه دو بار حمام می کنند، حمام دست و پا در دراز مدت در حالات آنزین سینه ای و انفارکتوس و کمپرس محلول درست شده بر ناحیه قلب و اطراف آن در موارد ناراحتی قلبی و ورم ریوی مورد استعمال دارد در موارد درد معده و تشنج تأثیر درمانی این محلول چنانچه حمام دست و پا همزمان با کمپرس آن بر موضع درد بعد از غذا انجام گیرد قوی تر است، در مورد درد مهره کمر کمپرس آن را بر محل درد می گذارند کمپرس بسیار سرد آن در مورد میگرن های عصبی بهترین تأثیر را دارد، کسانی که از واریس در زحمت هستند باید از حمام پای خودداری کنند و بهتر است به حمام دست اکتفا نمایند.

### ضماد و پماد گونه های آن:

ضماد این گیاه از گل های تازه و میوه کوبیده شده آن تهیه می شود و در موارد ناراحتی های آنزین سینه ای، طپش قلب، اسهال، درد مهره کمر و رماتیسم استعمال می گردد.<sup>۱</sup>

### مقدار خوراکی:

به صورت کوبیده ۲۰ تا ۴۰ گرم گرد آن است و به طور تنطوری یا قطره تا ۷۰ قطره در شبانه روز می باشد و عصاره مایع آن بیست تا سی قطره در ۲۴ ساعت داده می شود، این میوه مقوی معده بوده و اشتها را زیاد می کند و جهت رفع اسهال و قطره قطره

آمدن ادرار توصیه شده است نوشیدن شربت آن با شکر جهت سردرد شدید نافع است.

ضماد گوشت آن جهت ورم های سخت تجویز می شود، نوع کوهی آن کوچکتر از پستانی و قابض تر از سنجید بوده و از قی و خونریزی معدی جلوگیری می کند، آن را در بجنورد بادولانا گویند.

اخیراً کارخانه ترگل شیراز عرق او را گرفته و به نام کیالک به فروش می رساند.<sup>۱</sup>

#### قسمتهای مورد استفاده:

میوه و شکوفه تازه یا خشک شده از برگهای خشک شده آن به ندرت استفاده می شود و اثر کمتری دارد.

#### زیستگاه و گردآوری:

هر دو گونه این گیاه در بیشه ها، حصارها، جنگلهای باز و برگریزی و در مناطق صخره ای می روید، غالباً برای ایجاد پرچین کاشته می شود، در سراسر اروپا پراکنده و در بریتانیا فراوان است.

در ایران: گونه *c. monogyna* در نواحی مختلف البرز، رضائیه، بروجرد، گرگان، اراک، کلاردشت، شمال تهران و کرج می روید، در گرگان به نام محلی سرخ ولیک موسوم است وجود گونه *c. omgacantha* در ایران مشکوک به نظر می رسد.

### \* زالو

#### مشخصات:

زالو، زلو، دیوجه، علق، این چهار اسم نامبرده تمام اسامی زالو می باشد، این گیاه برای دردهای شدید است، بهترین مداوا زالو انداختن به محل درد است. برای درد بالای سر، زالو پشت گوشها بیندازید، در درد سر شدید دو روز یک مرتبه به قدری



زالو بر پشت گوش بیندازید تا درد سر برطرف شود، زالو را بتدریج بیندازید تا بی خطر باشد. اگر مریض دیفتری دارد، دو عدد زالو از خارج به گلو بیندازد و در شب هفتم زالو بر پشت گوش بیندازد بسیار سودمند است. در دیفتری سهل انگاری جایز نیست، علت مرض دیفتری این است که گلو درد می گردد و توی دهن بیخ گلو سفید است از برای مرض سرطان یا درد کمر و سایر دردها که از حرارت باشد زالو بسیار مداوای خوبی است، پرهیز کردن از غذاهای نامناسب و حمام گرمی ها با خنکی ها غرغره بکنید، مخصوصاً آب جوشانده تریه فرنگی که ضد عفونتها است و برای خنکی بخورید، مخصوصاً آش زرشک، آب انار، عناب و سایر خنکی های دیگر بسیار مفید است. اگر درد سینه با سرفه باشد خنکی هایی را که ترشی نداشته باشد بخورند، وقتی زالو توی آب خوردن باشد، موقع خوردن آب متوجه نباشد به گلو بچسبد فوراً یک لیوان آب نارنج با آب لیمو به او بدهند و بگویند جرعه جرعه بنوشد تا زالو کنده شود<sup>۱</sup>.

حیوانات در صورت بیماری اقدام به درمان خود می کنند دکتر گلودرد هاوزر تغذیه شناس امریکایی می نویسد: یک اسب مسابقه استرالیایی که در ضمن مسابقه پایش شکسته بود به طرز عجیبی معالجه با زالو را به کار برده است. صاحب اسب او را در صحرا رها کرده تا استراحت کند. حیوان در آن وادی برکه ای پر از زالو کشف کرده و هر روز داخل آب می شود و پای مجروحش را در آب قرار می دهد به طوری که هر دو پایش پر از زالو می شود نگهبانان دیدند ظرف چند هفته اسب بهبودی کامل یافته است<sup>۲</sup>.

اگر مریض سرطانی قوه در بدن دارد در فاصله یک هفته تدریجاً زالو بر محل سرطان بیندازید، لکن به قدری زالو بیندازید و خون دفع بشود که مریض ضعف نکند بسیار منفعت دارد، چنانچه حقیر تجربه نموده و منفعت از زالو را دیده ام که در ابتدای مرض زالو مرض سرطان را خورده و نابود کرده است<sup>۳</sup>.

۱- مجموعه طب سنتی و گیاهی، ص ۱۹۸.

۲- مجموعه طب سنتی و گیاهی، ص ۱۹۵.

۳- طب الکبیر ص ۸۶.

## \* زان

مشخصات:

fauce: فرانسوی:

faggia: ایتالیایی:

buck: انگلیسی:

rothbuche: آلمانی:

zan: عربی:

درختی است مرتفع که در مناطق مساعد، به ارتفاع ۳۰ تا ۴۰ متر می‌رسد، پوست تنه آن صاف، به رنگ خاکستری سفید و برگهای آن موج‌دار و دندان‌دار است، به علاوه کنارهٔ پهنک برگهای آن دارای تارهای ظریف و ابریشم مانند است. گل‌های نر آن به صورت سنبله‌های کوتاهی با ظاهر گل آبرین کاپیتول مجتمع است و دمگل درازی آنها را به وضع آویخته نگاه می‌دارد در حالی که سنبله‌های ماده حالت ایستاده داشته و در آنها هر ۳ گل در پیالهٔ مشترکی محصور در براکته‌های باریک جای داد.

قسمت مورد استفاده:

پوست، چوب، میوه و قطران چوب آن است که از آن کرئوزوت creosote استخراج

می‌گردد، دانه گیاه دارای روغن قابل مصرف، مرکب از تری گلیسریدهای پالمیتیک و اولئیک است، مصرف مقدار زیاد دانه آن ممکن است ایجاد مسمومیت کند.

### خواص زان و راش:

پوست درخت راش اثر قابض و تب‌بر دارد و سابقاً به عنوان اشتها آور مصرف می‌شده است. fuhrmann در سال ۱۸۴۲ جوشانده ۳۰ گرم پوست تازه یا ۱۵ گرم پوست خشک درخت را در ۱۸۰ گرم آب که مقدار آن بر اثر جوشیدن به  $\frac{2}{3}$  تقلیل یابد به عنوان تب‌بر توصیه کرد، برای آن اثری مشابه گنه‌گنه قائل بود، گرد پوست درخت به مقدار ۲۵ تا ۳۰ گرم به عنوان مسهل قی آور و جهت درمان رماتیسم، نقرس، استسقاء و بیماریهای پوستی دیر علاج تا سنوات اخیر مصرف داشته است. برای این کار نیز معمولاً پوست شاخه‌های ۲ تا ۳ ساله بر انواع مسن ترجیح داده می‌شد.

چوب راش مانند چوب درختان کاج، بلوط، تیریزی و زیرفون در تهیه زغال گیاهی به کار می‌رود. این زغال به حالت خشک قدرت جذب مقدار زیادی از گازهای آزاد مانند  $CO_2$  و  $SH^3$  و غیره دارد، به علاوه چون اثر ضد عفونی کننده دارد، از تخمیرهای غیر طبیعی جلوگیری به عمل می‌آورد و از این نظر است که از آن در رفع سوء هضم‌های ناشی از نفخ، التهاب و ورم معده و روده، پیدایش قند در ادرار به علت اختلالات معدی کبدی، رفع نفخ و جلوگیری از پیدایش گاز در دستگاه هضم، اسهال، تب تیفوئید و در تمام موارد پیدایش تخمیرات در معده یا روده و مواقعی که مدفوع بوی تعفن می‌گیرد و همچنین برای رعایت بهداشت دهان و تهیه گرد دندان و غیره استفاده به عمل می‌آید از زغال گیاهی به عنوان پادزهر در کلیه مسمومیتها و مخصوصاً مسمومیت از فسفر و قلیائیات می‌توان استفاده به عمل آورد، در استعمال خارج برای پانسمان اولسرهاى متعفن و چرکین و زخمهای ملتهب و چرکین به کار می‌رود.

درخت زان ایران در دامنه‌های البرز، آستارا، طوالش، دیلمان تا کلاردشت، نور، کجور، ارتفاعات عمارلو، چرمکش، کبوترچاک، داماش و ارتفاعات امامزاده ابراهیم

(رشت. دکتر مهدیون) می‌روید.

درخت زان، در نور به چلر، چهلر، در مازندران به مرس *amers*، در درفک و طوالش  
آلاش، الوش، در گرگان‌رود به قزآخاج، در آستارا به قزل‌گزموسوم است!

## \* زبان پس قفا

مشخصات:

فرانسوی: *delphinette*

انگلیسی: *night's spur*

آلمانی: *ritttersporn*

ایتالیایی: *consolidaregla*

فارسی: زبان پس قفا، زبان درقفا.

عربی: خالف والدیه.

گیاهی علفی است و بیشتر در مزارع غلات می‌روید، گل‌هایی به رنگ آبی زیبا بندرت  
گلی یا سفید رنگ دارد، در قاعده دنباله گل آن مقداری نوش جمع می‌شود که حشرات  
را به سمت خود جلب می‌کند.

ترکیبات شیمیایی:

دانه گیاه دارای الکالوئیدهای سمی مانند دل سولین، دل کوزین و همچنین ماده‌ای  
به نام کمفرول است.

خواص و کاربرد:

مواد سمی دانه دو گیاه مذکور در آلبومین دانه و بافت ذخیره آن جمع می‌گردد.  
مسمومیت حاصله از دانه آنها بخصوص از دانه *d.ajacis* شبیه به مسمومیت از آکونیت

ولی با اثر خفیف تر است.

الکالوئیدهای دانه هر دو گیاه مذکور موجب فلج شدن مراکز تنفسی و ضعف فشار خون به علت فلج شدن مراکز عصبی عروق قلب است، به طوری که موجبات کندی حرکات دل فراهم می شود ولی بر خلاف آکونیت الکالوئیدهای دانه دو گیاه اخیر باعث باز شدن مردمک چشم نمی شوند.

برگ و گل دو گیاه مذکور مخصوصاً گیاه اخیر *c. regalis* سابقاً به عنوان مدر، اشتها آور و ضد کرم به کار می رفته است، هنوز هم ندرتاً در بعضی نواحی به همین منظور مورد مصرف قرار می گیرد از دم کرده رقیق برگ و گل آنها سابقاً در موارد آب آوردن بیماریهای مزمن، کلیه و مثانه نقرس و سنگ کلیه استفاده می شده است، در استعمال خارج از دانه گیاهان مذکور به صورت جوشانده یا از گرد آنها به صورت پماد در رفع کچلی جرب و دفع شپش استفاده می شده است، به علاوه چنین شهرت دارد که اگر به طور کامل آن را خرد کرده به صورت ضماد در زیر شکم تأثیر دهند از حبس البول جلوگیری به عمل می آورد و دفع ادرار را تسهیل می کند.

دانه گیاهان فوق به علت سستی که دارند امروزه به مصارف داخلی نمی رسند.<sup>۱</sup>

محل رویش:

به حالت خودرو در نواحی غربی، مخصوصاً کرمانشاه می روید، به علاوه به عنوان زینت در بعضی نواحی پرورش می یابد.

### \* زامور

مشخصات:

گیاهی است که در بلوچستان با نامهای محلی، ایشک، زامور، پروت، پراوات، پوارکی و پرواتکی شناخته می شود به هندی گجراتی پرواتی گفته می شود.

فرانسوی: cocculus

انگلیسی: snail seed

گیاهی است از خانواده زامور: menispermaceae

و نام علمی آن: cocculus pendulus

زامور یا ایشک پیچکی است دو پایه که در جنوب ایران از درختان مجاور خود مانند کنار بالا می‌رود.

ساقه‌های آن باریک، برگها بدون دمپرگ یا با دمپرگ کوتاه تخم‌مرغی کشیده و کبود رنگ، گل آن نر و ماده جدا، کوچک سبز رنگ، مایل به زرد، به شکل خوشه‌ای باز و محوری گل‌های ماده آن منفرد است، میوه آن به شکل نعل اسب، دانه‌های آن دارای آلبومین فراوان که در حقیقت مغز میوه است.

این گیاه در سنگال، عربستان، شبه قاره هند و ایران انتشار دارد، در ایران در چاه بهار و بندر عباس می‌روید و انواعی از آن نظیر *c.thundergii* و *c.japoncus* در ژاپن و چین می‌روید و خواص آنها در پنستائو چین آمده است.

#### ترکیبات شیمیایی:

این گیاه حدود ۱ درصد کالومین و ۰/۶ درصد پالماتین و در ریشه آن ۲ درصد آلکالوئیدهای پلوزین، ۳ درصد سانگولین و یک آماروئید کولومبین است. در گزارش دیگری سومی بودن گیاه ذکر شده و از آن *menisidine*, *menisine*, *mufangchin a,b* جدا شده است.

#### خواص - کاربرد:

در هند از ریشه گیاه زامور برای معالجه تبهای نوبه‌ای و به‌عنوان مقوی و تونیک استفاده می‌شود. در چین و ژاپن ریشه گونه‌های محلی این گیاه را که نسبتاً ضخیم و قهوه‌ای رنگ است، از طول به ۴-۲ قسمت کرده به بازار عرضه می‌نمایند. بوی آن مطبوع و طعم آن تلخ بوده، دارویی است لعابدار و برای قطع تب، معالجه استسقاء و

رماتیسم و بیماری‌های ریوی و همچنین به عنوان مدرّ مصرف می‌شود، میوه آن در موارد پایین افتادن مقعد استعمال می‌شود.

ریشه این گیاه مبرّد و خنک کننده و ملین و معرق است و برای رماتیسم مزمن و بیماری‌های آمیزشی نافع است. شیره برگ‌های آن مخلوط با کمی آب، زله‌ای می‌شود که به عنوان خنک کننده برای رفع سوزاک خورده می‌شود و در استعمال خارجی برای معالجه اگزما و بیماری‌های پوستی که با خارش زیاد توأم است و زرد زخم به کار می‌رود چون گونه‌هایی از این گیاه سمی است مصرف آن باید با احتیاط و زیر نظر پزشک باشد.<sup>۱</sup>

## \* زبان سگ

### مشخصات:

در کتب طب سنتی با نام لسان‌الکلب و در بازار دارویی ایران سگ زبان نامیده می‌شود.

فرانسوی: langue de chien

انگلیسی: hound's tongue

گیاهی از خانواده گاوزبان: boraginaceae

نام علمی آن: cynoglossum officinale L.

سگ زبان گیاهی است دوساله دارای گل‌های قرمز رنگ به شکل خوشه پراکنده برگ‌های آن بیضی، دراز نرم و موج پوشیده از تار به رنگ غبار مایل به سفیدی که از نظر درازی و باریکی شکل زبان سگ دارد ساقه آن به بلندی تا ۷۰ سانتی متر کبود و پوشیده از تار است ریشه آن ضخیم گوشتی، کمی دراز دوکی شکل به رنگ خاکستری است.

این گیاه معمولاً در اراضی سنگلاخ خشک در اروپا امریکای شمالی و آسیا انتشار دارد، در ایران در شمال غرب ایران، در آذربایجان در نقاط سنگلاخ و در شمال ایران در

مناطق رودبار و مازندران به طور خودرو دیده می شود، تکثیر آن از طریق کاشت بذر آن صورت می گیرد که مستقیماً در زمین اصلی در پاییز کاشته می شود، چون ریشه آن دراز است خاک مزرعه را باید شخم عمیق زد.

از نظر ترکیبات ماده شیمیایی در گیاه یک ماده عامل تلخ به نام سینوگلو سیدین وجود دارد و به علاوه در گیاه مقدار کمی از آلکالوئیدهای سینوگلو سین، سینوگلو سئین مشخص شده است.

### خواص و کاربرد:

ریشه گیاه گوشتی ضخیم، رنگ خارج آن خاکستری، مقطع آن سفید است و بوی آن تهوع آور می باشد، از این ریشه به عنوان مسکن و در رفع خوریزی از سینه و اسهال استفاده می شود و ضمناً از داروهای ضد تشنج و مخدر محسوب می شود. در فرانسه از دم کرده برگهای آن به عنوان نرم کننده استفاده می شود، جوشانده سگ زبان: ۸ - ۱۰ گرم ریشه سگ زبان را در ۱۰۰۰ گرم آب جوشانیده و صاف کنند و مانند مسکن ها برای بند آوردن اسهال بتدریج بنوشند خوب است.

ضماد برگهای تازه آن یا ضماد ریشه له شده آن و همچنین کمپرس جوشانده برگ و ساقه آن در سوختگی ها و تسکین درد آنها و التیام زخمهای سطحی بدن و در موارد شقاق پستان و بواسیر و رفع خارش نافع است، در فرانسه از دم کرده برگهای آن به عنوان نرم کننده استفاده می شود.<sup>۱</sup>

گیاهی است علفی دوساله به ارتفاع ۲ پا که در مراتع و در کنار جویها می روید برگهای آن سفید رنگ است و گلهایی قرمز روشن یا سفید رنگ دارد این گیاه حاوی آلکالوئیدی به نام gynoglossine می باشد اگر چنانچه به حیوان تزریق شود موجب فلجی قسمتهای انتهایی اعضا می شود.

الکالوئید دیگری نیز در این گیاه به نام cymoglosseine موجود است، این گیاه در گاو



مسمومیت ایجاد می نماید و علائم آن عبارت است از بی اشتها، خیرگی چشم ها و عدم تطابق دست و پا در کالبد گشایی شکم، شیردان و روده ها متورم و در آنها خونریزی مشاهده شده است، غدد لنفاوی اطراف روده متورم و قرمز بوده است.<sup>۱</sup>

## ✽ زبان گنجشک تلخ

مشخصات:

این گیاه در کتب سنتی با نام *السان العصافیر المرّ آمده* است و فارسی آن زبان گنجشک تلخ است.

فرانسوی: *holarrhene antidysenterique*

انگلیسی: *kurchec tree*

نام علمی آن: *hol amhenq qntidysentericq (roxl) wall* می باشد.

درختچه ای است کوچک در ابعاد یک بوته بزرگ رنگ، پوست آن روشن، برگهای آن متقابل، بیضی، نوک تیز کمی موج دار نسبتاً پهن و درشت به طول ۱۰-۲۰ سانتی متر، گلهای آن سفید، میوه آن استوانه ای نازک دراز به ضخامت ۷-۸ میلی متر و به طول ۲۰-۳۵ سانتی متر که داخل آن دانه های گیاه قرار دارد.

این گیاه در سرتاسر هند می روید و در برمه، تایلند و هند و چین نیز انتشار دارد. زبان گنجشک: درختی را گویند که بارش به زبان گنجشک ماند و بعضی بار آن درخت را گویند و به عربی *لسان العصافیر و السنة العصافیر* خوانند و حب اللوز هم گویند.<sup>۲</sup>

این درخت در ایران زیاد نیست ولی به علت ظاهر زیبا و گلهای سفید و مجتمعی که دارد در بعضی باغها پرورش می یابد ولی اخیراً کشت می شود. درختی است زیبا به ارتفاع ۱۵ تا ۲۰ متر و دارای شاخه های انبوه که در جنگل های شمال ایران به حالت وحشی می روید برگ های آن به درازای ۱۵ تا ۲۰ سانتی متر و مرکب از ۴ تا ۵

زوج برگچه دنداندار با یک برگچه انتهایی است در دو طرف رگبرگ میانی هر یک از برگچه‌های آن رگبرگهای ثانوی به تعداد ۶ تا ۷ زوج به طور متقابل دیده می‌شود.

گل‌های آن فاقد پوشش و به رنگ قرمز مایل به قهوه‌ای است که معمولاً قبل از ظاهر شدن برگ نیز در گیاه پدید می‌آید این گلها عموماً کوچک و دارای ۲ پرچم و یک مادگی آبا کلاله دو شاخه می‌باشد، تخمدان آن پس از رسیدن به میوه‌ای تبدیل می‌گردد که درون آن منحصراً یک دانه جای دارد.

درختی است کوچک به ارتفاع ۵ تا ۶ متر و دارای ریشه راست به رنگ خاکستری، مایل به قرمز که به حالت وحشی در جنوب ایتالیا و جزایر اطراف آن مخصوصاً کالابرو سیسیل می‌روید.

برگهای آن به رنگ سبز روشن، متقابل و مرکب از ۵ تا ۹ برگچه نوک تیزه دنداندار با یک برگچه انتهایی کمی بزرگتر است، گل‌های به رنگ سفید مجتمع در انتهای شاخه‌ها تر ماده و گاهی بر دو نوع تر و ماده پلی‌کام و دویایه دارد. میوه‌اش باریک دراز و منتهی به یک زبانه کوچک و نازک می‌باشد.

به درخت زبان گنجشک در فرنگ زبان پرنده و کنین اروپایی هم لقب داده‌اند. زبان گنجشک درختی است که تنه آن می‌تواند از سی تا چهل متر بالا رود همه جا می‌روید ولی در زمین که عمیق و تازه باشد بهتر رشد می‌کند.

برگ‌های درخت زبان گنجشک دراز و بیضی شکل و اطراف آن دنداندار است، گاهی هفت و گاهی سیزده برگ در کنار هم قرار دارند، برگهای این درخت رنگ سبز تندی دارد.

برگ‌های آن از ماه اردیبهشت تا ماه تیر جمع آوری می‌شود و خشک می‌شود، پوست آن را هم در فصل بهار از ساقه‌ها جدا می‌کنند.

زبان گنجشک درختی است زیبا از تیره زیتونیان به ارتفاع ۱۵ تا ۲۹ متر دارای

شاخه‌های انبوه که در نواحی شمال ایران به حالت وحشی می‌روید.<sup>۱</sup>  
برگهای آن مرکب و دندانه‌دار است و پس از رویدن گلها ظاهر می‌شود و موقعی که  
زرد رنگ است چیده می‌شود.

جوانه‌ها سیاه و مربع شکل است، میوه آن دارای یک دانه است و همچنین یک بال  
دارد که با باد به حرکت در می‌آید.

زبان گنجشک درختی است متوسط القامت با جوانه‌های سیاه رنگ پوست تنه آن  
خاکستری تیره و برگهای آن شانه‌ای مرکب دارای ۹-۱۵ برگچه بیضی شکل و کمی  
نوک‌دار یا دندانه‌های ریز پشت برگها صاف و عاری از کرک است، گلها به رنگ قرمز  
مایل به قهوه‌ای و معمولاً قبل از برگها در بهار ظاهر می‌شود میوه آن دارای بال و بال آن  
بیضی، انتهای آن تیز ولی قاعده آن قوسی و در آن یک دانه قرار دارد.

میوه آن در پاییز پس از ریزش برگها روی درخت می‌ماند و تا بهار سال بعد به شاخه  
آویزان است.

#### ترکیبات شیمیایی:

ترکیب شیمیایی آن در نوع افی سینال طبق آزمایش‌هایی که tunret به عمل آورده به  
شرح زیر است:

مانیت ۵۵ درصد آب، ۱۰ درصد گلوکز، ۲/۲ درصد مانثوتروز *munneotetrose* ،  
۱۲ درصد مانثوتریوز *imanninotiose* درصد املاح مختلف ۱/۵ درصد، رزین ۰.۵٪  
است.

از نظر ترکیبات شیمیایی در گیاه لسان‌العصافیر المرآلکالوئیدهای کونسین *conessine*  
و کورچین و کورچی سین *kurchicine* وجود دارد در پوست درخت آلکالوئیدهای  
کونسین به مقدار ۰/۴ درصد هولارهمین *ho larrhimine* کورنارهمین *conarrhimine*  
یک باز در ارتباط با کورچی سین کونامین *Iconamine* کونسیمین *conessimine*

ایزوکونسیمین *isoconessimine* و در آخر به مقدار ۴/۰ درصد کونیمین *conimine* جدا شده است.

برگ و پوست درخت زبان گنجشک دارای گلوکزیدی به نام فراکزینوزید *fraxinoside* یا فراکزین *fraxine* است که در مارونیه دند نیز یافت می گردد.

پوست زبان گنجشک علاوه بر گلوکزید مذکور موادی نظیر مانیت اینوزیت کوئرسیتین *quercetine* دکستروز اسیدمالیک صمغ تانن و اسانس نیز می شود.

دانه این درخت دارای ۵/۲۶ درصد ماده چرب قابل استخراج است که رنگ زرد، بوی مخصوص و طعم ملایم و خوراکی دارد ولی فقط در صابون سازی و مصارف صنعتی از آن استفاده می شود.

برگ این گیاه حاوی فلاونوئیدها و مشتقات کومارین است.

پوست آن حاوی مانیت *mannite* است که مزه شیرینی دارد.

در زبان گنجشک اسانس و کلوکوزید فراکسین *frauin* وجود دارد و به علاوه این درخت *manna* یا من گرفته می شود در برگ و پوست درخت گلوکزید فراکسین یا فراکسوزید وجود دارد در تخم زبان گنجشک در حدود ۲۵ درصد ماده چرب با بوی مخصوص و طعم ملایم به رنگ زرد یافت می شود، این چربی قابل استخراج بوده و به مصرف صابون سازی می رسد.

### خواص و کاربرد:

از پوست این درختچه از روزگاران کهن در طب سنتی هند برای معالجه اسهال خونی استفاده می شود، در تایلند از برگهای درختچه برای کشتن انگلهای روده استفاده می شود، میوه آن برای معالجه سل، در دوران بارداری به کار می رود، از تخم آن برای معالجه تب همراه با اسهال و از چوب آن در موارد کچلی و از ریشه آن به عنوان قاعده آور استفاده می شود.

در حال حاضر مصرف اصلی از پوست آن است که برای معالجه اسهال خونی و تب

و ناراحتی های بواسیر به کار می رود.

داروی بسیار خوب قابضی برای اسهال خونی اسهال، قی و اسهال وبائی و رفع التهاب های لوله گوارش است.

از روغن چرب موجود در دانه های آن برای کشتن کرم روده نیز استفاده می شود خوردن زاید بر حد آن سمی است زیرا مصرف آلکالوئیدهای آن خارج از اندازه سمی می باشد.<sup>۱</sup>

دم کرده برگ های درخت زبان گنجشک به مقدار ۲۵ تا ۳۰ گرم در یک لیتر آب برای نقرس و رماتیسم مفید است.

و نیز ادرار آور است از این جهت، کسانی را که ورم کلیه یا شن و سنگ کلیه یا مثانه دارند یا مبتلا به استسقا شده اند نیز با آن معالجه می کنند.

پوست درخت زبان گنجشک تقویت کننده، اشتها آور، تب بر و خلط آور و نرم کننده سینه است که باید ۳۰ تا ۴۰ گرم آن را در یک لیتر آب پنج دقیقه جوشانید و جوشانده آن را هر روز سه دفعه و هر دفعه یک فنجان قبل از غذا نوشید.<sup>۲</sup>

دم کرده زبان گنجشک مدر و برای استسقا، سنگ مثانه و کلیه مفید است، اگر رماتیسم دارید ۲۵ تا ۳۰ گرم زبان گنجشک را در یک لیتر آب دم کنید و میل فرمایید تا شفا یابید.

پوست درخت زبان گنجشک مقوی، خلط آور و تب بر است.

برای استفاده از پوست درخت زبان گنجشک باید ۳۰ الی ۴۰ گرم آن را مدت ۵ دقیقه در یک لیتر آب بجوشانید و یک فنجان از آن را قبل از صرف غذا بنوشید.<sup>۳</sup>

قسمت مورد استفاده این درخت برگ های آن است که پس از نمو کامل در فاصله ماه های خرداد و تیر چیده می شود، معمولاً برگچه ها را پس از چیدن برگ ها از آنها جدا نموده در سایه با دقت خشک و هر روز زیر و روی نمایند تا رنگ سبز برگچه ها باقی بماند پوست و میوه درخت نیز مصارف درمانی دارد.

۱- معارف گیاهی، ج ۶، ص ۷۵-۷۸.

۲- فرهنگ خواص خوراکی ها ص ۱۰۸.

۳- طب الهی و الانمه، ص ۱۳۸.

پوست شاخه‌های زبان گنجشک دارای طعم تلخ قابض و اثر تب‌بر و خلط‌آور است.

برگ درخت زبان گنجشک دارای اثر درمانی ملینی و مسهلی رفع رماتیسم و نقرس بوده مدر و معرق می‌باشد.

در استعمال خارج جوشاندهٔ ۴۰ تا ۱۲۵ در هزار برگ و ریشهٔ گیاه به صورت لوسیون و ضماد مورد استفاده قرار می‌گیرد.

مان افی سینال مسهلی است ملایم و چون طعم مطبوع دارد و تهوع و دل‌پیچه نیز ایجاد نمی‌کند، بهترین مسهل برای اطفال به حساب می‌آید. برای مان خاصیت ضد راشی‌تیسم نیز ذکر شده است.

معمولاً مان را در موقع مصرف در شیر گرم یا آب گرم حل می‌کنند و سپس مصرف می‌نمایند مان در فرمول بعضی شربت‌ها وارد می‌گردد.

این گیاه در ایران نسبتاً کم ولی به علت ظاهر زیبا و گل‌های سفید و مجتمعی که دارد در بعضی باغها پرورش می‌یابد.<sup>۱</sup>

زبان گنجشک که شکل درخت زیبایی است که زیاد بلند می‌شود پوست آن خاکستری رنگ و لیز و براق است. شاخه‌های آن دراز است و به آسانی خم نمی‌شود و نمی‌شکند. برگهای آن متقابل مثل ارهٔ دندانه‌دار است. گل‌های آن قبل از برگهای آن ظاهر می‌شود، سبز رنگ و به شکل خوشه انگور است.

برگهای درخت زبان گنجشک به مقدار ۲۵ تا ۳۰ گرم در یک لیتر آب برای نقرس و رماتیسم مفید است. تاکنون نتایج بسیاری از اشخاص مبتلا به این دو مرض فقط به این دم‌کرده ساده شفا یافته‌اند و خود را سالم و تندرست دیده‌اند.

دم‌کردهٔ برگ زبان گنجشک ادرار آور است از این جهت کسانی که ورم کلیه یا شن و سنگ کلیه و مثانه دارند یا به استسقا مبتلا هستند با آن معالجه شده‌اند.

برگهای زبان گنجشک را در خرداد و تیر می‌چینند و برگچه‌های آنها را در سایه

خشک می‌کنند. هر روز آنها را زیر و رو می‌نمایند تا رنگ سبز آنها از بین نرود. پوست و شاخه‌های او دارای طعم تلخ رگس بوده و تب بر خلط آور است. قبل از پیدایش گنه گنه آن را برای درمان تب نوبه به کار می‌بردند برگهای آن دارای اثر ملین بوده زیاد آن مسهل است و برای درمان رماتیسم و نقرس تجویز می‌شود.

و ضمناً پیشاب آور و عرق آور می‌باشد، دم‌کرده ۳۰ تا ۶۰ گرم آن در یک لیتر آب و جوشانده ۱۵ تا ۳۰ گرم میوه او به عنوان مقوی و مدّر و دم‌کرده ۱۰ تا ۲۰ گرم برگ خشک او در دوست گرم آب برای معالجه نقرس به کار می‌رود و برای این کار مبتلایان می‌توانند هر سه ساعت یک مرتبه یک فنجان بنوشند و همچنین مبتلایان می‌توانند آب جوشانده برگ درخت او را تنقیه کرده و تفاله آن را گرم گرم روی محل درد بگذارند. برای معالجه کامل بایستی هشت روز متوالی این عمل را تکرار کرد و اثر معجزه آسای آن را در درمان نقرس دید.

جوشانده ۶۰ گرم پوست درخت در یک لیتر آب برای معالجه تب و لرز تجویز می‌شود.<sup>۱</sup>

برگش گیرنده و تنقیه کننده و جوشکار است، رحم و قرحه: برگش رحم را به هم آرد و قرحه تر را جوش می‌دهد، مفاصل: پوستش با سرکه ضماد شود کوفتگی ماهیچه را دوا کند، نفس: مسکن تپش قلب است (خفقان)، اندامان دفعی: شهوت انگیز است. جانشین: برای تقویت جنسی بوزنش مغز گرد یا قدومه سرخ کارش را انجام می‌دهد.<sup>۲</sup> ارجانی گوید: لسان‌العصافیر گرم است در دوم درجه و در درجه اول تر است و باه را مقوی است و خفقان را منفعت کند.

و برگ او در یک درجه سرد و خشک و قابض است و ریش‌های تر را پاکیزه کند.

و اگر پوست او با سرکه بسرشند و بر بینی طلا کنند منفعت کند.<sup>۳</sup>

لسان‌العصافیر گرم است اندر درجه دوم، نرم اندر درجه اول و نزدیک بهری از طیبیان

۱- مجموعه طب سنتی و گیاهی، ص ۲۰۱.

۲- قانون در طب، کتاب دوم ص ۲۰۲.

۳- صیدنه، ج ۲، ص ۹۹۳.

گرم است و خشک اندر درجه دوم و رطوبتی دارد نه غریزی و اندر شهوت جماع بفرزاید و اندر منی نیز و خفقان را نیک بود.<sup>۱</sup>

برگهای آن خاصیت ملین دارد و به علت داشتن گلوکز، کلسیم و ویتامین ث تقویت کننده است پوست آن خاصیت تب بر دارد.

برگ و پوست این درخت با موفقیت در معالجه نقرس ورم و التهاب عصبی ورم بدن در روماتیسم مصرف می شود برگ آن معالج یبوست و نقرس می باشد و پوست آن معالج تب، برونشیت و کم خونی است.<sup>۲</sup>

لسان العصافیر گرم است اندر درجه دوم و نرم اندر درجه اول و نزدیک بهری از طیبیان گرم است و خشک اندر درجه دوم.

برگش شبیه به برگ بادام و ثمرش عریض و طولانی و متفرق و در جوف هر یک دانه ای از تخم خربزه درازتر و شبیه به زبان گنجشک و سرخ و مغز او سفید مایل به زردی با تندی و تلخی و قوتش تا ده سال باقی است.

دم کرده زبان گنجشک مدر و برای استسقا، سنگ مثانه و کلیه مفید است. اگر روماتیسم دارید ۲۵ الی ۳۰ گرم زبان گنجشک را در یک لیتر آب دم کنید و میل فرمایید پوست این درخت مقوی خلط آور و تب بر است برای استفاده از پوست درخت زبان گنجشک باید ۳۰ الی ۴۰ گرم آن را مدت ۵ دقیقه در یک لیتر آب بجوشانید و یک فنجان از آن را قبل از غذا بنوشید.<sup>۳</sup>

دم کرده زبان گنجشک مدر و برای استسقا، سنگ مثانه و کلیه مفید است، اگر روماتیسم دارید ۲۵ تا ۳۰ گرم زبان گنجشک را در یک لیتر آب دم کنید و میل فرمایید تا شفا یابید.

پوست درخت زبان گنجشک مقوی خلط آور و تب بر است.

۱- الالبیه عن حقایق الادویه، ص ۳۰۰.

۲- نسخه های تدرستی، ص ۲۵۲-۲۵۰.

۳- خواص میوه ها و خوراکی ها داروهای گیاهی، ص ۱۰۴.



برای استفاده از پوست درخت زبان گنجشک باید ۳۰ الی ۴۰ گرم آن را مدت ۵ دقیقه در یک لیتر آب بجوشانید و یک فنجان از آن را قبل از غذا بنوشید.<sup>۱</sup>

درخت زیبایی است به بلندی ۳۰ تا ۴۰ متر با شاخه‌های شکستنده و پوست خاکستری رنگ و صاف که تلخ و قابض است.

در هند پوست زبان گنجشک را که تلخ و قابض است به عنوان تونیک و تب‌بر تجویز می‌کنند و برگهای آن مسهل است.

زبان گنجشک طبق نظر حکمای طب سنتی از نظر طبیعت، گرم و خشک است، جوشانده برگ آن برای رفع نفرس و رماتیسم مؤثر است. اگر برگ آن را به‌طور خشک بخورند همان اثر را دارد. نأ برگ آن ملین و مسهل و مدر و معرق است دم‌گرفته پوست ساقه‌های جوان آنکه تلخ و قابض است اثر تب‌بر و خلط‌آور دارد.<sup>۲</sup>

### خواص اجزای آن:

پوست این درخت در گذشته به عنوان تب‌بر مصرف می‌شد. در قرن نوزدهم بهترین داروی نفرس به شمار می‌رفت.

برگ آن مدر، ضد رماتیسم مقوی و کمی ملین است و بیشتر برای پایین آوردن اسید اوریک بدن مصرف می‌شود.

در روش زموتراپی از خیسانده جوانه‌های آن در گلیسرین برای مداوای رماتیسم و کاهش اسید اوریک و در رویش ~~تنه‌های~~ از تنبور مادر آن برای درمان رماتیسم نفرس و عفونتهای مجاری ادرار زنانه استفاده می‌کنند.<sup>۳</sup>

زبان گنجشک درخت بوگ ریزی به ارتفاع ۳۰ متر است به راحتی می‌توان از روی جوانه‌های سیاه روی شاخه‌هایش آن را تشخیص داد.

برگ‌های این گیاه پس از پیدایش گلها ظاهر می‌شود. گل‌های آن به شکل خوشه افشان بدون کاسه یا جام با پرچم‌هایی به رنگ قرمز مایل به قهوه‌ای است، میوه‌اش

۲. معارف گیاهی، ج ۶، ص ۶۴-۷۰.

۱- اصول درمان طبیعی، ص ۷۲.

۳. آشنایی با گیاهان دارویی، ص ۶۰.

با بال‌های پرده‌دار درون خوشه‌های ضخیم دم‌دار قرار دارد.

قسمت مورد استفاده این گیاه برگچه‌های معمولاً خشک و بندرت تازه است.

در مناطق مرطوب نزدیک رودخانه‌ها، نهرها و جنگلهای مرطوب می‌روید معمولاً در بریتانیا بر روی خاکهای آهکی در قسمت‌های مرطوب و در جنگلهای بلوط یا پرچینها تشکیل جنگل می‌دهد.

برگ‌های آن را در فاصله ماههای خرداد و تیر گردآوری می‌کنند. برگچه‌ها را از دمبرگ اصلی (که بدون اثر است) جدا می‌کنند و در سایه در حرارت کمتر از ۴۰ درجه سانتی‌گراد می‌خشکانند.

برگ این گیاه پیشاب‌آور ملایم (اساساً بر روی کلیه‌های ناسالم دارد) و برای درمان خیز عمومی مصرف می‌شود، هم‌چنین تا حدودی برای درمان رماتیسم از آن استفاده می‌شود و یک مسهل ضعیف نیز هست.

تقریباً همیشه نیزان آن را در موارد عفونت کلیه‌ها، مثانه، احتباس ادرار، خیز عمومی و رماتیسم مصرف می‌شود.

طریقه درست کردن نیزان: نیم لیتر آب سرد را بر روی ۲-۳ قاشق غذا خوری از برگهای کوبیده گیاه بریزید بجوشانید و بگذارید سرد شود.<sup>۱</sup>

درخت زبان گنجشک به تیره گیاهی زیتونی oleineae تعلق دارد و نام علمی آن در کتاب‌های گیاه شناس 1. *fraxinus excelsior* معرفی شده است گل‌های آن سفید مایل به سرخ است.

برگهای درخت زبان گنجشک خوراک مطبوعی برای بزهاست این درخت آنطور که از کتب گیاه شناسی بر می‌آید بومی ایران زمین نیست.

درختانی هستند که گاهی ارتفاعشان به ۳۵ تا ۴۰ متر می‌رسد، اما غالباً تا ده متر ارتفاع دارند، برگهای زبان گنجشک مرکب و به صورت پنج، هفت، نه یا یازده تایی با

مجتمع شده‌اند، گل‌های آن مایل به رنگ سرخ و بدون کاسه و جام و میوه آن به صورت خوشه‌های آویزان متشکل از میوه بالدار می‌باشند، این درخت بومی اروپا بوده از آنجا به نقاط دیگر برده شده است، زنبورها به گل‌های این درخت جلب نمی‌شوند، زیرا که ماده نوش در گل آن وجود ندارد.

در برخی کتب قدیمی فرآورده‌های دارویی آن برای معالجه مارگزیدگی، درمان نقرس، دندان درد و ناشنوایی توصیه شده است، برگ و گل این درخت امروزه به عنوان ماده مدر و داروی شفابخش ویژه‌ای برای نقرس و رماتیسم مصرف می‌شود. پوست ساقه آن مقوی بوده تب را پایین می‌آورد و رگهای سطحی بدن را جمع می‌کند. اشخاص نقرس و رماتیسمی در مدت یک ماه یا مداوا به وسیله فرآورده‌های این درخت مداوا شده‌اند.

پوست تنه این درخت به واسطه خاصیت قابض آن سخت‌ترین موارد اسهال و اسهال خونی را تسکین داده و از خونریزیها جلوگیری می‌کند.

خاصیت تب‌بری آن در تمام حالات عفونت‌های ناشی از ویروس یا میکروب، که کم کم درجه حرارت بدن را بالا می‌برد، مؤثر است که این امر موجب شده است که درمان با فرآورده‌های دارویی این گیاه همیشه مورد نظر قرار گیرد.

دم‌کرده یا جوشانده برگ‌های این درخت به عنوان ماده مدر مصرف می‌شود و دم‌کرده پوست ساقه آن به عنوان تب‌بر، ضد اسهال و جلوگیری از خونریزیها مصرف می‌شود. جوشانده غلیظ برگ این گیاه جهت درمان نقرس مصرف می‌شود. حمام دست و پا به منظور مداوای نقرس و رماتیسم انجام می‌شود.

برای درمان نقرس و رماتیسم یک مشت کامل از برگ‌های خشک کرده را در یک لیتر آب جهت سه بار شستشو در روز به کار می‌برند. جوشانده میوه (دانه) آن به عنوان ماده مدر، مسهل و ضد رماتیسم تهیه می‌شود. گرد دانه‌های زیان‌گنجشک جهت درمان آرتروز در اشخاص مسن به کار می‌رود، گرد پوست ساقه برای رفع تب مصرف

می شود.<sup>۱</sup>

محل رویش:

در نواحی مختلف شمال ایران، گرگان، رامیان، جنگل‌های گیلان و مازندران غالباً به علت زیبایی خاصی که دارد به‌عنوان زینت نیز پرورش می‌دهند.<sup>۲</sup>

### \* زبان گنجشک کاذب

مشخصات:

به فارسی ون (علف آهوی سفید) و زبان گنجشک کاذب و در کتب طب سنتی با نام لسان العصافیر کاذب نامبرده می‌شود.

فرانسوی: *petittfrene*

انگلیسی: *fraxinella*

نام علمی آن: *dictamnus albus l.*

گیاهی است چند ساله بلندی آن ۱۰۰-۴۰ سانتی متر برگهای آن مرکب دارای ۱۵۷ برگچه و هر برگچه بیضی نوک تیز برگ زبان گنجشک معمولی بسیار معطر و پوشیده از کرک‌های چسبناک است.

گل‌های آن درشت به رنگ سفید و سفید مایل به قرمز یا قرمز و گاهی سفید مایل به آبی شبیه گل‌های ختمی بصورت خوشه.

میوه آن به شکل ستاره و مرکب از پنج قسمت است، علاوه بر برگ‌ها از تمام اندام گیاه اسانسی ترشح می‌شود که بسیار معطر است.

ریشه آن ضخیم پوست ریشه سفید رنگ است و ریشه این گیاه در طب سنتی مصرف دارویی دارد و از پوست ریشه و گاهی نیز از برگ آن استفاده می‌شود.

۱- صد گیاه و هزار درمان، ص ۱۶۵ الی ۱۷۰.

۲- گیاهان دارویی، ج ۲، ص ۳۰۴-۳۰۱.

این گیاه در مناطق معتدل اروپا، آسیا و بخصوص در ایران به طور خودرو می‌روید.

درخت آن را در هند کری می‌گویند و تخم کری سفید را تخم اندر جوشیرین می‌گویند و تخم کری سیاه را اندر جو تلخ می‌گویند. زبان گنجشک را به عربی: لسان العصافیر، یونانی: اندرو صارون، ترکی: قوش ویلی هندی: اندرجو، فارسی: پنجشکروان - تخم اهر، سانسکریت: کتج بیج، انورپو، کلنگ، کالنگ، شکراهو و غیره.

در جنگلهای خشک هند می‌روید، پوست آن نیز مصرف دارویی دارد، تخم آن را در هندی کاروا اندرجان می‌گویند، هندی‌ها نیز این درخت را مقدس می‌شناسند، نوعی لسان العصافیر است که در جنوب هند، برمه، وسط هند روئیده می‌شود که از نوع kura است پوست آن تلخ که بدل پوست conessi می‌باشد و تخم آن به نام اندرجان شیرین فروخته می‌شود و در بعضی مناطق این بوته در باغها کاشته می‌شود که بوی آن خوش و گل آن مثل یاسمین سفید زیبا است، هندوها در معبد آن را بطور اسانس استعمال می‌کنند، برگ این بوته بعد از خشک شدن به رنگ سیاه متقلب می‌شود، شیرۀ غلیظی مانند شیر غلیظ از آن در می‌آید که مانند کات هندی می‌باشد چوب آن در صنعت به کار می‌رود و آن را چوب شیر می‌نامند، برگ آنکه بعد از خشک شدن به رنگ سیاه در می‌آید از آن نوعی رنگ تهیه می‌گردد که در میسور آن را (ralaindigo) می‌نامند، پوست آن بطور مقوی و تخم آن بطور مقوی باه استعمال می‌شود.<sup>۱</sup>

در کتاب دکتر زرگری، ج ۲، ص ۲۹۶، این گیاه را جزو (من) ذکر کرده است. درختی است *fraxinus excelsior* زیبا از تیره زیتونیان به ارتفاع ۱۵ تا ۲۰ متر و در برخی گونه‌ها تا ۳۵ متر، دارای شاخه‌های انبوه که در نواحی شمالی ایران به حالت وحشی می‌روید، گل‌های آن قرمز و کمابیش مایل به قهوه‌ای، برگ آن در تداوی به عنوان ملین و مسهل مورد استعمال دارد و پوست شاخه‌هایش به عنوان تب بر به کار می‌رود زبان گنجشک را مرغ زبانک نیز می‌گویند.<sup>۲</sup>

### ترکیبات شیمیایی:

در ریشه این گیاه (زبان گنجک کاذب) آلکالوئید سمی متبلوری به نام دیکتامنین dictamnine و مواد دیگری به نام کولین choline تسری کونین trigonelline اوباکولاکتون pdaculactone ساپونین دیکتامنولاکتون متبلور crgstelline saponindictamno lactone و اسانس روغنی فرار یافت می شود.

### خواص و کاربرد:

در هند از پوست ریشه گیاه که معطر و تلخ است در موارد تب‌های توبه‌ای بیماری‌های عصبی، هیستری و نبودن یا کمی ترشحات عادت ماهیانه در مواقعی که به طور طبیعی باید عادت ماهیانه باشد توصیه می شود.

چون آلکالوئید دیکتامنین سمی است در مصرف فرآورده‌های دارویی این گیاه باید احتیاط کرد و زیر نظر و با توصیه پزشک مصرف شود. در سبزی از برگ‌های معطر این گیاه به عنوان مقوی معده و رفع نفخ و گازهای معده استفاده می شود.<sup>۱</sup> پوست درخت آن در طب هندی اهمیت زیادی دارد و در کتاب نگهانتاس آن را تلخ، قابض، سرد، هاضم، علاج بواسیر، اسهال، صفرا، جذام، خارج کننده سده‌های بلغم نوشته‌اند susruta می‌گویند: آن خارج کننده بلغم و پادزهر سموم است برای سهولت زایمان و امراض بول و پوستی مفید است، غثیان و قی را نافع است.

خارش را دور می‌کند زخم را خوب می‌کند درد شکم را تسکین می‌دهد و خرابی اخلاط ثلاثه را اصلاح می‌کند تخم آن را قابض دافع تب و کرم کش تعریف کرده‌اند پوست درخت و تخم آن هر دو را با هم با داروهای قابض تلخ و خوشبو مخلوط کرده اطباء هندی آن را زیاد استعمال می‌کنند و در بعضی نسخه‌ها با آهن مخلوط کرده داده می‌شود با ادویه قابض مخلوط در مرض اسهال و زحیر می‌خورند.

چسب و روغن آن نیز با داروهای قابضه و معطر بر درد شکم مالیده یا چسبانده

می شود. اطبای عرب و ایران آن را لسان العصافیر مرّ یا زبان گنجشک تلخ نامیده اند و آن را قابض و بادشکن تعریف می کنند این دارو را در امراض مزمن سینه، خصوصاً تنگی نفس و امراض بول توصیف می کنند و در مرض قولنج نیز مفید است و برای سنگ مثانه و کلیه و تقویت باه مفید دانسته اند.

با غسل و زعفران آن را شیاف درست کرده برای حفظ جنین مفید دانسته اند در این نسخه عموماً در هند مصرف می شود و این شیاف را بعد از وضع حمل هم نیز استعمال می کنند و مانند آن را اهل یونان و روم هم استفاده می کنند، صاحب کتاب مخزن پوست آن را تیواج (پتواک) نوشته است و صاحب تحفه آن را با طالیسفر هم خواص گفته و بعضی آن را پوست هندی گفته اند که یونانیها آن را در مرض اسهال استعمال می کنند.

اطبای اهل پرتقال نیز christopher garcia و costa این دارو را به نام cura\_coru و corie de pala عنوان کرده اند rheede و درخت آن را به نام codaga\_pala بیان کرده اند و می گویند: که پوست آن به طور ضماد در مرض رماتیسم و جوشانده گرم آن برای درد دندان و امراض روده ها مفید است ainslie گفته است که اخیراً این دارو در کتاب طبی بریتانیا نوشته شده است و به نام داروی conessi bark ذکر شده است. conessi bark نیز بنامهای مختلف مثل corte de pala\_codaga pala و tellicherry bark در اروپا با خیلی رغبت استعمال می شد در فارماکوپییای هند آن را داروی مفید برای اسهال بیان کرده اند. به قول o.c dutt عصاره پوست آن مقدار ۳ گرین مخلوط با یک گرین و نیم تریاک در مرض اسهال مفیداند.

اطبای اروپا ترجیح می دهند که از گرد پوست آن جوشانده تهیه کرده و از ۶۰ گرم پوست با یک کیلو گرم آب که بعد از جوشاندن مقدار آب نصف شود استعمال کنند.

جوهر آن به نام wrightine جوهری تلخ است و در مرض تب نوبه و اسهال بزرگ سالان و کودکان به تجربه مفید واقع شده است این دارو در داروخانه های کلکته رسماً فروخته می شود. از این خانواده سه قسم بوته به نام kura , kora , kuda در هند معروف اند.

1\_ holarrhena antidysentrica

2\_ wraghtia tomentosa

3\_ wrightia tinctoria

این هر سه نوع از فرق برگ و تخم مشخص هستند، جوهری در پوست آن به نام wrightine است و از تخم آن هم حاصل می شود، در محلول hydrochloric acid آن رسوبات پلاتین، طلا، جیوه دیده می شود.

r.haines در سال ۱۸۵۸ همین مواد را از این بوته حاصل کرده و اظهار داشته اند که خوب است این جوهر را conessine بگوئیم و آن را از platinum salt آن حاصل نموده به فرمول  $C^{25}H^{22}NO$  نام برده است.

اسم عربی است به فارسی زبان گنجشک و پنجشکروان و به شیرازی تخم اهر و به یونانی اندروصارون و به ترکی قوش دیلی و به هندی اندر جو گویند و آن ثمر درختی است که از قسم دردار و بزرگ و برگ آن شبیه به برگ بادام و ثمر آن در خوشه و در خلافها است ظاهر آن اندک تیره رنگ و باطن آن سفید، مایل به زردی و تند مزه و لاذغ زبان با اندک تلخی قویت آن تا ده سال باقی می ماند ضماد برگ آن منقی و مدمل و ملحم زخم مرطوب آشامیدن ثمر آن مسکن ریاخ و درد پهلو و پشت و تهیگاه و نافع خفقان و تنگی نفس و سرفه کهنه و جهت مفص و درد رحم و در بول عسرالخروج شکستن سنگ و تقویت اعضای تناسل و تحریک و ازدیاد باه مفید و فرزجه آن با زعفران بعد از ظهر معین بر حمل و مجرب گفته اند، مصدع گرم مزاجان است و مصلح آن گشنیز مقدار شربت آن جهت باه تنها سه درم کثرت استعمال آن مضر کلیه، مصلح آن مریای کدو، بدل آن در تقویت باه به وزن آن جوز مقشر یا تودری سرخ است.<sup>۱</sup>

سجزیان اورانامی کرده اند که به پارسی متعارف سرو بود یعنی شاخ حیوان و به زابلی شنگ گویند.<sup>۲</sup>

دم کرده برگهای درخت زبان گنجشک به مقدار بیست و پنج تا سی گرم در یک لیتر آب برای نفرس و رماتیسم مفید و مؤثر است و تاکنون نتایج خوبی از آن به دست آمده است دم کرده برگ زبان گنجشک ادرار آور است از این جهت کسانی که ورم کلیه یا شن و



سنگ کلیه یا مثانه دارند یا مبتلا به استسقاء شده‌اند نیز با آن معالجه می‌شوند.<sup>۱</sup>  
زیان گنجشک گل (*fraxinus americana linne* (fam\_oleaceae) دارای ماده  
گلوکسایدی به نام فراکسین  $C^{16}H^{18}O^5$  و تانین می‌باشد که مقوی و قابض است و مقدار  
خوراک آن ۲ گرم است.

### \* زبدالبحر

#### مشخصات:

کف دریا را به لغت رومی: القیوتیا و اقونیا و به سریانی: کفرادیاها گویند و به  
هندوی سمدربین گویند.

نوعی است از حیوان دریا و معدن او در بحر عدن است و نهایت اندازه او بدستی  
باشد و زبدالبحر آن استخوان باشد و طریق تحصیل او آن است که چون او را بگیرند  
استخوان آن را جدا کنند یا چون او بمیرد و آب دریا بر سواحل اندازد آن استخوان از  
او جدا شود و باقی او چنان باشد که گویی پرده‌هاست بر هم دیگر پوشیده و مراد  
اهل جزایر و سواحل دریای عدن زهره این حیوان است و آنچه به او نبشته شود در  
غایت براقیت و سیاهی بود.

زبدالبحر پنج نوع است:

نوع اول: آن است که جرم او درشت باشد و از وی بوی کریه به مشام رسد  
چنانکه پوست حیوان که گنده شود و شکل او به اسفنج مشابعت دارد.

نوع دوم: به مقدار ازین درازتر باشد و جرم او سبک‌تر بود و در میانه او چیزی  
باشد.

نوع سوم: آن است که از جمله انواع لطیفتر است و این نوع به کرم مانند به صورت  
و لون ینفسجی باشد.

نوع چهارم: آن است که جرم او سبک بود و به صندل مانند که او را پاکیزه نکرده

حرف ز ..... ۲۶۵  
باشند.

نوع پنجم: آن است که پشت او هموار باشد و چون او درشت بود و در طعم او تیزی و سوزانی به هم آمیخته باشد و این نوع از جمله انواع او تیزتر باشد به طعم در علاج داء الثعلب گفته‌اند انواع او پنج است و نیکوتر در منفعت که او را میلینسون گویند و او آن نوع است که جرم او به پشم ماند.<sup>۱</sup>

زبدالبحر کف دریا است و طبیعت گرم و خشک دارد در سه درجه جراحتهای را بزداید و پاکیزه کند و گرو بهق را سود دارد و چون او را بسوزند و با الکل به هم بیامیزند منفعت او بیش بود.<sup>۲</sup>

زبدالبحر جلا دهد و سخ ببرد زبدالبحر کف دریا را به رومی اقرابونیا گویند و اقرون نیز گویند و او پوست نوعی است از حیوان دریایی و معدن او بحر عدن و نهایت به اندازه دستی باشد و در تن او یک استخوان بیش نبود و آن استخوان در پشت او باشد و زبدالبحر آن استخوان باشد زبدالبحر کف دریا است و پنج نوع است بعضی همچون اسفنج است بعضی به رنگ گل است یا بنفش است، صاحب اختیارات بدیعی می‌نویسد: که زبدالبحر را به پارسی کف دریا خوانند و سپس به بیان انواع پنجگانه آن می‌پردازد اکنون عامه آن را به نام لسان البحر می‌شناسند جسمی است غضروفی و عضو اساسی پیکر یک حیوان دریایی است به نام سیداج. حیوان مذکور پس از آنکه در دریا می‌میرد و گوشت بدن او متلاشی می‌گردد غضروف بدون گوشت آن بر سطح آب قرار می‌گیرد و پس از چندی با امواج به ساحل پرتاب شده در اثر حرارت خورشید خشک می‌گردد و به صورت زبد البحر در می‌آید نام زبدالبحر ترجمه هلکیونیون halikyonion دیوسقوریدس است امروز معروف است به لسان البحر و آن استخوان سیداج seiche است زبدالبحر عبارت از استخوان ماهی سیداج cattle fish و ستاره دریایی jelly fish و مانند آنها.<sup>۳</sup>

۱- صیدنه، ج ۱، ص ۳۳۲-۳۳۱.

۲- فرهنگ داروها و واژه‌های دشوار، ص ۱۸۵.

زبد البحر یا کف دریا پنج نوع است:

- ۱- ابری شکل و تندبوی و بویش به بوی مشک سائیده می ماند که این نوع پرمایه است و در کنار آب پیدا می شود.
- ۲- ابری شکل و سبک و دراز و نرم و بوی جل وزغ را می دهد.
- ۳- گلرنگ.
- ۴- بنفشی رنگ که این دو نوع سبک و کم مایه و به پشم چرکین شباهت دارند.
- ۵- به هیئت قارچ است و رویه اش صاف و طرف اندرونی زیر و هیچ بویی ندارد. مزاج: در سوم گرم و خشک است.

#### خواص:

پلیدی ها را پاک کند زداینده و سوزنده است کف دریای گلرنگ از سایر انواع آن لطیف تر است، کف دریای گلرنگ و بنفشی و قارچی شکل در سردن موی مؤثرند عموماً دندانها را استوار کند و صاف آن در جلا دادن دندانها کاری تر است، گلرنگ برای طحال و استسقاء سودمند است.<sup>۱</sup>

زبد البحر جلا دهد و سخ ببرد و داء الثعلب و داء الحية را نیک باشد چون بسوزند و اندر الكل بگذارند و بر او طلا کنند و اثر ریشها را از چشم ببرد و دندان بیفروزد و اگر با سرکه طلا کنند موی برویاند و گرم و خشک است اندر آخر درجه دوم.<sup>۲</sup>

### \* زبل

سرگین (اقرب الموارد- بحوالجواهرده خدا) زبل و زبیل سرگین است مزبله جای افکندن آن شرح قاموس ده خدا افکنده، جمله حیوانات که به پاریسی او را سرگین گویند ترجمه صیدنه ده خدا.<sup>۳</sup>

۱- قانون در طب، ص ۱۳۷. ۲- الابیه عن حقایق الادویه، ص ۱۷۶.

۳- فرهنگ واژه های دشوار ص ۱۸۵.

زبل هم گرم و خشک است تجلیل و تجفیف و تسخین کند و قوت هر یک مختلف است از جهت آن حیوان که آن از وی بود و به حسب آن غذا که وی خورده باشد.  
 زبل، مدفوع: در مدفوع هر جاننداری ویژگیهایی هست که در غیر آن یافت نمی شود یا بهتر بگویم: مدفوع یک نوع از جاندار و بخصوص مدفوع آدمی زاد شاید در یکی نوعی و در دیگری تأثیر مخالف داشته باشد، مثلاً مدفوع اردک زیاد از اندازه گرم است و نمی توان از آن استفاده دارویی کرد و مدفوع باز و صقر و باشه و سایر مرغان شکاری به ندرت مورد استفاده قرار می گیرند و سبب همین است که بسیار گرمند.

**مزاج:**

هیچ مدفوعی از سردی و تری مزاج سهمی ندارد، مدفوع کبوتر از کلیه مدفوع پرنده ها که در دارو به کار آیند گرمتر است مدفوع ماکیان از مدفوع پرندگان چرنده کمتر گرمی دارد.

**خواص:**

پشک بز و بویژه بز کوهی برای بند آوردن هر نوع خونریزی مفید است، پهن خر ناسوخته و سوخته اش بازدارنده سیلان خون است چلغوز کبوتر خون را به سوی ریه جذب می کند و به اصطلاح سرخ گرداننده است و اگر با آرد جو باشد تحلیل برنده گردد.<sup>۲</sup>

**\* زیب**

میویزج معرب مویزک که او را زیب الجبل (مویز کوهی) نیز نامند گرم است و خشک اندر درجه سیم سوزنده است، گر را بکند و شپش بکند و داء الثعلب و داء الحیه ببرد و چون بامسطکی مخلوط نمایند در طوبتهای غلیظ راز مغز بکشد و گر خردگی از او بخورند

۱- الالبیه عن حقایق الادویه، ص ۱۷۸.

۲- قانون در طب، ص ۱۴۲.

قی آورد لیکن مخاطره است که بکشد خاصیتش خلطها از سر بکشیدن است و  
مضرتش به سپرز است و اصلاحش عاقر قرحاست و بهترش سیاه است، شربتی از  
او یک درم است.<sup>۱</sup>

عنب انگورست و او به انجیر مانند است و حصرم سرد و خشکست و زیب بر  
حسب مزاج انگورست آن کی ازو گرفته بوند.

زیب بر وزن طیب است زیب را به لغت پارسی مویز گویند زیب حرارت او  
قوی تر از انگور باشد اما کشمش بدو نزدیک است و اندکی نفع کند.<sup>۲</sup>

خاصیت مویز انگور آن است که ررمها را بنشانند و مایه‌ای که درو بود آن را ببرد و  
او گرم‌تر است در یک درجه و تخم او قابض است و سردست در یک درجه و  
خشک است در دو درجه.<sup>۳</sup>

زیب: به فتح اول بر وزن نجیب هر میوه که خشک شده باشد و عربان زیب  
گویند عموماً و خرما ی خشک و مویز را گویند، خصوصاً و با دانه خوردن مویز درد  
امعا را نافع است.<sup>۴</sup>

در کتب طب سنتی با نام زیب آمده است به فرانسوی و لاتین *passulae magore*  
گفته می‌شود مویز انگوری است که روی درخت خشک یا به عبارت بهتر نیمه  
خشک شده باشد و بهترین نوع آن مویز پرگوش، کم دانه آن است از نظر طبیعت  
مویز گرم و خشک است.

#### خواص:

اعتدال دهنده اخلاط غلیظ و ملین است به تأثیر و جذب داروهای مسهل کمک  
می‌کند برای تصفیه ریه مفید است، مقوی کبد و محرک نیروی جنسی اشخاص سرد

۱- الابنه من حقایق الادویه، ص ۳۲۷.

۲- فرهنگ واژه‌های دشوار ص ۲۷۱.

۳- صیدنه، ج ۲، ص ۸۷۰.

۴- برهان قاطع، ج ۱، ص ۶۲۹.

مزاج می باشد برای سرفه بلغمی و بیماری های کلیه و زخم روده ها نافع است.<sup>۱</sup>  
 وزیب بر حسب مزاج انگور است آنکه از او گرفته بوند و غذایش هم چون  
 غذای اصلش بود به کمی و بیشی و هر چه به گوشت به بود وی شیرین تر بود گرم  
 مزاج باشد و غذای بسیار دهد سینه و شش را سود کند که اندر او رطوبتی بود  
 غلیظ.<sup>۲</sup>

### \* زبل المعیز

#### مشخصات:

فرانسه: souchet rond

انگلیسی: nutt\_grass

آلمانی: runde zyperwruzel

ایتالیایی: cypreo orientale

عربی: سقیط، زبل المعیز، سعدالحر.

گیاهی چند ساله به ارتفاع ۲۰-۴۰ سانتی متر و دارای ریزوم خزنده و ساقه های  
 متعددی در طول ریزوم است بعضی قسمت های طول ریزوم آن نیز تورم حاصل  
 می کند و به صورت چتر ساده مرکب از ۴-۱۰ شعاع نامساوی دارد، سنبلکهایی به  
 رنگ قهوه ای مایل به قرمز باریک و به طول ۱۰-۲۰ میلیمتر نیز بر روی هر یک از  
 اشعه چتر ظاهر می شود میوه اش فندقه دارای سه سطح مشخص و به رنگ  
 خاکستری تیره است در هند و سیلان و ایران و غالب نواحی گرم پراکندگی دارد.

#### خواص درمانی:

ریشه گیاه مذکور طعم تلخ و اثر قابض، اشتها آور، مقوی معده و ضد کرم دارد در رفع

۱- معارف گیاهی، ج ۲، ص ۵۸

۲- الابنه عن حقایق الادویه، ص ۲۲۶

دیسانتیری، خارش، صرع و باد سرخ، اثرات مفید ظاهر می‌کند ayurveda بررسی‌های مختلف نشان داده است که ریشه این گیاه اثرات درمانی مدر، قاعده آور معرق و التیام دهنده دارد، درمان زخمها، کم اشتهاپی و همچنین دفع رسوبات ادراری مفید واقع می‌گردد yunani.

قسمت برجسته و معطر گیاه را که نوعی اسانس در بر دارد پس از له کردن و مخلوط نمودن با گرد زنجبیل و عسل جهت درمان دیسانتیری به مقدار کم مصرف می‌نمایند و شهرت درمانی آن در بین مردم بیشتر از آن جهت است که ریشه گیاه را در رفع ناراحتی‌های هضمی و تحریکات معدی مؤثر می‌دانند چه آنکه در سیلان از جوشانده غده‌ها برای رفع اسهال ناراحتی‌های معدی و سوء هضم استفاده زیاد به عمل می‌آورند. مردم چین معتقدند که غده‌های کوچک ریزوم اثر مقوی، مقوی معده و نیرو دهنده دارد و می‌توان آن را برای موارد مذکور به کار برد.

#### محل رویش:

نواحی مختلف البرز، کرج، اطراف تهران در ارتفاعات ۱۵۰۰ متری خراسان سرحدات ایران و عراق، بلوچستان و شیراز می‌روید.

### \* زروار

#### مشخصات:

لاتین: *curcuma zeodaria*

فرانسوی: *zeodaire*

زروار به ظن قریب به یقین غلط است و صحیح زروار است زروار دارویی هندوی است و او مضرت نیش جمله زهرها دفع کند اما آنچه معروف و متداول است زدوار

است این گیاه در هند شرقی رشد و غر می کند زدوار لغتی است فارسی<sup>۱</sup>.  
 زدوار دارویی هندی است به قسط ماند دفع ضرر زهرها کند گرم است و خشک اندر  
 آخر درجه سیم<sup>۲</sup>.

## \* زدوار

### مشخصات:

در کتب طب سنتی با نامهای زدوار و ژدوار و سطرال و جدوار آمده است ساقه زیر  
 زمینی یا به اصطلاح بیخ گیاهی است که آن را به:

فرانسوی: zedoaire

انگلیسی: zedoary

این گیاه از خانواده زنجبیل: zingiberaceae

و نام علمی دو گونه عمده که ساقه زیرزمینی آنها بیشتر در طب سنتی مستعمل است  
 و به این نام خوانده می شود به شرح زیر است:

۱- *curcuma pallida louf* این گیاه در تمام مناطق از هیمالیا تا جنوب اندونزی  
 می روید و آنچه که به بازار ایران می آید معمولاً در عربستان، در مراسم حج خریداری  
 می شود که از هند به آن دیار وارد شده است و حجاج آن را به ایران وارد می کنند و  
 قسمتی نیز مستقیماً از هند به بازار ایران وارد می شود در مخزن الادویه آمده است که  
 انواع کوچکی از زدوار مخلوط با اکونیت یا بیش در خراسان و در کوههای قهستان  
 می روید سایر گیاه شناسان تا به حال این موضوع را تأیید نکرده اند.

۲- *curcuma aromatica salisd* این گیاه اصولاً بومی هند است.

ریشه این گیاه را پارسا در دارونامه به نام قرباد نامبرده است.

۱- فرهنگ داروها و واژه های دشوار، ص ۱۸۸.

۲- الابیه عن حقایق الادویه، ص ۱۷۷.



گیاه زدوار دارای برگهایی بلند شبیه زردچوبه به طول تا یک متر، گلها زرد ساقه زیر زمینی آنها که در بازار دارویی با نام ریشه گیاه معروف است و در طب سنتی مستعمل است شبیه سعد است، به ضخامت حدود یک انگشت ضخیم، سخت و کمی تلخ است سطح بیرونی خاکستری تیره یا سیاه و مغز آن بنفش است وقتی آن را بسایند گرد آن بنفش و طعم آن تلخ است.

#### ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی در گونه *c.pallida* در بیخ آن اسانس سینثول کامفن زینجی برن، بورنتول، کامفور، کورکومین، زئودارین صمغ رزین و نشاسته وجود دارد.

#### خواص و کاربرد:

زدوار از نظر طبیعت طبق رای حکمای طب سنتی گرم و خشک است و از نظر خواص معتقدند که فرح آور، مقوی نیروی اعضای رئیسه بدن نظیر دل دماغ و کبد و مقوی احشاء و آلات درون شکم است و برای جمیع سموم سرد و گرم پادزهر مؤثری است بازکننده انسداد و گرفتگی های مجاری است، مسکن دردها و مقوی چشم است برای افزایش اشتها و تحریک و افزایش نیروی جنسی خیلی مؤثر و منعظ است و مدر می باشد و برای بیماری های دماغی و اعصاب مانند صرع، فلج، لقوه، رعشه، سستی، بی حسی، خواب رفتگی اعضا، استسقاء، یرقان، ضعف معده، خرد کردن سنگ مثانه، سختی، ترشح ادرار، رفع عفونت از اخلاط و اکثر بیماری های سرد از طریق خوردن و مالیدن مفید است. خوردن ۲ گرم ساییده آن با سرکه رقیق برای رفع ورمهای داخلی مفید است مقدار ۲ گرم آن با جلاب و با شربت گاوزبان و بادرنجبویه یا با عرقهای مناسب نظیر عرق گاو زبان و گلاب یا بیدمشک برای تفریح قلب، رفع ضعف قلب، رفع خفقان، تپش و فشار قلب، خصوصاً در مواردی که برودت و سردی باشد نافع است!

ابوریحان بیرونی گوید: زدوار دارویی هندی است و او مضرت نیشر جمله زهرها دفع کند و مثبت او در زمین نبات بیش بود<sup>۱</sup>.

زدوار ریشه‌ای است شبیه به سعد که به صورت معرّب جدوار گویند گرم است و خشک در درجه آخر<sup>۲</sup>.

### \* زراوند

مشخصات:

در کتب طب سنتی با نامهای زراوند و زریوند آمده است دو نوع معروف دارد: یکی را زراوند گرد و به اصفهانی نخودالوندی و نوع دوم را زراوند دراز گویند در برخی مدارک از جمله پارسا در فلور ایران خربزه ابوجهل نامبرده است.

فرانسه: aristoloche

انگلیسی: aristolochia

گیاهی است از خانواده: aristolochiaceae

در طب سنتی ایرانی به طور کلی نوع دراز آن معمولاً مطرح است و گونه‌ای که در هندوستان بیشتر مصرف می‌شود گونه *a. indica* L. می‌باشد.

گونه‌هایی از این گیاه که در ایران می‌روید و خواص دارویی آنها باید مطالعه شود عبارتند از:

۱- *a. oliviericoll* در غرب ایران در قصر شیرین کوه الوند همدان بین اشتران کوه و کوه ساس، کوه چهار خاتون کوه رازوند و عباس آباد همدان می‌روید.

۲- *a. maurorum* L. اطراف تهران، کرج، ونک، اویسن، شمیرانات و در آذربایجان می‌روید.

۳- *a. iberica* fisch در مناطق شمال بین درختان زیتون رودبار می‌روید.

۲- الایبه عن حقایق الادویه، ص ۱۷۷.

۱- صیدنه‌خ ۱، ص ۳۳۲.

زراوند گیاهی است علفی با ساقه زیرزمینی چند ساله و پایا، ساقه هوایی آن کوتاه به بلندی ۳۰-۴۰ سانتی متر که در محل اتصال برگها زاویه منفرجه‌ای دارد، برگهای آن کامل متناوب قلب شکل و نوک تیز است و در مورد زراوند گرد بی دندان و زبر و در مورد زراوند دراز با دندان و دمبرگ است گلها که از فاصله بین برگ و ساقه خارج می‌شوند ارغوانی یا صورتی، با بوی نامطبوع هستند، ساقه زیرزمینی یا بیخ آن کلفت و به ضخامت حدود یک انگشت چاق مرغوب‌ترین آن بیخی است که به رنگ زعفرانی و ضخیم باشد و طعمی که تلخ دارد مرغوب‌ترین آن بیخی است که به رنگ زعفرانی و ضخیم باشد.

### انواع زراوند:

زراوند دو جنس است طویل و مدور صاحب الالبیه زراوند را زیریوند نیز نوشته است آنجا که در ذیل ماده زیق گویند چون زیریوند دراز با او به کار برند برای خارش بهتر است و آن بر سه نوع است: یکی را زراوند و مدحرج گویند، یعنی جرم او گرد باشد و نوع دوم زراوند طویل است که نبات او به علاقه‌های درخت تاک ماند و علاقه او آن است که نبات او به علاقه‌های درخت تاک ماند و علاقه او آن است که به شکل لبلاب بر درخت بود و به انواع نبات محکم شود دراز است و گرد، دندانها سفید کند و بین دندان سخت کند و هر دو نوع ضیق النفس و صرع را سود دارد.

زراوند مدحرج به فارسی زراوند گرد و به اصفهانی نخود الوند می‌نامند و اسم الزراوند بالیونانی: ارسطولوخیا، لفظ زراوند فارسی است و زراوند دراز و زراوند گرد هر دو در کشورهای ساحل مدیترانه و در آسیای مرکزی می‌روید.<sup>۱</sup>

تیره زراوند *aristolochiacees* گونه *aristolochia clematis* و سایر گیاهان این جنس دارای الکلوئید *aristolochine* می‌باشد که اثرش شبیه صبر زرد ولی از آن قوی‌تر است، مسمومیت از آن اولین بار توسط *cornevin* در اسب گزارش شده است علائم مسمومیت عبارت است از ازدیاد ضربان قلب ضعیف شدن نبض، ازدیاد ادرار، تورم حاد

دستگاههای ادراری و تناسلی و ازدیاد گوینجه‌های سفید نوتروفیل گونه *a.densivenia* نیز که در شرق آفریقا می‌روید، بسیار سمی است گونه‌های *a.bracteata* زراوند هندوانه ابوجهل حنظل *a.longa* زراوند دراز *a.mauroom* بشنو باور نکن - کلاغک *a.olivieri* بادنجان وحشی در خراسان و غیره در ایران در حوالی کوه‌های البرز یافت می‌شود که احتمال سمی بودن آنها زیاد است.<sup>۱</sup>

انگلیسی: *aristolochia indica linn , aristoloch indian birtwort*

در جنوب هند رویده می‌شود ساقه و بیخ آن به صورت دارو استعمال می‌شود  
 هندی: ایشارمول.

راجه‌نرگهتا آن را *rudrajata* گفته است نام سنسکریت آن ارکامولا یعنی بیخ نور دهنده نیز اشواری به معنای الهه سونندا به معنای فرصت دهنده سودهی اپاسیا به معنای ارزنده برای عبادت گفته‌اند.

این گیاه را مفتوح، مدر حیض، اسهال آور، رقیق و لطیف‌کننده مفید برای ورم مفاصل و التهاب روده برای کودکانی که دندان در می‌آورند توصیف کرده‌اند.

مسلمین آن را زراوند هندی نوشته‌اند و این بجای زراوند اصلی مصرف می‌شود: *aristolachia longa* پرتقالیهای قدیم که مقیم هند بودند آن را بنام: *raiz de cobra* نامیدند چون برای علاج مارگزیدگی استعمال می‌شود.

*rheede* اولین بار آن را بیان کرد که بوی زنجبیل دارد و آن را در روغن جوشانده برای علاج مارگزیده استعمال کرد از آن معجونی درست کرده برای تب، سردرد، قولنج، عسرولادت توصیف کرده‌اند، محلول آن را برای درد مفاصل بصورت استعمال خارجی مصرف می‌کنند، مسکن است و گرد آن با فلفل و آب گرم سیلان خون را می‌بندد و معلوم می‌شود که این گیاه *radix puloronica* است که آن را *rumphius* برای امراض روده و تب مفید گفته است.

انسلی از قول اطباءی تأمیل آن را برای کودکانی که در حال دندان در آوردن هستند و

دچار ناراحتی روده می‌باشند مفید گفته و برای سوء هاضمه مفید است، گاهی این گیاه به نام *talashrool livayr* نامیده شده است.

*loureiro* در باره این گیاه می‌گوید که: *fleming* گفته است که در منطقه شمال هند از آن به عنوان مدر حیض و درد مفاصل استعمال می‌کنند.

در بمبئی اکثراً در التهاب روده‌ها استعمال می‌شود.

زراوند: *aristolochia bracteata rets*

هندی: کرامار، گندهائی.

این گیاه را راجه نرگهتا به نام *dhumra patra* گفته است اطبای هندی آن را بجهت تلخ بودن به عنوان مسهل و کرم‌کش استعمال می‌کنند، برای معالجه ناراحتی روده کودکان، برگ آن را بر ناف می‌گذارند، برای علاج قولنج با روغن کرچک استعمال می‌کنند، برگ تازه یا گرد برگ خشک شده داروی ضد حشرات است *dr.hove* در سال ۱۷۸۷ گفته که: این گیاه تلخ است و عصاره‌ای غلیظ به رنگ زرد دارد آن را با شیر جوشانده در مرض سفلیس استعمال می‌کنند، مخلوط آن با تریاک در مرض سوزاک استعمال می‌شود، آن را کوبیده با روغن کرچک مخلوط کرده برای علاج مرض بر محل می‌گذارند در امراض رحم و حیض مفید است، در کتاب *dalzell gibson* گفته شده که زراوند برای معالجه تب مفید است دکتر *watt* می‌گوید که: زراوند برای علاج کوچک بودن رحم بسیار مفید است، این بوته یک ماده کهربایی بابوی بد دارد، همچنین دارای مقدار زیادی نمک و مقدار خاکستر آن بعد از خشک شدن در هوا ۱۷/۷۵ درصد می‌باشد.

زراوند گرد، *aristolochia rotunda linn* تمام بوته تند، تلخ و خوشبو است.

زراوند طویل، *aristolochia longa linn* مشابهت زیادی با *aristolochia*

*rotunda* دارد.

اطبای مسلمین آن را حل‌کننده، مدر، مدر حیض، کرم‌کش، مفتح و تریاق سموم گفته‌اند، اطبای ایرانی زراوند طویل را مؤنث زراوند *aristolochia longa* می‌گویند

میرمحمد حسین می‌گوید که در اصفهان آن را نخود الوندی می‌گویند آن را حل‌کننده محرک علاج امراض سینه، مسکن درد شکم و علاج امراض سر و یرقان و درد مفاصل گفته است، امروزه هم در اروپا این گیاه برای مصارف طبی جمع‌آوری می‌شود زراوند و طویل: یک بیخ برنگ سرخ مایل به سیاه است، این گیاه را در آفریقا شجره رستم در اسپانیا شجره مصدر، مسمقار، مسمقران، و در یونان: ارسطو و قسطولیطس می‌گویند. زراوند مدحرج، زراوند گرد، اصفهانی: نخود الوندی، نخود مریم، هندی: کچوره، انگلیسی: *rotunda*، مانند فندق گرد است از بیرون زرد و از داخل مایل به سرخی است!

گیاهی است از ردهٔ دولپه‌ای‌های بی‌گلبرگ که تیرهٔ خاصی، به نام تیره زراوندها را می‌سازد این تیره جزو تیره‌های نزدیک به اسفناجیان است. گل‌هایش ارخوانی یا صورتی و برگ‌هایش بی‌دندانه و ریز و ریشه‌اش کلفت و میوه‌اش کروی است ارسطولوخیا، زهرزمین<sup>۱</sup>. زراوند به فتح اول و رای مهمله و الف و فتح واو و سکون نون و دال مهمله اسم فارسی است به معنی ظرف طلا و وجه تسمیهٔ آن طلایی رنگ است و به عجمی اندلس مسمقوره و معرب نزد ایشان مسمقار و مسمقران است و نزد اهل مغرب به شجر رستم و به یونانی قلسطاطیس و ارسطولوخیا می‌نامند و معنی ارسطوفاضل و معنی لرخیا لفسناست، جهت آنکه نافع عسر ولادت و مدر حیض و منقی رحم و مقوی آن به حسب واجب است و آن دو قسم می‌باشد یکی طویل و آن نراست و دوم مدحرج و آن ماده است و مطلق آن زراوند طویل است<sup>۲</sup>.

زراوند، سراوند: نام زراوند نامی است قدیمی و بعد از این نام بعضی آن را ارسطن گفته‌اند که به معنی سرآمد است و کلمه لوخوس را بدان افزوده‌اند که به معنی زن تازه زائیده است و جملهٔ ارسطولوخوس بمعنی با فایده‌ترین دارو برای زن تازه زائیده است و از این گیاه نوعی دیگر هم هست که ماده است و گرد آن غلطان مدحرج می‌خوانند بویش

۲. فرهنگ معین، ج ۲، ص ۱۷۳۰.

۱. لاتانی لغات الادویه، ص ۱۲۹.

۳. محیط اعظم، ج ۲، ص ۸۸.

کمی تند و خوش برگش تا اندازه‌ای مستدیر و نرم است رشته‌های زیاد دارد و همه از یک بیخ برخاسته‌اند، نوعی دیگر از زراوند هست که آن را نر و مقابل غلتان ماده دانند و فطولندس خوانند این نوع دارای برگهایی است از برگ غلتان درازتر و شاخه‌هایش باریک و به اندازه یک وجب طول دارند و گل زراوند نر بنفش رنگ است.

### ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیب شیمیایی: در نوع هندی آن *a.indica* که مورد تجزیه و مطالعه قرار گرفته مواد زیر یافت می‌شود:

ریشه گیاه دارای یک ماده متبلور احتمالاً یک گلوکوزید و یک ماده عامل تلخ با طبیعت گلوکوزیدی به نام ایزوآریستولوچیک اسید و ماده آلانتوان و در حدود ۰/۰۵ درصد آلکالوئید، آریسترلوچین و اسانس روغنی فزازه، شامل ترکیبات کاربونیل و مقدار خیلی کمی روغنی با بوی ایزووانیلین که در حدود ۰/۵۲ درصد ریشه را تشکیل می‌دهد، می‌باشد.

### خواص و کاربرد:

زراوند و ریشه آن از نظر طبیعت طبق نظر حکمای طب سنتی گرم و خشک است و از نظر خواص معتقدند که: تریاق سموم نباتی و حیوانی است، از جمله برای سم مار کبری تریاق مؤثری است، باز کننده گرفتگی‌ها و انسداد مجاری عروق و مدّر است و قاعده آور، کرم کدو را می‌کشد و برای پاک کردن رحم و اخراج جنین بسیار مفید است، اگر با سکنجبین خورده شود برای طحال نافع است و اگر ۵ گرم آن با شراب عسلی خورده شود برای صرع و کزاز و ضعف احشا مفید است و به عنوان مسهل بلغم می‌باشد.<sup>۱</sup>

زداینده، لطافت بخش بازکننده، نازک کننده با کشش که خار و پیکانها را جذب

می نماید، نوع درازش در زدودن و گرمی بخشیدن دارای مقام اول است و از این روی در باز رویانیدن گوشت و بهبودی بخشیدن به قرحه تاثیرش از همه بیشتر است.

بهک را میزداید دندان را جلا می دهد چرک از دندان ببرد رنگ را رونق بخشد برای دندان غلتان از همه بهتر است.

زراوند را با عسل در گوش چکانند چرک گوش را پاک می کند و نمی گذارد دمل در گوش به وجود آید زراوند و فلفل که با هم باشند ریختنی های مغز را خارج می کند، داروی سکسکه است، همراه سکنجبین علاج طحال است<sup>۱</sup>.

ارجانی گوید: جمله انواع زراوند گرم و خشک است در سه درجه و قوت زراوند مدحرج، یعنی گرد بیش باشد از قوت زراوند طویل و آن زداینده است مرعضو را که به او برسد و اخلاط غلیظ را نیک گرداند و سده ها را بگشاید و مضرت نیش گزدم را دفع کند و خون حیض را از رحم براند و گوشت برویاند و بهق و گر را سود دارد و هر علت را که بواسطه آن پوست از اعضاء بخیزد منفعت کند و در کشیدن عضلات که آن را تشنج گویند مفید است و بن های دندان را محکم گرداند و دندانها را روشن کند و هر علت که ماده او سردی و تری بود منفعت کند و خار را از پوست بیرون آرد و ریشها را نیکو کند<sup>۲</sup>.

## \* زردآلو

مشخصات:

عربی: مشمش.

مهری: یرفوق.

رومی: اصاقو.

ترکی: اروک، اروق.

انگلیسی: apricot

و زردآلو خشک را در هندی و اردو: خوبایی.



در هندی: شاکر.

سانسکیریت: کهپانی، آکهاری.

فارسی: شکر بادام.

اهل کوه هند آن را هاری می‌گویند.

یونانی: ارمیناقن.

انگلیسی: dried apricot

لاتینی: preccoquo

مشمش یا زردآلو: بکسر دو میم و سکون دو شین معجمه یکی در میان آنها و دیگر در آخر است.

العلل: عن علی بن ابیطالب رضی الله عنه قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله ان نبياً من انبیاء الله بعثه الله عزوجل الی قومه فبقی فیهم اربعین سنة فلم یؤمنوا به فکان لهم عید فی کتیسة فاتبعهم ذلک النبی فقال لهم: آمنوا بالله قالوا له: ان کنت نبیاً فادع لنا الله أن یجیئنا بطعام علی لون ثیابنا و کانت ثیابهم صفراء، فجاء بخشبة یا بسة فدعا الله عزوجل علیها فاخضرت و أینعت و جاءت بالمشمش حملاً فاکلوا فکل من أکل و نوى أن یسلم علی ید ذلک النبی خرج ما فی جوف النوى من فیہ حلوا و من نوى أنه لا یسلم خرج ما فی جوف النوى من فیہ مرأً. در کتاب علل الشرایع صدوق از حضرت علی رضی الله عنه است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: یکی از انبیای خدا از طرف خدا بر قومش مبعوث شد و چهل سال در میان آنان ماند و آنان ایمان نیاوردند آنها در کنیه‌ای عید داشتند و پیغمبر نیز پشت سر آنان به آنجا آمد و گفت به خدا ایمان آورید. گفتند: اگر پیغمبری دعا کن خدا غذایی در رنگ لباس ما بیاورد و لباسشان زرد بود او دعا کرد یک تخته خشک آمد و دعا کرد سبز شد و میوه زردآلو آورد و آنان خوردند نیتش و هر کس خورد، نیت خوب داشت توی دانه آن شیرین شد و هر کس سالم نبود تلخ در آمد.

۱- لاتینی لغات الادویه، ص ۱۳۰.

۲- علل الشرایع، ج ۲، ص ۲۶۰؛ بحار، ج ۶۶ ص ۱۹۰.

زرد آلو: اسم فارسی است و خشک آن را خوبانی می‌گویند و به یونانی ارمیناقن و به لغت مصری برفوق و به رومی اصاقو و به ترکی اروک و اروق و به عربی مشمش نامند و آن ثمری است معروف و بهتر از خوخ و در بلاد سرد بهم می‌رسد و چندین نوع است با هسته شیرین و تلخ و هر یک به نامی مشهور و بهترین همه ارمنی و رسیده آن شیرین لطیف پوست هسته شیرین پر آب کم جرم آن است و خشک کرده آن بهتر از تازه آن است، مفتوح سدد و ملین صلابات و شیرین آن ملین طبع است و موافق گرم مزاجان مادام که در معده فاسد نگردد و آشامیدن آب مطبوخ یا نقوع خشک آن مسهل صفا است خوردن برگ خشک آن بقدر دو مثقال با آب سرد قاطع اسهال کهنه و قطور آب برگ تلخ آن مسکن درد گوش و قاتل کرم آن است، بولس گفته که برگ آن مثل برگ خوخ و قاتل کرم است، وقتی که سائیده برناف گذارند مؤثر است، گل آن سرد و خشک و مطلق آشامیدن و پاشیدن آن قاطع نزف الدم باطنی و ظاهری.<sup>۱</sup>

مزاج: در دوم گرم و تر است روغن هسته‌اش در سوم گرم و خشک است.

#### اندامان غذا:

کمپوت زرد آلو رفع تشنگی می‌کند، زرد آلو از شفتالو برای معده بهتر است، زرد آلو ارمنی بزودی در معده تباه نمی‌شود و نمی‌ترشد برای جلوگیری از زیان زرد آلو باید بعد از خوردنش انیسون و مصطکی را با شراب یا شراب مویز بخورند و سرد مزاجان با عسل خالص خورند خوب است.

#### اندامان دفعی:

هسته زرد آلو داروی بواسیر است. تبها: از آنجا که بزودی فاسد می‌شود تبها بدنبال دارد لیکن خوشاب زرد آلو خشکیده در تبهای گرم سودمند است.<sup>۲</sup>  
در بعضی مناطق کشمیر شمالی پاکستان منطقه‌ای به نام بلتستان زرد آلو زیاد کشت می‌شود که بیشتر محصولات آنجا زرد آلو هست و انواع مختلف دارد اقسام خوب آن را

۲- قانون در طب، ج ۲، ص ۲۶۹.

۱- محیط اعظم، ج ۲، ص ۹۱.

بعد از رسیدن خشک کرده و بعداً مصرف می نمایند و بعضی انواع درجه سوم آن را خشک کرده به حیوانات می دهند که در این انواع به رنگ زرد، زرد تند و سفید و زرد مایل به سرخ دیده می شود، از هسته نوع خوب آن روغن می گیرند و بطور خوراک آن را می خورند، مخصوصاً خوراک مخصوص چای سبز را می جوشانند بر آن شیر و نمک به مقدار نیاز اضافه می کنند و به طور خوراک با نان می خورند از روغن تلخ آن با فتیله چراغ استفاده می کنند، در جاهایی که نفت نیست یا کمیاب و گران باشد، گران است.

زردآلوی رسیده را در زبان بلتستانی پهرنگ می گویند و اسامی مختلف دارد که نوع خوب آن را حلمان می گویند.

در ایران گونه های مختلف به عمل می آید مانند قیسی، کمالی، ترقش و...  
به فارسی انواع آن را زردآلو، شکر پاره، قیسی و در کردستان مشمش نامند و خشک کرده آن را برگه زردآلو و برگه قیسی و خوبانی گویند و در کتب طب سنتی قدیم با نام مشمش آمده است.

میوه درختی است که درخت آن را به فرانسوی: *abricotier*

و به انگلیسی: *aprcot* گویند.

گیاهی است از خانواده: *rosaceae*

درخت زردآلو به بلندی ۴-۶ متر با تاج کردی است پوست تنه آن در جوانی ظریف به رنگ سبز مایل به قهوه ای پس از آن در سنین پیری و در درختان کهن به رنگ مایل به قرمز در آمده و ترکهای محسوسی می خورند برگهای آن ساده قلبی شکل لیز به رنگ سبز درخشان و زیبا که کناره آن دندانه دار است و دمبرگ درازی دارد، گلهای آن در اوایل بهار به رنگ سفید یا صورتی بدون دم گل به طور منفرد یا دوتایی ظاهر می شود، میوه آنکه در گونه های وحشی کوچک است در انواع پرورش یافته نسبتاً درشت، خوش طعم، شیرین، کروی شکل کمی تخم مرغی و گوشت آن به رنگ زرد روشن و در داخل آن هسته ای قرار دارد که دارای پوست سخت خشبی ولی برخلاف هلو صاف و معمولاً در اغلب ارقام به گوشت نمی چسبد.

### ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی در مغز هسته زردآلو وجود روغن چوب و روغن اتری یا اتریال اوئل و چند آنزیم و آمیگدالین گزارش شده است و در میوه زردآلو لیکوپن و آکما- کاروتن و ویتامین A یافت می شود G.I.M.P.

در سند و گزارش علمی دیگری آمده است که در مغز هسته زردآلو، روغن چرب و پروتئین، قند آرابینوز، خاکستر، اسانس روغن فترار، آمیگدالوزید، امولسین، لاکتاز سلویاز و ویتامین A و C وجود دارد.

در هر یک صد گرم گوشت شیرین زردآلو مواد زیر وجود دارد:

آب ۸۵ گرم، هیدراتهای کربن ۱۲ گرم، پروتئین ۱ گرم، خاکستر ۰/۷ گرم، کلسیم ۱۷ میلیگرم، فسفر ۲۳ میلیگرم، آهن ۰/۵ میلیگرم، سدیم ۱ میلیگرم، پتاسیم ۲۸۱ میلیگرم، ویتامین A ۲۷۰۰ واحد بین المللی، ویتامین C ۱۰ میلیگرم، تیامین ۰/۳ میلیگرم، رایبوفلاوین ۰/۴ میلیگرم، نیاسین ۰/۶ میلیگرم و مقدار زیادی منیزیم.

### خواص و کاربرد:

کاربرد زردآلو در مناطق خاور دور طبق آنچه که در مدارک علمی طب سنتی منتشره در مغرب زمین آمده است: که از مغز هسته آن به عنوان داروی سینه و معالجه خشکی حلق و گلو استفاده می شود و برای بیماریهای ورم حنجره (لارنژیت) و بیماریهای ریه و آبسه ها به کار می رود، در چین و ژاپن به عنوان تصفیه کننده خون و ضد سرفه، مسکن ناراحتیهای مرکز تنفسی و مقوی و ضد تشنج و برای سرما خوردگیهای سخت و آسمهای برونشیتی، رماتیسم، وزمهای پا و بیوست تجویز می شود. جوشانده برگ پخته زردآلو اشتها آور است، روغنی که از مغز هسته آن گرفته می شود به ترکیبات دارویی ضد سرفه اضافه می شود.

زردآلو از نظر طبیعت طبق نظر حکمای طب سنتی سرد و تر است و شیرین آن کمی گرم می باشد، از نظر خواص آن باز کننده گرفتگیهای مجاری عروق و نرم کننده سفتی ها

می باشد، زردآلوی شیرین ملین مزاج است و برای گرم مزاجان مفید است و موجب رفع بدبویی دهان می شود خوردن آب پخته یا خیس کرده برگه آن مسهل صفرا و ملین مزاج است تشنگی و غلیان خون و صفرا و التهاب معده را فرو می نشاند.

#### مقدار خوراک:

مقدار آن تا ۱۵ گرم و روغن مغز شیرین آن ضعیف تر از تلخ آن است خوردن مغز تلخ هسته زردآلو ممکن است ایجاد مسمومیت نموده و باعث آشفستگی شود و علاج آن قی کردن آن است و با خوردن ربهای میوه های ترش رفع می شود.

برگ و شکوفه زردآلو از نظر طبیعت سرد و خشک است و خوردن دم کرده برگ آن دافع کرم معده و مدر است و ریختن آن روی ورمها موجب تحلیل ورمها می شود، اگر برگ خشک آن به قدر ۱۰ گرم با آب سرد خورده شود اسهال را قطع می کند و بند می آورد و اگر چند قطره از آب برگ آن در گوش ریخته شود، مسکن درد گوش است.<sup>۱</sup> پتاسیم زردآلو با اسیدهای موجود در آن ترکیب شده موجب لینت مزاج و فعالیت کلیه ها می گردد این اسیدها عبارتند از: اسیدمالیک، اسیدسیتریک، اسیدتارتریک و غیر اینها. اسیدهای زردآلو، پس از سوخت در بدن تولید کربناتهای قلیایی می نمایند و بدین ترتیب قلیائیت بدن را زیاد می کنند و چون پتاسیم در زردآلو بیشتر از سدیم می باشد این قلیائیت بدن بیشتر متوجه سلولهای بدن می شود.

در صورتی که بی کربنات دوسدیم (نمک طعام) قلیائیت فعالیت بدن را زیاد می کند و در نتیجه فعل و انفعالات فوق است که زردآلو در مبتلایان به فشارخون و زیادی اوره و گوشتخواران بسیار نافع بوده و در رفع بیماری آن اثر نیکویی دارد. سلول در زردآلو به مقدار زیاد یافت می شود و تقریباً ۰.۵٪ زردآلو را تشکیل می دهد.

باید دانست خاصیت مدری که در زردآلو است یک عمل شستشویی را انجام داده و

موجب رفع سموم بدن می شود.<sup>۱</sup> در تقویت استخوانها و نسوج اهمیت زیادی دارد.<sup>۲</sup> زردآلو بسیار مغذی و مقوی است و دارنده مقدار زیادی ویتامین A و ویتامین B و در سازمان استخوان و نمو انساج مؤثر است و لذا برای رشد کودکان نافع می باشد، برای نوزادان باید زردآلوی بسیار رسیده نرم را له کرده و شیره آن را با آب مخلوط کرد و ابتدا اندکی داد و بتدریج افزود.

زردآلو برای کسانی که ضعیف اعصاب و کم خونی دارند مفید است، صد گرم زردآلو ۶۰ کالری حرارت ایجاد می نماید. اصل آن را از چین و بعضی از ارمنستان دانسته اند. زردآلوی مخصوص (قیصی) میوه بسیار خوبی است و زردآلوی سن دومینیک بزرگتر از زردآلوی معمولی و هسته بزرگتر و خام و به صورت مربا نیز مصرف می شود. خوردن زردآلو به کسانی که مطالعات عمیق دارند توصیه می شود. خوردن زردآلویی که کاملاً نرسیده برای معده زیان دارد و مبتلایان به زخمهای معده و اثنی عشر را ضرر شدیدی می رساند و در نارساییهای کبد نیز باید از زیاد خوردنش پرهیز نمود. زردآلوی تازه برای اسهال مفید است و خیس شده برگه آن جهت یبوست نافع است. چکاندن چند قطره روغن هسته زردآلو صبح ها در گوش، صدا و وزوز آن را برطرف می سازد و توصیه شده است. زردآلو نفاخ است و خوردن هسته زردآلوی شیرین نفخ مذکور را برطرف می سازد. هسته های تلخ و سمی را نیز چند مرتبه در آب نمک خیس کرده هر دفعه آب آن را بریزند مسمومیت و تلخی اش از بین می رود.

### زردآلو از رازی:

در بدن تبرید می کند و سبب آروغ ترش می گردد صفرا و خون را قمع می نماید، بخصوص اگر در آن رگه تلخی باشد، برای طبایع گرم سازگار است و بخارات حاصل از حرارت معده را نابود می کند و کسانی که از خوردن آن در بدنشان باد زیاد تولید می شود یا زیاد آروغ ترش می زنند باید از آن پرهیز نمایند و اگر خوردند کمی نانخواه با آن

بخورند.

کسانی که دارای معده گرم هستند و آروغ دودی شکل دارند و تشنگی ایشان دائمی است، بسیار اوقات از خوردن آن سود می‌برند، خاصه در روزهای سخت و رنج و تعب کار و روزهای گرم‌زدگی و هنگامی که عطش فراوان دارند ولی روی آن آب برف نباید بنوشند دیگران هم نباید آب برف روی زردآلو بخورند.

### \* زردالان

چوب پاره‌ها باشد از شاخ و بیخ او به هم آمیخته و ذکر او در قسم اول گفته‌اند اما ذکر خواص او تکرده‌اند.

### \* زردالان

مشخصات:

به فارسی: زردان و زردان خاردار و در کتب مختلف حشیشه الخنازیر نیز آمده است.

فرانسوی: Lampourde علف خنازیر

انگلیسی: Burweed

گونه‌ای از آن را: cockle bur

از خانواده: compositae

گیاهی است یکساله برگهای آن پهن، بدون تیغ، صفحه بزرگ به ۵ - ۳ قسمت تقسیم شده و تقریباً به شکل پیکانی درآمده است، هر قسمت مثلثی شکل نوک تیز و دندانه‌دار است میوه آن فندقه تخم مرغی دراز به طول ۱/۵ - ۱ سانتی‌متر است این گیاه در مناطق مختلف آسیا و اروپا و بخصوص در هند و ایران و میلان دیده می‌شود، در ایران در خراسان، منطقه تهران، بلوچستان، بخش آچاری در ساین قلعه، آذربایجان، اراضی

باتلاقی خشک شده گل بندرگز و حاشیه سفیدرود رودبار، راه بین رشت و فومن دیده می شود.

### ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی در روغن چربی که که در دانه گیاه وجود دارد اولئیک اسید، لینولئیک اسید، رزین، ویتامین C، گلیکوزیدی به نام گزاتتواسترو مارین یافت می شود.

### خواص و کاربرد:

در کشور کره میوه های آن برای معالجه سرماخوردگی و رماتیسم و در استعمال خارجی برای ناراحتیهای پوستی خنازیر و جرب و خارش تجویز می شود. در چین از روزگاران کهن این دارو مورد توجه بوده و برای آن خواص تونیک، ضد خنازیر، ضد رماتیسم، ضد تب مالاریا و مدری قائل بودند. در اسناد و مدارک عصر جدید طب گیاهی چین به عنوان معرق، مسکن و آرام بخش، ضد تشنج و افزایش دهنده ترشحات بدن تجویز می شود به علاوه این دارو برای معالجه آماس مخاط بینی ناشی از آلرژی، فلج های عضله ای یا بی حسی عضله، استسقاء و همچنین برای معالجه رماتیسم و آرتروز، تبهای مالاریایی و کبیرهای خیلی خارشدار، ناشی از نوعی آلرژی، مصرف می شود، از ضماد تخم خیسانده میوه گیاه برای معالجه دانه های قرمز روی صورت استفاده می شود.

در روزگاران کهن این گیاه را در الکل خیسانده و به صورت تنطور برای رنگ کردن موی سر به رنگ زرد و بلوند استفاده می کردند از جوشانده ۱۰۰ - ۷۰ گرم گیاه در هزار گرم آب نیز برای شستن و رنگ کردن موی سر استفاده می شود. ضد خنازیر و مدر است و برای رفع ناراحتیهای پوست و التیام زخم و جراحی به کار می رود.<sup>۱</sup>



## \* زردچوبه

### مشخصات:

عربی: عروق الصفرة، عروق الصباغین، بقلة الخطاطیف، هرو.

فارسی: زردچوبه.

یونانی: فالیدونیون، طوباغا.

رومی: کالیدونیون، بعضی اسم سریانی آن را کرکم گفته‌اند.

سانسکرت: هرورا، نشاهد، یوتی، کانچینی، چهندا، گوری.

هندی: هلدی، سنگهای، گویند.

انگلیسی: turmaric.

لاتینی: cutcuma longa

یک نوع پیخ است، نبات آن مقدار دو دست بلند می‌شود، از پیخ آن شاخهای زیاد در می‌آید گل آن زرد است.

تخم‌های آن سیاه‌رنگ و کوچک هستند زرد مایل به سیاهی که با آن مخلوط است و سمی، باید آن را جدا کرده استعمال نشود.<sup>۱</sup>

فرانسه: safrandes indes, curcuma

آلمانی: gelbwurzel, kurkume

ایتالیایی: curcuma lunga, curcuma

فارسی: زردچوبه.

عربی: هرد hurd عقید هندی کرکم.

گیاهی علفی، پایا یک تا یک و نیم متر است، تکثیر آن مانند زنجبیل از طریق کاشتن قطعات ریزوم جوانه‌دار گیاه صورت می‌گیرد.

زردچوبه گیاهی است پایا، بومی نواحی شرقی شبه قاره هند و مناطق حاره جنوبی

۱. لاتینی لغات الادویه، ص ۲۸۱.

آسیا ارتفاع گیاه تا ۱/۵ متر می‌رسد، دازای ساقه زمینی متورم است که از آن چندین ساقه هوایی بیرون می‌آید، برگهای آن سبز روشن، شبیه برگ موزه به دازای ۱/۵ متر که در قسمت پایین ساقه بدون دمبرگ و در قسمت بالا برگهای کامل دیده می‌شود و ساقه گلدار آن از بین برگها خارج می‌شود، گلهای آن مجتمع و سنبله به رنگ زرد و تخم آن خیلی ریز و سیاه رنگ است و اغلب تخمها بدون نطفه و عقیم هستند، تکثیر آن از طریق کاشت قطعاتی از ساقه زیر زمینی سال رویش قبل یا ساقه هوایی ریشه‌دار آن می‌باشد. زردچوبه بیخ نباتی می‌باشد زرد رنگ تازه آن بدمزه و بدبو و بعد از سه تا چهار ماه نیکو می‌گردد، گویند: در میان آن بندرت بعضی دانه‌های آن سمی می‌شود که آن سخت‌تر و مائل به تیرگی می‌باشد.

زردچوبه را به چندین نام نوشته‌اند: زعفران هندی، ریشه زعفران و عروق‌الصفراء، عروق‌الصباغین هم می‌گویند که مشهورترین آن زردچوبه است. زادگاه اولیه او هند است و در چین و بعضی از کشورهای دیگر هم می‌روید.

### مزاج:

مزاج آن گرم و خشک در سوم است. زردچوبه بازکننده سدد جگر و نافع استسقا و مالیدن آن با سرکه برای جرب مفید می‌باشد، زخم را خشک و ورم را برطرف گرداند. عصاره آن اگر بر آتش پخته تا نصف بماند و بدان سرمه نمایند دید چشم را قوی گرداند و خارش و سفیدی چشم را منفعت بخشد جویدن آن دندانها را تیز و رفع درد آن کند مخصوصاً اگر زردچوبه را اندکی گرم کنند مالیدن آب گل آن بهق و کلف را از بین ببرد زردچوبه برای قلب بسیار ضرر دارد و مصلح آن آب لیمو و ترنج است، خوراک آن از یک تا دو درم است و بدلش فوة الصبغ و نیم وزن آن در امراض چشم مامیران و امراض دیگر نیم وزن آن عاقرقرحا است.<sup>۱</sup>

۱- محیط اعظم، ج ۲، ص ۹۰؛ تحفة حکیم، ص ۱۸۱؛ فرابادین کبیر- ص ۲۸۸؛ قانون در طب- ج ۲، ص ۲۶۵.

### ترکیبات شیمیایی:

زردچوبه دارای اسانس مرکب از اسیدهای والزینیک و کاپروئیک همچنین فلاندرن راست به مقدار یک درصد سابی نن sabinene سینتول یک درصد بورنشول به مقدار یک درصد نوعی الکل به نام تورمرول turmerol به علاوه دارای ستنی به نام کورکومون curcumone ایزومر الکل مذکور یک ماده رزینی زرد رنگ و یک ماده نارنجی زرد قابل تبلور به نام کورکومین curcumine است کورکومین به فرمول  $C^{21}H^{20}O^6$  است.

از نظر ترکیبات شیمیایی در گزارش یکی از بررسیهای شیمیایی این گیاه چنین آمده است که در زردچوبه به گونه c. longa وجود کورکومین، تورمرول زینجی برون و اسانس روغنی و تورمرول فلاندرن کارون، کامفور، کورکومون چربی، نشاسته، رزین و ماده رنگی کورکومین در ساقه زیر زمین آن تأیید شده است.

### خواص درمانی:

با آنکه در هندوستان برای درمان بیماریهای کبدی به کار می رود، ولی اثر آن از این نظر هنوز مورد تأیید قرار نگرفته است.

به عنوان محرک اعمال هضم، همراه با ادویه دیگر، بخصوص در مناطق حاره مصرف می شود، دارای اثر مقوی اعمال روده و بادشکن است، سابقاً از آن برای رنگ کردن بعضی پمادها استفاده به عمل می آمده است.

از c. zanthorrhiza rosc, curcuma domestica val نیز در برخی نواحی مخصوصاً در مالزی جهت دفع سنگهای صفراوی و همچنین تقویت اعمال کبد استفاده به عمل می آید.

c. amada roxb در بنگال و مالایار می روید ریزوم آن اشتهای آور مقوی باه و ملین است در رفع خارش و درمان بیماریهای پوستی مورد استفاده قرار می گیرد، به علاوه دارای اثر خلط آور است.

بیشتر از گیاهان مذکور در ایران نمی رویند.

گیاهی علفی و پایا (*amomum curcuma* (u)) از تیره زنجبیلی ها جزو راسته تک لپه ایها. این گیاه دارای ساقه زیرزمینی متورمی است که یک ساقه هوایی از آن خارج می شود، قسمت مورد استفاده این گیاه ریزوم آن است که پس از خارج کردن از زمین ریشه های آن را جدا ساخته و با آب می شویند، سپس در آب جوش قرار داده، در گرمای خورشید به مدت چند روز خشک می کنند.<sup>۱</sup>

دانشمندان و شیمی دانان ثابت نمودند که در زردچوبه چندین اسانس و مواد سودمند جمع شده زردچوبه عامل درمان کیسه صفرا و ناراحتیهای کبدی است محرک دستگاه گوارش بوده غذا را رنگین و معطر می نماید، مضمضه جوشانده زردچوبه جهت درد دندان مفید است مقوی معده و یادشکن می باشد. زردچوبه دارای نشاسته، یک روغن فرار که خاصیت تشعشع دارد، مواد رزینی و یک ماده رنگی و چندین ترکیب دیگر هست. ادرار را زیاد می کند و اشتها آور است، زردچوبه نیز شفاف کننده چشم و درمان استسقا و یرقان است.

بهترین انواع زردچوبه تازه، خوشرنگ، کم، ریشه آن است، طبیعت زردچوبه گرم و خشک است، خشک کننده زخم و رافع درد و ورم آنهاست.<sup>۲</sup>

نیز در کتب طب سنتی با نامهای عروق الصفرا، حشیشة الصفرا، عروق الزعفران و عروق الصباغین نام برده شده به عربی بقلة الخطاطیف گویند.

خطاف پرستو است و این پرنده بسیار تیز بین است و سبب آن را این می دانند که از گیاه زردچوبه می خورد، زیرا زردچوبه برای افزایش دید چشم مؤثر است به همین دلیل یکی از نامهای زردچوبه را بقلة الخطاطیف گذارده اند.

در برخی کتب طب سنتی، از جمله در تحفه، مامیران را نوع صغیر گیاه زردچوبه می دانند و بنا به دلیل فوق چون گیاه مامیران نیز برای چشم مفید است نام آن را حشیشة الخطاف گذارده اند.

۱- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۲، ص ۱۷۳۲.

۲- مجموعه طب سنتی و گیاهی، ص ۱۹۳.

زردچوبه طبق نظر حکمای طب سنتی گرم و خشک است و از نظر خواص معتقدند که گرفتگی‌ها و انسداد کبد را باز می‌کند و اگر ۴ گرم آن با ۴ گرم انیسون و سرکه رقیق مخلوط کرده بیاشامند برای استسقاء و یرقان نافع است، جویدن آن در دهان برای تسکین درد دندان مفید است، بویژه اگر کمی تفت داده شود و گرم خاییده شود ذرات گرد آن برای خشک کردن زخمها و رفع درد و ورم آنها مفید است، زردچوبه مضر قلب است و برای رفع عوارض آن باید از آب لیمو ترش و اترج استفاده نمود، مقدار خوراکی آن تا ۷ گرم است.

ساقه زیرزمینی زردچوبه از نظر دارویی برای تقویت معده و به عنوان محرک و بادشکن و برای بند آوردن خونریزی از هر نوع مصرف می‌شود و داروی مؤثری برای انواعی از یرقان و اختلالات کبدی می‌باشد.<sup>۱</sup>

زردچوبه بادشکن، محرک جهاز هاضمه، ضد استسقاء و نفخ است، در هند زردچوبه به حدی مقدس است که در بسیاری از مراسم مذهبی حضور آن واجب است، چون هندوان گاهی موقع عبادت تمام تن خود را با زردچوبه می‌پوشانند و با این وضع نیمه عریان در فضای آزاد به عبادت می‌پردازند.

ضماد زردچوبه در بعضی بیماریهای پوستی اثر معجزه آسا دارد.

پاشیدن گرد زردچوبه روی محلی که خون از آن خارج می‌شود همان اثر را دارد که تنطوری دارد، یعنی: خون را بند می‌آورد.<sup>۲</sup>

زردچوبه زخمها را خشک کند و اگر با انیسون بچوند درد دندان که از سردی باشد را از بین ببرد، سعه و گر و جرب یابس را منفعتم کند.<sup>۳</sup>

مسواک کردن با گرد زردچوبه درد دندان را تخفیف می‌دهد.

۱- معارف گیاهی، ج ۲، ص ۳۳۷-۳۳۵.

۲- خواص میوه‌ها و خوراکیها داروهای گیاهی، ص ۱۰۱.

۳- الالبیه عن حقایق الادویه، ص ۲۳۴.

## \* زرشک

## مشخصات:

دو نوع است: نوعی زرشک جلگه‌ای که گرد و سرخ رنگ است. دیگری زرشک ریگی یا کوهی که سیاه رنگ و مستطیل می‌باشد و سیاه از سرخ قویتر است.

میوه زرشک به دو نوع کلی بی هسته و با هسته تقسیم می‌شود، نوع بی هسته آن معروف به زرشک پلوئی و نوع هسته‌دار آن جهت تهیه آب زرشک و شربت زرشک به کار می‌رود. زرشک دارای قند، اسیدمالیک، اسیدتارتریک است و شربت آن به عنوان ضد صفرا و مدر به کار می‌رود، زرشک سرشار از ویتامین C است به طوری که هر ۱۰۰ گرم آن ۲۰۰ میلی‌گرم ویتامین C دارد ضمناً ۲۳۰ واحد ویتامین A و ۶۰ میلی‌گرم کلسیم، ۱/۱ میلی‌گرم آهن و ۳۷۲ میلی‌گرم پتاسیم دارد.<sup>۱</sup>

یک نوع آن زمینی بوده و دارای گل‌های قرمز رنگ که اغلب برای زینت باغها کاشته می‌شود. این گیاه میزبان زنگ غله بوده و اغلب اگر در کنار مزارع غله کاری باشد باید کنده و محو گردد.

## روایت از جابر بن حیان:

زرشک ضد خونریزی و ضد مرفین تریاک است، این گیاه اشتها آور و در عین حال که ملین است ضد اسهال هم است.

آن اسم فارسی است و به فارسی زارج و زرمگ نیز می‌گویند. و به عربی امبرباریس و امبرباریس می‌نامند و آن میوه درخت خاردار است که خارهای آن مثلث، یعنی هر جا که خار رسته سه خار یکجا با هم رسته و برگ آن سبز مایل به سیاهی و شبیه به برگ یاسمین و بزرگتر و باریکتر از آن است و گل آن زرد مایل به سفیدی و سرهای آن مجتمع و بزرگی درخت آن به قدر دو تا سه قامت و قریب به درخت سیب صحرائی نیز می‌باشد

۱- بهداشت تغذیه، (خوردها و درمان با غذا)، ص ۴۶۱.

و میوه آن مدور و سرخ رنگ و محل زویدن آن بیشتر کوهستانها و دامنه کوه نزدیک به آب و در خراسان و شیروان و اطراف شیراز و شام و روم و اندلس و غیره می باشد. میوه آن خوشه داز کوچک و طولانی و در خامی سبز و بعد از رسیدن سرخ مائل به کبودی یا سیاه می گردد و هنگام رسیدن آن تابستان است. زرشک حافظ صحت و از بین برنده صفرا و مسکن حدت آن و نافع جوش خون و ضماد آن با خاصیت نافع اورام چاره، و چون زرشک را در گلاب تر کنند و داخل چشم چکانند رطوبت آن را خشک می نماید و بقایای رمد کهنه را نفع کند.<sup>۱</sup>

#### ترکیبات شیمیایی:

در ریشه و پوست و برگ این نبات ماده الکلوتیدی وجود دارد، به نام بربرین که به شکل کریستال های زرد رنگ سوزنی شکل است. در آب گرم و الکل حل می شود. زرشک درختی است معروف که در می ریزند و به عربی انبرباریس خوانند و بعضی گویند انبرباریس درخت زرشک و حب الانبرباریس زرشک باشد و نام گلی هم هست، خوشبوی از گل های هندوستان.<sup>۲</sup>

جوشانده ریشه زرشک مسهل ولی برگ و دانه اش قابض است. از جوشانده ریشه آن با شیرین بیان مومیایی تهیه می شود که مالیدن و خوراک آن نافع درد پا و کمر و ضرب دیدگی می باشد. (برای کمر درد با آب تره و برای ضرب دیدگی با آب مالیده می شود).<sup>۳</sup> مزاج: سرد و در آخر سوم خشک است.

اندامان غذا: معده و کبد را نیرو دهد و در رفع تشنگی بسیار نافع است.

#### اندامان دفعی:

شکم را بند می آورد، از خراش روده جلوگیری می کند، نوشیدنش برای قطع سیلان رطوبتهای مزمن رحم بسیار مؤثر است.

۱- محیط اعظم، ج ۲، ص ۹۳؛ ابن الیطار، ج ۳، ص ۱۶۱؛ قرابادین کبیر، ص ۸۸.

۲- برهان قاطع، ج ۱، ص ۶۳۶. ۳- حکیم اسنندیاری.

اگر زن باردار چوب زرشک را سه بار به شکم بزند، یا شکم را با زرشک بیندد سقط جنین می‌کند. از خونریزیهای زیرین جلوگیری می‌نماید.<sup>۱</sup>

گیاهی است از ردهٔ دولپه‌ایهای جداگلیبرگ که تیرهٔ مخصوصی، به نام تیرهٔ زرشکیان را به وجود می‌آورد. زرشک، معمولی درختچه‌ای است به ارتفاع ۲ تا ۳ متر که معمولاً در حاشیهٔ جنگلهای غالب نقاط اروپا و ایران می‌روید، ریشه و برگ و میوهٔ آن به مصارف دارویی می‌رسد.<sup>۲</sup>

رنگ زرشک سرخ بنفش مایل به سیاهی است، مقدار خوراک آن تا ۱۲ گرم. نافع جوش و سیلان خون و بواسیر و ضعف کبد می‌باشد، مقوی جگر است، با آب افستین مقوی معده است.<sup>۳</sup>

کتاب همدرد اسم طبی آن را BERBERIS- ARISTATA نوشته است و آن را در نسخه‌های مقوی معده و جگر با داروهای مفید استعمال کرده، برای قی و اشتها آوردن خوراک استعمال کرده، در بعضی نسخه‌های مقوی قلب مسکن اعصاب، اسهال و برای کرم شکم استعمال نموده است. نسخه‌ای به نام جوارش فواکه برای قوت قلب و اعصاب و جگر، زرشک را با بادرنجوبیه، دارچین، رب گلابی کوهی، رب انار ترش، رب انار شیرین، رب غوره، سماق، شکر، مصطکی، روغن، جوهر لیمو ترش مخلوط کرده استفاده کرده است. نیز در بعضی نسخه‌های تصفیهٔ خون و اسهال استفاده شده است و نیز با انار دانه و سماق و گشنیز و نمک دریایی، مخلوط شده برای سوء هضم و جلوگیری از قی و اشتها آوردن استفاده شده و کتاب همدرد این نسخه را از شیخ الرئیس نقل کرده است و نیز قرصی به نام قرص زرشک برای امراض جگر و معده بیان کرده و بیشتر نسخه‌های مفرحات، مسکنات و مقویات و مضمی خون زرشک را شامل کرده است.<sup>۴</sup>

زرشک میوهٔ درخت خاردار می‌باشد و ساق آن را دارهلد می‌گویند و

۱- قانون در طب، ابوعلی سینا ج ۲، ص ۶۸.

۲- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۲، ص ۱۷۳۴.

۳- بستان المفردات، ص ۱۵۸.

۴- همدرد انگلیسی، صفحات ۲۹۸ - ۲۹۵ - ۲۹۴ - ۲۹۳ - ۲۱۲ - ۱۸۲ - ۱۶۵ - ۱۵۸ - ۱۳۱ - ۱۳۰ - ۸۵ - ۸۸ -



میوه آن را زرشک و بعضی ها میوه آن را کشمل، و حضض، عصاره ساق شیطرح می باشد که آن را در هندی رسوت می گویند. رنگ زرشک سرخ، ذائقه ترش و شیرین، مزاج سرد و خشک، مقدار خوراک از ۳ تا ۵ گرم.

### خواص درمانی:

شراب میوه آن دارای مزه ترش و اثر قابضی دارد و برای بیماران تب دار و مخلوط آن با ژولب جهت ضد عفونی و دفع کرم مفید است. از ریشه و پوست و ساقه آن جهت دفع یرقان و برای معالجه امراض صفراوی استفاده می شود.

شریت آنکه آب زرشک باشد و با هم وزن آن آب سیب که با آب لیمو و شکر قوام آورند جهت دفع سموم قتاله و گزیدگی مار و خفقان و غش و ضعف اشتها مفید است. دانه زرشک مقوی معده و قلب و کبد و برای رفع تشنگی مفید است و موجب غلیان خون است با داروهای گرم مانند زنجبیل و فلفل و دارچین مقوی کبد و دافع اسهال و رافع ضعف جگر است. با زعفران جهت صلابت جگر مفید و مخلوط آن با افستین جهت تقویت هاضمه مفید است.

طبیخ پوست ریشه زرشک مقوی جگر و جهت درد جگر مفید است و برای کرم جگر گوسفند که معمولاً کیلک گفته می شود نافع است. مضمضه با طبخ آن برای تقویت لثه و درد دندان مفید است. حقنه یا تنقیه آن چرک و زخم معده را التیام می دهد و علاج می سازد. صفرا را می شکند، عطش و گرمی معده را دور می کند، خفقان گرم و ضعف اشتها را مفید است.<sup>۱</sup>

میوه زرشک سرخ مایل به سیاهی و چوب درخت آن دارهلد و عصاره آن رسوت می باشد، مزاج: سرد و خشک ۲ درجه، معده و جگر را تسکین می دهد، در تبهای صفراوی عطش را ساکن می کند، برای جلوگیری از قی صاف کرده آن را همراه با آب می خورند.

در صلابت جگر یا زعفران و با غذا هم می خورند. نفع خاص: نافع امراض صفراوی،

مضر برای مزاج بلغمی، مصلح آن شکر یا میخک، بدلش: زراوند و صندل سفید است.<sup>۱</sup>  
شربت آن در برکندن صفرا بسیار مؤثر است.

این میوه دارای ترشی مخصوصی است، شبیه آنچه در سیب ترش دیده می‌شود و به علاوه دارای قند و چندین ترشی دیگر است، ریشه درخت زرشک به علت داشتن ترکیبی به نام بری سرین دارای اثر مسهلی بوده و ضد تب می‌باشد و برای ترک تریاک مفید است.

برگهای درخت زرشک دارای مقداری زیاد ویتامین C بوده و درمان رقیق شدن خون است، آب زرشک بسیار خنک است و صفرا بر و مسکن تشنگی است و حرارت معده و جگر را فرو می‌نشانند. برای باز کردن درمان استسقا و سردی معده و معالجه اسهال که از ضعف جگر یا به سبب زیادی بلغم باشد، نافع است، جهت تقویت هاضمه یا زعفران تجویز می‌شود.

جهت بزرگی کبد و سختی ادرار توصیه می‌شود، از رنگ قرمز زرشک در رنگرزی استفاده می‌شود. و چون آب زرشک با آب سیب به مقداری مساوی مخلوط کرده و معادل نصف آب زرشک آب لیمو اضافه کرده و به آن مقداری شکر افزوده و به قوام آورند تا بسته شود معجونی به دست می‌آید که پادزهر سموم، مخصوصاً ضد سم افعی است و تریاق کبیر را نیز به همین دستور درست می‌کردند و به آن مقداری مروارید محلول در آب ترش ترنج می‌افزودند.

این معجون علاوه بر خاصیت پادزهری که دارد، درمان تنگی نفس و غش بوده، غم و غصه و بی‌اشتهایی را از بین می‌برد. دانه‌های زرشک به تنهایی یا مخلوط با ادویه مناسب جهت زخم معده و دل درد و اسهال تجویز شده است. برای معالجه کسانی که با تریاک مسموم شده‌اند معمولاً جوشانده‌ای از ریشه درخت زرشک استفاده می‌کنند.

به خانمهایی که دوره یائسگی آنها نزدیک است یا اختلالات رحمی دارند توصیه کنید که از خوردن زرشک غفلت نکنند.<sup>۲</sup>

دمل و جوش: ضمادش را بر دملهای گرم گذاشتن بسیار مفید است.

۱- مخزن المفردات، ص ۲۰۷.

۲- مجموعه طب سنتی و گیاهی، ۲۱۴-۲۱۵.

## \* زرنب

مشخصات:

عربی: رجل الجراد.

یونانی: دارکیسه ماقو.

سنسکریت: تالیس دهاتری پتر، شکورد رپتر، گوتهاتکاپتر.

لاتین: TAXIS BACCATA

انگلیسی: HIMALAYN

برگ یک درخت بزرگ است که بلند و خوشبو است و برای دارو استعمال می شود.<sup>۱</sup>

هندی: تالیسپتر

فارسی: سرو ترکستانی

درختی خوشبو و همیشه سبز است. بوی آن مشابه بوی زعفران و برگش شبیه بید دراز و بیضوی است ولی نوک ندارد. رنگش سبز مایل به زرده، ذائقه: تلخ و خوشبو، مزاج: گرم و خشک در درجه دوم، مقدار خوراک: از ۱ تا ۳ گرم.

روایت از جابر بن حیان:

زرنب، سرخدار، رجل الجراد: زرنب بر وزن ارنب آن را رجل الجراد می گویند. به سبب مشابهت آن با پای ملخ و به فارسی سرو ترکستانی و به هندی برهمی و برنیهی و برج و درخت آن را تالیس و برگ آن را که زرنب است تالیسپتر گویند.<sup>۲</sup>

درختی است بزرگ که در بلاد شام نزدیک کوه لبنان می روید و میوه نمی آورد. برگ آن خوشبو و دراز و رنگ آن میان سبزی و زردی شبیه به برگ بید و رنگ چوب آن را در عطرها داخل می کنند. شارح کازرونی می نویسد: همین زرنب است که آن را نزد صیادله دیده ام و این حق است و همچنین آنچه شیخ ذکر نموده است.<sup>۳</sup>

۲- محیط اعظم، ج ۲، ص ۹۴.

۱- لاتینی لغات الادویه، ص ۷۰.

۳- صیدنه، ج ۲، ص ۸۷۲.

رازی گفته: قوت زرنب مثل قوت سلیخه با کیابه است و می‌گویند: نافع اوجاع مفاصل و عصب است و سعوط آن با روغن گل یا با آب و روغن بنفشه جهت سردرد بارد نافع و موافق معده و جگر بارد است.<sup>۱</sup>

این گیاه شاخه‌های باریک و مستدیرالشکل (لوله‌ای) دارد که ستبری آنهاحد وسط میان جوالدوز و قلم نی می‌باشد. رنگش سیاه و مایل به زرد است. نه مزه زیاد دارد و نه بوی زیاد. بوی کمی که می‌دهد بوی خوشی است و به بوی ترنج نزدیک است. قوتش با قوت جوزبوآ برابر و از آن اندکی لطیف‌تر است و می‌گویند: به جای دارچین به کار می‌رود.

گرم و خشک است. قابض است و بادشکن می‌باشد. با آب عطسه‌آور است و با روغن گل داروی سردرد سرد است. برای کبد و معده سرد بسیار سودمند است. می‌گویند: شکم را بند می‌آورد.<sup>۲</sup>

زرنب برگ نیاتی است از برگ صعتر عریض‌تر و مایل به زردی و خوشبو، شبیه به بوی ترنج و گلش زرد و نباتش کمتر از زرعی و ساقش مربع و مجوف و طعمش با حدت و قوتش تا چهار سال باقی می‌ماند و محل رویش آن جبال فارس و آن را سرو ترکستانی می‌نامند.<sup>۳</sup>

### ترکیبات شیمیایی:

در اعضای این گیاه مانند: برگ، پوست، چوب و دانه یک ماده سمی بنام: تاکسین به مقدار ۴۶ درصد تا ۷۱ درصد وجود دارد که آکالوئیدی با طعم تلخ و بسیار سمی است، به علاوه دارای گلوکزیدی بمقدار ۹/۶۲ تا ۲۰/۰۲ درصد به نام تاکسی‌کاتین و یک ماده سمی می‌باشد.

ماده سمی گیاه مذکور حتی پس از خشک شدن اعضای این گیاه نیز از بین نمی‌رود.

۲- قانون در طب، ج ۲، ص ۱۳۷.

۱- قرابادین کبیر، ص ۲۲۹.

۳- تحفه حکیم، ص ۱۳۴.

تا کسی کاتین، گلوکزیدی است که به صورت بلورهای سوزنی شکل به دست آمده، با اسیدنیتریک، رنگ آبی که تا قرمز تمایل پیدا می‌کند، حاصل می‌نماید، در گرمای ۱۷۰ درجه ذوب می‌شود. در آب، ایتیل استات، متانول، اسیداستیک و استن و DIOXAN و پیریدین حل می‌شود.

### خواص درمانی:

میوه عاری از دانه گیاه، اثر نرم کننده، رفع سرفه و ملینی دارد. PEVEY در سال ۱۷۹۰ میلادی از میوه عاری از دانه این درختچه نوعی شربت و ژله تهیه می‌گردد که روزانه به مقدار چند قاشق، جهت رفع سرفه‌های مزمن، سیاه‌سرفه و حتی دفع سنگ کلیه و رفع نزله به بیماران خود می‌دهند، شیره تازه آن به مقدار ۲۰ تا ۲۵ گرم اثر مدری و به‌طور ملایم ملینی دارد. قسمت‌های مختلف این گیاه از نظر سمیتی که دارد امروزه کمتر به مصارف درمانی می‌رسد. در ژاپن از برگ آن دم‌کرده‌ای جهت رفع بیماری قند تهیه می‌شود. مصرف فرآورده‌های آن جهت رفع رماتیسم، زردی، باز شدن قاعدگی، نرمی استخوان، اسکوربورت، صرع و دیفتری توصیه گردیده است. مقدار مصرف برگ آن ۰.۵٪ تا ۳۰٪ گرم می‌باشد.

مقوی قلب، مفرح، کاسر ریح، قابض و مخرج بلغم است. اعضای رئیسه و معده را قوت می‌بخشد و آن را در ادویه‌ها نیز برای ضعف قلب، خفقان، ضعف اشتها، ضیق النفس و امراض عصبی مثل لقوه، قالج، به کار می‌برند.

در نسخه معروف طب و یدک به نام یوگراج گوگل، زرنب جزئی از آن می‌باشد. مقوی عضلات پا و نیروی باه می‌باشد. آب برگ سبز آن را گرفته ۵ تا ۱۰ قطره با شیر مادر یا در آب مخلوط نموده، به بچه‌های شیرخوار در زمانی که دندان درمی‌آورند می‌دهند. همچنین برای سوء هاضمه، اسهال و دل‌پیچه استعمال می‌شود. قرقره جوشانده برگ خشک آن برای خون آمدن از دهان، رطوبت زیاد و دندان درد مفید است.<sup>۱</sup>

درختی است که برگهای آن خوشبو، مفرح، مقوی قلب و اعصاب و معده است و بادشکن می باشد و بیشتر آن را در ضعف قلب و خفقان استعمال می کنند. نیز در سرفه های بلغمی و سسکه بلغمی و ضیق النفس از آن استفاده می شود. مصلحش گشنیز خشک و بدلش کبابه و هل، مقدار خوراک از ۱ تا ۳ گرم است.<sup>۱</sup>

بستان المفردات زرنب را برهمی گفته است که خواص آن را نمی توانیم بنویسیم چون علما و اطباء بین زرنب و برهمی فرق می دانند.<sup>۲</sup>

کتاب همدرد اسم طبی زرنب را ABIES WEBBIANA نوشته است که آن را در ادویه هاضم و مشهی استعمال کرده است. نیز در نسخه های مقوی بدن و باه به کار برده و ادعا کرده که اگر کسی چهل روز این را به طور دائم استعمال کند، اگر عقیم باشد، بچه دار می شود.<sup>۳</sup>

در کوه های هیمالیا رویده می شود در بازار هند به نام تالیسپتر معروف است. حکمای لغت سنسکریت آن را به نام تالیسپترا، تالیترا نوشته و آن را بادکش، خارج کننده بلغم، مسکن درد شکم، مقوی، قابض و مفید در مرض سل، تنگی نفس، سرفه کهنه و نزله مثانه می دانند.

گرد برگ آن با عصاره حشیشه السعال (خواجا) و عسل، در سرفه، تنگی نفس، نفث الدم استعمال می کنند. معجونی به نام TALISADYA-CHURNA از زرنب، فلفل سیاه، فلفل دراز، زنجبیل، هل، دارچین و شکر برای امراض فوق استعمال می شود. صاحب کتاب برهان فرهنگ قدیم طب ایران که به زبان پهلوی نوشته شده است، زرنب را به نام طالیسفر نوشته است و بیان شده که این اسم را یونانیان برای برگ زیتون هندی نوشته اند و بعضی گویند که: برای پوست آن، این سینا آن را پوست هندی بیان کرده و مطابق گفتار اطباء مسلمین توصیف نموده است. ابن سینا گوید: گالن آن را گرم و سه برابر گفته بود ولی دیگران آن را گرم و خشک می شناسند. یحیی بن عیسی مصنف منهاج

۲- بستان المفردات، ص ۷۱.

۱- مخزن المفردات، ص ۱۱۳.

۳- همدرد، ص ۹۷-۱۱۷.

طالیسفر را برگ زیتون هندی می شناسند. ابن بیطار آن را جوزبوآگمان کرده و حاجی زین العطار نویسنده های طبی یونان را تأیید کرده آن را برگ زیتون هندی می نامد و می گوید پوست درخت آن کلفت، مانند دارچین سخت و رنگی تندتر از دارچین دارد و بسیار قابض است.

صاحب مخزن این دارو را در دو جا بیان کرده و طالیسفر را با زرنب مشابهت داده که صاحب کتاب فارماکوگرافیا می گوید: اشتباه است. نیز آن را با یک بوته هندی به نام برهمی اشتباه کرده اند. همچنین می گویند: زرنب را رجل الجراد نیز می نامند. در هند مشابه آن را برهمی گویند، که درخت را تالیس و برگ آنکه شبیه زرنب است را طالیسپتر می گویند.

برگ آن پهن تر از صعتر بری است، رنگ آن زرد، بوی آن مثل نارنج و گل آن زرد است. ذائقه آن ترش و تند است و تا چهار سال بدون جدا شدن از درخت اثر آن باقی می ماند در کوه های فارس نیز می روید و آن را سرو ترکستانی می گویند. در هند و بنگال نیز پیدا می شود.

این دارو گرم و خشک در درجه دوم می باشد و محرک، قابض، مسکن درد شکم، مفید برای امراض سینه و دارای اجزای هضم کننده مانند دارچین است. عصاره تازه آن نشئه آور است. آن را با روغن گل یا روغن های دیگر مخلوط نموده برای رفع سردرد و به عنوان قطره گوش استعمال می کنند. به جهت مشابهت با دارچین، کبابه، سازج هندی و هل، استعمال آنها در مقادیر دو برابر است. مصنف مخزن الادویه می نویسد: اگر چه طالیسفر مثل زرنب است که برگ باریک آن از درختی خاکستری رنگ می روید ولی اگر به تحقیقات حکمای عرب توجه کنیم دلیلی نداریم که بگوییم: زرنب مانند طالیسفر است. عربها می گویند که زرنب بوهای خوش مختلفی دارد، مثل قاموس ترکی که گوید: برگ درختی خوشبو است به اسم رجل الجراد.

مقدار خوراک برگ آن ۵ گریں در مرض صرع و امراض دیگر عصبی که تشنج ایجاد می کند، می باشد. نیز برای سقط جنین هم از آن استفاده می شود.

مقدار خوراک متوسط آن در حیوانات تجربه شده که عوارضی چون اشکال در تنفس و طپش قلب به وجود آورده است. خوراک زیاد آن باعث استفراغ شدید و نهایتاً به موجب مرگ شده است. اما درد و تشنج در این حالات دیده نشده است، بلکه در سراسر هند به عنوان دارویی محلی استعمال می شود، خصوصاً اطبای محلی مسمومیت آن را تأیید نمی کنند. البته بسیاری از مسموم شدگان از این دارو در لندن معالجه شدند ولی عده ای هم مردند.

#### محل رویش:

جنگلهای نواحی شمالی ایران، گرگان، کتول، رباط قزلق، زیارت، رامیان، گیلان: دامنه های مقابل امامزاده ابراهیم. مازندران: دره هزار، مغرب عمارت در ارتفاعات ۱۴۰۰ متری.

اسامی محلی این درختچه در مازندران و گرگان به سرخدا، سرخه دار و سخدار، در کتول به سوختال و در سخت سر و آستارا به سیردار موسوم است.<sup>۱</sup>

### \* زرنیخ

#### مشخصات:

در کتاب همدرد، هر طال ورقی را به نام طبی: ARSNIJ- TRISULPHIDUM نوشته است که از آن در داروهای معالج سوزاک، آتسک، درد مفاصل، مقوی اعصاب و بیه و قرصهایی به نام حب سین، استفاده شده است.

زرنیخ زرد را به نام YELLOW ARSENIC OXIDE نوشته است که آن را با آلماس و جیوه و عرق لیمو و روغن کنجد مخلوط نموده، روغنی برای قوه بیه و امراض آلت تناسلی ساخته است و اما سم الفار که زرنیخ ساده است به نام ARSENIC OXIDE



۳۰۴ ..... دائرة المعارف طب اسلامی

نوشته شده است که آن را نیز برای امراض معده، قلب، کم اشتهاپی، لاغری و ضعف باه و بدن استعمال می کنند. در بعضی نسخه های امراض خون و کم خونی هم استعمال شده است.<sup>۱</sup>

به قول دستور بریتانی کلمه ارسنیک از کلمه یونانی آرسین به معنای مذکر، گرفته شده است.

ترکیبات مختلفی از آن بیان شده و همچنین با بسیاری از مواد شیمیایی مخلوط شده است. در زمان سابق آمپول آن را که X.A.B می گفتند، برای امراض سفلیس و سوزاک و آتشک استعمال می کردند ولی بعد از پیدایش آنتی بیوتیک از آن استفاده نمی شود.

محلول آن را FLOWER- SOLUTION می گویند و از طرق مختلف برای اشتها آوردن امراض معده و قوه باه استعمال شده است نیز در بسیاری از سموم ضد حشرات از زرنیخ استفاده شده است. آن را سم قاتل معرفی کرده و جرعه آن را ۳ میلی گرم نوشته است. جرعه محلول آن را ۳ قطره بیان کرده است.<sup>۲</sup>

زرنیخ مانند گوگرد از بخارات درست می شود و پنج قسم می باشد: ۱- زرد ۲- سرخ ۳- سفید ۴- سبز ۵- خاکستری (سیاه).

زرنیخ رنگ زرد براق را زرنیخ ورقی، طبقی، بدخشی و در هندی هرئال طبقی می گویند.

زرنیخ سرخ را منسل گویند و بهترین آن صاف است و زود گرم می شود و می شکند و از سوختن آن بوی گوگرد می آید آن را در یونانی فلقدیتون و فلوقیون می گویند.

زرنیخ زرد رنگ ساده را که براق نیست در عربی زرنیخ النوره، داء الشعر و در سنسکریت پنداکیه و در هندی گوپریا هرطال می گویند.

زرنیخ سفید را در هندی گورتی می گویند.<sup>۳</sup>

۱- همدردا صفحات ۱۹۳-۱۳۴-۱۰۵-۹۴-۹۳-۹۲.

۲- دستور بریتانی، صفحات ۵۲۵-۷۹۲-۲۸۲.

۳- لاتانی لغات الادویه، ص ۲۸۰.

زرنیخ را بعضی زرنیق گویند و این دو لفظ تازه نیست و به رومی زرنیخ را لا ذراخوس گویند و معنی او زرد رنگ بود و او را ارسانیقوس گفته اند و بعضی سندراخوس گویند و به رومی ارسانیقون زرد را گویند رنگ سرخ را سندراخا گویند.

و به لغت لاتینی اوربیمنت گویند و به سریانی زرنیخا و به پارسی زرنی گویند و هر چه سرخ بود او را به هندی منسل گویند و زرد را هرتال گویند.

و خوزی گویند زرنیخ سه نوع است: یک نوع سپید است و این نوع زهر است، و نوع دیگر زرد است، و نوع دیگر سرخ، و معدن زرد به ارمنیه است و نوع دیگر سرخ و زرد در بغداد بسیار باشد و بغدادی بهتر باشد از ارمنی. و خوزی گویند از اونیکوتر آن است که جرم او پهن باشد و تنگ و به شکل سنگ و لون او زرد باشد و در جرم او سبک نباشد. و یک نوع دیگر او آن است که جرم او درشت است و لون او به لون زرنیخ می باشد و در منفعت به از نوع اول است و معدن او در زمین بنطس می باشد و گویند: این نوع را از ارمنیه به بغداد می برند و بعد از او در اجزاء او به سبز مایل است.

و آنچه از انواع او سرخ است معدن او از نواحی نیشابور است و در کتاب احجار آورده اند که نوعی از انواع زرنیخ خاک فام است و یک نوع خاکستری فام است.<sup>۱</sup>

ارجانی گویند: جمله انواع زرنیخ گرم است در چهار درجه و آنچه از انواع او زرد است موی را بسوزد و اگر بر عضوی دیرتر بماند پوست را هم بسوزد. و زرنیخ سرخ چون با موم روغن به هم آمیخته شود گر را سود دارد و شیرینه سر را که از او زرداب ترشح کند و آنچه را که در بینی و دهان پدید آید منفعت کند و دمه و تاسه را بخور کردن به او مفید است و طلا کردن به او خون مرده را که در زیر پوست جمع شده باشد به واسطه زخم چوب و امثال آن متفرق کند و کبودی اندام را ببرد و شیش و رشک را نیز بکشد.

روایت از جابر بن حیان:

فارسی: مرگ موش، شک

اردو: سینکا

عربی: سم الفار

زرنیخ سه جنس است: سرخ، زرد و سفید. سرخ را چون به موم رون کنی تحلیل افکنند و جلا آورد.<sup>۱</sup>

زرنیخ لغت فارسی است و به یونانی فرساطیس به عربی کبریت الارض است و پنج قسم می باشد. زرد و سرخ و سفید آن را زرنیخ نوره می گویند که زیوثرین اقسام است و به دستوری سبز و سیاه آن نیز غیر مستعمل است و قسم زرد در سوم گرم و خشک است.<sup>۲</sup>

زرنیخ جسمی معدنی است، مرکب از گوگرد و ارسنیک. زرنیخ سرخ معمول کیمیاگران است و زرنیخ اصغر معمول نقاشان می باشد.<sup>۳</sup>

زرنیخ در معدن خود مانند تولید کبریت که از بخار دخانی که رطوبت در قعر معدن با آن مصادف گردد حاصل می شود. لیکن ماده ارضیت و رطوبت ثقیل در این بیشتر از آن است و جوهر نادری در کبریت غالب تر، لهذا زرنیخ مثل کبریت مشتعل نمی گردد. بهترین آن زرد است که به رنگ طلاست و آن را زرنیخ ورقی و بدخشی می نامند و از سرخی و صافی شبیه به اسرنج صاف است که زود بشکند و گرم بگردد و بوی کبریت از آن آید. زرنیخ از ادویه کیمیاست، اگر زرد و سرخ آن را بسوزانند تا سفید شود بعد مس سرخ و صاف را گداخته بر آن کمی تنکار اندازند بعد خاکسترش را یک مثقال بر پنج مثقال آن اندازند، آن را سفید می گرداند و گاه زرنیخ را می سوزانند و گاهی تصعید آن طبخ و سرخ می گردد. در جمیع انواع آن حرارت شدید است و لظاع و معفن و محرق، منتضج، مفتوح و منقی صدید و با فوت قابضه و خورنده گوشت زائد زخمها و رافع سعفه و جرب و آکله و کشنده اقسام گرم و سترنده موی است.<sup>۴</sup>

۱- الابنیه، ص ۱۷۴. ۲- تحفة حکیم، ص ۱۳۵.

۳- فرهنگ داروها، ص ۱۱۸۸، صیدنه، ج ۲، ص ۸۷۳. ۴- محیط اعظم، ج ۲، ص ۹۶.

زرنیخ، زرنیق، زرنی، جسمی است معدنی و آن عبارت است از ترکیب گوگرد و ارسنیک که در اصطلاح شیمی آن را سولفور ارسنیک می‌گویند و بر دو نوع است:

۱- زرد: که عبارت است از ترکیب سه ظرفیتی ارسنیک با گوگرد، رنگ آن زرد است و در نقاشی برای تهیه رنگ زرد و سبز (مخلوط با آبی پروس) به کار می‌رود و همچنین در تهیه واجبی (نوره) از آن استفاده می‌کنند.

۲- قرمز که عبارت است از ترکیب دو ظرفیتی ارسنیک و گوگرد. رنگ آن قرمز است و در نقاشی مصرف دارد.<sup>۱</sup>

مالیدن زرنیخ با آهک بر شکم و کمر نافع اسهال کهنه است. از مخلوط زرنیخ و شیر و گوگرد و سندروس ماده‌ای به دست می‌آید که خوراک آن با شیر بسیار مقوی است.<sup>۲</sup> دکتر فاضل موسوی می‌گوید: زرنیخ با آهک جهت ازاله مو به نام داروی حمام می‌باشد نیز در ترکیبات خارجی با حب القراب، اذراقی و فوسفورس دارویی مقوی و مشه‌ی بسیار مفید تجربه شده است.

چون از آن موشها می‌میرند، آن را مرگ موش می‌گویند.<sup>۳</sup>

زرنیخ سمی معدنی است که با آهن و گوگرد مخلوط شده، یافته می‌شود و به لحاظ رنگ آن، چند قسم می‌باشد: بلوری، شیری، نوع بلوری آن بیشتر و زودتر در آب حل می‌شود و چون آن را بشکنند از آن بوی سیر می‌آید. رنگ سفید، زرد، سیاه و سرخ.

### خواص:

مقوی باه و بدن، دافع امراض بلغمی و بادی مصفی خون و دافع همیات. مقوی برای کم خونها است و در امراض لقوه و فلج و عرق النساء داده می‌شود. اکال است. طلایش نافع دانه‌های بواسیر است. با روغن مخلوط کرده برای قوت باه بر ذکر طلا می‌شود. دودش قاتل است. خودش هم سم قاتل است.<sup>۴</sup>

۲- حکیم اسفندیاری، ۰.

۱- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۲، ص ۱۷۳۷.

۳- تحفه حکیم، ص ۱۶۶. ۴- المفردات، ص ۳۰۸.

## \* زرنباد

### مشخصات:

انگلیسی: ZEDOARY

فرانسوی: ZEDOAERE

در شرق هیمالیا و سراسر هند کشت می شود. نویسنده های سانسکریت آن را به اسم کراچوره و ساتی نوشته اند. عربها آن را از زرمباد و عرق الکافور نامیده اند. یونانیها از اسم عربی تغییر یافته به نام زیرویان، زرمبر و زرمبت برای آن استفاده می کنند. بعضی زرمباد را به جدوار یا گیاهان دیگر مشابهت داده اند که البته اشتباه است.

ابن سینا جدوار را به زراوند مشابهت داده و راجع به زرنباد و جدوار و بیش (عنب الثعلب) می گوید. اگر کنار جدوار روئیده شود، مواد سمی آن دفع می شود و با اطمینان خورده شود. اگر کنار بیش بروید مسموم است و اهل منطقه به آن هلاهل می گویند که به زهر هلاهل معروف است و دارویی که کنار بیش (عنب الثعلب) بروید با روغن جوشانده، از آن روغن مالیدنی برای روماتیسم درست می کنند. عربها زرنباد را به عنوان پادزهر استعمال می کنند. از قول ابن سینا و ابن البیطار و جزله در منهاج گفته شده که تعریفی مشابه زرنباد از جدوار ذکر شده است:

هو تریاق السموم بأسرها حتی الییش والاقاعی

من ینفع الترع الهوام جداً حتی یقارب الجدوار

زرنباد و جدوار را در خواص مانند درونج بیان کرده اند.

درخت آن در باخهای بمبئی عموماً دیده می شود و ظاهراً از جانب پرتغالی ها در هند معرفی شده است. و اهالی هند برگ آن را به عنوان سبزی خورششی استعمال می کنند و در باماها بیخ آن را برای خوشبو کردن دهان می خورند و در بعضی داروهایی که برای تقویت زانو می دهد، آن را مخلوط می کنند. در سرما خوردگی آن را با قلفل دراز، دارچین و عسل به صورت جوشانده مورد استفاده قرار می دهند. نیز در مصرف خارجی، معجون

درست کرده، مالش می دهند. بیخ تازه آن را سرد و مدر گفته اند. سیلان و جریان سوزاک و لیکوریا را می بندد و خون را صاف می کند. عصاره برگ آن را در مرض استسقاء مورد استفاده قرار می دهند. قبل از پاییز بوته آن گل می کند و از نظر شکل مانند تمر هندی است. ولی روغن آن زرد مایل به سفید می باشد. به قول BUCHOLZ زرنباد دارای روغن فرّاری، یک ریزین تلخ و نرم، عصاره تلخ، صمغ و نشاسته است. روغن آن آلوده و تند و رنگ آن زرد مایل به سفید است. بو و ذائقه آن مانند کافور و دو نوع روغن سبک و سنگین در آن موجود می باشد.

زرنباد بیخ گیاهی است کمی معطر سطح خارجی آن غباری و تیره و مغز آن مایل به زردی و طعم آن تند و کمی تلخ است انواعی که بوی آن ضعیف و کمی شیرین باشد نوع نامرغوب آن می باشد.

#### روایت از جابر بن حیان:

زرنباد، زرنبات، زرمباد، رنبه: گیاهی است از تیره زنجبیلیها که دارای ساقه زیرزمینی باریک و دراز است. میوه اش کپسولی و دارای دانه های معطر است. این گیاه مانند دیگر گیاهان تیره زنجبیل در منطقه هند و مالزی می روید و در تداوی به عنوان مقوی و بادشکن و در تهیه برخی لیکورها مصرف می شود. در برخی کتب تاج الملوک زرد رومی را که به نام (انتله سودا) نیز نامیده می شود مرادف زرنباد گرفته اند.<sup>۱</sup>

زرنباد بیخی است عطری که آن را مستدیر ورق می کنند تا از کرم زدن محفوظ بماند و ظاهر آن خاکی و باطنش مایل به زردی و از بلاد چین و بنگاله می آورند و نباتش به قدر دو شبر و برگش قریب به برگ انار و گلش ضعیف و قوتش تا سه سال باقی می ماند، در آخر دوم گرم و خشک و با رطوبت فضیله و مفرح و حقوی دل و معده و دماغ و محلل ریاح و موافق روح حیوانی و طبیعی و مدر بول و حیض و مسهل سودا و حابس قی و تریاق زهر جانوران و ضماد تازه آن پرخاصیت، رافع جمیع علل سر و طلای آن پرورک

جهت داء الفیل و بخور آن جهت گریز آیدن مورچه که دیگر عود ننماید مجرب است.<sup>۱</sup>  
زرنباد در مکه معظمه معروف به عرق الکافور است و در بغداد به عرق الطیب و به  
عرف عام سیطراکی و به یونانی قلامرطون و به فارسی کثور و به هندی کچور  
می‌گویند.<sup>۲</sup>

از سرزمین چین می‌آید. لیکن از مشک زمین کلفت‌تر و کم بوی‌تر است و رنگش  
خاکی است. مزاج: گرم و خشک است.  
شاد کننده قلب است، استفراغ را باز می‌دارد، بند آورنده شکم و از بین برنده باد رحم  
است.<sup>۳</sup>

### ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی در بیخ زرنباد اسانس روغنی فرار وجود دارد، از ساقه  
زیرزمینی آن ماده زرومبون جدا شده است ماده زرومبون که یک مونوسیکلیک سسکی  
ترین کتون است در محیط رشد باکتریهای مایکروکوکوس پیوجینس و اریته اورثوس و  
همچنین مایکوباکتریوم تورکولوزیس را متوقف می‌کند یعنی نوعی آنتی بیوتیک است.

### خواص و کاربرد:

در هند زرنباد در تمام موارد از نظر خواص جانشین زنجبیل است در هند و چین  
زرنباد را در الکل خیسانده و به عنوان مقوی و محرک و تصفیه کننده خونساز مصرف  
می‌کنند و به علاوه تا دو هفته پس از زایمان برای رفع ضعف و سرگیجه استعمال می‌شود  
و له شده و کوبیده آن را برای رفع تشنج بر سر بچه‌ها می‌اندازند، اگر ضماد له شده آن را  
روی شکم بچه بیندازند برای رفع تب مفید است. در فیلیپین از جوشانده آن در استعمال  
داخلی برای معالجه آسم می‌خورند و در استعمال خارجی جوشانده غلیظ آن را مانند

۱- تحفه حکیم، ص ۱۳۴. ۲- محیط اعظم، ج ۲، ص ۹۴.

۳- قانون در طب، ج ۲، ص ۱۳۴.

روغن مالیدنی در مواضع رماتیسمی برای تسکین درد رماتیسم می‌ماند برای قلب مضر است و از این نظر باید با بنفشه خورده شود، مقدار خوراک آن از ۲ تا ۴ گرم است.<sup>۱</sup>

### \* زیره

#### مشخصات:

به پارسی «اسپرک» گویند و معدن او در کوههای جوزجانان باشد و مثبت او در مواضع دیگر بسیار است و در جمله بلاد فرغانه بیاید.<sup>۲</sup>

ابوریحان گوید: زیره به پارسی اسپرک گویند و او شکوفه نباتی است که معدن او در کوههای جوزجانان باشد.

و ابوبکر ابوعلی بن عثمان گوید: اسپرک را نبات اختصاص به کوه جوزجانان ندارد، بلکه مثبت او در مواضع دیگر بسیار است و در جمله بلاد فرغانه بیابند.<sup>۳</sup>

### \* زرین درخت

#### مشخصات:

از داروهای ناشناخته است و شاید از این رو نامی از آن در منابع معتبری چون هدایه و اغراض و اقربادین کندی و اقربادین سمرقندی و ابن بیطار برده نشده است. در خراسان گل عاشقان نامند و نبات او از یک شیر زیاده و برگش عریض و مزغب و گلش زرد و شاخهای او بزرگ و دراز و چون نزد او غنا و سرود نمایند، گلش می‌ریزد. و بعضی گویند: اسم آزاددرخت است، مؤلف مخزن الأدویه همین تعریف صاحب تحفه را ذیل لغت زرین گیاه تکرار کرده است بی آنکه یادآور شود که آن را زرین درخت نیز نامند.

می‌نویسد: زرین گیاه از جمله ادویه مجهوله‌الماهیه است صاحب اختیارات بدیعی

۲- میدانفاج ۲، ص ۸۷۳

۱- معارف گیاهی، ج ۳، ص ۱۷۰-۱۶۹.

۳- همان، ج ۱، ص ۲۲۷.



گفته: درختی است که در ولایت کازرون بسیار می باشد.<sup>۱</sup>  
 زرین درخت اسم فارسی است به یونانی فرنیسیون نامند و آن درختی است شبیه به آزاددرخت و در وقت انگور گل آن شکوفه می دهد و آن غیر معروف است و گویند که آن درخت ترنج است و بعضی گویند: آن درختی است که در بلاد کازرون لاسیما در نشاور بسیار می روید برگ آن مثل برگ زیتون و گل آن مانند قرص آئینه زرین گرم و خشک است چون تازه آن را کوفته افشرده با میفختج بنوشند عرق النساء و عسرالبول و احتباس حیض را نفع کند و خون جامد را از مثانه خارج نماید و گزیدگی هوا را سود دهد، و آن مضر به مثانه است و مصلح آن حب الّاس و بلوط و بدل آن به وزن آن قنطوریون دقیق و مثل خیارزه و کذا تخم ترنج و گویند: بدل آن نصف وزن آن زعفران<sup>۲</sup> نام زرین درخت در کتاب قرابادین کبیر به اسم زرین گیاه آورده شده است.<sup>۳</sup>

## \* زعفران

### مشخصات:

عربی: خناه، هنیقان، شعور صقالیه، جلوق، رهقان، ریهقان.

یونانی: قروقس، قروقوس، قروتوس، قرقیونوس، قیوقوس.

فارسی: زعفران، کرکیماس، نجوان، زرد.

سانسکریت: کاشمیرج، کنکم، باهلیک، شوتناهوئی، کسماتک.

انگلیسی: SAFFRON

لاتینی: CROCUS

لاتینی: CROCUS SATIVVS

بوته زعفران تقریباً به اندازه ۲۰ سانتی متر یا کمتر رشد می کند، برگ آن مانند یاسمین

۲- محیط اعظم، ج ۲، ص ۸۹.

۱- فرهنگ داروها و واژه های دشوار، ص ۱۸۸-۱۸۹.

۳- قرابادین کبیر، ص ۲۳۰.

و بیخ آن مانند پیاز نرگس می ماند. گل آن در رنگ و شکل مانند گل سورنجان است. داخل گل تارهای زرد مایل به سرخی دارد، آن را زعفران می گویند.<sup>۱</sup>

زعفران گیاهی است پایا و بصلی از تیره زنبقیها، دارای ساقه زیرزمینی که از دو پیاز خارج می شوند. پیازهای آن سخت و مدور و گوشته دار و پوشیده از غشاءهای نازک و قهوه ای رنگ است. قسمت مورد استفاده این گیاه ناحیه انتهایی خامه و کلاله آن است که به نام زعفران خرید و فروش می شود. بوی زعفران قوی و معطر و طعمش تلخ و کمی تند است.<sup>۲</sup>

زعفران دارای یک روغن مایع فرار و ماده رنگینی است که تارهای پیچیده آن رنگ نارنجی دارد و دارای خواص نیروبخش، قاعده آور، محرک باه، مقوی اعضاء و اعصاب، مدر بول و حیض، مسقط جنین و برای معده و لثه و سینه خوب است و مسکن درد دندان است. دم کرده ۱۵ گرم آن در یک لیتر آب در معالجات اختلال قاعدگی آثار مهمی دارد، زعفران درد کمر و تشنج و سرفه، هیستری، درد معده را از بین می برد و ادرار و عرق بدن را خارج می سازد ولی زنهای حامله باید از آن پرهیز کنند.

زعفران اسم عربی است و به سریانی کرکم، در انگلیسی بناقران و به هندی کیسر و کم کم و کنگم و کنکون می گویند و آن تارهایی است شبیه به عصار و بسیار خوشبو و زرد تیره رنگ مایل به سرخی که از اندرون گلی ظاهر می شود.<sup>۳</sup>

زعفران را همه کس می شناسند، بهترینش زعفرانی است که ترو تازه و خوشرنگ و دارای بوی تند و خوش باشد. بر موی برگ آن اندکی سپیدی باشد. پرمایه و درست باشد، زود رنگ می دهد، چسبنده نباشد و خرد نگشته باشد، در اول خشک و در دوم گرم است. قابض، گدازنده، و به سبب قبوضیتی که دارد پزاندنده است. جالینوس می گوید: حرارتش از قبوضیتش قوی تر است، و روغنش گرمی می دهد.

خوردن زعفران رنگ و روی را صفا می دهد، وزم را می گدازد، بر باد سرخ مانند مفید

۱- لائانی لغات الادویه، ص ۲۲۱.

۲- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج دوم ص ۱۷۳۹.

۳- محیط اعظم، ج دوم ص ۹۹.

است، سردرد آورد، زبان به سر می‌زساند، اگر با سبکی بخورند خماری از سر ببرد، خواب آور است و مایه تیرگی حواس است، دیده را جلا می‌دهد، شادی افزا و توانبخش قلب است. زعفران اشتها را از بین ببرد، شهوت‌انگیز است، ادرار بول‌کنند، زعفران را با موم یا زرده تخم مرغ و دو چندان روغن زیتون مخلوط کنند در علاج سخت شدن زهدان و بهم آمدن دهانه آن و قرچه‌های پلید آن نافع است. می‌گویند اگر سه مثقال زعفران را یک مرتبه بخورند از شاده سکنه کنند و می‌میرند.<sup>۱</sup>

### زعفران الحديد:

زنگ آهن است که آن را سوهان کرده بر روی صفحه پهن نموده تر می‌کنند و بر جای نمناک بگذارند تا زرد شود بعد از آن کوبیده اجزای زرد شده آن را، بلکه زومار به دستور گذارند و تکرار عمل نمایند تا آن همه زعفران گردد.

شیاف آن جهت قطع حیض و نفاس و جهت قطع خون بین دندان و تقویت آن نافع و خوردن یک قیراط آن مانع آبستنی است و در صناعت جزو عظیم است.<sup>۲</sup>

دکتر فاضل موسوی می‌گوید: بر حسب معمول آهن استعمالش و تحزیرش طرق مختلف دارد که در زمان ساق آن را یا خود گرد را اصلاح کرده و بعد کشته درست کرده استعمال می‌کردند، یا آن را سرخ کرده در آب سرد گذاشته آن آب را استعمال می‌کردند یا چرک آن را که وقت آب کردن آهن از آهن جدا می‌شود استعمال می‌کردند یا با عملیات مختلف از سرکه یا آهن را با خرقة گذاشته از آن ماده می‌گرفتند، تمام این قسمها طرق مختلفی دارد و آهن به هر صورت خواص ثابت دارد که برای قوت و کم اشتهایی خوراک، مقوی دل و معده معروف است و به‌طور خارجی حابس خون بواسیر، قبض کننده خون دهان است، بواسیر و طحال را مفید است و در خضاب مو درست کردن آن را استعمال می‌کنند و زعفران الحديد هم دارای همین خواص می‌باشد.

## روایت از جابر بن حیان:

زعفران الحديد که آن را زنجار الحديد و صداء الحديد نیز می‌گویند و به یونانی فارونورا می‌نامند و آن زنگ آهن است به این طریق می‌گیرند که اوراق آهن را در حفره جای نمناکی ایستاده کنند به نحوی که بعضی بر بعضی دیگر تکیه کند و اندکی فاصله داشته باشد. پارچه آغشته به سرکه تند بپوشند و در هر سه روز پارچه را خیس نمایند و در این مدت زردی که بر اوراق آهن نشیند آن را جدا کرده باشند که آن زعفران الحديد است و بعضی براده آهن بر صفحه پهن کرده تر می‌نمایند و در جای نمناک می‌گذارند تا زرد شود بعد کوبیده اجزای زرد شده را می‌گیرند و به دستور تکرار عمل می‌کنند تا همه زعفران گردد و می‌گویند: بهترین اقسام آن، بخصوص در طب آن است که براده آهن را با ربع وزن آن نوشادر ساییده در زمین دفن کنند تا ده روز همه زعفران بگردد و آن بارد قابض است و کهنه آن گرم و خشک در دوم، طلای آن داخس و داء الثعلب و خشونت پلک و ناخنه و بواسیر و بشور مقعد و نفوس را نافع و با سرکه دانه‌های چرکی را مفید و پاشیدن آن قاطع خون لثه و محکم کننده آن حالتی قریب به حال ریزه‌های آهن و براده آهن خورده به هم می‌رسد و علاج آن، آن است که در گذشته ذکر شد.<sup>۱</sup>

در یونان، آسیای مرکزی و ایران می‌روید. رنگ آن زرد براق مانند رنگ آفتاب در هنگام طلوع خورشید می‌باشد. حاج زین‌العطار در سال ۱۳۶۵ میلادی نوشته است که در ایران زعفران با جادوی دهقان نیز می‌نامیدند. زنها آن را برای راحت زایمان کردن بر ناف می‌بستند. اطبای امروزه آن را مقوی باه و قلب و زیاد کننده نور چشم و آسان کننده زایمان گفته‌اند. نیز آن را مدر، قابض، مدر حیض و ملطف می‌دانند در اروپا نیز مانند شرق، زعفران اهمیت دارد. اطبای غرب نیز آن را مدر حیض می‌دانند ولی امروزه فقط برای رنگ کردن غذا، شیرینی و غیره استعمال می‌شود.

نام علمی این گیاه *CVOCUS SATVUS* و در کُردی زعفران گویند و آن گیاهی است دارای گل‌های زرد خوشبو که تارهای نازک زرد رنگ میان آن قرار دارد و زعفران معروف

است، سردرد آورد، زیان به سر می‌رساند، اگر با سبکی بخورند خماری از سر ببرد، خواب آوراست و مایه تیرگی حواس است، دیده را جلا می‌دهد، شادی افزا و توانبخش قلب است. زعفران اشتها را از بین ببرد، شهوت‌انگیز است، ادرار بول کند، زعفران را با موم یا زرده تخم مرغ و دو چندان روغن زیتون مخلوط کنند در علاج سخت شدن زهدان و بهم آمدن دهانه آن و قرچه‌های پلید آن نافع است. می‌گویند اگر سه مثقال زعفران را یک مرتبه بخورند از شاده سخته کنند و می‌میرند.<sup>۱</sup>

### زعفران الحديد:

زنگ آهن است که آن را سوهان کرده بر روی صفحه پهن نموده تر می‌کنند و بر جای نمناک بگذارند تا زرد شود بعد از آن کوبیده اجزای زرد شده آن را، بلکه زومار به دستور گذارند و تکرار عمل نمایند تا آن همه زعفران گردد.

شیاف آن جهت قطع حیض و نفاس و جهت قطع خون بن دندان و تقویت آن نافع و خوردن یک قیراط آن مانع آبستنی است و در صناعت جزو عظیم است.<sup>۲</sup>

دکتر فاضل موسوی می‌گوید: بر حسب معمول آهن استعمالش و تحزیرش طرق مختلف دارد که در زمان ساق آن را یا خود گرد را اصلاح کرده و بعد کشته درست کرده استعمال می‌کردند، یا آن را سرخ کرده در آب سرد گذاشته آن آب را استعمال می‌کردند یا چرک آن را که وقت آب کردن آهن از آهن جدا می‌شود استعمال می‌کردند یا با عملیات مختلف از سرکه یا آهن را با خرقة گذاشته از آن ماده می‌گرفتند، تمام این قسمها طرق مختلفی دارد و آهن به هر صورت خواص ثابت دارد که برای قوت و کم اشتهایی خوراک، مقوی دل و معده معروف است و به‌طور خارجی حابس خون بواسیر، قبض کننده خون دهان است، بواسیر و طحال را مفید است و در خضاب مو درست کردن آن را استعمال می‌کنند و زعفران الحديد هم دارای همین خواص می‌باشد.

## روایت از جابر بن حیان:

زعفران الحديد که آن را زنجار الحديد و صدهاء الحديد نیز می‌گویند و به یونانی فارونورا می‌نامند و آن زنگ آهن است به این طریق می‌گیرند که اوراق آهن را در حفره جای نمناکی ایستاده کنند به نحوی که بعضی بر بعضی دیگر تکیه کند و اندکی فاصله داشته باشد. پارچه آغشته به سرکه تند بپوشند و در هر سه روز پارچه را خیس نمایند و در این مدت زردی که بر اوراق آهن نشیند آن را جدا کرده باشند که آن زعفران الحديد است و بعضی براده آهن بر صفحه پهن کرده تر می‌نمایند و در جای نمناک می‌گذارند تا زرد شود بعد کوبیده اجزای زرد شده را می‌گیرند و به دستور تکرار عمل می‌کنند تا همه زعفران گردد و می‌گویند: بهترین اقسام آن، بخصوص در طب آن است که براده آهن را با ربع وزن آن نوشادر ساییده در زمین دفن کنند تا ده روز همه زعفران بگردد و آن بارد قابض است و کهنه آن گرم و خشک در دوم، طلای آن داخس و داء الثعلب و خشونت پلک و ناخنه و بواسیر و بنور مقعد و قرس را نافع و با سرکه دانه‌های چرکی را مفید و پاشیدن آن قاطع خون لثه و محکم کننده آن حالتی قریب به حال ریزه‌های آهن و براده آهن خورده به هم می‌رسد و علاج آن، آن است که در گذشته ذکر شد.<sup>۱</sup>

در یونان، آسیای مرکزی و ایران می‌روید. رنگ آن زرد براق مانند رنگ آفتاب در هنگام طلوع خورشید می‌باشد. حاج زین‌العطار در سال ۱۳۶۵ میلادی نوشته است که در ایران زعفران با جادوی دهقان نیز می‌نامیدند. زنها آن را برای راحت زایمان کردن بر ناف می‌بستند. اطبای امروزه آن را مقوی باه و قلب و زیاد کننده نور چشم و آسان کننده زایمان گفته‌اند. نیز آن را مدر، قابض، مدر حیض و ملطف می‌دانند در اروپا نیز مانند شرق، زعفران اهمیت دارد. اطبای غرب نیز آن را مدر حیض می‌دانند ولی امروزه فقط برای رنگ کردن غذا، شیرینی و غیره استعمال می‌شود:

نام علمی این گیاه *CROCUS SATIVUS* و در کردی زعفران گویند و آن گیاهی است دارای گل‌های زرد خوشبو که تارهای نازک زرد رنگ میان آن قرار دارد و زعفران معروف

عبارت از همان تارهاست، گل‌های زعفران را در موقع خود می‌چینند و تارهای آن را جدا می‌کنند و آماده می‌سازند.

گیاه زعفران در جاهای معتدل که سرمای سخت نباشد به ثمر می‌رسد و پیاز آن کاشته می‌شود و پیازش شبیه پیاز نرگس است و پس از سبز شدن در زمین باقی می‌ماند و هر سال گل و حاصل می‌دهد. در میان کردها دم‌کرده آن را برای تسکین درد و رفع سرفه مصرف می‌کنند. زعفران، گیاهی چند ساله، به ارتفاع ده تا سی سانتیمتر و دارای پیازی سخت مدور، گوشتدار و پوشیده از غشاءهای نازک و قهوه‌ای رنگ است.

از وسط پیاز زعفران که در واقع قاعده ساقه گیاه به حساب می‌آید تعدادی برگهای باریک و دراز خارج می‌شود که سطح فوقانی آنها رنگ سبز ولی سطح تحتانی آنها، رنگ سبز روشن دارد. از وسط آنها نیز بزودی ساقه مولد گل خارج می‌شود که در انتها به یک و گاهی به دو تا سه غنچه مولد گل ختم می‌گردد. این غنچه‌ها معمولاً در فاصله ماههای مهر تا آذر مبدل به گل می‌شود. گل‌های زعفران، ظاهر لوله‌ای باریک و دراز و منتهی به شش تقسیم بزرگ به رنگ بنفش یا بر حسب وارته‌های گیاه به رنگهای گلی و ارغوانی دارد.

تعداد پرچم آن سه و مادگی آن مرکب از خامه دراز منتهی به کلاله سه شاخ به رنگ قرمز نارنجی است. قسمت مورد استفاده این گیاه، ناحیه انتهای خامه و کلاله آن است که تحت نام زعفران و در بازار تجارت می‌شود.

زعفران اثر مسکن سرفه در برونشیت‌های مزمن دارد که به علت اثر بی‌حس‌کنندگی آن بر روی انتهای اعصاب حبابهای ریوی است. از زعفران می‌توان جهت رفع بی‌خوابیهای با منشأ تحریکات مغزی، حالات تشنجی و درد دندان استفاده به عمل آورد.

زعفران محرک قوه باه، مقوی اعضاء بدن، مدر بول و حیض مسقط جنین و مسکن نیز می‌باشد. زعفران دارای اسانس مخصوص و گلوکزیدهایی است به نام کرو سین و پیکار. مقدار استعمال: دم‌کرده به مقدار ۱/۵ گرم درصد گرم آب، تنظور ۵-۲ گرم در روز هر دو ساعت ده قطره و از خارج شربت آن را به لئه‌ها برای تسکین درد دندان می‌مالند.

زعفران دارای یک روغن فرّار و یک مادهٔ رنگین است و علامت زعفران خوب این است که تارهای پیچیده آن یک رنگ و نارنجی تند باشد.

حساب کرده‌اند که از ۸ هزار گل زعفران فقط ۵۰۰ گرم زعفران به دست می‌آید زیرا گل زعفران وقتی خشک شد  $\frac{۳}{۴}$  وزن خود را از دست می‌دهد.

زعفران دارای خواص نیروبخش و قاعده‌آور است و چون نور در زعفران اثر کرده و همه خواص آنرا از بین می‌برد باید آن را از نور و روشنایی حفظ کرد و در ظرفهای مخصوص در بسته نگهداری کرد.

دم‌کردهٔ پانزده گرم زعفران در یک لیتر آب که هر روز دو تا سه فنجان از آن نوشیده شود دارای آثار مهمی در معالجهٔ اختلالات قاعدگی است و قاعدگی را تحریک کرده و درد کمر را که توأم با اختلال رگل است آرام می‌کند، این دم‌کرده آب دهان و مدفوع را به رنگ گل زرد در می‌آورد که از آن نباید نگران شد.

زعفران داروی ضد تشنج است و بسیاری از متخصصان معالجهٔ این امراض دم‌کردهٔ زعفران را در مورد دردهای معده، سرفه‌های تشنجی و هیستری مصرف می‌کنند.

مصرف آن به مقدار زیاد خروج ادرار و تعریق پوست را زیاد می‌کند ولی در عین حال ناراحتی و قولنج هم تولید می‌کند، حتی در زنان حامله باعث سقط جنین می‌شود، پس باید توجه داشت که حتی بوییدن گرد نرم زعفران باعث سردردهای شدید و سرگیجه و رعشه می‌شود.

زعفران حاوی مادهٔ معطری به نام سافرانین و روغن فرّاری می‌باشد که از نظر پزشکی اهمیت خاصی را داراست. زعفران قاعده‌آور و مهیج سلسلهٔ پی‌هاست، کم آن اشتها را زیاد می‌کند و برای گوارش نافع می‌باشد.

به‌عنوان ضد تشنج، تنگی نفس، سیاه سرفه و دردهای عصبی نیز داده می‌شود. برای تقویت باه نیز بد نیست. مقدار استعمال داخلی آن برای درد معده عبارت است از پنجاه سانتی گرم در یک لیتر آب گرم که دم‌کرده بتوشند.<sup>۱</sup>



### گزینش:

بهترین زعفران آن است که تر و تازه و خوشرنگ و دارای بوی تند و خوش باشد. بر موی برگ آن اندکی سپیدی باشید، پرمایه و درست باشد، زود رنگ دهد، چسبنده نباشد و خرد نگشته باشد.

مزاج: در اول خشک و در دوم گرم است.

### خواص و کاربرد:

در چین معتقدند که زعفران خون را غنی می‌کند و جریان خون را تسهیل و تسریع می‌نماید. آب رنگین خیس خورده زعفران برای تعداد زیادی از ناراحتیهای زنانگی مصرف می‌شود، از جمله برای رفع بی‌نظمی در قاعدگی یا در موارد نبودن قاعدگی یا در موارد خونریزیهای خارج از اندازه بعد از زایمان یا برای مادرانی که جنین مرده در رحم دارند، به کار می‌رود (جونگ یا توچی).

زعفران خشک برای تقویت معده مفید است و قاعده آور و مسکن می‌باشد ولی زنان حامله و باردار باید از خوردن آن احتراز کنند. زعفران برای تسریع بیرون ریختن دانه‌های سرخک تجویز می‌شود. (چیو).

در حال حاضر به عنوان ادویه معطر و برای رنگین کردن غذا مصرف می‌شود ولی معمولاً به عنوان آرامبخش برای تسکین بیماری آسم و سیاه سرفه و التهاب‌ها به کار می‌رفته است (کاربونه - کیمورا).

زعفران طبق نظر حکمای طب سنتی از نظر طبیعت گرم و خشک است، خواص فرح آور قوی و برای تقویت حواس و مغز نافع است. مدر است و محرک قوای جنسی می‌باشد. مقوی کبد و جهاز تنفسی است و نشاط و خنده ایجاد می‌کند، کلیه و مثانه را پاک می‌کند و بازکننده گرفتگی‌های دماغ، کبد و طحال است. خوردن یک مثقال آن در موارد سخت زائی مفید است. خوردن زعفران، با غسل برای خرد کردن سنگ مثانه و استشمام آن خواب‌آور است. مالیدن آن به چشم برای افزایش دید و رفع جرب و الیتام

جراحت چشم مفید است.

مالیدن محلول آن برای سردرد شدید و بی خوابی نافع است، گرد آن رفع خونریزی و شیاف آن برای درد رحم و مقعد مفید است. زعفران مضر کلیه است و اشتها را ضعیف می کند و قی آور می باشد و ایجاد سردرد می کند. اگر مدتی خوردن آن ادامه داده شود، اختلال حواس می آورد و مضر اعصاب است. از این نظرها باید با انیسون و سکنجبین خورده شود. مقدار خوراک آن تا ۸ گرم است. جانشین زعفران از نظر خواص معادل  $\frac{1}{6}$  وزن آن دارچین یا هموزن آن مغز دانه بالنگ است. چون نور عطر و خواص زعفران را زایل می سازد، لذا برای نگهداری زعفران باید آن را دور از روشنائی و در قوطی های سر بسته حفظ کرد.

قبض، گدازنده و به سبب قبوضیتی که دارد پزائنده است. چسبنده است و گرمای معتدل دارد و باز کننده است. جالینوس می فرماید: حرارتش از قبوضیتش قوی تر است، و روغنش گرمی دهد. خوزی گوید: زعفران به هیچ وجه غلظت را تغییر نخواهد داد، بلکه آن را در حال خشکی نگه می دارد. عفونت را می زداید و تقویت درون کند.

آرایش: خوردن زعفران به جسم صفا می دهد. دمل و جوش ورم را می گدازد، بر باد سرخ مالند مفید است.

سر: سردرد آورد. زیان به سر می رساند، اگر با سیکی بخورند خماری را از سر ببرد. خواب آور است و مایه تیرگی حواس است، شراب با زعفران مستی آوری است که حرکت را سلب می نماید. زعفران داروی ورم گرم داخل گوش است.

چشم: دیده را جلا دهد. اشک ریزی را منع کند. تیرگی چشم را بر طرف کند. با به چشم کشیدن کمبودی چشم از بیماریها پیدا شده علاج شود.

سینه: شادی افزا و توانبخش قلب است. بیماری که از التهاب حجاب حاجز و پیچش شکم رنج می برند زعفران یا روغن آن را بوی کند به خواب روند و نفس روان شود و ابزار تنفسی را نیرو بخشد.

اندامان غذا: دل به هم آور است. مخالف ترشی است که اشتها را در معده برانگیز و از

این رو زعفران اشتها را از بین می برد. ولیکن با حرارتی که دارد کبد و معده را تقویت کند و معده را دباغ دهد و قبض گرداند. بعضی گویند زعفران برای طحال خوب است. اندامان دفعی: شهرت انگیز است، ادرار بول کند، زعفران را با موم یا زرده تخم مرغ و دو چندان روغن زیتون قاطی کنند در علاج سخت شدن زهدان و به هم آمدن دهانه آن و قرچه های پلید زهدان نافع است. زهرها: گویند: اگر سه مثقال زعفران را یک مرتبه بخورند از شادی سگته کنند و می میرند.

جانشین: هموزنش کوشنه و  $\frac{1}{4}$  وزنش پوست دارچین ختایی است.<sup>۱</sup> زعفران دارای خواص نیروبخشی و قاعده آوری است و درد کمر را که توأم با اختلال رگل است آرام می کند. مصرف زیاد آن ناراحتی و قولنج تولید می کند حتی در زمان حاملگی باعث سقط جنین می شود یا پس از بوییدن گرد نرم زعفران باعث سردردهای شدید و سرگیجه و رعشه می شود.<sup>۲</sup>

زعفران گیاهی است دارای گلهای زرد خوشبو که تارهای نازک زردرنگ میان آن قرار دارد و زعفران معروف عبارت از همان تارهاست. گلهای زعفران را در موقع خود می چینند و تارهای آن را جدا می کنند و آماده می سازند. این گیاه در جاهای معتدل به ثمر می رسد و پیاز آن کاشته می شود. پیازش شبیه پیاز نرگس است و پس از سبز شدن در زمین باقی می ماند و هر سال گل و حاصل می دهد. در میان کردها دم کرده آن را برای تسکین درد و رفع سرفه مصرف می کنند.<sup>۳</sup>

قسمت مورد استفاده این گیاه، ناحیه انتها و کلاله آن است که تحت نام زعفران در بازار تجارت می شود. زعفران اثر مسکن سرفه در برونشیت های مزمن دارد و آن نیز به علت اثر بی حس کنندگی آن بر روی انتهای اعصاب حبابهای ریوی است. از این گیاه می توان جهت رفع بی خوابیهای با منشأ تحریکات مغزی، حالات تشنجی و درد دندان

۱- قانون در طب، ص ۱۳۹      ۲- گلها و گیاهان شفا بخش، ص ۱۱۴

۳- طب سنتی در میان کردها، ص ۹۹

استفاده به عمل آورد.<sup>۱</sup>

تهیه گرد زعفران: زعفران را به مقدار مورد نظر گرفته در گرمخانه ۲۵ درجه می خشکانند و نرم می کوبند و از الک ابریشمی نمره ۱۰۰ بیرون می کنند و نخاله های آن را کنار می گذارند، معمولاً ۷۸۵٪ درصد زعفران پاک به دست می آید. این گرد از عوامل محرک و ضد تشنج و قاعده آور است، مقدار خوراک آن از ۲ دسی گرم تا ۲ گرم است. تنطور زعفران: زعفران خرد کرده ۱ واحد، الکل ۸۰ درجه ۱۰ واحد، مدت ده روز بخیسانند و با فشار از پارچه رد کنند و با کاغذ صاف نمایند.

### \* زغال اخته

مشخصات:

گیاهی است از تیره زغال اخته ها که جزو تیره های نزدیک به زیقونیان است، و آن درختچه ای است که میوه اش بیضوی شکل و گوشتدار و قرمز رنگ و از زیتون کمی کوچکتر است. طعمش ترش می باشد. میوه رسیده این گیاه به مصرف تهیه کمپوت و مربا می رسد و به صورت خشک شده هم مانند آلبالوی خشک مصرف می شود، اخته زغال، حب الشوم.

زغال اخته ها، تیره ای از گیاهان اولیه پیوسته گلبرگ و دارای ساقه های چوبی و برگهای منفرد و دائمی هستند. تخمدان این گیاهان یک یا چند خانه و میوه آنها قرمز و کوچک و دارای میان بر خوراکی است.<sup>۲</sup>

زغال اخته درختی است کوچک به ارتفاع ۸ متر و قطر تنه (برابر سینه) ۱۹ - ۱۵ سانتی متر، شاخه های جوان آن زرد رنگ مایل به سبز و پوست تنه آن قهوه ای رنگ مایل به زرد است. برگهایش بیضی، نوک تیز با قاعده ای گرد و پشت برگ کم رنگ است. طول

۱- گیاهان دارویی، ج ۳، ص ۱۷۹.

۲- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۲، ص ۱۷۴۱.

صفحه ۸-۴ ساتی متر و عرض آن ۷-۳ ساتی متر دارای دمبرگی کوتاه است. گل‌های آن کوچک زرد رنگ و خیلی زود در اوایل بهار ظاهر می‌شود. میوه آن سفت به شکل و اندازه زیتون به رنگ سرخ تیره و خوردنی است. این درختچه در جنگلهای ارسباران مخلوط با سایر درختان جنگلی می‌روید و اهالی محل هر وقت جنگل تراشی می‌کنند سایر درختان بجز زغال اخته را می‌برند و زغال اخته را در محل اصلی نگهداری می‌کنند که از میوه آن استفاده نمایند. این درختچه در اروپا، ارمنستان و قفقاز نیز می‌روید.

زغال اخته فرنگی: این درختچه در ارتفاعات و سرایشی دره‌های فراوان می‌روید. در ارتفاعات و سرایشی کوه‌های آلپ و پیرینه، این درختچه به حالت وحشی می‌روید و قسمت‌های زیادی از زمین را در بر می‌گیرد برگهای این درختچه سبز رنگ و براق است و سر این برگها به شکل سرنیزه می‌باشد.<sup>۱</sup>

### ترکیب شیمیایی:

پوست زغال اخته دارای حدود ۸-۷ درصد تانن و مواد پکتیک و مالات و کلسیم و گل آن دارای ماده کوئرستین و میوه آن علاوه بر مواد قندی گلوکز و ساکاروز، دارای اسیدی به نام گلیکوک لیک اسید است و ضمناً میوه آن لعاب فراوان دارد.

### خواص و کاربرد:

میوه زغال اخته دارای طعمی مطبوع، ترش، قرمز تیره یا سیاه کمی کشیده شبیه به آلبالو یا زیتون است. مادام که میوه خام است سبز است و پس از رسیدن رنگین می‌شود. از نظر طبیعت طبق نظر حکمای سنتی کمی سرد مایل به اعتدال ولی خشک و قابض است. برای رفع اسهال و التیام زخم معده، تقویت معده، تسکین عطش، التهاب معده، کبد، غلیان خون و صفرا نافع است. برای سینه مضر است و از این نظر بهتر است با شکر

خورده شود.<sup>۱</sup>

میوه زغال اخته پس از رسیدن طعم بسیار مطبوعی دارد که از آن برای تهیه شربت مربا و کمپوت استفاده می شود یا به صورت خام و تازه یا خشک نمک زده مصرف می شود.

زغال اخته قابض است و از آن در رفع اسهال، ورم روده ها و رفع تب استفاده می شود. شربت رقیق زغال اخته را برای رفع تشنگی به بیمار می دهند. هر یکصد گرم آن حدود یک میلی گرم آهن، ۵۴ میلی گرم کلسیم، ۱۵۰ واحد ویتامین A، ۶۲ میلی گرم ویتامین C و ۲۱ گرم گلوکید دارد. میوه زغال اخته لعاب فراوان و قند گلوکز و ساکارز و نوعی اسید دارد (اسید گلی اوکسالیک).

قراقاط نیز میوه ای شبیه زغال اخته است. از آن نیز مربا، شربت و رب تهیه می کنند. قراقاط قند خون را پایین می آورد و این نکته را اطباء قدیم در درمان عوارض مرض قند مورد توجه داشته اند.<sup>۲</sup>

### \* زفت

لیث گوید: زفت را عرب قیر گوید و گویند: قیر آن است که کشتی را بدو بیندایند و زفت چیزی دیگر است که به قیر مشابهت دارد و رنگ آن سیاه است و به زفت خیکها بسرینند از جهت خمر و سرکه. و گویند زفت سه نوع است: دشتی، بحری و کوهی. زفت بحری: به رنگ سیاه است و او را اطبا در مرهمها استعمال کنند و از دشتی و کوهی قار سازند.

جالینوس گوید: روغن زفت از جوهر زفت حاصل شود چون نو باشد در لطافت از زفت زیاد باشد.

دیسقوریدوس گوید: زفت تر از چوب درخت صنوبر حاصل شود، و نیکوترین زفت

۱- معارف گیاهانی، ج ۲، ص ۱۴۵.

۲- بهداشت تغذیه، (خورده نیا و درمان با غذا) ص ۴۶۱

آن است که صاف و پاکیزه باشد. طریق تحصیل روغن زفت از زفت آن است که زفت را در دیگ اندازند و آب در دیگ کنند و بپزند پس بگذارند تا اجزای دهنی بر سر بایستد و روغن او را از وی به پاره پشم پاکیزه بگیرند بتدریج و در موضعی کنند.

و از زفت خشک نیکوتر آن است که پاکیزه و چرب باشد و بوی او خوش و رنگ او به رنگ قار مشابهت باشد.

ابوحنیفه دینوری گوید: زفتی که اطبا او را در ادویه به کار برند زفت قطران نیست، بلکه او نوعی دیگر است و معدن او در زمین باشد چنان که معدن سیماب و غیر آن است.<sup>۱</sup>

زفت گرم و خشک است در دو درجه و اخلاط غلیظ را ببرد و نشف کند سود دارد و عسرالنفس را مفید است و قوبا را ببرد و داغهای سپید را که بر ناخن پیدا آید محو کند و آماسهای سخت را بنشانند و اعضا را نرم کند و ریشها را بپزد و گوشت برویاند و سر جراحتها را فراهم آورد.<sup>۲</sup>

چیزی است همچون قیر و بعضی از درخت صنوبر کشته به قرع و انبیق، زفت بری و جبلی زفت یابس است، زفت رومی شامل زفت یابس و زفت بحری است و از مطلق او اکثر زفت بحری مراد است.<sup>۳</sup>

### \* زقوم

گویند درختی است در جهنم، دارای میوه‌ای بسیار تلخ که دوزخیان از آن می‌خورند.<sup>۴</sup>

آن را صریح الکلب و بقول بعضی قلشی گویند و به هندی تهور و سیند و سیح نامند و آن از جمله اشجار است و دو نوع می‌باشد حجازی و شامی. می‌گویند که زقوم چهار

۲- صیدنه، ج ۲، ص ۸۷۵

۱- صیدنه، ج ۱، ص ۳۲۴-۳۲۵

۳- فرهنگ داروها و واژه‌های دشوار، ص ۱۹۰.

۴- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۲، ص ۱۷۴۲.

قسم می باشد: یکی آنکه بقدر قامت بلند می شود و در ملک غور بعمل می آورند. دوم آنکه بقدر درخت سدر بلند می شود و در بلاد هند بسیار است و قسم سوم آن باریک شاخه و بی برگ و سبزرنگ مثل آزاد درخت و به سوی زمین مثل علیق منعطف می گردد و قسم چهارم در بیت المقدس یافت می شود که در قرآن شیرینی با قدری تلخی می باشد.

نوع شامی آن گرم و خشک است و محلل ریح و جالی و رافع آثار جلد، مقدار شربت آن تا پنج درم و روغن تخم آن با اندک تخدیر جهت تحلیل ریح لاحجه در مفاصل و مواد بلغمی و اخلاط غلیظه و مسهل آنها و رافع سدد و فالج و نقرس و سپرز است. مصلح آن شیر تازه و بدلش نفت است.

روغن حجاز آن نافع جذام، برص، جرب متقرح، اوجاع مفاصل، اورام و انواع امراض بارده است و چون برگ آن را در آب یا دوغ و نمک جوش داده صاف نموده آب آن را با روغن گاو و گرم بنوشند قولنج را بسرعت منحل گرداند و روغن آن در تحلیل ریح بارد و امراض بلغمی نافع است.

و از اقسام هندی آن چون شیرتدها را (نوعی زقوم) گرفته به آرد نخود بریان سرشته حبوب سازند، برای رفع آتشک و اسهال به قوت می آورد.<sup>۱</sup>

این گیاه در آفریقا و هند می روید. پوست و عصاره آن مورد استعمال دارویی دارد. در هندی آن را بوی تهویر می گویند. برای حفاظت از زمینهای زراعی آن را دور زمینها می کارند که حیوانات نه از این گیاه می خورند و نه از آن عبور می کنند، چون شیرهای بسیار تلخ دارد.

در کتاب قاموس که در قرن چهاردهم نوشته شده آن را به نام دهن نوشته و آن را درختی مهلک، مسموم و خطرناک گفته اند. و سابقاً از آن برای کشتن حیوانات درنده و خطرناک استفاده می کردند. در هند آن را تهویر و سیهند گویند که دو قسم است و از هر کدام آنها شیر درمی آید. سیهند شاخه کلفت و خاردار دارد بر آن کلفت و چرب و نرم

۱- محیط اعظم، ج ۲، ص ۱۰۳-۱۰۴، تحفه حکیم مؤمن، ص ۱۳۷.



مانند زبان سگ می باشد و از تمام اجزای آن شیره درمی آید.  
شاخه باریک و برگهای کوچک دارد که از آن هم شیره درمی آید و انواع مختلف دارد  
مثل تهویرتدهارا، چودهارا تهویر، ناگ پنی تهویر، خراسانی تهویر و لاتینی تهویر.  
تهویرتدهارا، را در سانسکریت تردهارسنوهی، تریه سرودهارا ستوهی می گویند.<sup>۱</sup>

### خواص درمانی:

کلیه قسمت‌های گیاه در ناراحتیهای هضمی یا منشأ صفرا که با سردرد، تهوع و بارداری  
زنان همراه است مؤثر می باشد و از آن جهت رفع ترشحات زنانگی به صورت جوشانده  
یا گرد و درمان جذام استفاده می شود.

شیره گیاه اثر ضد عفونی کننده، بادشکن و مسهلی دارد و برای رفع سیاه سرفه،  
آسم، سوء هضم و غیره مفید است.

در استعمال خارجی، شیره تازه آن را بر روی زگیل، جهت رفع آن به کار می برند. و  
قرمز کننده پوست (توجه خون به ناحیه سطحی بدن) و در رماتیسم بر روی عضو تأثیر  
داده می شود. از ریشه اش به عنوان یک ماده تاول آور استفاده می شود.

محل رویش: نواحی جنوبی ایران، مکران، چابهار و نیک شهر.

## \* زلف پیر رسمی

### مشخصات:

به فارسی: زلف پیر رسمی و در کتب طب سنتی با نامهای بابونج الطیور و مریره نام  
برده شده است.

زلف پیر رسمی، گیاهی است یکساله یا چند ساله کوتاه به بلندی ۱۰ تا ۱۰۰  
سانتی متر دارای ساقه مخطط، منشعب، پوشیده از کرکهای خزی، توأم با تار عنکبوتی و

رنگ برگها در سطح زیر سبز ماک و برگها دارای بریدگیهای عمیق در قسمت پایین گیاه و دارای دمبرگ و در قسمت بالای ساقه بدون دمبرگ است گل‌های آن زرد است و در تابستان ظاهر می‌شود و به صورت علف هرز در مزارع می‌روید و همچنین در دامنه‌های مرطوب و کم ارتفاع کوهستانها رشد می‌کند برای رشد آن آب و هوای معتدل و مدیترانه‌ای مناسب است. در ایران در مناطق مختلف کشور در کازرون، مسجد سلیمان، کلاک کرج در اطراف تیران تا ارتفاع ۱۷۶۰ متر می‌روید.

### ترکیبات شیمیایی:

در گیاه زلف پیر رسمی آلکالوئیدهای سنسیونین، سنسین و یک باز وجود دارد. برای تعیین مقداری آلکالوئیدها نمونه‌هایی از این گیاه در ماههای فروردین، خرداد و مهر برداشت شده و مورد تجزیه قرار گرفته و به ترتیب ۱۵٪، ۶٪ و ۱۵٪ آلکالوئید داشته است مقدار آلکالوئید سنسیونین در حدود ۲/۶۵٪ می‌باشد. در ریشه گیاه مقداری اینولین نیز وجود دارد.

### خواص و کاربرد:

از عصاره گیاه *s. vulgaris* در چین و ژاپن روی بواسیر و ورمها می‌مالند آثار درمانی و تسکین و نرم کننده از جوشانده گیاه نیز در استعمال خارجی استفاده می‌شود.<sup>۱</sup>  
این گیاه در مورد بیماریهای چشمی که متصل به کار می‌رود در روش همئوپاتی بهترین داروی کاتاراکت محسوب می‌شود و تتورها در این گیاه را به صورت رقیق برای استعمال موضعی مصرف می‌کنند. این تتور را می‌توان همراه با گل فراموشم مکن که به عنوان داروی چشم و به صورت کمپرس به کار می‌رود و ویتامین B2 مصرف کرد همچنین برای رفع قرمزی چشم بر اثر گرد و غبار یا باد و گرده افشانی بسیار مؤثر است، در این موارد بهتر است که از محلول چشمی زیر استفاده شود:

## \* زمرد

### مشخصات:

عربی: زمرد، هندی: پنا، سنسکریت: گاروتمت، مرگت، اشم گریه، ارج نیل، انگلیسی: EMERALD و لاتین: SMARAGDUS می‌گویند.

سنگی قیمتی است شاهان آن را برای زینت و زیبایی استعمال می‌کردند. و از آن انگشتر و گلوبند درست می‌کردند. در سودان از معدن طلا و در مصر از کوه حاصل می‌شود. اصل ماده آن طلا است که خشکی و انجماد بر آن غالب می‌شود و سبز شده است.

می‌گویند: تکوین آن در معدن طلا ۲۱ سال به طول می‌انجامد، زمرد و زیرجد هر دو از یک قسم هستند لکن به سبب اختلاف ماده زمرد سبزرنگ است و زیرجد زرد مایل به سبز می‌باشد.

زمرد از لحاظ رنگ به چند نوع تقسیم می‌شود: زمرد دبایی رنگ که آن مانند مگس سبز است و آن را صعیدی نیز می‌گویند. چون آن را از صعید مصر آورده‌اند. زمرد ربحانی: رنگ آن مانند برگ ربحان است و زمرد نو هم به آن می‌گویند. زمرد فستقی: رنگ آن مانند پسته سبز مایل به سیاه است که به آن زمرد کهنه می‌گویند. زمرد عسلی رنگ که آن مانند رنگ برگ چغندر است. از لحاظ تف اوت رنگ اقسام زمرد را از زمرد زنجاری و زمرد کزائی می‌گویند.<sup>۱</sup>

### روایت از جابر بن حیّان:

زمرد سنگی است قیمتی به رنگ سبز و هر چه پُر رنگتر باشد گرانبهاتر است. قدما می‌پنداشتند که نظر بر زمرد چشم افعی را کور می‌کند.<sup>۲</sup>

۱- لاتینی لغات الادویه، ص ۶۳

۲- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۲، ص ۱۷۴۶.

زمرد بفتح اول و ثانی و راء مهمله مشدد و سکون دال مهمله و به ذال معجمه عوض زاء معجمه که آن حرف اول است نیز آمده و آن را به هندی پتا می‌گویند و آن از جمله سنگهای شریفه نفیسه است.

سلاطین و اُمرا برای زینت و شرف می‌پوشیدند و از آن انگشتری می‌سازند که از سرزمین سودان می‌آورند و در معدن طلا برمی‌آید و از مغرب زمین و از جبال مصر و ماده آن طلایی است که انجماد بر آن غالب گشته و بدان سبب سبز شده و در مدت بیست و یک سال در معدن تکوین می‌یابد. و بین زمرد و زبرجد اختلاف بسیار است و صحیح‌تر آن است که زمرد و زبرجد یک چیز است متساوی الطبع و از یک جنس است که به سبب اختلاف ماده هر یک به‌توسی تکوین می‌یابد. رنگ زمرد سبز است و رنگ زبرجد زرد و سبز است.

### \* زنبق

#### مشخصات:

گیاهی است چند ساله و دارای ساقه راست به ارتفاع ۳۰ تا ۷۰ سانتی‌متر که از طریق ریزوم خزننده و ضخیم خود، که رنگ سفید و بوی بنفشه دارد، تکثیر حال می‌کند. گل‌های آن درشت، سفید رنگ و معطر است. مستعمل ریزوم آن است که در ماه مرداد از زمین خارج کرده، ریشه‌های آنها را قطع و قسمت خارج آنها را تراشیده و سپس با استفاده از گرمای خورشید یا اجاق‌های مخصوص، خشک می‌نمایند.

#### خواص درمانی:

ریزوم تازه زنبق به مقادیر کم اثر مدر، خلط آور، رفع کرم ظاهر می‌کند، مقادیر زیاد آن مسهلی قوی و قی آور است به‌طوری که موجبات تحریک دستگاه هضم و درد شدید در روده، استفراغ و دفع زیاد مدفوع را فراهم می‌آورد.

گرد خشک ریزوم زنبق عطسه آور است و ترشحات آب دهان را افزایش می دهد. ضماد گرم و برگهای تازه زنبق جهت رفع تومورها، سوختگی ها، بواسیر و سوداء بر روی عضو اثر داده می شود.

### محل رویش:

در نواحی شمالی، گرگان، موستانهای قزوین، لرستان، کرمان، در مغرب ایران، رزاق در قصرشیرین در ارتفاعات ۹۰۰ متری، در کنار جاده واقع در ۲ کیلومتری رشت به قزوین است.

## \* زنبور

### مشخصات:

زنبور حشره ای است از راسته نازک بالان که دارای چهار بال نازک است. زنبوران معمولاً به طور اجتماع با تشکیلات منظم زندگی می کنند. حشره ای است اجتماعی در بعضی امکنه به تعداد ۳۰ تا ۴۰ هزار در یکجا و به کمک هم زندگی می کنند. در هر اجتماع زنبور عسل یک زنبور ماده موسوم به ملکه یا شاهنگ وجود دارد ملکه نیز به ۴ تا ۵ سال عمر می کند. زنبور انگبین، منگ انگبین، نحل<sup>۱</sup>. زنبور عسل به عربی نحل و به هندی شهذکی مکهی نامند و ماهیت آن معروف است. پوست زنبور عسل مانند مار عوض می شود و آوازهای خوش را دوست می دارد. مزاج آن گرم و خشک در سوم است. چون بچه آن را که هنوز پر درنیاورده باشد در سایه خشک کنند و یک درم آن را با فالوده آرد گندم که آرد ده مثقال و شکر ۵ مثقال باشد بنوشند در اندک مدت بدن را قره می گرداند و مجرب گفته اند و طلای رطوبت آن رافع درد گزیدن زنبور و محلل ورم آن است.<sup>۲</sup>

۱- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۲، ص ۱۷۵۰.

۲- محیط اعظم، ج ۴، ص ۱۰۰؛ نطفه حکیم مؤمن، ص ۲۵۵.

## نیش زدگی زنبور:

در صحرا زیر درختان انگور یا کنار بوته‌های پُرگل، زنبورهای طلائی یا زنبورهای عسل اغلب افراد را مورد حمله قرار داده و نیش می‌زنند. درد و سوزش تحمل نیش زنبور بسیار ناراحت کننده است ابتداء سعی کنید نیش را از محل گزیدگی بیرون کشیده و جای آن را با سرکه یا آمونیاک بمالید ناراحتی ناشی از گزیدگی زنبور عسل در صورتی که شخص آلرژی پوستی داشته باشد بیشتر است اگر بعد از بیرون کشیدن نیش و مالیدن سرکه یا آمونیاک باز هم احساس ناراحتی کردید فوراً به پزشک مراجعه کنید. ضماد خام اسفناج جهت اورام و گزیدگی زنبور و باز کردن دمل نافع است.<sup>۱</sup>

## \* زنجبیل

عبدالله و حسین پسران بسطام گویند: احمد بن رباح طبیب این داروها را بر ملاکرد و گفت: اینها را بر امام عرضه کردم و در درد خاصه تجویز نمود:

چهار مثقال فلفل و چهار مثقال زنجبیل و همان اندازه دارالفلفل و برنج و بسباسه و دارچین که از هر یک به اندازه مساوی، یعنی چهار مثقال کوییده شود و از کف دریای صاف و خوب ۴۵ مثقال و از شکر سفید ۴۶ مثقال می‌کوبند و با پارچه‌ای الک شود یا با پرویزن (آلتی است که بدان بیختنی‌ها چون شکر و آرد و امثال آن را بیزند) موئی صاف کرده، سپس دو برابر همه آنچه ذکر شد آنها را دو مرتبه با عسل کف گرفته شده خمیر می‌کنند. پس هر کس آن را جهت خاصه بخورد باید سه مثقال از آن بخورد و هر کس برای راه رفتن بخورد ۷ مثقال با آب گرم سرد شده که به امر خدا هر درد را خارج می‌سازد و با این دارو به هیچ دارو نیازی ندارد که از سائر داروها بی‌نیاز می‌کند و موقعی که جهت راه رفتن بخورد که از راه رفتن بازمانده با عسل بخورد خوب و تجربه شده است.<sup>۲</sup>

زنجبیل همچنین در دیگر معجون‌ها و در روایات مختلفی آمده است که در

موضوعهای آسارون، سادج، دارچین و جوزبوا نقل شده است.

گیاهی چند ساله و دارای ریزوم غده‌ای ناهموار و منشعبی است که از آن ۳ یا ۴ ساقه یکساله به ارتفاع ۰/۳ متر تا یک متر در هر سال خارج می‌شود به طوری که مجموعاً به گیاه، ظاهری شبیه نی می‌بخشد. رنگ گل‌های آنکه مجتمع و به صورت سنبله است، مایل به زرد و منقوش به لکه‌هایی به رنگ قهوه‌ای است.

این گیاه به حالت طبیعی در نواحی شرقی هندوستان، سیلان و چین می‌روید. پرورش آن در جنوب آسیا، ژاپن، آفریقای شمالی، مکزیک، جزایر آنتیل و ژامائیک معمول است.

تکثیر آن از طریق کاشتن قطعات ریزوم جوانه‌دار، در زمین‌های مرطوب و اصلاح شده باید صورت گیرد. قسمت مورد استفاده این گیاه ریزوم آن است که پس از پژمرده شدن قسمت هوایی گیاه، آن را از زمین خارج نموده، بعد از شستن و قطع ریشه‌های کوچک، در داخل نوعی طشتک چوبی آویخته، به هم اصطکاک و مالش می‌دهند. با این ترتیب قسمت سطحی ریزومها تحت اثر تماس، برداشته می‌شود و آماده خشک شدن در مقابل نور خورشید یا در دستگاههای مخصوص می‌گردد. در ایران نمی‌روید.

زنجبیل گیاهی است مخصوص مناطق حاره و دانشمندان گیاه شناسی اصل آن را از «بنگال» و «مالایا» دانسته‌اند از سالیان بسیار قدیم زنجبیل شناخته شده و حتی (یسکورید) به اسم (زیگ ژی بریس ziggiberice) آن را نام برده است. در بازارهای فروش دو نوع زنجبیل پیدا می‌کنیم: نوع اول زنجبیل خاکستری است که بسیار معطر می‌باشد غده‌های ریشه‌ای آن بطول چهار یا ده سانتی متر می‌رسد و قطر آن از یک تا دو سانتی متر است که پوسته‌ای خاکستری زرد رنگ با حلقه‌های برجسته‌ای روی آن را فرا گرفته است.

نوع دوم زنجبیل سفید است که پوست آن کنده شده و دارای تکه‌های کوچکی است و بوی آن کمتر از زنجبیل خاکستری ولی طعم آن تندتر است زنجبیل را جزو ادویه مصرف می‌کنند یا در مربا می‌ریزند یا نان زنجبیلی از آن تهیه می‌نمایند.

طعم زنجبیل سوزنده و تلخ است خواص طبی آن این است که مقوی معده، ضد نفخ و درد دل و عرق آور است. مقدار مصرف آن ۴ تا ۸ گرم در نیم لیتر آب که باید ده دقیقه آن را دم کرد و در موارد ضروری مصرف نمود. در ایران دم کرده یا جوشانده زنجبیل را برای رفع سردی و دل درد مصرف و در شهرهای مختلف مخصوصاً در قم نان قندی خوشمزه‌ای با آن می‌پزند.

زنجبیل یکی از مواد ترکیبی ادویه هندی است که به نام «کاری» معروف می‌باشد و دکتر هاووزر در کتاب «چه باید خورد و چگونه باید پخت» از این ادویه به نیکی یاد کرده و مصرف آن را برای بعضی از اغذیه توصیه نموده است.<sup>۱</sup>

زنجبیل اشتها آور است و سموم بدن را خارج می‌کند و برای رماتیسم و درد پا بسیار مفید است.<sup>۲</sup> زنجبیل غدد عرق را تحریک، بلغم را دفع و معده و روده‌ها را پاک می‌کند.<sup>۳</sup> زنجبیل مقوی معده، ضد نفخ، درد دل و عرق آور مقدار مصرفی آن چهار تا هشت گرم در نیم لیتر آب که باید ده دقیقه دم کرده در مواقع ضروری نوشید و در ادویه و بعضی غذاها به کار می‌برند.

این گیاه شبیه به برگ نی، گلپایش خوشه‌ای و زرد رنگ، از ریشه‌های آن شاخه‌های به شکل نی منشعب می‌شود و در بیخ آن خنده‌هایی تولید می‌گردد که همان زنجبیل معروف است. طعمش تند و برای معطر ساختن بعضی خوراکیها به کار می‌رود. این گیاه در ایران نمی‌روید. کردها دم کرده آن را برای دفع سرماخوردگی، زکام و دل درد به مصرف می‌رسانند.<sup>۴</sup>

برگ آن متناوب، دراز، نوک تیز و دارای یک دمیرگ اصلی مشخص واقع در بین رگبرگهای فرعی مایل است. زنجبیل دارای اثر نیرو دهنده، مقوی معده، بادشکن و ضد اسکوربوت است و اگر بر روی پوست بدن مالش داده شود، ایجاد تحریک و قرمزی

۱- گلها و گیاهان شناختش، ص ۱۱۷

۲- طب سنتی در میان کردها، ص ۱۰۱.

۳- همان، ص ۱۴۰.

۴- اعجاز خوراکیها، ص ۱۴۱.



می‌کند. اعراب آن را به عنوان محرک قوه باه به کار می‌برند.<sup>۱</sup> زنجبیل برای بیماری سیلان منی مؤثر واقع می‌شود.<sup>۲</sup>

## \* زنجار - زنگار

### مشخصات:

این گیاه چند نوع است و از چند طریق به دست می‌آید:

۱ - مس را در دُرْدی سرکه می‌گذارند تا کفک بزند و یا بر براده آن سرکه می‌پاشند و در جای نمناک در خاک کنند.

۲ - ظرف مسی که در آن سرکه باشد می‌گذارند تا زنگ بزند. آنگاه زنگار از آن می‌خراشند و با نوشادر مخلوط می‌کنند و در زمین نمناک دفن می‌کنند.

۳ - نوع بسیار لطیف زنگار.

۴ - گاهی زنگار از کفک سنگها استخراج می‌شود.

۵ - از مس و آلیاژهای دیگر به دست می‌آورند.

بهترین نوع آن معدنی است. زداينده است، همه انواع زنگار تند است و گوشت سخت و نرم را می‌خورد. قرحه مسری را باز می‌دارد. قرحه پلید را تنقیه می‌کند، با سقز درخت بنه و بوره سرخ علاج گری چرکین و لکه‌های سفید و سیاه پوست است.

از آماسیدن و سفت شدن پلک جلوگیری می‌کند. دیده را جلا می‌بخشد، از داروهای قرحه چشم است، در اشک آوردن بسیار مؤثر است.

### روایت از جابر بن حیان:

زنگار بفتح اول و سکون نون اسم فارسی است معرب آن زنجار است و به یونانی قسطوس گویند. در انگلیسی دروط گریز می‌نامند و آن معدنی و مصنوعی است آن را به

یونانی فنیطوس می‌گویند و معنی آن مجرود است و آن زنگ مس می‌باشد که بر مس سرکه پاشیده در جای نمناک دفن می‌کنند یا سرکه در ظرف مسی کرده روی آن سرپوش مسی نهند و بگذارند و بعد از پانزده روز یا زیادتر بردارند و آنچه زنگ اندرون ظرف به هم رسیده باشد بخرائند و باز همچنین کنند تا هر مقدار که بخواهند پس با نوشادر آمیخته در زمین نمناک دفن کنند یا براده مس در سرکه انداخته در جای نمناک دفن نمایند و گاهی نوع لطیف آن را می‌گیرند که آن زنگار دودی است. و زنگار معدنی در معدن مس متولد می‌شود و به یونانی این را بارسقاریفس می‌نامند و عبارت از دهنه مسی است و بر صخور آن از جوهر مس مثل آب می‌چکد و منجمد می‌گردد و بعضی از آن در تابستان نزد طلوع ستاره کلب از مفازه مقطر می‌گردد و منجمد می‌شود و آنچه بر صخور بود آن جید است و آنچه در تابستان مقطر می‌شود بسیار بد رنگ است.<sup>۱</sup>

## \* زنیان

### مشخصات:

این میوه نوعی از گیاهی است که به فارسی زنیان و گیاه آن در کتب طب سنتی با نامهای اینسون بری و کمون حبشی آورده شده.

از طرف گیاه شناسان مختلف در زمانهای متفاوت نامگذاری شده است. این گیاه در بلوچستان با نام هندی آن اجوان و همچنین اسپرکای می‌شناسند توجه شود در برخی مدارک طب سنتی برای گیاه بادیان رومی نیز نام زنیان را می‌برند، با زنیان که در این بخش بحث می‌شود متفاوت است.

گیاه اجوان یکساله است بلندی آن کمی از زیره سیاه بیشتر و در حدود یک متر است ولی از نظر شکل و برگ و رنگ شبیه زیره سیاه است، ساقه آن پُر شاخه است، برگهای آن بریده بریده و نحی شکل می‌باشد، گل‌های آن کوچک سفید است، میوه گیاه که زنیان

۱- محیط اعظم، ج ۲، ص ۱۱۰ تحفه حکیم مؤمن، ص ۱۱۳۷ صیدنه، ج ۲، ص ۸۷۵

نامیده می‌شود کوچک تخم مرغی شکل به رنگ زرد تیره می‌باشد و در سطح میوه ۵ خط طولی نازک به رنگ زرد روشن وجود دارد، معطر و بوی عطر تیمول از آن استشمام می‌شود، میوه و ریشه آن در طب سنتی مورد توجه می‌باشد. این گیاه بیشتر در مزارع غلات و در پرچین‌ها در نواحی مختلف اروپای مرکزی در آسیا، هندوستان، ایران و مصر می‌روید در ایران در مناطق شرقی بلوچستان در هودیان و چاه قنبر می‌روید و نام محلی آن اجوان و اسپرکای می‌باشد.

### ترکیب شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی زنیان، میوه گیاه دارای ۴ تا ۶ درصد بر حسب مناطق رویش اسانس روغنی فرّار است که در حدود ۴۵ تا ۵۵ درصد آن را تیمول تشکیل می‌دهد، تیمول اسانس معطر و بسیار سبز است که در آن بخشها مشخصات و فرمول شیمیایی آن بتفصیل آمده است، ماده‌ای است ضد عفونی کننده، قوی و معروف در طب سنتی. به علاوه در اسانس زنیان ۱۵ تا ۲۰ درصد سیمن و بقیه آن آلفاپی نی دیپانتن و... است.

### خواص و کاربرد:

تخم گیاه از نظر طبیعت مانند زیره‌ها گرم و خشک است و از نظر خواص ضد اسپاسم، تونیک، محرک و بادشکن می‌باشد و معمولاً در تهیه مشمّع‌هایی که برای تسکین درد به کار می‌رود داخل می‌شود له کرده و کوبیده آن به عنوان داروی استعمال داخلی برای رفع بیماریهای معده و کبد و ناراحتی گلو و سرفه و رماتیسم تجویز می‌شود. زنیان منبع بسیار غنی از تیمول ضد عفونی کننده معروف است. در هندوستان از زنیان به عنوان ضد عفونی کننده و برای تقویت معده و همچنین به عنوان بادشکن و تونیک و برای قطع اسهال و رفع سوء هاضمه و دردهای حاد شکم یا قولنج و معالجه سوء هضم‌هایی که ناشی از ضعف و کمی نیرو می‌باشد، تحلیل گاز و نفخ و در مورد وبا تجویز می‌شود. از ریشه این گیاه نیز به عنوان مدر و بادشکن به صورت دم‌کرده مصرف می‌شود.<sup>۱</sup>

## زنیان یا نانخواه:

در طبیعت گرم و خشک است، در خواص آن نوشته‌اند: خشک کننده و ملین و محلل ریح، ضد گاز و نفخ خوراک آن دو مثقال، آشامیدن آن ضد سم نیش حشرات، ضد معتادین به تریاک، آب جوشانده آن برای رفع اذیت عقرب گزیدگی سریع الاثر است زنیان با سفیده تخم مرغ برای ناف برآمده و برای درد جمیع اعضاء و تحلیل اورام سرد و برای خون منجمد در زیر پوست نافع است.

مدر بول، حیض، عرق و تریاک سموم و محلل ریح باد یا گاز رفع رطوبات و لزج جهت درد سینه و صلابت کبد و سپرز و درد باطن و آنچه دوائی سمی مسهل و پاک کننده چرک و لزوجات سینه و جهت رفع عادت تریاک و برای عسرالبول و سنگ کلیه و مثانه و قی و غشیان و آروغ بدو و تخمه و فساد اشتها، ضد سم و تبهای کهنه مفید است.<sup>۱</sup>  
ناشتا خوردن زنیان ۲ مثقال جهت ازدیاد شیر مادر مفید است.<sup>۲</sup> آشامیدن دو مثقال زنیان تریاق سموم و نیش هوام جانوران، آب گرم زنیان برای فع اذیت عقرب گزیدگی سریع الاثر است.<sup>۳</sup>

## \* زوفا

## مشخصات:

گیاهی است پایا، بسیار معطر و دارای ساقه‌های متعدد چوبی شده، به ارتفاع ۲۰ تا ۶۰ سانتی متر که به حالت خودرو در جنوب اروپا، آسیای صغیر و ایران و روسیه می‌روید. در زمینهای آهکی بهتر رشد می‌کند و در کوهستانها تا ارتفاعات ۲۰۰۰ متری بالا می‌رود. گلهای آن به رنگهای تیره مایل به بنفش، سفید و گاه گلی می‌باشد. و در فاصله ماههای تیر و مرداد ظاهر می‌شود و به صورت سنبله‌هایی جلوه می‌کند.

۱- مجموعه طب سنتی و گیاهی. ص ۲۰۶

۲- راه نجات از مرگ مصنوعی، ج ۱۳، ص ۲۴.

۳- همان، ص ۲۴.

این گیاه در ردیف مهمترین گیاهان مولد عسل، رده بندی می گردد. قسمت مورد استفاده این گیاه سرشاخه های گلدار آن است.

برای برداشت محصول معمولاً سرشاخه گلدار گیاه را هنگامی که گل بخوبی در شاخه ظاهر شده باشد قطع و بسرعت در سایه یا در محلی که جریان هوا برقرار باشد خشک می نمایند. علاوه بر این، برگهای این گیاه را نیز برای استفاده در بازرگانی عرضه می کنند.

### ترکیبات شیمیایی:

از این گیاه در سال ۱۸۲۹ به وسیله HERBERGER ماده ای با اثر خنثی به نام هیسوپین به دست آمد که در سالهای بعد هم مورد بررسی قرار گرفت. این ماده، گلوکزیدی مشابه هپریدین شناخته شد و در هر مولکولش یک فنل، گلوکز و رامنوز وجود دارد.

طبق تحقیقاتی که BALANSARD به عمل آورد، محقق گردید که گیاه خشک دارای ۲۰ درصد کولین، یک لاکتون و یک فیتوسترول است.

اسانس زوفا که از سرشاخه های گلدار گیاه تهیه می گردد، بویی شبیه NENTHA ها و TANACETUM VULG دارد. مایعی بی رنگ به وزن مخصوص ۰/۹۲۵ تا ۰/۹۴۰ می باشد این اسانس در ۷ قسمت الکل در اتر و کلروفرم حل می گردد.

### خواص درمانی:

دارای اثر نیرو دهنده، آرام کننده سرفه، خلط آور، کمی مدر، مقوی معده و ضد کرم است و در استعمال خارج نیز اثر التیام دهنده دارد.

در بیماریهای سینه، جهت رفع عوارض برونشها، مخصوصاً آسم مرطوب افراد مسن، دم کرده آن با مخلوط عسل مورد استفاده قرار می گیرد.

DR.H.LECLER، مصرف آن را در رفع بیماریهای مربوط به برونشها، مخصوصاً

رفع ترشحات آن ذکر کرده است. اسانس آنکه از راه مخاط دفع می شود، اثر رقیق کننده بر ترشحات ریه و سهولت در خروج آن دارد. این گیاه به علت دارا بودن خاصیت مقوی در ضعف معده و دستگاه هضم، کم اشتهاپی ناشی از آن، درد معده و دل پیچه‌های ناشی از نفخ، اثر معالج دارد. ضمناً در رفع کم‌خونی دختران جوان، ترشحات قاعدگی، رماتیسم کهنه، عوارض ناشی از وجود کرم در معده، عرق شبانهٔ مسلولین، خنازیر، زردی و آب آوردن انساج، مؤثر تشخیص داده شده است.

در استعمال خارج، غرغرهٔ دم‌کردهٔ آن برای رفع گلودرد و ورم لوزه‌ها به کار می‌رود. به‌علاوه از آن به‌صورت قرار دادن بر روی کوبیدگیها، ورم پلک و خونمردگیها استفاده می‌گردد. باید توجه داشت که اسانس آن طبق تحقیقاتی که به‌عمل آمده اثر شدید بر روی مغز تیره دارد و خوردن آن موجب پیدایش عوارض صرع مانند می‌شود. به‌علاوه، لرزش و حالات تشنجی به‌وجود می‌آورد. از این جهت باید در کمال احتیاط و به مقدار کم و درمانی به‌کار رود.

#### صور دارویی:

دم‌کردهٔ ۱۰ تا ۲۰ گرم سرشاخهٔ گلدار و برگ گیاه در یک لیتر آب جوش به مقدار ۲ تا ۳ فنجان در روز، شربت حاصل از دم‌کردن ۱۰۰ گرم سرشاخهٔ گیاه گلدار در یک لیتر آب و افزودن ۱۵۰۰ گرم قند، به مقدار یک لیوان کوچک در روز. تنطور الکلی سرشاخهٔ گلدار به مقدار ۱۰ تا ۱۵ قطره مخلوط در یک لیوان آب.

#### محل رویش:

شمال غربی ایران، بلوچستان. وجود این گیاه در ایران مورد تردید است ولی در بعضی کتب فارسی به همان نام عربی زوفا وارد شده است.<sup>۱</sup>  
بوته‌ای است که بر روی زمین مفروش می‌باشد و برگ‌ردهٔ هر شاخه یک گل به رنگ

زرد درمی آید. رنگ زوفا سبز مایل به سیاهی، ذائقه: تلخ، مزاج: گرم و خشک در درجه دوم، مقدار خوراک: از ۳ تا ۷ گرم می باشد. محل حصول: شام. خواص: محلل اورام، بلغم را یا اسهال دفع می کند، جوشانده اش نافع سرفه و تنگی نفس می باشد، کرم را دفع می کند.<sup>۱</sup>

در کتاب بستان المفردات، زوفا به دو صورت تر و خشک نوشته شده است:

### زوفاي خشک:

رنگ: بور، مزاج: گرم و خشک در درجه دوم و مضر برای کبد. مصلحتش: انار ترش و صمغ عربی، بدلش: صعتر فارسی، نفع خاص: خارج کننده بلغم و دافع سرفه، مقدار خوراک: جوشانده اش ۱۲ گرم می باشد. کرم کش است، محلل اورام است، نافع درد پهلو و سینه می باشد. مزه مزه محلول در سرکه آن نافع دندان درد می باشد. جوشانده اش با انجیر و خرغره آن خناق را مفید است.

### زوفاي تر:

مزاج: گرم در درجه دوم و تر در درجه اول. مضر برای گرم مزاجها، مصلحتش: روغن گل و سرکه و سکنجین، بدلش: مغز استخوان گاو و گوسفند است. نفع خاص: زخم مجروح را پُر و ورم را تحلیل می کند، مقدار خوراک: از ۴ تا ۹ گرم، ورم را می پزد، در ورم کبد و طحال و استسقاء، ضماد و شربتش مفید است. ضمادش نافع شکستگی و برای ورم مثانه و رحم مفید است. با چربی مرغابی مخلوط نموده، نافع زخمهای آلت تناسلی، گوش و فرج می باشد.<sup>۲</sup>

مخزن المفردات برگ آن را مشابه برگ مرزنجوش نوشته است. خوشبو است و مزه اش تلخ، در مرض استسقاء و سده های جگر مفید است. مضر برای جگر، مقدار

خوراکی: از ۳ تا ۹ گرم است.<sup>۱</sup>

کتاب همدرد آن را زوفای خشک نامیده است و در داروهای مثانه و کلیه استعمال کرده است. نیز زوفا با شکر و جوهر لیموترش درست کرده که نافع تنگی نفس است. و شربت زوفای مرکب مخلوط با شیرین بیان، انجیر زرد، پرسیاوشان، تخم خبازی، تخم خرفه سیاه، سپستان، عناب، گل بنفشه، مویز منقی، جوهر لیموی ترش و شکر شربت درست کرده برای تنگی نفس، امراض ریه و سرفه خیلی مفید است. نیز برای سرماخوردگی و سرفه و زکام توصیف شده است. همچنین با بعضی داروهای یادکش و هاضم به طور خوراکی مخلوط شده است. و در بعضی ادویه مفرح و مقوی بدن و جگر و معده هم استعمال شده است.<sup>۲</sup>

در کتاب دستور بریتانی نام آن HYSSOPUS نوشته شده است. دارای نیم درصد روغن می باشد و از تیره FAMILIATAE HABITAT می باشد. در اروپای جنوبی کشت می شود و این دارو را در فهرست ادویه غیر مستعمل نوشته است. بدین جهت فواید آن را ذکر نکرده است.<sup>۳</sup>

زوفا در معالجه شن کلیه، تبهای اولیه امراض مختلف، کم خونی دختران جوان، در مرحله بلوغ که آن را یرقان ایض می گویند تأثیر مهمی دارد.

دم کرده گل زوفا به مقدار ۱۵ تا ۲۰ گرم در یک لیتر آب جوش که مدت ده دقیقه دم کنند اثر مفیدی در ضعف معده و عوارض ناشی از آن دارد. در مورد قولنج معده استعمال آلکولاتور زوفا برای معالجه همین امراض به مقدار ده تا سی قطره در شربت قند تجویز می شود.<sup>۴</sup>

گل زوفا را به عنوان داروی خلط آور در تمام امراض که مربوط به عفونت های ریوی، زکامهای نزله ای مخصوصاً آسم به کار می برند و نیز در معالجه برونشیت و سینه پهلو

۱- مخزن المفردات، ص ۲۱۳

۲- همدرد: ۲۹۶-۲۸۹-۲۴۹-۱۸۰-۱۷۹-۷۷

۳- دستور بریتانی، ص ۱۰۶۶-۱۰۴۳

۴- گلها و گیاهان شفا بخش، ص ۱۱۷.



تجویز شده است.<sup>۱</sup>

زوقا گیاهی است دارای برگهای نازک و خوشبو، گل‌های سفید یا سرخ یا زرد رنگ و شاخه‌های روی زمین می‌خوابد. در میان کردها دم‌کرده آن را برای رفع امراض ریوی و زیاد کردن ادرار به مصرف می‌رسانند.<sup>۲</sup>

قسمت مورد استفاده آن، سرشاخه‌های گلدار است که مصارف درمانی آن از قدیم در ایران معمول بوده است. از سرشاخه‌های گلدار آن اسانسی تهیه می‌گردد که در تهیه لیکورهای مختلف از آن استفاده می‌شود. این گیاه اثر نیرو دهنده، مقوی معده، خلط آور و مدر دارد. در درمان آسم می‌تواند اثرات مفید ظاهر کند. زوقا به حالت خودرو در نواحی مختلف اروپا، آسیا و همچنین در ایران می‌روید.<sup>۳</sup>

### \* زهره - مراره

مشخصات:

پوستی است کیسه مانند، چسبیده به کبد و محتوی زرداب (صفرا) مهمترین مواد معدنی زهره کلورورها و فسفات‌های سدیم و پتاسیم و کلسیم و منیزیم و فسفات آهن می‌باشد.<sup>۴</sup>

سرمه مراره بز برای چشم و امراض چشم مفید است. مراره شب پره را بر فرج زنان طلا می‌کنند، زنهایی که تنگی فرج دارند، سختی زایمان را آسان می‌کند.

مراره خرگوش خواب زیاد و طویل‌المدت می‌آورد. سرمه مراره شیر بینایی را زیاد و روشن می‌کند. مراره زاغ برای غبار و ناخنک در چشم مفید است.<sup>۵</sup>

مراره طاووس قاطع اسهال است. نیز سرمه مراره فیل چشم را تقویت می‌کند.<sup>۶</sup>

۱- همان، ص ۱۱۷. ۲- طب سنتی در میان کردها، ص ۱۰۳.

۳- گیاهان دارویی، ج ۳، ص ۶۴۲-۶۴۱.

۴- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۱۲، ص ۱۷۶۲. ۵- تحفة حکیم مؤمن، ص ۲۴۴.

۶- بستان المفردات، ص ۲۹۲.

زهره را در عربی مراره، در اردو و هندی پتا و در انگلیسی GALL BLADDER می‌گویند. زهرهٔ مار را سرمه کنند برای نزول آب در چشم مفید است.<sup>۱</sup>

مرارهٔ گاو گرم و خشک در درجهٔ چهارم می‌باشد. مصلح روغن و شیر است. نفع خاص: دافع خناق، آن را برای غبار و ضعف دید در چشم سرمه می‌کنند. قطره چکاندن آن در گوش برای درد گوش مفید است و چرک را از گوش خارج می‌کند. برای خناق آن را با عسل می‌لیسند و مالیدن آن لکه را از پوست پاک می‌کند. ضماد آن محلل اورام است. فرزجهٔ آن منقی رحم و نیز برای امراض برص و خارش، مالیدن آن مفید است. مرارهٔ گرگ برای استسقاء و قولنج مفید است.<sup>۲</sup>

مزاج: همه انواع زهره در چهارم گرم و خشکند.

#### خواص:

عموماً زهره گرم و زداینده است. زهرهٔ حیوانات بر حسب تر و ماده و تشنگی و سیرابی و گرسنگی و سیری و حرکت و آرامش حیوان اختلاف دارد.

زهرهٔ گاونر و بزکوهی پادزهر نیش است. زهرهٔ بز نر از جملهٔ علاجات پاغر و واریس است.<sup>۳</sup>

اگر زهرهٔ چهارپایان و حیوانات آبی و خشکی و پرندگان را با هم مقایسه کنیم به ترتیب: پرندهٔ اول، ماهی شبوط و خرچنگ دراز دریایی که آن را کژدم دریا نامند و لاک پشت در درجهٔ دوم و چهارپایان در درجه سوم قرار دارند. در میان پرندگان زهرهٔ مرغان بزرگ شکاری از زهرهٔ سایر پرندگان شناور و بیابانی و خانگی قوی‌تر و گزنده‌تر است. در میان چهارپایان آنچه زهرهٔ قویتر دارند به ترتیب اولویت عبارتند از: گاو، آهو، خرس، بز، گوسفند و از همه ناتوان‌تر زهرهٔ خوک است. بهترین زهره آن است که رنگش زرد و طبیعی است. زهره‌ای که رنگش زنگاری یا لاجوردی یا سرخ سرخ باشد خوب نیست.

۱- لائانی لغات الادویه، ص ۵۷.

۲- دستور بریتانی، ص ۴۵۷.

۳- قانون در طب، بوعلی سینا، ج ۲، ص ۲۲۰-۲۱۹.

دیسقوریدوس گوید: برای استفاده از زهره باید سرکیسه زهره را بیندیم و در آب فرو بریم و آب را بجوشانیم و همین که سه بار غلت داد آن را بیرون آوریم و در سایه‌ای که نمناک نباشد خشک کنیم و نگه داریم.

## \* زیبا

### مشخصات:

گیاهی است که در باغهای تبریز با نام زیبا می‌کارند.

زیبا گیاهی است یکساله پوشیده از کرکهای خشن خیلی پرشاخه برخی اوقات شاخه‌های آن مایل به قرمز و بلند آن ۶۰-۳۶ سانتی متر است برگهای آن دراز نوک تیز به رنگ سبز تیره، پوشیده از تار و برگهای به صورت مجموعه گل آذین تراکم به رنگ سفید یا حنایی یا ارغوانی روشن که با دمگل درازی و شاخه‌ها متصل می‌باشند با گلها برگچه‌های خشن و رنگی همراه است که مجموعاً گل آذین را به صورت گل خشک که مدت زیادی می‌توان نگهداری نمود درمی‌آورد.

این گیاه در آذربایجان در باغچه‌های تبریز کاشته می‌شود از گیاهان زینتی بومی آمریکا، آسیا و استرالیا می‌باشد.

### خواص و کاربرد:

در چین از جوشانده این گیاه و سرشاخه‌های گلدار آن برای معالجه ترشحات سفید مفرط مهبل و خونریزی‌های شدید زنانگی استفاده می‌کنند.

## \* زیرفون

### مشخصات:

زیرفون یا تیول درختی است زیبا که در اروپا، مخصوصاً فرانسه، نواحی مختلف آلپ و مدیترانه می‌روید ولی در کشور ما یافت نمی‌گردد. گل و براکته‌های این درخت دارای

اثرات درمانی است و از آنها به عنوان ضد تشنج، آرام کننده و نرم کننده استفاده می شود.<sup>۱</sup>

### ترکیبات شیمیایی:

گل آذین تیول دارای اسانسی است که بر اثر تقطیر با آب از آن به دست می آید، به علاوه شامل تانن، مخصوصاً براکته های گل آذین موسیلاژ و قند است.

اسانس آنکه به مقدار کم در آب حل می گردد بویی مخصوص و مطبوع و ماده ای به نام فارنول دارد.

### خواص و کاربرد:

دم کرده گل زیرفون به مقدار ۱۰ گرم گل در ۱۰۰۰ گرم آب جوش محرک ضد تشنج، آرامبخش، معرق و مدر است، برای تهیه دم کرده گلها را از گل جدا نمی کنند، دم کرده غلیظ تر آن به صورت غرغره برای رفع التهاب مخاط دهان مفید است. در استعمال داخلی در عرض روز چند فنجان از دم کرده را می توان خورد، دم کرده فوق را با برگ نارنج نیز درست می کنند که بیشتر مفید است به این ترتیب که ۵ گرم گل زیرفون را گرفته با ۵ گرم برگ نارنج در هر ۱۰۰۰ گرم آب جوش مدت نیم ساعت دم می کنند، دم کرده مطبوعی است که محرک است، ضد تشنج، مدر، معرق و آرامبخش.<sup>۲</sup>

جوشانده شکوفه های زیرفون به بیمارانی که مبتلا به تب شدید هستند داده می شود تا تولید عرق زیاد کند و تب را ببرد.

جوشانده گل زیرفون در درمان سرفه مزمن و برطرف نکردن خلط سینه و معالجه زکام نزله ای مؤثر است، چنانچه در کلیه مخاط جمع شود و این مخاط ناراحتی های معده تولید کند، جوشانده زیرفون آن را برطرف خواهد کرد.<sup>۳</sup>

گیاهان این تیره به صور مختلف درخت، درختچه یا نمونه های علفی مانند می باشند.

۲- معارف گیاهی، ج ۳، ص ۸۸-۸۵

۱- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۳، ص ۷۰۷

۳- داروهای گیاهی، ص ۱۰۵

صورت دارویی:

دم کرده ۵ تا ۱۰ در هزار گل تیول یا گل مخلوط با براکته‌ها به مقدار ۳ تا ۴ قنجان در روز بین هر دو غذا آب مقطر آن به مقدار ۶۰ تا ۱۲۰ گرم است.<sup>۱</sup>

### \* زیتون

زیتون در قرآن شریف مقارن انجیر ذکر شده است و اطباء متافعی بر این میوه ذکر کرده‌اند.

روایات در باره زیتون:

امام رضا علیه السلام از پدرانش، از حضرت علی علیه السلام نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: زیتون را بخور و آن را بر بدنت بمال زیرا هر کس آن را بخورد و با آن روغن مالی کند شیطان چهل روز به وی نزدیک نمی‌شود.<sup>۲</sup> شیطان را چنانکه در پیش گفته شد به معنای میکروب یا کرم کوچک نیز می‌توان معنا کرد.

باز امام رضا علیه السلام از پدرانش نقل نموده که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: زیتون را داشته باشید چون آن مره (زهره) را می‌شکافد، بلغم را می‌برد، پی‌ها را محکم می‌نماید، اخلاق را خوب می‌کند، نفس را پاک می‌گرداند و غم را می‌برد.<sup>۳</sup>

امام صادق علیه السلام در خوردن زیتون چنین دستور داده است: در یک ظرفی آب و زیتون و نمک بریز و بخور.<sup>۴</sup>

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: خانه کسی که سرکه و زیتون در آن باشد بی‌خورشت نیست که آنها خورشت پیامبران است.<sup>۵</sup>

۲- عیون الاخبار، ج ۲، ص ۴۲.

۱- گیاهان دارویی، ج ۱، ص ۴۰۱.

۳- صحیفه الرضا، ص ۲۸؛ عیون الاخبار، ج ۲، ص ۳۵.

۴- صحیفه الرضا، ص ۲۸؛ عیون الاخبار، ج ۲، ص ۳۵.

۵- معاسن، ج ۲، ص ۴۰۵.

خالد بن نجیح گوید: امام صادق علیه السلام و ابی الحسن اول علیهما السلام نخستین غذایی را که می خوردند تلیت سرکه و زیتون بود.<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام می فرمود: محبوبترین غذای رنگی بر رسول خدا صلی الله علیه و آله سرکه و زیتون بود که غذای انبیاء است.<sup>۲</sup>

حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام در باره غذا پرسیدم، فرمود: سرکه و زیتون که هضم کننده است.<sup>۳</sup>

سلمه فلانسی در باره غذا از امام صادق علیه السلام می پرسد، آن حضرت می فرماید: بر تو باد تلیت گوشت، اگر گوشت نباشد پس سرکه و زیتون است.<sup>۴</sup>

اسحاق بن عمار گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم روغن زیتون بادها را در بدن تحریک می کند؟ فرمود: بلکه بادها را طرد و از بدن دور می سازد.<sup>۵</sup>

امام صادق علیه السلام فرمود: «الزیتون یزید فی الماء». یعنی: روغن زیتون نطفه مرد را زیاد می کند.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «ادهنو بالزیت و ابتدئوا به، فانه دهنه الأخیار و ادام المصطفین، مسحت بالقدس مرتین، بورکت مقبلة و بورکت مدبرة لا یضر معها ماء». <sup>۶</sup> «با زیتون روغن مالی کنید و آن را خورشست کنید که روغن برگزیدگان است و خورشست اختیار شدگان، در دو جای قرآن و در دو ملت عظمت یافته، در حالت روی آوری و روگردانی مبارک گشته و بدین جهت هیچ مرضی با آن ضرر ندارد». <sup>۷</sup>

امام رضا علیه السلام فرمود: زیتون بوی دهان را پاک می کند، بلغم را می برد و خشم را خاموش می کند.<sup>۸</sup>

۱- همان، ج ۲، ص ۴۸۲. ۲- همان، ج ۲، ص ۴۷۲ و ۴۸۵.

۳- همان، ج ۲، ص ۴۷۲ و ۴۸۵. ۴- همان، ج ۲، ص ۴۷۲ و ۴۸۵.

۵- همان، ج ۲، ص ۴۷۲ و ۴۸۵. ۶- همان، ج ۲، ص ۴۷۲ و ۴۸۵.

۷- همان، ج ۲، ص ۴۷۲ و ۴۸۵؛ مکارم الاخلاق، ص ۲۱۸.

۸- همان، ج ۲، ص ۴۸۵؛ مکارم الاخلاق، ص ۲۱۸.

۹- همان، ج ۲، ص ۴۷۲؛ مکارم الاخلاق، ص ۲۱۸.

### مصرف روغن زیتون:

برای تهیهٔ سالاد، پخت و پز، صابون سازی، در پزشکی به عنوان نرم کننده و ملین، در سنگهای صفراوی، قولنج های کبدی، رفع یبوست، برای کسانی که با سرب کار می کنند، مصرف دارد. ملین ۶۰-۳۰ گرم، قولنج کبدی ۴۰۰-۱۰۰ گرم، برای تنقیه ۲۰۰ تا ۴۰۰ سی سی خالص یا محلول ۶۰-۳۰ گرم آن با یک زرده تخم مرغ در نیم یا یک لیتر آب. روغن زیتون غیر خوراکی که به وسیلهٔ حلالها از تفالهٔ زیتونهای فشرده به دست می آید برای صابون سازی خوب است و همیشه در بازار آن را با رزماری رنگ می کنند که شناخته شود.

روغن زیتون بسرعت جذب می شود و لذا در داروسازی مصرف زیادی دارد. خصوصاً سترون شده اش با گومول و اسانس اکالیپتوس جهت چکاندن در بینی، در سوختگیها و تهیه پمادها و...

### دانستنیهای چند از زیتون:

چگونه روغن از گیاه و از جمله در زیتون به وجود می آید؟ این سؤالی است که خوانندگان انتظار شنیدن جوابش را دارند.

در نباتات فعل و انفعالات آلی به مراتب ساده تر از محیط زندهٔ بدن انسان و حیوان انجام می گیرد و باز فعل و انفعالات آلی گیاه در حداقل و جنبهٔ معدنی آن بیشتر است، اما تشکیل چربی ها از ساده ترین مواد آلی و از کوچکترین مولکولهای ترکیبات سادهٔ شیمیایی آغاز و سرانجام مقدار فراوانی چربی در دانه ها و میوه های آنها جمع می گردد مانند روغن زیتون، بادام، کرچک، کنجد و غیره می باشد و حال آنکه می دانیم مادهٔ اولیهٔ آنها عبارت است از آب و مواد معدنی و گاز کربنیک هوا که به کمک انرژی آفتاب در انساج نبات ساخته و سنتز می شود. تقریباً بیشتر خواص زیتون گفته شد.

۱- رسالهٔ دکترای پل ژاردن < paul > Jardon از دانشکدهٔ داروسازی لیون ۱۹۴۲ به عنوان بررسی و مطالعه دارویی و شیمیایی روغن زیتون برای طالبین معرفی می شود.

به مقدار مساوی روغن زیتون و صمغ کاج در بطری کرده در آب جوش بیندازید و هنگام جوشیدن شیشه را تکان دهید که خوب مخلوط شود. مالیدن ماده به دست آمده بر محل درد نقرس مسکن است.

به مقدار مساوی روغن زیتون را با الکل مخلوط و زخمها را با پنبه آغشته به آن بشوید.

بعضی از سنگهای کیسه صفرا به وسیله خوردن یک قاشق سوپ خوری روغن زیتون و چند قطره آب مرکبات ناشتا، حل می شود و برخی قولنجها با خوردن روغن زیتون در فواصل غذا بهبود می یابند. جوشانده برگ یا پوست زیتون که با عسل شیرین شده باشد در تبها و گریپها مؤثر است.

بیست عدد برگ خشک یا تازه زیتون را در سیصد گرم آب ۱۵ دقیقه جوشانده صاف کرده با عسل صبح و شب الی ۱۵ روز بخورید و هشت روز نخورید باز شروع کنید پس از مدتی فشار خون را پایین می آورد.

### درخت زیتون:

در «تحفة حکیم مؤمن» عمر این درخت را هزار سال می نویسد.

مهندس حبیب الله ثابتی در کتاب خود به نام درختان جنگلی ایران می نویسد: درخت زیتون در شهرهای منجیل و رودبار است و ریشه های آن در شهرهای آزادشهر، بهشهر و غیر اینها دیده می شود و دارای ارزش بسیار است.

در باره خواص میوه زیتون و روغن آن لئونس کاریله در کتاب سبزیها و میوه های شفا بخش مطالبی ذکر کرده که از جمله در مورد برگ درخت زیتون می نویسد: جوشانده آن برای کسانی که فشار خون دارند یا کبدشان خوب کار نمی کند یا حبس البول دارند، توصیه شده است. روغن زیتون برای معالجه یبوست و همچنین به کار انداختن کبد مفید است که باید صبح ناشتا یک قاشق آن را خالی یا با آب پرتقال یا لیمو خورد.

اگر انگشتان خود را با روغن زیتون آغشته کنید و لثه و دندانها را مالش دهید لثه ها و



دندانهای شما تقویت می گردد و به طور کلی مالش دادن سینه و پشت و سایر اعضاء بدن با روغن زیتون برای شفای سل ریوی و درد کبد و سایر امراض مانند روماتیسم و غیره مفید است.

### ترکیبات روغن زیتون:

روغن زیتون مانند سایر روغنهای نباتی از ترکیب مواد گوناگون چرب تشکیل شده و باید دانست روغن زیتون بین هسته زیتون و روغنی که از میوه به دست می آید، متفاوت است به علاوه روغن زیتونهایی که به طریق مشابه از میوه به دست می آید باز اختلافاتی در ترکیب آنها مشاهده می شود که مربوط به اصل و نژاد زیتون است.

روغن زیتون دارای مقادیر متغیری اسیدهای چرب اشباع شده می باشد که به صورت گلیسریدها بوده و در نتیجه پایین آمدن حرارت، کم و بیش ته نشین می شوند که همان مارگارین زیتون می باشد و به طور کلی روغن به دست آمده از مناطق حاره بیشتر و دارای مارگارین فراوانتری بوده که آن را در محل سردی قرار می دهند و سپس صاف می کنند تا مارگارین آنها گرفته شود. اسیدهای جامد روغن زیتون نیز باید جدا شوند و این اسیدها بویژه از اسید پالمیک و کمی اسید آراشید یک تشکیل یافته اند. قسمت اعظم اسیدهای چرب مایع روغن زیتون از اسید اولئیک و مقدار کم آن تا ۷ درصد از اسید لینولئیک تشکیل یافته است. در روغن زیتون ۰/۵ تا ۱٪ مواد غیر صابونی شده که از قیتومترین تشکیل یافته، وجود دارد.

روغن زیتون خوراکی عملاً بدون اسیدهای چرب آزاد می باشد و ممکن است تا نیم درصد اسید اولولئیک داشته باشد. روغن زیتون نواحی شمالی تر دیرتر منجمد می شود و نقطه انجماد به آب و هوای محل ارتباط دارد.

روغن زیتون تنها روغنی است که با چربی شیر انسان و با تریولین Triolene که در انساج بدن انسان است، شبیه می باشد.

### طرز روغن کشی از میوه زیتون:

یک طریقه، له کردن زیتون و استخراج روغن به وسیله فشار است و راه دیگر له کردن و استخراج روغن با مواد حلال و فرّار است. استفاده از هر دو طریقه امروزه رواج دارد و شرح آن از بحث ما خارج است، فقط باید گفت روغنهای مذکور باید تصفیه شود تا برای خوردن آماده گردد. در تصفیه طعم و بو و رنگش را می گیرند و آن نیز طرق مختلفی دارد که ذکر آن خارج از بحث ما است.

### بهترین نوع روغن زیتون:

بهترین نوع روغن زیتون آن است که با فشار اول به دست آمده باشد زیرا در کارگاه بعد از تحت فشار قرار دادن زیتون و گرفتن روغن، مجدداً به وسیله بعضی مواد شیمیایی که روغن را در خود حل می کند مانند اثر نفتی، سولفور و کربن، تری کلر اتیلین، بقیه روغن را از زیتون خارج می کنند که روغن مذکور به علت آغشته شدن با مواد شیمیایی، خیلی خوب نیست.

برای اینکه روغن از نوع عالی تهیه شود باید زیتون را دست چین کنند و این عمل باید قبل از اینکه کاملاً میوه برسد، انجام گیرد.

### ترکیبات میوه و برگ زیتون:

۳۰ درصد وزن میوه رسیده زیتون آب است، ۵ درصد مواد سقیده‌ای، ۱۰ درصد مواد قندی و ۵۲ درصد روغن و در زیتون رسیده در حدود ۵۰۰ واحد بین‌المللی کاروتن موجود است ولی مقدار ویتامینهای دیگرش قابل ملاحظه نیست.

برای تهیه زیتون پرورده، زیتون را قبل از رسیدن چیده، ابتدا در خاک گذاشته بعد هشت روز در آب سرد می گذارند تا خیس خورده رنگش تغییر کند بعد هسته را بیرون آورده و زیتون را با دقت می شویند و نمک زده در جایی نگه می دارند و غالباً با شیرهای که از رب انار ترش و مغز گردو تهیه می شود مخلوط کرده و به نام زیتون پرورده می خورند.

### دانستنیهایی چند از برگ زیتون:

در تورات اسبیت که چون حضرت نوح علیه السلام حدس زد طوفان فرو نشسته از دریچه مخصوص کشتی کبوتری را به خارج فرستاد و آن کبوتر برگ زیتونی به متقار گرفته برگشت.

خاکستر جوانه‌های درخت زیتون در قدیم برای تسکین دردهای شدید مصرف می‌شده است، ورم و التهاب چشم را کم می‌نماید و درد آن را تسکین می‌دهد و زخمهای بدن را خشک نموده موجب درآمدن گوشت نو می‌شود. جوشانده برگهایش از خونریزی سینه جلوگیری می‌نماید. خیسانده برگ زیتون در سرکه جهت ورم انگشتان دست و پا و سیاه زخم و دمل بسیار نافع است.

مخلوط شیرۀ برگ زیتون با غسل برای تسکین گوش درد و به صورت ضماد برای شکم دردهای شدید سودمند می‌باشد.

جویدن برگها در دهان سبب استحکام لثه‌هاست، برگ زیتون در تبهای متناوب خوب است و به علت تلخی گنه گنه به جای آن مصرف می‌شده است، برگ زیتون در دباغی مصرف داشته است، مصرف داخلی از برگ زیتون جهت مرض قانقاریا (گانگرن) توصیه می‌شده است. در خاصیت تب بری آن مبالغه می‌شده و دادن شصت گرم برگ زیتون را در دوپست و چهل گرم آب جوشانده که روزی ۳ مرتبه، هر مرتبه نیم فنجان خورده شود تجویز می‌گردیده است. چهل و پنج گرم صمغ درخت زیتون را ۶ قسمت کرده هر دو ساعت یک قسمت آن را با آب کافی می‌خوردند.

### \* زیره

عبدالله بن عبدالرحمن صفوانی گوید: از خراسان با قافله به کرمان حرکت کردیم، دزدها راه قافله را، بخصوص مردی را گرفتند که می‌گفتند پول زیادی دارد و زمانی او را جهت گرفتن پول نگاه داشتند و او را اذیت می‌کردند، یکی از زنهایشان به وی ترحم کرد، او را رها نمود و فرار کرد ولی دهان و زبانش فاسد گشت که قادر بر کلام نشد، بعد از

اینکه به خراسان آمد و شنید خبر تشریف آوردن علی بن موسی الرضا علیه السلام را و اینکه آن حضرت در نیشابور است، در خواب دید به وی می گویند پسر پیغمبر وارد خراسان شده مرض خود را از او پیرس که دارویی برایت بگوید تا نافع باشد، گوید: در خواب حضور امام رضا علیه السلام رسیدم و جریان را به آن حضرت عرض کردم و مرض خودم را هم گفتم فرمود: زیره و ستر و نمک را بکوب و دو سه مرتبه آن را بر دهانت بگیر خوب می شوی، در این میان آن مرد از خواب بیدار شد و بدون فکر بدانسوی رفت و به در نیشابور رسید به وی گفته شد علی بن موسی الرضا علیه السلام از نیشابور به قصد رباط سعد حرکت نمود، گوید: بر دلم افتاد که پشت سر آن حضرت بروم و درد خود را بگویم تا داروی نافع بگیرم، لذا به سوی رباط سعد حرکت کردم و به حضور امام رسیدم و جریان را که با دزدها واقع شده بود، گفتم و جهت معالجه دارو خواستم آن حضرت فرمود: آیا در خواب به تو دارویی تعلیم نکردم، بزو همان را که در خواب به تو گفته ام عمل کن، مرد گفت: یا بن رسول الله اگر صلاح است دوباره بفرمایید، فرمود: کمون و ستر و نمک را بکوب و دو سه مرتبه از آن به دهان بگیر که خوب می شوی صفوانی گوید: رفتم آنچه در خواب و بیداری امام بر من تعلیم کرده بود عمل کردم و خوب شدم.<sup>۱</sup>

#### ترکیب شیمیایی:

زیره دارای اسانس فرار به مقدار ۵ تا ۷ درصد و روغن ثابت به مقدار ۲۰ درصد (پروتئین و اگسالات کلسیم) می باشد.

#### مصرف:

زیره دارویی است بادشکن و مقدار مصرف آن یک گرم است میوه های زیره را جهت معطر ساختن نان و در تهیه ادویه و سایر مواد خوراکی به کار می برند.

۳۵۴: ..... دائرة المعارف طب اسلامی

### ترکیب شیمیایی اسانس زیره:

اسانس زیره دارای ۵۰ تا ۶۰ درصد از یک اسانس کتوننی به نام کارون و ۴۰ تا ۵۰ درصد از ترکیبات تربنی مانند د-لیمونن همراه با مقدار کمی کاروتول و دی هیدروکارون است (کارون یکی از مشتقات لیمو است و وجود این جسم در اسانس زیره بسیار ارزنده می باشد).<sup>۱</sup>

حرف

ز



## \* ژابوراندی

### مشخصات:

درختچه کوچکی است که پوست ساقه آن خاکستری و دارای لکه‌های سفید رنگ می‌باشد. برگهای آن مرکب و دارای ۳-۵ جفت برگچه و یک برگچه انتهایی به طول حدود ۱۰ سانتی‌متر و عرض ۲ سانتی‌متر است. گل‌های آن خاکستری مایل به زرد با خاکستری کثیف، به شکل خوشه دراز است. طول خوشه تا ۵۰ سانتی‌متر و بیشتر می‌رسد. ریشه آن استوانه‌ای دوکی شکل، به قطر حدود ۲ سانتی‌متر و میوه آن دارای ۵ قسمت یا ۵ خانه است که معمولاً ۳-۲ خانه آن می‌رسد.

این گیاه تا حال در ایران دیده نشده و به طور وحشی در آمریکای شمالی، مناطق مختلف آمریکای جنوبی، برزیل و آرژانتین انتشار دارد.

درختچه‌ای است کوچک که ارتفاع آن معمولاً از ۱/۵ متر تجاوز نمی‌نماید. پوست ساقه و شاخه‌های متعدد آن، به رنگ خاکستری تیره و دارای لکه‌های کوچک و سفید



رنگ است. گل‌های تر و ماده آن به رنگ خاکستری زرد یا مایل به قهوه‌ای، مجتمع بصورت خوشه شامل پنج کاسبرگ، پیوسته بهم و ۵ گلبرگ ضخیم است. میوه‌اش مرکب از ۵ پوشینه و شامل دانه‌های متعددی به رنگ سیاه، شفاف و بدون آلبومن است. این گیاه به حالت وحشی در جنوب غربی برزیل تا پاراگوئه می‌روید.

### ترکیبات شیمیایی:

برگ این گیاهان دارای موادی نظیر اسانس، تانن، اسید ژابوریک و الکلوئیدها، نظیر پیلوکارین، ایزوپیلوکارین، پزو دویلوکارین، پیلوکارپیدین، ژابورین، پزودوژابوزین، پیلوزین و ایزوپیلوزین است.

ماده مؤثر در این گیاه، بخصوص در برگ‌های آن الکلوئیدی است به نام پیلوکارین و به علاوه در آن الکلوئیدهای دیگری به نام جابورین و کارپیلین نیز یافت می‌شود. در برگ‌های گیاه اسیدی به نام جابوریک اسید و کمی اسانس و تانن نیز وجود دارد. پیلوکارین، الکلوئیدی است که از برگ‌های ژابوراندی گرفته می‌شود و خاصیت مدرّ و معرّق دارد.

### خواص درمانی:

ژابوراندی، به عنوان معرّق در آغاز بیماری‌های مختلف، مانند آنژین، لارنژیت و برونشیت‌ها که با التهاب حادّ مخاط همراه اند، نتایج نیکو می‌بخشد. به علاوه در موارد ورم حادّ کلیه، رماتیسم مفصلی حادّ، آسم و ترشح غیر کافی شیر مصرف دارد.<sup>۱</sup> برگ‌های سرشاخه‌های جوان گیاه معرّق است و ترشح عرق در بزاق را افزایش می‌دهد. این دارو در موارد رماتیسم و آسم و نورالژی و شروع زکام‌های ریه‌ای و برونشیت و ناراحتی‌های حلق و حنجره مفید است. اگر برگ ژابوراندی را دو هفته در عصاره کنکینا و یا تنطور آرنیکا بخیسانند، مالیدن

این خیسانده به سر برای جلوگیری از ریزش موی سر مفید است.  
از دم کرده برگها نیز در استعمال خارجی شستن سر به منظور جلوگیری از ریزش مو مصرف می شود. از ماده مؤثر آن پیلوکارپین، سابقاً به صورت قطره در چشم پزشکی در موارد آب سیاه استفاده شده است ولی در حال حاضر دیگر متروک شده است و برای درمان گلوکوما از اشعه لیزر استفاده می شود.<sup>۱</sup>

### \* ژاژ

بوته گیاهی می باشد بغایت سفید و شیشه به درمنه، در نهایت بی مزه و هر چند شتر آن را بخاید، نرم نشود و به سبب بی مزگی فرو نبرد و بعضی مطلقاً تره دوغ را گفته اند یعنی: آنچه از رستنی که در دوغ و ماست کنند و علفی را نیز گویند خاردار که در ماست کنند و جمعی گویند: علفی است که بی تخم می روید و آن نوعی از درمنه است که بدان آتش افروزند و بعضی گویند: هر علفی که بی تخم روید.

### \* ژالاب

گیاهی پایا از تیره پیچکیان، که به کمک پیچکهای خود به دور درختان و تکیه گاههای اطراف می پیچد. ریشه آن به دو صورت است: نازک و استوانه ای شکل، و متورم و غده ای شکل. ساقه اش به ارتفاع ۳ متر می رسد و برگهایش کامل و به صورت قلب و شفاف و نوک تیز و پایه گلش منتهی به یک و گاهی دو گل می شود، گلبرگهایش صورتی رنگ و قیفی شکل و دارای ۵ قسمت مشخص است. کاسه گل آن نیز دارای ۵ قسم کوچک است، تعداد پرچمهایش ۵ است. ریشه متورم آن به صورت پودر به عنوان ملین و مسهل قوی استعمال می شود.<sup>۲</sup>

گیاهی است پایا و بالا رونده که به سهولت به دور درختان و تکیه گاههای اطراف خود

۱- معارف گیاهی، ج ۴، ص ۸۱ و ۸۲

۲- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۲، ص ۱۷۷۵.

می‌پیچد و از آنها بالا می‌رود. ریشه آن به دو صورت، یکی نازک و استوانه‌ای شکل و دیگری متورم و غده‌ای است. ساقه آنکه ظاهری گرد و منشعب دارد، به ارتفاع ۳ متر می‌رسد. برگهای آن به شکل قلب، عاری از دندانه، شفاف، نوک تیز و به رنگ سبز روشن است. گل آنکه رنگ گلی روشن دارد، میوه‌اش پوشینه، کروی و محتوی دانه‌های متعدد به رنگ قهوه‌ای مایل به سیاه است.

فسنتت مورد استفاده این گیاه ریشه متورم آن است که معمولاً در اردیبهشت ماه از زمین خارج کرده و پس از جدا ساختن ریشکها غده‌های بزرگ آن را بخوبی می‌شویند و آن را به قطعات کوچک تقسیم کرده و در مجاورت هوا خشک می‌کنند.

#### ترکیبات شیمیایی:

ریشه متورم ژالاپ، دارای آمیدون، صمغ، موسیلاژ، اکسالات کلسیم و ۷ تا ۱۲ درصد از نوعی رزین به نام رزین ژالاپ است که اثر مسهلی غده‌های زیرزمینی ژالاپ، مربوط به آن است.

#### خواص درمانی:

ژالاپ، از مسهل‌های قوی است ولی متأسفانه اثر ثابت و یکسان غالباً ندارد، زیرا رزین آن، هرگز در مقدار معینی از گرد نمونه‌های مختلف ژالاپ، دارای یک نسبت ثابت و مشخص نیست.

مقدار کم ژالاپ دارای اثر ملینی است و از آن برای رفع یبوست‌ها استفاده به عمل می‌آید.<sup>۱</sup>

### \* ژلاتین دریایی

از آلك‌های (خزه) دریایی ماده‌ای را استخراج می‌کنند که دارای مقدار زیادی ید است و به نام ژلاتین نیاتی یا ژلاتین دریایی معروف است و گاهی به آن (اگارد یا آگار) هم

می‌گویند.

ژلاتین دریایی خشک، وقتی وارد روده‌ها شود باد می‌کنند و به حجم آن افزوده می‌شود به همین جهت است که آن را به عنوان غذایی که زود آدمی را سیر می‌کند و جای غذا را در شکم تنگ می‌کند، استعمال می‌کنند.

قبل از این ژلاتین دریایی را بپزند باید در آب گرم حل کنند.

ژلاتین دریایی را می‌توان در حبوبات پخته و مصرف کرد یا به عنوان دسر ژلاتین آن را درست کرد و به جای ژلاتین‌های فصلی (ژله) مصرف نمود.

با گرد ژلاتین دریایی خوراکی‌های گوشت سرد ژله‌دار و سالاد و دسرهایی درست می‌کنند که بسیار خوشمزه و مطبوع می‌باشد و چون زود شخص را سیر می‌کند و از لحاظ تولید کالری در بدن ضعیف است، در رژیم‌های لاغری برای اشخاص چاق بسیار مفید می‌باشد.<sup>۱</sup>

## \* ژین سنگ

### مشخصات:

ریشه گیاهی است چینی بسیار معروف که بهتر است آن را گیاه جوانی یا نوشدازو بنامیم. در کتب طب سنتی و به عربی ریشه گیاه را جنسه و جنسا نامند.

گیاهی است چند ساله، برگهای آن مرکب دارای ۷-۵ برگچه که به‌طور گروهی با دم‌برگهای خود از یک نقطه خارج و تشکیل یک برگ مرکب را می‌دهند. هر برگچه بیضی با کناره دندان‌دار منظم، نوک تیز و با رگبرگهای مشخص است.

ریشه گیاه که قسمت مستعمل آن است دراز، ضخیم، یک شاخه یا منشعب و دو شاخه، طول آن یک متر و بیشتر و قطر آن در ناحیه یقه گیاه تا ده سانتی‌متر می‌رسد. پوست خارجی ریشه گیاه به رنگ زرد، طعم آن کمی شیرین شبیه طعم مغز ریشه

شیرین بیان است. این گیاه در کوهستانهای چین می‌روید و از داروهای شفابخش معروف چینی است.

### ترکیبات شیمیایی:

ریشه این گیاه دارای یک گلوکوزید، به نام پاناکیلون، یک ساپونین به نام پاناکسوزید یا پاناکسین، یک اسانس روغنی قرار یاناسن و یک هورمون و ویتامین B و سرانجام یک گلوکوزید به نام ژین سنین می‌باشد.

### خواص و کاربرد:

از نظر خواص، به طور کلی نیروبخش، مقوی، محرک، بادشکن و نرم کننده می‌باشد. خوراک آن نیرو و توانایی ایجاد می‌کند تا در دوران نقاهت پس از بیماری، بی‌نظمی‌های غده‌های بدن و ضعف اعصاب از بین برود و کار طبیعی و شفا دهنده آنها اعاده گردد. این بود نیز قسمتی از گیاهان دارویی، و منابع طبیعی که در اختیار خوانندگان عزیز و پژوهشگران محترم گذاشته شده، امید است فضل دوستان و صنعتگران برای استقلال و خودکفایی و ارزش ارز کشور را حفظ نمایند، چنانکه در همه موارد علمی و صنعتی و... حفظ می‌کنند، اکنون کشور ما در ماشین‌سازی - قطار - پالایشگاه - پتروشیمی - سدسازی - هواپیماسازی - موشک‌سازی و غیر اینها به خودکفایی رسیده است و نیازی به کشورهای دیگر ندارد، مگر در برخی از لوازم و قطعات که آن نیز در کشورهای پیشرفته نیز معمول است، بدین جهت آمریکا بی‌جهت به کشورهای روس - چین - فرانسه و دیگر کشورها التماس می‌کند که رابطه خود را با ایران قطع نمایند که اکنون دیر شده است. امید است خداوند کمک بیشتری عنایت فرماید.

حرف

سی



## \* سادج

هندی: تیزیات، تیج پات، گندجات، پترک

انگلیسی: folia mala bathi و by leaf

لاتین: flacourtia cata fracta , laurus cassia , cinnamomum temalla

ساذج در شرق هند می‌روید و برگ درخت دارچین است به اسم تج یا دارچین هندی معروف است nirghanta در کتاب خود به‌طور دارو آن را تامالی نوشته است و می‌گوید که آن اثر گرم دارد و برای خارج کردن یلغم اورام رماتیسم باد شکم و سوء هاضمه آن را مفید گفته است.

اطبای مسلمین هند، آن را به نام ساذج هندی نوشته‌اند و گفته‌اند که در هند در ادویه جات خوراک و به صورت دارو استعمال می‌شود.

صاحب مخزن‌الادویه گفته است که آن برگ یک درخت بزرگ است که آن درخت مثل دارچین می‌ماند و خواص آن را بادشکن، محرک، مدر، معرق، مفتح و شیرآور گفته است.



در برگ خوشبوی مانند مخلوط میخک دارچین می باشد.

سادج برگ درخت هندی است؛ باریک، طولانی، درخت آن بلند، چوب آن خوشبو، قوت آن تا سی سال باقی می ماند و بهترین آن تازه، تندبویی و تند طعم آن است. خواص آن: حافظ ارواح و اخلاط و مفرح مسمن، مصلح حال معده، مقوی احشا و اعضا، مدر بول و حیض، برای درد جگر مزمن، استسقا و یرقان، امراض مقعد و رحم مفید است.<sup>۱</sup> مرکز این گیاه در هندوستان است. قوت آن مانند قوت سنبل است و او سنبل نرم و ملایم نژاست. روغن آن از روغن زعفران قوی تر است و در علاج ورم و گرم چشم مفید است. آن را زیر زبان می گذارند تا بوی دهان را خوشبو و از کرم خوردگی جلوگیری کند.<sup>۲</sup> سادج: این لغت را ماذج با ذال منقوط و سادج با دال مهمله هر دو نوشته اند سادج در ترجمه صیدنه ابوریحان بیرونی چنین تعریف شده است.

سادج برگ درختی در هند می باشد که بخاطر خوشبو بودن آن، به عنوان ادویه در خورشت مخلوط کرده و استعمال می کنند.<sup>۳</sup>

سادج یا سادج، سازج و سازج هندی

محمد زکریا گوید: برگ نار دین هندی است و گویند این اشتباه است و آن هندی و رومی می باشد.

به عربی خوخ اقرع گویند. و به قول شیخ (بوعلی) در گلاب بجوشانند، سپس ساییده بر او رام حاره ضماد کنند، بسیار مفید است و به چشم کشیدن آن تنها یا با ادویه مناسب جهت بیاض و سلاق و ظلمت چشم مفید و مقوی دماغ و حواس و نافع درد سر و وسواس و جنون و حافظ لثه از تاکل و محکم کننده دندان و سرعت دهنده حرکت زبان، و گویند آن مدر بول و حیض و شیر و عرق و مفتت حصاة و مفید امراض مقعد و رحم است. شربت آن از یک درم تا یک مثقال تا یک مثقال و در معاجین نیم درم است، مضر

۲- قانون در طب، کتاب دوم ص ۲۳۸

۱- فرامادین کبیر، ص ۲۳۸

۳- لائانی لغات الادویه، ص ۷۸

جگر حار و مصلح آن سندنل و مضر شانه است.<sup>۱</sup>

سارج نوعی از سار است و آن پرنده‌ای است سیاه و پر خط و خال و کوچکتر از فاخته و به هندی برهین نامند. گویند: برگ‌یست بی ساق و گل و در آبهای ایستاده بلاد هند می‌روید و برگش شبیه به برگ گردکان و خوشبو و قوتش تا سی سال باقیست.

در درجه سوم گرم و در دوم خشک و مدر بول و حیض و شیر و عرق و مصلح حال معده و مقوی احشا و اعضا و حافظ ارواح و اخلاط و مفرح و مفتح و مسمن و محلل ریاح امعاء و جهت سیلان آب دهن و بدبویی آنکه از امتلاء معده باشد و خفقان و وسواس و جنون و وحشت و درد جگر مزمن و عمر و ولادت و مشیه و وجع فؤاد و تقویت خواس و یرقان و استسقا و سپرز و حصاة و مانع جمیع امراض مقعد و رحم و در اکحال جهت بیاض و سلاق و ظلمت بصر نافع و نگهداشتن در زیر زبان جهت لکنت زبان مفید و طلای او با سرکه جهت احتیاس حیض و شیر و رفع بدبویی زیر بغل و کنج ران و تضمید کوبیده مطبوخ او در شراب جهت تحلیل ورم اجفان و گذاشتن او در میان اقمشه و جامه جهت منع کرم زدن او مؤثر و مضر ریه و مصلحش مصطکی و مضر مثانه و مصلحش شربت به قدر یک مثقال و بدلش دو وزن سنبل هندیست.<sup>۲</sup>

ساذج: برگی است دوایی مانند برگ گردو و آن بر روی آب پیدا شود و بر دو نوع است هندی و رومی.<sup>۳</sup>

ساذج، ساذج، ساذج هندی: گونه‌ای دارچینی (فر) *cannelle de java* که عطر و طعم آن از دارچین معمولی کمتر است و در طب قدیم به عنوان مقوی تخمدانها به کار می‌رفته است. آن را عرفی بری، ساذج، صادق، صدق، دارچین جاوه گویند.<sup>۴</sup>

به قول پروفیسور e\_schmidt در سال ۱۸۴۱ روغن اصل برگ دارچین دارای ماده eugenol است، نیز مقداری terpenic, cinamic aldehyde در آن است. در بیخ درخت آن

۱. فرهنگ فارسی. دکتر معین ج ۲، ص ۱۷۸۷، برهان قاطع، ج ۱، ص ۶۷۵.

۲. برهان قاطع، ج ۱، ص ۶۷۵، تحفه، ص ۱۴۲.

۳. فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۲، ص ۱۷۹۳.

۴. همان، ج ۲، ص ۱۷۸۹-۱۷۹۳.

benzaldehyde safrol نیز terpene , eugenol است اضافه در بیخ درخت آن زیاد می باشد. بسبب بودن terpene, cinamic aldehyde روغن بیخ درخت از آن فرق می کند.

### روش مصرف آن:

زنجبیل خشک ۷۲ مثقال، دارالفلفل ۴۰ مثقال و از هر یکی از شبه و سادج و فلفل و هلبله سیاه و هل مربی و جوز طیب و نانخواه و دانه انار شیرین و شونیز و زیره کرمانی چهار مثقال، همه اینها را کوبیده و الک کرده بعد مقداری فانیر خوب اضافه می کنند.

امام علیه السلام فرمود: اینها را در یک برنیه (ظرف سفالی) گذاشته، مقداری آب می ریزی و زیرش آتش ملایم روشن می کنی، بعد آن را در یک ظرفی پاک می ریزی، سپس ادویه کوبیده را بر روی آن می پاشی و آن را معجون و مخلوط می نمایی، بعد در شیشه و ظرف سفالی آن را برمی داری و شربت آن مانند جوز بواء است که گذشت، مخالف اصلش نیست به اذن خداوند.<sup>۱</sup>

صاحب مخزن الادویه گفته که آن برگ یک درخت بزرگ است که مانند درخت دارچین است. خواص آن را بادشکن، محرک، مدر، معرق، مفتح و شیرآور گفته است، در خوشبویی مانند مخلوط میخک و دارچین می باشد.

به قول پرفسور e.schmidt در سال ۱۸۴۱ روغن اصلی برگ دارچین دارای ماده eugenol است؛ نیز مقداری terpene, cinamic aldehyde در آن موجود است. در بیخ درخت آن نیز مقداری benzaldehyde safrol , eugenol , terpene می باشد. به سبب دارا بودن terpene , cinamic aldehyde روغن بیخ درختهای آن تفاوت می کند.<sup>۲</sup>

محمد زکریا می گوید که سادج به برگ ناردین هندی می ماند و این خطاست و به ناردین تعلق ندارد و محل رویش سادج، سرزمین هند است و نبات آن در موضعی بود از زمین، که در آن سماروغ نباشد و آب در آن ساکن می ماند و نبات آن بر روی آب بماند و بر روی آب پیدا می شود و آن را بیخ نباشد. می گویند که صفت سادج هندی آن است

۲- فارماکوگرافیا، ج ۳، ص ۲۰۹.

۱- طب الاثمه، ص ۱۷۷، بحار، ج ۶۶ ص ۲۴۱.

که شاخه‌های نبات آن به شکل شاخه‌های شاه اسپرغم باشد و برگهای آن تنگ است و شکوفه آن در نظر چنان نماید که در کف مالیده‌اند و درهم شکسته و دارای بوی خوشبو می‌باشد و درخت ساذج ستبر بوده و بالای آن دراز است و هر برگی از آن به اندازه یک وجب یا کم بوده در بزرگی و بوی آن خوش و به بوی برگ جوز می‌ماند و محل رویش درخت ساذج سرزمین هند و زنگ می‌باشد. ساذج هندی بوی دهان را خوشبو می‌کند.<sup>۱</sup> ساذج معرب ساده است و آن را به یونانی بالابزن و بالابردن و به سریانی فلارد، فولاد فلاس و به هندی پنزج و پتجیات و مهقالی و تال پتر و کمال پتر می‌گویند. و آکه پتری و آملکیدی یعنی: مانند برگ آمله معتدل است و بدن را معتدل می‌گرداند و آن دو نوع است: هندی و رومی و در ماهیت آن اختلاف است. می‌گویند که آن برگ قرنفل است و می‌گویند برگ دارچینی و کبابه میوه آن است و می‌گویند برگ صندل و تحقیق آن است؛ گلبرگ درخت هندی است طولانی، عریض‌تر از برگ بید و ضخیم‌تر و خوشبو و اندک تند طعم و مایل به زردی و اندک خشن و پنج خط طولانی در طول از بیخ برگ تا به سر برگ رسیده، یکی در وسط و دو به چپ و راست آن و درخت آن بلند و بزرگ و چوب آن نیز خوشبو و پوست آن شبیه بسلیخه و منبت آن اکثراً در کوهستان سلهت است. قوت آن تا سی سال باقی می‌ماند و بهترین آن تازه و درست برگ تیز بودند که متکره و شور مزه و شکسته نباشد و خوشبو مثل قرنفل یا اسارون یا ابرسا بود. گرم در سوم و خشک در درم است.

### خواص:

چون در میان جامه نهند، خوشبو کند و از کرم خوردن محفوظ دارد و بوی زیر بغل و کنج ران ببرد، اورام بارد را تحلیل می‌نماید. جهت بیاض و سلاق و ظلمت بصر و تاخته مفید مقوی دماغ و حواس و نافع درد سر و سواس و جنون و وحشت و مفرح نفس است.<sup>۲</sup>

ساذج: گرم و خشک است در دو درجه و به سنبل مشابهت دارد و بول و خون حیض را از مثانه و رحم می راند و بینایی و خفقان را سود می دهد و بوی بغل را می برد.<sup>۱</sup>  
درخت کوهی است که شاخه هایش مثل درخت اوکالپتوس مستقیم بالا می رود و میوه پخته اش به رنگ سیاه است برگ آن به طور دارو استعمال می شود که بلند و نوک دار است، میوه هایش کوچک مثل فلفل سیاه است که آن را در هند نیالی دهنه می گویند. رنگ برگهایش در اول پیازی و بعدها مایل به زرد می شود.

مقوی معده و دماغ و مفرح است در خفقان و وسواس و ضعف معده استفاده می کنند. ریح را تحلیل می کند، مدر بول است، دود سوزانده آن ولادت را سهل می کند، ساییده آن با سرکه و مالش آن دافع بوی بد زیر بغل می باشد و نیز در لباسها می گذارند چون دافع کرمهای لباس می باشد.<sup>۲</sup>

در مخزن المفردات ساذج هندی را به اسامی مختلف هندی تیزیات، نال پتر، کمال پتر، اک پتری نوشته است و می گوید برگهایش با برگهای برگد شباهت دارد مزاج گرم و خشک ۲ درجه، آن را به طور دوائی مفرح در خفقان و دل درد و ضعف دل استعمال می کنند و در وسواس و جنون و وحشت هم استفاده می کنند. باد رحم را تحلیل می کند، در امراض چشم سرمه می کنند، بوی دهان و دندان را دور می کند، ضماد آن ورم سرد را تحلیل می کند، نفع خاص، مفرح، مدر و محلل ریح است و مضر برای ریه و مثانه است. رنگ پوست: دور و بر آنها لکه های سفید می باشد.

مزاج: گرم درجه ۲ و خشک درجه ۳

محل حصول: شمال هند، کشمیر، بنگلادش و بر بلندی کوههایی به ارتفاع ۳۰۰۰ تا ۷۰۰۰ فوت می روید.

۱- صیدنه، ج ۲، ص ۸۸؛ فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۲، ص ۱۱۷۸۹؛ ابن بیطار، ج ۳، ص ۱۲؛ فرابادین کبیر، ص ۲۳۷؛ قانون در طب، ج ۲، ص ۲۳۷.  
۲- المفردات، ص ۱۲۱.

### مقدرا خوراک:

جوشانده از ۳ تا ۴ گرم و گرد و معجونش: ۲ گرم می باشد.<sup>۱</sup>  
 در بستان المفردات مقدار خوراک آن را ۴ گرم نوشته است و آن را مدر عرق و حیض و بول نوشته است و در مرض یرقان و استسقا و طحال و درد جگر و امعاء مفید نوشته است، سنگ کلیه و مثانه را می شکند، لکننت زبان را دور می کند، نافع در امراض مقعد و رحم و ضعف چشم می باشد.<sup>۲</sup>

کتاب همدرد اسم طبی آن را *cinnamum iners* نوشته است و در گروه داروهای مشهی و مقوی معده و جگر و مسکن درد قولنج نام برده است. و مخلوط آن را با سنبل الطیب، علواء، هلیله، فلفل سیاه، مامیران، نمک لاهوری، نوشادر و دیگر ادویه برای خارش چشم و امراض دیگر چشم مفید دانسته است. و نیز بعضی جاها آن را به نام *cinnamomum cassia* نوشته است و لکن درخت سازج به این اسم نامیده می شود که آن را در فارسی قرفه و در عربی سلیخه و در هندی تج می گویند و آن پوست درخت سازج می باشد، در صورتی که به برگهای درخت سازج می گویند و همچنین آن را در بعضی نسخه های مقوی قلب و دماغ و جگر و مفرح استعمال کرده است.<sup>۳</sup>

### \* ساج

ساج معرب ساگ است و به هندی سال گویند و آن درخت بزرگ است راست قامت، چوب آن سخت سرخ رنگ با اندک غبرت و سیاهی و سنگین و بقای آن طویل و گاهی ساق آن تا ۶۰ دست می رسد و برگ آن بزرگ و عریض، اندک طولانی و ثمر آن به قدر فوفل و پسته و اندک طولانی و در کوهستان می شود و ثمر آن را جوش داده می خورند و به رومی اثرش گویند. چوب آن سرد و خشک در دوم است و با اندک گرم است و از ثمر

۲. بستان المفردات، ص ۱۰۰

۱- مخزن المفردات، ص ۱۳۰

۳- همدرد انگلیسی، ص ۸۶-۷۴-۱۱۹-۱۸۵-۲۶۹-۲۹۹

آن روغن غلیظ برمی آورند و آن در دراز کردن موی و رفع خارش بدن مفید و ضماد چوب آن نافع اورام صفاوی و دموی و محلل آنهاست و لاسیما چون به آب بعضی اشیای سرد آمیزند و چون چوب آن را به گلاب با آب شیرین سرد سوده ضماد کنند، صداع حار را نفع کند و چون آن را بسوزانند و در آب مامینا و امثال آن سرد کنند و سحق کرده اکتحال نمایند، حدقه را قوی گردانند و اورام حار اجفان را نفع دهد و چون براده چوب آن بخورند، تشنگی و التهاب معده ساکن کند و اگر ۳ مثقال از آن به ماءالعسل بخورند، اخراج کرم شکم به قوت نماید و مخرج صفرا و بلغم نیز نوشته اند. مقدار شربت آن از یک مثقال تا سه مثقال است مضر جگر می باشد مصلح آن عناب و پوست آن قابض و زهخت ضماد آن باعث خشونت جلد بدن و در سرح نیز خواهد آمد.<sup>۱</sup>

درختی است هندی که ساکوته نامند، به قدر درخت چنار و سرخ رنگ و صلب و مایل به سیاهی و کثیر الورقی و خوشبو و ترشی به قدر فوفل و مستطیل و مؤلف تذکره آن را فندق هندی دانسته. چوب او در سیم سرد و خشک و با اندک حرارتی و ضماد ساییده او با آب سرد جهت سردرد حار و اورام حاره و خوردن شربت او مسکن تشنگی و التهاب معده و با ماءالعسل جهت اخراج کرم شکم قوی الأثر است و روغن تمر او غلیظ و خوشبو و جهت دراز کردن موی و رفع خارش بدن مفید است.<sup>۲</sup>

و درخت ساج سطبر باشد و بالای او دراز بود و هر برگی از او به اندازه سپر دیالم بود. در بزرگی و بوی او خوش بود و به بوی برگ جوز ماند با آنکه رقت و لطافت او زیادت باشد از برگ جوز.

پیل را به برگ او و درخت موز و جوز رغبتی عظیم با شرو مثبت درخت ساج در زمین هند و زنگ باشد.<sup>۳</sup>

ساج: بر وزن کاج درختی باشد بسیار بزرگ و بیشتر در هندوستان می روید. طبیعت آن سرد و خشک است و مدعی بود که آن را مرغ کنجد خوار گویند و بعضی ماده مرغ

۲- تحفة حکیم مؤمن، ص ۱۲۲.

۱- محیط اعظم، ج ۲، ص ۲-۳.

۳- صیدنه، ج ۱، ص ۳۶۳.

کنجد خوار را ساج گویند.<sup>۱</sup>

ساج درختی است زیبا از تیره شاه‌پسند، دارای برگهای پهن کامل متقابل که در سطح تحتانی رگبرگهایش کاملاً برجسته و نمایانند. گل‌هایش منظم و دارای آرایش گرز و خوراکی است. چوب این درخت بسیار مرغوب و مقاوم است و در ساختمان و کشتی‌ها به کار می‌رود دلب هند را ساج گویند.

به فرانسوی: teck

به لاتینی: *tectonia grandis*

به فتح سین مهمله و الف و جیم به هندی سال و ساکون نامند، ماهیت آن درختی است هندی به قدر درخت چنار و سرخ رنگ و صلب مایل به سیاهی و کثیر الورق و خوشبو و برگ آن بزرگ و عریض و اندک طولانی و میوه آن به اندازه پسته و در کوهستان می‌روید و ثمر آن را جوش داده می‌خورند.

طبیعت چوب آن در دوم سرد و خشک و با اندک حرارت است.

خواص آن: ضماد ساییده آن با آب سرد جهت درد سر حار و تحلیل اورام حاره و دمویه و صفراویه، خصوصاً با آب اشیای بارده و خوردن نشانه شربت آن جهت تسکین تشنگی و التهاب معده و با ماءالعسل جهت اخراج صفرا و بلغم و کرم معده قوی الاثر و روغن آن غلیظ و خوشبو، جهت بلند کردن مو و رفع خارش بدن مفید است.<sup>۲</sup>

### \* ساییزج

ساییزج همان لفاح است. ارجانی گوید لفاح سرد است در درجه دوم و در درجه اول تر است.

یکی از خواص او آن است که خواب آرد و علت خنق پدید کند و لذا دفع این مضرت از وی آن است که به عسل و روغن گاو یا عسل قصب و روغن شیره و آب گرم او

۱- بوهان قاطع، ج ۱، ص ۶۷۳

۲- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۲، ص ۱۷۸۴

۳- فرابادین کبیر، ص ۲۳۷



را علاج کنند تا این مضرت از وی رفع شود.

پوست و بیخ او در غایت سردی است و عضوی را که مجاور او شود، مخدر است و اندر شکوفه او اندکی تری هست که به واسطه آن خواب آرد و چشم را خیره کند. میانه او ضعیف است و قوتی ندارد که این خواص درو بود و حلق را مضر است.<sup>۱</sup>

### \* ساداوران

اصل این سیاه داران است و فارسی است به معنی سیاهی درختان و این توجیه بعید است، بلکه قریب تر این است که «سا» مخفف سیاه است و داوران به معنی حاکمان و لهذا گویند که چون نوعی سیاهی از آن مدنیت می سازند آن را مدار القضاة و سواد القضاة و سواد الحکام گویند و سهک داوران و قنطار و خاتم الملک نیز نامند و به فارسی آب بن و به هندی کالا سانواخوانند و آن جسمی سیاه براق مثل قطع مداد است که در ساق درخت بطم کهنه به هم می رسد و گاه در جوف بیخ اشجار بزرگ بلاد هند و حوالی آن پیدا می شود و گویند: آن صمغی است که درون بیخ درخت گردکان که مجوف شده باشد یافت می شود و آن گویا که آب متعفن است و بر آن سالها گذاشته و بدان چوب فاسد را رنگ می دهند.

سرد در دوم و خشک در سوم و گویند: خشک در اول و یحیی بن ماسویه گوید که سرد و خشک در دوم است و به اندک حرارت محله و در خوشبوها و غالیه داخل شود و در آن تلخی اندک و قبض بود و لهذا رافع اورام حار است.

و چون به روغن آمیزند و بر موی لطرخ سازند بغایت منسود مو است و چون به سرکه سوده بر اورام طلا کنند، سود دهد و طلای آن اورام خصیه و ذکر را نفع کند و شراب جهت تحلیل اورام بارده صغیر و خوردن و ضماد کردن آن نافع نرف الدم جمیع اعضاء و التیام دهنده زخم هاست. مداومت خوردن آن مولد سودا است و مصلح آن شکر است.<sup>۲</sup> به فتح سین مهمله و الف و دان و الف و واو و راء مهمله و نون معرب از سیاه داران

است. یعنی: سیاهی درختان چه دار به لغت فارسی درخت است و الف و نون بر او جمع است و به عربی سواد الحکام نامند به جهت آنکه قسمی مداد از آن ترتیب می دهند و آن را سواد القضاة نیز گویند.

ماهیت آن چیزی است سیاه، مایل به سرخی و براق شبیه به شمع و با اندک تلخی و در جوف درختان هند و بلاد حوالی به هم می رسد و گویند: آنچه از درخت نارچیل به هم می رسد بهتر است و صاحب منهاج گویند: صمغ درخت است و صاحب جامع گویند: چیزست مانند صمغ که در اندرون بیخ درخت باشد یابند.

طبیعت آن در دویم سرد و خشک و با اندک حرارت محلله.

افعال و خواص آن: رادع اورام حاره و با آب بارتنگ قاطع نرف الدم همه اعضاست. شریاً و ضماداً حابس اسهال دموی است و التیام دهنده زخم ها و با سرکه شراب جهت ورم قضیب و اثنیان و جهت تحلیل اورام بارده و مداومت در خوردن آن مولد سودا و مصلح آن شکر است.<sup>۱</sup>

معرب از سیاه دارانست به معنی سیاهی درختان چه دار به لغة فرس درخت است و به عربی سواد الحکام نامند، جهت آنکه قسمی از مواد از آن ترتیب دهند و سواد القضاة که صاحب اختیار است ذکر کرده است. اسم عفص است و آنچه گفته که درخت بطم حاصل می شود، اصلی ندارد، بلکه چیزی است سیاه مایل به سرخی و براق و شبیه بشبه و با اندک تلخی و در جوف درختان هند و بلاد حوالی او به هم می رسد و مخصوص آن بلاد است و در دوم سرد و خشک و با اندک حرارت، محلله و رادع اورام حاره و با آب بارتنگ قاطع نرف الدم همه اعضاست شریاً و ضماداً و حابس اسهال دموی و التیام دهنده زخمهاست.

و با سرکه جهت ورم قضیب و اثنیان و با الکل جهت اورام بارده و با روغن مورد جهت منع ریختن موی مؤثر و بغایت سودمند است، خوردن آن مولد سودا و مصلحش شکر است.<sup>۲</sup>

سادآوران بر وزن هاماوران به لغت سریانی چیزست مانند صمغ و آن را در درون بیخ درخت گردکان که مجوف شده باشد یابند. سرد و خشک است در دوم و سوم، خوردن و ضماد کردن آن بر شکم اسهال خونی را نافع است و آن را به لغت رومی قنطار و به عربی خاتم‌الملک گویند.<sup>۱</sup>

ماده‌ای است سرخ رنگ و تلخ مزه، شبیه به صمغ که آن را در اندرون بیخ درخت گردو به دست آورند و در طب قدیم مستعمل بوده و بعضی این قول را صحیح ندانسته و آن را عبارت از نوعی گل‌سنگ یا قارچ دانند که در داخل تنه پوک شده درختان قدیمی، خصوصاً درخت گردو می‌روید.<sup>۲</sup>

سادآوران: (سیاه داوران - سادوران) مزاج در دوم سرد و در سوم خشک است خاصیت: بندآورنده خون است آرایش: از ریزش مو جلوگیری می‌کند جانشین: به وزنش فیل‌زهره و یک سومش بیخ نی است.<sup>۳</sup>

ساکودانه: درخت آن مانند درخت سیب‌هل که درخت هندی است پوست آن بسیار ضخیم و استخوان آن نازک، طبیعت آن گرم در دوم و تر در اول است.

خواص آن: چاق کننده بدن و ملین طبع است.

سالامندرا: اسم یونانی نوعی از عظایه است و به ترکی بیلابه اغودیون نامند. ماهیت آن حیوانی است شبیه به مار دست و پادارد و دستهای آن کوتاه‌تر از پاها و گردن آن باریک و دم آن کوتاه و بزرگتر و پهن‌تر از سام ابرص و طبیعت آن بغایت خشک. خواص: مالیدن آن با عسل جهت درد مفاصل و اورام بارده نافع است.<sup>۴</sup>

ساندروردان و سادردان: هر دو اسم شادنج است.

۱- برخان قاطع، ج ۱، ص ۶۷۲

۲- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۲، ص ۱۷۸۷.

۳- قانون در طب، ج ۲، ص ۲۴۲

۴- فرامادین کبیر، ص ۲۳۸

ساینا:

اسم شامی نباتی است که تخم آن سیاه و مستدیر، شبیه به تخم کرفس بوده و در آن حدتی است که زیان را بسوزاند.

سابیرج:

به فتح اول و الف و کسر موحد و سکون تحتانی و فتح رای مهمله معرب شاییزک و شاییره فارسی است و آن لفاح فارسی کوچک است که آن را بیروج گویند.

ساهر:

به بای موحد و مفتوح، حیوان هندی است که از جلد آن شلوار و بند شمشیر سازند. نزد یونانیان آن را منفعت در طب نیست و نزد هندیان گوشت آن وقت هضم شیرین و سرد و تر و گران و مولد بلغم و دافع خون صفراوی است.

ساتهر: دوی هندی است، مسهل و دافع باد و بلغم.

ساتهی:

به فتح سین مهمله و الف و کسر تاء فوقانی هندی و خفای ها و کسر یای تحتانی. قسمی از برنج سرخ رنگ است که در شصت روز می رسد و لهذا به این اسم موسوم گشته و آن را به هندی رکت شال، یعنی مثالی سرخ و پرسوها یعنی طره دار نیز گویند. سبک و بسیار نافع و مقوی اعضاء و افزونده رنگ و حافظ صحت و هنگام هضم تیز و شیرین و دافع فساد اخلاط ثلاثه و مدر بول و مصفی آواز و گلو و بینی و رافع سوزش اعضاء و بعضی گویند: آن سرد و خشک است و جمع انواع آن در خواص قریب و حایس شکم و خون حیض و دافع صفرا است.

### \* سالاد

سالادی که از سبزیهای سیر، پیاز، آبلیمو، کاهو و روغن زیتون تهیه شده برای اشتها به خدا نظیر ندارد.<sup>۱</sup>

۱- اسرار خوراکیها، ص ۱۲۷؛ گذرنامه برای زندگی نوین، ص ۵۱

سالاد لبو و کاهو ضد خونریزی است.<sup>۱</sup>  
 برای درمان کرم کدو شخص مبتلا باید هر شب سالاد سیب زمینی که دارای لا اقل  
 ۶۰ گرم روغن مایع گردد باشد، بخورد.<sup>۲</sup>  
 سالاد کاهو و کلم ضد برنشیت می باشد.  
 سالاد کاهو و گوجه فرنگی درمان امراض عصبی است.<sup>۳</sup>  
 سالاد سرکه برای هضم غذا و ترشحات معده ضرورت دارد، فعالیت کبد و ترشح  
 صفرا فعالیت و ترشحات معده را تکمیل و مواد غذایی را جذب بدن می کند.<sup>۴</sup>

### \* سبزی

عن موفق المدني عن أبيه قال: بعث إلى الماضي عليه السلام يوماً وجسني للغداء فلما جاؤا  
 بالمائدة لم يكن عليها بقل فأمسك يده ثم قال للغلام: أما علمت أني لا أكل على مائدة  
 ليس فيها خضر، فأنتني بالخضر، قال: فذهب وجاء بالبقل فألقاه على المائدة فمد يده ثم  
 أكل.<sup>۵</sup>

ابن قتاده گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: لكل شيء حلية وحلية الخوان البقل.<sup>۶</sup>  
 برای هر چیزی زینت هست و زینت سفره سبزی است.  
 موفق مدنی از پدرش نقل می کند که ابی الحسن ماضی مرا خواست و غذای صبحانه  
 آوردند که سبزی نداشت به خادم فرمود: آیا نمی دانی که من بدون سبزی غذا  
 نمی خورم. سبزی آوردند و خورد.

باز امام عليه السلام فرمود: خضروا موائدکم بالبقل فانه مطردة للشيطان من التسمية.<sup>۷</sup>  
 مائدها و سفره های خود را با سبزیجات سبز کنید که به اسم خدا شیطان را دور

۱- اسرار خوراکیها، ص ۱۲۷.

۲- میوه ها و سبزیهای شناختن، ص ۱۸۱

۳- اسرار خوراکیها، ص ۱۲۷.

۴- پزشک خانواده، ص ۱۶۵.

۵- معانی، ج ۲، ص ۵۰۷

۶- امالی طوسی، ج ۱، ص ۳۱۰؛ مکارم الاخلاق، ص ۳۱۰؛ بحار، ج ۶۶، ص ۱۹۹.

۷- امالی طوسی، ج ۱، ص ۳۱۰؛ مکارم الاخلاق، ص ۲۱۰.

می سازد.

عربی: الخضروات، البقل

فارسی: سبزی است.

سبزی اسم مخصوصی برای سبزیهای خوراکی می باشد و جزء مهمی از غذای انسان می باشد، البته مطلقاً تمام گیاهان را سبزی می گویند لکن در روایات یا در موضوع غذا سبزی به آن گفته می شود که غذای روزانه انسان محسوب می شود. سبزی دارای کربوهیدرید و cellulose می باشد و همه نوع ویتامین و معدنیات در سبزی موجود است و سبزی در بدن انسان بیشتر از گوشت و خوراکیهای دیگر عمل شیمیایی انجام می دهد. بعضی سبزیها در قدیم فقط به عنوان دارو مورد استفاده قرار می گرفت.

امروزه به سبب فواید بسیاری که دارند، به صورت خورشت و خوراک معمولی انسان رایج شده است. در طب تمام تخمها و گلها که بر سبزیها می روید و برگی که بر درختها می روید، به صورت دارو استعمال می شود و هر گیاه و تخم و جوهر گل را در جای خودش به طور مفصل بیان کرده ایم، ولی هنوز بسیاری از سبزیها هستند که فواید آنها از نظر بشر مخفی مانده است و بعضی از فواید را حکما و علما و ائمه علیهم السلام و از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و از آیات قرآنی برای مردم کشف و ظاهر گردیده است که در بعضی نقاط جهان از آن استفاده می کنند

سبزی یک غذا و جوهر مهم حیات بشر و حیوان است. حیواناتی که گوشت آنها پروتئین و شیر آنها ویتامین دارد خوراک اصلی آنها سبزی است و در خود رنگ سبزی یعنی ماده کلروفیل را دارند که به دو شکل می باشد:

کلروفیل a: c55h72o5n4ng

کلروفیل b: c55h70o6n4ng

و رنگهای دیگری به نام carotin به فرمول شیمیایی c40h65 می باشد و ماده xanthophyll به فرمول شیمیایی c40h56o2 می باشد و ماده fucoxanthin به فرمول شیمیایی c40h54o6 می باشد و ماده anthoxanthins و ماده flavone به فرمول شیمیایی

c15h10o2 و ماده xanthone به فرمول شیمیایی c13h8o2 می باشد نیز ماده , rhamnetin anthocyanimns که به شکل جوهر شیمیایی موادی به نام pelargonin , morin , chrysin , quercetin و بعضی مواد مانند mytillin , idaein , cyanin , alphaein , آنها در برگ و گل و میوه رنگ آبی و سرخ و بنفش می سازند و از این مواد بسیار است که خود جایی بحث مفصلی دارند و این را در یک موضوع جداگانه خواهیم نوشت.

نتیجه آنکه تمام مواد شیمیایی و خصوصاً رنگهایی که در سبزی است، ضد عفونی کننده و دافع میکروب از بدن انسان هستند، خصوصاً ماده کلروفیل در بسیاری داروها مانند خمیر دندان، صابون ضد عفونی کننده و محلول خارجی ضد عفونی شامل می شود و تمام این مواد جداگانه ذکر خواهند شد.<sup>۱</sup>

مواد طبی و شیمیایی که در سبزیها موجود است و دارای:

- 1\_ glucoiside جوهر شکری
- 2\_ alkaloids جوهر نمکی
- 3\_ aglucone جوهر غیر شکری
- 4\_ glycoside مجموعه ترکیب اکسیژن و کربن و هیدروژن
- 5\_ saponins مواد غیر نیتروژنی
- 6\_ neutral principles مواد مشابه نمکیات
- 7\_ fixed oils روغنهای طبی
- 8\_ fats چربی
- 9\_ volitle oils روغن طبی فراری
- 10\_ waxes موم
- 11\_ resins مواد لعابی
- 12\_ oleo resins روغنهای لعابی

بلسانات که از عملیات شیمیایی روغن لعابی و اسید بنزوئیک بدست آید. 13\_bal sams

14\_gums صمغها

15\_lipoids مشابه چربی، در این ماده لیسیترین و کلسترول قابل ذکر است.

16\_gum resins روغنهایی که از درخت خارج می شود و مجموعه ای از

صمغ و لعاب است و ماده مر در این نوع قابل ذکر است.

در بعضی سبزیها و بعضی اسیدها حاصل می شود.<sup>۱</sup>

بعضی از معدنیات مثل گوگرد، سدیم، پتاسیم، کلسیم و آهن از سبزی و گل و میوه آن

به دست می آید.

سبزی های خام و تازه و پخته در رژیم چاقی مؤثر است.<sup>۲</sup>

پختن سبزیها و حبوبات و دور ریختن آب آنها نیز از اشتباهات طبایعی است که باید

متروک شود.<sup>۳</sup>

سبزیجات مخصوصاً کاهو و کاستنی دارای مقداری مس هستند و این مس گیاهی که

زنده است، جلوی سرطان را می گیرد و شما را علیه امراض تقویت می نماید.

در بین سبزیجات، تره و اسفناج دارای مقدار زیادی منیزیم می باشد. منیزیم نیز

مقاومت نسوج بدن را در مقابل امراضی، مخصوصاً سرطان زیاد می نماید. از این رو

خوردن سبزیهای سبز توصیه شده است.<sup>۴</sup>

امام رضا علیه السلام می فرماید: سبزیهای گرم مانند کرفس و تره تیزک و کاهو در زمستان

برای روده ها سودمند است.<sup>۵</sup>

سبزیها و میوه چون گلگیری دارند، برای بیماریهای کبدی صفراوی و لوزالمعده

مفیدند.<sup>۶</sup>

سبزی خواری موجب روشنی هوش و تقویت دماغ می گردد.<sup>۷</sup>

۲- فرهنگ خوردنیها، ص ۳۲۲

۱- کتاب طبی دکتر اعوان، ص ۱۲-۱۳-۱۴-۱۵

۳- نجات از بیماریها، ص ۶ ۴- طب الکبیر، ص ۱۶۸

۵- طب و بهداشت از امام رضا، ص ۱۷۰

۶- اصول درمان طبیعی، ص ۱۸۵

۷- اصول درمان طبیعی، ص ۱۹۲



یکی از اصحاب می‌گوید: یک روز حضرت رضا علیه السلام مرا نزد خود خواند و برای غذا خوردن مرا نگهداشت موقمی که سفره آوردند سبزی در سفره نبود، حضرت از غذا خوردن خودداری کرد و به خدمتکار فرمود: مگر نمی‌دانی که من از سفره‌ای که سبزی در آن نباشد غذا نمی‌خورم؟! از سبزی بیاور. آن مرد صحابی می‌گوید: خدمتکار رفت و سبزی آورد و در سفره گذاشت، آنگاه حضرت رضا علیه السلام شروع کرد به غذا خوردن.

امام صادق علیه السلام به یکی از اصحاب فرمود: مگر نمی‌دانی که هر وقت طبق غذا و افطاری برای حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام می‌آوردند، روی آن سبزی بود: آن صحابی عرض کرد: فدایت شوم برای چه؟ حضرت صادق علیه السلام فرمود: چون دل‌های مؤمنان سبز است، سرسبز و خرم به حکمتها و معارف و به سبزی مایل است.

سبزی خوردن که تقریباً در سفره بیشتر ایرانی‌ها وجود دارد، در شهرهای مختلف از چندین سبزی متفاوت تشکیل شده است که به هر حال دارای خاصیت کلی است و آن اینکه به علت داشتن سلولز در واقع مانند جارو مواد انباشته شده در روده‌ها را پاک می‌کند و به این ترتیب اثر شیره دستگاه هاضمه روی مواد غذایی به سادگی انجام می‌گیرد و هضم غذا آسان می‌شود. گذشته از این مشترک هر یک از سبزیها دارای خاصیت اختصاصی است که به تغذیه بهتر و سالمتر کمک می‌کند و مانع سرطان است. در استفاده از سبزی خام، آنچه که خیلی مهم است شست و شو و تمیز کردن دقیق سبزی است، زیرا سبزی خام مخفیگاه بسیار مساعدی برای انواع میکروب‌هاست و اگر نباشد که در این زمینه سهل‌انگاری شود، بهتر است که از خوردن سبزی خام خودداری گردد.<sup>۱</sup>

سبزی گیاهی که خام یا پخته آن را خورند مانند نعناع، ترخون، ریحان و جز آنها.<sup>۲</sup>

۱- خوردنی‌ها و آشامیدنیها از نظر پیشوایان علم و دین، ص ۷۳.

۲- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۲، ص ۱۸۱۷.

### \* سالیسیلات

گروهی از داروهای ترکیبی هستند که رابطه نزدیکی با آسپرین (اسید استیل سالیسیلیک) دارند. در ابتدا به صورت عصاره پوست درخت بید، که شهرت زیادی در معالجه انواع تب التهاب مفصل و رماتیسم داشت، به کار برده می شد. این ترکیب هنوز هم در طب استفاده های زیادی دارد و برای تأثیرش در از بین بردن درد و کاهش تب شهرت خاصی دارد.

ساروا: اسم یونانی عصابه است.

ساری: اسم هندی حب التسیل است.

سالیطس: اسم یونانی حجر القمر است.

ساسم: آهنوس.

ساتامورا: اسم یونانی بادآور است.

سالس اغریون: اسم یونانی کیکج است.

سار: اسم فارسی زرزور است.

ساکونه: اسم هندی سازج جست.

سارسل: اسم هندی قنغذ است.

ساگرکون: اسم حجر البهت.

سائیب: اسم هندی حبه است.

سالیکا: اسم هندی کندر است.

سادس: اسم یونانی هندیا است.

ساس: اسم فارسی فساقس است.

ساطریریا و ساطوریون: اسم یونانی خصیه الثعلب است.

سافروس: اسم یونانی فیزوجست.

ساسارکشت: اسم تخم انجره است.

سام و ساسب: معرب شیشم فارسی است و گویند: آن اسم درختی است که از آن قوسها سازند و گویند که آن آبنوس است.  
ساق الحمام: رعی الحمام است.  
ساطریوس: جدوار را گویند.  
ساروقوس: اسم قسم بزرگ بوم است.  
ساسالی: اسم کاشم است.  
سالیکا: اسم هندی کندر است.  
سال: درخت مشهوری است و آن را ساکهر نیز گویند. سرد و قابض شکم و دافع فساد بلغم و زهر و دملها و بثور و سوختگی آتش است و به عربی ساج نامند.  
سالوط: آن حیوانی است از حیوانات دریا.  
سام ابرص: چلباسه بری است.<sup>۱</sup>

### \* سرخ مرز

به فارسی علف هفت بند گویند. دارای تانن زیاد بوده و جهت اسهال و اسهال خونی و جلوگیری از خونریزی سینه و معده و زخم معده و روده مفید است. ضماد آن ورم‌های خونی را فرو می‌نشانند و جوشانده آن مسکن درد است و جوشانده آن در شراب جهت شستشوی رحم توصیه می‌گردد.<sup>۲</sup>

### \* سبوس sabus

فرانسوی: folle avoine

لاتینی: avena fatua

گیاهی است از تیره گندمیان که یکی از گونه‌های یولاف است و جهت تغذیه دام‌ها به کار می‌رود و چون بسیار پیش‌رس است در ابتدای بهار بهترین علف مرتع بشمار می‌رود

و ضمناً رشد سریع این گیاه تا حدی مانع رشد گیاهان موذی و هرز می شود و از این جهت نیز نافع است.<sup>۱</sup>

سهل الهضم تر از آن سبوس چیزی نیست. برای دفع یبوست باید آرد سبوس را از مخلوط با عسل را بجوشانند و بخورند.<sup>۲</sup>

### \* سبوس گندم

سبوس گندم اسم فارسی نخاله است.<sup>۳</sup>

سبوس اسم فارسی است و به عربی نخالی و به هندی بهوس و چوکهر گویند و آن پوست حبوب است که از آرد وقت بیختن او خارج شود و به قول شیخ اگر مطلق آن مراد سبوس آرد، جید و آن گندم است. گرم و خشک در اول و بر رای جالینوس گرمی آن کمتر از گندم و خشک زیاده از آن و سبوس جو و جاورس گرم و خشک در دوم و شیخ می فرماید در آن جلا و تلین و تنقیه بسیار است و گرسنه را نمی رسد و محلل زیاج بلغم است و گویند: قوت سبوس گندم مثل قوت آرد گرسنه است و بهترین آن سبوس گندم است. جلای بسیار و تسخین اندک نماید و محلل و متقی است و نان آن قابض و مجفف رطوبات معده است و حریره آن تلین شکم را خراج مواد محتبس در امعا کند.

ضماد سبوس گندم با روغن زیتون و سرکه جهت ضربان مفاصل مفید است و در بعضی از سبوس گندم نشاسته آن خوب است و بدل آن در اورام پست جو است.<sup>۴</sup>

سبوس گندم از الک کردن آرد به دست می آید و تقریباً از ۱۶ عوامل غذایی گندم، ۱۲ عامل آن همراه سبوس خارج می شود. به همین جهت خوردن سوپ سبوس گندم برای اشخاصی که نان سفید می خورند ضروری است.

جوشانده سبوس گندم درمان سرفه و زکام های سخت است جوشانده سبوس گندم که با عسل شیرین شده باشد بعد از غذا یبوستهایی را که منشأ آن تبلی کبد و تحریکات

۲- طب النبی و الانبیا، ص ۱۴۰

۱- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۲، ص ۱۸۲۱.

۴- محیط اعظم، ج ۲، ص ۱۰

۳- تحفیه حکیم مؤمن، ص ۱۴۳.

روده‌ای باشد، درمان می‌کند.

از سبوس گندم می‌توان نان سیاه هم تهیه کرد، ولی سنگین بوده و ترشی معده را زیاد می‌کند. مبتلایان به زخم معده، سرطان دستگاه هاضمه و آپاندیس بایستی از سبوس گندم پرهیز نمایند.<sup>۱</sup>

سبوس نخاله هر چیز را گویند عموماً و نخاله و پوست گندم و جو آرد کرده را خصوصاً سبوس گویند.<sup>۲</sup>

### \* سبوس برنج

ویتامین‌های B در سبوس برنج موجود است و برنج سفید فاقد ویتامین بوده و ما آن را استفاده می‌کنیم. بهترین راه برای جبران این کمبود، خوردن سوپ سبوس برنج است. این سوپ موهای سفید را پس از سه ماه بکلی سیاه کرده کله‌های طاس را پر می‌سازد. به شخص نیروی جوانی می‌بخشد و عمر را طولانی می‌کند و از این رو حق داریم این غذایی معجزه کننده را آب حیات نام‌گذاری کنیم.

طرز تهیه سوپ برنج: نیم سیر (۸ مثقال) پوست برنج را با دو استکان آب و یک قاشق سوپ‌خوری سرکه مخلوط کرده مختصری می‌جوشانید بعد آن را صاف کرده آب آن را با غذا می‌خورید. بهتر است، به جای سرکه یک قاشق چای خوری اسید لاکتیک جوهر ماست استفاده نمایید.

### \* سبزاب

گیاه سبزاب، در جنگلهای کوهستانی، تپه‌های خشک و لم‌بزرع و زمین‌های شن‌زار می‌روید. یکی دیگر از اسامی این گیاه در اصطلاح عمومی چای اروپایی است که به فرانسه the d'eraope می‌گویند. گیاه سبزاب را بدون اینکه سال به سال بکارند ریشه دار است و درمی‌آید. ساقه‌های آن خزنده سخت، کرد، کرکدار و درازی آن از ۲۰ تا ۴۰

۱- زبان خوراکیها، ج ۱، ص ۲۵۵

۲- برهان قاطع، ج ۱، ص ۶۸۶

ساتنی متر می‌رسد.

برگهای آن بیضی شکل، دنداندار و کرکدار، سخت و مقابل هم قرار گرفته‌اند. از کنار هر برگ ساقه کوچکی بلند می‌شود که در انتهای آن خوشه‌ای با گل‌هایی کوچک آبی که دارای رنگهای قرمز می‌باشد ظاهر می‌گردد.

طعم سبزآب قند و تلخ است. بوی آن تقریباً به مشام نمی‌رسد ولی وقتی آن را خشک می‌کنند بوی مخصوصی به خود می‌گیرد و آن بو دارای عطر مطبوع می‌باشد و به همین جهت است به آن اسم چایی اروپایی داده‌اند. سبز آب از قسمتی از فصل تابستان گل می‌دهد و هنگام گل کردن باید آن را چید و خشک کرد.

خواص سبز آب این است که مقوی، هضم کننده، خلط آور و به‌طور خفیف مدرّ است و در مورد اختلالات کیدی و عفونتهای ریوی، میگرن، سوء هاضمه، نفخ معده و غلظت خون و ادرار مصرف می‌گردد. کسانی که مبتلا به نزله‌های ریوی مزمن، سل، برونشیت، تنبلی دستگاه هاضمه، نقرس، رماتیسم، شن کلیه و کیسه صفرا و یرقان شده‌اند باید از آن مصرف کنند. مقدار مصرف آن یک قاشق دسر خوری در یک لیوان آب جوش است که باید ده دقیقه آن را دم کرده و هر روز دو تا سه فنجان از آن را مصرف کرد.

سی تا چهل گرم سبزآب را در یک لیتر آب بجوشانند و پس از آنکه خنک شد زخم‌های جلدی و سودا را با آن شستشو می‌دهند.

دکتر اوفمان dr. offman اطمینان می‌دهد که چندین نفر مسلول را با این گیاه معالجه نموده و شفا پیدا کرده‌اند. با این ترتیب که مدت زمانی درازی در شیری که به آنها می‌داده‌اند، مقداری از این گیاه را در آن شیر می‌جوشانیده و به آنها می‌داده است.<sup>۱</sup>

سبزآب: مقوی، خلط آور و تا اندازه‌ای مدرّ و برای نزله‌ها و عفونتهای ریوی، سل، سوء هاضمه، میگرن، نفخ معده، غلظت خون، برونشیت، نقرس، رماتیسم، سنگ کلیه و

کیسه صفرا نافع است.<sup>۱</sup>

گیاه سبزآب تند و تلخ است. خواص آن مقوی، هضم کننده سوء هاضمه و نفخ معده مؤثر می باشد. مقدار مصرف آن یک قاشق دسر خوری در یک لیوان آب جوش است که باید ده دقیقه آن را دم کرده و هر روز دو تا سه فنجان از آن را مصرف کرد.

گیاه سبزآب برای اختلالات کبدی و عفونتهای ریوی، کمی مدر و خلط آور است.<sup>۲</sup> از گیاه سبزآب سی تا چهل گرم در یک لیتر آب بجوشانید، پس از خشک شدن، زخمهای جلدی و سودا را شستشو دهید.<sup>۳</sup>

کسانی که مبتلا به سل می باشند، می توانند به مقدار یک قاشق دسر خوری گل سبزآب را به مدت ده دقیقه در یک لیوان آبجوش دم کرده و هر روز دو الی سه فنجان مصرف کنند.<sup>۴</sup>

### \* سپستان

عربی: سفستان، اطباء الکلبه، دتق مخاطه، مخاطیه، مخیطه، مخیطان.

یونانی: فاطرون.

سریانی: کلان.

سنسکریت: شیش ماتک، کربدار.

انگلیسی: narrow leaved sepistan

لاتین: cordia angustifolia, glutinous, cordia myxa

درخت سپستان معروف است و دو نوع می باشد: کوچک و بزرگ و در آن رطوبت زیاد است و پخته آن خیلی شیرین است.<sup>۵</sup>

سپستان کوچک (boragineae) cordia myxa linn.

انگلیسی: small sebesten plum

۲- گلها و گیاهان شفا بخش، ص ۱۱۹.

۵- لاتینی لغات الادویه، ص ۱۳۵

۱- خواص میوه و خوراکی ها، ص ۱۰۸.

۴- همان، ص ۱۱۹.

۳- همان، ص ۱۲۰.

این درخت در هند، چین، مصر و استرالیا رویده می شود، میوه و پوست این درخت به عنوان دارو استعمال می شود.

سپستان بزرگ *cordia obliqua willd*

انگلیسی: *large sebesten plum*

در هند می روید. هندی: سوره.

میوه این درخت را در سنسکریت، سیلو، باهوواره و سلیش مانکا گویند.

اطبای مسلمین آن را سپستان و در اروپای قدیم نیز در کتابها از آن به نام سبستن *sebesten* نام برده اند. هندوها از میوه سپستان ترشی درست می کنند و در طب خشک کرده آن مصرف می شود، چون در آن ماده موسیلاژ که اثر نرم کننده دارد موجود است در امراض سرفه، سینه و امراض مجاری بول استعمال می شود به عنوان ملین هم استفاده می شود. اطبای مسلمین دو نوع سپستان را بیان کرده اند: بزرگ آن را *cordia oblique* نامیده اند که مغز آن از تخم براحتی جدا می شود و نوع کوچک را *cordia myxa* نامیده اند که مغز به تخم چسبیده است لفظ سپستان از لفظ فارسی سگ پستان گرفته شده و در عربی آن را دبق یا فحیطه می گویند و این نام به سبب وجود ماده چسبناک داخل آن است.

*roxburgh* هر دو قسم را ذکر کرده و به قول *horsfield* پوست *cordia myxa* به عنوان غذای مقوی در ژاپن مصرف می شود.

این درخت را *rheede* به نام *vidimaram* اهالی پرتغال به نام *ramphius* , *fruita d* *entrude* آن را بنامهای *arbor glutinosa* , *klceverige boom* نوشته اند. مغز سپستان بزرگ را *cordia.obliqua* به این نحو تجزیه کرده اند:

moisture 12.85%

extract by hot water 64.24%

sugar (by copperestimnton) 29.76%

acidity neutralizing na ho 0.23%

alkalinity of ash kho 3.03%



### خواص:

ملین حلق و سینه، منفت بلغم و مزلق و ملین طبع می باشد و پخته اش هم همانند میوه خورده می شود ولکن برای دارو میوه خشک شده را استعمال می کنند. شکم و سینه را نرم می کند، خراش و ورم حلق را مفید می باشد، مواد بلغمی و خونی را صاف می کند و برای خراش و گرمی روده ها مفید است و آب خیسانده آب برگهای تازه اش نافع تسلسل و سوزش بول می باشد.<sup>۱</sup>

نفع خاص: دافع عطش و سوزش بول و علاج سرفه و تب صفراوی می باشد و مکیدن آن در دهان نافع امراض گلو و سینه می باشد. همچنین مخرج کرم معده است آن را شب خیسانده و آبش را صبح بخورند، نافع سوزاک و سوزش بول و جریان منی می باشد.<sup>۲</sup>

مزاج: معتدل و تر ۱ درجه بیان شده است. این را با ادویه مسهله شامل می کنند که حدت و تیزی مسهل را جلوگیری می کند. نفع خاص آن را برای سرفه خشک بیان نموده و نیز برای معده و جگر مضر گفته اند مصلحش: عناب و برگ گلاب.

بدلش: ختمی مقدار خوراک از ۹ تا دانه نوشته شده است.<sup>۳</sup>

اسم طبی دبق *cordia\_latifolia* نوشته شده است که آن را در نسخه های قبض معده و برای نرمی روده ها، امراض عصبی مثل مالیخولیا و همچنین در سردرد و سرما خوردگی استعمال کردند و در بعضی شربت های سینه و سرفه و نیز در بعضی نسخه ها برای نرمی و سردی دادن ادویه مشمول ادویه می گردد و شربت اسطوخودوس که مقوی اعصاب و مسکن درد سر و بعضی دیگر امراض را مفید است سپستان یکی از اجزاء آن می باشد و در بعضی نسخه های امراض ریه هم استعمال شده است و نیز در دوائ معروف همدرد به نام لعاب سپستان و لعاب سپستان خیار چنبری که مخصوص برای سرفه و سینه است، همراه یا شیرین بیان و عناب و خشخاش و تخم خیارین و کتیرا و صمغ به بول و مغز بادام

۲-ستان المفردات. ص ۲۵۲

۱-المفردات، ص ۲۵۴

۳-مخزن المفردات، ص ۲۱۷

شیرین و گل بنفشه و سنا مکی و ترنجبین که دواهای مخصوص سینه و سرفه هستند داده می شود.<sup>۱</sup>

پوست این درختچه اثر قابض و ریشه اش خاصیت مسهلی دارد. از برگ آن در بعضی نواحی مخصوصاً در هند برای مصارفی شبیه برگ گاوزبان استفاده به عمل می آورند. دم کرده میوه خشک آن به عنوان نرم کننده، به حالت ساده یا مخلوط با میوه و دانه های لعابدار مصرف می شود.

#### محل رویش سپستان:

خلیج فارس، لار، بندرعباس، جزیره خارک، نواحی مختلف بلوچستان، مکران، نیک شهر و در ۴۹۰ کیلومتری چابهار می باشد.

نام سپستان به تفاوت به درخت مذکور یا میوه آن در نواحی مختلف اطلاق می گردد.<sup>۲</sup>

سینه: در مرز.

سپست: در یونجه گفته می شود.

#### \* سپیدار

فارسی: دارون، درخت خوش سایه، درخت پشه کنجک

عربی: شجرة البق، شجرة القراب، شجرة اليعوس

یونانی: قطالا، بوقیصا

هندی: بیولا

اردو: درداز

درختی است که برگ آن مانند آزاد درخت می باشد. گل سفید و مثل زبان گنجشک و

۱- همدرد انگلیسی: ۶۶-۱۳۵-۱۵۵-۱۷۱-۱۷۹-۱۸۰-۲۰۶-۲۴۷-۲۴۸

۲- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۲، ص ۳۳۱.

پوست آن مانند فیوه نخود فرنگی می شود. در ترکی آن را قره قاچ می گویند از داخل آن رطوبت زیادی بیرون می آید و بعد از خشک شدن داخل آن پشه جمع می شود که پس از شکستن آن، پشه ها خارج می شوند.<sup>۱</sup>

درختی است (فر.) *populus alba, p.hybrida (u.) peuplierblanc*

از تیره بیدها که در نیم کره شمالی گونه های مختلفش فراوان می روید.

درختی است دو پایه و گلهايش كاملاً برهنه و بدون جام و کاسه و پرچمها یا مادگی است. بلندی آن بالغ بر ۲۰ متر می شود، پشت پهنک برگ سپیدار سفید رنگ است و چون تنه اش مستقیماً رشد می کند، از آن برای ساختن تیر و ستون چوبی استفاده می کنند، حور، حورازرق، غرب، ابودقیق.<sup>۲</sup>

اسفیدار درخت غرب است.<sup>۳</sup>

غرب بفتح غین، معجمه وراء مهمله و سکون باء موحده به یونانی اطاطابس و ایطاماس و به عربی اسفیدار و به فارسی بده و درخت نارون و به شیرازی وزک و به اصفهانی و شک و در تنکابن و دیلم اوجا و ببربری درخت برو گویند که آن را سپید درخت و سپیدار نامند و آن درختی است بسیار بزرگ از جنس خلاف بید و برگ و پوست آن سفید و برگ آن به قدر برگ قطف و از آن صمغ می گیرند به زدن شرط بر ساق آن هنگام ظهور شکوفه آن و گویند بر تنه درخت آن بوق سفید جید از اجود اقسام بورقها پیدا می شود و آن را به جای نمکهای دیگر استعمال می کنند و اکثر مستعمل پوست و برگ و صمغ به آن است. سرد و خشک در اول و گویند در دوم و بعضی تا سوم دانسته اند. گل و برگ و عصاره آن مجفف بی لذع و قابض و با عفوصت و پوست آن نزدیک بدان و خاکستر پوست آن چون با سرکه آمیخته بر ناکلیل منکوسه و غیر منکوسه و مدور مسماریه طلا نمایند، قلع آن کند. همچنین رطوبتی که از پوست درخت آن به شرط برآید، طلای آن قانع آنها است و پوست بیخ آن داخلی خضاب مو کرده می شود. برای

۱- لاتانی لغات الادویه، ص ۱۱۲

۲- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۱، ص ۱۸۲۸.

۳- محیط اعظم، ج ۱، ص ۱۵۴

سیاهی آن و خاکستر چوب آن مغسول قائم مقام توتیا است و ضماد پوست و صمغ آن جهت قروح نافع و پاشیدن برگ سوده آن بر جراحات الحام آن نماید. پاشیدن گل آن مجفف قروح مزمنه و آکله و به دستور ذرور خاکستر آن و شستن سر به آب طبیخ آن نافع شوره سر است و ضماد برگ آن مسکن صداع حار و اکتحال صمغ و گل آن جهت تاریکی چشم نیکو است و چون عصاره برگ یا بیخ ساییده آن با روغن گل در پوست انار جوشانیده در گوش بچکانند، برای تسکین درد آن و آمدن چرک از آن نافع و به دستور مطبوخ پوست نازله آن و خاییدن برگ آن مقوی لثه مسترخی حار است و غرغره با آب طبیخ پوست یا عصاره آن اخراج زالو از حلق نماید و آشامیدن آن نافع نفث الدم و نزف الدم است و آشامیدن برگ ساییده آن نافع درد جگر و چون برگ آن با فلفل سیاه سوده بنوشند، جهت رفع مغص و قولنج حادث در امعای دقاق که ایلاوس نامند و جهت سده جگر و تنها با آب مانع حمل است و آشامیدن آب افشرده آن جهت دفع سیلان و چرک اعضای باطنی و سده جگر نافع و نطول آب طبیخ آن جهت نفرس و وجع مفاصل نیکو است مضر کلیه می باشد و مصلح آن صمغ عربی است. بدل آن نیم وزن آن افاقیا است.<sup>۱</sup> گزینش: الیاف و صمغش ارزش دارویی دارد آن را نشتری می زنند و شیره از آن می تراود و می بندد و ماده بوره ای که در آن است از هر ماده بوره ای دیگر برای خوردن بهتر است.

خاصیت: گل و برگ و افشرد گل و برگش می خشکاند و نمی گزد و گس مزگی دارد، الیافش قوت آن را دارد و خشک تر است افشرد برگش را می گیرند و نگاه می دارند که خشکنده بی آزار است.

آرایش: خاکستر چوبش که با سرکه باشد، زگیلهای ایستاده و واژگون را خشک کند و برمی کند الیاف ریشه اش در رنگ مو وارد است.

زخم و قرحه: ساییده پوست و برگ آن بر بریدگی و زخمهای بدخیم و تر گذارند مفید است.

۱- محیط اعظم، مج ۳، ص ۲۴۴، تحفه حکیم مؤمن، ص ۱۹۱.

مفاصل: آب‌پزش را بر نقرس مانند داروی خوبی است.  
سر: افشرد پوست تر آن یا آب برگش یا روغن گل در پوست انار بجوشد و در گوش چکانند درد گوش از بین برود.  
آب‌پزش سرشویه شود، شوره را از بین می‌برد.  
چشم: صمغ و گلش دوی تم چشم است و دیده را جلا دهد.  
سینه: ثمر و پوستش از خون برآوردن مفید است.  
اندامان غذا: افشرداش زالو را بیرون آورد.

### خواص درمانی:

برگ و مخصوصاً پوست این درخت به علت دارا بودن سالیسین و پوپولین اثر تب‌بر دارد. پوست تازه شاخه‌های آن را برای رفع ناراحتیهای سیاتیک در محل دردناک اثر می‌دهد.  
از جوانه‌های این درخت می‌توان برای مصارف درمانی مشابه گونه قبلی استفاده به عمل آورد.

### محل رویش:

نواحی مختلف البرز: سرخه حصار، شمال تهران، در ارتفاعات ۱۵۰۰ متری نواحی شمالی ایران مانند بندرگز، کهدوم در گیلان، پل زنگوله در ۲۳۰۰ متری آمل شمال شرقی ایران و کرمان می‌روید.  
اسامی محلی: در تهران و یزد به کبوده و در همدان به شال موسوم است گونه‌های مفید و غیر موجود این درخت نیز به شرح زیر است:  
p.balsamiferal در آمریکای شمالی می‌روید، ولی در باغ کشاورزی کرج و مراکز علمی دیگر پرورش داده شده است. جوانه‌اش دارای ماده رزینی فراوان و قابل استخراج

است. جوانه و شیرۀ آن مدرّ معرّق نیرودهنده و قاعده آور است، به مصارف مشابه درخت شالک نیز می رسد.

p.tremulal. در جنگلهای مرطوب غالب نواحی اروپا و نقاط معتدله آسیا می روید پوست شاخه های آن، تانن، سالیسین و پوپولین دارد و از آنها به عنوان تب بر استفاده می شود.<sup>۱</sup>

### \* سداب

عن عائشة عن النبي ﷺ قال: من أكل السداب و دام عليه نام آمنأ من الدبيلة و ذات الجنب.<sup>۲</sup> یعنی: کسی که همواره سداب را بخورد از دبيله «مرض شکم، و سینه پهلو» در امان می ماند.

رسول خدا ﷺ: السداب جيد لوجع الاذن. یعنی سداب برای درد گوش خوب است. امام ابی الحسن علیه السلام فرمود: السداب یزید فی العقل<sup>۳</sup> یعنی سداب عقل را زیاد می نماید.

امام رضا علیه السلام فرمود: السداب یزید فی العقل غیر أنه ینثر ماء الظهر<sup>۴</sup> یعنی سداب عقل را زیاد می کند الا اینکه آب پشت را متفرق می سازد و بدبو می نماید.

رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس سداب را بخورد و بخوابد از دبيله و ذات الجنب آسوده می خوابد.<sup>۵</sup>

توضیح: دبيله مرض شکم و یا دملی است که به نام کفکیوک در فارسی معروف است سداب عربی است و حرمل نیز گویند و بادان و ذال هر دو نوشته می شود سداب را به یونانی نیجن و در تنکابن و دیلم پیم گویند.

بری و وحشی سداب که صلاحیت ندارد برگش باریکتر و شاخش کمتر و بدبو و

۲. بحار، ج ۶۶ ص ۲۴۱

۱. گیاهان دارویی، ج ۳، ص ۱۲۷

۴. مکارم الاخلاق، ص ۲۰۶

۳. محاسن، ص ۵۵

۵. بحار، ج ۶۶ ص ۲۴۱

تندتر از بستانی است و بوی سیرو پیاز را می برد.  
 بستانی آن از درخت انار کوچکتر و پر شاخه تر و برگش ریزتر و بدبو و بسیار سبز و گویا غباری بر آن نشسته و گلش زرد است.<sup>۱</sup>  
 دانشمندان گفته اند: آب سداب را اگر به گوش بچکانند، درد گوش را ساکت می کند، خصوصاً اگر با پوست انار جوشیده شود. و اما اینکه حضرت فرمود: عقل را زیاد می کند به جهت این است که کندی ذهن بیشتر از غلبه کردن بلغم است و سداب بلغم را از بین می برد.

قال من أكل السداب و نام علیه من الدوار و ذات الجنب.<sup>۲</sup>  
 پیغمبر خاتم صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس سداب را بخورد و بخوابد از مرض دوار و ذات الجنب آسوده می شود.

در دستور دیگری از امام علیه السلام آمده سداب را با روغن زیتون طبخ نموده چند قطره از آن به گوش بریزد ساکت می شود. یؤخذ السداب و یطبخ بزیت و یقطر فیها بقطرات فانه یسکنن باذن الله عزوجل.<sup>۳</sup>

سداب در فارسی (پیم)، در گیلان (سیاب) در کتب طب سنتی (سداب) نام برده شده. سداب گیاهی است چند ساله، در گیاه خشک آن مواد کوکوزائین و اسکیمیانین یافت می شود. خواص کاربرد آن در دفع سموم بسیار مفید است. در هند و چین در موارد کزاز، سنکوپ، استسقا، دردهای اعصاب، رماتیسم تجویز می شود. سداب دارای خواص ضد کرم و معرق و ضد اسپاسم و قاعده آور است. شیرۀ گیاه آن برای تسکین گوش درد نافع است، به صورت ضماد آن روی نبض دست و پا یا روی گیجگاه در دو طرف پیشانی برای رفع تشنج نیز نافع است سداب معرق است و برای معالجه تشنج و یرقان خورده می شود.

از نظر خواص بازکننده گرفتگی ها و انسداد مجاری، گازها، باد و نفخ را تحلیل می برد

۱- تحفه، ص ۱۴۳؛ گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۱، ص ۲۹۴؛ شرح اسماء، م/ ۱۲۷۹؛ اغراض، ص ۵۹۶

۲- بحار، ج ۶۱ ص ۳۰۰      ۳- طب الاثمه، ص ۲۰

و مقوی معده و اشتها آور می باشد و نیز مدر و قاعده آور است.  
 برای بیماریهای دماغی عصبی مانند فلج، رعشه امتلائی، دردهای مفاصل، سیاتیک  
 و خرد کردن سنگ مثانه نافع است. روغن سداب برای سستی بدن، سردی کلیه، درد  
 پهلو و کمر و رحم تحلیل باد نفخ و تب و لرز نافع است.<sup>۱</sup> در تمام قسمت‌های این گیاه بوی  
 ناپسند و تهوع آور استشمام می شود

### خواص درمانی سداب:

اثر نیرو دهنده، ضد تشنج، قاعده آور و ضد خونریزی می باشد. التیام دهنده زخمها،  
 رفع فتق، در رفع انسداد و پر شدن مجاری غدد از ترشحات مخصوصاً غدد پستان مؤثر  
 واقع می گردد. جوشانده آن اثر قطعی در از بین بردن شپش و درمان جرب و کچلی  
 دارد.<sup>۲</sup>

و مطبوخ سداب در روغن زیتون جهت عسر بول و با انجیر جهت استسقاء لحمی و با  
 سرکه جهت رعاف و بهق سفید و جمیع اقسام ناکلیل و با خود داشتن آن جهت گریختن  
 حیوانات موزی و قدر شربتش تا سه مثقال است و گویند: بوییدن بوی آن و روغن سداب  
 هر یک جزء آن را با چهار جزء آب و پنج جزء روغن زیتون بجوشانند تا روغن بماند.  
 جهت برودت گرده و مثانه و درد کمر و رحم و استرخاء و درد پهلو و تحلیل ریاح، وضع  
 گرانی سامعه و خوردن او به قدر نصف اوقیه در حمام جهت رعشه و حقنه و جهت مغص  
 و قولنج ریحی و خلطی نافع است.<sup>۳</sup>

سداب دارای دو ماده اصلی، یکی به حالت گلوکزیدی به نام روتین یا روتورید و  
 دیگری اسانس است. مقادیر درمانی سداب اثر نیرو دهنده ضد تشنج، قاعده آور و ضد  
 خونریزی استعمال آن در خارج برای التیام زخمها و حشره کش است. مصرف زیاد آن  
 ایجاد مسمومیت می کند.

۲. گیاهان دارویی، ج ۱، ص ۴۶۱

۱. معارف گیاهی، ج ۵، ص ۲۰۳

۳. تحفه حکیم مؤمن، ص ۱۴۴ محیط اعظم، ج ۲، ص ۱۳.



دم کرده آن به صورت حمام موضعی به مدت نیم ساعت ۳ الی ۴ دفعه در روز در رفع انسداد و پر شدن مجاری غدد از ترشحات، مخصوصاً غدد پستان مؤثر و دافع می‌گردد.<sup>۱</sup>

سداد گرم و خشک است. خاصیت آن بسیار بادشکن، پالاینده رگها و قرچه آور است. فیجن یا سداب بوی سیر و پیاز را می‌زداید. برای درد مفاصل، سردرد همیشگی، در بند خون دماغ با سرکه مخلوط کنند در گوش می‌چکانند و آن را پاک و درد و صداهای وزوز را خاموش می‌نماید، افشرد آن با افشرد رازبله و عسل مخلوط کنند و به چشم بکنند دید چشم را تقویت دهد، در علاج سینه درد، درد شش و پهلو و سرفه و درد دنده‌ها مفید است. سکسکه بلغمی را تسکین دهد، اشتها آور است، معده را توان می‌بخشد، در علاج سپرز مفید است و درد پیچ روده را علاج کند.<sup>۲</sup>

از حضرت امام صادق علیه السلام روایت شده است که سداب عقل را زیاد می‌کند. آرام بخش، ضد تشنج، ادرار آور، معرق، ضد کرم، ضد عفونی کننده، قاعده آور، سقط جنین و پادزهر سموم نیش حشرات سمی است. کم کردن فشار شهوت بذر سداب بعد از آمیزش مانع آبستنی است. بخور آن مؤثر است. برگ سداب جهت تسکین درد و درمان سنگینی نیروی شنوایی است، عصاره مایع آن جهت درد گوش، چکانده آن در بینی اطفال جهت ام‌الصبيان تجویز می‌شود. سداب جهت رعشه تشنج فلج است. جهت امراض جلدی مفید است، برای هیستری لمابوس و فشار چشم مفید است. سکسکه بادی را از بین می‌برد. سداب جهت قرچه چشم، خنازیر، ورم زیر بغل، جهت بی‌حسی، سردی کلیه و مثانه، درد پهلو و کمر و رحم مفید است.<sup>۳</sup>

سداب مفتح سدد، محلل ریح نفخ، مقوی معده، مدر حیض، بول، مخرج فضول مجفف منی جهت امراض دماغی عصبی فالج، رعشه، تشنج اوجاع مفاصل، جهت تسکین پهلو، سینه، تنگی نفس، سرفه مزمن، تسکین مغص ورم حادیه، وجع مفاصل،

۲- قانون در طب، ص ۲۴۹

۱- گیاهان دارویی، ج ۱، ص ۴۶۱

۳- مجموعه طب سنتی و گیاهی، ص ۲۲۴

جهت اخراج کرم معده، موقی هاضمه، جهت ازاله فالج، جهت ازاله گزیدن عقرب، جهت رفع ضعف چشم خوب است.<sup>۱</sup>

سداب را به لغت رومی (فیغانن) گویند و دشتی آن را فیغایون گویند. رنگ تخم او به سرخ مایل بود و طعم او در غایت تلخ می باشد. بعضی او را حرمل گویند. سداب را به لغت عربی خفت گویند. فیجل و فیجن نیز گویند.<sup>۲</sup>

سداب برای تقویت بینایی، کاهش شهوت جنسی، و پهلو درد مفید است به علاوه ضد قولنج روده و ضد خونریزی و ضد صرع بوده و برای بواسیر و انسداد کبد و طحال نافع است.<sup>۳</sup>

سداب بری: گیاهی زیبا پایا با ساقه توخالی به ارتفاع یک متر است. برای درمان بیماری قند خون دیابت بریژه در افراد مسن استفاده می شود. برای تحریک ترشح شیر مصرف می شود دارای الکلوییدی به نام کالهزین و مواد دیگری است که هنوز شناخته نشده است که قند خون را پایین می آورد.<sup>۴</sup>

سداب را به عربی فیجن به فرانسه و انگلیسی ریو گویند، عصاره آن مدر بول و حیض و مجفف منی و قاطع باه، سقط جنین، محلل ریاح، مفتح سدد برای سپرز براقان و قولنج ریخی امراض مقعد و سینه و زخم نافع است. جهت تسکین مغص وارد پهلو و سینه و تنگی نفس و سرفه مزمن و ورم حاره ریه و عرق النساء و مفاصل و لرز تبهای باردی مفید است. جهت حدت بصر نافع است. خائیدن او رافع بوی پیاز و سیر و قند و مقوی هاضمه و در جهت ازاله فالج و رعشه و تشنج مجرب جهت ازاله در گزیدن عقرب مفید است.

### \* سدر \*

به فارسی کنار و به هندی بیر نامند و ثمر آن را به عربی نبق گویند. ماهیت آن بری و بستانی می باشد. بری آن ثمرش کوچکتر و خوشبو و چاشنی دار به

۳. خواص گیاهان دارویی، ص ۱۰۶

۲. حیدنه، ص ۳۶۹

۱. فریادین کبیر، ص ۲۳۹

۴. گیاهان دارویی، پروفیسور هانس فلوک، ص ۸۳

شکل سنجد و بعد از رسیدن سرخ و زرد رنگ می‌گردد و بستانی آن ثمرش بزرگتر و لذیذتر و خوشبوتر و شیرین است.

و در بلاد گرمسیر به هم می‌رسد و بهترین آن بزرگ پر گوشت رسیده، شاداب و زرد رنگ یا سرخ رنگ آن است که دانه آن کوچک باشد و از سدر مراد برگ ساییده آن است.

#### طبیعت:

ثمر آن در اول سرد و در دوم خشک و بستانی تازه آن سرد و تر، و خشک آن سرد و خشک، و میخوش آن معتدل و بعضی شیرین و آن را در اول گرم دانسته‌اند.

#### خواص:

نارس (کال) آن قابض و لزج و نفاخ و رسیده آن قلیل الغذاء و دیر هضم و صالح الکیموس و نیم رطل آن مسهل صفرا از معده و امعاء مصفی حرارت غریبه و خوردن ترش رسیده آن مانع صعود بخارات به دماغ و رافع صفرا و تشنگی و آب شیرین آن مفتح سده و کشنده کرم معده و امعاء و مضر مبرودین، مصلح آن سکنجبین و خشک آن قوی القبض و ضماد آن با شراب جهت نضج ورم حاره و تحلیل آنها به تنهایی نیز جهت تحلیل اورام حاره و نضج آنها به کار می‌رود. خاک اژه چوب آن در آخر اول سرد و در آخر دوم خشک و قاطع نرف الدم و رافع قرحه و اسهالی که از ضعف معده به هم رسیده باشد و دافع استسقاء است و ضمغ آن طلا جهت خراز نافع است.<sup>۱</sup>

من سدر هستم و میوه من کنار: اسم من کنار است و میوه درخت سدر می‌باشم میوه مرا در فارسی کنار و به عربی نبق گویند و کوهی من زال نام دارد که اعراب من را ضال می‌نویسند. از میوه‌های خنک هستم و از نظر شکل و خواص شبیه زائزالک می‌باشم جمع کننده معده و نرم کننده سینه بوده، میوه رسیده من ارزش غذایی زیادی ندارد، بلکه منافع من بیش از خاصیت غذایی من است.

۲۵۰ گرم میوه من مسهل صفر است، عطش را فرو می‌نشاند و میوه ترش من صفرابر بسیار خوبی است. آب میوه من باز کننده سینه و معده است و کشنده کرم نیز می‌باشم میوه نارس من زیاد تانن را در شکم جمع می‌کند، اگر مرا خشک کرده و بعد آسیاب نمایید آرد من جهت اسهال و زخم معده مفید است. از مغز دانه‌های میوه من شیر بکشید، تب را پایین می‌آورم و حرارت خون و صفرا را فرو می‌نشاند.

اگر دانه مرا در گلاب بخیسایید و بعد بکارید میوه معطر می‌شود و اگر در عسل بخیسایید شیرین خواهد شد. این موضوع به هیچ وجه صحت ندارد و از اشتباهات است، خوردن خاک از چوب من از خونریزی معده جلوگیری می‌کند اسهال و استسقا را معالجه می‌کند، ضماد برگ من و شستشو با آن جهت تقویت مو و جلوگیری سر از ریزش آن و تقویت اعصاب و از بین بردن شپش و شپشک سودمند می‌باشد.<sup>۱</sup>

سدر: میوه‌ای است معروف شبیه به آلوچه و در هندوستان بسیار است و بعضی درخت را گفته‌اند و خشک است و قابض گویند، صمغ درخت آن موی را سرخ گرداند و بعضی گویند: عربی است.<sup>۲</sup>

سدر در لاتین: *cedrus libani*

فرانسوی: *cedre*

درختی است از تیره مخروطیان که شباهت زیادی به کاج دارد ولی از کاج بسیار تنومند و بلندتر می‌شود و تا بیش از سه هزار سال عمر می‌کند شاخه‌های درخت سدر کشیده و دور از یکدیگر است برگش مانند کاج سوزنی و میوه‌اش هم شبیه کاج است. چوب درخت سفید و ضخیم و محکم است و در برخی گونه‌ها چوب کمی سرخ رنگ هم می‌شود در چوب درخت سدر مقادیر زیادی صمغ وجود دارد که عطر مخصوص بدان می‌دهد و مقدار کثیری از این صمغ از تنه درخت هر ساله استخراج می‌شود و تحت نام من در تداوی به کار می‌رود.

سدر دارای گونه‌های مختلف است و مشهورتر از همه، سدر لبنان است که ارتفاعش

به ۴۰ متر نیز می‌رسد.<sup>۱</sup>

سدر لبنان بسیار زیبا و شبیه کاج است و شاخه‌های گسترده آن به طور افقی بالای هم قرار گرفته‌اند سدر لبنان اسانسی دارد که خوشبو، ضد عفونی کننده و قابض است. این درخت را نباید با کنار که برگهای آن را برای شستشو به کار می‌برند اشتباه کرد.

خواص و طرز مصرف: در مورد بیماریهای حادّ جلدی بسیار نافذ است، معمولاً تنتور مادر آن را در روش همثویاتی یا ژموتراپی که از خیساندن در گلیسرین به دست می‌آید به کار می‌برند. این تنتور برای مداوای آگزمای خشک بسیار مؤثر است و مقدار مصرف آن ۲۰ تا ۵۰ قطره در روز برای مدت طولانی می‌باشد.<sup>۲</sup>

### \* سرب

عربی: رصاص اسود، سرب، آنک، صرقان.

سنسکریت: سیس، سورتک، چین، پشک، سیسک، ناگ.

هندی: سیسه، مسهه.

انگلیسی: lead

لاتین: pLumbum<sup>۳</sup>

### روایت از جابربن حیان و توضیح:

اسرب یعنی سرب، اسم فارسی است و به عربی رصاص اسود و آنک و به ترکی قرقشم می‌گویند، ماهیت آن مشهور است و در فلزات در تکون و قدری زبون‌تر و از سوخته آن آبار و اسرنج حاصل می‌گردد و در آن جوهر مایی بسیار است که برودت آن نموده و در آن هوایی است و ارضیت شدید زیاد نیست و دلیل بر طوبت آن به زعم جالینوس سرعت ذوب آن است و آن را چون در زمین نمناک دفن نمایند در حجم افزاید

۲. آشنایی با گیاهان دارویی، ص ۶۳

۱. فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۲، ص ۱۸۴۶.

۳. لاتینی لغات الادویه، ص ۱۵۴

و آن سرد و تر در دوم است قابض و رادع و زیاد برای اورام است. و از خواص سرب آن است که چون صفحه‌های از آن ساخته بر غدد و خنازیر و اورام صلبه ببنند تحلیل کند و زائل نماید و غیره، چون بر التوای عصب و تحجر مفاصل ببنند. و به قول گیلانی نهادن صفحه آن بر تبر عصب دردناک نفع می‌کند و چون با روغن بادام سوخته بر اورام حاره و قروح خبیثه حتی سرطانیه طلا می‌کنند نفع می‌نماید. و شیخ الرئیس و گیلانی می‌نویسند: از آن دسته و صلابه بسازند و یکی را از آن دو بر دیگری بسایند با بعضی روغنها، پس آنچه از آن جدا گردد طلای آن جهت اورام حاره اعضای تناسل و مقعد که در آن نواصیر دامیه و غیر دامیه باشد نفع می‌کند و تبرید آنها می‌نماید و نیز قروح خبیثه حتی که سرطان را. و چون به الکل حل کرده بر اورام حاره طلا بکنند نفع می‌دهد. و چون از خاکستر یا حکاکه آن طلا بکنند زخم پستان و بواسیر و اورام و دمامل و جرب را نفع می‌دهد. و چون لوح آن بر کمر ببنند، از احتلام متواتر منع می‌کند و شهوت بیه را ساکن نماید. و بعضی وزن لوح آن را هفت مثقال نوشته‌اند.<sup>۱</sup>

سرب: اسرب، اسرف، فلزی است نرم خاکستری مایل به آبی علامت اختصاری آن Ph در طبیعت به حالت آزاد موجود نیست. سنگهای معدنی آن گالن یا سولفور سرب Sph و سرویست (کربنات سرب) آنک.<sup>۲</sup>

بستن سرب بر کمر زیادی احتلام را جلوگیری کند.<sup>۳</sup>

معدنی مشهور است رنگ سفید مایل به کبود.

مقدار خوراک: ۶۰ میلی گرم کشته کرده و استعمال می‌شود.

### خواص:

قابض و مجفف مغلظ مواد را می‌پزد طلای آن با روغن خشک کننده مسه‌های بواسیر

۱- محیط اعظم، ج ۱، ص ۱۴۸

۲- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۲، ص ۱۸۵۲.

۳- حکیم اسفندیاری

است و کشته آن سرعت انزال و مرض سوزاک را مفید است.<sup>۱</sup>  
 به قول مخزن المفردات سرد و خشک است و به قول بعضی ها سرد و تر و نیز آن را  
 مجفف و ممسک و قابض و مغلظ نوشته و کشته اسرب نیز نافع سرعت انزال و احتلام و  
 خونریزی و مرض قند می باشد.  
 اگر آن را بسوزانند نافع زخمها می باشد و در کثرت احتلام بر کلیه ضمامد می کنند.  
 مضر برای ریه است.

### مصلحش:

عسل و شیر و مقدار خوراک ۱۲۰ میلی گرم می باشد.<sup>۲</sup>  
 بستان المفردات آن را سرد و تر نوشته و مضر برای صاحبان سرد مزاج و ریه  
 می باشد. مصلحش ادویه گرم و خشک، بدلش: رصاص ابیض و نفع خاص: مسکک درد و  
 محلل اورام و به طور خارجی استعمال می شود. ضمامد آن با آب گشیز و روغن گل نافع  
 سرطان می باشد. اگر بر دست بمالند، دست را سیاه می کند و آب طبی آن نافع سوزش و  
 امراض چشم می باشد. سم قاتل است.<sup>۳</sup>  
 کتاب همدرد اسم طبی آن را plumbum نوشته است و آن را دارویی مفید برای زخم  
 شمرده است و نسخه ای از کشته آن برای سرعت انزال به طور استعمال داخلی بیان کرده  
 که طریقه درست کردن آن را بدین نحو نوشته است: قلع tin ۲۵۰ گرم، جست (روی)  
 zing ۲۵۰ گرم لید lead رصاص اسود ۲۵۰ گرم شوره قلمی salt petre ۷۵۰ گرم آب فیکرا  
 aloe barbadensis ۵۰۰ گرم و نی bamboo pole ۲ متر پای گاو cow dung ۴۰ کیلوگرم  
 همه را در دیگ گذاشته بر روی آتش بر حرارت می پزند و کشته درست می کنند و مقدار  
 خوراک آن ۶۰ میلی گرم با معجون آرد خرما یا باکره می خورند.<sup>۴</sup>  
 در کتاب دستور بریتانی آن را نیز lead یا plumbi نوشته است و علامت اختصاری آن

۱- المفردات، ص ۳۱۴

۲- مخزن المفردات: ص ۲۹.

۳- بستان المفردات، ص ۱۸۳.

۴- همدرد انگلیسی: ص ۲۳۲-۵۵.

حرف س ..... ۴۰۵

pb می باشد و قسمهای مختلف از آن ذکر شده مثل: lead sulfide , lead sulfate و نیز با خیلی دواها مخلوط شده استعمال می شود و lead nitrate را در صنعت کبریت سازی و ثبوت رنگ بر پارچه و روغنهای رنگ سازی استعمال می کنند و استعمال طبی آن برای امراض جلدیه و مرهم برای بواسیر نوشته است.<sup>۱</sup>  
در کتاب طبی دکتر اعوان، آن را در امراض جلدیه و در مرض نقرس نافع نوشته است.<sup>۲</sup>

### \* سرپوله

پرمصرف از تیره نعناع، به عنوان بادشکن مقوی، مقوی معده، خلط آور، ضد تشنج مورد استفاده قرار گیرد و در بین عوام بیشتر جهت رضع نازاحتیهای هضمی و تقویت اشخاص کم بنیه از آن استفاده به عمل می آید. اسانس آن در سردردهای یکطرفه و ضعف اعصاب به مقدار ۵ تا ۶ قطره بر روی یک حبه قند اثر شفابخش ظاهر می نماید. به علاوه با مالیدن آن بر روی عضو جهت رفع دردهای عصبی و سیاتیک استفاده می شود.<sup>۳</sup>

### \* سرخس

عربی: قرقس.

سریانی: قطبوس، قطوس.

فارسی: کیل دارو

هندی: بسوره، هنراج، مبارک

لاتین: filixmas

انگلیسی: malefern

۲- کتاب طبی دکتر اعوان، ص ۵۱۳.

۱- دستور بریتانی، ص ۷۶۷-۷۷۱-۷۶۹

۳- گیاهان دارویی، ج ۳، ص ۷۰۳



بعضی گویند که مالمیم نیز همان سرخس است.

بیخی است سیاه رنگ، مایل به سرخی و نام درخت آن در لاتین پیدی ام فیلکس ماس است.<sup>۱</sup>

آن را در فصل پاییز جمع کرده و خشک می نمایند. رنگ آن از بیرون بادامی و از داخل سفید مایل به زرد و بوی آن اندکی بد است. ذائقه آن ابتدا شیرین بعد قابض، تلخ و ناگوار است. اثر آن تا یک سال بیشتر نیست و در منطقه دارچلینگ شرق هند و شمال هند و کشمیر زیاد می روید. رب آن به صورت داروی extract of male fern در طب امروزه استعمال می شود و آن را extract of filicis liquid هم می نامند.

در اردو آن را رب سرخس سپالی می گویند که در آن ۲۵٪ جوهر filicin وجود دارد. مقدار خوراک آن از ۳ تا ۶ میلی لیتر است آن را به شکل معجون با صمغ عربی یا کتیرا می گیرند اما بیشتر اطبا آن را در کپسولهای ژلاتینی پر کرده به بیمار می دهند تا مریض از ذائقه و بوی بد آن ناراحت نشود. این دارو برای کرم کدو tapworm مفید است. هنگام استعمال این دارو باید شیر و غذاهای رقیق به بیمار بدهند.

از این دارو ۲۰ قطره در کپسول یا همراه با آب پرتقال هر نیم ساعت چهار مرتبه به بیمار می دهند و بعد از خوراک آخر دو اونس تتور سنا (سنا مکی) به بیمار می دهند تا کرم مرده را از شکم خارج سازد، بعد کرم مرده را شستشو داده و ملاحظه کنند که کرم با سرخارج شده یا بدون سر، اگر بدون سر خارج شده، باید یک بار دیگر این دارو را استعمال کند.

مقدار زیاد این دارو در بدن ایجاد مسمومیت می کند و همراه این دارو نباید روغن کرچک استعمال کنند، چون انسان را مسموم می کند. فرمول این دارو از این قرار است:

قطره extract of male fern 60 min

قطره mucilage of gum acasia 120 min

ounce cinammon water  $1\frac{1}{2}$

هر نیم ساعت یک بار از این دارو به بیمار بدهند.<sup>۱</sup>  
در خانواده گیاهی *adiantum venustum*, *filices* را پرسیاوشان مبارک، هستراج گفته‌اند که در موضوع پرسیاوشان ذکر شده است.

دارویی که از آن تهیه می‌شود به نام *iskulukandrium* نوشته شده است که برای معالجه بزرگی طحال استعمال می‌شود. آن را *mule riant* نیز گفته‌اند، آن را سنگ شکن معالج یرقان و بازکننده مجاری ادرار گفته‌اند و استعمال آن برای خانمها ممنوع است چون ایجاد نازایی می‌کند.<sup>۲</sup>

در همین موضوع و از این خانواده *actinopteris* بنام *dichotoma* و به هندی به نام موریتکهی نوشته است راجع به این نوع فقط *atkinsovr* گفته که برای کشتن کرم شکم و خارج کردن آن استعمال می‌شود. این دارو از نوع *polypodlaceous fern* و از خانواده *asplenieae* می‌باشد.

در کتاب لائانی لغات الادویه اسامی هر سه نوع را مخلوط کرده، ولی معلوم شده که همین نوع که در بحث آن هستیم سرخس یا *male fern* می‌باشد که عموماً برای کشتن کرم معده استعمال می‌شود.<sup>۳</sup>

### خواص آن:

خواص آن مفتح و محلل نفخ و مجفف، مفرح، دافع قمل، مسهل اقسام کرم شکم خوردن آن با غسل مخرج ماء اصفر و مانع حمل و مسقط جنین جهت خفقان عسرالعلاج نقرس و درد مفاصل برای درمان آن نافع است و برای رفع کوفتگی اعضا مفید است. جهت زخمهای رطبه با الکل جهت اخراج حب القرح و جنین رفع کرم دراز معده ضماد آن بر هر عضوی موجب اخراج فضول خوب است.<sup>۴</sup>  
سرخس (گیل دارو) طبعش گرم و خشک است.

۲- فارماکوگرافیا، ج ۳، ص ۶۲۵.

۴- قرابادین کبیر، ص ۲۴۰.

۱- دکتر اعوان ص ۴۰۰

۳- همان، ج ۳، ص ۶۲۷.

یا شربت عسل خورده شود کرم شکم و کدو دانه را بکشد و جنین را در شکم باطل کند و اگر جنین مرده باشد آن را از رحم بیرون می آورد و زخمها را که معالجه آنها دشوار باشد، نیکو کند.<sup>۱</sup>

سرخس دهان شور از نظر درمانی ماده‌ای است مدر، مسهل، مقوی و جلوگیری کننده خونریزیها، ریشه و ساقه زیرزمینی (ریزوم) آن در بیماریهای خونی، انسداد مجاری ادرار، سنگ کلیه، مسلولیت نقرس، رماتیسم، ضعف عمومی بدن و در معالجه زخمهای سطحی به کار می رود.

سرخس نر که انشعابات هوایی آن بسیار قوی است از زمانهای قدیم این نوع سرخس را در مورد انگل‌های روده‌ای به کار برده‌اند، در جلوگیری از خونریزی و التیام زخمها و سقط جنین پایه و اساس دارد، خاصیت انگل زدایی، تأثیر آرام‌بخشی جهت درمان رماتیسم، نقرس، سیاتیک، باد مفاصل اسپاسم دم‌کرده و جوشانده آن به عنوان آرامبخش و برای دفع کرم. مقدار مصرف برای کودکان یک فنجان کوچک و برای بزرگسالان دو تا سه فنجان است.

سرخس گرم و خشک است حب الترح را می‌کشد. از او چهار درم سنگ با شربت انگبین اندر کنی کرم کدو را در شکم بکشد بچه مرده را بیرون کشد.<sup>۲</sup>

سرخس‌ها گروهی از گیاهان هستند که گل ندارند، گیاهانی می‌باشند چند ساله، بدون ساقه، ولی دارای ریشه و اعضای زیر زمینی. سرخس نر مقداری اسانس، صمغ رزینی به نام قیلمارون فیلیسین خام و اسیدی به نام فیلیسیک اسید وجود دارد. در ویتنام از ساقه زیرزمینی سرخس نر به عنوان حشره کش استفاده می‌شود و از ریشه‌ها برای کشتن انگل‌های معده و برای التیام زخم و بند آوردن خونریزی استفاده می‌شود، برای قطع خونریزیهای بعد از وضع حمل، ماده مؤثر آن برای دفع کرم کدو اثر می‌کند.

از نظر خواص معتقدند که باز کننده انسداد مجاری عروق است، نفخ را تحلیل می‌برد و دفع کرم شکم و روده‌ها می‌باشد. برای خفقا‌های سخت و صعب‌العلاج و جراحی

کلیه، مثانه، میاتیک، نقرس و درد مفاصل نافع است. برای رفع درد استخوان نشیمنگاه مفید است. برای جراحتهای مرطوب و دیرعلاج بسیار نافع است. برای دفع کرم دراز معده نافع و مفید است. سرخس مادهٔ مدرّ است، برای درمان انواعی از استسقا به کار می‌رود، این دارو در انگلستان برای معالجهٔ ریکتس یا ترمی استخوان در بچه‌ها استفاده می‌شود.<sup>۱</sup>

سرخس نر به عنوان ضد کرم‌های دراز و کرم‌های حلقوی مانند تنیاسازیناتا و تنیای گاوی مصرف می‌شده است. عصارهٔ اثرهٔ سرخس نر به صورت دارویی مصرف می‌شود.<sup>۲</sup>

سرخس برای دفع کرم کدو تجویز گشته است. برای این منظور باید ریشهٔ تازهٔ سرخس را پوست گرفته و روزی پنج بار مقدار ۷ گرم آن را جوید و هر بار که ریشهٔ مزبور جویده می‌شود، باید یک قاشق سوپ‌خوری روغن کرچک مصرف کرد. به این طریق می‌توان کرم کدو را به‌طور کامل از تن خارج نمود، ولی باید اطمینان حاصل کرد که سر آن از بدن خارج گشته است.<sup>۳</sup>

سرخس نر حاوی مواد نوابی اسیدفسیک و غیره معمولاً به صورت عصاره مصرف می‌شود، برای شست و شوی زخمهایی که دیر انیام می‌یابد به کار می‌رود و دارای ریزومهای قهوه‌ای مایل به سیاه است، که با قاعدهٔ برگهای سال قبل پوشانده شده، سپس تلخ و تهوع‌آور است.<sup>۴</sup>

دیسقوریدوس حکیم می‌فرماید: گیاه سرخس به دو نوع نر و ماده تقسیم شده است. خاصیت آن خشکاننده بی‌سوزش است، زخم را به هم می‌آورد ساییده آن بر فرم‌های صعب‌العلاج می‌باشد و بسیار مفید است و کرم و کرم کدو را می‌کشد.

سه مثقال سرخس ماده را با شراب یخ‌ورند کرم‌های کزاز بیرون آرد، اگر زن از ساییده

۲- آشنایی با گیاهان دارویی، ص ۶۳

۱- معارف گیاهی، ج ۳، ص ۳۳۹

۳- خواص گیاهان دارویی، ص ۶۳

۴- گیاهان دارویی، پروفیسور هانس فلوک، ص ۲۴

آن بخورد باردار نمی شود.

اگر سرخس را بپزند و بخورند ملین است و شکم را نرم می کند.<sup>۱</sup>  
سرخس نر یا فوزر مال دارای پوشیده ای از فلسهای دراز است و قاعده دمیرگها از بین رفته است.

ریزوم فوزر مال دارای اسانس رزین یک ماده روغنی، تانن، موم و فیتوسترول است تزریق اسید فیلسیک آمرف یا فیل مارون موجب فلج تدریجی قطعات کرم می شود.  
برای رفع مسمومیت از فوزر مال باید ابتدا معده را بکلی تخلیه نمود و آن را شستشو داد فوزر مال بهترین دافع کرم کدو است. برای دفع کرم گوسفندان مبتلا به حدت لا اقل یک هفته عصاره اثره فوزر مال را قبل از آنکه حیوان علوفه را مصرف کند بخورانند. برای دفع کرم کدوی سگ دارای خاصیت ضد کرم باشد، خفیف است. سرخس ماده سرخس عقابی، جوشانده ریزوم و برگ آن در رفع نارسایی هضمی منشأ انسداد احشاء و مدتها استفاده مردم قرار می گرفت و برای آن اثر قابض و ضد کرم قائل هستند.<sup>۲</sup>

### \* سرخس نر

ریزومهای سرخس نر با دروپتیریس فلیکس ماس در تجارت به نام سرخس نر موسوم می باشد

ترکیبات شیمیایی:

سرخس نر دارای ۶/۵ تا ۱۵ درصد اولئورزین است که حاوی تعدادی از مشتقات فلوروگلوکوسینول می باشد.

استاندارد:

سرخس نر نباید کمتر از ۱/۵ درصد فیلی سین خام داشته باشد.

مصرف:

سرخس تر در طب به صورت اولئورزین به علت خاصیت ضد کرم آن مصرف می‌شود.<sup>۱</sup>

### \* سرخ ولیک

این گیاه بدون اینکه هیچ اثر سمی داشته باشد، برای قلب مفید است. ضد تشنج قابض و تب‌بر و مقوی قلب است. هسته‌اش برای حل کردن سنگ کلیه و مثانه نافع است دم‌کرده آن چهل گرم در یک لیتر برای رفع فشار خون مفید است.

سرخ ولیک برای معالجه سستی اعصاب تصلب شرایین، تشنج آئزین دوپواترین ورم آئورت، اختلالات جریان خون اثر قطعی دارد. دم‌کرده آن مخلوط با مختصر عسل برای درمان تورم و جراحات مخاط دهان و گلو مفید است.<sup>۲</sup>

سرخ ولیک گیاه دارویی که برای بیماری‌های قلبی مفید است و در منطقه قومناات ایران به فراوانی وجود دارد ولی از این گیاه استفاده نمی‌شود و همه آنها که رویده‌اند در محل رویش می‌پوسند و از این بین می‌روند.

### \* سرطان

نهری و بحری می‌باشد و به فارسی خرچنگ گویند و حیوانی است معروف و بهترین او ماده است و علامتش آن است که چون سر سوزنی بر پشت آن فرو برند آبی سفید ظاهر می‌گردد بر خلاف تر آن و نهری آن در دوم سرد و تر و کثیرالغذا و بطی‌الهضم و مبهی و یا قوت جاذبه و محله و محرق با صمغ عربی و ادویه مناسبه سل و دق و سرفه و جهت بواسیر بغایت نافع و سه اوقیه از آب طبخ آن با کرفس رازیانه جهت تفتیت حصاة و ادرار بول و حیض و با شراب سفید جهت عسر البول و اخراج حصاة و با شیر الاغ جهت گزیدن رتیلا و عقرب و جانوران سمی و ضماد محرق آن جهت سرطان پستان آزموده

۲. طب الصادق علیه السلام، ص ۲۰۰.

۱. مفردات پزشکی جدید، فارماکوتوزی ۱۹۷۳ ص ۳۲۶

است و با غسل جهت بهق و اورام جاسیه خوب است و گویند: مضر مثانه و مصلح آن گل قبرسی و گل مختوم است. مقدار شربت فام آن پنج مثقال و از سوخته از سه مثقال و سرطان مجری را به فارسی خرچنگ دریایی نامند.<sup>۱</sup>

### \* سرخاب کولی

سرخاب و جوکی سرخاب و در برخی مدارک آن را عنب آمریکا نامند.  
و به فرانسه: *phytolaque*.

و انواع آن با نامهای: *amerique raisin, phgpolaque decandie* که در اروپا برای استخراج عصارة رنگی قرمز ارغوانی رنگ از میوه آن به کار می رود و ریشه آن به عنوان مسهل و قی آور مصرف و *michoacan* نامیده می شود.

#### مشخصات:

گیاهی است پایا، علفی با ساقه‌ای که در قسمت پایین خشبی است ولی شاخه جوان آن ترد آبدار و خوراکی است. ریشه آن ضخیم گوشتی و سمی است و به عنوان قی آور و مسهل به کار برده می شود. این گیاه برای آمریکای شمالی است ولی در سایر مناطق جهان نیز انتشار دارد. از جمله در ایران در تمام مناطق شمال ایران می روید در گیلان اطراف شفت و نصیر محله اطراف رشت، چالوس، رامسر، بندر انزلی تا آستارا، لاهیجان، در گرگان نزدیک بندر گز، در مازندران در دره هراز و آمل دیده شده است. این گیاه اصولاً گرمسیری است و تاب سرمای زمستان مناطق سرد را ندارد.

#### خواص درمانی:

در آمریکای شمالی، کارشناسان گیاه درمانی این گیاه را به عنوان گیاه دارویی تجویز می کنند و توصیه این است در مواردی که ریشه گیاه به عنوان دارو مورد نظر است نباید

خام خورده شود و قبل از خوردن همیشه باید چندبار در آب جوشیده شود، به این ترتیب که ریشه را قطعه قطعه کرده در آب بجوشانند و آب آن را دور بریزند، برای بار دوم باید آب تازه ریخت و دوباره جوشانید و باز آب آن دور ریخته شود و سپس آن را خورد ولی به هر حال اگر در اثر بی میالاتی خوردن ریشه مسمومیت ایجاد شود با خوردن شیر می توان تا حدود زیادی سمیت آن را خنثی کرد.

از برگهای تازه و جوان بهاره گیاه گونه ای به نام *phgtoacca escuienta* مانند سبزی خوردنی با غذا مصرف می شود برای ایجاد تعادل در سیستم عمومی بدن آثار مفید دارد و در موارد بزرگ شدن غده ها نظیر بزرگ شدن غده تیروئید بسیار نافع است و به علاوه برای رفع سفت شدن کبد و حالت صفراوی و التهاب کلیه ها و غدد لنفاوی بزرگ شده تجویز می شود و برای بیماری گواتر، چه در مصرف داخلی یا به صورت ضماد به کار می رود. برای بیماریهای پوستی و زخمهای سیفیلیسی و خنازیر و اگرما بسیار مفید است. اگر مردم گرد ریشه آن را روی پوست بریزند، خارش را رفع می کند. ضماد برگهای آن برای رفع تراکم شیر در پستان، ورم و سفت شدن پستانها مفید است و فرو شده ریشه به صورت ضماد برای سرطان پستان نافع است برای این کار ضماد را در ابعادی باید درست کرد که تمامی سطح پستانها به استثنای نوک پستان را بپوشاند یعنی ضماد را روی پارچه نازکی که دارای سوراخی در وسط آن است پهن کرده و روی پستانها می اندازند و هر روز یک بار ضماد گذارده شده را با دم کرده مرطوب می کنند و این کار را تا ۳ روز ادامه می دهند و پس از آن ضماد را برداشته و ضماد تازه دیگری می اندازند و تا ۱۵ روز درمان ادامه داده می شود در اثر این ضماد پوست پستان ملتهب و از جوشهای چرکی پوشیده می شود، ولی پس از ۴-۶ هفته سفتی پستان رفع می شود. پس از آن پستانها را خوب شسته و تمیز کرده و پودر اسید بوریک ماننیده و می گذارند کاملاً خشک شود پس از ۱۰ روز معمولاً التهابها و جوشهای چرکی همه خشک شده و موضع، درمان می شود. پماد حاصله از گرد ریشه گیاه برای رفع جوشهای چرکی صورت، ریزش مو و ایجاد لکه های کوچک بدون مو مفید است.



توجه شود که گیاه سمی است و مصرف آن باید در حد مجاز باشد. از برگهای گیاه در حدود ۵ سانتی گرم در موارد سودا، بواسیر و ۰/۵ گرم به عنوان قی آور مصرف می شود ولی به هر حال برای اجتناب از مصرف خارج از حد مجاز، باید با نظر پزشک و طبق دستور در موارد مختلف استفاده شود.<sup>۱</sup>

### \* سرکه

عمروبن بزیر گوید: وارد منزل امام باقر علیه السلام شدم که سرکه و روغن زیتون می خورد، در ظرفی سیاه که در وسطش قل هو الله احد نوشته شده، فرمود: این بزیر نزدیک بیا و نزدیک رستم، با حضرت خوردم سپس چند جرعه آب خورد و باقی را به من داد و خورد.

امام صادق علیه السلام فرمود: سرکه و زیتون از غذای پیامبران مرسل است باز حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: خوب خورشتی است سرکه، زهره صغرا را می شکند. و فرمود: لقمه را درون سرکه بردن و خوردن شهوت را می برد.

امام صادق علیه السلام فرمود: محبوبترین چیزی بر رسول الله که لقمه را درون آن فروبرند سرکه، و محبوبترین سبزیها نزد آن حضرت حوک (باذروچ) بود.<sup>۲</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله سرکه را تمجید فرمود.<sup>۳</sup>

امام صادق علیه السلام فرمود: سرکه عقل را محکم می کند.

باز فرمود: مادر غذا ابتدا به سرکه میل می نمایم، چنانکه دیگران نمک را ابتدا میل می کنند.

امام صادق علیه السلام فرمود: سرکه خورشت بسیار خوبی است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ما اقصریت فیه الخل خانه ای که سرکه دارد بی خورشت

۱- معارف گیاهی، ج ۷، ص ۴۰۹.

۲- بحار، ج ۶۶، ص ۳۰۴، خصال، ص ۶۳۶، معانی، ص ۴۸۶، عیون الاخبار، ج ۲، ص ۱۳۴ صحیفه الرضا، ص ۱۶.

۳- معانی، ص ۴۸۶، مکارم الاخلاق، ص ۲۱۷.

نیست.

امام صادق علیه السلام فرمود: سرکه دل را نورانی می‌کند.<sup>۱</sup>

باز فرمود: سرکه جانور شکم را می‌کشد و دهن را محکم می‌نماید.<sup>۲</sup>

خورشت آن سرکه و نمک بود و آن حضرت با سرکه شروع به غذا خوردن نمود، می‌گوید گفتم: فدایت شوم شما ما را امر فرمودید که با نمک شروع به غذا نمایم فرمود: این هم مثل این است سرکه دهن را قوی می‌کند و عقل را می‌فزاید.<sup>۳</sup>

انس گوید: پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس سرکه بخورد در سرش فرشته‌ای می‌نشیند و به وی طلب آموزش می‌کند تا وقتی که از آن فارغ گردد.<sup>۴</sup>

علی بن جعفر گوید: از موسی بن جعفر علیه السلام پرسیدم: سیر و بیاز با سرکه چطور است؟ فرمود: عیب ندارد.<sup>۵</sup>

ابی الزبیر مکی می‌گوید: نزد جابر بن عبدالله جمعی آمدند جابر قطعه گوشتی با سرکه آورد و فرمود: شنیدم رسول خدا می‌فرمود: چه خوب است خورشت سرکه.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چه خوب است خورشت سرکه و کافی است در اسراف مردی که خشم گیرد به آنچه نزدیک او آوردند.<sup>۶</sup>

امام صادق علیه السلام فرمود: سرکه خورشت پیامبران است.<sup>۷</sup>

احادیث دیگری در این زمینه ذکر شده است.<sup>۸</sup>

۱- محاسن، ص ۴۸۶، مکارم الاخلاق، ص ۲۱۷.

۲- محاسن، ص ۴۸۷.

۳- همان، ص ۴۸۷.

۴- مکارم الاخلاق، ص ۲۱۷.

۵- قرب الاسناد، ص ۱۵۴.

۶- همان، ص ۴۴۱.

۷- مستطرفات السرائر، ص ۴۷۶.

۸- عن علیه السلام أنه قدم الي بعض أصحابه خلأوزبناً ولحماً بارداً فأكل معه الرجل فجعل عليه السلام يبتغ اللحم و يمسسه في الخل و الزيت و يأكله.

فقال الرجل: جعلت فداك ملاكان اللحم؟ فقال عليه السلام: هذا طعامنا و طعام الانبياء. دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۱۲.

عن انس قال قال النبي صلی الله علیه و آله: من أكل الخل قام على رأسه نملك يستغفره حتى يفرغ. مکارم الاخلاق، ص ۲۱۷.  
عن علی ابن جعفر عن أخيه موسى علیه السلام قال: سأله عن أكل الثوم و البصل بالخل قال: لا بأس. قرب الاسناد، ص ۱۵۴.

عن أبي الزبير المكي عن جابر بن عبدالله قال: جاءه قوم فأخرج لهم كسراً و خلأ و قال: سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله يقول: نعم الإدام الخل.

خل را به فارسی سرکه می نامند و از خرما و مویز و شکر و عسل و انجیر و امثال آن و از حبوبات مثل برنج و غیره ترتیب می دهند و مراد از مطلق او سرکه انگوری است و آن مرکب القوی و در دوم سرد و خشک است. قابض و بسیار مجفف و زود نفوذ می کند و رساننده قوه ادویه به اعضا و ملطف و قاطع اخلاط غلیظه و رافع تشنگی و معین هضم و قاطع نزف الدم اعضا و محرک اشتها و گدازنده بلغم و سپرز و موافق معده ملتهبه و بلغمیه و جهت قطع صفرا و تفتیح معده نیز مفید است.<sup>۱</sup>

سرکه مایعی است با بوی زننده و طعم بسیار ترش که از اکسید شدن شربت ها و نوشابه های الکلی دیگر که غلظت الکلی آنها زیاد نیست به دست می آید. سرکه رنگ کاغذ تورنسل را قرمز می نماید بنابر این جسمی اسیدی است که در تجزیه الکتریکی

عن الحسن العقیلی رفعه قال: قال رسول الله ﷺ: نعم الادام الخل، و کفی بالمرء سرفاً ان یسخط ما قرب الله. محاسن، ص ٤٤١.

عن رفاعه قال: سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول: الخل ينير القلب.

عن ابي عبد الله عليه السلام قال: ذكر عنده خل الخمر فقال: يقتل دواب و يشد النعم.

عن سماعة قال: قال ابو عبد الله عليه السلام خل الخمر يشد اللثة و يقتل دواب البطن و يشد العقل. محاسن، ص ٤٨٨.

عن سليمان ابن خالد عن ابي عبد الله عليه السلام قال: الخل يشد العقل.

عن اسماعيل بن جابر عن ابي عبد الله قال: انابتاً بالخل عندنا كما تبتدون بالملح عندكم و ان الخل ليشد العقل. فقال عليه السلام: نعم الادام الخل.

قال رسول الله ﷺ: ما اقربيت فيه الخل. محاسن، ص ٤٨٦.

عن محمد بن علي الهمداني أن رجلاً كان عند أبي الحسن الرضا عليه السلام بخراسان فقدمت اليه مائدة عليها خل و ملح فافتتح بالخل فقال الرجل: جعلت فداك انكم امرتمونا أن نفتتح بالملح فقال: هذا مثل هذا (يعني الخل) يشد الذهن و يزيد في العقل.

عن عمرو بن بزيع قال: دخلت على ابي جعفر عليه السلام وهو يأكل خلاوزيتا في فصعة سوداء مكتوب في وسطها «قل هو الله أحد» فقال: يا بن بزيع ادن قد نوت و أكلت معه ثم حسان الماء ثلاث حشرات حين لم يبق من النحلة شي ثم ناولني فحسوت البقية.

قال الصادق عليه السلام: الخل و الزيت من طعام المرسلين.

وقال: نعم الادام الخل يكسر المرمة و يحيي القلب و يشد اللثة و يقتل دواب البطن و قال الاصطباغ بالخل يذهب به شهوة الزنا. بحار، ج ٦٦، ص ٣٠٤.

عن ابي عبد الله عليه السلام قال: كان أخت انصباخ الى رسول الله ﷺ الخل و أخت البول اليه انحوى يعني البادر و ج. بحار

١- تحفة حكيم مؤمن، ص ١٠٦.

مانند اسیدهای کانی هیدروژن تولید می‌کند.<sup>۱</sup>

شیخ گوید:

سرکه ترکیبی از گوهر گرم و گوهر سرد است که هر دو لطیفند و سردی در آن چیرگی دارد. سرکه تا تندتر باشد گرمی اش بیشتر است و اگر تندی ندارد سرد و تراست بسیار خشک‌کننده است. ریزش مواد ناچور را به درون راه نمی‌دهد، نرم‌کننده و تکه‌کننده است، سرکه از آماس جلوگیری می‌کند. فرجا باشد برای اعصاب خوب نیست، علاج افتادن زبان کوچک است، نوشیدن سرکه گرم کرده در علاج سرفه مزمن بلند نفس و زالو بسیار مفید است، بر جای نیش حشرات ریز مفید می‌آید.<sup>۲</sup>

سرکه به عربی: خل، روی‌الخل.

سریانی: خلا.

سانسکریت: سید هو، شکتم و... می‌باشد.

لاتینی: acetum

انگلیسی: vinegar

از آب‌انگور و عصاره شکر درست می‌کنند.

در منطقه غرب ایران از خرما نیز سرکه درست می‌کنند.<sup>۳</sup>

سرکه عنصل، خل عنصل، خل اسقیل سرکه پیاز دشتی را گویند.

سرکه اسم فارسی است و به عربی خل نامند و به سریانی خلا و آن را از آب انگور گیرند. سرد در دوم و گویند: در اول خشک در سوم، سرد خشک در دوم، بالجمله آنچه در آن تیزی ظاهر بود مایل تر گرمی است، زیرا که ناریت در آن بیشتر است و لهذا قوت آن بطبخ منحل نمی‌شود در مجموع قاطع اخلاط غلیظه، هاضم، مشهی، قاطع صفراء، قاتل کرم و اگر سرکه را با غسل بر آثار خون مردگی بمالند آن را بر طرف کند و چون پشم پاره را با سرکه تر کرده بر جراحات گذارند مانع ورم کردن شود و بخور آن بر خشت یا

۲- قانون در طب، ج ۲، ص ۳۴۷

۱- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۲، ص ۱۸۷۱.

۳- لاتانی لغات الادویه، ص ۱۴۰.

سنگ گرم ریخته یا سنگ و خشک را گرم کرده در آن اندازند و استنشاق کنند مقوی دماغ است، برخلاف نوشیدن آنکه ضعیف کننده است و چون گوش را به طریق مذکور بخورد دهند ثقل سامعه و طنین و روی را از بین ببرد و طلای آن با غسل عیب چشم را ببرد و مضمضه آن لثه را محکم کند، خصوصاً با شب یمانی و دندان را جلا دهد و خونریزی لثه را قطع کند و دندان متحرک را سود دهد و چون با نمک آمیخته مضمضه کنند دندان متحرک را سهولت قلع نماید و مجرب است و همین طور سرکه امساک زبان و ثقل و درد دندان را نافع بود، خواه از حرارت یا برودت باشد و چون سرکه را یک جزء و آب دو جزء و شکر اندکی در ظرف گلی ریخته سر آن را بیوشانند و جوش دهند تا بخار آن از سوراخ انبویه به آهستگی بر ورم گلو و حلق رسانند و بعد یک پاس تکرار عمل کنند در سه چهار دفعه ورم گلو و حلق برطرف شود، و سرکه مضر تر برای صبیان و زنان و خصوصاً رحم آنها است و ضرر آن را عصارة انگور دفع می کند و سرکه که در آن مویز یا پوست بیخ کبر خیسانیده باشند جهت تحلیل سپرز و استسقا نافع است و مداومت به خوردن آن جهت کرم شکم مؤثر است. سرکه را از انگور و نی و خرما و جامن درست می کنند و طریقه درست کردن آن بدین صورت می باشد: آب میوه های فوق را در ظرفی نهاده در آفتاب می گذارند رنگ: مختلف.

ذائقه: ترش.

مزاج: سرد و خشک ۲ درجه و یک حرارت لطیف دارد.

مقدار خوراک: از ۶ تا ۱۲ گرم.

### خواص:

محلل و قابض و مسکن درد و زادع می باشد. رطوبت زیاد را خشک می کند در سوراخهای جلدی اثر می کند، بدین دلیل آن را در ضمادهای جلدی مخلوط می کنند در مرض های سرسام و تب تند آن را با روغن گل و گلاب مخلوط نموده بر پارچه می مالند و بر روی سر قرار می دهند مفید است. مشهی است در مرض های ویایی، مثل حیض

میکروب‌ها را می‌کشد و شربت آن نافع تب صفاوی می‌باشد، اگر سنگ سیماب را گرد کرده سرکه را روی آن بریزند و بخار آن را به گوش برسانند چرکهای گوش را خارج می‌کند.<sup>۱</sup>

مخزن المفردات می‌نویسد: آن را از انگور و نی به‌طور تخمیر درست می‌کنند و طریقه درست کردن آن را بدین صورت نوشته است: آب میوه را گرفته در ظرفی می‌گذارند و کمی هم سرکه بر آن اضافه نموده در ظرف را ببندند و در آفتاب بگذارند چکاندن آن نافع درد و کرم گوش می‌باشد، در درد دندان و مرض خناق و ورم لثه آن را فرقره می‌کنند مفید است. شربتی از آن درست می‌کنند که آن را سکنجبین می‌گویند قی را می‌بندد و مضر برای اعصاب و باه است.

مصلحش: عسل.

بدلش: آب لیمو.

بستان المفردات، اسم هندی آن را کانجی نوشته است و مضر برای باه و اعصاب نوشته و مصلح آن روغن بادام شیرین و عسل خالص است.  
نفع خاص: هاضم خوراک و قاطع اخلاط غلیظ است.

#### مقدار خوراک:

از ۶ تا ۱۸ مثقال می‌باشد و نوشته است که بو کردن سرکه نافع زکام و سردرد می‌باشد، دماغ را قوت می‌دهد و مشهی است.<sup>۲</sup>

کتاب همدرد، سه نوع سرکه بیان کرده: انگوری، جامن، هندی، سرکه انگوری را به اسم vinegats نوشته است و آن هاضم خوراک و مشهی می‌باشد و در خیلی داروها مخلوط شده است. و سرکه جامن را برای امراض طحال و جگر مفید گفته است. و سرکه هندی عام که از نی درست می‌کنند نیز همان فوائد را به مقدار کمتری دارد. و نیز از آن

شربت سکنجبین درست می‌کنند. و نیز بعضی سکنجبین‌ها ساده و سکنجبین نعناع سرکه را با آن همراه شکر مخلوط نموده می‌پزند و آن را درست می‌کنند.

و بخور آن بواسیر را سود دهد و ورم را در هر موضع که از ظاهر یا باطن باشد فائده کند. شرباً و جلوساً و نطولاً.<sup>۱</sup>

سرکه نه تنها طعم مطبوع به اغذیه می‌بخشد، بلکه هضم بعضی مواد مانند گوشت را نیز آسان می‌کند.

لوسیونها و محلولات رقیق سرکه خارش را تسکین می‌بخشد و خونریزیهای کوچک را متوقف می‌سازد، مصرف زیاد سرکه ایجاد سوء هاضمه می‌نماید، سرکه‌های تجارتهای که غالباً به کمک اسیدهایی مانند سولفوریک تهیه می‌گردند و اسیدهای دیگر مانند اسید کلریدرید نیز به صورت ثقلب بدانها افزوده می‌شود نباید به مصارف تغذیه‌ای و درمانی برسند.<sup>۲</sup>

سرکه برای هضم غذا و ترشحات معده ضرورت دارد که بدین صورت غذا را قابل جذب می‌نماید و هم فعالیت کبد و ترشح صفرا و معده را تکمیل و مواد غذایی را جذب بدن می‌نماید، زیرا در صورتی که کبد تنبل شود موجب ناراحتی‌هایی در بدن می‌گردد. سرکه دارای اسیدهایی است که محرک ترشحات سلولهای کبدی و صفراوی می‌باشد و موجب جلوگیری از زیاد شدن اوره و چربی خون می‌شود.

سالاد که با سرکه درست می‌شود و همچنین ترشیه‌های متنوع به این منافع بالا داراست ولی با همه اینها آنان که ضعف معده دارند باید از خوردن آن خودداری فرمایند.

خدمت امام باقر علیه السلام سرکه و زیتون و گوشت سرد آوردند و مردی می‌خورد و آن حضرت نیز از آن گوشت جدا می‌کرد به سرکه و زیتون فرو می‌برد و می‌خورد آن مرد

۱- محیط اعظم، ج ۲، ص ۲۳.

۲- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ص ۵۴۲.

گفت: قربان تو گوشت نیست؟ فرمود: این غذای ما و غذای همه پیامبران است.<sup>۱</sup>

مالیدن سرکه با سفیداب قلع یا با گل ارمنی محلل ورم تازه است.

خوراک سرکه و سیر و عدس دافع کرم معده است. بعد از پختن عدس سیر و سرکه را به آن اضافه کنند.<sup>۲</sup>

در کتب سنتی با نام خل و به فرانسوی: vihasro و به انگلیسی: vinesar گفته می شود یک نوع اسید استیک رقیق و طبیعی و غیر خالص است سرکه سرد و خشک است. خواص آن قابض و خشک کننده رطوبتها است. سریع التفوذ می باشد، اخلاط غلیظه را قطع می کند. برای سرد گرم و سردردهایی که از آفتاب زدگی است، سردردهای صفراوی در اثر حمام گرم ایجاد شده باشد مفید است. بخور سرکه رقیق برای ورم حلق و گلو مفید می باشد.

خوردن سرکه به تنهایی برای قطع خونریزی داخلی و به هضم غذا کمک می کند. تحریک اشتها، قطع صفرا و باز کردن گرفتگی های ماساریقا و سپرز و رسانیدن تاثیر داروها به طحال بسیار نافع است. مداومت خوردن آن به طور ناشتا برای قطع کرم معده مفید است. مالیدن آن برای سوختگی آتش، جلوگیری از گسترش زخمهای عفونی و بد، آگزمای متفرح، خارش بدن و گزیدن حیوانات سمی گرم نافع است.<sup>۳</sup>

سرکه اسیداستیک و مقداری اسیدهای آلی دارد، سرکه هضم گوشت را آسان می کند، زیاده روی در خوردن سرکه ترشی معده را زیاد می کند و سبب سوء هاضمه می شود. علامت سرکه خوب این است که صاف و پاک و سفید است و مایل به زردی یا قرمزی بوده دارای بویی مطبوع و ترشی سوزنده باشد.

از تخمیر اسیدی انگور به دست می آید، در هضم غذاهای گوشتی مؤثر است، خوردن و مالیدن آن خارش را تسکین می دهد و خونریزیها را متوقف می سازد.<sup>۴</sup>

سرکه اعصاب را تحریک می کند در هضم غذا کمک می کند. دشمن عفونتهای خونی

۱- دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۱۲ محیط اعظم، ج ۲، ص ۲۳.

۲- حکیم اسفندیاری

۳- طب النبی و الائمه علیهم السلام، ص ۱۸۵.

۴- معارف گیاهی، ج ۲، ص ۵۳.



می باشد. به ترشحات معدی کمک می کند، عفونت های صفراوی را از بین می برد، تا اندازه ای از سرطان جلوگیری می کند، قلب را روشن و به آن صفا می دهد، قاتل کرم معده هست، برای معالجه مسمومین سرکه را گرم کرده به مسموم بخورانید و بعد ایجاد قی کرده و معده را شستشو می دهد. برای معده های پر التهاب و بلغمی مفید است، اگر در گلوی شما زالو چسبیده و دستر می به پزشک نداشتید سرکه را جرعه جرعه بنوشید تا این جانور خونخوار کشته و دفع شود. ضماد سرکه با آرد جو جهت ورم پستان و بناگوش نتایج عالی داده است. سرکه سریع النفوذ است، فوراً در تمام عروق رگها سرایت می کند.<sup>۱</sup>

صداع (سر درد) حاد، نقرس، استسقا و پاکی دندان مفید است.

سرکه که از تخمیر انگور به دست می آید در تسکین خارش و جلوگیری از خونریزیها به عنوان صفرابر مستعمل بوده است.<sup>۲</sup>

مالیدن سرکه به بدن برای رفع خارش و ورم مفید است<sup>۳</sup> سرکه و نمک برای رفع ضرر قارچ و سگ دیوانه مفید می باشد.<sup>۴</sup> سرکه را در گلاب جوشانیده و بر پیش سر پندازند و بیونند معالج گرفتگی دماغ و زکام است.<sup>۵</sup>

سرکه از تخمیر دانه انگور به دست می آید در تسکین خارش و جلوگیری از خونریزیها به عنوان صفرابر استعمال شده است.<sup>۶</sup>

سرکه املاح بدن را حل می کند، در بیماریهای کهنه و مزمن شده تا وقتی که سایر معالجات نتیجه نداد از نیروی خرابکاری سرکه برای ویران کردن سنگرهای دشمن می توانید از سرکه استفاده کنید برای معالجه مسمومین فوراً سرکه را گرم کرده به مسموم بخورانید، بعد ایجاد قی کرده و معده را شستشو می دهد. برای معده های پر التهاب و بلغمی مفید است گرفتگی دستگاه گوارش را باز می کند، کھیر را برطرف و برای امراض

۲- طب النبوی، ص ۱۶۸.

۵- همان، ج ۴، ص ۱۶.

۱- مجموعه طب سنتی و گیاهی، ص ۲۳.

۳- راه نجات از مرگ مصنوعی، ج ۴، ص ۱۷.

۴- راه نجات از مرگ مصنوعی، ج ۴، ص ۱۷.

۶- لغت نامه دارویی قانونچه، ص ۱۶۸.

جلدی و بواسیر هم سفارش شده برای محکم شدن لته‌ها مفید است. اگر گوش سنگین شد چند قطره از سرکه را در داخل آن بچکانید بعد نتیجه‌اش را ببینید سرکه حافظ سبزیها و میوه‌ها و منافع آنها است، قطع کننده خلط غلیظ حاد و نقرس و استسقا را دفع می‌کند.<sup>۱</sup>

در خواص سرکه، مخصوصاً برای کرم معده و غده مفید است و قوه تفتیح سده را دارد. سرکه انگور ناشتا برای کشتن کرم معده و سرکه با خاکستر چوب درخت مو برای غدد و ورم بارد مفید است، سرکه انگور قابض بسیار مجفف خشک کننده سریع النفوذ رساننده قوه دواها به اعضاء و ملطف و قاطع اخلاط غلیظه فاسده است، برای تسکین صداع حار، سرسام و هذیان، مرض حصبه، تفتیح سده، با دواهای مناسب مثل روغن بادام روغن گل سرخ کتاب آباب خیار و امثال الجفا مفید است، سرکه برای رفع سوختگی نیز مفید است.<sup>۲</sup>

سرکه در اثر تخمیر الکحل انگور یا خرما به وسیله یک نوع قارچ به نام میکودرما آستی به وجود می‌آید که موجب جلوگیری از زیاد شدن اوره چربی خون می‌گردد و به هضم غذا کمک می‌کند موجب دفع اوره و سوختن چربی خون می‌شود.<sup>۳</sup>

### \* سنبل الطیب

در کتب طب سنتی سنبل هندی و سنبل الطیب نام برده شده، گیاهی است علفی چند ساله، بلند و عمودی. از نظر ترکیبات شیمیایی در سنبل الطیب وجود اسانس روغنی فرار گلوکوزید و تعدادی آکالوئید گزارش شده است. دارای بورنیل ایزو والریانات بورنیل فورمات، بورنیل استات، بورنیل بوتیرات کامفن بورنتول، در چین و ژاپن از خیسانده ریشه سنبل الطیب در آب یا از تنطوره آن - خیسانده در الکحل - به عنوان ضد اسپاسم، آرام بخش، مسکن و ضد هیجان به عنوان تب‌بر استفاده می‌شود. در برخی از

۱- مجموعه طب سنتی و گیاهی، ص ۲۳۲.

۲- طب الکبیر، ص ۲۷۴.

۳- پویشک خانواده، ص ۱۶۷.

مناطق دیگر خاور دور از ریشه آن به عنوان محرک بادشکن ضد عفونی کننده، ضد هیجان، ضد صرع، برای معالجه داء الرقص و برای رفع ناراحتیهای اعصاب و در ارتباط با اختلالات زهدان جنگ به کار می رود. ریشه آن طبق نظر حکمای طب سنتی ایران از نظر طبیعت گرم و خشک است. از نظر خواص بازکننده انسداد و گرفتگی های دماغی و معده و کبد است و مقوی دماغ و دهانه معده و کبد سرد و گرم کننده آنها و درخشان کننده رنگ صورت و چهره و مقوی نیروی جنسی است. برای خوشبویی دهان سرفه های رطوبی، تنگی نفس، درد سینه، خفقان، قی، استسقا، یرقان و درد طحال مفید است.<sup>۱</sup> سنبل الطیب اعصاب را آرامش می دهد، مقوی معدی و جگر هست، شستن چشم با جوشانده آن سرخی چشم را از بین می برد، التیام بخش زخم و ضد سرگیجه بوده، ضعف قلب را درمان می کند. ضد صرع، هیستری و ضد تشنج می باشد.

اشتها آور است، سنبل الطیب بازکننده و مقوی دهانه معده و جگر است، لیزی و رطوبت سینه و فضولات دماغی را از بین می برد و شکم را جمع می کند، در تقویت بینایی مؤثر است، باعث رویدن مژگان می شود، مقدار کمی از ریشه سنبل الطیب رحم را پاک و عقب افتادگی عادت را باز می کند. بادشکن، خواب آور و ضد کرم می باشد. سرگیجه، سردرد یک طرفه، اضطراب، حالات مالیخولیایی، اختلالات زمان یائسگی، سکسکه هایی مداوم و خلاصه بیماری که منشأ عصبی داشته با خوردن سنبل الطیب تسکین می یابد. از ریشه این گیاه در طب استفاده می شود و دارای خواص مقوی، ضد تشنج، ضد اختلالات عصبی، انواع تپش قلب، آسم های عصبی، تشنجات معدی، هیستری، صرع، بیخوابی و... می باشد.<sup>۲</sup>

سنبل الطیب: گیاهی علفی است که در کنار مردابها می روید. در ناراحتی های عصبی و هیستری، آرام بخش و ضد تشنج است. در سردردهای عصبی، سردردهای ناشی از استعمال مفرط مشروب و دخانیات، در اضطرابات و دلهره و بالأخره در اختلالات

۱- معارف گیاهی، ج ۳، ص ۱۸۷.

۲- مجموعه طب سنتی و گیاهی، ص ۲۲۵

یانسگی مفید و مؤثر است.<sup>۱</sup>

والدین valevianv یا علف گربه یا سنبل الطیب، گیاهی است مفید و دارویی که ریشه اش اثر ضد تشنج قوی دارد و از ریزوم آن در رفع ناراحتی های با منشأ عصبی و هیستری استفاده می شود. در رفع سردردهای یکطرفه، دلهره و اضطراب ضعف اعصاب مؤثر و مفید است.<sup>۲</sup>

جوشانده ریشه سنبل الطیب برای درمان سرگیجه، بیماری غش و غلبه خون دماغ مفید است. بیخوابی، هیستری، صرع و تشنجات معدی را درمان می کند، برای تپش قلب و تسکین اعصاب و دفع تشنج نیز نافع است. بر قوه بینایی چشم می افزاید، باعث رشد مژگانها می شود، شستشوی دهان با غرغره سنبل الطیب باعث از بین رفتن جوشهای دهان می شود.<sup>۳</sup>

سنبل الطیب بهترین تسکین دهنده اعصاب و تقویت کننده قلب می باشد. دم کرده آن در ناراحتی های دستگاه گوارش، کولیت های مزمن و عصبی و زخم معده نقش درمان کننده را ایفاء می کند همچنین تپش قلب و تحریک عصبی را آرام ساخته آن را شفا می بخشد.<sup>۴</sup>

ریشه آن دارای ضد تشنج قوی است و از آن در رفع ناراحتی های با منشأ عصبی هیستری و به عنوان کاهش دهنده مقدار دفع ادرار و مبتلایان به بیماری قند استفاده می شود. در معالجه مبتلایان به صرع، در طب عوام برای رفع بی خوابی و به عنوان بادشکن و ضد کرم استفاده به عمل می آورند. ریشه والدین داروی تمام مواردی از بیماریها که بی نظمی های عصبی در بیمار پیش می آید، شناخته شده است. از فرآورده های ریشه آن به تفاوت در بیماریهای مختلف نظیر سرگیجه، دردهای عصبی، سردردهای یکطرفه، دلهره و نگرانیها اضطراب ضعف اعصاب، هیستری داء الرقص،

۲- گیاهان دارویی، ج ۳، ص ۷۱۴  
 ۴- فرهنگ خوراکیها، ص ۳۰۳

۱- طب النبوی و الاشیاء الطیبه، ص ۱۸۶  
 ۳- خواص داروهای گیاهی، ص ۱۱۰

سیاتیک، اختلالات زمان یائسگی، سکسکه‌های مداوم و دفع کرمهای روده مفید است. ریشه آن مصرف دارویی دارد. بوی بسیار تندى مثل بوی ادراز گرم پیدا می‌کند. به عنوان آنتی‌اسپاسمودیک مسکن و خواب آور در موارد اختلالات روانی مصرف می‌شود.

ترکیبات و اثر آن: مواد مؤثر آن به تازگی کشف شده‌اند، عبارتند از: الپوتریات‌ها valprotriates یک اسانس فرار و یک ترکیب ضداسپاسم سنبل‌الطیب فعالیت دستگاه اعصاب مرکزی را کاهش می‌دهد. برای حالات عصبی، بیخوابی ملایم و اختلالات عصبی قلب مصرف می‌شود.<sup>۱</sup>

مقوی اعضا و خصوصاً جگر، معده و مقوی قوه ماسکه و محلل ریاح نفخ و دافع استسقا، قی بلغمی و شراب محلل نفع معده، مدر بول، یرقان، عسرالبول، مفتح سدد دماغی و معده، کبد مقوی دماغ، جگر، درد سینه، خفقان، محلل نفخ استسقا، جهت حفره چشم، تقویت باصره و جهت التیام جراحات مفید می‌باشد.<sup>۲</sup>

سنبل‌گیاهی است از تیره سوسنی‌ها، جزو تک‌لپه‌ای‌ها یا جام و کاسه رنگین و دارای گل‌های بنفش خوشه‌ای است.<sup>۳</sup>

سنبل‌الطیب هندی: ریشه این گیاه در طب برای تقویت و ضد تشنج استعمال می‌گردد. پانزده تا چهل گرم آن در آب جوش دم می‌کنند.

فرانسویها صد گرم ریشه سنبل‌الطیب را در آب جوش مدت ۱۲ ساعت می‌خیسانند و هر روز دو تا سه فنجان از آن را بین غذا مصرف می‌نمایند.<sup>۴</sup>

سنبل رومی و سنبل کوهی و سنبل شاهی نیز در روایات ذکر شده است، از جمله در صفحه ۷۷ جلد سوم این کتاب در ضمن دارویی آمده است.

گیاهی است حلقی که در کنار مردابها در غالب نقاط اروپا، آسیا و ایران می‌روید. گربه

۱- گیاهان دارویی، ج ۲، ص ۶۸

۲- گیاهان دارویی، پروفیسور هانس فلرکه، ص ۱۵۲

۳- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۲، ص ۱۱۲۶

۴- فرابادین کبیر، ص ۲۵۳

۵- گلها و گیاهان شفا بخش، ص ۱۳۰

از بوی آن مست می شود به همین جهت آن را علف گربه نیز گفته اند. قسمت مستعمل آن، ریشه گیاه است که اسانس و الریان را از آن می گیرند. در نازاحتی های عصبی و هیستری آرام بخش و ضد تشنج است، در هر عارضه که علت عصبی دارد تجویز می شود. در سردردهای عصبی، سردردهای ناشی از استعمال مفرط مشروب و دخانیات و در اضطراب و دلهره و بالأخره در اختلالات یائسگی مفید و مؤثر است.<sup>۱</sup>

سنبله الطیب یکی دیگر از گیاهان دارویی ایران است. با اینکه در کشور ما موجود و زمینه امکان تکثیر آن در سطح وسیعی در ایران هست، در عین حال از کشور هندوستان وارد می شود.

### \* سنبل ختایی

آنژلیک گیاهی است علفی دو ساله، دارای رشد زیاد و از تیره جعفری umbelliferae که به حالت وحشی و خودرو در نواحی مرطوب و کنار جریانهای آب، نواحی شمالی اروپا و گروئنلند می روید. پراکندگی آن بیشتر در شبه جزیره اسکاندیناوی و کوهستانهای نواحی مرکزی اروپا تا روسیه وسطی است، در ایران نمی روید. آنژلیک ساقه شیاردار و استوانه ای شکل به رنگ سبز مایل به قرمز و برگهایی پهن، با بریدگیهای زیاد دارد، گلهای آن به رنگ سبز مایل به زرد می باشد. پرورش آنژلیک به علت مصارف زیادی که در طب عوام دارد، در غالب نواحی متداول است. برگ و ریشه آنژلیک بیشتر از ساقه و میوه آن در درمان بیماریها مورد استفاده قرار می گیرد. ریشه آنژلیک به علت دارا بودن اسانس و مواد مؤثر مختلف انرژی دهنده، مقوی، ضد تشنج، بادشکن، معرق، خلط آور و قاعده آور است، و از قدیم الایام چنین شهرت داشته که با جویدن ریشه آن بعضی سردان تاریخی طول عمر یافته اند.

اسانس آن مقوی معدی و بادشکن است. میوه آنژلیک که به غلیظ دانه خوانده می شود در ساختن برخی شورها مورد استفاده قرار می گیرد. ساقه و دمبرگ تازه آن در

قنّادی مصرف دارد.

پرورش آنژلیک در زمینهای شنی کوددار نسبتاً مرطوب و آفتاب گیر که آب بسهولت از آن عبور نماید، براحتی صورت می گیرد. زمینهای رسی غیر قابل نفوذ برای زراعت آن مناسب نیست.

چون قسمت مورد استفاده این گیاه ساقه، میوه و مخصوصاً ریشه آن است لذا در جمع آوری محصول، زمان برداشت را باید دقیقاً در نظر گرفت. معمولاً ساقه گیاه را در سال دوم و میوه آن را در مرداد ماه، پس از رسیدن کامل می چینند و برای این کار نیز سرشاخه های گلدار را قطع نموده و چند روزی آنها را در معرض گرمای خورشید قرار می دهند تا جدا شدن میوه ها از ساقه بسهولت صورت گیرد، سپس میوه ها و دانه ها را پس از پیش زدن و خارج کردن ناخالصی از آنها، در سایه خشک می نمایند تا رنگ سبز طبیعی آنها زایل نگردد. ریشه آنژلیک را که تنها قسمت درمانی و ارزنده گیاه است پس از خارج کردن از زمین بخوبی می شویند و سپس به قطعاتی تقسیم کرده طبق دستور کلی خشک می نمایند. باید توجه داشت که ریشه آنژلیک به علت اسفنجی بودن و داشتن آب فراوان ۷۰ تا ۷۵ درصد وزن خود را پس از خشک شدن از دست می دهد.<sup>۱</sup>

سنبل ختایی *angelique*: سنبل ختایی بسیار شبیه به گلپر است. به طور خودر و روی کوهها و معمولاً در جاهای بلند و مرتفع می روید. در فرانسه در ارتفاعات آلپ و پیرنه، در انگلستان، سوئیس، اتریش، لهستان و در کشورهای شمالی این گیاه را ارزانی داشته و مردم آنجا آن را به عنوان ادویه گوشت و ماهی مصرف می کنند و آن را می پزند یا همان طور به صورت خام می خورند، زیرا سنبل ختایی دارای خواص تقویت کننده و محرک است و هضم غذا را آسان می سازد، و چون مردم کشورهای شمالی بیشتر چربی می خورند، سنبل ختایی به آنها کمک می کند تا غذای چرب و ثقیل آنها براحتی و آسانی بگذرد. علاوه بر کوهها در فرانسه سنبل ختایی در جاهای سرد مرطوب و مردابی هم می روید. اسامی مصطلح این گیاه در فرانسه گیاه ملائکه *herbe des angse* آرشانژلیک

۱. گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۳، از ص ۵۱۰-۵۰۸.

archangelique و گیاه سن اسپری herbe du saint\_esprit می باشد. این گیاه ضد درد و تشنج، در امراض درد معده و روده و آسم های عصبی مورد استفاده قرار می گیرد.

سنبل ختایی برای کم خونی و ترشحات سفید در زنان نافع است. وقتی شکم و روده نفخ می کند یا غذا هضم نمی شود، بادشکن است. قسمت های مورد استفاده این گیاه، ریشه، برگ و تخم آن است که تخم آن را به مقدار بیست گرم در یک لیتر آب دم می کنند و ریشه آن را هم به مقدار بیست گرم در یک لیتر آب می جوشانند و در هر وعده غذا یک فنجان آن را پس از غذا مصرف می کنند. سنبل ختایی را اگر با انیسون و تخم شوید مخلوط کرده و مصرف نمایند موجب ازدیاد شیر می شود و برای مادران شیرده بسیار مفید است.<sup>۱</sup>

سنبل ختایی معطر است و تمام اجزای آن مقوی، محرک، تصفیه کننده خون و معرق می باشد. فرآورده های دارویی آن در قاعدگی دردناک و درد معده عامل درمانی مؤثری است و مانع تهوع، دل پیچه، تشنج آور و سرگیجه بوده و میگرن را تسکین می دهد مخاط شش ها و دستگاه تنفس را تقویت کرده، عضلات را تحرک می بخشد و سرانجام عمل قلب را تقویت می کند. برگ های تازه آن زخم ها را التیام می دهد، جوشانده ای از ریشه های این گیاه نسوج از بین رفته بدن را ترمیم می کند، حمام دست و پا یا کامل بدن به وسیله فرآورده این گیاه نافع رماتیسم، ضربه خوردگی رگ های عصبی و ضعف اندامها می باشد. استحمام با فرآورده های این گیاه نباید بیشتر از ۳ دقیقه طول بکشد و در موقع شستشو، چشمها باید از تماس با محلول های شست و شو در امان باشد.

سنبل ختایی در فاصله تیر و مرداد گل می دهد و برگها و گلها را باید بلافاصله بعد از باز شدن چید و در شهر یور دانه های آن را جمع کرد. ریشه آن در آخر پاییز کنده می شود تهیه جوشانده: بیست تا چهل گرم ریشه خشک کرده یا سرشاخه جوان و تازه را در یک لیتر آب دم می کنند و روزانه یک فنجان می نوشند. دم کرده و جوشانده دانه ها تأثیر بیشتری دارد به این جهت استعمال ده گرم آن در یک لیتر و نوشیدن یک فنجان آن کافی



است.

ساخت محلول برای استحمام: یک مشت از ریشه یا مخلوطی از برگ و دانه گیاه برای بیست لیتر آب کافی است. استحمام با آن روزانه فقط یک بار و حداکثر ده دقیقه می باشد.<sup>۱</sup>

سنبل ختایی: داروی بسیار موثری است، برای درمان ناراحتی های معده، مخصوصاً درد و تشنج و قولنج. چون این گیاه در هضم غذا مؤثر است، کشورهای شمال اروپا آن را با غذاهای چرب و ثقیل می خورند تا زودتر هضم گردد. سنبل ختایی بادشکن هست و در مواردی که شکم نفخ می کند مصرف می شود.<sup>۲</sup>

سنبل ختایی آنقدر اهمیت دارد که گفته اند بهایش معادل هموزنش طلا باید باشد. سنبل معطر است تمام اجزای آن مقوی است، محرک، تصفیه کننده خون و معرق می باشد، مانع تهوع، دل به هم خوردگی و تشنج آور بوده، میگرن و سرگیجه را تسکین می دهد، عمل قلب را تقویت می کند، دم کرده آن برای رفع خستگی، نفخ، آسم عصبی، درد قاعدگی و درمان رماتیسم مؤثر است.<sup>۳</sup>

سنبل ختایی: داروی بسیار موثری است. برای درمان ناراحتی های معده، مخصوصاً درد و تشنج و قولنج، باد شکم، نفخ شکم را می برد و در هضم غذا نیز مؤثر است.<sup>۴</sup>

### \* سنباده

عربی: حجرالمسن

هندی: کرنديپتر، سنباده.

سنسکریت: کرنديکا، حيتربوشا، کرتی

لاتین: *ammonia vesicatoria*, *ammonia baccifera*

سنگی است که با آن چاقو را تیز می کنند.

۲- خواص میوه ها خوراکیها، ص ۱۰۹.

۴- خواص گیاهان دارویی، ص ۱۰۹.

۱- صد گیاه و هزار درمان، ص ۱۸۵-۱۸۷.

۳- صد گیاه و هزار درمان، ص ۱۸۵.

سنگ سنباده گونه‌ای سنگ سیلیس است که از تراکم پوسته‌های آلگهای سیلیسی موسوم به دیاتومه فرانسوی diatome، مخلوط با پوسته‌های سیلیسی، تک سلولیهای سیلیسی موسوم به شعاعیان به وجود آمده و از آن جهت صیقل دادن استفاده می‌کنند سنگ تریپولی.<sup>۱</sup>

### روایت از جابر بن حیان و توضیح:

سنباده: آلومینی است به رنگهای خاکستری سرخ یا سیاه و بسیار سخت که برای صیقلی کردن و جلاء بخشیدن فلزات به کار می‌رود.<sup>۲</sup>

سنبادج: بضم اول و سکون نون و فتح بای موحد و الف و فتح و دال مهمله و جیم معرب سنباده فارسی است و سمید نیزگویند و آن را حجرالماء و به هندی کردند می‌گویند و از آن مسن می‌سازند و آن سنگ مصنوعی است که شمشیر و کارد بر آن تیز کنند و نگینه‌ها بر آن حک نمایند.

سنبادج سنگ معروف به حجرالسیموس است و معنی این محدد بصر است و گاهی حجرالماء می‌نامند و آن سنگی است نرم و گویا که ریگ مجتمع منجمد است و خشن و معدن آن در جزائر چین است و گاهی از بلاد دیگر می‌آید و در ملک هند از مناطق کوهستانی شمالی به دست می‌آورند و چهار قسم است: یکی سفید رنگ شبیه به رنگ شیر و این را به هندی دود می‌نامند. و دوم سیاه رنگ، شبیه به رنگ روغن چراغ و این را به هندی تیلیه می‌گویند. و سوم شبیه به رنگ عدس و این را به هندی مسوریه خوانند و گویند: این بهتر از همه است. و چهارم شبیه به رنگ گل سرخ و آن را گلابی نامند و هر چند سرخ‌تر و صلب‌تر باشد، بهتر است. و گویند: سرد در دوم و خشک در سوم، گویند: سرد و خشک در دوم و بعضی در چهارم گفته‌اند. در آن جلای سیار است و لهذا تقاشان و حکاکان در جلای نگینه‌ها و غیره از آن استفاده می‌کنند آن جلای تمامی سنگهاست و

۱- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۲، ص ۱۹۳۴.

۲- همان، ج ۲، ص ۱۹۲۵، قزاق‌دین کیو- ص ۲۵۳ صیدنه، ج ۲، ص ۱۸۹۲ ابن‌الطیار، ج ۳، ص ۲۰.

در جلای یاقوت و زمرد و غیره چیزی مثل آن نیست. خشک باشد یا تر، چرک و رنگ آهن را بزدايد، مرجان را بدان جلا دهند.

در ادویه محرقه و مجفقه و اکاله داخل می شود، قطع نرف الدم کند و ضماد آن محلل اورام و ترهل و انتفاخ جلد و مسکن التهاب است و با سفیدی تخم مرغ جهت سوختگی آتش و با موم جهت بواسیر نافع استرخای لته است و ستون آن دندان را از چرک و زردی پاک کند. مضر عصب، مصلح آن زعفران و از داخل غیر مستعمل است.<sup>۱</sup>

سنباده که آن در هندی کردند بهتر می گویند، سنگی مصنوعی است که بر آن چاقو و غیره را تیز می کنند. رنگ سرخ و سفید و سیاه، ذائقه بی مزه، مزاج سرد و خشک دو درجه فقط خارجاً استعمال می شود. لته را قوت می دهد، دندان را جلا می کند، ورم را تحلیل می کند، سوزش را تسکین می کند، برای سوزش سوختگی با سفیده تخم مرغ بمالند، نافع است. با موم برای بواسیر نافع است، برای زخمهای قدیم فایده می دهد.<sup>۲</sup>

بستان المفردات آن را سرد و خشک دو درجه و برای امراض اعصاب مضر دانسته است. مصلح آن زعفران و بدل آن سنگ سان که سنگ فشان یا حجرالمنن. اینها این هر دو سنگ را جداگانه و دارای یک تأثیر بیان کرده اند و بعضی فوائد و خواص ما بین آنها فرق می کند. سنباده قاطع جریان خون است و زخمها را پرمی کند.<sup>۳</sup>

کتاب همدرد، اسم طبی آن را ammonia baccifera ذکر کرده است.<sup>۴</sup>

### \* سنجد

عن الرضا عن آبائه عن الحسين بن علي عليه السلام قال: دخل رسول الله ﷺ على علي بن أبي طالب عليه السلام وهو محموم فأمره بأكل الغبيراء.<sup>۵</sup>

عن ابن بكير قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول في الغبيراء: إن لحمه ينبت اللحم و

۱- محیط اعظم، ج ۳، ص ۵۹

۲- المفردات، ص ۳۶۷

۳- بستان المفردات، ص ۲۱۸

۴- همدرد، ص ۵۳

۵- عیون الاخبار، ص ۴۳؛ صحیفه الرضا، ص ۳۴؛ مکارم الاخلاق، ص ۲۰۰؛ کافی، ج ۶، ص ۳۶۱؛ عیون، ص ۴۳

عظمه ینبت العظم و جلده ینبت الجلد ومع ذلك فإنه یسخن اللیتین و یدبغ المعده و هو امان من البواسیر و التقطیر و یقوی الساقین و یجمع عرق الجذام یاذن الله.

در مجمع البحرین گویند: غبیراء خرما یی است مشابه عناب، غیراً همان سنجد معروف است.

امام رضا علیه السلام از پدرانش از حسین بن علی علیه السلام نقل کرده که فرمود: پیغمبر خدا روزی وارد منزل علی بن ابی طالب علیه السلام شد، در حالتی که او تب دار بود، پیغمبر صلی الله علیه و آله دستور داد سنجد بخورد.<sup>۱</sup>

ابن بکیر گویند: شنیدم امام صادق علیه السلام فرمود: گوشت غبیراء گوشت می رویند و استخوانش استخوان و پوست آن پوست و با همه اینها، سنجد کلیه ها را گرم می کند و معده را دباغی می نماید و از بواسیر و چکیدن ادرار امان است. ساقها را نیز محکم می کند و رگ جذام پیسی را می کند به اذن خدا.<sup>۲</sup>

سنجد درختی است از تیره سنجدها که نزدیک به تیره زیتونیان می باشد درختی است بزرگ و پر خار و برگهایش شبیه برگ بید و گلهایش خوشه ای سفید یا زرد و بسیار خوشبو است درخت سنجد در ایران خودرو است و چون میوه اش مطبوع است، در اکثر باغها آن را کشت می دهند و میوه های با پوست قرمز یا زرد نسبتاً درشت ماکول از آن حاصل آید. درون میوه سنجد هسته درازی شبیه هسته خرما موجود است.<sup>۳</sup>

سنجد به کسر اول اسم فارسی است و خوب دانه نیز گویند و به عربی غبیرا و به ترکی ایکده نامند و درخت آن بزرگ به قدر درخت عناب و زیتون است و در بلاد سرد به هم می رسد و برگ آن درشت و انجیر و لهذا آن را انجیر می گویند.

درخت آن نر و ماده می باشد. قسم نر آن میوه نمی دهد و ماده آن دو نوع است: یکی را میوه بقدر عناب و فندق و کنار و نوع دوم را میوه بزرگتر از اول و پوست آن نیز سرخ و

۱- بیون الاخبار ج ۲، ص ۱۴۳ صحیفه الرضا، ص ۳۴.

۲- مکارم الاخلاق، ص ۱۲۱۰ کافی- ج ۶، ص ۲۶۱.

۳- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۱۲، ص ۱۹۲۸؛ قرابادین، ص ۳۰۳؛ فرهنگ داروهای، ص ۲۱۳.

از مغز جدا می شود و مغز آن نیز سفید رنگ و لهذا مانند آرد نرم می باشد. هر دو نوع در وسط فصل تابستان پخته می شود و قوت آن تا دو سال باقی می ماند. آن سرد و خشک است، سفید، مقوی و مفرح، قابض شکم و حابس سیلانات و قاطع قی و اسهال و نافع سرفه گرم است و سویق آن نیز جهت امور مذکوره نافع و منظم ادرار بول و مانع تقطیر آن است. گل سنجد گرم و خشک و مهیج باه، خصوصاً زنان را و لهذا زنان و دختران نو رسیده را از بویدن آن منع می نمایند.<sup>۱</sup>

غیرا، سنجد سرد و خشک است. هر خونریزی را بند آورد، صفراوی را بر می کند که به اندرون می ریزد، اگر مزه شراب شود به کندی مست می شوند. سنجد از زالزالک کمتر گیرنده و قبض است، در علاج سرفه گرم مفید است، از استفراغ جلوگیری می کند در علاج پوست اندازی روده که ناشی از صفرا باشد نافع است و ادرار را زیاد می کند.<sup>۲</sup>

مهرای آن در روغن زیتون جهت مفاصل و استرخاء و دراز کردن موی مجرب و اندازه شربتش یک مثقال است.<sup>۳</sup>

درختی است که در طب سنتی با نامهای (کنار) و سدر، سدره، سنجد گرجی و شجرة التبق آمده است. میوه این درخت سرد و خشک است، میوه نارس آن قابض و نفاخ و رسیده آن دیرهضم، مسهل صفرا از معده و رودهاست. سرخ کرده و بو داده میوه کنار یا سنجد گرجی خیلی قابض برای اسهال و زخم روده ها و تبهای گرم مناسب است. برای آبله، سرخجه و سرخک نافع است، عطش را تسکین می دهد، جهت جلوگیری از ریزش مو و تقویت اعصاب نافع است.<sup>۴</sup>

سنجد تلخ را در میان آذربایجان جالی گویند، در کتب طب سنتی با نامهای ابوقانس آمده است، میوه اش تخم مرضی کوچک با طعم کمی ترش، از سنجد تلخ با کمک قند مربای خوش طعمی درست می شود. جوشانده میوه سنجد تلخ برای رفع التهاب های جلدی به کار می رود. برای رفع عوارض ناشی از کمبود ویتامین C خورده می شود.

۱- محیط اعظم، ج ۲، ص ۶۲

۲- قانون در طب، ج ۲، ص ۳۵۴

۳- تحفة حکیم مؤمن، ص ۱۹۰

۴- معارف گیاهی، ج ۳، ص ۱۲۰

معتقدند که بازکننده گرفتگیها و مسهل بلغم و زردآب است. برای استسقا، کبد گرم بسیار مفید است، نشستن در آب سرد اسهال را قطع می‌کند.<sup>۱</sup>

نام علمی این رستنی *elaeashus\_ahsustifokial* در عربی زقوم در کردی سنجو و سرنجک گویند. در میان کردها پوست سنجد را برای برافروختگی صورت می‌سوزانند و صورت را روی آتش آن می‌گیرند تا بهبودی یابد. آرد میوه آن را هم برای رفع اسهال به مصرف می‌رسانند. برگ درخت سنجد و میوه خشک آن دارای اثر قابض است. میوه سنجد آرد مخصوصی دارد که تانن و قند است، آرد در اسهال به کار می‌رود، قابض و مقوی معده است.<sup>۲</sup>

گل‌های سنجد زرد رنگ، معطر با عطر قوی، با طعم کمی شیرین و قابض و قابل خوردن، از نظر خواص مقوی و مفرح است، برای سرفه‌های گرم مفید است، قابض و مدر و مقوی معده و قوه ماسکه می‌باشد، قی و آشفته‌گی را تسکین می‌دهد، سنجد خصوصاً خام برای بند آوردن اسهال نافع است، دم‌کرده آن برای بیمارهای دماغی، فلج کزاز برای قلب، زخم‌های ریوی و تنفس، استسقا و یرقان نافع است.<sup>۳</sup>

میوه سنجد آردی شیرین مزه دارد، در آن مقداری تانن وجود دارد، قابض و در درمان اسهال‌های ساده از آن استفاده می‌شود حدیثی از امام صادق علیه السلام هست که می‌فرماید: سنجد استخوان را می‌رویاند و کلیه را گرم و معده را دباغی می‌کند و از خروج بدون اختیار ادرار جلوگیری می‌کند و پاها را تقویت می‌کند.<sup>۴</sup>

میوه سنجد آرد مخصوصی دارد که تانن و قند است و این آرد در درمان اسهال به کار می‌رود. قابض و مقوی معده است، گل‌های سنجد دارای بوی مخصوصی است که تحریک شهوت می‌کند.<sup>۵</sup>

۲- طب سنتی در میان کردها، ص ۱۱۱.

۴- بهداشت تغذیه، ص ۴۶۲.

۱- معارف گیاهی، ج ۵، ص ۲۶۸.

۳- معارف گیاهی، ج ۷، ص ۱۶۲.

۵- همان، ص ۴۶۲.

سنجد مثل زالزالک و ازگیل ضد اسهال و قابض است و ضد خونریزی، دارای مقدار زیاد جوهر مازو و ویتامین K است. برای سینه مفید است، سموم معده و روده‌ها را زایل کرده و درد سر را تسکین می‌دهد، گل آن شهوت زنان را زیاد می‌کند، بوییدن گل سنجد برای اشخاص قلع و لقوه نافع است، مسکن قی و صفرا می‌باشد، نرمی استخوان (راشی تیسیم) را از بین می‌برد، برگ او دملهای چرکین را التیام می‌بخشد، خاصیت تقویت قلب را دارد، مقوی معده می‌باشد، بادشکن، مقوی دماغ، ضد برفان و استسقاء می‌باشد. درد و وزم مفاصل و اعضاء بی حس نافع، به سر بمالند مو را دراز می‌کند، کلیه‌ها را گرم و معده را دباغی می‌کند و جهت سلسل البول مفید است.<sup>۱</sup>

سنجد ضد خونریزی است. دارای مقدار زیادی جوهر مازو و ویتامین K می‌باشد.<sup>۲</sup>

سنجد برای سینه بسیار مفید است.<sup>۳</sup>

سنجد بر درختی است دارای برگهای دراز، شبیه به برگ بید، شاخه‌هایش خاردار، میوه آن کوچک و دارای پوست نازک سرخ رنگ، مغزش سفید و آرد مانند و دارای یک هسته سخت می‌باشد.

درخت سنجد ساقه‌ای به ارتفاع دو تا پنج متر و حتی بیشتر دارد. خاردار یا بدون خار می‌باشد. در ایران، در بعضی نواحی استپی کشور به حالت خودرو می‌روید و چون نسبت به خستگی اصولاً بردبار است، از این جهت در بعضی نواحی برای پرچین باغها یا استفاده از میوه و چوب آن اقدام به پرورش این درختچه می‌گردد. میوه‌ای بیضوی، گوشتدار، شبیه زیتون، به رنگ زرد، نارنجی مایل به قرمز و دارای طعم ملایم، قابض و قابل مصرف است برگ درخت سنجد و میوه خشک آن دارای اثر قابض است. از گلهای آن جهت معطر ساختن بعضی لیکورها استفاده به عمل می‌آید، به علاوه عقیده کل بر این است که اثر تب بر نیز دارد.<sup>۴</sup>

۱- مجموعه طب متنی و گیاهی، ص ۲۴۳

۲- اسرار خوراکیها، ص ۲۲۱

۳- گیاهان دارویی، ج ۲، ص ۷۶۹-۷۷۰

۴- اسرار خوراکیها، ص ۲۲۲

### محل رویش:

آذربایجان: قره داغ، نزدیک ارومیه، کالیبار، کردستان: سنندج، کرمانشاه همدان، اصفهان، شیراز، بلوچستان: کوه تافتان، خراسان: تربت حیدریه، تهران: سرستانک کوه توچال، نزدیک ونک قزوین و قم.

### \* سنجد تلخ

فارسی: سنجد تلخ، کام، کهام.

عربی: غاسول، رومی شوک القصار.

درختچه‌ای است خاردار و به ارتفاع ۱ تا ۳ متر، گل‌های آنکه در اوایل بهار ظاهر می‌گردد، رنگ مایل به سبز دارد و بر دو نوع نر و ماده می‌باشد. میوه‌اش کوچک، تقریباً کروی به رنگ زرد نارنجی و دارای طعم ترش است. قسمت مورد استفاده این درختچه؛ میوه و پوست ساقه آن است.

### ترکیب شیمیایی:

میوه آن دارای اسیدمالیک فراوان، مالات کلسیم، مانیت کوئرستین، یک ماده ملون و قابل تبلور که به صورت بلورهای سوزنی شکل به رنگ زرد لیمویی به دست می‌آید یک ماده روغنی که دارای مقدار زیادی اسید آسکوریک و اسید بوتیریک است. برگ و چوب آن دارای کوئرستین می‌باشد و با املاح آهن، رنگ خاکستری و قهوه‌ای تولید می‌کند.

### خواص درمانی:

میوه آن ضد اسکوربوت بسیار قوی است واز آن در رفع عوارض ناشی از فقدان ویتامین C بخوبی می‌توان استفاده به عمل آورد. طعم آنها ترش مزه و قابض است، اثر ضد کرم نیز برای آن قائل می‌باشند، مصرف پوست این درختچه و برگ آن به‌عنوان



مقوی و قابض توصیه شده است و دانه‌اش اثر ملینی ملایم دارد.  
در دامپزشکی گاهی از میوه آن برای رفع بیماریهای جلدی دامها استفاده می‌کنند.

### محل رویش:

نواحی مختلف البرز، گچسر، اطراف تهران، کرج، شهرستانک در ارتفاعات ۲۲۰۰ متری ونک، میگون، پس قلعه، قزوین، آذربایجان: قره داغ.<sup>۱</sup>

### \* سنجسبویه

رازی گوید: تخم بلسان است و گوید در تذکره عبدوس یافته‌ام و ابو معاذ گوید: سنجسبویه پستان را گویند و کندی او را سنگ سبویه گوید.<sup>۲</sup>

### \* سندروس

#### روایت:

احمد بن حماد گوید: امام محمد باقر علیه السلام بخور مریم را توصیف کرد بر کنیز خود و فرمود: آن بر هر چیزی از قبیل روان که از تماس شیطان و قاسد شدن عقل و افتادن بر زمین و غیر اینها نافع است و مجرب باذن خدا.

امام فرمود: لبان و سندروس و بزاق قم و کور سندی و قشور الحنظل و حزاء بری و کبریت ابیض و کسره داخل المقل و سعد یمانی و مر زیاد و شعر قنقذ که با قطره‌ای از قطران شامی آلوده شود و همه اینها در یکجا جمع شده بخور داده شود انشاءالله برای نارسایی مغز نفع می‌بخشد.<sup>۳</sup>

سندروس بضم و به فتح سین و سکون نون و فتح دال و ضم رای مهمله و سکون و او

۲- صیدنه، ج ۱، ص ۲۶۶.

۱- گیاهان دارویی دکتر زرگری، ج ۲، ص ۷۶۳.

۳- طب الاشمه، ص ۱۱۲، بحازه، ج ۶۲، ص ۱۵۶.

و سین مهمله به فارسی سندروس، به یونانی قاسامن و به سریانی قاموز و به هندی چندرس می‌گویند و آن چیزی است شبیه کهربا و رنگ آن زرد و بعضی قطعه‌های آن سرخ رنگ و از کهربا خردتر و در آتش و روغن کنجد و سرشفت بر آتش گذاخته می‌شود و در ماهیت آن اختلاف کرده‌اند.

دیسقوریدوس گفته که صمغ درختی است در زمین هند و بلاد مغرب و بعضی گویند که صمغ درخت عرعار و نزد بعضی درخت ساج است و محمد بن احمد گفته که آن صمغ نیست بلکه از چشمه که به بعضی سواحل بحر هند است، بیرون می‌آید و از باطن زمین مثل قیر گذاخته بر می‌آید. پس هر گاه در بحر جاری می‌گردد، متجمد می‌شود و موجهای بحر به سوی کنارها می‌افکند و آن را می‌گیرد.

دخان آن با عود هندی جهت رفع صداع و قطع زکام بارد مفید است.<sup>۱</sup>

سندروس صمغی است که از گونه‌ای سرو کوهی استخراج می‌شود و در طب قدیم مورد استعمال بوده، ضمناً از آن در ساختن دانه تسیح یا گردن بند استفاده می‌کرده‌اند. از مخلوط سندروس و روغن بزرک، روغنی به نام روغن کمان حاصل می‌کرده‌اند که از جهت چرب کردن کمانها استفاده می‌شد. حجرالسندروس، تبریزی، فارون.<sup>۲</sup>

دیسقوریدوس در قانون گوید: سندروس انگم درختی است از عربستان و هندوستان، کمکی به مر می‌ماند. بویش بد است بعضی از دود آن استفاده کنند و گاهی لباسها را بدان دود کنند. این انگم را با استرک و مر مخلوط می‌کنند و بر آتشی می‌نهند و سندروس می‌سازند. گرم و خشک است، گیرنده و بند آورنده خونریزی است.

کشتی‌گیران این دارو را به کار می‌برند که سبکخیز و توانا باشند و به نفس‌گرفتگی دچار نشوند. کسی که بخوراند لاغر شود، هر روز سه چهارم درهم سندروس را در آب و سکنجبین حل کند و بخورد، بسیار مؤثر است. سرما خوردگی به وسیله دود سندروس

۱- محیط اعظم، ج ۲، ص ۶۴.

۲- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۲، ص ۱۹۳۰؛ فرابادین کبیر، ص ۲۵۴؛ فرهنگ داروهای ص ۲۱۴؛ ابن‌البیطار، ج ۳،

برطرف می شود. سندروس حل شده در آب و سکنجین را در چشم چکانند، ضعف دید را برطرف می نماید.<sup>۱</sup>

سنگی است که از سواحل دریا خیزد و گویند: صمغ درختی است و محمد بن احمد زکریا گوید که در وسط بحر هند چشمه ای است گرم، آب آن مثل عسل غلیظ و در میان آب دریا می جوشد و چون بر روی آب آمد سرد و منعقد می گردد و مخصوص هند است و آن شبیه به کهریا و از آن سست تر و سرخ تر و با اندک تلخی به خلاف کهریا و سه قسم می باشد زرد باطن و براق و یکی مایل به کبودی و خوب آن مثل گاه ربا، ربا بنده گاه است و از ادویه جلیل القدر است.<sup>۲</sup>

#### ترکیبات شیمیایی:

رزین ساندراک به صورت ورقه های کوچک به رنگ زرد روشن است و اگر حرارت ببینند، بوی مطبوع ولی ضعیف از آن استشمام می گردد. در استات دامیل کاملاً محلول ولی در اسانس تربانتین به مقدار کم حل می شود. طعم آن معطر و کمی تلخ است. نوع نامرغوب آن به صورت قطعات کوچک به رنگ تیره و دارای ناخالصی های مختلف است.

#### رزین ساندراک:

دارای ۹۵ درصد از اسیدهای مختلف، ۱/۵ درصد ناخالصی، ۱/۸۴ مواد تلخ، ۱/۵۷ درصد آب و یک درصد اسانس مرکب از دیپانتن و پینن راست است. رزین ساندراک به مصارف درمانی نمی رسد و بیشتر مصارف صنعتی دارد مانند آنکه از آن در تهیه ورنی استفاده می شود.<sup>۳</sup>

سندروس: نیم سیر سندروس، نیم سیر گوگرد، ۱ کیلوگرم شیر را می بندد مثل پنیر.<sup>۴</sup>

۲- تحفة حکیم مؤمن، ص ۱۵۷.

۴- حکیم اسفندیاری

۱- قانون در طب، ج ۲، ص ۲۳۷، صیدنه، ج ۲، ص ۸۹۲.

۳- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۳، ص ۳۵۴.

## \* سندوس

سندوس: ابریشم نازک، دیبا اصلش ممکن است فرسی یا هندی باشد به گفته برخی، این کلمه اصلاً یونانی سندوکس یا سندوقس یا حکادی است که به زبان پهلوی درآمده و از پهلوی یا شاهی در زبان عرب استعمال شده است.<sup>۱</sup>

## \* سنگ خوارک

در حدیث صحیح از امام محمد تقی علیه السلام نقل شده است که گوشت اسفروود سنگخوارک مبارک است و پدرم آن را دوست می داشت. می فرمود که برای صاحب یرقان بریان کنید و بخورانید.<sup>۲</sup>

سنگ خوارک پرنده‌ای است *perdrix d'egypte*، از راسته‌ماکیان که در صحاری لای بوته‌های گون و خارها لانه می سازد، پرهایش خاکستری تیره و قدش کوچکتر از کبک است. محل زندگی اش در آسیای مرکزی و غربی و آسیای صیر است و در ایران بسیار فراوان بوده است. با قرقره قطا، اسفروود، سنگ شکنک، سگ خواره، سنگ خور، اسفهرود، سفروود، سنگین خوار.<sup>۳</sup>

سنگ خواره را به ترکی قرقره و به رومی فاسا و به یونانی مینامور و به هندی لوا نامند و نویسنده اختیارات آن را به فارسی اسفروود نامیده است. زاج آن گرم در اول و خشک در دوم است. گیلانی گفته که آن را با کرفس برای تفتیح سدد و تقویت معده بخورند و محرک شهوت و مقوی باه در مرطوبین است. مهارریس گفته که استخوان آن سوخته، خاکسترش را در روغن زیتون جوشانیده، بر جایی که موی بخته باشد، بمالند مو را برویاند و چون آن را ذبح کرده خون آن بگیرند و برداء الثعلب للاً نمایند، در آن موضع مو را برویاند و کچلی را ببرد.<sup>۴</sup>

۱- فرهنگ کامل لغات قرآن، پروفیسور عباس مهرین شوشتری، ص ۲۸۹.

۲- حلیۃ المتقین، ص ۴۹ ۳- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۲، ص ۱۹۳۹.

۴- محیط اعظم، ج ۳، ص ۳۰۴.

### \* سنگریزه

به عربی حصاة گویند. سرد و خشک و رادع و مجفف و ذر و ساییده آن مانند غبار جهت نرف الدم جراحات و انداختن آن در کوزه آب مصلح خلطت آن است.<sup>۱</sup>

### \* سنگدان

و آن سنگدان طیور است و بهترین آن سنگدان مرغابی فربه جوان است. و سنگدان هر حیوان پرنده مایل به طبیعت همان حیوان است. در مجموع گوشت سنگدان کثیرالغذا و مولد خون صالح بوده و گویند چون پوست زرد داخل آن را خشک کرده با شراب یا آب یا شکر بنوشند، جهت درد معده و فم آن مفید است. خصوصاً خروس و آن ذرب و زلق امعاء را نیز مجرب است و اکتحال آن جهت جلای قرنیه نافع است.<sup>۲</sup>

### \* سنگ مغناطیس

همان حجر مغناطیس است و آن سنگی است که آهن دار باید و در اول گرم و در سوم خشک است.

آشامیدن آن جهت فالج و لقوه و اوجاع مفاصل و عرق النساء و عسر ولادت و همچنین جهت دفع و قطع نرف الدم و التیام جراحات و نگه داشتن پیچیده آن در حریر سفید با خود باعث قول و جاه و هیبت و قضای حاجات و نگاهداشتن آن در دست رافع کزاز و تعلیق آن به ظرف چپ جهت عسر ولادت و درد زائیدن و گویند چون مس آن زن حیاض کند، این اثر از آن زائل گردد.<sup>۳</sup>

### \* سنگ لاجورد

همان حجر لاجورد است و آن اندک ضعیف تر و گرم، در دوم و خشک در سوم و بالخاصیت دافع سوداست. حوالی قلب و امراض سوداوی و غم و هم و توحش و مدر

۲- همان، ج ۲، ص ۶۸.

۱- محیط اعظم، ج ۲، ص ۶۵.

۳- فرابادین، ص ۱۱۷۳، تحفه حکیم مومن، ص ۸۲.

بول و حیض و مالیدن آن قطع تأکیل کند و همین طور مالیدن آن با سرکه جهت بهق و برص و تجعید موی و اکتحال آن، منع ریختن مژگان کند. اعظم اجزای ادویه امراض چشم است. برای رویانیدن مژگان و زیادتی و تسخین آنها نفید و گویند محسن موی پلک و زیاد کننده آن است و در این باب غایة النفع است. و بعضی گویند چون آن را بسوزانند و غسل کنند سپس در چشم کشند، تحسین موی پلک و تکثیر آن نماید و قوخی آن قاطع رعاف است و حمول و شرب آن ادرار حیض به قوت نماید و آن مضر خیم معده است و مصلحتش مصطکی یا حماما و مقدار شربتیش از نیم مثقال تا یک درم یا یک مثقال با ادویه مناسب.<sup>۱</sup>

### \* سنگ محک

به عربی حجرالمحک و به هندی کسوطی گویند. سنگی سیاه و سنگین و به رنگ خاکستری می باشد که در دجله موصل و قابوس بنی لخم پیدا می شود و نشانه بهترین نوع آن این است که چنانچه چندین دفعه بخار دهان به آن برند. بوی زعفران به مشام برسد. چنانچه سنگ محک را بر محل چرک بمالند چرک را ازین می برد. کشیدن طلا و نقره بر آن با تغییر رنگ، نشان دهنده کیفیت طلا و نقره می باشد. مزاج آن در درجه دوم سرد و خشک است و آشامیدنش نافع نگی نفس و درد کلیه می باشد.

کشیدن سنگ محک با شیر مادر بر چشم نافع سفیدی زخم و طببات چشم می باشد. مقدار خوراک یک دانگ است.<sup>۲</sup> سنگ محک را به فرانسوی *lithite* گویند که گونه ای ژاسپ *jaspe* سیاه رنگ است و در ترکیبش رست هم دارد و در زرگن جهت تشخیص طلا و عیار آن به کار می رود. سنگ عراقی همان حجرالمحک، ژاسپ سیاه، سنگ امتحان می باشد.<sup>۳</sup>

۱. محیط اعظم، بخش ۲، ج ۴، ص ۱.

۲. محیط اعظم، ج ۲، ص ۱۳۲؛ تعفه حکیم، ص ۸۳.

۳. فرهنگ معین، ج ۱، ص ۱۹۳۶.

## \* سنگ خواره

عربی: تدرج، قطا

فارسی: تدرو

هندی: لاونکا، لاوکا

اردو: لوا

آن پرنده مانند طیهوج است، پرهای آن نقشه دار است.<sup>۱</sup>

صاحب تحفه، قطا را به فارسی سنگ اشکنک و به ترکی با قریقره نوشته است. آن مقوی جگر، مرطوب و معده و مفتوح سدد و رافع استسقا و باد غلیظ و فالج و سردی روده‌ها و اعصاب و محرک باه و دیرهضم است. مصلح آن سرکه و روغن است، سنگدان قطا مولد سنگ کلیه است. برای تناول بایستی دو روز از ذبح آن گذشته باشد.<sup>۲</sup>

قطا، سنگ خوارک: کمی گرم و بسیار خشک است، سودا پدید آورد، شکم را روان سازد.<sup>۳</sup>

## \* حجر الیهود

حجر الیهود را به عربی حجر الزیتون و به سریانی کیفا یهود و به فارسی سنگ جهودان و به سانسکریت استورن به معنی بیرون آورنده مرض می‌گویند.

سنگی معروف است به شکل بلوط و زیتونی رنگ مایل به سفید می‌باشد. نیز مانند گردوی کوچک کم دراز با خطوط متوازی و متقاطع در طول است که در آب سریع ساییده می‌شود و طعمی ندارد.

این سنگ از فلسطین، لبنان و سوریه به دست می‌آید که دارای دو نوع نر و ماده می‌باشد. مشخصات فوق مربوط به نوع نر می‌باشد و نوع ماده آن بدون خط مایل به سرخی و تیرگی و بعضی پهن و غیر مستدیر است.

۲. تحفه حکیم مؤمن، ص ۲۰۸.

۱- لاتانی لغات الادویه، ص ۲۳۹.

۳- قانون در طب ج ۲، ص ۳۰۰.

نوع نر آن مخصوص به سنگ مردان و نوع ماده مخصوص به زنان می باشد.  
مزاج آن در درجه اول گرم و در درجه دوم خشک است و جالینوس مزاج آن را معتدل  
و بعضی سرد و خشک در اول یا دوم گفته اند.

حجر الیهود مدر بول و مانع ایجاد سنگ است و به قول هرمس: چنانچه آن را با خون  
خفاش ساییده و در چشم بکشند، نافع پرده چشم و تاریکی آن و ریزش مژگان چشم  
می باشد و طبق دستور مژگان را دوباره می رویند.

مالیدن آن نافع زخمها و با عسل نرم کننده قسمتهای سخت بدن می باشد.  
خوراک یک نخود یا نیم درم آنکه بر روی سنگ مس با آب ساییده شده باشد، همراه  
با شش درم آب گرم سنگ کلیه و مثانه را می شکند و نافع سخت ادراری و خونریزی  
مقعد می باشد. نیز خوراک نیم مثقال ساییده آن با پنجاه گرم آب گرم و یک مثقال روغن  
بادام تلخ شکننده سنگ، مدر بول و دافع لختگی خون در مثله می باشد.

جالینوس گفته که حجر الیهود در سنگ کلیه بسیار قوی و در سنگ مثانه ضعیف  
می باشد. حجر الیهود، برای معده سنگین است و اشتها را از بین می برد، مصلحش تخم  
کرفس یا سکنجبین به می باشد. مضر جگر است و مصلحش صغ عربی می باشد. مضر  
طحال است و مصلحش عسل می باشد.

مقدار خوراک آن تا نیم درم است و مشابهش حجر المسن سند فسان و سنگ کارد  
که با آن کارد و شمشیر را تیز می کنند و می گویند: تخم کرفس با سکنجبین به می باشد.<sup>۱</sup>

## \* سنگ عقاب

روایت از جابر بن حیّان:

عقاب اکسید سه ظرفیتی آهن که در حالت طبیعی با مواد خارجی قبیل رست و  
غیره تیز مخلوط است و اگر نسبت رست زیاد باشد، انواع اخری را بهجود می آورد



بهت، حجر الباهت، اکتمکت، حجر العقاب.<sup>۱</sup>

اکتمکت بفتح همزه و ضم آن نیز و کسر کاف و سکون تائی فوقانی یا تون عوض تا و فتح میم و کسر کاف ثانی و سکون تائی فوقانی و به قول گیلانی بضم جمیع حروف سوای هر دو تائی فوقانی که ساکن اند اسم سریانی است و گویند عربی و به یونانی اناطیطس به معنی سنگ ولادت و در مصر به حجر ایلاتی و حجر الولادت و حجر الماسک و حجر النساء و بعضی حجر النسر و حجر العقاب و در فارسی خرماى ابوجهل و عوام فارسی خایه ابلیس و به خراسان اشک مریم و به هندی کربخوا و کنجه و در زیان سانسکریت ساگر کهوله می گویند و آن میوه درختی است پر خار و شاخه های آن پراکنده و برگهای آن ریزتر از برگ انار، در طول کمتر و در عرض زیاده و نوک ندارد و تمام شاخها و ساق آن پر خار و غلاف ثمر آن شبیه به غلاف استه انبه، لیکن پر خار و در جوف آن دو یا سه دانه مثلث شکل زیتونی و در جوف آن مغزی سفید، شبیه به مغز فندق و بسیار تلخ است.

میوه آن چون خشک شود و حرکت دهند، مغز آن در آن حرکت می کند و چون سخت می باشد، پوسن آن صدا می نماید و لهذا صاحب منهاج و تحفه و غیره همه آن را سنگ دانسته اند و گفته اند که آن سنگ در سنگ است و حال آنکه او تخم است نه سنگ. به قول ابن ماسویه اکتمکت صلاحیت آن دارد که بدل فاوانیا گردد و از خواص آن است که چون بر بازوی راست بندند، بر اعدا ظفر یابند و چون مغز آن در بینی صاحب صرع چکانند، بهوش آزد و کذا طلای آن بر عضوی که از آن ماده صرع حرکت کند، منع صرع نماید و چون باشیر زنان ساییده با پشم پاره آلوده زن عقیمه یا زن حامله که حمل آن ساقط می شود ردارد، حامله گردد و از اسقاط منع نماید و گویند آن محلل اورام و حابس نرف الدم است.<sup>۲</sup>

شیخ گوید:

اکتمکت سنگ عقاب، دارویی است هندی که کار فاوانیا عود الصلیب را انجام

می دهد. جای بالا آمدن بخار را بدانند، در منع صرع سودمند باشد.<sup>۱</sup>  
 اکتمکت به لغت هندی سنگمست، به قدر مازوو مستدیر و سیاه و سبک و قسمی  
 مایل به طول به قدر بلوط است. آن سرد و خشک است و محلل اورام و حابس نرفالدم  
 و چون در پوستی بسته در بازوی چپ زنان بندند جهت عسر ولادت بغایت آزموده  
 است، مراد از اکتمکت دو قسم سیاه است و دو قسم سفید.<sup>۲</sup>  
 در کتب یونانی اکتمکت بیشتر برای گیاه استعمال شده که آن را خایه ابلیس گویند، که  
 بر آن میوه ای بلند مثل باقلا می شود که در هر کدام دو یا سه تخم می باشد. مغز و پوست  
 و بیخ و برگ آن به طور دارو استعمال می شود و جوهر مؤثر آن یک روغن ثقیل و جوهر  
 قلمی تلخ است. رنگ نیلی و خاکی و مغزش سفید.

ذائقه: مغز آن تلخ.

مزاج: گرم و خشک به درجه سوم.

مقدار خوراک:

مغز از ۵/۰ تا ۲ گرم می باشد، محل حصول شرق و جنوب هندی، برمه و در تمام  
 ممالک گرم در سواحل آنها می روید. مغز آن و پوست بیخس بادکنک و قاتل کرم شکم،  
 دافع تب نویی و محلل اورام می باشد. برای تب لرزه پوست بیخس یه مغز آن به طور مساوی  
 با فلفل سیاه در آب ساییده بخورند برای تشنج و قولنج ریمی نصف عدد مغز اکتمکت و  
 ۷ عدد مغز میخک را ساییده می خورند. دو عدد تخم اکتمکت را پوستش در آتش  
 سوزانده، مغزش را درمی آورند و به مریض های ضیق النفس می دهد. یک عدد تخم  
 اکتمکت را با قند سیاه مخلوط کرده، کرمهای شکم را دفع می کند و دهرض ورم خصیه  
 و ورم غده مغز اکتمکت را ساییده با روغن کرچک می مالند. دود سایید آن در قلیان نافع  
 مرض قولنج می باشد و غیر سمی است.<sup>۳</sup>

مخزن المفردات می نویسد: میوه های آن خاردار و داخل آن به قدری فل می ماند،

۲. تحفة حکیم مؤمن ص ۳۱.

۱. قانون در طب، ج ۲، ص ۷۹

۳. المفردات، ص ۳۶۶

مجفف و جاذب رطوبات و مصفی خون و ملین می باشد، مغز آن را با روغن کنجد سوزانده بر زخمها و خارش جلدی می مالند.

نفع خاص: دافع قولنج ریخی.

مضر: بیوست می آورد.

بدل: برگ آن.<sup>۱</sup>

بستان المفردات: آن را برای اشخاص لاغر و گرم مزاج مضر دانسته است. نفع خاص آن را حابس خون و دافع تبهای کهنه نوشته است که آن را با دار فلفل و عسل ساییده در تبهای کهنه می دهند و می گویند که با شیر زن ساییده و مخلوط نموده حمل کردن آن دافع عقر و عسر ولادت است. نیز آن را مقوی بصر و نافع مرض جذام نوشته است.

کتاب همدرد، اسم طبی آن را *caesalpinia cresta* نوشته است.<sup>۲</sup>

و مغز آن را *caesalpinia bonducella* نوشته است و در نسخه هایی برای تب و تبهای

نوبتی استعمال کرده است.<sup>۳</sup>

کتاب دستور بریتانی اسم طبی آن را: *caesalpinia uminosae bonducella* (fam leg)

نوشته است و نیز تخ آن را *nicker seed* نوشته است و روغنی از آنها حاصل می شود

ولکن در فهرست ادویه جات غیر مستعمل شمرده است.<sup>۴</sup>

### \* سنگ کارد، سنگ ساب

سنگ کارد راه عربی حجر الاساکفه و به لاتینی: *lapis calceolariorum* و آن گونه ای

سنگ سیلیسی سوبی است که از ذرات ریز سیلیس به وجود آمده و از آن جهت برای

تیز کردن چاقو غیره استفاده می کنند.

سنگ ساب: در حقیقت نوعی از سنگ سنباده می باشد که تا حدی با ذرات آهک

آمیخته شده است.<sup>۵</sup>

۲- بستان المفردات، ص ۲۲۰

۱- مخزن المفات، ص ۳۰۴

۴- دستور بریتانی، ص ۱۱۲۹

۳- همدرد، ۱۰۱-۱۰۲

۵- فرهنگ اسی، دکتر معین، ج ۲، ص ۱۹۳۴.

## \* سنگ کارد، سنگ فسان

به عربی حجر المسن گویند و سنگی است که به وسیله آن کارد و شمشیر را تیز می‌کنند و به رنگهای سرخ، سفید، سیاه، دورنگ، سبز، زیتونی و به رنگ خاک می‌باشد و بهترین نوع آن سرخ و سیاه و براق است.

سنباده نوع ضعیف سنگ کارد می‌باشد.

به قول گیلانی، بهترین آن سخت و مایل به سیاهی است. مزاج سنگ کارد سرخ، گرم و خشک و انواع دیگر آن سرد و خشک است.

ساییده سوخته نوع سبز زیتونی، در زغال همراه با سرکه و نظرون، نافع جوشهای جلدی، خنازیر، خارش، گری، خوره، ورم‌های عصبی گرم و درد آن می‌باشد.

چنانچه بر روی آن آهن و روغن حک نمایند و سپس آنچه که حک شده جدا کرده و بر داء الثعلب بمالند، موی برویاند. گرد سنگ کارد نافع سوختگی آتش و زخم آن می‌باشد. چنانچه داروی چشم را بر سنگ کارد سبز بسایند و در چشم بکشند، باعث تقویت و جلای چشم می‌شود و نافع امراض خارش ناخنک و جوشهای پلک چشم می‌باشد.

نیز طلای حک شده آن نافع ورم چشم و امراض از گرمی و ورم پستان است و مانع بزرگ شدن پستان دخترها و بزرگ شدن خصیه، مخصوصاً با سرکه می‌باشد.

مالیدن مخلوط قیروطی<sup>۱</sup> یا سنگ کارد سبز، نافع سرطان شقاق و مقعد و خروج آن خوره ورمهای گرم عصبی، زخمهای عصب و درد آن می‌باشد. ساییده نوع سرخ نافع سفیدی چشم است.

مالیدن ساییده آن بر آهن موی را برویاند و خوراک یک درم آن با سرکه نافع صرع و ورم طحال است. برای کلیه ضرر دارد و مصلحش کتیرا می‌باشد.<sup>۲</sup>

۱- موم، شمع

۲- مرهمی که آن را از روغن گن سرخ و اکلیل الملک و زعفران و کافور و موم می‌سازند فرهنگ فارسی، دکتر

معین، ج ۳، ص ۲۷۶۷.

مالیدن ساییده حجر المسن در آب بر پستان دختران جوان مانع بزرگ شدن آن زودتر از وقتش می باشد نیز مانع بزرگ شدن نخایه کودکان است.<sup>۱</sup>

### \* سنگ حمام

رسوبی است که در دیگ حمام متحجر می شود. این رسوب نتیجه گرم شدن آب خزینه گرمابه در جدار دیگ حمام به وجود می آید و مشابه جرم رسوبی است که در سماور در نتیجه گرم شدن آب حاصل می گردد. در قدیم این رسوب را در تداوی بعضی امراض به کار می بردند.

رسوب مذکور از نظر شیمیایی عبارت از کربناتهای موجود در آب است که قبل از گرم شدن آب به صورت بیکربنات محلول بوده ولی پس از گرم شدن آب و خروج CO<sup>2</sup> محلول در آب به صورت کربنات نامحلول درآمده و رسوب می کند.<sup>۲</sup>

جرمی است که در دیگ حمام مثل سنگ می شود و به رنگ تیره و سست می باشد. مزاجش گرم و خشک است و از داروهای قوی سرطان رحم می باشد و نیز پماد آن نافع سرطان غیر مزمن می باشد.<sup>۳</sup>

حجر الحمام چیزی درشت است که در زیر دیگ حمام پیدا می شود و به رنگ تیره است و سست می باشد.

### مزاج:

گرم و خشک است و ضماد آن محلل ورمهای سرطانی در ابتدای آن می باشد و در علاج سرطان رحم قویترین دارو می باشد.<sup>۴</sup>

۲- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۴، قسمت ترکیبات، ص ۹۲.

۱- الاینه، ص ۱۱۸

۳- تحفة حکیم مؤمن، ص ۸۴.

۴- محیط اعظم، ج ۲، ص ۱۲۹

## \* باز انواع سنگ‌ها

حجرالایض: بعضی آن را حجرلبنی می‌گویند. اهل کیمیا شیشه را گویند، آن سنگی سفید است.

حجرالاسکفه: اسکافیها آن را استعمال می‌کنند.

حجرالاسفنج: از درون اسفنج حاصل می‌شود.

حجرالاعرابی: شکرسنگ، سنگ زخم، مشابه دندان فیل است.

حجرافروج، حجرافروج: سنگی سبک است که در سطح آب مانده و غرق نمی‌شود، از قسطنطنیه می‌آید.

حجرافریق: سنگ مخصوصی است که از آفریقا می‌آید.

حجراناغاطیس، حجرالدم، حجرالطور: سنگی است که اگر در آب بسایند، مانند خون سرخ می‌شود.

حجرالبارقی: مشابه حجرخزف است، به اندازه کف دست و سبک است، در بارقه نزدیک کوفه یافته می‌شود، اگر بر روی آب بگذارند، بر سطح آب می‌ماند و بعد از مدتی آب را به خود جذب کرده و در آب فرو می‌رود، بعد اگر آن را در آفتاب بگذارند، تمام آب خارج می‌شود.

حجرالبحری: جسمی سفید رنگ، گرد و سخت و داخل آن یک دانه است که حرکت می‌کند. این سنگ در کنار دریا حاصل می‌شود.

حجرالبحیره: به هندی ساکونا می‌گویند. سنگی است باریک و سیاه رنگ که از شام می‌آید.

حجرالبرام: حجرالزیت، سنگ برامی: سنگی سیاه‌رنگ است که از حجاز و طوس می‌آید و از آن ظرف می‌سازند.

حجرالیسر: سنگی است گرد و سفید و چرب که در دریای حجاز یافت می‌شود.

حجرالبولس: سنگی است که حکیم پولس آن را شناخته است و مشابه بوره ارمنی است.

- حجر حبشی: سنگی سیاه مانند زبرجد است.
- حجر الحمام: چرک گرمابه: از دود حمام یک شیء منجمد شده درست می شود.
- حجر الخزامی: سنگ سیاه گرد و بدبو است. در آتش می سوزد و اگر بر آن آب بریزند، زیادتر می سوزد ولی اگر بر آن روغن بریزند، خاموش می شود.
- حجر الخطاطیف، سنگ پرستوک، حجر الیرقان: از شکم ابابیل بیرون می آید.
- حجر الخمار، حجر النصر، حرزالخمار: فارسی سلطان مهره: سنگی است که زیاد سخت نیست، رنگ آن سرخ مایل به سیاهی است.
- حجر الدیك: سنگ خروس است و از شکم مرغ حاصل می شود.
- حجر الرصاص: سنگی به رنگ رصاص است.
- حجر الزیره: سنگی چرب است.
- حجر السلوان: سنگی شفاف است.
- حجر العاج: مانند دندان فیل است. بعضی آن حجر اعرابی گفته اند.
- حجر العسلی: نوعی سنگ است که اگر در آب بسایند، آب را شیرین می کند.
- حجر غاعیطوس: سنگی ضعیف و خفیف است.
- حجر القتیله: نوعی سنگ به رنگ خاکی قرمز و زرد می باشد مانند غاریقون نرم است، از آن قتیله درست کرده و در چراغ استفاده می کنند. گویند که از آن لباس هم درست می شود.
- حجر الفلفل، حجر الحبشی: بعضی ها آن را سنگی گویند که در کیسه فلفل یافته می شود.
- حجر الشعر، حجر الشقاق: یونانی: قیتیر قیسوری، قیسورا، قیسیرین: مانند اسفنج و سفید رنگ است بعضی آن را در هندی سمندر جهاک که استعمال دارویی دارد می گویند.
- حجر الکرك: بایی منکا: سنگ بسیار سفیدی است که بر ساحل هند و سند حاصل می شود.

حجر الکلب: سنگی را گویند که سگ آن را در دهان گرفته، بعد به خارج می اندازد.  
حجر لبنی: سنگی خاکی و شفاف است. در آب حل شده، مثل شیر سفید می گردد.  
لبنی آن را حجر الابيض نوشته اند.

حجر لوقواعرافس: سنگی مخصوص است که در بعضی مناطق هند بر آن رخت می شوند. سنگی عادی است، فقط برای شستن لباس در نزدیک آبها گذاشته می شود.  
حجر المسن: سنگ فسان، سنگ کارد: سنگی است که با آن چاقو را تیز می کنند.

حجر المشقوق: سنگی است به رنگ زعفران و ترک خورده است.  
حجر القمر: از شکم پلنگ ماده (نمر) بیرون می آید. رنگ آن سفید و سیاه است و به اندازه مغز بادام است.

حجر اليهود: عربی: زیتون بنی اسرائیل، حجر الزيتون سربانی: کیفا یهودیه، فارسی: سنگ جهودان، سانسکریت: استورن، هندی: پتر بیر، انگلیسی: jews stone  
calcareous stone , helmin tholi thus . judoicus, سنگی است به شکل بلوط.<sup>۱</sup>

سنگ بصری، توتیای کرمانی، توتیای سفالک: نوعی دود منجمد است در شهر کرمان خاک و سنگ معدن رصاص اسود را وقت گرم کردن آن رصاص اسود و یزغ معدنی حاصل می کنند، دود آن مواد در بخاری منجمد شده و مانند سنگ می شود.

سنگ مرمر: حجر الرخام، السطریط، یونانی آن را لیمولیا می گویند. سنگی معروف است که سفید و چرب و نرم می باشد.

سنگ راسخ: از آن مس حاصل می شود.

سنگ سبیج: سنگی سیاه، براق و خفیف است.

سنگ سرماهی: سنگی سفید است که از یک نوع ماهی از سر آن به دست می آید.

سنگ پرستوک: حجر الخطاطیف، از شکم ابابیل بیرون می آید.

سنگ جراحت: عربی: حجر الزخم، حجر الاعرابی، فارسی: شکر سنگ، سنگ

زخم. سنسکریت: کنیوچیر، خلکش جیر، شنکه جیرک.



انگلیسی: soap stone steatites لاتین: aponite salicate of magnasia

سنگ آتش، سنگ چخماق: حجر النار، حجر الاصم، حجر الزناده، هندی: سنگ چکمک به رنگهای سرخ، سیاه، سفید و خاکستری می باشد. در وزن سنگین است و چنانچه بر آهن زده شود، ایجاد جرقه می کند.

سنگ آسیا: حجر الرمی، سنگ آسیاب است.

سنگ سلیمانی: نوعی سنگ جزء است و سیاه و سفید می باشد.

سنگ پرکان: مقتشیا، سنگ کاسه: کاسه گران آن را استعمال می کنند.

سنگ گچ: جیسن را می گویند.<sup>۱</sup>

## \* سنگ حجری

روایت از جابر بن حیان:

سنگ هر یک از توده های بزرگ و سخت و معدنی و طبیعی که دارای ساختمان صلب و املاح و عناصر معدنی یا آتشفشانی یا رسوبی که جزو ساختمان پوسته جامد زمین محسوبند. در ساختمان سنگها اکثر بقایای موجودات زنده اعصار قدیمه شرکت می کنند.<sup>۲</sup>

سنگ، اسم فارسی است و به عربی یاصب و حجر و شیرازی برد و به یونانی بطرا و به سریانی کیفا و به هندی پتھرو و آن اسم جنس چیزی است که به طول مدت و تواتر اتصال اجزای لطیف رفیق ارضی و رطوبت لزوج و رسیدن گرمی و خشکی از اجزای زمین سخت شود، چندان که مزاج ارضی آن رفع گردد و اختلاف رنگ و صفایی و شفافی و غیره همه به حسب اختلاف اجزا و محل و غلبه رطوبت و حرارت و امثال اینهاست، مثلاً اگر رطوبت و برودت غالب باشند، سفید و اگر هر دو قلیل باشند، مکدر و اگر حرارت و بیوست غالب باشد سرخ و اگر کمتر باشند زرد و اگر حرارت مفرط و رطوبت کم باشد

سیاه و صلب و اگر ضعیف باشد نرم و اگر تأثیرات حرارت و رطوبت در آن مساوی باشند مساوی الأجزاء و اگر مختلف باشند غیر مساوی در رنگ و سختی و نرمی باشد و مقوله اطباءى فرنگ است که احجار را به سبب آنکه هیچ ذائقه و یوندارند چندان تأثیر و منفعت و خاصیت در بدن انسان نیست بهر نحو که استعمال نمایند و همچنین طلا و نقره را.<sup>۱</sup>

### \* سورنجان

گیاهی است علفی و پایا از تیره سوسنی‌ها، از دسته سورنجان‌ها که در غالب مآخذ به نام سورنجان ضبط شده. این گیاه دارای پیاز بزرگ و گوشت‌دار و محفوظ در پوششهای نازک و ریشه افشان است.

گلپایش گلی رنگ‌اند و میوه‌اش کپسول سه قسمتی و محتوی دانه‌های ریز زیاد می‌باشد قسمت مورد استفاده آن گل و پیاز و دانه آن است سورنجان خمل، لحلاح سنبله پاییز، گل حسرتی، گل حسرتی، پیاز حسرتی، پیاز سگ، حافر، قشتینوله، لرخیاره، قسطله صغیره.<sup>۲</sup>

این گیاه در مرغزارهای مرطوب اروپا و بریتانیا می‌روید. در ماههای تیر و مرداد دانه‌ها از کپسولهای رسیده جمع آوری می‌شود. ساقه زیر زمینی آن را در پاییز یا بهار کنده و در سایه‌ها یا آفتاب می‌خشکانند.

### ترکیبات و اثر:

تمام قسمت‌های گیاه حاوی چند آلکالوئید سمی است که مهمترین آنها کنشیسین است. این دارو با مقادیر کم نقرس را تسکین می‌دهد ولی با مقادیر زیاد، اسهال ایجاد

۱- محیط اعظم، ج ۲، ص ۶۵

۲- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۳، ص ۳۴۱

می‌کند و با مقادیر خیلی بیشتر ممکن است سبب مرگ شود. برای گاو نیز سمی است.<sup>۱</sup> پیاز کلشیک، دارای موسیلاژ، آمیدون، قند، تانن و به مقدار کم از نوعی رزین و ماده‌ای سمی به نام کولشی‌سین است. دانه آن دارای اسیدکالیک، روغن قند و کولشی‌سین است.

### خواص درمانی:

کلشیک دارای اثر ضد نفرس است، به طوری که از این نظر باید آن را داروی اختصاصی نفرس حاد ذکر کرد. در دوران درمان نفرس با کلشیک همواره باید به این نکته توجه داشت که به مجرد از بین رفتن درد و عوارض نفرس مصرف آن قطع و مجدداً هنگام بروز عوارض تجدید گردد.

فرآورده‌های کلشیک ضمن رفع عوارض نفرس، اثر شدید بر روی معده و روده دارد. کولشی‌سین چون از راه کلیه به تائی دفع می‌شود. از این نظر نباید برای مبتلایان به ناراحتیهای کلیه تجویز می‌گردد.

### صور دارویی:

مصرف تنطور کلشیک بدین طریق است که ابتدا ۳۰ تا ۴۰ قطره و در روزهای بعد ۱۰ تا ۱۵ قطره زیادتر آن را به کار می‌برند و این عمل را تا موقعی ادامه می‌دهند که بیش از ۳ تا ۴ بار حس احتیاج به دفع در روز پیدا شود.

عصاره هیدروالکلی دانه کلشیک که هر ۱/۱ گرم آن در ۲۴ ساعت به صورت حب مصرف می‌شود.

حد اکثر مصرف آن ۰/۰۵ در هر دفعه و ۰/۲ گرم در ۲۴ ساعت است.

کولشی‌سین را نیز به عنوان ضد نفرس به کار می‌برند ولی چون سمیت زیاد دارد، خطرناک است کولشی‌سین در مصارف داخلی به مقدار  $\frac{1}{4}$  تا یک میلی‌گرم در یک دفعه و

۰/۰۰۲ گرم در ۲۴ ساعت به کار می رود.

۱- نسخه جهت درمان رماتیسم و نقرس:

تنطور دانه کلشیک ۲۵ گرم.

تنطور برگ آکونیت ۱۲ گرم.

تنطور دیژیتال ۵ گرم.

شراب سفید به مقدار ۱۰۰۰ گرم.

پس از صاف کردن، به مقدار ۸ تا ۳۰ گرم هنگام صبح مصرف شود.

۲- نسخه جهت درمان رماتیسم:

سولفات کینین ۰/۱۵ گرم.

عصاره دیژیتال ۰/۰۲ گرم.

گرد دانه کلشیک ۰/۰۵ گرم.

برای یک حب و به مقدار ۲ تا ۳ حب در روز. این گیاه در ایران نمی روید.

سورنجان لغتی یونانی است، نیز به یونانی زائسخ، اقمارون، قبارون و بلیوسا، به عربی قلب الأرض و برگ آن را به سریانی قلباحمصالبنا، به شیرازی حقریر و سورنگان، به انگلیسی کالجیکم روت و به هندی بربری و جنگلی سنگهاره می گویند.

بیخ نباتی است با گل‌هایی سفید، زرد و سرخ که در کوهستان و صحرا پیش از باریدن باران می روید و برگش مماس با زمین می باشد. دسقوریدوس گفته که گل آن در آخر پاییز می روید.

پوست آن مایل به سرخی و باطنش سفید، نرم و شیرین پر از رطوبت است.

خوراک تازه آن به مقدار زیاد باعث خنق می شود و کشنده است.

دارای سه نوع می باشد: یکی سفید و شیرین، دومی مایل به تیرگی و سرخ، سومی مایل به سیاهی و تلخ و مورد استفاده داخلی فقط نوع سفید و شیرین می باشد و دو نوع دیگر به طور مالیدنی مورد استفاده قرار می گیرد.

نیروی سورنجان تا سه سال باقی می ماند و به قول شیخ گرم و خشک در دوم تا سوم و گویند.

گرم در اول و خشک در دوم و بعضی سرد نوشته اند، نوع زرد و سفید زخمهای کهنه و مرطوب را خشک گرداند استعمال زیاد آن ورمها را سخت و عضلهها را مثل سنگ می کند و باعث تشنج می شود.

سورنجان نافع کلیه دردهای مفاصل، مخصوصاً موقع ریزش مواد به مفاصل می باشد. دستور: خوراک یک درم تا یک مثقال با شکر و مالیدن آن از خارج بر محل درد. دستور مالیدن: مخلوط نیم درم سورنجان سفید با سرکه بر محل درد مالیده شود.

خوراک سورنجان با فلفل و زیره نافع سستی بدن و اخراج کننده بلغم و اخلاط غلیظ از جاهای تنگ و گود در عمق بدن و قاتل کرم و کرم کدو می باشد. معده را ضعیف می کند و باید با ادویه مقوی معده مثل زنجبیل و فلفل و پونه و زیره مصرف شود.

خوراک نیم درم آن با شیر تازه ای که با فانید یا عسل شیرین شده باشد، سه روز پی در پی، محرک قوه باه و زیاد کننده منی می باشد. حمل ساییده آن با روغن کهنه بز یا میش نافع بواسیر داخلی و درد مقعد است ضماد سورنجان با گلاب و نوشیدنش نافع نفوس و درد آن می باشد.

خوراک آن با صبر، نافع سیاتیک، یرقان، درد طحال و نفوس است.

مضر معده است و مصلحش کتیرا، فانید، شکر، قند و زعفران است. بدل آن بوزن سورنجان ترید، ثلث وزن آن افیمون و عشر وزن آن خربق سفید می باشد. اشتها را از بین می برد و مصلحش مر بای آمله است.

چنانچه کسی نوع سیاه و سرخ سمی را خورده باشد با شیر گاو، و قی کند تا دفع ضرر بشود.

بویدن گل سورنجان باز کننده موی رگهای بسته شده در مغز و محلل باد و نافع سر درد از سردی می باشد

در علاج درد مفاصل، بدلتش به وزن آن برگ، حنا و نیم وؤنشن مقل کبود می باشد.<sup>۱</sup>  
 سورنجان در درجهٔ دوم سرد و خشک است، رنگ صورت را شفاف می کند و همراه  
 با زنجبیل و زیره نافع درد و مرض نقرس می باشد. استعمال زیاد سورنجان بر ورم، آن را  
 سخت و غلیظ کرده و باعث تشنج می شود.<sup>۲</sup>

سورنجان گرم و خشک در درجهٔ دوم است و بعضی آن را سرد و خشک نوشته اند.  
 سورنجان سفید همراه با پونه، زیره و زنجبیل نافع نقرس می باشد.<sup>۳</sup>

### \* سوید

گیاهی یک ساله و دارای شاخه های متقابل، دارای دو نوع گل های زیانه ای و لوله ای  
 است. گل های زیانه ای آن سفید رنگ است و در منطقهٔ وسیعی از نواحی حاره ای مانند  
 جنوب ایران هند، سیلان و غیره می روید.

کلیهٔ قسمت های گیاه طعم تلخ و اثر مقوی و ضدکرم دارد در رفع التهاب ها و  
 ناراحتی های پوستی و خارش مفید واقع می گردد. بررسی مختلف نشان داده که اثر  
 خلط آور، مقوی معده، رفع التهاب مخاط دهان و رفع سرگیجه نیز دارا می باشد، میوهٔ  
 تازه آن مخلوط با روغن کنجد برای معالجهٔ داء الفیل، بزرگ شدن خارج از حد اعضاء  
 سافلهٔ بدن به کار می رود. کلیهٔ قسمت های گیاه در استعمال خارج و حتی مصرف آن از  
 داخل، موجب تیره رنگ شدن موی می گردد.

محل رویش: بلوچستان.<sup>۴</sup>

سوژا: سوژا همان سویا است که در ایران لوبیای روغنی گویند.

۱- محیط اعظم، ج ۲، ص ۱۷۲ تحفه حکیم مؤمن، ص ۱۱۵۸ قانون، ج ۲، ص ۲۴۱.

۲- صیدنه، ج ۲، ص ۸۹۴ ۳- الاینه، ص ۱۹۵

۴- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگرا، ج ۲، ص ۱۲۹.

## \* سوسمار

عربی: ضب

سانسکریت: گودها.

هندی: گهور پهور، گوه، پطرا گوه، چندن گوه.<sup>۱</sup>

روایت از جابر بن حیّان:

سوسمار: اسم فارسی است، به یونانی انوفوطانس و به عربی ضب و به هندی گوه نامند و گویند: شاید که گوه غیر آن باشد و آن حیوانی است کوچکتر از گربه و میان سیاهی و زردی و دنباله آن بسیار کوتاه و در شب شبیه به درخت سرو است. بعضی گویند که سوسمار حیوان مائی معروف است و به عربی آن را وریل و به هندی گوه نامند و شیخ در مفردات قانون نوشته که ضب، غیر وریل است و وریل در بلاد ما زیاد وجود دارد و ضب کمتر، مگر در بادیه عرب بسیار و اگر چه هر دو با هم متشابه اند، در شکل و افعال اینها شبیه به افعال سقنقور صغیر است و همچنین شکل مگو در شکل سرد مغالیب. مزاج آن گرم و خشک در سوم و در حداثت و کیفیت میان وریل و حردون است و گوشت آن مقوی باه و استعمال آن گرم مزاجان را جایز نیست به هر حال کرب است و دقت ضرورت باید که با سرکه بپزند تا خوب شود و با زیت و گشنیز و زیره سیاه و عرق نعناع خیسانیده مطیب نموده، با کاستی و کاهو و به قول باری دیگر بخورند و شوربای آن نافع تنگی نفس است. مطبوخ آن سنگ گرده و سنگ مثانه را بشکنند، طلای پوست سوخته آن عضو را بی حس می کند به حدی که اگر آن عضو را قطع کنند، صاحب آن الم نیابد.<sup>۲</sup>

ضب یا سوسمار به وزغ شبیه است و تقریباً قوت و کنش آن را دارد اما وزغ نیست و سوسمار در صحرای عرب بسیار است. پشکش را بر پوست مانند لکه های سیاه و کک

و مک را می زداید. پشکش در علاج سفیدی چشم و آب به چشم آمدن مفید است.<sup>۱</sup>

سوسمار: خزنده‌ای از رده سوسماران که دارای انواع مختلف است.

برخی از آنها در خانه‌ها می‌زیند و به نام چلپاسه، مارمولک و غیره خوانده می‌شوند و برخی در بیابانها و صحاری زیست می‌کنند و به نام بزمچه و بزغاله مار نامیده می‌شوند. این خزندگان از حشرات موذی تغذیه می‌کنند و معمولاً شبها برای تغذیه از لانه خود خارج می‌شوند و عضو نیش زدن ندارند و بنابر این جانورانی مفیدند. گلپاسه، کلپاسه، چلپاسه، مارمولک، بزمچه، سوسمارآبی: که خزنده‌ای از رده سوسماران آبی، دارای انواع مختلف است و در کنار رودها و سردابها می‌زیند و از ماهیان و پستانداران دیگر تغذیه می‌کنند. بزرگی برخی از آنها به ۶ متر می‌رسد.

سوسمار بی دست و پا، سوسمار کویر.<sup>۲</sup>

حیوانی است که دم آن سخت و کوچک است و اندازه‌اش به قدر گربه، پنجه‌هایی

قوی دارد به طوری که به دیوار می‌چسبد رنگش زرد مایل به سیاه.

مزاج: گرم و خشک به درجه سوم، در فقه اسلام خوردن آن حلال نیست. مقوی باه

است از پوست آن کفش درست می‌کنند، دود آن نافع بواسیر است، سرمه پنجه‌هایش

نافع نزول و غشاء چشم می‌باشد، ضماد آن با سرکه لکه‌های سیاه صورت را دور

می‌کند، مضر برای گرم مزاجها است.<sup>۳</sup>

بستان المفردات آن را بدمزه نوشته است مصلح نکرده آن نافع برای قوه باه می‌باشد،

پخته‌اش با سرکه بهتر است، با سبزیهای سرد مخلوط کرده خورده شود در اشخاص

گرم مزاج اضطراب می‌آورد.

بی حسی پوست سوخته آن را اگر بر اعضای بدن بمالند، آن را بی حسی می‌کند

به طوری که اگر اعضا را قطع کنند، متوجه نمی‌شود.

۱- قانون در طب، ص ۳۵۳ و قرابادین، ص ۲۷۶

۲- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۲، ص ۱۹۵۳.

۳- المفردات، ص ۴۳۶.



در مرض بهق مفید است علما در حلال بودن آن اختلاف دارند.<sup>۱</sup>  
 خزنده‌ای (فر.) lizard, (U) lacerta agilis از ردهٔ سوسماران که دارای انواع مختلف است. برخی از آنها در خانه‌ها می‌زیند و به نام چلیپاسه، مارمولک، و غیره خوانده می‌شوند و برخی در بیابانها و صحاری زیست می‌کنند و به نام بزوجه و بزغاله مار نامیده می‌شوند. گلیاسه، کلیاسه، چلیپاسه، مارمولک، بزوجه.<sup>۲</sup>  
 سوسمار: مالیدن روغن آن دافع ورم است.<sup>۳</sup>

### \* سویق

عن ابی‌کثیر قال: انطلق بطنی، فأمرنی أبو عبد الله عليه السلام أن آخذ سویق الجاورس بماء الكمون ففعلت فأمسك بطنی و عوفیت.

و من ابن بکیر قال: رعت، فسئل أبو عبد الله عليه السلام فی ذلك؟ فقال: اسقوه سویق التفاح، فسقته فانقطع الرعاف.<sup>۴</sup>

سویق: از آرد نرم (از جو، گندم و غیره).<sup>۵</sup>

و سأل سیف التمار فی مریض له أبا عبد الله عليه السلام؟ فقال له: اسقه سویق الشعیر.

و عن الصادق علیه السلام قال: سویق العدس یقطع العطش و یقوی المعدة و فیه شفاء

من سبعین داء و یطفیء الحرارة و یرد الجوف و یسکن هیجان الدم.

و عن علی ابن مهزیار أن جاریة له أصابها الحیض، فکان لا ینقطع عنها الدم حتی

أشرفت علی الموت فأمر أبو جعفر عليه السلام أن تسقی سویق العدس، فسقیت فانقطع عنها.

عن ابوالحسن عليه السلام انه یكبره للرجال لأنه یقطع النکاح من شدة برده مع السكر.<sup>۶</sup>

و عن الباقر عليه السلام قال: ان الأترج لتقیل، فاذا أكل فان الخبز الیابس یهضمه من المعدة.

و قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أکرموا الخبز و عظّموه فان الله تبارک و تعالی أنزل له بركات من

۱- بستان المفردات، ص ۲۴۷

۲- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۲، ص ۱۹۵۳.

۳- حکیم اسفندیاری

۴- فرهنگ معین، ج ۲، ص ۱۹۵۹

۵- مکارم الاخلاق، ص ۱۹۳.

۶- مکارم الاخلاق، امالی طوسی، ج ۱، ص ۳۷۶؛ کافی، ج ۶، ص ۳۰۷.

السماء وأخرج بركات الأرض من كرامته أن لا يقطع ولا يوطأ.<sup>١</sup>  
وعن عليٍّ عليه السلام قال: أكرموا الخبز، فإنه قد على فيه ما بين العرش إلى الأرض و  
ما بينهما.<sup>٢</sup>

وعن أبي البختري رفعه قال: قال رسول الله ﷺ: اللهم بارك لنا في الخبز ولا تفرق بيننا  
وبنيه، فلولوا الخبز ما صمنا ولا صلينا ولا أدينا فرائض ربنا.<sup>٣</sup>

وعن بكر بن محمد الأزدي، قال: دخلت عيشمة، على أبي عبد الله عليه السلام ومعهما ابنتها (أظن  
اسمه محمداً) فقال لها أبو عبد الله عليه السلام: مالي أرى جسم ابنك نحيفاً؟ قالت: هو عليل فقال  
لها: اسقيه السويق، فإنه ينبت اللحم ويشد العظم.

وقال أبو عبد الله عليه السلام: اسقوا صبيانكم السويق في صغرهم، فإن ذلك ينبت اللحم و  
يشد العظم. وقال: من شرب سويقاً أربعين صباحاً امتلأت كتفاه قوة.<sup>٤</sup>

وعن أبي عبد الله قال: إن السويق الجاف إذا أخذ على ريق أطفا الحرارة وسكن المرة.<sup>٥</sup>  
وعن أبي جعفر عليه السلام قال: إذا شربه الإنسان على الشيع أمر أو هضم الطعام.<sup>٦</sup>

وعن بكر بن محمد قال: كنت عند أبي عبد الله عليه السلام فقال له رجل: يا بن رسول الله يولد  
الولد فيكون فيه البله والضعف فقال ما يمنعك من السويق.

وعن أبي عبد الله عليه السلام قال: السويق الجاف يذهب بالبياض.  
قال أبو الحسن الماضي عليه السلام: السويق إذا غسلته سبع مرات وقلبتة من إنائه إلى إناء آخر

فهو يذهب بالحمى وينزل القوة في الساقين والقدمين.  
وعن محمد بن عمرو قال: سمعت أبا الحسن الرضا عليه السلام يقول: نعم القوت السويق، إن

كنت جائعاً أمسك وإن كنت شبعان أهضم طعامك.  
وعن سكوني عن أبي عبد الله عليه السلام من آباءه عليه السلام قال إن النبي ﷺ أتى يسويق لوزفيه

سكر طبرزد فقال: هذا طعام المترفين بعدى.<sup>٧</sup>

١- محاسن، ص ٥٨٥. ٢- مكارم الاخلاق، ص ١٧٧.  
٣- محاسن، ص ٥٨٦. ٤- مكارم الاخلاق، ص ٢١٩؛ قرب الاسناد، ص ١١؛ كافي، ج ٦، ص ٣٠٦.  
٥- مكارم الاخلاق، ص ٢٢٠. ٦- مكارم الاخلاق، ص ٢٢٠.  
٧- محاسن، ص ٢٤٨٩؛ كافي، ج ٦، ص ٣٠٦؛ طب، ص ٦٧.

عن جندب بن أبی عبدالله بن جندب قال: سمعت أبا الحسن موسى بن جعفر عليه السلام يقول: إنما نزل السويق بالوحي من السماء.

عن أبی الحسن الرضا عليه السلام قال: السويق لما شرب له عليه السلام عن أبا عبدالله قال: السويق ينتبت اللحم ويشد العظم.

و عن أبی عبدالله عليه السلام قال: شربة السويق بالزيت تنبت اللحم وتشد العظم وترق البشرة وتزيد في الباه.

فأتاه رجل من أصحابنا فقال له: يولد لنا المولود، فيكون منه القلة والضعف فقال: ما يمتنعك من السويق؟ فانه يشد العظم وينبت اللحم.<sup>۱</sup>

قيل: وما اكرامه؟ قال: اذا حضر لم ينتظر به غيره الدعائم: عن رسول الله صلى الله عليه وآله انه نهى أن يشم الخبز كما تشم السباع و نهى أن يقطع بالسكين.<sup>۲</sup>

و عن الفضل بن يونس قال: تغذى عندي أبو الحسن عليه السلام فجاءه بقصعة و تحتها خبز، فقال: أكرموا الخبز أن يكون تحتها، و قال: مر الغلام أن يخرج الرغيف من تحت القصعة. و عن أبان بن تغلب قال: قال أبو عبدالله عليه السلام: لا يوضع الرغيف تحت القصعة.

عن أبی عبدالله عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لا تقطعوا الخبز بالسكين ولكن اكسروه باليد، وليكسر لكم خالفوا العجم.<sup>۳</sup>

ابن كثير گوید: شكمم آزاد شده بود اسهال داشتیم، از امام صادق عليه السلام پرسیدم فرمود: سويق جاورس (گاورس) را با آب كمون (زیره) مخلوط کن بخور همان طور کردم شكمم خوب شد و عاقبت یافتیم.

ابن بكير گوید: خون دماغ شدم و بر حضرت صادق عليه السلام عرض کردم، فرمود: سويق سيب آنطور کردم خون بند آمد.<sup>۴</sup>

سیف تمار گوید: رفیق حج ما مرض برسام (مرضی است بین کبد و معده) در راه گرفت، از امام صادق عليه السلام پرسیدیم، فرمود: سويق جو بدهید.

۲- مکارم الاخلاق، ص ۱۷۷.

۱- محاسن، ص ۴۸۸.

۴- مکارم الاخلاق، ص ۲۱۹.

۳- محاسن، ص ۵۸۹.

امام صادق علیه السلام فرمود: سویق عدس عطش را قطع می‌کند و معده را قوی می‌نماید و صفرا را می‌نشاند و اندرون را سرد می‌کند و هیجان خون را ساکن و حرارت را خاموش می‌کند.

علی بن مهزیار گوید: دختری خون حیضش قطع نشد تا آنکه نزدیک مرگش شد، امام باقر علیه السلام فرمود: سویق عدس بوی بنوشانید دادیم قطع شد.  
امام رضا علیه السلام فرمود: سویق با شکر برای مردها خوب نیست.<sup>۱</sup>  
ظاهراً چون سرد است به قوه باه ضرر دارد.  
سویق هر سه بربیک معناست.

امام صادق علیه السلام و امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمودند: سویق از آسمان با وحی رسیده است.

باز امام صادق علیه السلام فرمود: سویق از غذای پیامبران مرسل است.  
امام رضا علیه السلام فرمود: سویق بهر مرضی که می‌خورد، شفاست.  
امام صادق علیه السلام فرمود: سویق گوشت می‌رویاند و استخوان محکم می‌نماید.  
امام صادق علیه السلام فرمود: خوردن سویق با روغن زیتون گوشت را می‌رویاند و استخوان را محکم و پوست بشر را نازک می‌کند و نطفه را زیاد می‌نماید.  
مردی به حضرت صادق علیه السلام عرض کرد گاهی کرم در شکم به وجود می‌آید و ما را ضعیف می‌نماید؟ آن حضرت فرمود: چه مانعی هست از سویق که استخوان را محکم می‌کند و گوشت می‌رویاند.<sup>۲</sup>

عیشمه باپسر خود محمد وارد منزل امام صادق علیه السلام می‌شود، امام به وی می‌فرماید چرا جسم پسرت ضعیف است؟ گفت مریض است، فرمود: سویق به او بده زیرا سویق گوشت می‌رویاند و استخوان را محکم می‌نماید.

امام صادق علیه السلام فرمود: در کوچکی به کودکان سوئق بخورانید زیرا سویق گوشت

۱- مکارم الاخلاق، امالی طوسی، ج ۱، ص ۲۷۶ کافی، ج ۱۶، ص ۳۰۷.

۲- محاسن، ص ۴۸۸.

می‌رویانند و استخوان را محکم می‌کند و هر کس چهل صبح سویق بخورد، دوشهائش با نیرو می‌شود.<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام در یک روایتی می‌فرماید: سویق آب دهن را می‌خشکاند و بلغم و صفرا را پاک می‌کند.

و در روایتی دیگر می‌فرماید: سویق خشک ناشتا، حرارت را خاموش و صفرا را ساکن می‌نماید.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: سویق در سیری خوردن، غذا را هضم می‌کند. از امام صادق علیه السلام می‌پرستند گاهی فرزند متولد می‌شود در حالت ضعف و بله، حضرت فرمود: چرا سویق به وی نمی‌دهید.

باز امام صادق علیه السلام فرمود: سویق خشک سفیدی را می‌برد. ظاهراً مرض برص یا سفیدی چشم باشد.

أبا الحسن ماضی علیه السلام فرمود: اگر سویق را هفت مرتبه بشویی و از ظرف به ظرفی دیگر بریزی تب را می‌برد و بر ساق‌ها و قدم‌ها قوت می‌آورد.

امام رضا فرمود: سویق غذای خوبی است، اگر گرسنه شوی سیر می‌کند و اگر سیر شوی، غذا را هضم می‌کند.<sup>۲</sup>

سکونی از امام صادق علیه السلام و او از پدرش نقل می‌کند که نزد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله سویق آوردند با بادام و شکر مخلوط بود.

امام باقر فرمود: اترج سنگین است، موقعی که خورده شد، نان خشک آن را هضم می‌کند از معده.

امام صادق علیه السلام فرمود: بنی الجسد علی الخبز. بدن بر روی نان بنا شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: نان را اکرام کنید، چون خداوند برکات آسمان و زمین را برای آن نازل کرده و بیرون آورده است و از احترامش اینست که با چاقو بریده نشود و در زیر پا

۱- مکارم الاخلاق، ص ۲۱۹؛ قرب الاسناد، ص ۱۱؛ کافی، ج ۶، ص ۳۰۶.

۲- معائن، برقی، ص ۴۸۹؛ کافی، ج ۶، ص ۳۰۶؛ طب الاثمه، ص ۶۷؛ مکارم الاخلاق، ص ۲۲۰.

نگذارد.<sup>۱</sup>

علی علیه السلام فرمود: نان را احترام کنید زیرا از عرش تا زمین و در میان آنها در آن کار کرده‌اند.<sup>۲</sup>

در روایت مرفوعه ابی‌البختری از رسول خدا صلی الله علیه و آله است که آن حضرت فرمود: بارالها بر ما در باره نان برکت بده و بین ما و نان جدایی مینداز. اگر نان نباشد نمی‌توانیم نماز و روزه بجا آوریم و واجبات پروردگار خود را نمی‌توانیم ادا کنیم.<sup>۳</sup>  
در روایتی رسول خدا فرمود: نان را نبرید.<sup>۴</sup>

حضرت ابی‌الحسن (موسی بن جعفر) نزد ما صبحانه خورد، یک ظرف آوردند که در زیرش نان بود، فرمود: بر نان احترام کنید نه زیر آن چیزی باشد و نه روی آن. بعد فرمود: خادم امر کن کرده نان را از زیر آن ظرف بیرون آورد.

ابان بن تغلب گوید: امام صادق علیه السلام خوشش نمی‌آید که قرص نان زیر کاسه باشد.<sup>۵</sup>  
امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: نان را با چاقو نبرید با دست آن را پاره کنید و مانند اهل کبر و جهل نباشید.<sup>۶</sup>

و در روایتی دیگر از حضرت علی علیه السلام پرسیدند: اکرام نان چیست؟ فرمود: وقتی حاضر شد به غیر نان منتظر نباشید.<sup>۷</sup>

رسول خدا فرمود: قرص‌های نان را کوچک کنید، زیرا در هر قرص یک برکت هست.<sup>۸</sup>

سوید بن غفله گوید: داخل منزل علی بن ابی‌طالب علیه السلام شده دیدم نشسته و در نزد او ظرفی است که در آن شیر هست که بوی ترشی آن را درک کردم و در دستش یک قرص نان است که پوسته جو در رویش بود و با دستش آن را می‌شکند و بدانجا می‌اندازد.

و از امام صادق علیه السلام منقول است که سویق به وحی الهی ساخته شده است و گوشت را

۱- محاسن، ص ۵۸۵

۲- مکارم الاخلاق، ص ۱۷۷

۳- محاسن، برقی ص ۵۸۶

۴- دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۱۷

۵- محاسن، ص ۵۸۹

۶- همان، ۵۸۹

۷- مکارم الاخلاق، ص ۱۷۷

۸- دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۱۷؛ بخار، ج ۶۶، ص ۲۷۲

می‌رویند و استخوان را محکم می‌کند و خوراک پیغمبران است و قاوت خشک پیسی را زایل می‌گرداند و با زیت (روغن زیتون) خوردن گوشت می‌رویند و استخوان را سخت می‌کند و بشره (قسمت سطح پوست صورت) را نازک و قوت جماع را زیاد می‌کند و اگر سه کف سوبق خشک ناشتا خورده شود، بلغم و صفرا را بر طرف کند. و در حدیث دیگر فرمود که سوبق هفتاد نوع بلا را دفع کند و هر که چهار صبح بخورد کتفهایش از قدرت پر شود.<sup>۱</sup>

تا چندی پیش عقیده داشتند سلولز قابل جذب نیست و امروز می‌گویند: در محیط روده‌ها باکتریهایی هستند که سلولز را هم حل می‌نمایند و لذا مقداری از سلولز هم قابل جذب می‌باشد و آن مقدار که جذب نمی‌شود دو فایده می‌رساند: یکی آنکه مدفوع را از حالت مایعی در آورده و با حجم سلولزی خود روده‌ها را پاک می‌کند دیگر آنکه تا حدودی سموم روده‌ها را جذب و با خود به خارج دفع می‌نماید.

جدا کردن سبوس از آرد، یعنی ارزنده‌ترین قسمت گندم را جدا کردن. زیرا جنین جوانه گندم نیز با سبوس جدا می‌شود. دکتر پاژ چند دسته مرغ و کبوتر و موش انتخاب نمود، و با آزمایشهای متعددی که آنها را دو دسته می‌نمود، به دسته اول فقط نان سفید می‌داد و به دسته دوم نان سبوس‌دار، نشان داد که دسته‌های اول پس از سه هفته مردند و دومی‌ها به زندگی خود ادامه دادند.

اگر سؤال شود کدام قسمت هر گیاه بهترین عضو گیاه است؟ خواهیم گفت: آنجا که بیشتر در معرض تابش اشعه خورشید و هوا و باران قرار داشته و بیشتر از نیروی حیات بهره‌مند گردیده و آن در حقیقت سبوس غلات و پوست میوه‌جات است.

برای تعیین ارزش قسمت‌های مختلف آن، اگر مقداری آرد را الک کنیم عناصر زیر از آن جدا می‌شود:

الف: سبوس که در آن تمام خواص مغناطیسی مربوط به اشعه آفتاب در آن است.

ب: جوانه گندم که خواص مغناطیسی مربوط به زمین را دارد.

ج: اگر با آسیاهای فلزی آرد تهیه شود، مواد چربی و فسفری گندم که ضد پوسیدگی هستند با سبوس خارج می‌شود. به علاوه گلو تن که تنها قسمت ازت دار گندم است، خارج می‌گردد. لذا آرد با الک شدن مواد زیر را از دست می‌دهد:

- ۱- مواد چربی.

- ۲- تقریباً کلیه مواد بیاض البیضی.

- ۳- سیلیس که کمک مؤثری در تشکیل دندانها می‌نماید و به استخوانها نرمی می‌دهد و چون با اکسیژن توأم گردد کلیه‌ها و قلب را تقویت می‌کند و کمبود آن یکی از علل مستعد کننده بیماری قند می‌باشد.

- ۴- فلونور که در ساختمان عاج دندانها و استخوانها به کار می‌رود.

- ۵- فسفر که برای سفت شدن استخوانها لازم است.

- ۶- منیزیم که عدمش موجب پیدایش گواتر و احتمالاً سرطان می‌شود.

- ۷- آهن که کمبودش سبب کم خونی گردیده و با فسفر و منیزیم تشکیل دهنده سلولهای عصبی هستند و آهن قسمت‌های اصلی متشکله خون می‌باشد.

نوعی از جو وحشی از خاورمیانه است که دارای مقدار زیادی پروتئین می‌باشد (۳۰ درصد و حال این که جو معمولی ۱۸-۱۹ درصد دارد).

یک دانه جو دیده شده که ۱۲۰ خوشه و هر خوشه ۱۳۵ دانه داشته و گندم که هر تخم ۲۵۰-۳۰۰ تخم شده است.

برخی جو را از حبشه دانسته که به سایر نقاط رسیده و شش هزار سال قبل در مصر کاشته می‌شده است.

جو برای کم خونی، انژین، تب، اسهال، درد معده و اختلالات کبدی مصرف می‌شود و مخمر آبجو، درمان کانونهای عفونی و چرکی می‌باشد. در صد گرم جو ۱۰ گرم مواد ازت، ۲ گرم چربی، ۷۰ گرم گلو سید و سلولز و فسفر و کلسیم و آهن و ویتامین B یافت می‌شود.

برای کم خونی و ورم لوزه یا انژین و نرمی استخوانهای کودکان و پیران و معالجه



اسهال و قولنج و دل درد و بحرانهای کبدی و بیماریهای پوستی و اختلالات کلیهها خوردن جوشانده جو روزانه مؤثر است. (دانه جو بجوشد به وسیله ماده صمغی یا موسیلاژ که دارد، متورم و لیز می شود).

### \* سویا یا سوژا یا لویا

در ایران لویا روغنی، لویا چیتی و دانه سویا گفته می شود و به فرانسسه soja و انگلیسی sogbean نامند.

در چین از دانه های آن به عنوان تونیک و مقوی بادشکن استفاده می شود.

و همین طور به عنوان مدر، ضد تب و ضد سم مصرف دارد و برای ناراحتی های پس از زایمان و اختلالات نیروی جنسی تجویز می شود. البته در موارد فوق سوژا مخلوط با داروهای گیاهی دیگر محرک به کار می رود.

دانه های سبز سوژا را له شده به صورت ضماد روی زخمهای آبله و سایر زخمها بگذارند مفید است و برای رفع التهابهای پوست که در پوست پای بچه ها در اثر ادرار پدید می آید نیز به کار می رود.

گلکهای سوژا برای بعضی از بیماریهایی که مبتلا به کوری و تاری قرینه شده اند، تجویز می شود. چینی ها معتقدند جوانه های سوژا ملین، مسهل و محلل و سازنده است. لذا سوژای سیاه که در آب صاف و تمیز خیسانده و پس از اینکه جوانه ها سبز شدند آنها را کنده در سایه خشک می کنند. و نیز در چین معروف است این جوانه ها، بخصوص در رشد و رویش موها مؤثر است و در مورد رماتیسم آثار خوبی دارد.

لویا از راههای مختلفی در تامین و بازیابی سلامتی انسان نقش دارد.

مصرف منظم و دراز مدت فرآورده های سویا به میزان محسوسی وضع خون اشخاصی که مبتلا به کلسترول زیاد هستند، اصلاح می کند و در برخی موارد حتی مقداری از آسیبهایی که در اثر کلسترول به رگهای خونی وارد شده ممکن است رفع و ترمیم کند.

نشانه‌های علمی دیگری در دست است که سویا در تنظیم سطح انسولین قند خون و فعالیت روده‌ها برای دفع منظم کمک می‌کند و برای پیشگیری انواع سرطان و بخصوص سرطان معده مؤثر است.

تحقیقات انجام شده نشان داده سویا برای افرادی که به‌طور ارثی دارای کلسترول بالا حتی بالاتر از ۳۰۰ هستند، گیاه شفا بخشی است. این تحقیقات نشان داده این افراد اگر به جای گوشت و لبنیات دامی برای تأمین پروتئین خود از فرآورده‌های سویا استفاده کنند، پس از مدتی جزء مخرب و مضر کلسترول آنها یعنی ۲۰-۱۵ درصد کاهش می‌یابد و حتی در کودکان نیز این رژیم سازگار است. دکتر میر توری معتقد است پس از مدتی رژیم سویا جزء hoi یعنی جزء مفید کلسترول را نیز افزایش می‌دهد.

سویا معمولاً برای بیماری قند تجویز می‌شود و گفته شده از نظر کنترل قند خون رقیب ندارد و در لیست خوراکی‌های گیاهی مؤثر در بیماری قند پس از مغز بادام زمینی جای دارد. و البته تمام گونه‌های لویا در تنظیم خون مؤثرند ولی سویا بالاترین مقام را دارد. سویا ممکن است برای مبارزه با سنگ کیسه صفرا هم مفید باشد.<sup>۱</sup>

### \* زنبق (سوسن آزاد)

از حضرت رسول ﷺ منقول است که هیچ چیز برای بدن بهتر از روغن زنبق نیست و در روایت دیگر منقول است که حضرت امام موسی و امام رضا علیهما السلام در بینی می‌چکانند.

در روایتی از حضرت رسول ﷺ چنین نقل شده است که: در روغن زنبق منافع بسیار هست و در آن شفای از هفتاد درد هست.

در بسیاری از احادیث به لفظ رازقی اشاره شده است.<sup>۲</sup>

عبدالله بن جعفر از سیاری در روایت مرفوعه‌اش چنین آورده است: قال النبی انه

لیس شیء خیرا للجسد من دهن الزنبق، یعنی الرازقی.<sup>۱</sup>

یعنی پیغمبر ﷺ فرمود: چیزی بهتر از روغن زنبق برای بدن نیست یعنی رازقی. زنبق چنانکه گذشت سوسن است.

ابن بیطار گوید: روغن سوسن سفید همان رازقی است.

دیسقوریدس گوید: روغن سوسن چسبندگی دهان رحم را باز می‌نماید و ورمهای گرم آن را تحلیل می‌کند. و بالأخره مفید دردهای رحم و زخمهای سر مرطوب و ثالولها و نخاله سر و مدر بول است.

علی بن یقظین گوید: به امام ابی الحسن الرضا علیه السلام نوشتم، من در سرم سردی سخت می‌بینم، بطوری که اگر بادی بوزد کم می‌ماند غش کنم. در پاسخ من نوشت: پس از غذا عنبر و زنبق را به بینی بکشی و انشاء الله نجات پیدا می‌کنی.

اعراب سوسن خوشبوی را عنقر می‌گویند و چون به مشام برسد، عطسه می‌آورد. سوسن را به یونانی ایرسا گویند و لفظ سوسن لغت سامی است.

زنبق: گیاهی است پایا از راسته تک لپه‌ایها جزو گروهی که جام و کاسه رنگین دارند و سردسته تیره زنبقیها می‌باشد. این گیاه دارای ساقه زیر زمینی نشاسته دار و گلهای رنگین معطر است. ساقه‌اش ساده و بسیار کم منشعب می‌شود، برگهایش بدون دمبرگ و شبیه شمشیر و مانند غلافی ساقه را در بر گرفته‌اند.

گلهای زنبق به رنگ آبی یا بنفش‌اند و برخی گونه‌ها هم دارای گلهای زرد است.<sup>۲</sup>

زنبق به فارسی سوسن آزاد را گویند و آن سوسن سفید است و گویند یاسمن است و بعضی گویند که آن غیر سوسن ایض است.

روغن زنبق: گرم و خشک و محلل است. برگ کوفته یاسمین تازه را اگر با روغن کنجد بجوشانند، قائم مقام روغن زنبق باشد و تقطیر آن در احلیل برای عظم خصیه شدید النفع است و اگر از آن قیروطی سازند، اورام صلبه را نضیح دهد و مالش آن عرق آورد و اوجاع

مفاصل و فالج را نفع نماید و طلای آن نافع صرع و لقوه و شقیقه و صداع است.<sup>۱</sup>  
 سوسن آزاد گیاهی است از تیره سوسنی‌ها که جزو گیاهان تک لپه‌ایی جام و کاسه نگین است. گلی است فصلی و دارای گل‌های زیبا و درشت به رنگ‌های مختلف. اصل این گیاه از اروپا و ژاپن و آمریکای شمالی و هیمالیاست. جهت ازدیاد این گیاه معمولاً در پاییز پیازهای فرعی را از پیاز اصلی جدا می‌کنند و در بهار مجدداً می‌کارند. اسم‌های دیگر آن، پیلگوش، فیلگوش، پیلغوش، زنبق رشتی، سوسن سفید، سوسن چینی و سوسن زرد است.

گونه‌ای سوسن که دارای گل‌های درشت و رنگارنگ است، اصل آن از ژاپن است و به سوسن خوش اندام معروف است.<sup>۲</sup>

سوسن معرب از سوسونای سریانی است و بوی و بستانی، و هر یک از آن سفید و کبود می‌باشد و بیخ اقسام آن متعدد و خوشبو شبیه به بوی بنفشه، لذا مردم آن را بیخ بنفشه می‌نامند. و گل سوسن سفید با عطریت قوی و غیر سوسن آزاد است. و ایرستا بیخ قسمتی از کبود بری و صلبی است.<sup>۳</sup>

و در همان کتاب آمده است: ایرسابه یونانی به معنی قوس قزح و مراد از آن سوسن کبود بری است، چه سوسن کبود رنگش مرکب از سفیدی و زردی و بنفش است و بیخ سوسن کبود بری و جبلی پهن و درازتر و به قدر انگشتی و پرگه است.<sup>۴</sup>

سوسن آزاد گیاهی است چند ساله، دارای ساقه زیرزمینی متورم، حجیم، گوشتی تازه آن دارای بوی تهوع آوری است. به فرانسوی: iris و به انگلیسی: rhizoma iris , orris , root گفته می‌شود. زنبق‌ها دارای ساقه زیرزمینی متورم یا پیاز هستند که اقسامی از نظر خواص درمانی مورد توجه بوده و در طب سنتی و همچنین در صنعت عطرسازی موارد استعمال وسیعی دارند این اقسام عبارتند از:

۱- محیط اعظم، ج ۲، ص ۱۰۷

۲- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۲، ص ۱۹۵۴

۳- همانا، ص ۳۹

۴- تحفه، ص ۱۵۹

- ۱- ابرسای ژرمنی: به فرانسوی Iris germanique.
- ۲- ابرسای فلورانسسی: به فرانسوی florience , flambo hlahche , Irisde.
- ۳- ابرسای غلط یا زنبق زرد.
- ۴- ابرسای بدبو.

برگهای گونه Iris Iris germanic دارای مقدار زیادی ویتامین C است. خواص: از آن به بعد تصفیه کننده خون و درمان ناراحتی های آمیزشی استفاده می شود. برای ناراحتی های کبد و بیماری های استسقا خیلی مفید است، به عنوان مدر مسهل، در موارد بیماری های مثانه تجویز می شود. در کره، تبت، چین، ژاپن، هند به عنوان دارو مصرف می شود. میوه های آن را به عنوان قابض، مدر، بند آورنده خون، رفع کننده ناراحتی های پس از زایمان، نزله، رفع کننده تب، موارد رماتیسم، به عنوان کرم کش، از نظر حکمای طب سنتی ایران و سایر مناطق دنیا بیخ تازه زنبق به مقدار کم اثر مدر و خلط آور دارد ولی مقدار زیاد آن مسهل قوی و قی آور است. در بهبود بیماری های ریه، آسم، سیاه سرفه، گریپ، درد طحال، کبد، رحم و بواسیر مؤثر است.<sup>۱</sup>

سوسن آزاد یا زنبق برای التیام زخمها مفید است. عرق خیسانده آن برای التیام زخمهای جلدی سودمند است. زنبق خشک مقدار کمش محرک مدر و ضد کرم است و برای درد سینه خوب است. برای استسقاء جلدی و گوشتی نیز نتیجه بخش است.<sup>۲</sup>

برای التیام زخمها، چهار یا شش عدد از پره های آن را در عرق بخیسانید و روی زخمهای جلدی بمالید تا بهبود یابد. عطر آن ممکن است در افراد حساس، سردردهای شدید و عصبی ایجاد کند.<sup>۳</sup>

سوسن ابیض، برگ و گل این گیاه دارای اثر قابض ملایم است. جوشانده آن به صورت غرغره در رفع درد گلو، ورم لثه ها و لوزتین، ورم مخاط دهان، اولسره های

۱- معارف گیاهی، ج ۱۶، ص ۳۲۶.

۲- خواص میوه ها خوراکیها، ص ۱۱۰ و ۱۱۱.

۳- طب النبوی و الاثمه، ص ۱۴۲.

اسکوربوتیک دهان، سستی و افتادگی زبان کوچک نافع است.<sup>۱</sup>

سوسن سفید بستانی که او را پارسیان سوسن آزاد گویند. گرم و خشک و لطیف است. در بیماریهای دماغی سود دارد. برگ و بیخ او را در آتش بریان کنند و بکوبند و با روغن گل بر سوختگی آتش کنند، سود دارد. آماس رحم را که ماده در او جمع شود و سده باشد و سخت گشته باشد، نرم کند. خون حیض را براند و قوت زدودن و پاکیزه کردن جراحتهای در بیخ او بیش بود.<sup>۲</sup>

خواص زنبق حار، قابض، مرطوب المزاج، جهت حفظ صحت بدن تقویت اعضاء، باعث خشکی جرب رطب و دندانها، به دستور مالیدن آن بر دندانها آتشک، قروح و جروح خبیثه، دفع قمل، مالیدن بر کمر.<sup>۳</sup>

ساقه هوائی آنکه ساده یا شاخه شاخه است، در انتها به یک یا چند گل ختم می شود. در طب فقط ریشه زیر زمینی زنبق مورد استفاده است. برای معالجه آسم، برونشیت، سیاه سرفه و سرفه های سخت و مزمن به کار می رود. ریشه آن تصفیه کننده خون و ضد سموم است. درمان سوختگی، معالجه یبوست، معالجه میخچه پا، پاک کردن دندانها، معالجه استسقاء، معالجه زکام و همچنین مصارف زنبق برای تقویت دندان و زود بیرون آمدن دندان بچه، ریشه آن برای سفید کردن البسه و معطر کردن آنست. از زنبق عطر و یونون می گیرند.<sup>۴</sup>

سوسن سفید برای التیام زخمها مفید است. برای زخمهای جلدی، بهبودی حاصل می کند و عطر آن مسکن است.<sup>۵</sup>

سوسن آزاد، سفید رنگ، گرم و خشک است. مسکن درد و ضد گندیدن و گرمی بخش و لطافت بخش در علاج لکه های سیاه صورت و کک مک مفید است. برگ و تخم سوسن را بکوبند و بسایند و با شراب آمیزند و ضماد سازند و بر باد سرخ گذارند،

۱- گیاهان دارویی، ج ۲، ص ۳۰۴.

۲- صیدنه، ص ۸۹۳.

۳- گیاهان دارویی، ج ۲، ص ۳۰۴.

۴- نسخه های تدریسی، ص ۲۵۳.

۵- درمان طبیعی، ص ۷۶.

سودمند و مفید است. مفاصل در موارد گسستن عصب، ترنجیدن عصب و عرق النسا بهترین دارو است. برای سینه نفس الانتصاب، رطوبتهای بازمانده و پرمانده و پرمایه را از سینه پاک کند. در علاج تب و لرز نافع است.<sup>۱</sup>

گل سوسن سفید که عطری دل انگیز و قوی دارد دارای خاصیت درمانی برای التیام زخمهاست. پیاز سوسن سفید دارای همین خواص است، ضماد آن برای رفع سیاهی و ورمی که بعد از ضربت در بدن پیدا می شود، مفید است.

### \* سوس

سوس بیخ معتدل است. حرارت و رطوبت و برودت، قابض است. پاکی رطوبت، مفید درد سینه و شش و رافع تبهای کهن و ریشهای مثانه و کلی را و عصاره اش قوی تر از اصلش که مسکن عطش است و چون عصاره اش به چشم کشند، ناخنه چشم را دفع کند و سوزش ادرار را ببرد و زائیدن را آسان کند و قی آور و برگش بوی بغل و گند پا را می برد.<sup>۲</sup>

### \* سوسنبر

سوسنبر اغلب به عنوان داروی ضد شیر تجویز می شود، ولی به جای بند آوردن شیر، آن را غلیظ و سخت و در نتیجه بهتر می کند. مقوی قلب، مقوی معده، بادشکن، ضد کرم، ضد درد و برای انواع قولنج و اسهال مفید و برای عوارض ضعف معده، اختلالات هاضمه و دل پیچه مؤثر است. ده تا بیست گرم در یک لیتر آب جوش ده دقیقه دم کرده، بعد از هر غذا یک فنجان از آن را بنوشند.<sup>۳</sup>

سوسنبر ضد تشنج و برای عارضه تصلب شرائین مفید است.<sup>۴</sup>  
دم کرده ده گرم برگ سوسنبر در یک لیوان آب، در مورد افراد مبتلا به سوء هاضمه و

۳- گلها و گیاهان شفا بخش، ص ۱۲۹.

۲- الابینه، ص ۱۸۶.

۱- قانون در طب، ص ۲۴۲.

۴- همان، ص ۱۲۹.

تخمه مفید است.<sup>۱</sup>

سوسنبر یا نعناع به عنوان مقوی قلب و دافع رطوبت استعمال می‌گردد.<sup>۲</sup>

سیسنبیر یا سوسنبر برای درمان سرفه‌های تشنجی، گلو درد، تنگی نفس، سیاه سرفه و زکام مفید است. در برطرف کردن سرفه معجزه می‌کند.<sup>۳</sup>

خواص: مفرح، مقوی احشاء و روح دماغی و قلبی، رافع عنونات، مدر بول و حیض، مخرج کرم شکم، جهت سردرد، ضماد آن جهت امراض بلغمی، درد سینه و معده، ورم جگر، جهت گزیدن عقرب، گزیدن زنبور، تقطیر بول، درد رحم، رفع قمل و عرق بدبو.<sup>۴</sup>  
اسم عربی آن غام است، مقوی جسم و روح و احشاء و امعاء می‌باشد، قلب و دماغ را نیرو می‌بخشد، ضد عفونی کننده، عرق را زیاد می‌کند، عادت ماهانه زنان را باز می‌کند، ضد کرم، مسکن التهاب معدی و بادشکن، مالیدن برگ آن بر محل نیش حشرات نافع است، جوشانده آن مسکن سکسکه و بیچش شکم است، مسکن درد رحم، درمان اسهال، سوء هاضمه و دردهای عصبی را نیز بر طرف می‌کند.<sup>۵</sup>

در کتب طب سنتی و به فارسی با نامهای سی سنبر، سوسنبر و غام. ضماد آن برای بیماریهای بلغمی و درد سینه مفید است. دم‌کرده آن برای دل‌پیچه و قطره قطره ادرار کردن و خرد کردن سنگ مثانه و درد رحم نافع است برای خوشبو کردن زخم مؤثر است. برای ریه مضر است، صمغ عربی کوبیده در آن بریزند در رفع سیاه سرفه و سرفه‌های تناوبی و گریپ سرماخوردگی و در بینایی ضعیف مفید است، جهت رفع تشنج - تشنج دستگاه تنفسی، برای جلوگیری از خونریزی بینی و میگرن سرگیجه نافع است. برای رفع ترشی معده مؤثر می‌باشد، مالیدن اسانس سی سنبر سرپوله روی عضو برای تسکین درد نقرس و سیاتیک و رماتیسم اثر قوی دارد.<sup>۶</sup>

امام رضا علیه السلام از پدرش موسی بن جعفر علیه السلام چنین روایت کرده است: ان حبة السوداء

۱- همان، ص ۱۱۹. ۲- طب المفید، ص ۲۲۶.

۳- درمان بیماریها خواص گیاهان دارویی، ص ۱۰۸. ۴- قرابادین کبیر، ص ۲۵۸.

۵- زمان خوراکیها، ص ۱۷۲. ۶- معارف گیاهی، ج ۱، ص ۱۳۳.



مباركة يخرج الداء الدفين من البدن.

«حبه سودا مبارک است و درد پنهان را از بدن بیرون می نماید.»

حسن بن شاذان از ابی جعفر علیه السلام روایت می کند که از امام حسن علیه السلام پرسیدند در باره تب نوبه غالب. آن حضرت فرمود: از غسل و شونیز سه لقمه برمی داری، آن تب از بین می رود و آن دو مبارکند. در باره غسل فرمود: یخرج من بطونها شراب مختلف الوانه فيه شفاء للناس.

یعنی از شکمهای زنیوران نوشیدنی بیرون می آید با رنگهای مختلف که در آن برای مردم شفاء هست و در باره حبه سودا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: حبه سودا برای هر دردی شفا است مگر سام. پرسیدند: سام چیست؟ رسول خدا فرمود: مرگ و این دو بر گرمی و سردی و طبایع میل نمی نماید، بلکه آنها شفا هستند در هر جا که هستند.<sup>۱</sup> ذریع گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: در شکم خود صدها درد می بینم. آن حضرت فرمود: از حبه سودا چه مانع شده است از حبه سودا؟ که در آن شفا هست از هر مرض مگر سام؟.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در این حبه سودا، از هر درد جز سام شفا هست. گفتم سام چیست؟ فرمود: مرگ. گفتم: حبه سودا چیست؟ فرمود: شونیز. گفتم چه طور بسازم دارو را؟ فرمود: بیست و یک دانه می گیری و در پارچه ای یک شب آن را در آب می خیسانی، موقع صبح یک قطره در بینی راست و یک قطره در بینی چپ می ریزی و در روز دوم دو قطره در طرف راست و یک قطره در طرف چپ و موقعی که روز سوم شد یک قطره در بینی راست، دو قطره در بینی چپ می چکانی و هر روز دانه ها را عوض می کنی.<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام فرمود: حبه سودا برای هر درد شفاست و آن محبوب رسول خداست. گفته شد: مردم گمان می کنند آن حرم است، فرمود: نه شونیز است، اگر نزد

۱- فقه الرضا، ص ۴۶؛ طب الاثمه، ص ۱۵۱ بحاراج ۶۱، ص ۳۰۰.

۲- طب الاثمه، ص ۶۸؛ مکازم، ص ۲۱۱.

یاران پیغمبر می گفتی محبوب رسول خدا را برابیم بیاورید، شونیز می آوردند.

مفضل گوید: به امام صادق علیه السلام شکایت کردم از سختی بول کردن، فرمود: در آخر شب شونیز بخور.

باز آن حضرت فرمود: در شونیز از هر درد شفا هست. من آن را می خورم برای تب، سردرد، درد چشم، شکم درد و بر آنچه بر من عارض می شود از دردها خدا به سبب آن بر من شفا می دهد.<sup>۱</sup>

از امام صادق علیه السلام منقول است که: شخصی به آن حضرت شکایت کرد: از بسیار آمدن بول آزار می کشم، فرمود: که سیاه دانه در آخر شب بخور و فرمود که من آن را برای تب، درد سر، درد شکم و جمیع دردها می خورم و خدا مرا به آن شفا می دهد.<sup>۲</sup> سیاهدانه، تخم گیاهی است شبیه رازیانه سیاه و تندبو، گیاه آن دارای برگهایی شبیه به برگ زبان در قفا است، گلهایش زرد و بتفش می باشد، در میان کردها آن را برای رفع عقب افتادگی قاعده زنانه و افزایش شیر مادر به مصرف می رسانند.<sup>۳</sup>

سیاه دانه که شونیز و سیاه تخمه نیز نامیده می شود، دانه های آن سیاه رنگ و خوشبوی می باشد ولی گیاه آن سمی است، دانه گیاه مدر و مقوی، قاعده آور و ضد کرم می باشد.<sup>۴</sup>

این گیاه را روی نان می ریزند و اعراب می گویند: سیاه دانه داروی هر بیماری است غیر از مرگ. یکی از دانشمندان می گوید: در دانه سیاه دانه وجود دو آلکالوئید معروف به نام نیژل لین و کونیژل لین را محقق نموده که مشابه داماس سنین و متیل داماس سنین به نظر می رسد.

اندامهای سبز این گیاه و نیز دانه گیاه قبلی فاقد این گلوکزید تشخیص داده شده، دانه این گیاه دارای اثر قاعده آور کاملاً بارز است، به علاوه ضد کرم نیز می باشد. سیاه دانه

۲- حلیة المتقین، ص ۱۹۷

۱- مکارم الاخلاق، ص ۲۲۱

۳- طب سنتی در میان کردان، ص ۱۱۳

۴- فوائده سبزها و میوه ها، تالیف دکتر سید نوراژه ستوده؛ خواص خوراکیها، ص ۱۲۶.

برای رفع سرماخوردگی، زکام، دندان درد و درد رحم نیز مفید است.  
 سیاه دانه در نواحی مختلف جنوب اروپا و بعضی نقاط آسیا و ایران می‌روید به علاوه  
 پرورش می‌یابد. دانه‌اش تیره رنگ، سه گوش و دارای بوی مخصوص است، له شده آن  
 بویی شبیه بوی زیره دارد، زمان گل دادن آن آخر اردیبهشت تا تیر ماه است. زنبور عسل  
 علاقه مفرط به نوش آن دارد، استفاده از این گیاه از قدیم الایام بین ملل مختلف معمول  
 بوده است. دانه‌اش دارای اثر مسهل و زیاد کننده ترشحات شیر است از دانه‌های آن  
 هنوز هم برای مصارف مذکور و دفع گازهای معدی و بیماریهای نزله‌ای دستگاه تنفس  
 استفاده می‌شود. گیاه در اراک می‌روید و در اصفهان و نواحی مختلفی از ایران پرورش  
 می‌یابد به علاوه هنوز هم در نانوایی‌ها سیاه دانه را بر روی نان جهت معطر ساختن آن  
 می‌باشند.<sup>۱</sup>

سیاه دانه در رفع درد سر مفید می‌باشد.<sup>۲</sup>

سیاه دانه و عناب تب‌بر است، تب را زایل می‌گرداند.<sup>۳</sup>

مواد مؤثر موجود در سیاه دانه بیش از آنکه جنبه غذایی داشته باشد از لحاظ درمانی  
 و دارویی واجد اهمیت و ارزش است ماده‌های معدنی سیاه دانه عبارت است از ید،  
 گوگرد، منگنز، منیزیم، پتاسیم و کبالت که در بسیاری از بیماریهای اسامی درمانی را  
 بازی می‌کند. سیاه دانه در ناراحتی‌ها و نارسایی‌های کبد حکم یک داروی مؤثر را دارد  
 به طوری که تلخی دهان و حتی یرقان ایکتر را درمان می‌بخشد.<sup>۴</sup>

به فارسی سیاه دانه و سیاه تخمه و در کتب قدیم طب سنتی با نامهای شونیز و شونوز  
 آمده است و به عربی آن را حب السودا و کمون اسود می‌نامند.<sup>۵</sup>

سه نوع سیاهدانه در ایران پیدا می‌شود، یک نوع آن تلخ است.

خواص دو نوع دیگر یکی عادت ماهانه بانوان را باز می‌کند، نوع سوم کشتن کره‌های

۱- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۱، ص ۴۳. ۲- حلیة المتقین، ص ۵۵.

۳- همان، ص ۱۹۷. ۴- فرهنگ خوردنی‌ها، ص ۳۰۴.

۵- معارف گیاهی، ج ۵، ص ۲۱۱.

معدی است. در دانه‌های سیاه دانه جوهر روغنی همراه با مواد معطر و فرار ویتامین E و هورمونهای جنسی است و ویتامین «آ» و «د» هم دارد، پیشاب‌آور است و شیر و عرق را زیاد می‌کند و جتین را ساقط می‌کند. خوردن سیاه دانه صبح ناشتا باعث سرخی گونه و باز شدن رخسار است، با عسل جهت انداختن کرمهای معده و خوردن آن با موم برای از بین بردن خال مفید می‌باشد.<sup>۱</sup>

اگر ۷-۸ عدد از دانه آن را در شیر تازه بخیسانند و پس از یک ساعت آن را بسایند و در بینی کسی که زردی دارد و چشمهای او زرد شده بچکانند، بسیار مفید است و زردی را رفع می‌نماید و اگر دم‌کرده آن با سرکه مضمضه شود برای درد دندان نافع است. و اگر با عسل و روغن خورده شود، برای تسکین درد رحم و دردهای پس از زایمان نافع است.<sup>۲</sup>

زیستگاه این گیاه: در نواحی مختلف جنوب اروپا و بعضی نقاط آسیا می‌روید. سیاه دانه در اراک، اصفهان و نواحی مختلف ایران نیز پرورش می‌یابد.<sup>۳</sup>

مصرف: از پودر یا دانه خیسانده آن استفاده می‌شود ولی نباید آن را دم کرد، زیرا اسانس آن از بین می‌رود. برای استفاده از خاصیت ضد آسم این گیاه از جوشانده دانه آن استفاده می‌شود.<sup>۴</sup>

سیاه دانه به علاوه بادشکن، مسکن و ملین هم هست و اگر با عسل خورده شود برای دفع سنگ کلیه و مثانه نافع است. سیاه‌دانه در بیماریهای یرقان، استسقاء، ورم طحال، سرفه و درد سینه اثر شفابخش دارد و ضماد آن با سرکه برای معالجه لکه‌های پوستی مورد استفاده قرار می‌گیرد.<sup>۵</sup>

در دانه گیاه ماده‌ای به نام نیژلین موجود است که ماده‌ای تلخ و غیر قابل تبلور بوده، رنگ آن زرد و در آب و الکل حل می‌شود. و ماده دیگری به نام ملانتین وجود دارد که در آب حل نمی‌شود.

۲- معارف گیاهی، ج ۵، ص ۲۱۴.

۳- همان، ص ۱۹۰.

۱- مجموعه طب سنتی و گیاهی، ص ۲۲۷.

۳- گیاهان دارویی، ص ۱۹۰.

۵- خواص میوه‌ها خوراکیها، ص ۱۰۸.

### خواص درمانی:

دانه‌اش قاعده آور، مسهل و ضد کرم می‌باشد و اغلب بادشکن بوده، نباتش شبیه به رازیانه بوده و از آن درازتر و باریک‌تر است. در اول گرم و در سوم خشک در حیض و بول و شیر باشد.

مقطع اخلاط، سقط جنین و بخور آن باعث فرار حشرات می‌شود، جهت قولنج، درد سینه سرفه، قی و یرقان مفید است.<sup>۱</sup>

در تحفه ص ۱۶۸ گوید: به فارسی سیاه دانه می‌نامند، نباتش شبیه به رازیانه و از آن درازتر و باریکتر و گلش زرد مایل به سفیدی و تخمش سیاه و مغزش سفید است. در اغراض ۵۹۹ گوید: شونیز گرم و خشک است، به درجه سیم تیزی او بلغم را می‌برد.

در مایروف م / ۳۶۵ گوید: شونیز لغتی است فارسی که گاه به صورت شمیژ معرب شده و یونانیان آن را ملانیتون می‌گفتند.

بهمنیار / ۱۹۹ گوید: سیاه دانه که معروف است و روی نان می‌پاشند و آن را شونیز هم می‌نوشته‌اند.

شونیز (سیاه دانه) گیاهی است از تیره آلانگان جزء دسته خریقها که پوشیده از کرکهای ظریف است، و برخی از گونه‌های آن ممکن است فاقد کرک باشد. این گیاه به طور خودرو و در اکثر نقاط و از جمله ایران می‌روید. برگهایش دارای تقسیمات باریک و گلهایش منفرد و دانه‌اش تیره رنگ و سه گوش و دارای بویی مخصوص است. ارتفاع آن تا ۴۰ سانتیمتر می‌رسد و گلهایش آبی رنگند. سیاه دانه را نانوایان برای خوشمزگی نان در موقع پخت روی آن می‌ریزند (فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۲، ۱۹۶۹).

black cumin همان دانه هست که ذکر آن در انجیل شده است. بوته آن مانند بوته بادیان می‌ماند ولیکن ساقه‌هایش خیلی باریک، بر آن یک میوه طویل مانند باقلا می‌روید که وقتی که برسد از آن تخمهایی مانند تخم پیاز سه پهلویی درمی‌آید. رنگ بیرون آن

سیاه و مغزش سفید و روغن دار.

بادشکن، مقوی معده، مدر بول و حیض، قاتل کرم شکم و بو کردن آن نافع زکام می باشد و در مرض صرع آن را در آب ساییده در بینی چکانند، مفید می باشد. قولنج ریاحی را مفید می باشد، جوشانده آن جنین مرده را از شکم فوراً درمی آورد.<sup>۱</sup>

مخزن المفردات آن را گرم و خشک ۲ درجه نوشته است. بو کردن آن رطوبت دماغ را جذب می کند، خوردن آن منفث بلغم است، آن مقوی معده و قاتل کرم شکم می باشد، آن را با سرکه ساییده در مرض بهق و برص و داء الثعلب و زگیلها می گذارند مفید است، در سرکه می خیسانند و بعد ساییده در مرض شقیقه آن را سعوپ می کنند. در شیر زن ساییده در دماغ قطور می کنند، نافع مرض یرقان می باشد، سفوف آن نافع یرقان استسقا و امراض بلغمی می باشد، از آن روغنی درست می کنند که نافع فلج و لقوه می باشد. خنثاق آور است و دوران سر به وجود می آورد. مصلحتش کثیرا و اشیای سرد است.

مخرج جنین و مدر بول و حیض، مقدار خوراک؛ برای گرم مزاجها ۲ گرم و برای سرد مزاجها ۷ گرم، مالیدن آن بر صورت رنگ؛ صورت را باز می کند، دافع سنگ مثانه می باشد، قرقره آن درد دندان را مفید می باشد.<sup>۲</sup>

در کتاب ویدک اسم سنسکریت آن را کالاجی نوشته است و نیز آن را کمون هندی می گویند و در لاتینی آن را رنگیلا استیوا می گویند و می گویند که روغن لطیف در آن از نیم تا ۱/۵٪ می باشد و گلوکساید مانند: سیپونین، میلانتین، سیپوجنین، میلانتن و میلانتیجینن می باشد و آنها ۱٪ می باشند و نیز روغن رزین، البومین، شکر و تیتنیز دارد و در طب ویدک آن را مشهی و زود هضم و قابض نوشته اند، تب را دور می کند، مرگد منی است، مشهی است و دافع بلغم و اسهال می باشد، قی را مفید می باشد روغن آن را با روغن زیتون خوردن قوت باه را قوی می گرداند مالیدن روغن آن مقوی اعضای تناسلی می باشد.

و خوراک آن با فلفل دراز و تمک مسکن درد زایمان می باشد و نیز گردانه ها را در لباسهای پنبه ای بگذارند کره ها را دافع می باشد.

نافع تب لرزه است، جوارش شوینیز، مقوی معده و نافع مرض فراموشی می باشد.<sup>۱</sup>  
در کتاب همدرد اسم آن را نیجیلاساتیوا نوشته است و آن را در مرض لقوه و صرع و صفیق النفث و کم اشتهایی و ضعف باه یا دیگر ادویه جات استعمال کرده است و روغنی به اسم روغن شفا، سیاه دانه، تخم شنبلیله را با روغن کنجد شامل کرده نافع امراض لقوه و فلج و مسکن دردها توصیف کرده است و در ضیق النفس و آسم و در امراض جلدی و ضعف اعصاب و درد شکم و بواسیر و استسقا و امراض بول و کلیه استعمال شده است.<sup>۲</sup>

در دستور بریتانی روغن سیاه دانه ذکر شده که آن از تخم: *nigella sativa fam.* *ranunculaceac* به دست می آید و می گوید که آن در اروپای شرقی حاصل می شود و آن دارای ۳۵٪ روغن می باشد دستور بریتانی این را در فهرست ادویه جات متروک نوشته است و در حال حاضر از آن استفاده نمی شود.<sup>۳</sup>

ذائقه: بی مزه

مزاج: گرم و خشک ۳ درجه.

مقدار خوراک: از ۱ تا ۳ گرم می باشد.

محل حصول: هند و بعضی جاهای دیگر.

بدلش: انیسون، مقدار خوراک از ۱ تا ۲ گرم می باشد.<sup>۴</sup>

بستان المفردات، گل آن را سفید مایل به زردی نوشته است، برگهایش سبز و تخمش سیاه است.

مضر: گرم است و اسهال آور و دوران سر می آورد، مصلحتش اشیای سرد و خیسانده در سرکه می باشد.

۲- همدرد، ص ۷۳، ۱۰۰، ۱۴۶، ۱۴۹-۲۹۰.

۱- طب ویدک، ص ۵۲۲

۳- دستور بریتانی، ص ۱۱۲۹.

۴- مخزن المفردات، ص ۳۱۰.

## \* توسه سیاه

درختچه‌ای است به ارتفاع ۱ تا ۴ متر و دارای شاخه‌های بدون خار که در غالب نواحی مرطوب و جنگلهای ارویای شمالی و مرکزی، آسیا، سبیری و ایران می‌روید. پوست ساقه آن صاف تیره رنگ و دارای راه راه سفید قابل تشخیص است. برگهای منفرد بی کرک بیضوی به طول ۳ تا ۵ و به عرض ۳ سانتیمتر و شفاف دارد. گل‌های کوچک به رنگ سبز گلی، مرکب از قطعات ۵ تایی منفرد یا مجتمع به تعداد کم و میوه آن به قطر ۸ میلی‌متر و دارای رنگ قرمز است ولی تدریجاً تغییر رنگ حاصل کرده و سیاه می‌شود. پرورش آن در حاشیه مزارع جهت محدود ساختن این نواحی و حتی به‌عنوان زینت در بعضی نقاط معمول است. گل‌های آن مورد توجه زنبور عسل می‌باشد. قسمت مورد استفاده این گیاه پوست ساقه و شاخه آن است که در فاصله ماه‌های خرداد و مرداد آنها را به صورت نوارهای بلند از ساقه و شاخه‌ها جدا کرده به قطعات کوچک تقسیم و در محلی به دقت خشک می‌نمایند. سطح خارجی این قطعات به رنگ خاکستری قهوه‌ای ولی سطح داخلی آنها به رنگ قهوه‌ای دارچینی است.

پوست شاخه‌های ۳ تا ۴ ساله این گیاه دارای حداکثر ماده مؤثر است.

پوست خوردن به مقدار کم، اثر ملین، ولی به مقادیر زیادتر اثر مسهلی دارد.

امروزه مصرف آن به علت آنکه در فرمول عده زیادی از تیزان‌ها، محلولات مسهلی به جای سنا وارد می‌گردد، زیاد شده است. مصرف محلول‌های دارویی پوست خوردن در موقع یبوست‌های مزمن اثر مفید می‌دهد، به‌علاوه به علت صفرا بودن، یبوست‌های اسپاسمودیک (تشنجی) را نیز درمان می‌کند اثر تحریک کننده پوست خوردن در مخاط دستگاه هضم کمتر از فرآورده‌های مشابه نظیر نرپون است. پوست خوردن می‌تواند با مقادیر کم مورد استفاده زنان باردار نیز قرار گیرد. زیرا حرکات دودی شکل روده را افزایش نمی‌دهد. پوست خوردن در رفع چاقی و درمان سلولیت، اثرات مفید ظاهر می‌کند. در استعمال خارج، به کار بردن جوشانده‌های غلیظ پوست، مخصوصاً پوست ریشه، در درمان جرب، کچلی، سودای مزمن و همچنین معالجه و التیام زخمها و



اولسرها، بین مردم معمول است. فرآورده‌های متعددی به‌عنوان ملین و مسهل نیز از پوست بوردن تهیه می‌گردد یا از آن برای تهیه اسپسیالیت‌های مختلف استفاده می‌شود. در استعمال خارج، جوشانده ۱۰۰ گرم پوست بوردن که در یک لیتر آب تهیه شده باشد، مصرف دارد. این گیاه در نور و اطراف لاهیجان و جنگلهای نواحی شمال ایران می‌روید.<sup>۱</sup>

فارسی: سیاه توسه، سیاه توسکا است.

عربی: عوسج اسود، شجرة حب الشوم است.

بوی آنها ضعیف ولی کاملاً محسوس و طعم آنها ابتدا لعابی است ولی تدریجاً کمی تلخ و قابض می‌شود. در بازرگانی تحت نام «پوست بوردن» می‌باشد.

#### ترکیبات شیمیایی:

گرد پوست ساقه بوردن اگر تحت اثر بنزین قرار گیرد، مایعی زرد رنگ به‌دست می‌آید که با افزودن آمونیاک، به رنگ قرمز گیلاسی درمی‌آید. پیدایش این رنگ به علت وجود امودین است.

پوست بوردن دارای گلوکزیدی محلول در آب به‌نام فرانگولیس یا فرانگولوزید است. فرانگولین، گلوکزیدی محلول در آب و دارای فرمول  $C_{21}H_{20}O_9$  است و به صورت بلورهای سوزنی شکل و زرد رنگ متبلور می‌گردد و اگر هیدرولیز شود، موادی نظیر فرانگولا امودین، ایزوامودین، اسید کریزوفانیک یا کریزوفانول، را منوزویک فیتوسترول به‌نام رامتول می‌دهد.

فرانگولین مرکب از ۲ گلوکزید؛ یکی به‌نام فرانگولین A و دیگری فرانگولین B است. فرانگولین A به فرمول  $C_{21}H_{20}O_9$  می‌باشد که به حالت متبلور به دست آمده، نقطه ذوب آن در گرمای ۲۲۸ درجه است.

فرانگولین B به فرمول  $C_{20}H_{18}O_9$  می‌باشد و نقطه ذوب آن در دمای ۱۹۶ درجه

است.

فرانگولین اثر مسهلی قوی دارد. امودین از نظر درمانی اثر مسهلی قوی دارد.

### خواص درمانی:

پوست خوردن به مقدار کم اثر ملین ولی به مقادیر زیادتر اثر مسهلی دارد. مصرف آن در موقع یبوست‌های مزمن اثر مفید می‌دهد، به علاوه به علت صفرابری بودن، یبوست‌های اسپاسمودیک (تشنجی) را نیز درمان می‌کند. اثر تحریک کننده پوست خوردن در مخاط دستگاه هضم، کمتر از فراورده‌های مشابه نظیر نرپرون است. پوست خوردن می‌تواند به مقادیر کم مورد استفاده زنان باردار نیز قرار گیرد زیرا حرکات دودی روده را افزایش نمی‌دهد.

پوست خوردن در موقع چاقی و درمان سلولیت، اثرات مفید ظاهر می‌کند. در استعمال خارج، به کار بردن جوشانده‌های غلیظ پوست، مخصوصاً پوست ریشه در درمان جرب، کچلی، سودای مزمن و همچنین معالجه و التیام زخمها و اولی سرها، بین مردم معمول است.

### صور دارویی:

گرد پوست خوردن به مقدار ۱ تا ۳ گرم در روز به صورت کاشه، جوشانده ۲ تا ۶ گرم آن در ۱۰۰ تا ۱۵۰ گرم آب (این جوشانده باید به صورتی تهیه گردد که عمل جوشیدن، بیش از چند دقیقه ادامه نیابد، بعداً باید آن را سرد نموده، مدت ۱۲ ساعت به حال خود باقی گذاشت و سپس هنگام شب قبل از خوابیدن مصرف کرد) عصاره روان (هر ۳۸ قطره این عصاره تب یک گرم وزن دارد) به مقدار ۱ تا ۶ گرم در یک لیوان آب قبل از خوابیدن مصرف می‌شود. برای اطفال ۱۰ قطره و برای هر سنی از عمر به کار می‌رود.

داروی ملین برای اشخاص بالغ:

عصاره روان پوست خوردن ۵۰ گرم

عصاره روان کاسکارا ۵۰ گرم

گلیسرین ۳۰ گرم

از این مخلوط به منظور ایجاد لینت به مقدار ۱ تا ۲ قاشق مرباخوری در یک لیوان شربت ساده باید مصرف نمود.

داروی ملین برای اطفال:

عصاره روان خوردن ۵ گرم

شربت گل سرخ ۲۵ گرم

شربت پرتقال به مقدار کافی ۹۰ میلی لیتر

مقدار یک تا دو قاشق قهوه خوری از این شربت، شب هنگام خوابیدن برای اطفال ۳ تا ۷ ساله به کار می رود.

جوشانده آن ملین:

پوست خوردن ۲۵ گرم.

ریشه آنزلیک ۳۰ گرم.

مریم گلی ۲۰ گرم.

گل پنیرک ۲۰ گرم.

دانه کتان ۲۵ گرم.

مخلوط فوق را به مقدار ۱ تا ۲ قاشق سوپ خوری در یک فنجان آب به مدت ۳۰ دقیقه می جوشانند و بعداً آن را به مدت ۱۰ دقیقه به حال خود باقی می گذارند تا بخوبی دم کند، سپس با عسل شیرین می کنند.

مقدار مصرف آن یک فنجان هنگام صبح و عصر است.

در استعمال خارج، جوشانده ۱۰۰ گرم پوست خوردن که در یک لیتر آب تهیه شده باشد، مصرف دارد.

محل رویش:

جنگلهای نواحی شمال ایران، گیلان؛ اطراف لاهیجان، مازندران، نور و در لاهیجان به سیاه توسکا و سیاه توسه موسوم است.<sup>۱</sup>

توسکا: توسکا از جمله درختان پهن برگ و سریع‌الرشد جنگلهای شمال ایران است. نام عمومی آن در اغلب نقاط شمال توسکا است ولی در گیلان آن را توسه و در آستارا و طوالش زردار می‌نامند.

میوه‌های آن شبیه توت نارس، قهوه‌ای و شبیه تخم مرغ است. درخت توسکا در ایران دو گونه است:

۱- توسکا قشلاقی که در جلگه‌های دریای خزر می‌باشد. ارتفاع متوسط آن از ۲۰ متر تجاوز نمی‌کند.

پوست تنه قدیمی آن قهوه‌ای تیره است و برگهای آن چسبناک و موجدار و تقریباً گرد و رنگ آن سبز تیره است.

#### ۲- توسکا ییلاقی:

پوست درختان کهنسال آن قهوه‌ای متمایل به خاکستری، برگ آن بیضی و تخم‌مرغی شکل و دارای قاعده‌ای قلبی شکل و رنگ چوب آن سرخ کم رنگ است.<sup>۱</sup>

پوست سیاه توسه مسهلی بسیار قوی است که دستگاه بدن را تصفیه و تقویت کرده و صفرا، چرک و آب‌بیماران مبتلا به استسقاء را از بدنشان خارج می‌کند.

#### موارد استعمال:

۱- ده گرم پوست خشک توسه سیاه را با یک لیتر آب سرد در ظرفی بریزید و آن ظرف را روی آتش بگذارید تا به جوش آید و ده تا ۱۵ دقیقه بجوشد، بعد ظرف را از روی آتش بردارید و ۱۵ دقیقه دم کنید، بعد آن را صاف کنید و هر روز صبح یک فنجان و شام هم یک فنجان از آن را بنوشید. این نسخه برای اشخاص بزرگسال است.

#### ۴- درمان خونریزی بواسیر با توسه سیاه:

برای درمان خونریزی بواسیری، کسانی که به آن مبتلا هستند، علاوه بر مصرف جوشانده آنکه در مورد درمان یبوست ذکر شد، باید دو تا سه مشت پوست توسه سیاه را که معادل سی تا ۴۰ گرم است با یک لیتر آب سرد در ظرفی ریخته و روی آتش

بگذارند تا به جوشن بیاید و پانزده دقیقه با آتش ملایم بجوشد. بعد این جوشانده را به عنوان حمام ته نشین مصرف نماید و صبح و شب با این جوشانده حمام ته نشین بگیرند به زودی خونریزی بواسیر بر طرف خواهد شد.

نسخه دیگر: دو تا پنج گرم پوست خشک توسه سیاه را با یک لیتر و نیم آب سرد در ظرفی بریزید و آن ظرف را روی آتش بگذارید تا به جوش آید. وقتی جوش آمد، آتش را کم کنید تا ۲۵ دقیقه با آتش ملایم بجوشد. بعد هم تا ۵ ساعت آن را با حال خویش بگذارید و بعد صاف کنید و یک لیوان از آن را قبل از خواب بنوشید. توسه سیاه بعد از ۸ تا ۱۲ ساعت اثر می کند.<sup>۱</sup>

۲- معالجه سودا، گال و کچلی با توسه سیاه:

۲۰ گرم پوست خشک توسه سیاه را با یک لیتر آب سرد در ظرفی بریزید و روی آتش بگذارید تا به جوش آید و یک ربع تمام بجوشد بعد آن را از روی آتش بردارید و ۱۲ ساعت به حال خودش بگذارید، بعد معادل نصف آن آب سرد و نصف دیگر را سرکه انگور به آن اضافه کنید و جاهایی که مبتلا به سودا گال و کچلی است با آن حمام دهید.

یا گرفتن حمام اول، خارشها برطرف می شود و اگر هر روز دو بار به این ترتیب زخمها را حمام دهید میکروبها از بین رفته و زخمها التیام خواهند پذیرفت.

۳- بحران کید:

اگر کید شما ورم کرده و دردناک شده است یا اگر در شام یا نهار پُر خورده اید که رنگتان دگرگون و خلقتان بدخو و اندوهناک شده است. ۵ گرم پوست خشک توسه سیاه را با یک لیتر آب سرد در ظرفی بریزید و آن ظرف را روی آتش بگذارید تا به مدت ۱۵ یا ۲۰ دقیقه بجوشد. بعد آن را از روی آتش بردارید و یک ربع ساعت دم کنید، بعد آن را صاف نمایید و صبح یک فنجان و شام هم یک فنجان از آن بنوشید، ورم کید شما بر طرف خواهد شد.

## مقدار خوراک:

جوشانده آن تأثیر مطلوبی بر روی بیماری‌های پوست بویژه سودا دارد. متنها باید گاه به گاه و خیلی کم مصرف شود. ۱ گرم پوست این درخت را به مدت ۵ دقیقه در  $\frac{1}{4}$  لیتر آب بجوشانید و بگذارید نصف روز بماند. سپس آن را صاف کرده با کمی عسل موقع خواب به مقدار یک فنجان کوچک میل نمایید.<sup>۱</sup>

سیاه توسه (سیاه توسکا):

به عربی «عوسج اسود» می‌گویند. درخت آن شبیه درخت آتش انگور ولی بدون خار است و در جنگلهای شمالی ایران و جنگلهای مرکزی و شمالی اروپا و جنگلهای سبیری می‌روید. میوه آن از عناب کوچکتر بوده و پس از رسیدن سیاه رنگ می‌شود. پوست درخت آن دارای اثر مسهلی است، قسمت مورد استفاد آن پوست، ساقه و سرشاخه‌های آن است که در ماههای خرداد تا مرداد باید آنها را چید و پوست ساقه‌های آنها را به صورت نوار بریده خشک کرد. این نوارها دارای بویی ضعیف و طعمی لعابی است که بعداً رفع می‌شود. ساقه‌های سه تا چهار ساله دارای حد اکثر خاصیت است. پوست درخت آن به مقدار زیاد مسهل و به مقدار کم ملین است و معمولاً آن را به جای سنا به کار می‌برند.

اثر آن در درمان یبوست‌های مزمن انکار ناپذیر و قابل توجه است. جوشانده غلیظ پوست آن در استعمال خارجی برای معالجه کچلی، جرب، سودا و اولسرها مفید است.

گرد پوست آن یک تا سه گرم به صورت کاشه و جوشانده دو تا چهار گرم در صد گرم آب، آن را می‌توان قبل از خواب نوشید مشروط بر این که زیاد نجوشد و بعد از جوشیدن دوازده ساعت در جای خنک نگهداری شود.<sup>۲</sup>

سیاه توسه می‌تواند به تخلیه معده و روده کمک کرده، دستگاه هاضمه را مجدداً به حال عادی خود برگرداند.

در موارد مسمومیت، فرآورده دارویی این گیاه با استفراغ شفا بخش و در موارد کم کاری دستگاه هاضمه یا تحریک عضلات اندام‌های هاضمه که محتوای معده و روده را به جلو می‌راند تأثیر می‌کند. علاوه بر آن، به هیچ‌جه آسیبی به اندام‌های گوارشی نمی‌رساند و به این جهت کسانی که دارای ترشی زیاد معده نفخ، سسکه یا عفونت‌های مزمن هستند، می‌توانند از این فرآورده‌های دارویی استفاده کنند.

سیاه توسه بهترین گیاهی است که می‌توان برای زنان بارداری که از یبوست رنج می‌برند توصیه کرد و همچنین یک داروی مناسب جهت دفع کرم، فعالیت کبد و تحریک طحال است. و ضمناً در درمان بواسیر و رفع اختلالات ضعیف گردش خون مؤثر است. استعمال خارجی این گیاه در رفع عوارض انگلی پوست مانند آبه، عفونت‌های جلوس، کچلی و نظایر آنها تأثیر دارد.

مقدار ۵ تا ۱۰ گرم از پوست ساقه را در یک لیتر آب دم‌کرده روزانه ۲ تا ۳ فنجان می‌نوشند این مقدار را می‌توان با مخلوطی از نعناع، رازیانه، مریم‌گلی یا ختمی نیز دم‌کرد و مصرف نمود.

در استعمال خارجی فرآورده این گیاه به صورت کمپرس کردن محلول تنقیه، حمام نشستن و نظایر آن، نیم مشت از پوست سیاه توسه را در یک لیتر آب می‌جوشانند. گرد پوست این گیاه روزانه یک تا دو گرم همراه عسل یا شیر میل شود.<sup>۱</sup>

### خواص:

از نظر دارویی فقط پوست آن قابل مصرف است به شرط اینکه خشک شود زیرا به صورت تازه سمی است. قابض و تلخ و در تئوری بهترین داروی یبوست می‌باشد، زیرا بسیار ملین است. ولی متأسفانه روده بزرگ را به شدت تحریک می‌کند و در صورت افراط باعث کاهش نمک، به خصوص پتاسیم و دفع مکرر می‌شود. همچنین به طور خفیف ترشح صفرا را زیاد می‌کند.

### ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی در پوست درختچه سیاه توسه وجود گلوکوزیدی به نام فرانگولین، مقدار کمی اسید سیانیدریک... تأکید شده است و به علاوه پوست تازه آن دارای ماده مخمری است که اگر به صورت تازه مصرف شود ممکن است ایجاد ناراحتی و دل‌پیچه و قی نماید، ولی پس از خشک شدن این مخمر از بین می‌رود. به همین علت برای دارو همیشه باید از پوست خشک سیاه توسه‌ای که لااقل یک سال از تهیه آن گذشته باشد مصرف کرد.

بهره برداری از پوست درخت از درختچه‌های ۶-۷ ساله به بالا می‌باشد.<sup>۱</sup>

### صور دارویی و مصرف:

جوشانده: برای تهیه جوشانده پنج تا هفت گرم از پوست ساقه را در یک لیتر آب می‌ریزند و نیم ساعت می‌جوشانند، این جوشانده موقعی مؤثرتر است که آن را بعد از جوشاندن به مدت نصف روز در آب با خوراک کم بگذاریم تا دم بکشد از این جوشانده هر روز عصر یک تا دو فنجان می‌نوشید.<sup>۲</sup>

در شمال ایران در لاهیجان سیاه توسه و سیاه توسکا نامیده می‌شود. در کتاب طب سنتی با نام عوسج انود نامبرده می‌شود. این درختچه در اروپا و آسیا، سبیری و آفریقای شمالی انشار دارد و بخصوص در جنگلهای مرطوب جلگه‌ای شمال ایران دیده می‌شود. این درختچه با تخم یا با قلمه آن تکثیر می‌شود.

۲-۶ گرم پوست سیاه توسه را در ۱۰۰ گرم آب ۱۰ دقیقه می‌جوشانند و این جوشانده را با حرارت ۲۲-۳۰ درجه سانتیگراد، قبل از خواب می‌خورند. ملین و مسهل است و جوشانده ۱۰۰ گرم پوست خشک درختچه یا پوست خشک ریشه آن در یک لیتر آب برای معالجه جرب و کچلی و ناراحتی‌های پوستی و التیام زخمها مفید است.<sup>۳</sup>

۲- صد گیاه و هزار درمان، ص ۱۸۹.

۱- معارف گیاهی، ج ۲، ص ۲۱۶.

۳- معارف گیاهی، ج ۱۶، ص ۲۱۵.



قسمت مورد استفاده این گیاه پوست خشک آن است که دارای مشتقات آنتراکینون و اثر مسهل بویژه در روده بزرگ است. همچنین ترشح صفرا را تحریک می‌کند، اثر آن با مقادیر متوسط خفیف است، گیاه تازه آن ایجاد استفراغ می‌کند.

معمولاً به شکل عصاره مایع مصرف می‌شود. ۲۰-۴۰ قطره آن را در آب می‌ریزند و در شب می‌خورند. شربت آن را روزانه ۱-۲ قاشق غذا خوری بندرت به شکل تیزان ۳۰۰ میلی لیتر آب سرد را روی یک قاشق غذا خوری از پوست کاملاً نرم شده آن را به مدت ۱۰ دقیقه می‌جوشانند و بعد می‌ماند به عنوان مسهل مصرف شود.<sup>۱</sup>

گیاه طبی بوردن را توسه سیاه چوب پودر و پونا عره و ریواس دهاتی هم می‌گویند درختچه‌ای است که آن را در جنگلهای شمال کشور از گیلان تا گرگان می‌توان دید موارد استعمال آن در درمان یبوست معالجه سوداگال و کچلی با توسه سیاه بحران کبد و درمان خونی‌ریزی بواسیر با توسه سیاه است.<sup>۲</sup>

بخش مورد استفاده دارویی آن فقط پوست ساقه این درختچه است و آن هم نه پوسته خارجی یا اولیه، بلکه پوست دوم آن بسیار جلادار و مرطوب است.

سیاه توسه می‌تواند به تخلیه معده و روده کمک کرده، دستگاه هاضمه را مجدداً به کار عادی خود برگرداند. سیاه توسه بهترین گیاهی است که می‌تواند برای زنان بارداری که از یبوست رنج می‌برند، توصیه کرد، زیرا که این گیاه کوچکترین خطری برای سلامت زن و جنین ندارد.

باید اضافه کرد که سیاه توسه یک داروی مناسب جهت دفع کرم، فعالیت کبد و تحریک طحال است و ضمناً در درمان بواسیر و رفع اختلالات ضعیف گردش خون مؤثر است. استعمال خارجی فرآورده دارویی این گیاه در رفع عوارض انگلی پوست مانند آبسه، عفونت عادی جلدی و نظایر آنها تأثیر دارد.<sup>۳</sup>

۱- گیاهان دارویی، پروفیسور هانس فلوک، ص ۹۳.

۲- نسخه‌های تندرستی، مهدی نراقی، ج ۱، ص ۲۱۷.

۳- صد گیاه و هزار درمان، دکتر حسین عرفانی، ص ۱۸۸.

### \* سیب

امیرالمومنین علیه السلام فرمود: **أكل التفاح نضوح للمعدة**.<sup>۱</sup>  
یعنی خوردن سیب معده را پاک می‌کند و می‌شوید.

تحقیقی که در مرکز پزشکی دانشگاه «هیروساکی» ژاپن در سال ۱۹۸۹ انجام شده، فرضیه تازهای را مطرح کردند که مردم را بیش از پیش به خوردن سیب علاقمند می‌سازد.

این پژوهش نشان می‌دهد که هر کس اگر روزانه سه عدد سیب بخورد احتمال افزایش فشار خون او کاهش می‌یابد.<sup>۲</sup>

عصاره سیب درختی، برای از بین بردن «اسید اوریک» مفید است.<sup>۳</sup>  
رنگ: زرد و سرخ.

ذائقه: شیرین.

مزاج: گرم ۱ درجه و ۲ درجه و سیب ترش سرد و خشک می‌باشد.

مقدار خوراک: شربت آن ۴۸ گرم و رب آن ۱۵ گرم.

محل حصول: کشمیر، هند، ایران، افغانستان، اروپا و... می‌باشد.

خواص: مفرح، مقوی دل و جگر و به علت اینکه دارای فولاد هست، کمی هم قابض می‌باشد.

رنگ صورت را روشن می‌کند، رب آن اسهال سوداوی را مفید است، مریای آن نافع خفقان است، خون صالح پیدا می‌کند، در آن ۹۰ یونیت ویتامین A و ۴ میلی گرم درصد کلسیم و ۱۱ میلی گرم درصد فسفر و  $\frac{1}{10}$  میلی گرم درصد آهن موجود می‌باشد.<sup>۴</sup>

مخزن المفردات تمام فوائد مذکور را نیز بیان کرده و اضافه کرده است که آن نافع و سواس سوداوی می‌باشد و نیز در سرفه خشک هم مفید است؛ آب سیب را در معاجین مفرح مخلوط می‌کنند.

۱- حلیة المتفین، ص ۵۶ ۲- مجله برگ سبز، ص ۲۵، مرداد و شهریور ۱۳۷۱.

۳- مجله برگ سبز، ص ۳۱، مرداد و شهریور ۱۳۷۱. ۴- المفردات، ص ۳۱۲.

مضر: تب و نسیان می آورد.

مصلح آن: گلغند و دارچین و عسل.

مقدار خوراک رب آن ۱۵ گرم می باشد.<sup>۱</sup>

بستان المفردات آن را ثقیل و دیر هضم نوشته است و نوع خاصی از آن را سیب میخوش ترش و شیرین نوشته است. آن مقوی اعضای رئیسه و مفرح می باشد، قی و گیجی را دور می کند، عصاره برگهایش پادزهر عقرب می باشد، نافع مریض های مسلول و لاغر می باشد. ترش آن قابض می باشد و تمام خواص سابق را نوشته است.<sup>۲</sup>

اسم طبی درخت آن *pyrus\_malus* است. همدرد رب آن را به طور مشهی و هاضم و مقوی چشم و در امراض جگر و ضعف بدن و ضعف در ایام مریضی و سرفه و سل استعمال کرده است و دو این به نام رب سیب شیرین، از عرق سیب با شکر و عرق گل گاو زبان مخلوط نموده، به طور مقوی قلب و درد شکم توصیف کرده است و نیز شربت سیب خالص از رب سیب درست کرده نیز برای ضعف قلب و مسکن و مقوی دماغ استعمال کرده است و یک شربتی مقوی و مشهی برای ضعف عام از میوه های گوناگون مثل سیب و به و انار و انگور و زرشک و لیمو و سماق درست کرده که خیلی با فایده بیان کرده است و نیز عرق فواکه از خیلی سبزیها و میوه ها گرفته می شود.

سیب نیز در آن مشمول شده است و نیز در بیشتر نسخه ها مقوی دماغ و دل و مفرح با دیگر داروها مخلوط شده است.<sup>۳</sup>

دستور بریتانی، سیب را میوه درخت *pyrus\_malus* نوشته است و آن ۱٪ اسید و ۵٪ آلومین و پکتین دارد و از عصاره آن سرکه بیان کرده است و اسید آن را مالیک اسید گفته است.<sup>۴</sup>

آب سیب: شیره سیب اثر نیرو دهنده اعصاب و ماهیچه ها را دارد و چون مدر و دفع کننده مواد سمی بدن است، برای مبتلایان به رماتیسم و نقرس مفید واقع می شود. ضماد

۱- مخزن المفردات، ص ۲۴۷.

۲- بستان المفردات، ص ۱۸۲.

۳- همدرد، ص ۱۱۹-۱۱۷-۱۲۰-۱۲۸-۱۲۹-۱۳۵-۲۸۱.

۴- دستور بریتانی: ص ۱۹۶۹-۱۰۲۴.

آن ضد عفونی کننده روده و تصفیه کننده خون است و در بیماریهای مختلف به عنوان یک نوشابه مفرح و مفید به بیماران داده می شود.<sup>۱</sup>

موی سر و شفافیت آن را محفوظ داشته، چهره را با طراوت می سازد، در نقاهت و درمان بیماریها شفافبخش است، خستگی و ضعف را رفع و ناراحتی عصبی و بی خوابی را برطرف می کند.

در موقع تخمیر، سیب به سرکه مبدل می شود و خاصیت غذایی خود را از دست نمی دهد، فقط قندش به ترشی تبدیل می گردد و در آن پتاسیم، کلسیم، منیزیم، آهن، گوگرد، آهن، فلوئور، سیلیسیوم و... وجود دارد. سرکه سیب قاتل میکروب های روده ای است.

در آزمایشگاه فیزیولوژی C.N.I.S فرانسه، سیب را به طور مصنوعی بدون استفاده از درخت سیب، در لوله های آزمایش کشت کرده و تکثیر می نمایند. ابتدا قطعه کوچکی از سیب را در لوله آزمایش که محتوی یک نوع ترکیب شیمیایی مغذی به نام ژلوز gelose است قرار می دهند، پس از اندک مدتی بافت های سیب نمو کرده، تمام لوله را پر می کند و بدین ترتیب باز آن را قطعه قطعه کرده، قطعات بزرگتری به دست می آورند.

سیب با ترکیباتی که دارد، هم مغذی اعصاب است و هم عضلات و خوردنش برای دردهای مفاصل، رماتیسم، کبد، نقرس، تبخال، چاقی و امراض ریوی مفید می باشد.<sup>۲</sup> سیب را زیر خاکستر کرده، پخته که شد به گوش درد مالیده شود، دردش ساکت می شود.

دم کرده گل یا شکوفه خشک یا تر سیب به مقدار سی گرم در یک لیتر آب، برای سرفه خوب است. برای اینکه پوست سیب بخوبی کنده شود، می توان آن را یک دقیقه در آب جوش انداخت.

سیب را اگر دیرتر از موقع بچینند میوه خوش مزه و مطبوعی برای زمستان است و برای رفع یبوست نافع می باشد.

برگ سیب را در قدیم در دفع اختلالات چشم، جوانه‌هایش را برای نقرس، شکوفه‌هایش جهت میگرن و سایه درخت سیب را برخی در ساکت کردن دردهای پشت و پهلو و زیر شکم نافع می‌دانستند.

خوردن یک عدد سیب صبح ناشتا کلسترول خون را پایین می‌آورد و اگر کمپوتش را صبح یا سیب زیر آتش پخته شده را شب بخورید بیوست برطرف می‌شود.

جوشانده پوست سیب را می‌توان برای تسکین دردهای نقرسی و حبس‌البول و تحریکات کلیه و مثانه و جوشانده خود سیب در رفع تبخال و دردهای رماتیسمی و معالجه سرفه و زکام و سرماخوردگی مؤثر بوده و هر روز صبح آب یک سیب تازه خورده شود، مشهور است که پیری را دور می‌سازد.

بهترین داروی تصفیه خون است. در صورتی که با پوست آن خوب جویده و خورده شود عمل روده‌ها طبیعی می‌گردد. سیب چون از لحاظ مواد قندی فقیر است برای بیماران قندی تجویز می‌شود و برای کسانی که درد معده دارند، رنده شده سیب نافع است.

در هنگام گریپ، خوردن سیب توصیه شده است. در بعضی اسهالها رنده شده سیب رسیده را اگر به کودک بدهند و او را از غذای دیگر جز چای کمرنگ بدون شیرینی ممنوع سازند، نافع است.

کسانی که دهانشان بد بوست، یک ربع ساعت برگ جعفری را در دهان بجوند، تفاله‌اش را بدور اندازند و سپس یک دانه سیب بخورند.

چهار سیب رسیده را پوست کنده، قطعه قطعه نموده در ظرفی محتوی یک لیتر آب انداخته و یک مشت کشمش و ۱۵ گرم عناب، یک ساعت بجوشد بعد صاف کرده صد و پنجاه گرم شکر اضافه کرده دوباره روی آتش قرار گیرد تا قوام آید و شربتی سفت شود که برای زکام و سیاه سرفه نافع می‌باشد.

سیب را با پیه و روغن نباتی مخلوط کرده، روی بعضی جراحات بگذارند، اثر خوبی دارد و این کار در فرانسه معمول بوده و پیه خوک انتخاب می‌شده و چون سیب را به

فرانسه پم می گفتند، روغن تهیه شده را پماد نامیدند.

رنده شده سیب را روی ضربه‌هایی که به چشم وارد شده بگذارند، نافع است و اگر داخل سیب قرمز رسیده‌ای را با آب پخته و شیر زن به آن بیفزایند، ضماد مؤثری مخصوصاً برای درد چشم است.

سیب عشق: همان گوجه فرنگی است.<sup>۱</sup>

موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: سه چیز ضروری به کسی نمی‌رساند: انگور رازقی، نی شکر و سیب لبنانی.<sup>۲</sup>

امام علیه السلام فرمود: سیب معده را می‌شوید و حرارت را می‌نشانند و درون را سرد می‌کند و تب را می‌برد و در حدیث دیگر ویا را می‌برد.<sup>۳</sup>

روزی از تب در خدمت امام صادق علیه السلام بحث به میان آمد، آن حضرت فرمود: ما اهل بیت در تب مداوا نمی‌کنیم مگر با آب سرد، که بر تب دار بریزند و سیب بخورد.<sup>۴</sup>  
سیب و مرض تب:

سلیمان بن درستویه واسطی گوید: مفضل بن عمر جهت نیازهای علمی مرا به حضور امام صادق علیه السلام فرستاد، دیدم در جلوی آن حضرت سیب کبود هست، عرض کردم جانم به فدایت این چیست؟ فرمود: ای سلیمان شب گذشته بیدار شدم و این را برایم آوردند تا آنکه بخورم حرارتم خاموش شود و درون من خنک گردد و تب را ببرد.<sup>۵</sup>  
قتدی گوید: ویا مردم مکه را فراگرفت و من نیز در مکه بودم موضوع را به امام ابی‌الحسن علیه السلام نوشتم آن حضرت به من نوشت: سیب بخور، خوردم و عافیت یافتم.<sup>۶</sup>

در روایات معتبره وارد شده است که خوردن سیب دفع تب و رعاف و طاعون می‌کند و هیچ دارویی در دفع زهرها بهتر از سویق سیب نیست و اگر مردم بدانند که چه

۲- خصال، ص ۱۲۴.

۱- زبان خوراکیها، ج ۱، ص ۱۴۰.

۳- معائن، ص ۵۵۰.

۴- همان، ص ۵۵۱؛ کافی، ج ۶، ص ۳۵۵؛ جامع الرواة اردبیلی، ج ۱، ص ۵۳۸.

۶- معائن، ص ۵۵۲.

۵- معائن، ص ۵۵۲ مکارم الاخلاق، ص ۱۹۷.

منفعت‌ها در سیب هست، هر آینه بیماران خود را دوا نکنند مگر به سیب.<sup>۱</sup>  
 منافع دیگر سیب: جعفری گوید: از امام ابی الحسن اول (موسی بن جعفر) شنیدم که فرمود: سیب بر چند مرض شفایست: سم، سحر، جنون، بلغم زیاد.<sup>۲</sup>  
 ابی بصیر گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: موقعی که خواستی سیب بخوری قبلاً آن را استشمام و بوکن سپس بخور، زیرا در این صورت آنچه را که بروحهای تو ناراحتی عارض گشته ساکن می‌کند.<sup>۳</sup>

در حدیث است سیب باعث فراموشی می‌شود. چون در معده لزوجت و چسبندگی تولید می‌کند.<sup>۴</sup>

امام صادق علیه السلام فرمود: سیب را بخور تا حرارت را خاموش کند و درون را خنک گرداند و تب را ببرد.

سیب اسم فارسی معروف است و نیز به فارسی کتل و به عربی تفاح و به هندی سیو می‌نامند و آن چند نوع است: شیرین، ترش، چاشنی دار، عفص و تفه، بهترین آن شامی پس اصفهانی است و شیرین، پخته آن در حرارت و برودت معتدل است و گویند گرم و تر است و ترش آن سرد و خشک است و چاشنی دار معتدل در برودت و رطوبت است و تفه یعنی بی طعم آن سردتر و این روی، زیرا که مطلوب از سیب تقویت قلب و احساس است و سیب تفه چیزی از این فعل نمی‌کند.<sup>۵</sup>

سیب درختی است از تیره گل سرخیان جزو دسته سیبی‌ها که در آب و هوای معتدل و اراضی زسی، شنی بخوبی می‌روید. این درخت به ارتفاع ۵ تا ۶ متر نیز می‌رسد.<sup>۶</sup>  
 ابو علی سینا گوید: تفاح: از همه معتدل‌تر، سیب شامی است. عموماً سیب دارای گوهری تر است که چیرگی دارد و سرد است، اما سیب بسیار شیرین شاید سردی و گرمی معتدل داشته باشد و گرایش به سوی گرمی می‌باشد. برگ و افشره سیب علاج

۱- حلیة المتقین، ص ۵۵. ۲- مکارم الاخلاق: ص ۱۹۷؛ محاسن، ص ۵۵۳؛ بحار، ج ۶۶، ص ۱۷۴.

۳- همان، ج ۶۶، ص ۱۷۵. ۴- همان، ج ۶۶، ص ۱۷۷. ۵- محیط اعظم، ج ۲، ص ۸۵.

۶- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۲، ص ۱۹۷۳.

ورم، گرم نوحاسته و مورچگی است. سیب و بویژه سیب خوشبوی شامی و سیب شیرین خوشبوی و سیب ترش، قلب را توانا می‌کند. سیب برای ضعف معده درمان است. سیب در خمیر کفیده داروی کرم و علاج دیزانتری است و در علاج دیزانتری سیب گس. سیب در علم روز: سیب میوه سلامت بخش، دارای مواد غذایی گوناگون و مواد معدنی مانند: فسفر، کلسیم، منیزیم، پتاسیم، آهن و چون مواد قندی هیدرات دوکربن از گلوکز و لوولز و گلولز در آن دارد، بیشتر و زودتر جذب بدن می‌شود.

وجود اسید سیتریک در سیب در هضم مواد غذایی و دفع سموم بدن بسیار مؤثر و برای بیماری کبد، نقرس، رماتیسم و دیابت خوب است و همچنین وجود پتاسیم در آن برای حفظ قدرت و فعالیت کلیه سودمند می‌باشد.

و از طرفی دیگر سلولز کم دارد، لذا هضم و جذبش آسان‌تر است. سیب دارای ویتامین‌های آ، ب۱، ب۲، پپ و ویتامین‌های ث می‌باشد، لذا سرشار از ویتامین‌های غذایی است.

شکوفه سیب درختی: که درخت سیب جنگلی است که مشابه درخت سیب اهلی است و خاصیت دوايي آن بیشتر از اهلی آن است.

اورینوف می‌نویسد: سیب درختی از درختانی است که بلافاصله بعد از دوره یخ بندان در اروپای مرکزی ظاهر گردید و ابتدا در قفقاز بود.

شکوفه درخت سیب جنگلی و وحشی، خاصیت ضد تشنج دارد و دواي سینه است و در موارد گریپ‌هایی که منجر به برونشیت می‌شود برای دل‌درد بسیار مفید است و مقدار مصرف آن سی گرم در یک لیتر آب است که باید آن را دم‌کرده، مصرف نمود.

سیب مغزی، ملین و مسهل است و جوشانده سیب قرمز به مقدار صد تا صد و پنجاه گرم در یک لیتر آب در مورد ورم امعاء تجویز گردیده است که باید سیب‌ها را قاچ قاچ کرده، در آب بجوشانند و این جوشانده برای رماتیسم نیز خوب است. لئونس کارلیه در کتاب سبزیها و میوه‌های شفابخش می‌نویسد: سیب به علت فسفری که دارد، یک تقویت کننده ممتازی برای دستگاه بدن است و به تمام کسانی که کار فکری می‌کنند و



خسته شده‌اند یا بی خواب هستند خوب است.

خوردن سیب برای ویاژنهای آبستن بسیار اثر نیکو دارد، سیب را رنده نموده با پوست به صورت پالوده درآورید و با غسل میل کنید.<sup>۱</sup>

سیب سنگ کیسه صفرا و کلیه‌ها را حل می‌کند. سیب نقش بزرگی را در قسمت تغذیه بدن با معالجه بیماریها و اشخاصی که مبتلا به امراض کبدی شده‌اند به عهده دارد.<sup>۲</sup>

مصرف سیب برای اشخاص مبتلا به درد مفاصل و رماتیسم مفید است.

جوشانده پوست سیب بهترین درمان رماتیسم است. پوست سیب پنج برابر سیب ویتامین دارد. خوردن آب سیب هم مفید می‌باشد.<sup>۳</sup>

سیب با پوست موقع خواب خورده شود، برای یبوستهای مزمن و سخت فوق‌العاده مفید است. ترشی سیب ترشح غدد مخصوصاً بزاق را زیاد می‌کند.<sup>۴</sup>

جوشانده سیب قرمز به مقدار صد تا صد و پنجاه گرم در یک لیتر آب در مورد ورم امعاء تجویز شده است. خاصیت آن: مغذی، ادرار آور، ملین و مسهل است. خوردن سیب معده و سینه را باز می‌نماید.<sup>۵</sup>

یتاسیمی که در سیب می‌باشد، اسهال را معالجه می‌کند و نیز تقویت‌کننده فکر است. مقوی قلب و پاک‌کننده معده است.<sup>۶</sup>

سیب در امراض حصه و اسهال خونی بسیار مفید است.<sup>۷</sup>

سیب برای اشخاص مبتلا به تب خال مفید می‌باشد

سیب تصفیه‌کننده خون است.<sup>۸</sup>

۱- اسرار خوراکیها، ص ۲۰۸ ۲- میوه‌ها و سبزیهای شناختش، ص ۱۹۱.

۳- همان، ص ۱۹۱ تا ۱۹۶؛ اعجاز خوراکیها، ص ۱۲۸. ۴- همان، ص ۱۹۱.

۵- گلها و گیاهان شناختش، ص ۱۳۹.

۶- اسرار خوراکیها، ص ۲۰۸؛ اعجاز خوراکیها، ص ۱۲۸؛ میوه‌ها و سبزیهای شناختش، ص ۱۹۱.

۷- همان، ص ۲۹۷. ۸- میوه و سبزیهای شناختش، ص ۱۹۱.

سیب برای افرادی که به بی خوابیهای متوالی مبتلا شده‌اند، مفید می‌باشد.<sup>۱</sup>  
 مصرف سیب را برای اشخاصی که مبتلا به مرض چاقی هستند، تجویز می‌کنند.<sup>۲</sup>  
 با سیب شربت غلیظی برای معالجه زکام و سیاه سرفه درست می‌کنند.<sup>۳</sup>  
 شکوفه سیب دمای مینه است و برای مجاری تنفس بسیار مفید و پخته آن برای  
 هضم غذا کمک بسیار خوبی است و برای دل درد بسیار مفید است.<sup>۴</sup>  
 سیب میزان حرارت بدن را کاهش می‌دهد و پر از رشته‌های غذایی قابل حل است که  
 مطابق بررسی‌های انجام شده این ویژگی سبب کاهش کلسترول خون می‌شود. علاوه بر  
 آن، رشته‌های غیر قابل حل موجود در سیب نیز می‌توانند مانع یبوست شده و احتمال  
 ابتلاء به سرطان «قولون» را کاهش دهند.  
 سیب سرشار از «برون»، ماده‌ای است که در جوش شیرین یافت می‌شود، است که  
 توانایی بدن را برای جذب آهنک و مواد کلسیم دار بالا می‌برد و از این طریق بدن آدمی  
 بویژه زنان را از سستی استخوان در امان نگه می‌دارد.

### \* سیب زمینی

انگلیسی: potato

فرانسه: parmentiere

آلمانی: Kartoffel, Cartofel, martoffel

ایتالیایی: pomo di terra

فارسی: سیب زمینی

عربی: تفاح الارض، بطاطه، بطاطی

گیاهی علفی پایا و دارای غده‌های زیر زمینی مملو از ذخایر نشاسته‌ای است. منشأ  
 اصلی این گیاه در امریکای جنوبی بوده است.

۱- گل‌های و گیاهان شفا بخش، ص ۱۴۰.

۳- همان، ص ۱۹۴.

۲- میوه‌ها و سبزیهای شفا بخش، ص ۱۹۱.

۴- اسرار خوراکیها، ص ۲۰۸؛ گل‌ها و گیاهان شفا بخش، ص ۱۳۹.

### ترکیبات شیمیایی:

غده سیب زمینی دارای ۷۵ درصد آب و ۲۲ درصد هیدرات کربن مانند آمیدون، گلوکز، ساکارز، صمغ، ۱/۹۹ درصد مواد ازته مانند آلومین، آسپاراژین، لسیتین، پروتئوز، توپرین TUBERINE ۱/۱۵ درصد چربی مانند پالمیتین، میریستین، سولانو استارین و همچنین اسید سولانئیک ac.solaneique و غیره است. به علاوه معادل ۱/۰۹ درصد از املاح معدنی مختلف اسیدهای آلی فرمانها ویتامین B مخصوصاً C و غیره دارد.

گیاهی است (فر.) *solanum tuberosum* (U)pomme de terre از تیره بادنجانیان که دارای برگهای مرکب و بریده و گلهای سفید یا بنفش است. این گیاه دارای رقمهای مختلف است که آنها را به زودرس و دیررس و میانه رس تقسیم می کنند و بر حسب استفاده این گیاه به سیب زمینی خوراکی و علوفه‌یی و صنعتی (جهت استفاده از الکل یا نشاسته یا قند) متقسم می شود، بطاطه، بطاطس، آلوی ملکم.<sup>۱</sup>

سیب زمینی از خانواده تیره سیب زمینی solanaceae می باشد.

گیاهان این تیره عبارت است از ۱- شاهبیزک «بلادون» ۲- تاتوره ۳- بنگ دانه ۴- دویوازیک ۵- ژوسیم ۶- مهر گیاه ۷- توتون ۸- عروسک پشت پرده ۹- فلفل سبز (بی بر) ۱۰- تاجریزی پیچ ۱۱- تاجریزی سیاه ۱۲- سیب زمینی ۱۳- گوجه فرنگی ۱۴- آسه «خولان» ۱۵- بادنجان سیاه.

سیب زمینی سرشار از ویتامینهای ب و ث و دارای آهن و مواد چربی و نشاسته است. سیب زمینی دارای املاح پتاسیم است. به علت وجود همین املاح پتاس است که برای مبتلایان به بیماران قند تجویز شده است که در خاکستر یا داخل آتش باید آن را کباب نمود و خورد.

سیب زمینی هایی که در سطح خارجی آن کمی سبزی دارد اغلب سمی بوده و دارای solanine می باشد. اغلب سیب زمینی پخته را که شب مانده باشد نباید خورد زیرا فاسد

می‌شود و هم‌چنین مواد اسیدی مانند آب لیمو یا سرکه در روی سیب زمینی پخته نباید ریخت، سیب زمینی با مخلوط دم‌کرده شیرین بیان دارویی است که برای سینه و امراض ریوی فوق‌العاده مفید است و در مورد بند آمدن ادرار، سنگ کلیه، زکام و سنگ مثانه مصرف می‌نمایند. اگر سیب زمینی خام را رنده کرده و با سالاد میل شود، اولسره‌های معدی را سوزاننده و نابود می‌سازد. سیب زمینی پخته را چنانچه ۱-۲ روز در آب نگهداری نمایند موجب تولید میکروبی به نام *ciluo protuo* می‌شود که در صورت خوردن آن موجبات مرگ را فراهم می‌سازد.

در صورتی که سوزن یا سنجاق یا میخ را انسان یا بچه ببلعد با خوردن پوره سیب زمینی اطراف و حول و حوش جسم آهنی را گرفته و براحتی آن را خارج می‌سازد. غذایی که خیلی شور شده باشد، چند دانه سیب زمینی را که قطعه قطعه شده است داخل نمایند، فوراً شوری آن بر طرف می‌گردد.

سیب‌زمینی در زمان فتحعلی شاه قاجار که حدود ۱۰۰ سال می‌شود، توسط انگلیسی‌ها وارد کشور ایران گردید به همین جهت در کتابهای قدیم نام این گیاه دیده نمی‌شود.<sup>۱</sup>

#### خواص درمانی:

اعضای سبز این گیاه مانند برگ و ساقه آن، به علت دارا بودن سولانین اثر مخدر و آرام‌کننده دارد و در رفع دردهای عصبی و رماتیسمی، نزله‌های ششی مزمن، سرفه‌های خشک و اسهال‌های همراه با حالات تحریکی می‌تواند مؤثر باشد.

غده سیب زمینی اثر ضد اسکوربوت و نرم‌کننده دارد. به‌علاوه غذای مفید سالم و زود هضم است سیب زمینی تازه و رنده شده اثر تسکین‌دهنده سوختگیهای سطحی بدن در استعمال خارج دارد، مشروط بر آنکه مرتباً تعویض گردد.

مسمومیت: کلیه قسمت‌های گیاه مخصوصاً میوه آن دارای ماده سمی سولانین است.

مقدار سولانین در غده سیب زمینی بر حسب نوع آن فرق می‌کند، به طوری که ممکن است دارای ۰/۰۰۲ تا ۰/۰۱۰ درصد از این ماده باشد. مقدار آن اگر بر اثر قرار گرفتن در مجاورت نور رنگ سبز حاصل نماید تا ۰/۰۵۸ نیز افزایش می‌یابد. مصرف آن اگر سولانین از ۰/۰۲ درصد تجاوز نماید، عوارض مسمومیت نسبتاً شدید ایجاد می‌کند. مصرف غده‌های جوانه زده یا فاسد شده سیب زمینی نیز خطرناک است، مسمومیت از آن با عوارضی نظیر سردرد، استفراغ، دل پیچه، ناراحتی عمومی، سرگیجه، ضعف ضربان نبض و غیره شروع می‌گردد.

میوه سیب زمینی سمی است و با مصرف آن موجبات مسمومیت فراهم می‌گردد که ممکن است منجر به مرگ نیز بشود. مصرف گل و برگ سیب زمینی عوارض مسمومیت ممکن است ایجاد کند.<sup>۱</sup>

مسکن دردهای معده، مقوی قلب، و لته‌ها را محکم کرده از خونریزی جلوگیری می‌کند و برای تسکین دردهای عصبی و معدی و خارش مفید است. به علت داشتن املاح فسفر شهوت را زیاد می‌کند، قوای عضلانی را تقویت می‌کند، زخم معده را معالجه می‌کند، ضماد آن برای ورم پلک چشم خوب است، مرهم آن برای بواسیر و نواسیر مفید است.<sup>۲</sup>

سیب زمینی را به عربی قلفاس افرنگی تفاح الارض بعلامه و به فرانسه pomme de terre و به انگلیسی potato گویند.

سیب زمینی دارای املاح پتاسیم است. سیب زمینی با مخلوط دم‌کرده شیرین بیان دارویی است که برای سینه و امراض ریوی فوق العاده مفید است.

در مورد بند آمدن ادرار، سنگ کلیه، زکام و سنگ مثانه مصرف می‌تمایند.

جوشانده برگ گل سیب زمینی به مقدار سی گرم در یک لیتر آب نوشابه‌ای به وجود می‌آورد که برای افرادی که مبتلا به نورالرژی، رماتیسم، اسهال، تشنج اعصاب، حمله اعصاب و غیره مفید و مؤثر است. سیب زمینی پخته با گیاهان لعابدار برای تسکین اورام،

التهاب، گرفتگی، ضرب خوردگی و غیره مفید است.<sup>۱</sup>  
 سیب زمینی دارای پتاسیم، کلسیم، فسفر و منیزیم است. آب پز آن بعد از سه روز با  
 آب سیب درختی و آب سیب زمینی دارای نشاسته و املاح معدنی طبیعی و ویتامین  
 است. مصرف آن برای اشخاص مبتلا به ورم مفصل و اشخاص زیاد چاق تجویز شده  
 است. برای مبتلا به قند برای امراض کلیوی و قلبی مفید است.<sup>۲</sup>

سلولز ذخایر نشاسته‌ای است. غده سیب زمینی دارای هیدرات کربن مانند: آمیدون،  
 گلوکز، ساکارز، آلومین، آسپاراژین، لسیتین، پروتئوز، اثر مخدر و آرام کننده دارد. رفع  
 دردهای عصبی و رماتیسمی، نزله‌های ششی مزمن، سرفه‌های خشک و اسهال‌های  
 همراه با حالات تحریکی می‌تواند مؤثر باشد. غده آن اثر ضد اسکوربوت و نرم کننده  
 دارد، ضماد آن برای اورام، التهاب‌های سطحی، ورم حاد انگشتان، اثر آرام کننده و  
 معالج ظاهر می‌نماید. جوشانده آن در رفع التهاب دستگاه هضم، مانند اسهال‌های  
 همراه با حالات تحریکی ورم روده و دیسانتري مفید است.<sup>۳</sup>

سیب زمینی ضد کم‌خونی است.<sup>۴</sup>  
 موقع پختن سیب زمینی باید آن را در آب سرد انداخت و با همان آب روی آتش  
 گذاشت تا رفته رفته جوش آمده و بپزد. جوشانده سیب زمینی مخلوط مدری می‌باشد و  
 برای اشخاصی که مبتلا به سنگ کلیه و مثانه و بند آمدن ادرارند، استعمال می‌کنند.<sup>۵</sup>  
 جوشانده برگ سیب زمینی به مقدار سی گرم در یک لیتر آب، نوشابه‌ای به وجود  
 می‌آورد که کمی خواب آور است و این جوشانده را به اشخاصی که مبتلا به رماتیسم و  
 نقرس هستند، تجویز می‌کنند.<sup>۶</sup>

سیب زمینی سرشار از ویتامین‌های A, B, C و دارای مواد چربی است. سبزی سالم و  
 مغذی است. مصرف آن برای اشخاص مبتلا به ورم مفصل یا باد مفصل و نیز افرادی که

۱- راز گیاهان شفا بخش ص ۹۷

۲- فرهنگ خواص خوراکیها ص ۱۳۱

۳- گیاهان دارویی، ج ۲، ص ۴۸۶

۴- اسرار خوراکیها، ص ۱۲۷

۵- میوه‌ها و سبزیهای شفا بخش، ص ۷۹

۶- همان، ص ۸۰ و ۱۰۵

زیاد چاق شده‌اند، تجویز شده و نیز سهل الهضم می‌باشد.<sup>۱</sup>  
سیب زمینی ترشی، برای اشخاصی که مبتلا به سوء هاضمه هستند، توصیه می‌شود چون اعمال روده‌ها را مرتب می‌کند. برای اشخاص مبتلا به یبوست مصرف آن مفید می‌باشد.

مصرف آن به پیرمردان، برای این که خوابشان زیاد شود، توصیه می‌شود.<sup>۲</sup>  
اگر سیب زمینی خام را رنده کنند و با روغن زیتون مخلوط نمایند، برای بواسیر و ورم مفاصل دردناک ضمادی را تشکیل می‌دهد که آن را معالجه می‌کند.<sup>۳</sup>  
اگر سیب زمینی خام را رنده کنند و در سالاد مخلوط سازند، اولسره‌های معده را سوزانده و از بین می‌برد. مصرف سیب زمینی در مورد زیادی ترشی عصیر معده، انواع اولسره‌های معده و اسهال کودکان تجویز می‌شود.<sup>۴</sup>

ضماد سیب زمینی خام رنده کرده، مرهمی عالی برای ورم ترک خوردگی‌هایی که در اثر سرمازدگی پیدا می‌شود، می‌باشد.

اگر سیب زمینی خام را رنده کنند و با روغن زیتون مخلوط نمایند، برای زخمهای کورک و دملهای چرکی و سوداهای شدید اولسره‌های ساق پا تجویز می‌شود.  
برای اینکه دستهای سفید و نرم داشته باشید، مقداری پوره سیب زمینی درست کرده و کمی شیر و چند قطره گلاب به آن اضافه کنید و دستهایتان را در آن فرو برده و مالش دهید.<sup>۵</sup>

سیب زمینی برای بی‌خوابی مفید است.<sup>۶</sup>  
جوشانده سیب زمینی مخلوط با دم‌کرده شیرین بیان، دارویی است که برای سینه فوق‌العاده مفید است و آن را در مورد زکام استعمال می‌کنند.<sup>۷</sup>  
جوشانده برگ و گل سیب زمینی به مقدار سی گرم در یک لیتر آب که با عسل شیرین

۱- همان، ص ۷۶.

۲- همان، ص ۱۰۵.

۳- اسرار خوراکیها، ص ۲۲۶؛ میوه‌ها و سبزیهای شفابخش، ص ۱۷۹.

۴- همان، ص ۸۰.

۵- اسرار خوراکیها، ص ۲۳۶.

۶- میوه‌ها و سبزیهای شفابخش، ص ۷۹.

کنند، در عفونتهای ریوی مفید است.<sup>۱</sup>

برای معالجه آماس پلک چشم، باید سیب زمینی خام را رنده کرد و در گاز پارچه مخصوص پانسمان بگذارند و مدت ۱۵ دقیقه روی چشمان در حالی که آنها را بسته، جا دهند. این معالجه را در مدت دو یا سه ساعت در هفته تکرار کنند.<sup>۲</sup>

سیب زمینی کبابی، قوه حافظه را تقویت می کند.<sup>۳</sup>

سیب زمینی غذای نیروبخشی است و امراض عصبی با این غذا معالجه می شوند.<sup>۴</sup> جوشانده برگ و گل سیب زمینی به مقدار سی گرم در یک لیتر آب، نوشابه‌ای به وجود می آورد که به مقدار کمی دارای مواد مخدره و خواب آور است و این جوشانده را به اشخاصی که مبتلا به حمله اعصاب شده‌اند، تجویز می کنند.<sup>۵</sup>

### \* سیر

در روایت مضمهره گوید: از آن حضرت پرسیدم که خوردن سیر و پیاز با سرکه چه طور است؟ فرمود عیب ندارد.<sup>۶</sup>

ابن اذینه از محمد بن مسلم از ابی جعفر علیه السلام گوید: پرسیدم از سیر که خوردنش چه طور است؟ فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله جهت بویش از آن نهی کرده و فرمود: هر کس این گیاه بدبورا بخورد، به مسجد ما نیاید. اما اگر کسی بخورد و به مسجد نیاید، مانعی ندارد. و در روایتی دیگر رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس این گیاه را بخورد به مسجد نیاید، اما نگوید آن حرام است.<sup>۷</sup>

امام باقر علیه السلام فرمود: ما پیاز و سیر را می خوریم.

ابی بصیر از امام صادق علیه السلام در باره سیر و پیاز پرسید. فرمود: مانعی از خوردن آنها نیست ناپخته و پخته.<sup>۸</sup>

۱- همان، ص ۸۰  
 ۲- همان، ص ۷۹  
 ۳- اعجاز خوراکیها، ص ۱۳۲  
 ۴- اسرار خوراکیها، ص ۲۳۶  
 ۵- همان، ص ۸۰  
 ۶- قرب الاسناد، ص ۱۱۵۴ بحار، ج ۶۶، ص ۲۴۶  
 ۷- علل الشرایع، ج ۲، ص ۲۰۷  
 ۸- مجاسن، ص ۵۲۳



سیر و منافع آن: سماعه از امام صادق علیه السلام از خوردن پیاز پرسید، فرمود: مانعی ندارد ناپخته و پخته و مانعی نیست از مداوا کردن با سیر.

سیر به عنوان تقویت معده، ضد عفونی کننده، معالجه آسم، سرفه، برونشیت و معالجه صرع، رماتیسم، جذام و سرماخوردگی تجویز شده است. از دواهای ضد کرم و نرم کننده سینه به شمار می رود. انگلیس از سیر به عنوان ضد عفونی کننده در التیام زخمهای سربازان جنگ جهانی اول از تش خود به کار می برد. سیر و پیاز از قدیمی ترین گیاهانی است که بشر شناخته و مصرف می کرد.<sup>۱</sup>

سیر قوه باه را تقویت و ادرار را زیاد می کند، عروق شعریه را باز می کند، سبب می شود که فشار خون پایین بیاید. سیر مفید است مشروط بر اینکه زیاد خورده نشود. ضد عفونی است، میکروب های معده و جهاز تنفس را نابود می سازد، سیر برای مداوای اسهال و برونشیت و سل مفید است، برای نسیان و فراموشی مفید یا بهترین درمان است، مقوی مغز است، روی غدد مغز تأثیر نیکو دارد، دارای ویتامین ث و ب بوده، خوردن آن برای رماتیسم و نقرس مفید است.<sup>۲</sup>

برای درمان رماتیسم مزمن، سیر را بکوبید تفاله آن را در محل درد ضاماد نمایید و خوب ماساژ دهید.<sup>۳</sup>

سیر دارای خاصیت محافظت کننده در برابر بیماریهای مسری بخصوص طاعون، ضد کرم، آنتی سبتیک (ضد عفونت) و تأثیر روی دستگاه گردش خون می گذارد. پایین آوردن فشار خون، قلب را تقویت و خون را تصفیه می کند. در عارضه های فصلی بخصوص تنفسی، ورم عشاء مخاطی بینی و حنجره، آماس نای، مسری ویروسی و گریپی معجزه می کند، ضد میکروب، دفع کرم به خصوص کرم اکسیر و اسکاریس را از بین می برد. مصرف خارجی برای درمان زخم های چرکی به صورت مرهم روی میخچه پینه و زگیل بمالند.<sup>۴</sup>

۲- طب الکبیر یا فرشته نجات، ص ۵۲

۱- معارف گیاهی، ج ۱، ص ۳۰

۴- آشنایی با گیاهان دارویی، ص ۷۰

۳- درمان گیاهی، ص ۹۶

سیر گیاهی است پایا، با یک پیاز مرکب حاوی چند بولب کوچک در یک غشاء مشترک قرار دارند. برای دستگاه گوارش خاصیت آنتی بیوتیکی (ضد میکروبی) دارد به عنوان خلط آور در التهاب مخاط برونشها مصرف می شود. سیر داروی ضد کرم ضعیف است و برای درمان بیماری تصلب شرایین به کار می رود.<sup>۱</sup>

و سیر یک ضد آلرژی قوی است.

تحقیقات اخیر دانشمندان ژاپنی که در مورد خواص سیر انجام گرفته نشان می دهد که سیر علاوه بر خواص متعدد شناخته شده آن، یک داروی قوی ضد آلرژی نیز می باشد.

یوکیو ناناکا از پژوهشگران سازمان بهداشت عمومی اوزاکا ژاپن می گوید: سیر از واکنش های حساسیتی جلوگیری می کند.

ناناکا آزمایشهای خود را در مورد اثرات ضد آلرژی چهل و چهار نوع از سبزیجات که بر روی موشهای آزمایشگاهی انجام داده به این نتیجه رسیده است که سیر یک ضد حساسیت قوی است که قدرت ضد آلرژی آن هشت برابر بیشتر از پیاز و چهار برابر بیشتر از تره است.

در اروپا سیر به طور سنتی به عنوان یک داروی ضد انگل مصرف می شود.<sup>۲</sup> سیر فایده زیادی برای تنظیم کلسترول خون دارد. مسلماً سیر موجب می شود کلسترول به آرامی وارد جریان خون شود یا به عبارت دیگر مقداری را که بدن از دست داده است، دوباره فراهم سازد.<sup>۳</sup>

سیر: خوراک سیر و سرکه و عدس، دافع انگلی که به طرف سینه آمده است می باشد. خوراک سیر و شیر به طور ناشتا نافع سرفه خام است. سیر و ماست اسهال ناشی از سردی را نافع است و مالیدن آن گزینگی مار و عقرب را درمان است، گزنده ها از بوی سیر فراری هستند.

۱- گیاهان دارویی، ص ۳۲. ۲- مجله برگ سبز، ص ۶۸، فروردین ۱۳۷۱.

۳- همان، ص ۲۶، مرداد و شهریور ۱۳۷۱.

برای اینکه فهمید زن نازاست یا نه: زن چند روز سیر نخورد تا دهانش بو ندهد، سپس چند عدد سیر را له کرده و در پنبه‌ای تمیز بگذارد، سپس فرزجه نماید تا هفت ساعت بعد از مدت مقرر شخصی دیگر که سیر نخورده باشد تا دو روز دهان زن را بو کند اگر بوی سیر دهد بزا است و گرنه نازا می‌باشد.<sup>۱</sup>

سیر یک مادهٔ بلا رقیب تحریک کنندهٔ اندام‌ها و تنظیم کنندهٔ مهمترین اعمال بدن است. اختلالات کبدی و اختلالات غدد داخلی (تیروئید، کلیه) نقرس، سیاتیک، سرگیجه، احساس صدای مبهم در گوش‌ها و هیجانان، سیر به عنوان یک مادهٔ شفابخش توصیه شده است و آن یک ماده ضد دیابت است، زیرا این گیاه مقدار خون را تنظیم می‌نماید از کسانی که قند دارند یا چربی در بدنشان جمع می‌شود باید حتی المقدور از سیر استفاده کنند. سیر احتمالاً می‌تواند از رشد تومورهای سرطانی بویژه در دستگاه گوارش جلوگیری کنند. این گیاه از انواع اختلالات بدن (مسمومیت خود بخود بدن) جلوگیری کرده، ترشح غدد معده را تنظیم کرده، روده را ضد عفونی می‌کند.

سیر یک ماده مؤثر در سیستم گردش خون است، این گیاه نه تنها فشار خون را پایین می‌آورد، بلکه ظرف خون یعنی جدار رگها را نیز نرم، مقدار کلسترول خون را تنظیم، کار گلبول‌های سرخ خون را که اکسیژن را جابه‌جا می‌کنند تقویت و از مسمومیت حاصل از نیکوتین یا مسمومیت ناشی از مواد استحقاظی مدرن جلوگیری می‌کند. جهت از بین بردن بوی سیر یک قاشق دانه رازیانه را به مدت پنج دقیقه بجوشد بوی آن به‌طور کامل از بین می‌رود.<sup>۲</sup>

سیر را به عربی ثوم گویند.

قدما گفته‌اند: هیچ روزی نباید بدون خوردن سیر بگذرد و در برخی نقاط دنیا هر روز عصر ساندویچی از نان و سیر و روغن زیتون برای کودکان آماده کنند. جالینوس حکیم سیر را به عنوان تمام دردها معرفی کرده و دیسکوریدوس معتقد بوده است که سیر مدر ضد کرم، ضد مسمومیت، ضد آسم، ضد یرقان، دافع سردرد و رفع کنندهٔ جوش‌های

پوست است. بعدها سیر به عنوان ماده تب‌بر، معالج ناشنوایی و تسکین دهنده خونریزی سینه توصیه شده است.

سیر جلوگیری از مرض قند کرده، فشار خون را پایین می‌آورد. یک آنتی بیوتیک و یک ضد عفونی کننده عمومی است و بخور آن میکروب‌های خطرناک را از بین می‌برد. به این جهت در بعضی مناطق دنیا به محض شیوع یک بیماری در هر اطاق خانه سیر را می‌کوبند تا بوی آن فضای اطاق را اشباع کند.

سیر، کار موجودات میکروسکوپی روده را تنظیم می‌کند. به همین جهت در اکثر موارد اسهال، اسهال خونی، ورم‌های معده، احساس سنگینی و نفخ، خوردن سیر را توصیه کرده‌اند.

سیر تمام کرمها را از بین می‌برد و معده را ضد عفونی می‌کند.

#### صور دارویی:

جوشانده ۸ تا ۳۰ گرم آن در یک لیتر آب یا شیر - شربت سیر که از ۱۰۰ گرم آن و ۲۰۰ گرم آب و ۲۰۰ گرم قند به دست می‌آید، به مقدار ۲ تا ۳ قاشق سوپ‌خوری در روز - تنطوره را و الکلاتور آن جهت ضد عفونی کردن دستگاه تنفسی به مقدار ۱۵ تا ۶۰ قطره در روز (در ۲ یا ۳ دفعه مخلوط در آب قند) به مقدار ۳۰ قطره در روز به مدت ۳ الی ۴ روز و تکرار آن برای ۳ مرتبه در هر ماه جهت پائین آوردن فشار خون یا به صورت تزریقات درون عضله‌ای که در مورد اخیر محلول است، روغنی محتوی ۲٪ گرم اسانس سیر در هر سانتی متر مکعب، در هر روز یا در هر ۲ روز یک دفعه به کار می‌رود ولی در هر حال نباید بیش از ۵ تزریق از آن به عمل آورد.<sup>۱</sup>

نان سیر مال: بشدت سیری روی قطعه نان قندی بمالند و روی آن کمی سرکه و کمی دارچین با میخک بریزند و بعد قطعات کوچک نان را با لقمه‌های غذا میل نمایند.

سیر پلو: مقداری سیر سرخ کرده (روغن نباتی یا روغن حیوانی) با برگ کلم و

سبزیجات مناسب فصل، روی برنج پخته می‌ریزند.

ترشی سیر: همانند ترشی موسیر تهیه می‌شود و اغلب با میوه‌های دیگر مخلوط کرده، ترشی می‌نمایند. سیر و موسیر برای جلوگیری از فساد ترشی‌جات مفید است و اگر ترشی دیگری هم کپک زد، کافی است آن را صاف کرده و ترشی را با سرکه تازه شسته و مجدد بجای خودش که شسته شده ریخته روی آن مقداری سیر گذاشته و بر آنها سرکه می‌ریزند. ترشی سیر در تصفیه صوت آوازه خوانان نقش مهمی دارد.

#### ترکیب شیمیایی سیر:

صد گرم سیر تازه، نود و هشت گرم آب و ۲ گرم اکسالات و فسفات و آرسنیات‌های پتاسیم و کلسیم و مختصری قند ماده (مونوز) دارد و از دوازده گرم آن، ۷۹ سانتی گرم خاکستر دارد که pH آن خنثی است و گاهی متمایل به اسید.

عناصر متشکله خاکستر: سولفات‌ها و سولفورهای آرسنیک و کلسیم که از تجزیه مواد آلی حاصل شده‌اند ترکیبات اکسیژن دار آرسنیکی موجب زیادی وزن مصرف کننده می‌شود و چربی‌های زیر پوستی را زیاد می‌کند و رنگ بدن را بهبودی می‌دهد و روی غده‌ها اثر مفید دارد.

حسن زیات گویند: مناسک حج را ادا کردم، سپس به مدینه رفتم، از حال امام باقر پرسیدم گفتند: در ینبع است. آمدم ینبع، فرمود: ای حسن به اینجا آمدی؟ عرض کردم فدایت شوم خوشم نیامد که بروم و ترا نبینم، فرمود: من سیر خوردم و خواستم از مسجد رسول الله دور باشم.<sup>۱</sup>

در مکارم الاخلاق است که رسول خدا ﷺ سیر و پیاز و تره و عسلی که در آن مغایر باشد و بویی در دهان می‌ماند، نمی‌خورد.<sup>۲</sup>

مغایر چیزی است که در شکم زنبور عسل هضم نشده، از گیاه می‌ماند و زنبور آن را همانطور می‌اندازد.

امیر المؤمنین علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود: سیر را بخورید اگر من با فرشته صحبت نمی‌کردم، می‌خوردم.<sup>۱</sup>

در هر پانصد گرم سیر ۲۰۰ کالری حرارت، ۵ گرم پروتئین، یک گرم چربی، چهل گرم مواد قندی، ۱۰۲ میلی گرم کلسیم، ۱۹۶ میلی گرم فسفر و ۲/۱ میلی گرم آهن وجود دارد.

مواردی که نباید سیر خورد: زیاده روی در خوردن سیر بینایی را کم می‌کند، صفرا را زیاد می‌نماید، گلبولهای قرمز را می‌سوزاند و معدوم می‌کند و افراطش ممکن است مردان را عقیم سازد.

برای معتادان و کسانی که پوست دارند و کودکان شیر خوار مضر است در بزرگان نیز با خوردن سیر ممکن است نفخ شکم و درد معده ایجاد کند، از این رو نباید در روز بیش از ۲۵-۲۰ گرم از آن را خورد، زیرا ممکن است با داشتن ارسنیک ایجاد مسمومیت نماید.

#### خواص درمانی سیر:

سیر خواص زیادی دارد: ضد عفونی کننده مجاری تنفسی بوده خلط سینه را به سرعت کم می‌کند، در آسم برنشیت، سیاه سرفه، سل ریه و بخصوص انفلوآنزا نتایج نیکو دارد.

برای آسم ۱۲ روز باید بدین طریق چند حبه را در ۲۵۰ گرم الکل ۹۰ درجه خیساند و بعد قبل از حمله چند قطره از آن را روی حبه قند ریخته و مکید. سیر ذرات متبلور جمع شده در شرایین جمع شده را که ایجاد تصلب می‌نماید، حل می‌کند.

سیر، اثر تقویت کننده بر روی عضلات قلب داشته، جریان خون را منظم می‌سازد. سیر روی تصلب شرایین، زیادی فشارخون، رماتیسم، التهاب مفاصل، سیاتیک و ... اثر دارد.

نام علمی این گیاه *allium\_sativum* و در عربی ثوم و در کردی نیز سیر گویند. بو و طعمش تند، خام و پخته آن با غذا خورده می شود. در میان کردها جوشانده آن برای دفع کرم و سرماخوردگی و زکام و رماتیسم به مصرف می رسد. در طب عوام سیر اثر ضد عفونی کننده دارد، ضد باکتری است و به هضم غذا کمک می کند، اشتها آور، صفرا بر، دافع کرم و کم کننده فشار خون، برای از بین بردن التهاب و التیام زخم و جراحات، ضد سرطان، رفع اسهال ساده، دیسانتری، قولنج ها، رفع دردهای عصبی و رماتیسمی مفید دانسته اند.<sup>۱</sup>

سیر را به عنوان داروی فشارخون می شناسند که فشار خون را پایین می آورد. سیر *(f:ail)asativum* سیر خوراکی و سیر وحشی گیاهی است بومی آسیا که معمولاً پیاز آن به عنوان چاشنی و به عنوان دارو مورد استفاده قرار می گیرد.

این گیاه، سیر یا سیر خرس حاوی آلکالوئید سولفور و پرتی سولفور گو و نیل است. مقوی معده آ و گاهی اوقات موجب مسمومیت و حتی مرگ حیوان می شود.

دارای مقدار زیادی آکروئین طبیعی می باشد و این ماده در سیر و پیاز یکی از میکروب کش های بسیار قوی است. ایتالیاییها می گویند: سیر سردی مزاج را دور می کند، دارای ید و اسانس گوگردی فراز از گوگرد سیلیس می باشد، عمل هضم را آسان و ترشحات عصیر معدی را به کار می اندازد، برای امراض جلدی و برای کودکان منع شده است. در مورد آسم، سیاه سرفه و سل ریوی تجویز کرده اند. تصلب شرایین، رماتیسم، التهاب مفصل، سیاتیک، پیری زود رس، فساد خون، ورم ساق پاها، واریس و بواسیر تجویز شده است.<sup>۲</sup>

سیر بوی بد دارد اما همین سیر بد بو آنقدر منفعت دارد که انسان نمی تواند از آن صرف نظر کند. داروی ضد عفونی کننده، دارای اثر ضد میکروبی در بیماریهای ریوی مثل سل و سیاه سرفه سابقاً در دیفتتری هم از سیر برای درمان کمک می گرفتند. فشار

۲- گیاهان سمی، ص ۱۷۷.

۱- طب سنتی در میان کردها، ص ۱۱۴.

۳- فرهنگ خواص خوداکیها، ص ۱۳۶.

خون را کم می‌کند، ترشحات معدی را زیاد می‌کند، در پیشگیری شیوع بیماری فلج اطفال مفید است، در درمان سرماخوردگی، ترشحات بینی، سرفه و غده سرطانی نقش مفید دارد، در دفع اسکاریس و کرمک مؤثر است.<sup>۱</sup>

برای رفع میخچه و زگیل باید یک حبه سیر پخته و داغ را روی آن گذاشت و چندین دفعه در روز آن را عوض کرد.<sup>۲</sup>

برای دفع نیش زدگی زنبور، پس از اینکه نیش را از بدن در آورید جای آن را با یک حبه سیر که به دو نیم شده محکم بمالید.<sup>۳</sup>

سیر برای مجاری ریه ضد عفونی کننده قوی است. مصرف آن خلط سینه را کم می‌کند، و در آسم برونشیت، سیاه سرفه، و سل ریوی تجویز کرده‌اند. سوپ سیر در زمستانها باید مصرف شود چون خصوصاً مجاری تنفس را تقویت می‌کند و برای مرض برونشیت مؤثر است.<sup>۴</sup>

سیر بیخ غده‌ای شکل، گیاهی است شبیه به پیاز، بوی و طعمش تند، خام و پخته آن با غذا خورده می‌شود، در میان کردها جوشانده آن را برای دفع کرم و سرما خوردگی، زکام و رماتیسم به مصرف می‌رسانند.<sup>۵</sup>

سیر مرکب از پنج تا ده قطعه متورم محصور در غشاءهای نازک و ظریف، به رنگ خاکستری مایل به سفید است. سیر همچنین مخلوط در اغذیه مصرف می‌شود. سیر ضد عفونی کننده، ضد باکتری، هضم کننده غذا، اشتها آور، صفرابر، خلط آور، نیرو دهنده، دافع کرم و کم کننده فشار خون می‌باشد. احتمالاً برای آن خاصیت ضد سرطانی و معالج بیماری قند نیز قائل‌اند.

در استعمال خارج، اثر از بین برنده التهاب و التیام دهنده زخم و جراحات دارد. بررسی‌ها نشان داده است که از سیر نتایج بسیار خوب در رفع اسهال‌های ساده،

۱- بهداشت تغذیه، ص ۴۶۶.

۲- اسرار خوراکیها، ص ۲۸۰.

۳- اعجاز خوراکیها، ص ۱۱۳۲ میوه‌ها و سبزیهای شفا بخش، ص ۲۴.

۴- طب سنتی در میان کردان، ص ۱۱۴.

۵- گلها و گیاهان شفا بخش، ص ۳۸.



دیسانتیری، ورم روده یا منشأ عصبی، قولنج‌ها و سوء هضم به دست می‌آید. سیر طبق گفته‌هایی دارای اثر مفید در پیشگیری از بروز سرطان است و با مصرف آن ضد عفونی روده‌ها و زیاد شدن ترشحات صفرا تأمین می‌شود و نیز آن را جهت رفع دردهای عصبی و رماتیسمی نیز مفید دانسته‌اند. از معایب مصرف سیر بوی ناپسند آن است که به سرعت از راه ریه دفع می‌گردد. بوی بد آن را می‌توان با خوردن یک عدد سیب رنده شده یا یک قاشق عسل یا جویدن برگ جعفری از بین برد.<sup>۱</sup>

موقعی که امراض به‌طور مسری شیوع می‌نمایند، باید دو حبه سیر را در یک فنجان شیر انداخته، جوشانیده و آن را گرم گرم نوشید. برای کودکان شیر خوار و امراض جلدی مضر است.<sup>۲</sup>

اگر کسی گوشش بر اثر عوارض رماتیسم کر شود، یک تکه پنبه را با آب سیر مرطوب کند و در گوش بگذارد، گوشش خوب می‌شود. وقتی گوش درد گرفت وسط یک گاز که باید به اندازه کافی دراز باشد یک سیر رنده شده را بگذارید و در گوش خود فرو کنید و وقتی که درد تخفیف یافت، آن را در آورید.<sup>۳</sup>

اگر ضماد سیر رنده شده را با ۲ برابر روغن کامفره مرهم قرار داده، ستون فقرات اشخاص ضعیف و کم خون را مالش دهند، برای آنها مفید است.<sup>۴</sup>

مصرف سیر در معالجه و درمان تمام بیماریهایی که در اثر بدی جریان خون یا فساد خون پیدا شده است، تجویز شده. کسانی که بخواهند خود را معالجه کنند باید صبح‌ها ناشتا یک حبه سیر را بجوند.<sup>۵</sup>

سیر ذراتی را که به شکل ذره‌های شیشه‌ای در شرابین جمع می‌شود و تولید تصلب شرابین می‌نماید حل می‌کند و جریان خون را به کار انداخته و منظم می‌سازد و نیز خون را تصفیه، پاک و غنی می‌سازد.<sup>۶</sup>

۱- گیاهان دارویی، ج ۳، ص ۲۱۳-۲۰۹.

۲- میوه‌ها و سبزیهای شفا بخش، ص ۲۴.

۳- همان، ص ۱۱۴.

۴- همان، ص ۲۵.

۵- همان، ص ۲۵.

۶- همان، ص ۲۸.

سیر خوراکی مفید است ولی نباید زیاد خورده شود. سیر خوراکی ضد عفونی کننده میکروب‌های معده و جهاز تنفسی است و آنها را نابود می‌کند، برای مداوای برنشیت، سل سینه و اسهال مفید و فشار خون را پایین می‌آورد. و بهترین درمان فراموشی، بهترین مقوی پیاز مغز بوده و دارای ویتامین‌های ب و ث می‌باشد.<sup>۱</sup>

پیر مردان قدیمی کوه نشین عقیده دارند اگر صبح ناشتا سوپ سیر خورده شود، کسی که مبتلا به سوء هاضمه باشد، از آن شفا خواهد یافت.<sup>۲</sup>

برای دفع کرم روده، باید در هر روز دو بار جو شانده ۲۵ گرم سیر را در یک لیوان آب یا شیر مصرف کرد. این ۲۵ گرم سیر را باید مدت بیست دقیقه در شیر یا آب جوشانید.<sup>۳</sup> مرهم سیر رنده شده و دو برابر آن با روغن کامفره که به دست می‌آید در مورد بسیاری گال مفید است.<sup>۴</sup>

ضماد سیر رفع خارش می‌کند.<sup>۵</sup> زخمها و جراحات سخت را با سرکه سیر شستشو و پانسمان می‌کنند.<sup>۶</sup>

در هند از گیاه سیرک و از تخم گیاه به عنوان مدر و معرق و برای نرم کردن سینه تجویز می‌شود و در استعمال خارجی در عفونت‌های قانقاریایی و برای افزایش تولید چرک و چرک زایی و التیام زخم در بریدگی‌ها و کوفتگی‌ها مستعمل است. ضد کمی ویتامین C است و در موارد کمبود ویتامین C در بدن برای رفع عوارض آن مصرف می‌شود. شیر گیاه تازه که با فشار بدون حرارت گرفته شده باشد به عنوان خلط آور در بیماریهای سینه خورده می‌شود. تخم گیاه اثر قرمز کننده دارد و در بعضی موارد به جای خردل به کار می‌رود.<sup>۷</sup>

سیرک، گیاهی است علفی و پایا که ساقه راست آن به ارتفاع ۳۰ تا ۸۰ سانتیمتر و

۱- اعجاز خوراکیها، ص ۱۳۲.

۲- میوه‌ها و سبزیهای شفا بخش، ص ۲۶.

۳- عمان، ص ۲۶.

۴- اسرار خوراکیها، ص ۱۴۷.

۵- اعجاز خوراکیها، ص ۱۳۳.

۶- میوه‌ها و سبزیهای شفا بخش، ص ۲۷.

۷- گیاهان دارویی، حسین میرحیدر، ج ۶، ص ۲۴۲.

حتی بیشتر می‌رسد. از اختصاصات آن این که ساقه‌اش بدون انشعاب است و برگهایی بزرگ قلبی شکل و نوک تیز (در قسمت بالای ساقه) یا کلیوی (در قاعده ساقه) و دندانه‌دار دارد. دلیل نامیدن آن به سیرک، این است که اگر برگ و ریشه گیاه را در بین انگشتان بفشارند و نه کنند بوی محسوس سیر از آنها استشمام می‌شود.

گل‌های این گیاه سفید رنگ و مجتمع در قسمت انتهایی ساقه و میوه‌اش سیلیک و باریک است.

دانه آن دارای طعمی تند شبیه دانه خردل می‌باشد. این گیاه در اماکن مرطوب، کنار دیوارها، حاشیه جاده‌ها و زیر سایه درختان می‌روید. با آنکه محل رویش آن تا ارتفاعات ۷۰۰-۸۰۰ متری نواحی کوهستانی ذکر شده است، معه‌ذا در نقاط مرتفع‌تر ایران مانند شمیرانات (ناحیه‌ای به نام اوسون) گرگان: بندر گز، جنگل گلستان مازندران: دره هزار، جنگل کندوان، گیلان: رشت، لاهیجان، آذربایجان: سلماس، بختیاری، لرستان: درود، ۲۵ کیلومتری مشرق خرم آباد، خراسان: کوه نیشابور، دره آبشار اخلمد، اطراف تهران: دره جاجرود، لشکرک، کرج، قزوین به حد فراوان یافت می‌شود. زنبور عسل از گل‌های آن نوش فراوان به دست می‌آورد. قسمت مورد استفاده این گیاه کلیه اندام‌های آن است. سیرک دارای خواص درمانی: نیرو دهنده، معرق، مدر و ضد اسکوریوت است. شیره تازه گیاه اثر خلط‌آور داشته و در بیماری‌های سینه استفاده می‌شود. مصرف آن در اخلاط خونی، حبس البول و قطع حالت قاعدگی در زنان جوان توصیه گردیده، بنابر تجربیات اثر ضد کرم نیز دارد، شیره تازه گیاه در بهبود زخم‌های چرکین و قانقاریایی اثر مفید دارد، دم‌کرده گیاه کامل در استعمال خارج در تقویت لته‌ها مؤثر است و برای این کار باید دم‌کرده گیاه را غرغره کرد. دانه این گیاه اثر قرمز کننده پوست دارد، لذا در گذشته به جای گرد خردل از آن استفاده می‌شده است. سیرک را باید به حالت تازه یا شیره آن را در مصارف درمانی به کار برد، زیرا گیاه خشک شده دارای اثر درمانی کمتر است. دم‌کرده ۲۰ تا ۶۰ در هزار گیاه یا شیره تازه به مقدار ۱۵ تا ۳۰ گرم در یک پوسیون یا در یک تیزان در مصارف داخلی به کار می‌رود.<sup>۱</sup>

### \* سیسبان

مایل گرمی و در دوم خشک و مقوی معده و حابس اسهال مزمن و نفث الدم و رافع سپرز و با شیر تریاق سموم و پاشیدن آب او مانع تولد کیک و لپس انگشتری او در انگشتر، خنصر چپ روز چهارشنبه قبل از طلوع آفتاب بالخاصیه مورث جاه و قبول نظرها و مصدع محرور و مصلحش گشنیز و شربتش تا دو درهم و بدلش باد آورد.<sup>۱</sup>  
مزاج معتدل: ملین، سینه و گلو را نرم کند و بویژه اگر با تخمش باشد تشنگی را تسکین و شکم را لینت دهد.<sup>۲</sup>

سیسبان درخت کوچکی است، خیلی سریع رشد و این گیاه در اندونزی به عنوان گیاه دارویی کاشته می شود.

در اندونزی گرد برگهای خشک شده گیاه را با کمی آب مخلوط کرده به عنوان ضد کرم و انگل به بچه ها می دهند و اگر کمی نمک با آن مخلوط کنند، برای تسکین سرفه توأم با اخلاط خونی از ربه می خورند. از ریشه آن در مصارف داخلی برای معالجه ناراحتی های زنانگی مصرف می کنند.

به عقیده حکمای طب سنتی ایران، پوست درخت قابض است و تخم آن برای بند آوردن اسهال و قطع ترشحات مفرط عادت ماهیانه خورده می شود و شیره برگ آن به عنوان ضد انگل و کرم کش داده می شود. مقدار خوراکی آن تا ۸ گرم است، در گرم مزاجان خوردن آن ایجاد سر درد می کند، لذا با گشنیز خورده شود.<sup>۳</sup>

### \* سیسالیوس

به فارسی کاشم رومی نامند. و بغدادی گفته غیر کاشم است. و شیخ الرئیس گفته: انجدان رومی است بالجمله: همه اقسام گرم و خشک در دویم محلل و ملطف و مسکن دردهای باطنی و مفتوح سدد و مقوی معده و مدر بول و حیض و جهت صرع و عسر نفس

۲- قانون در طب، ج ۲، ص ۲۵۱.

۱- تحفه حکیم مومن و قوابلین، ص ۱۶۰.

۳- معارف گیاهی، ج ۳، ص ۲۳.

و تقویت هاضمه و دفع ریح و تقویه باه و تقطیر البول و اخراج جنین و درد رحم و اذابه  
بلغم منجمد و یک مثقال آن با فلفل و شراب جهت رفع مضره هوای سرد و مداومه نه  
قیراط آن یا میفحیح تا ده روز جهت درد گرده، مضر محرورین و مصلح آن کثیرا و اکثر آن  
مضر جگر و مصلح آن زرشک، مقدار شربتش یک مثقال بدل آن انجدان است.<sup>۱</sup>

### \* سیکدامن

به فارسی سیکدامن و در کتب قدیمی بخور مریم، قرن الغزال، خبز الخنزیر، پنجه  
مریم و نوعی عرطینثا نامبرده می شود.

#### خواص:

از غده زیر زمینی گونه *c.rpsicum* به مقدار کم برای تسکین کولیک، درد شکم و  
تسکین دندان درد مصرف می شود و از غده زیر زمینی گونه اروپایی آن برای تسکین درد  
و به عنوان مسهل قوی تجویز می شود.

از نظر طب قدیم خیلی گرم و خشک است، باز کننده انسداد مجاری است و  
قاعده آور می باشد و ترشح شیر و عرق را افزایش می دهد، جنین را سقط می کند، برای  
باز کردن انسداد مجاری کبد و پاک کردن کبد مؤثر و معالج یرقان است، توضیحات کافی  
در بخور مریم آمده است.<sup>۲</sup>

### \* سیکاس

درختچه ای است بومی ژاپن و جزایر جاوه و در شمال ایران نیز کشت می شود.

#### خواص:

کرکهای بین برگها و همچنین گرد برگهای متغیر شکل تخم آن را در بر می گیرد، شبیه  
پشم است و برای قطع خونریزی روی زخمها گذارده می شود.

جوانه‌های انتهایی شاخه‌ها قابض و مدر است و معقیر، چوب تنه آن فکول دارد و خوراکی است، نوعی ساگو می‌باشد، از نظر دارویی مهمترین قسمت درختچه سیکاس، میوه و تخم آن است، تونیک و مقوی، نرم کننده سینه، قابض و قاعده آور است و برای معالجه رماتیسم مفید می‌باشد. از تخم آن موادی گرفته می‌شود که از رشد تومورهای بدخیم جلوگیری می‌کند. معروف است که فکول مغز چرب تنه درختچه و نشاسته مغز تخم آن جوان کننده است و موجب طول عمر می‌شود.<sup>۱</sup>

### \* سیون

تره تیزک آبی: سیون همان قره العین است که در آبهای راکد پیداست و نوعی بوی خوش دارد؛ خام و پخته‌اش در علاج سنگ و دیزنتری سودمند است.<sup>۲</sup>

سیم: فارسی فضا است.

سیماب: همان زینق است.<sup>۳</sup>

### \* سیماروبا

درختی به ارتفاع ۲۰ تا ۲۵ متر و دارای تنه‌ای است که پوست نسبتاً روشن به رنگ مایل به خاکستری آن را می‌پوشاند. چوب آن سبک وزن به رنگ تقریباً سفید و کم مقاومت است. برگهایی متناوب شامل ۳ تا ۱۰ زوج برگچه بی کرک و شفاف و گلپایی یک پایه کوچک مایل به سفید مرکب از ۵ کاسبرگ پیوسته و نا مساوی و ۵ گلبرگ بزرگتر از کاسبرگ دارد. در گل نر آن ۱۰ پرچم زایا ولی در گل ماده، منحصراً چند پرچم آن هم به صورت سترون مشاهده می‌شود که در وسط آنها مادگی قرار دارد. این درخت در زمینهای شنی و مرطوب گویان، شمال برزیل، اورنوک و آنتیل می‌روید. قسمت مورد استفاده آن پوست و ریشه است که به صورت قطعاتی به اندازه‌های مختلف در بازرگانی

۲- فانون، ج ۲، ص ۲۲۸.

۱- معارف گیاهی، ج ۲، ص ۱۷۱.

۳- تحفه حکیم عوم، ص ۱۵۶.

عرضه می‌شود. فاقد بو ولی دارای طعم بسیار تلخ است. در خاکستر حاصل از گیاه که معادل  $\frac{3}{8}$  درصد وزن آن است، فلزاتی نظیر مس، آهن، منگنز، کلسیم، پتاسیم، سدیم و شبه فلزاتی نظیر گوگرد، کالر، فسفر و سیلیسیم نیز مشخص گردیده است. پوست ریشه سیماروبا از نظر درمانی دارای اثر مقوی، قابض، تب‌یر و رفع دیسانتری است.

مصرف مقادیر درمانی ریشه سیماروبا، گاهی ایجاد حالت تهوع می‌نماید. مصرف زیاد آن ایجاد مسمومیت نموده، حالاتی نظیر سرگیجه استفراغ و اسهال به وجود می‌آورد.

ضمناً ترشحات عرق و ادران را زیاد می‌کند، ریشه سیماروبا با صورت گرد به مقدار یک تا ۵ گرم در روز و عصاره روان به مقدار ۱ تا ۳ گرم در ۲۴ ساعت مصرف می‌شود.<sup>۱</sup>

در اینجا نامهای زیادی از گیاهان در حرف سین هست که باید روی آنها تحقیق شود.

ساج: به هندی درخت بزرگی است

ساتهر: مسهلی است دافع باد و بلغم

ساتوری: بیخی است شیرین

ساروقوس بوم: نوع بزرگ بوم (جغد) است

ساس: فارسی فسافس است

ساریقون: در ضد است

ساسل: شادنج است

ساکوج: اسم شفتین بحری است

سبع الارض: پر سیاوشان است

سبع الشعیر: اخیمون

ستالی: شقاقل است<sup>۲</sup>

سبح الکتان، کثوت است

سبق اسم سیح است

سپیکا درختی است که از سفیدی استخوان پیدا شده

سپلی اسم پهیکی است

سپورسچا اسم بجوره است

سبوقه حاقطی است

سپندان گرد خردل است

سبوکان صفصافت

سبوس

سبزقبا: بلغت اصفهانی شقراق است

سپیداب از زیر اسم سفید است

سپید باه شوربای ساده است

سپه نوعی ماهی است

ستاکی شاخ نوبر آمده درخت است

ست به هندی چیزی است که بر آتش یا آفتاب خشک کنند

ستا پشپ اسم گل پرنیدریک است

ستاتوس اسم دوب سیاه است

ستاریه ابریشم است

ستاچهرتر اسم گوهل سفید است

ستاری به هندی آب درخت سپارست

ستاور به هندی پلی پیچرا گویند

ستابری و ستاوری بوز ایران است

ست پتری هندی کوچاست

ست پوره زخم و بلغم و جذاب را نافع و مسهل است



- پهوکلا اسم گویا است  
 ستیری پهل اسم آمله است  
 ست سار کثیر است  
 ست کرما ۵: دی بلیل است  
 ست گنو در نامو بیند  
 ستلا اسم بام است  
 ست لوباز تنند است  
 ستکم کتول است  
 ستاکیچک بان است  
 ستو هندی بست است  
 ستوا قسمی از بهناگ است  
 ستوا سرفظ دسی از زنجبیل است که بی ریشه است  
 ستوا بلا نوع شکر است  
 سی پلاس نوع انجور است  
 سنی نجهدا اسم و سنکرافتا است  
 سج اسم حواست  
 سجات خفاش است و ایضاً پوست هر چیز  
 سجاج شراب ممزوج به آب رقیق القوام  
 سجرف تنور گرم است  
 سجاکیسر گل مولسری است  
 سجا نونهان و سجر من هر دو اسم درخت نوبانیست  
 سجر کهار سجدی کهار است  
 سجزینیا مرکبی از تریاقات  
 سجس اذخر است

- سجس افرغیه اسم سنگسبویه و قلب است
- سجسبویه حب بلسان است
- سجلات یاسمین است
- سجونس اذخر است
- سجیلس و سجیس هر دو اسم اذخر است
- سجی اسم هندی اشخارست
- سجاگل بهرامی است
- سحاب به اصطلاح اهل اکسیر سیماب است
- سحاب البحر اسفنج است
- سحازل اسم سرکین است
- سحسجه شقاقل است
- سحله قطاده است
- سحم مطلق شجر است از هر نوع
- سحنون پرنده ایست که زود حرف زدن یاد می گیرد
- سحار پوست خرماسمت
- سحار سخیر است
- سحارون ترنجبین است
- سخاله براده است از فلزات
- سحاوس اسطوخودوس است
- سختت پست است و به معنی آورد و شدت هم آمده
- سخله بچه بز و میش است
- سخونس اسم اسل است
- سخون شوربای کرم کرده است
- سخیر نباتیست مقوی وهاضم

- سخیره زاج سرخ است  
سخینا مصطکی است  
سخیس درخت مصطکی است<sup>۱</sup>  
سداب اسم آس است و در آس مذکور شد  
سداب اغریا اسم فراسیونست  
سدا نوعی از فراسیونست  
سدا پشویی اسم آگ ست  
سداسهاگن نام گلی است هندی  
سد گلاب عرق آن جهت فساد خون و آبله و بشور مجرب است  
سد اپل گویند کولر است  
سد ابهار اسم هندی حلی العالم است  
سدا گرم روئیدگی است مثل نخود و جهت ضیق النفس مفید است  
سدا هست اسم سداب است  
سدها دته نوعی سرسون سفید است  
سدا کهار گیاهی است جالی  
سدر اسم عربی شجر کنار است  
سدر سن گیاهیست هندی و نافع جهت درد گوش و ریاح  
سدر مهان اسم درخت تمر چهم است  
سد ریطس اسم اخیلس است  
سدوس اسم نیلج است  
سدوس بستیاچ است<sup>۲</sup>  
سدپومندل اسم بسکهپره سرخ است  
سرا درختی است که از چوب آن کمان می سازند

- سراج الظلام کندش است  
سراد خلال است  
سرائیدن اسم اسارونست  
سراویل الطوال نوع آخر لیلاب است  
سرایون پر سیاوشان است  
سرائتی اسم هندی گوکهر و است  
سراونی اسم هندیست  
سرب به معنی سرب سینه دل و آب جاری آمده  
سهرب سوخته اسم ایارست  
سربو سربا هر دو اسم مار است  
سربالی نوعی دوائی هندیست  
سرباچھی چوب درختی است و دافع زهر مار  
سرب بهدر اسم کنبهار است  
سرب جن پریا اسم اوده و بر پرده نیز اطلاق می شود  
سربجیا نوعی چیاپهپ است<sup>۱</sup>  
سرب چهترم اسم چهتری است  
سربدشطا اسم راگر دوله کوچک است  
سرب دمشرا اسم تهاکو است  
سربرنی نام هلهل است  
سرب گنده نوعی پناست  
سربنال یعنی سورن  
سربیون اسم پر سیاوشان است  
سرپستان سپستان است

سرپند ملین شکم و مقوی باه، رافع آماسی اعضاء و فساد ریح  
سرپهوک که به فارسی برگ سونار نامند و نافع امراض سوداوی است  
سرپهچهد اسم کر یا پاک است  
سرپهی اسم تلسی و اندکو است  
سرپهی پر اسم جا من است  
سرپهی پر نی اسم کرنب است  
سرپهیدلا اسم ترید سیاهست  
سرة الارض قوطولیدون است  
سرج بقولی نام درخت ساج است<sup>۱</sup>  
سرچین اسم سرگین است  
سرچه اسم گنجشک است  
سرچمبیرا اسم لیمون کاغذی کوچک است  
سرحان گرک است و گویند شیر  
سرخاب اسم چکوه است  
سرخ الایچی اسم قاقله است قاقله کیار  
سرخک اسم فسافس است  
سرخ مرو به هندی لال ساگ گویند  
سرد اسم شامی کرفس است  
سردان اسم خاکشی است  
سرده اسم جراره است  
سردولی اسم جوز رومی است  
سرزدک اسم قيصوم است  
سرزمه اسم گرز است<sup>۲</sup>

سرمن به فارسی درخت زکریا گویند

سرما اسم لویان است

سرماویه پنچنیگشت است

سرسیرهم اسم کتول است

سرسون به فارسی سرشرف گویند

سربشدی

سرشرف اسم حرف ایض و خردل ایض گویند

سرطان خرچنگ است

سرطان بحری نوعی خرچنگ است

سرعوب ابن عرس است

سرفنت نوعی از خردل است

سرقین همان سرگین است

سرقساقه شبیه به صعتر است و نافع استسقاء

سرگبهو اسم بهنیس است

سرگتاکا ابنه کوهیست

سرگلک اسم ساگ چنچل است

سرکندا نوع بسیار بزرگ بانست<sup>۱</sup>

سرکه اسم فارسی خل است

سرکه عنصل

سرکه هندی اسم کانجی است

سرگین ذبل است

سرکولا دافع تب، صفرا و دمه و درد سینه و نفخ اسهال و درد سر هم مجفف است

سرکا هندی بیخ نیلوفر است

- سرکهب اسم فارسی سرسون است  
 سرل دیودار است  
 سرلاورمهان اسم سریوتسک است  
 سرمق سرمه است  
 سرمور بلغت هندی چوکی کاساک گویند  
 سرماج گویند حمامه است  
 سرم فشاع است  
 سرماشوق اسم عشقه است  
 سرنند طحلب را گویند  
 سرنج اسم اسرنج است  
 سرنچی اسم هندی است نباتی است شیه چلغوزه<sup>۱</sup>  
 سرنکاتک اسم فارسی سنگهار است  
 سرن کتیکی  
 سروالا با شکر حابس استحاضه است  
 سروانی اسم هدیه است  
 سرو بهدریک اسم کمبھالی کلان است  
 سروبیای جیلا عرعر است  
 سرو ترکستانی زرنب است  
 سرو تروکنی اسم سچی کهار است  
 سرو تو بهدر اسم نیب است  
 سرو چهدا اسم نوعی از کنول است  
 سرو سپادهک اسم نمی است  
 سروس اسم پتیر است  
 سرو کوهی اسم عرعر است

سرو کز نرھی اسم پیلامول است

سرو کوزار فراسیون است

سرو ماریچ اسم کموی سیاه است

سرون شاخ حیوان است

سرهنجی نبات هندیست جهت شکستگی استخوان

سریش اسم فارسی اشراس است

سریشم

سریشم ماهی

سریرت اسم قلب است

سری نار نوع ماده درخت تارست

سریت فراسیون است

سریان گویند نوعی زنا بیز زرد و سیاه است

سریس اسم کاسنی است<sup>۱</sup>

سریشط گندهی اسم جهر کاکولی است

سری گنده اسم صندل است

سرین طین اسم لوف است

سری بگه حیوانی شبیه خرچنگ و سوخته او بر روغن جهت خنازیر مجرب

است

سری باس اسم گل لونگ و گل کنول سفید است

سری پهل ام آمله و بیل است و بمعنی سرت پهل نیز آمده

سری پرنی اسم ارتی و نیز اسم کبنهار است

سریالی مقوی باه است

سریارا همان سروالی است



- سرتیکانچن اسم نوعی که چنار است  
 سریشطا اسم تریهلا است  
 سرسیریس اسم کجیپیل است  
 سریشی لغتی است  
 سری هستنی اسم سریانی است  
 سریکه اسم هندی سرس است  
 سری اسم کله پاچه است به هندی  
 سرینه اسم عثبه است<sup>۱</sup>  
 سزها اسم نیذ گندم است به بغدادی  
 سسا اسم هندی خرگوش است و به عربی ارنب گویند  
 مسمالی معرب سسالیوس یونانی است  
 سیاس: اسم صمغ درخت مدی سرخ است  
 سستی اسم سلج است  
 سستی کستی اسم ساگ چنچل است  
 سسطیقون بفارسی مرگ گازرونی گویند  
 سشویک پهل اسم بیل پتری است  
 سطاریون آن را به یونانی قرسطاریون و به فارسی بر ابران و به اصفهانی گل عقرب نامند و ضماد آن برگزیدگی عقرب و زنبور و ساثر هوام مجرب است  
 سکاح اسم جنس گیاهی است که بر روی زمین پهن نمی شود  
 سطانیون از نوعی از زعرور است، سطرابطیوطس به عربی فارسی الماء گفته می شود  
 به شرح رجوع شود<sup>۲</sup>  
 سطروخین اسم عنب الثعلب است  
 سطرادیقون اسم آذریون است

سطرسیون نباتی است که به آن پشم گویند

سطراک اسم زرنباد است

سطرکا اسم میعه یابسه است

سطفین اسم گز است

سطوریون اسم قنطوریون است

سطوی دوی مجهول الماهیت است

سطورسا اسم شبرم است

سطیعون اسم زوفرا است

سطیومس اسم راسو است

سطینوس اسم گلنار است

سالی و سعالی حثیثة السعال است و مفید است جهت سرفه

سعیر نزد بعضی سکینج است<sup>۱</sup>

ستجین گویند اسم سکینج است

سفتل عود بلسان است

سفن صغن نیز گویند و نوعی کائر شکاری است

شغیس اغریوس اسم قثالجمار است

سفین اسم سرخس است

سفال اسم فزف است

سفادیکس مقوی معده و مسکن درد گرده و مثانه

سفچه اسم ضفیوس است

سفر خرپوزه نارسیده و برگ درخت افتاده

سفرجل به می باشد

سفری اسم جام پهل می باشد

- سفرجل هندی اسم بیل است
- سفستان همان سپستان است
- سفسامن اسم خیار است
- سفس الكرم عسالیج کرم است
- سفلتون اسقولوقندریون است
- سفننداسفید گفته اند خردل سفید است
- سفنندولیون به شرح رجوع شود
- سفید آب اسم فارسی اسفیداج است
- سفیداب یزدی در هر دو شرح رجوع شود
- سفیدار اسم دردار است
- سفیدروی به هندی کاسنی گویند
- سفید استند فارس حرمل ایض است
- سفید خار اسم فارسی عوسج است
- سفید مرز اسم فارسی عصی الراعی کوچک است
- سفید مهره اسم فارسی قسمی از ودع است
- سقار بابونه است
- سقب بچه ناقه است
- سقر انجیر رقیق دوشاب خرما و صعتر
- سقراطیون قبیلست
- سقراغانیون و لبوس است<sup>۱</sup>
- سقرچین زرزد در ست
- سقرقویریوقی ماهیز هرج است
- سقرتیوس عقربست
- سقرویون اسقولوقندریونست

سقرنیومداس ذنب العقرب است

سقرقح نوعی شراب است

سقرقطن رامک است

سقر علك الانباط و علك البطم گویند

سقلیموس غار است

سقلیتون اسقولو قند ریونست

سقمونیا به شرح رجوع شود

سقن به فارسی یعنی سیلان و دوشاب قرنا

سقتفور بشرح رجوع شود

سقتقس سقتفور است

سقولو قندریا به شرح رجوع شود

سقوردون جمیز است

سقوردیون اسقوردیون است

سقوطون حی العالم است

سقولو قندریون اسقولو قندریون است

سقولیجان فراطین است

سقولومس حرشف است

سقونیا صابون است

سقونیون شوکران است

سقیط برف است

سک به شرح رجوع شود

سگ به شرح رجوع شود

سگ آبی به شرح رجوع شود

سکاهن سرکه قندیست  
سکاکای کاکل آدمی است  
سکال فنجنوش است  
سگ انگور عنب الثعلب است  
سکباج معرب، فارسی سکبا  
سکبینج به شرح رجوع شود<sup>۱</sup>  
سکدره درخت سرس است  
سکپندی گل چندر مکھی است  
سکر شکر است  
شکر العشر آگ کاگوند  
سکرواری عنم است  
سکرعلا اسم بسفایج است  
سگسنبویه او را سپستان گویند  
سکمارا اسم گل چنبلی است  
سکناس هندی ارلوست  
سگندبالا اسارون است  
سکنسدها رده است  
سکور بیدست  
سکوه گویند ساج است سکهری بارتاک است  
سلام به فارسی بویوکوهی گویند  
سلاطم عنب الثعلب است  
سلت به فارسی جو برهنه گویند  
سلجم معرب شلغم است

- سلحفاه سنگي پشت است  
سلحون عود است  
سلدهري و سلري كرفس است  
سلطان الاشجار درخت سرس است  
سلطان مهره ضماها نامند  
سلق چغندر است  
سلق برعا حماض است  
سلقون فقر اليهود است<sup>۱</sup>  
سلمون كرفس الماء گویند  
سلم درخت كتار است  
سلوي سماني را گویند  
سلوان دوايي كه سرور آورد  
سلور نقره است  
سلور زالو است  
سليفه السودا به يوناني زيت است  
سليماني داراشكنه است  
سليقون اسرنج است  
سماق به شرح رجوع شود  
سماق الدباغين نزد اكثر اطبا سماق است  
سماقيل همان سماق الدباغين است  
سماقيه نوعي طعام است از سماق  
سماني بلدرچين و به شرح رجوع شود  
سمان اسل است

سماد خاک زراعت است

سماروغ نوعی فطر است

سماریس ماهی شور است

سماهتک قثاء الحمار است

سم ظلف است

سم الحمار خرزهره است

سم السمک ماهیزج است

سم الفار به شرح رجوع شود

سمرشاکان درخت نیلی است

سمرنیون کرفس بری است

سم بری مور کوچک است

سمسق مرزنجوش است<sup>۱</sup>

سمطاوس سرمه است

سمع بچه گرگ که از کفتار به وجود آید

سمقوطی به شرح رجوع شود

سمک ماهی است

سمکة الصیدا و ثول و البول هر سه اسم رنگ ماهی است

سمک اليهودی شیخ البحر است

سملی قزط است

سمن عربی روغن است

سمنو میوه است

سمور استخوان است

سمهور سقنقور است

سنا به شرح رجوع شود

سناج سیاهی دود چراغ

سن یونانی موست و به فارسی عصه گویند

سن الکلب سیستان است

سام الجمیل کوهان شتر است

سنانیز آمله است

سنبادج به شرح رجوع شود

سنبل فارسی گل شب بورا گویند

سنبل اقلیطی همان رومی است

سنبل سوری همان جیلی است

سنبل هندی سنبل الطیب است<sup>۱</sup>

متبل الکلب ثمر دردار است

شیل کهار سم الفار است

سنبوسه به شرح رجوع شود

سنبت زیره است

سنبھاری به فارسی بودیه نهری است

سنبر شونیز است

سنبا به هندی پنجنگشت است

سنجاب به شرح رجوع شود

سنجد به شرح رجوع شود

سنجد بوی گلی که بوی گل سنجد را می دهد

سنجد خراسانی عناب است

سنجد هندی ثمر مولسری است



- سنجفر شنگرف است
- سنجر سپستان است
- سنقر پرندۀ شکاری
- سنجرف شنگرف است
- سنجنجل زعفران است
- سندر شربین است
- سندروس به شرح رجوع شود
- سندان عود هندی است
- سندانۀ ماده خر را گویند
- سندرنی اسرنج را گویند
- سندیان الارض فراسیون را گویند
- سنسق آس بری است
- سنسته زنبور سیاه است
- سنط قرظ است
- سنط فارسی حجر است
- سنگریزه رجوع شود به سنگها<sup>۱</sup>
- سنگ پشت فارسی سنلحفاة است رجوع شود به شرح
- سنگ فواره قطاست
- سنگ شکن اسم فارسی حب القلت است و نوعی خرما است
- سنگانه نام گنجشک کوچک است
- سنگویز زنجبیل است
- سنگتره به شرح رجوع شود
- سنگ میش زوفای خشک است

سنسکرت درخت خرمهره است  
 سنلم سنگ جراحی است  
 سنواسون سیماپ است  
 سنورگربه است  
 سوپ به شرح رجوع شود  
 سوت عسل است  
 سودالین است  
 سودق صعتر است  
 تسوتم سیماپ است  
 سود شیر است  
 سوده قنای بری است  
 سوراج و سوآل کالی زیری است  
 سورخنزیر است  
 سورج شوره است  
 سوریون درمنه است  
 سورنجان به شرح رجوع شود  
 سوریون شیخ ارمنی است  
 سورن به شرح رجوع شود  
 سوزیا اذخر است  
 سوس شیرین بیان  
 سوس به شرح رجوع شود  
 سوسن جبلی راسن است  
 سوسمار به شرح رجوع شود<sup>۱</sup>

سوس الخشب کرم چوب است

سوسکی همان سوسکی است

سوسنبر سنبر است

سوعان پیاز است

سوفال شبیه پوست درخت لسان العصافیر است

سوفته به فارسی سوس متولد شده است

سوقوطن شرح رجوع شود

سوقیطون به یونانی چند بیدستر است

سوقی به یونانی انجیر است

سوقیروس بید انجیر است

سوکری موصلی سیاه است

سوگن حب معصفر است

سوکندهاج کیون است مولان گویند چغندر است

سوقاقون اسفاناخ است

سوماما سخاله مس است

سومتی جوتری است

سون مکھی ذاریح است

سوتشری سپاری است

سون تره سنگتره است

سونس توتیا است

سونش براده آهن است

سویت سار روہنی است

سویت چندن سفید است

سویت گنچک زیره سیاه است

سویق به شرح رجوع شود

سویق تفاح

سویق حنطه

سویق حب الرمان<sup>۱</sup>

سویق حب یقطین یعنی پست تخم کدو، موافق تر و سرفه گرم را نفع دهد و مسکن

عطش است

سویق خرنوب سرد و خشک و بسیار قابض اسهال مزمن و نزف الدم را دفع کند

سویق شعیر به شرح رجوع شود

سویق غیرا سرد و خشک و قابض قوی است

سویق نبق یعنی پست کنار سرد و خشک نافع و مقوی معده و قابض اما با نفخ زیاد

سویقیه به شرح رجوع شود

سوبن اسم هندی ماهیچه است

سهاگه به شرح رجوع شود

سهاچرا کمر پتکی است

سهانله فارسی سخاله است

سه برگه فارسی حندوقی است

سهجری اسم ری است

سهچنه به شرح رجوع شود

سهر به فارسی ماده گاو است

سهریز نوعی خرما است

سهرین دارچین است

سهرپتر گل کنول است

سهر بهیدی وردکانجی است

- سهسروبريام دوب سفيد است  
سهسر مولي ستاور است  
سهكار بهل انبه شيرين و ستيا بهل است  
سه سنبل فارسي سيستبر است  
سه گل به فارسي عليق است  
سه كوهك فارسي حسك است  
سهل عربي غراب است  
سهلاة عربي حصي است  
سهنس بيد سنگي است نافع جهت اصلاح شكم و فساد خون و جوشش و دمایل  
سهنس گوئی حرمانه است  
سهورا نوعی درخت هندی است  
سهوبرا فارسی حجر است  
سيا فارسی منياست  
سياب گویند اسم بسر و بعضی خلال گفته اند  
سيابه شراب است  
سياسا حرمل است  
سياسر به فارسی اسم سارست  
سياع به عربي كتان است  
سياله ياسمين و حندقوقی را گویند  
سيان عشقه را گویند  
سياه بيد نوعی بيد است  
سياه دارو به فارسی كرمه السوداء  
سياه دانه شونيز است

سیاه گوش نوعی حیوان است

سیالی هندی شقاقن است

سیاهی به شرح رجوع شود

سیب به شرح رجوع شود

سیبا تمر هندی است

سیپهالی نوعی از ترکندی است

سیوس اسپغول است

سیبیا سیب است<sup>۱</sup>

سیتل چیتل ضدیست

سیتاپهل شریفه است

سیتاسپاری بلوط است

سیتاگر اسفند است

سیتل چینی مفید سوزش معده و سفید و دهن و زبان

ستیکا بادیان است

سیج نوعی از درخت زقوم است

سیچغه به فارسی باشه گویند

سیخول خارپشت بزرگ است

سیچقان ترکی موش است

سیر دشتی اسفوردیون است

سیرون قره العین است

سیران مرقشیشا است

سیری خارپشت است

سیسارون بیخ نباتی است

- سیسالیوس به شرح رجوع شود  
سیسامون کنگد است  
سیسیان به شرح رجوع شود  
سییا به شرح رجوع شود  
سیسنبه ذنب الخیل است  
سیسرون قره العین است  
سیسامون کنگد است  
سیس آبتوس هندی است  
سیسا سرطان بحری است  
سیسار انجدان طیب است  
سیسق سرمق است  
سیسمان نام است  
سیسه اسرب است<sup>۱</sup>  
سیسون شیشم است  
سیسینون افسنتین است  
سیطیبط صرص است  
سیفروس کندر است  
سیغوس قنای بستانی است  
سیقس اغریوس قنای بری است  
سیک قضیب حیوانات است  
سیکران بزر البنج است  
سیکران الحوت بومیر است  
سیکی شراب مثلث است

سپکھرا درخت بیگل است

سیدان خرمای غلیظ شده در آفتاب است

سیدانه عناب است

سیلج اشنه است

سیلقی وردان است

سیلوبان ذبل است

سیلهین لویاست

سیم نقره است به شرح رجوع شود

سیندور اسرنج است

سیند تهور است

سیندوری مثنان است

سیندهی به شرح رجوع شود

سنگیری سرب است

سیندیرس آهن است

سینوه خارپشت کوهی است

سیو سیب است<sup>۱</sup>

میوتی نسرین است

سیوار الهند کشت بر کشت است

سیون قره العین است

سیونتی کوچاست

سیوورچها نساء فرورا گویند

سیونین اطریه شهریه است

سیاهک اراقوا است



سپه‌ی خاریشت است<sup>۱</sup>

ما پژوهشگران را برای تحقیق این گونه گیاهان که در کتب قدیمی آمده دعوت می‌کنیم چون خداوند آنها را برای دفع امراض انسانها قرار داده چنانکه در روایات زیادی آمده است که هیچ مرضی نیست که خداوند داروی آن را در گیاهان نیافریده باشد. لذا کتابهایی که در اختیار خوانندگان عزیز قرار گیرد، بیشتر آن گیاهان را تحقیق و خواص آنها را بیان داشته‌ایم ولی جهت گستردگی کار برخی از آنها، از عهده ما خارج است و بدین جهت پژوهشگران را به یاری می‌طلبیم که در این امر حیاتی یاری فرمایند. خداوند به همه توفیق بیشتر عنایت فرماید و ما را در این امر مهم یاری نماید.

قم - مصطفی نورانی - ۱۳۸۱

## \* منابع و مأخذ

- ۱- ابریشمی، محمد حسن، شناخت زعفران ایران، انتشارات توس، چاپ اول ۱۳۶۶.
- ۲- ابن ابی اصیبعه، عیون الانباء، انتشارات دارالفکر (بیروت)، ۱۳۷۶ هـ.
- ۳- ابن الأثیر، النهایه، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ چهارم، تابستان ۱۳۶۴.
- ۴- ابن تیم جوزیه، محمد بن ابی یکر دمشقی، الطب النبوی، ۱۳۷۷.
- ۵- ابوالحسین احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغة (المجلد السادس)، مکتب الاعلام اسلامی، جمادی الآخرة ۱۴۰۴.
- ۶- ابوریه، محمود، ابوهریره، دارالمعارف بمصر سنة ۱۳۶۹.
- ۷- احمدیه، دکتر عبدالله، راز درمان، چاپ اقبال، بهار ۱۳۶۸.
- ۸- اختری الکبیر، مصطفی بن شمس الدین القره حصاری الشهیر بالاختری، سنة ۱۵ ربيع الاول ۱۲۸۹.
- ۹- ادوارد کلوس، واروتایلر، نین برادی، مفردات پزشکی، انتشارات دانشگاه تهران، اردیبهشت ۱۳۵۸، ترجمه دکتر یعقوب آئینه چی.
- ۱۰- ادیب، دکتر عباس، تشخیص و درمان طبی بیماریها، انتشارات دفتر علمی پخش نو، چاپ دوم ۱۳۶۳.

- ۱۱- اژدری، اسماعیل، دکتر برای همه، انتشارات اقبال، چاپ دوازدهم.
- ۱۲- اژدری، اسماعیل، طیب خانواده، شرکت نسبی اقبال و شرکا، چاپ ششم ۱۳۴۷، آبان.
- ۱۳- اژدری، اسماعیل، مجموعه طب سنتی و گیاهی، انتشارات بارید.
- ۱۴- اسحاق بن سلیمان، الاغذیه و الادویه، مؤسسة عزالدین، ۱۴۱۲، ه. ق.
- ۱۵- اسهان، انتشارات دفتر علمی بخش نور.
- ۱۶- اصفهانی: محمد مهدی، بهداشت تغذیه، انتشارات قلم، شهریور ۱۳۶۰.
- ۱۷- اطفیش، محمد بن یوسف، تحفة الحب فی اصل الطب، ۱۴۰۵ ه.
- ۱۸- اعظم خان، حکیم محمد، محیط اعظم، چاپ هندوستان.
- ۱۹- اعلمی هرنندی، بهادر، کمردرد به زبان ساده، نشر گستره، چاپ دوم پاییز ۱۳۶۷.
- ۲۰- اعلمی، هرنندی، دکتر بهادر، چاپ سوم ۱۳۶۶.
- ۲۱- الافریقایی و المصری، ابن منظور، لسان العرب، نشر ادب الحوزة، سنه ۱۴۰۵ ه. مطابق ۱۳۶۳ ق.
- ۲۲- الاندلس، سلیمان بن حسان، طبقات الاطباء و الحكماء، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۹.
- ۲۳- الاندلسی، ضیاء الدین عبدالله بن احمد، ابن البیطار.
- ۲۴- الانطاکی، شیخ داود الضریح، تذکرة اولی الالیاب و الجامع للعجب.
- ۲۵- البغدادی، موفق الدین عبداللطیف، الطب من الكتاب و السنة، دارالمعرفة، ۱۴۰۶ ه.
- ۲۶- الجواهری، عبدالحسین، طب (امام موسی کاظم (ع)، ۱۴۱۰ ه. ق.
- ۲۷- الرازی، محمد بن ابی بکر بن عبدالقادر، مختار الصحاح، دارالکتاب العربی، ۱۹۶۷.
- ۲۸- المقرئ الفیومی، العالم العلامة احمد بن محمد بن علی، المصباح المنیر، ۱۳۴۷ ه.
- ۲۹- النهروی، مرفق الدین ابو منصور علی، الابنیه عن حقائق الادویه، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۶.
- ۳۰- امیر صادقی، نصرالدین، طب و بهداشت (از امام رضا (ع))، مؤسسه مطبوعاتی معراجی، ۱۳۵۱.
- ۳۱- امیری، دکتر منوچهر، فرهنگ داروها و واژه‌های دشوار، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۳.

- ۳۲- ایلیچ، ایوان، قتل عام پزشکی، شرکت نشر و پخش کتاب، انتشار مرداد ۱۳۵۴.
- ۳۳- باتمانقلج، دکتر فریدون، خوددرمانی با آب، دفتر مرکزی و نمایشگاه شرکت کتابسرا، چاپ پنجم، زمستان ۱۳۷۰.
- ۳۴- برزگر، دکتر محمد، راز گیاهان شفابخش، انتشارات زرین، چاپ اول ۱۳۶۱.
- ۳۵- بنجامین، هاری، راهنمای همگان برای درمان طبیعی، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴.
- ۳۶- بوشنب، فائزه، فن التداوی، انتشارات دارالرشید، ۱۴۱۴ هـ.
- ۳۷- بهداشت برای حوزه علمیه، انتشارات وزارت بهداشتی معارف امور بهداشتی، آذر ۱۳۶۳.
- ۳۸- بیرونی، ابوریحان، صیدنه، شرکت افست (سهامی عام)، ۱۳۵۸.
- ۳۹- پاک‌نژاد، دکتر سیدرضا، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، انتشارات بنیاد فرهنگی شهید پاک‌نژاد، تیر ۱۳۶۱.
- ۴۰- پایان نامه دکتر بهمن نواب‌زاده نوابی در مورد شیوع پوسیدگی دندان و بیماریهای دهان و دندان در کودکان ۶ تا ۱۴ ساله در شمال تهران، سال تحصیلی ۶۷-۱۳۶۶.
- ۴۱- پروفیسور شمس، مبارزه با تراخم، سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی، ۱۳۲۸.
- ۴۲- پناه، علی، طب النبوی و الائم.
- ۴۳- توبرامایسین، ترجمه دکتر فرخ خمایی اسدی، انتشارات دفتر علمی پخش نو.
- ۴۴- ثابتی، دکتر حبیب‌الله، جنگل‌های ایوان، انتشارات کتابخانه ابن سینا، انتشار دی ماه ۱۳۴۶.
- ۴۵- جاهد، رضا، داروخانه معنوی، نشر هاتفا، چاپ دوازدهم ۱۳۷۸.
- ۴۶- جرجانی، سیداسماعیل، حقی‌علائی، انتشارات اطلاعات، چاپ اول ۱۳۶۹.
- ۴۷- جزایری، دکتر غیاث‌الدین، زبان خوراکیها، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ اول ۱۳۵۱.
- ۴۸- جونز، الی. جی، سرطان، دانشگاه آزاد اسلامی بابل، چاپ اول تابستان ۱۳۶۹.
- ۴۹- جهان پزشکی، جلد سی و هفتم، خرداد ۱۳۲۹.
- ۵۰- جفمینی، محمودبن محمدبن عمر، قانونچه، انتشارات دانشگاه علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴.

۵۵۴ ..... دائرة المعارف طب اسلامی

- ۵۱- چیت‌ساز، دکتر رهنما، راهنمای پزشکی خانواده، چاپ اول ۱۳۶۲ ه. ق.
- ۵۲- حاجبی، پروفیسور محمد حسین، نجات از سرطان، انتشارات مجله پزشک خانواده، چاپ پنجم ۲۵۳۷.
- ۵۳- حاجبی، دکتر محمد حسین، پزشک خانواده، انتشارات اقبال، ۱۳۴۵.
- ۵۴- حاجبی، محمد حسین، بیماریهای تغذیه، انتشارات اقبال، تاریخ انتشار خرداد ۱۳۶۲.
- ۵۵- حاجبی، محمد حسین، پزشک اطفال، انتشارات اقبال، چاپ سوم اردیبهشت ۱۳۶۳.
- ۵۶- حاجبی، محمد حسین، چه کنیم که دچار زخم معده و اثنی عشر نشویم، مرکز کتاب گلگشت، اردیبهشت ۱۳۶۲.
- ۵۷- حاجبی، محمد حسین، راز پیشگیری و درمان سرطان، انتشارات اقبال، چاپ اول آذر ۱۳۶۲.
- ۵۸- حاجبی، محمد حسین، مجموعه دانستیهای پزشک خانواده.
- ۵۹- حسابدار، محمد، نجات از بیماریها، انتشارات ذره، اراک، شهریور ۱۳۷۰.
- ۶۰- حسینی طیبی، محمد مؤمن، تحفة حکیم مؤمن، افست مصطفوی، سنه ۱۳۷۸.
- ۶۱- حکیم، سید محمد تقی، خوردنیها و آشامیدنیها، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم بهار ۱۳۶۵.
- ۶۲- خسروی موسوی همدانی، دکتر سید احمد علی، راهنمای تندرستی، انتشارات مدرسه عالی کشاورزی، ۱۳۵۱.
- ۶۳- خلاصه مقالات چهارمین سمینار گیاهان دارویی ایران، دانشگاه داروسازی علوم پزشکی تهران، مهر ۱۳۶۹.
- ۶۴- خلیلی، محمد، طب الصادق، مؤسسه مطبوعاتی عطائی.
- ۶۵- خواص میوه‌ها و خوراکیها، مهرداد مهرین، انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم ۱۳۵۴.
- ۶۶- داودی، علیمراد، دربارهٔ نفس، انتشارات دانشگاه تهران، شهریور ۱۳۴۹.
- ۶۷- رادپویا، علی اکبر، هنر خوب زیستن، راز طول عمر با تغذیهٔ طبیعی (خامگیاه خواری)، انتشارات شهید، ۱۳۶۲.
- ۶۸- راشدی، لطیف، داروخانه در خانه، انتشارات قدس.
- ۶۹- راهنمای نجات از مرگ مصنوعی.

- ۷۰- زرگری دکتر علی، گیاهان دارویی، انتشارات دانشگاه تهران، تاریخ آبان ماه ۱۳۶۵.
- ۷۱- زکریای رازی، الاسرار و سرالاسرار، ۱۳۴۳.
- ۷۲- ژورنال گیاه شناسی ایران، مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع، چاپ اول ۱۳۶۳.
- ۷۳- سجادیه، سید محمد علی، پیشگیری و مبارزه با سرطان، مؤسسه انتشارات بعثت، چاپ اول پاییز ۱۳۶۵.
- ۷۴- س. دیوب، پ. س. ساچدو، مسائل سلامت روانی، دانشگاه آزاد اسلامی بابل، آذر ۱۳۶۸.
- ۷۵- سروالدین، محمد، طب الکبیر یا فرشته نجات، مؤسسه انتشارات عطائی، چاپ پانزدهم ۱۳۷۳.
- ۷۶- سروالدین، محمد، طب المفید، مؤسسه انتشارات عطائی، چاپ نهم.
- ۷۷- سقزاده واعظ، حاج میرزارضا، انتشارات کتابفروشی اسلامیّه.
- ۷۸- سوفورین الکسی، روزه: روش نوین برای درمان بیماریها، دارالکتاب الاسلامیه، زمستان ۱۳۷۱.
- ۷۹- سیاح، احمد، فرهنگ بزرگ جامع نوین، بهمن ۱۳۳۰ ش.
- ۸۰- شاتونه، ژان، آشنایی با گیاهان دارویی، انتشارات نشر روز، چاپ اول ۱۳۶۷.
- ۸۱- سُبر، سید عبدالله، طب الأئمة، چاپ اول بهار ۱۳۷۶.
- ۸۲- شبعی، اسماعیل، درمان گیاهی، انتشارات اسناد، چاپ دوم، زمستان ۱۳۷۲.
- ۸۳- شکل درمان عفونت در زمینه نارسائیهای ایمنی، ترجمه دکتر فرخ خماسی اسدی، انتشارات دفتر علمی پخش نو.
- ۸۴- شهری، جعفر، اعجاز طب و درمان، مؤسسه مطبوعاتی خزر، چاپ دوم.
- ۸۵- شیخ رئیس ابوعلی سینا، قانون در طب، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۷.
- ۸۶- صفی زاده، صدیق، طب سنتی، مؤسسه مطبوعاتی عطائی، چاپ اول بهار ۱۳۶۱.
- ۸۷- صمیمی زاده، هوشنگ، راهنمای کمکهای اولیه، انتشارات کلمه، چاپ دوم ۱۳۶۸.
- ۸۸- طبوری پور، دکتر سیدعلی، دانستیهای پزشکی و علمی، دانشگاه آزاد اسلامی، چاپ اول مرداد ۱۳۶۹.
- ۸۹- طبوری پور، دکتر سید علی، دانستیهایی در باره قلب، انتشارات بتفشه، اسفند ۱۳۷۰.

۵۵۶ ..... دائرة المعارف طب اسلامی

۹۰- طبیری پور، دکتر سیدعلی، طب اسلامی (حجامت و زالو)، انتشارات النبی بابل، تابستان ۷۶.

۹۱- طب و بهداشت در اسلام، ترجمه و اقتباس، جواد فاضل، کتابفروشی ادبیه، چاپ دوم ۱۳۴۰.

۹۲- عبادزاده کرمانی، محمد، طب العظیم، مؤسسه مطبوعاتی عطائی، چاپ دیماه ۱۳۵۲.

۹۳- عبدالغنی عبدالخالق، الطب النبوی، انتشارات دارالکتب العلمیه بیروت، لبنان، ۶۹۱-۷۵۱ هـ

۹۴- عرفانی، دکتر حسین، صد گیاه و هزار درمان، مؤسسه انتشارات سگه، بهمن ۱۳۶۲.

۹۵- عزیزی، عباس، چهل حدیث (دهان و دندان)، مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی، آذر ۱۳۷۱.

۹۶- عطارنژاد، ح، م، ت، نسخه عطار یا ایجاد معلومات و رفع مجهولات، شرکت سهامی طبع کتاب، ۱۳۵۰.

۹۷- عقیلی خراسان، مخزن الأدوية، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۱.

۹۸- عقیلی علوی خراسانی شیرازی، سید محمد حسین، قرابادین کبیر، انتشارات محمودی تهران، فروردین ۱۳۴۹ شمسی.

۹۹- قائید، جلیل، برنامه تویسی مغز، سازمان چاپ و نشر هادی، چاپ بهار ۱۳۷۵.

۱۰۰- فروچی، دکتر علی، کالبدشناسی توصیفی، مؤسسه نشر دانشگاهی، ۱۳۶۳.

۱۰۱- فلوک، پروفیسور هانس، گیاهان دارویی، انتشارات روزبهان، چاپ سوم، ۱۳۶۸.

۱۰۲- فوزی طه، قطب حسین، النباتات الطیبة، لدارالعربیة للکتاب لیبیا، ۱۹۷۹ م.

۱۰۳- فیاض بخش، دکتر محمد علی، جلالی، دکتر علی اکبر، کمکهای اولیه، کمیته امداد

امام خمینی وارد امدادگوان، چاپ اول، تیر ۱۳۵۷.

۱۰۴- فیشر، هاری - ر، پرسش و پاسخ پزشکی (دهان، چشم، گوش، بینی و گلو)، انتشارات جانزاده، تیر ۱۳۶۵.

۱۰۵- قلی زاده کلان، فرض الله، بهداشت روانی کودکان، انتشارات ظفر، چاپ اول تابستان ۱۳۶۷.

۱۰۶- کارل، الکسیس، کمکهای اولیه، کتابفروشی فروغی، چاپ چهارم.

- ۱۰۷- کالمیژاسین، مایه کوبی بر ضد سل، انتشارات انستیتو پاستور ایران، ۱۳۲۸.
- ۱۰۸- کتابهای ابی الجعد تألیف احمد بن عامر الطائی، کتاب نثرالثانی تألیف علی الطبرسی و کتاب الطب تألیف عتاب عبدالله بن بسطام و اخیه الحسین بن بسطام.
- ۱۰۹- کرینسکی، دکتر میلتون، پرسش و پاسخ پزشکی (ریه و مثانه)، انتشارات جاززاده، چاپ اول مرداد ۱۳۶۵.
- ۱۱۰- کمکهای نخستین و انتقال مصدومین در فوریتهای پزشکی، دکتر محمدعلی میلانی، انتشارات ستاد عملیاتی پاسداران انقلاب اسلامی قم.
- ۱۱۱- کیهانی، ابوالفضل، تغذیه طبیعی مهمترین مسأله جهان، انتشارات دنیای کتاب، انتشار ۱۳۶۱.
- ۱۱۲- گاندی، مهاتما، کلید تندرستی، مؤسسه علمی اندیشه جوان، چاپ اول ۱۳۶۶.
- ۱۱۲- گری، جی. اچ، فیزیولوژی بالینی، انتشارات کلمه، چاپ هفتم ۱۳۶۸.
- ۱۱۴- ابی الحسن علی بن سهل ابن الطبری، فردوس الحکمة، انتشارات آفتاب، سنه ۱۹۲۸.
- ۱۱۵- محی الدین ابی عبدالله محمد ابن العربی، البلغة فی الحکمة.
- ۱۱۶- مجموعه مقالات در باره طب سنتی ایران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۲.
- ۱۱۷- محمد بن الحسن المشهدی، القوائد الرضویة و رساله المواهب العلیة، ربیع الثانی ۱۴۰۰.
- ۱۱۸- محمد بن زکریای رازی، الحاوی، شرکت داروسازی الحاوی، مرداد ۱۳۷۲.
- ۱۱۹- محمد بن زکریای رازی، من لایحضره الطیب، شرکت سهامی طبع کتاب، ۱۳۳۴ ش.
- ۱۲۰- مرتضی العاملی، سید جعفر، الآداب الطبیة، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، خرداد ۱۳۶۲.
- ۱۲۱- مصطفوی کاشانی، دکتر جلال، بررسی در طب سنتی و مقایسه آن با جهان، انتشارات دانشگاه تهران، آبان ماه ۱۳۶۰.
- ۱۲۲- مصطفوی کاشانی، دکتر سید جلال، دارو مسأله پزشکی قرن، انتشارات کیهان، تابستان ۱۳۶۷.
- ۱۲۳- مضرات سقط جنین، ترجمه محمد علی ریاضی فرزاد.



- ۱۲۴- معین، دکتر محمد، فرهنگ فارسی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم.
- ۱۲۵- ملائک، دکتر سیدعباس، قرآن و دانش پزشکی.
- ۱۲۶- مهتابی، احمدرضا، غذاهای خام گیاهی یگانه غذای انسان.
- ۱۲۷- مهندس هاشمی، بهداشت، (برای سال دوم دبیرستان)، شرکت سهامی طبع کتاب.
- ۱۲۸- میرحیدر، حسین، معارف گیاهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، تاریخ ۱۳۷۲.
- ۱۲۹- میردامادی، دکتر حسن، فرهنگ پزشکی نوین، انتشارات شرکت سهامی چهار، خرداد ۱۳۶۳.
- ۱۳۰- ناظم، دکتر محمد، نادری نسب، محبوبه، باکتری شناسی پزشکی، انتشارات آستان قدس رضوی، آذر ۱۳۶۷.
- ۱۳۱- نجفی، محمد جواد، خواص خوراکیها و گیاهان، کتابفروشی اسلامی، دیماه ۱۳۴۲.
- ۱۳۲- نجم آبادی، محمود، تاریخ طب در ایران پس از اسلام، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۳.
- ۱۳۳- نراقی، مهدی، گلها و گیاهان شفابخش، انتشارات امیرکبیر، چاپ پنجم، شهریور ۲۵۳۵.
- ۱۳۴- نراقی، مهدی، نسخه‌های تندرستی از طب طبیعی، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول ۱۳۶۳.
- ۱۳۵- نسخه، ماهنامه علوم پزشکی، دفتر علمی شرکت سهامی پخش نو.
- ۱۳۶- نشاط، دکتر حسنعلی، افشار، دکتر ابوالقاسم، بهداشت گوشت، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۵۲.
- ۱۳۷- نفیسی، دکتر ابوتراب، پژوهش در مبانی عقاید سنتی پزشکی مردم ایران، انتشارات مشعل، چاپ اول ۱۳۶۴.
- ۱۳۸- نواب، دکتر عبدالحسین، خام خواری یا تغذیه سالم، نشر دنیای کتاب.
- ۱۳۹- نواب، دکتر عبدالحسین، خام‌گیاه‌خواری.
- ۱۴۰- نورانی، آیه‌الله مصطفی، طب اسلامی، انتشارات مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام)، چاپ دوم، ۱۳۷۰.
- ۱۴۱- هاوزر، گیلور، چه باید خورد و چگونه باید پخت، انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم

۱۳۶۰.

۱۴۲- همدرد به زیان اردو.

۱۴۳- هوشمند و یژده، دکتر محمد، تشخیص و درمان مسمومیت‌ها، انتشارات کلمه، چاپ

اول ۱۳۶۸.

۱۴۴- یوسفی، غلامحسین (تصحیح)، تقویم الصحة، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران،

تابستان ۱۳۵۰.

ضمناً مطالبی در این کتاب از اطبای مختلف مانند دکتر جوانمرد، دکتر اسفندیاری و

دکتر موسوی استفاده شده است که دارای کتاب نبوده و تنها اسم آنها در بعضی از

پاورقی‌ها آمده است.



# DARU

ical Laboratory





# DARU

ical Laboratory





# DARU

cal Laboratory





# DARU

ical Laboratory





# DARU

cal Laboratory









# DARU

cal Laboratory









